



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

این کتاب از سوره قرآن است

این کتاب از سوره قرآن است

این کتاب از سوره قرآن است

قرآن و امام حسین

امام حسین و قرآن

دانشگاه محمد باقر مجلسی قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن و امام حسین علیه السلام ، امام حسین علیه السلام و قرآن

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	قرآن و امام حسین علیه السلام ، امام حسین علیه السلام و قرآن
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۵	فهرست مطالب
۴۵	مقدمه
۴۷	پیشینه
۴۹	فصل اول: امام حسین علیه السلام و قرآن
۴۹	اشاره
۵۱	درآمد
۵۱	اول: جایگاه قرآن از منظر امام حسین علیه السلام
۵۱	اشاره
۵۱	الف) ثواب قرائت قرآن
۵۱	ب) بزرگداشت معلم قرآن
۵۲	ج) نکوداشت قاری قرآن
۵۲	دوم: نقش قرآن در زندگی امام حسین علیه السلام
۵۲	اشاره
۵۲	الف) قرائت قرآن را دوست داشت
۵۳	ب) خواندن قرآن با حالت گریان
۵۳	ج) اخلاق قرآنی
۵۴	د) نقش قرآن در نهضت عاشورا
۵۴	ه -) نقش قرآن در کلام امام حسین علیه السلام
۵۴	سوم: خدمات امام حسین علیه السلام نسبت به قرآن
۵۴	اشاره

۵۴	الف) بیان مراتب فهم قرآن
۵۷	ب) بیان روش های تفسیر قرآن
۵۸	ج) تفسیر آیات قرآن
۵۹	د) عمل به قرآن
۶۰	ه -) مهجوریت زدایی از قرآن
۶۱	چهارم: مبانی قرآنی نهضت عاشورا
۶۱	اشاره
۶۱	مفهوم شناسی
۶۲	مهم ترین مبانی قیام
۶۲	اول: بلند کردن نام خدا (اعتلای کلمه الله)
۶۳	دوم: یاری دین و عزت شریعت الهی
۶۳	سوم: جهاد برای حفظ اسلام
۶۵	چهارم: اصلاح طلبی
۶۶	پنجم: امر به معروف و نهی از منکر
۶۹	ششم: پاسداشت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله
۷۱	هفتم: هجرت
۷۲	هشتم: مبارزه با ستمکاری
۷۴	نهم: آزادسازی و آزادگی
۷۷	دهم: ذلت ناپذیری (عزت مداری)
۷۹	یازدهم: انتخاب یکی از دو نیکی
۸۰	دوازدهم: وجوب پاسخ مثبت امام حق به اتمام حجت مردم
۸۱	پنجم: تفسیر آیات قرآن توسط امام حسین علیه السلام
۸۱	اشاره
۸۱	۱- سه گروه مردم (ناس - اشباه ناس - نسناس) در قرآن
۸۳	۲- امام حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام اولوالارحام در قرآن
۸۴	۳- زمین بی گناه

- ۴- پرسش از ولایت در رستاخیز ۸۶
- ۵- اهمیت تفسیر کهیعص ۹۲
- ۶- آیه تطهیر و مصادیق آن از اهل بیت علیهم السلام ۹۴
- ۷- هموردی اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه در مورد خدانشناسی ۹۴
- ۸- اهل بیت علیهم السلام بر پادارندگان نماز در زمین ۹۵
- ۹- پاداش رسالت، دوستی اهل بیت علیهم السلام ۹۷
- ۱۰- ویژگی های اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله ۹۸
- ۱۱- دشمنان فاسق و کینه توز اهل بیت علیهم السلام ۱۰۳
- ۱۲- عبادت شبانه ۱۰۷
- ۱۳- شاهد و مشهود در قرآن ۱۱۲
- ۱۴- خورشید و ماه اسلام ۱۱۸
- ۱۵- یادآوری نعمت های الهی ۱۱۹
- ۱۶- تفسیر «صمد» ۱۲۳
- ۱۷- امامان هدایت و گمراهی ۱۲۹
- ششم: استشهادهای قرآنی امام حسین علیه السلام ۱۳۰
- درآمد ۱۳۰
- ۱- نپذیرفتن حق، ستمکاری به خویشان ۱۳۱
- ۲- یاد مبدأ و معاد در هنگام مصائب (استرجاع) ۱۳۳
- ۳- مهلت به دشمنان امام حسین علیه السلام برای گناه بیشتر و عذاب دردناک تر ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶
- دشمنان امام حسین علیه السلام از مصادیق قانون «املاء» ۱۳۷
- ۴- راضی به قضای الهی ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- امام حسین علیه السلام راضی به قضای الهی ۱۴۱
- ۵- تقابل شجاعانه صالحان با مخالفان ۱۴۲
- اشاره ۱۴۲

- تقابل صالحان با مخالفان در کربلا ۱۴۳
- ۶- ماجرای امام حسین علیه السلام از آیات عجیب الهی ۱۴۵
- ۷- بی نیازی از یاری گمراهان ۱۴۹
- اشاره ۱۴۹
- بی نیازی امام حسین علیه السلام از یاری افراد گمراه گر ۱۵۱
- ۸- روز انتقام از ستمکاران ۱۵۲
- ۹- هجرت موسی وار از مدینه به مکه: ۱۵۵
- ۱۰- شهیدان وفادار و مردان منتظر ۱۵۹
- ۱۱- سرنوشت عذاب آلود ظالمان ۱۶۲
- ۱۲- پناه بر خدا ۱۶۳
- ۱۳- پیمان شکنی کوفیان ۱۶۶
- اشاره ۱۶۶
- فرجام پیمان شکنان با امام حسین علیه السلام ۱۶۹
- ۱۴- تفاوت تکبر با عزّت ۱۷۱
- اشاره ۱۷۱
- امام حسین علیه السلام عزتمند است نه متکبر ۱۷۲
- فصل دوم: قرآن و امام حسین علیه السلام (آیات الحسین علیه السلام) ۱۷۵
- اشاره ۱۷۵
- درآمد ۱۷۷
- مفهوم شناسی ۱۷۷
- تفسیر آیات الحسین علیه السلام به ترتیب مصحف ۱۷۹
- اول: سوره بقره ۱۷۹
- ۱- آموزش نام های پیامبران و اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام ۱۷۹
- اشاره ۱۷۹
- امام حسین علیه السلام از مصادیق «أسماء» ۱۸۲
- ۲- توسل به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام زمینه ساز پذیرش توبه آدم علیه السلام ۱۸۳

- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۴ امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی -
- ۳- توسل به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام زمینه ساز پذیرش توبه و دفع بلا - ۱۸۶
- ۱۸۶ اشاره
- توسل به امام حسین علیه السلام عامل پذیرش توبه و رفع بلا - ۱۸۸
- ۴- توسل به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام زمینه ساز برکات الهی - ۱۸۹
- ۱۸۹ اشاره
- توسل به امام حسین علیه السلام زمینه ساز نزول برکات الهی - ۱۹۰
- ۵- شهادت امام حسین علیه السلام به دست یهودیان امت اسلام - ۱۹۱
- ۱۹۱ اشاره
- تشبیه قاتلین امام حسین علیه السلام به خونریزان یهود - ۱۹۳
- ۱۹۵ شباهت های قاتلین امام حسین علیه السلام با یهود
- ۶- اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام از کلمات الهی - ۱۹۵
- ۱۹۵ اشاره
- امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی - ۱۹۸
- ۷- ایمان به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام از دستورات الهی - ۱۹۹
- ۱۹۹ اشاره
- ایمان به امام حسین علیه السلام از مصادیق ایمان به آیات قرآن - ۲۰۲
- ۸- امام حسین علیه السلام گواه و الگوی امت امام - ۲۰۳
- ۲۰۳ اشاره
- امام حسین علیه السلام مصداق «شهید» (گواه و الگو) - ۲۰۶
- ۹- انتقام از دشمنان امام حسین علیه السلام : - ۲۰۷
- ۲۰۷ اشاره
- دشمنان امام حسین علیه السلام مصادیق ستمکاران - ۲۰۸
- ۱۰- خویشاوندان راستین پیامبر در قرآن - ۲۰۹
- ۲۰۹ اشاره

- ۲۱۰ امام حسین علیه السلام از مصادیق اولوالارحام
- ۱۱- لزوم محافظت اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام ۲۱۲
- اشاره ۲۱۲
- ۲۱۳ امام حسین علیه السلام باطن نماز در قرآن
- ۱۲- امام حسین علیه السلام و فرزندان معصومش دستگیره محکم الهی ۲۱۳
- اشاره ۲۱۳
- ۲۱۷ امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر
- ۱۳- امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر: ۲۱۸
- اشاره ۲۱۸
- ۲۲۰ امام حسین علیه السلام و فرزندانش باطن خوشه های پربار در قرآن
- دوم: سوره آل عمران ۲۲۰
- اشاره ۲۲۰
- ۱۴- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام آگاه به تأویل قرآن ۲۲۱
- اشاره ۲۲۱
- ۲۲۴ امام حسین علیه السلام از مصادیق اکمل راسخان در علم و آگاهان به تأویل قرآن
- ۱۵- امام حسین علیه السلام از برگزیدگان نسل ابراهیم علیه السلام ۲۲۴
- اشاره ۲۲۴
- ۲۲۷ امام حسین علیه السلام مصداق آل ابراهیم و برگزیده الهی
- ۱۶- امام حسین علیه السلام در جریان مباحله ۲۲۸
- اشاره ۲۲۸
- ۲۳۰ امام حسن و حسین علیهما السلام مصداق انحصاری «أبنائنا»
- ۱۷- قاتلان امام حسین علیه السلام در نسل های بعدی ۲۳۱
- اشاره ۲۳۱
- ۲۳۳ راضی به قتل امام حسین علیه السلام شریک در گناه قاتلان ایشان
- ۱۸- اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام بهشتی و کامیابند ۲۳۴
- اشاره ۲۳۴

- ۲۳۵ ----- امام حسین علیه السلام مصداق اکمل رستگاران و شیعیانش بهشتی اند
- ۲۳۶ ----- ۱۹- امام حسین علیه السلام پایدار و نگهبان دین
- ۲۳۶ ----- اشاره
- ۲۳۹ ----- امام حسین علیه السلام مصداق کامل صبر و موابطه
- ۲۳۹ ----- سوم: سوره نساء
- ۲۳۹ ----- ۲۰- کشتن امام حسین علیه السلام از گناهان کبیره
- ۲۳۹ ----- اشاره
- ۲۴۱ ----- قتل امام حسین علیه السلام از مصادیق کبائر
- ۲۴۳ ----- ۲۱- ضرورت احسان به امام حسین علیه السلام :
- ۲۴۳ ----- اشاره
- ۲۴۶ ----- امام حسین علیه السلام از مصادیق «ذی القربی»
- ۲۴۸ ----- ۲۲- دشمنان امام حسین علیه السلام در عذاب سخت دوزخ
- ۲۴۸ ----- اشاره
- ۲۵۰ ----- جایگاه دشمنان امام حسین علیه السلام در دوزخ
- ۲۵۱ ----- ۲۳- اطاعت امام حسین علیه السلام همچون اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۵۱ ----- اشاره
- ۲۵۳ ----- امام حسین علیه السلام از مصادیق اولوالامر
- ۲۵۴ ----- ۲۴- امام حسین علیه السلام رفیق نیکویی از نعمت دادشدگان شهید
- ۲۵۷ ----- ۲۵- لزوم جهاد در عصر امام حسین علیه السلام
- ۲۵۷ ----- اشاره
- ۲۵۹ ----- زمان امام حسین علیه السلام از مصادیق آیه در وجوب جنگ
- ۲۶۰ ----- چهارم: سوره مائده
- ۲۶۰ ----- ۲۶- ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام
- ۲۶۰ ----- اشاره
- ۲۶۷ ----- ولایت امام حسین علیه السلام از موارد اکمال دین و اتمام نعمت
- ۲۶۸ ----- ۲۷- توسل به امام حسین علیه السلام وسیله الهی

- ۲۶۸ اشاره
- ۲۷۰ امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او وسیله الهی
- ۲۷۰ ۲۸- امام حسین علیه السلام و پیروان او حزب الله اند
- ۲۷۰ اشاره
- ۲۷۲ امام حسین علیه السلام مصداق حزب الله
- ۲۷۲ پنجم: سوره اعراف
- ۲۷۲ ۲۹- امام حسین علیه السلام در اعراف
- ۲۷۲ اشاره
- ۲۷۴ امام حسین علیه السلام از رجال اعراف
- ۲۷۵ ۳۰- نام حسین علیه السلام در کتاب های آسمانی
- ۲۷۵ اشاره
- ۲۸۰ نام امام حسین علیه السلام در تورات و انجیل تحریف نشده
- ۲۸۱ ششم: انفال
- ۲۸۱ ۳۱- امام حسین علیه السلام اولی به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۸۱ اشاره
- ۲۸۲ امام حسین علیه السلام مصداق کامل اولوالارحام پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۸۲ هفتم: توبه
- ۲۸۲ ۳۲- امام حسین علیه السلام ماه آسمان امامت
- ۲۸۲ اشاره
- ۲۸۵ امام حسین علیه السلام یکی از ماه های دوازده گانه در باطن آیه
- ۲۸۶ ۳۳- معامله شهداء با خدا
- ۲۸۶ اشاره
- ۲۸۹ امام حسین علیه السلام با بذل جان و مال با خدا معامله کرد
- ۲۹۰ ۳۴- همراه صادقین باشید
- ۲۹۲ هشتم: سوره یونس
- ۲۹۲ ۳۵- مژده باد مؤمنان در هنگام مرگ و در آخرت

- ۲۹۲ اشاره
- ۲۹۴ دیدار امام حسین علیه السلام مزده باد مؤمنان در هنگام مرگ
- ۲۹۵ نهم: سوره ابراهیم
- ۲۹۵ ۳۶- امام حسین علیه السلام میوه درخت پاک
- ۲۹۵ اشاره
- ۲۹۷ امام حسین علیه السلام از شجره طیبه نبوت
- ۲۹۹ دهم: سوره حجر
- ۲۹۹ ۳۷- امام حسین علیه السلام از هوشیاران امت
- ۲۹۹ اشاره
- ۳۰۰ امام حسین علیه السلام از مصادیق کامل «متوسمین»
- ۳۰۱ یازدهم: سوره نحل
- ۳۰۱ ۳۸- امام حسین علیه السلام از آگاهان امت
- ۳۰۱ اشاره
- ۳۰۳ امام حسین علیه السلام از مصادیق کامل «اهل ذکر»
- ۳۰۳ ۳۹- لزوم ادای حق امام حسین علیه السلام
- ۳۰۳ اشاره
- ۳۰۵ امام حسین علیه السلام مصداق کامل «ذی القربی»
- ۳۰۶ دوازدهم: سوره اسراء
- ۳۰۶ ۴۰- سرکشی بزرگ در کشتن امام حسین علیه السلام
- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۸ قتل امام حسین علیه السلام و رجعت ایشان و ظهور مهدی علیه السلام باطن آیات
- ۳۰۹ ۴۱- امام حسین علیه السلام مظلوم منصور
- ۳۰۹ اشاره
- ۳۱۰ امام حسین علیه السلام مصداق کشته شده مظلوم
- ۳۱۱ ۴۲- امام حسین علیه السلام پیشوای دنیا و آخرت
- ۳۱۳ ۴۳- امام حسین علیه السلام از بشارت داده شدگان به بهشت

- سیزدهم: سوره مریم: ۳۱۵
- ۴۴- نهضت کربلا در اسرار حروف مقطعه قرآن ۳۱۵
- اشاره ۳۱۵
- توجه زکریای پیامبر به نام و سرگذشت امام حسین علیه السلام ۳۱۵
- ۴۵- تشابه سرگذشت یحیی پیامبر و امام حسین علیه السلام ۳۱۷
- ۴۶- امام حسین علیه السلام الگوی شهادت ۳۲۰
- اشاره ۳۲۰
- امام حسین علیه السلام الگوی اسماعیل الوعد ۳۲۲
- چهاردهم: سوره طه ۳۲۲
- ۴۷- نام حسین مشتق از نام های نیکوی الهی ۳۲۲
- ۴۸- دوری از ولایت امام حسین علیه السلام زمینه ساز خشم الهی ۳۲۴
- ۴۹- نام امام حسین علیه السلام در عهد الهی: ۳۲۶
- ۵۰- امام حسین علیه السلام تحت تربیت دینی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله : ۳۲۸
- پانزدهم: سوره انبیاء ۳۲۹
- ۵۱- امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام بر اساس اراده الهی: ۳۲۹
- ۵۲- شهادت بدون درد و شیرین ۳۳۱
- ۵۳- رجعت و وراثت صالحان ۳۳۴
- شانزدهم: سوره حج ۳۳۶
- ۵۴- مبارزه توحیدی امام حسین علیه السلام در جبهه حق باطل ۳۳۶
- ۵۵- انتقام خون حسین علیه السلام : ۳۳۸
- ۵۶- اخراج غیر عادلانه مظلومان ۳۴۰
- هفدهم: سوره مؤمنون ۳۴۲
- ۵۷- صفات مؤمنان حقیقی ۳۴۲
- ۵۸- مؤمنان موحد و ترسان ۳۴۸
- ۵۹- رستگاری نتیجه صبر و استقامت ۳۵۰
- ۶۰- امام حسین علیه السلام چراغ هدایت (مصباح الهدی) ۳۵۲

- ۳۵۷ ----- ۶۱ - خانه های نورانی
- ۳۶۱ ----- هیجدهم: سوره فرقان
- ۳۶۱ ----- ۶۲ - آزمایش اهل بیت علیه السلام و صبر آنان
- ۳۶۳ ----- ۶۳ - امام حسین علیه السلام از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۶۵ ----- ۶۴ - امام حسین علیه السلام نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۶۶ ----- نوزدهم: سوره شعراء
- ۳۶۶ ----- ۶۵ - سجده کنندگان حقیقی در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۷۰ ----- بیستم: سوره نمل
- ۳۷۰ ----- ۶۷ - علم کتاب الهی نزد امام حسین علیه السلام
- ۳۷۴ ----- بیست و یکم: سوره قصص
- ۳۷۴ ----- ۶۸ - مستضعفان پیروز
- ۳۷۶ ----- بیست و دوم: سوره روم
- ۳۷۶ ----- ۶۹ - ویژگی های امامان
- ۳۸۰ ----- بیست و سوم: سوره احزاب
- ۳۸۰ ----- ۷۰ - امامت در نسل امام حسین علیه السلام
- ۳۸۳ ----- ۷۱ - امام حسین از پاکان و اصحاب کساء
- ۳۸۷ ----- بیست و چهارم: سوره فاطر
- ۳۸۷ ----- ۷۲ - پیشگامان نیکوکاری
- ۳۸۹ ----- بیست و پنجم: سوره صافات
- ۳۸۹ ----- ۷۳ - ناراحتی ابراهیم علیه السلام برای امام حسین علیه السلام
- ۳۹۳ ----- ۷۴ - امام حسین علیه السلام قربانی عظیم الهی
- ۳۹۸ ----- بیست و ششم: سوره غافر
- ۳۹۸ ----- ۷۵ - حاملان عرش الهی
- ۴۰۰ ----- بیست و هفتم: سوره شوری
- ۴۰۰ ----- ۷۶ - دوستی امام حسین علیه السلام پاداش رسالت
- ۴۰۳ ----- بیست و هشتم: سوره زخرف

- ۴۰۳ ----- امامت در نسل امام حسین علیه السلام - ۷۷
- ۴۰۶ ----- قیام عاشورا در علم الهی و در جلسات منافقان توطئه گرا - ۷۸
- ۴۰۸ ----- بیست و نهم: سوره دخان - ۷۹
- ۴۰۸ ----- آسمان گریان بر شهادت خوبان - ۷۹
- ۴۱۰ ----- سی ام: سوره احقاف - ۸۰
- ۴۱۰ ----- تولد کودکی با ناگواری - ۸۰
- ۴۱۵ ----- سی و یکم: سوره طور - ۸۱
- ۴۱۵ ----- ملحق شوندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله - ۸۱
- ۴۱۵ ----- اشاره - ۸۱
- ۴۱۷ ----- برخی پیامدها و پاداش های شهادت امام حسین علیه السلام - ۸۲
- ۴۱۸ ----- سی و دوم: سوره الرحمن - ۸۲
- ۴۱۸ ----- مشرق ها و مغرب های امت اسلام - ۸۲
- ۴۱۹ ----- ۸۳ - تلاقی دو دریای علم و گوهرهای آن ها - ۸۳
- ۴۲۱ ----- سی و سوم: سوره واقعه - ۸۴
- ۴۲۱ ----- اشاره - ۸۴
- ۴۲۲ ----- ۸۴ - پیشگامان مقرب درگاه الهی - ۸۴
- ۴۲۴ ----- سی و چهارم: سوره حدید - ۸۵
- ۴۲۴ ----- ۸۵ - دست به دامان نور امت - ۸۵
- ۴۲۶ ----- ۸۶ - بهره ای از رحمت الهی - ۸۶
- ۴۲۸ ----- سی و پنجم: سوره مجادله - ۸۷
- ۴۲۸ ----- اشاره - ۸۷
- ۴۲۹ ----- ۸۷ - ماجرای کربلا حاصل توطئه سزی منافقان - ۸۷
- ۴۳۱ ----- سی و ششم: سوره حشر - ۸۸
- ۴۳۱ ----- ۸۸ - اینارگران رستگار - ۸۸
- ۴۳۵ ----- سی و هفتم: سوره حاقه - ۸۹
- ۴۳۵ ----- ۸۹ - حاملان عرش الهی - ۸۹

۴۳۶	سی و هشتم: سوره جن
۴۳۶	۹۰- آزمایش افراد با شهادت امام حسین علیه السلام
۴۳۸	سی و نهم: سوره انسان (دهر)
۴۳۸	اشاره
۴۳۹	۹۱- ایثار خانوادگی و پاداش های آن
۴۴۷	چهلیم: سوره نازعات
۴۴۷	۹۲- صحنه لرزاننده در رجعت
۴۵۰	چهل و یکم: سوره تکویر
۴۵۰	۹۳- به کدامین گناه کشته شد؟
۴۵۱	چهل و دوم: سوره مطففین
۴۵۱	۹۴- نیکان غرق در نعمت
۴۵۵	چهل و سوم: سوره فجر
۴۵۵	۹۵- امام حسین علیه السلام نفس آرام راضی و مرضی
۴۶۰	چهل و چهارم: سوره بلد
۴۶۰	۹۶- پدر و فرزندان با عظمت
۴۶۲	۹۷- زبان گویای اسلام و لبان زیبای او
۴۶۶	چهل و پنجم: سوره شمس
۴۶۶	۹۸- روزهای روشنی بخش امت اسلام:
۴۷۱	چهل و ششم: سوره تین
۴۷۱	۹۹- میوه های علمی معنوی اسلام
۴۷۴	چهل و هفتم: سوره قدر
۴۷۴	۱۰۰- نزول ملائکه در شب قدر بر اهل بیت صلی الله علیه و آله
۴۸۱	چهل و هشتم: سوره کوثر
۴۸۱	۱۰۱- خیر کثیر و عطای پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۸۶	فهرست منابع
۵۰۸	درباره مرکز

قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن/ نگارش محمد علی رضایی اصفهانی؛ [برای] مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی (عج).

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۳۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۶۱-۶ ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۶۱-۶ ISBN:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق - جنبه های قرآنی

موضوع: حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق - احادیث

موضوع: قرآن - احادیث

شناسه افزوده: مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی (عج)

رده بندی کنگره: ۱۰۴/ح ۱۳۹۲ ۶

رده بندی دیویی: ۹۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۲۱۴۴۰

مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی

ناشر: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

عنوان: قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن

تألیف: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

تایپ و صفحه آرایی: اکبر جعفری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳ ش

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد / قطع وزیری

قیمت: ۲۰۰.۰۰۰ ریال

چاپخانه و لیتوگرافی: قدس

مراکز پخش:

۱. قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷. تلفن، پیام گیر

و نمابر: ۷۷۳۴۰۹۴ - ۰۲۵۱، www.quransc.com

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

* اهداء

به ارواح طیبه شهدای کربلا و شهدای انقلاب اسلامی

* تشکر

سپاسگزاری از تمامی همکاران مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی که ما را در آماده سازی این اثر یاری کردند به ویژه حجت الاسلام نعمت الله صباغی و نصرالله سلیمانی.

ص: ۵

مقدمه ۱۷

پیشینه ۱۹

فصل اول: امام حسین علیه السلام و قرآن

درآمد ۲۳

اول: جایگاه قرآن از منظر امام حسین علیه السلام ۲۳

الف) ثواب قرائت قرآن ۲۳

ب) بزرگداشت معلم قرآن ۲۳

ج) نکوداشت قاری قرآن ۲۴

دوم: نقش قرآن در زندگی امام حسین علیه السلام ۲۴

الف) قرائت قرآن را دوست داشت ۲۴

ب) خواندن قرآن با حالت گریان ۲۵

ج) اخلاق قرآنی ۲۵

د) نقش قرآن در نهضت عاشورا ۲۶

هـ) نقش قرآن در کلام امام حسین علیه السلام ۲۶

سوم: خدمات امام حسین علیه السلام نسبت به قرآن ۲۶

الف) بیان مراتب فهم قرآن ۲۶

ب) بیان روش های تفسیر قرآن ۲۸

ج) تفسیر آیات قرآن ۲۹

د) عمل به قرآن ۳۰

هـ- (مهجوریت زدایی از قرآن ۳۱

ص: ۷

چهارم: مبانی قرآنی نهضت عاشورا ۳۲

مفهوم شناسی ۳۲

مهم ترین مبانی قیام ۳۳

اول: بلند کردن نام خدا (اعتلای کلمه الله) ۳۳

دوم: یاری دین و عزت شریعت الهی ۳۴

سوم: جهاد برای حفظ اسلام ۳۴

چهارم: اصلاح طلبی ۳۶

پنجم: امر به معروف و نهی از منکر ۳۷

ششم: پاسداشت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۹

هفتم: هجرت ۴۰

هشتم: مبارزه با ستمکاری ۴۱

نهم: آزادسازی و آزادگی ۴۳

دهم: ذلت ناپذیری (عزت مداری) ۴۵

یازدهم: انتخاب یکی از دو نیکی ۴۷

دوازدهم: وجوب پاسخ مثبت امام حق به اتمام حجت مردم ۴۸

پنجم: تفسیر آیات قرآن توسط امام حسین علیه السلام ۴۹

۱- سه گروه مردم (ناس - اشباه ناس - نسناس) در قرآن ۴۹

۲- امام حسین علیه السلام و ائمه: اولوالارحام در قرآن ۵۱

۳- زمین بی گناه ۵۲

۴- پرسش از ولایت در رستاخیز ۵۴

۵- اهمیت تفسیر کهیعص ۵۸

۶- آیه تطهیر و مصادیق آن از اهل بیت: ۵۹

۷- هم‌آوردی اهل بیت: و بنی‌امیه در مورد خداشناسی ۵۹

۸- اهل بیت: بر پادارانندگان نماز در زمین ۶۰

۹- پاداش رسالت، دوستی اهل بیت: ۶۲

۱۰- ویژگی‌های اصحاب خاص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم ۶۳

۱۱- دشمنان فاسق و کینه‌توز اهل بیت: ۶۷

ص: ۸

۱۲- عبادت شبانه ۷۰

۱۳- شاهد و مشهود در قرآن ۷۵

۱۴- خورشید و ماه اسلام ۸۰

۱۵- یادآوری نعمت های الهی ۸۱

۱۶- تفسیر «صمد» ۸۴

۱۷- امامان هدایت و گمراهی ۹۰

ششم: استشادهای قرآنی امام حسین علیه السلام ۹۱

درآمد ۹۱

۱- نپذیرفتن حق، ستمکاری به خویشان ۹۲

۲- یاد مبدأ و معاد در هنگام مصائب (استرجاع) ۹۴

۳- مهلت به دشمنان امام حسین علیه السلام برای گناه بیشتر و عذاب دردناک تر ۹۷

دشمنان امام حسین علیه السلام از مصادیق قانون «املاء» ۹۸

۴- راضی به قضای الهی ۹۹

امام حسین علیه السلام راضی به قضای الهی ۱۰۰

۵- تقابل شجاعانه صالحان با مخالفان ۱۰۱

تقابل صالحان با مخالفان در کربلا ۱۰۲

۶- ماجرای امام حسین علیه السلام از آیات عجیب الهی ۱۰۴

۷- بی نیازی از یاری گمراهان ۱۰۸

بی نیازی امام حسین علیه السلام از یاری افراد گمراه گر ۱۰۹

۸- روز انتقام از ستمکاران ۱۱۰

۹- هجرت موسی وار از مدینه به مکه: ۱۱۳

۱۰- شهیدان وفادار و مردان منتظر ۱۱۶

۱۱- سرنوشت عذاب آلود ظالمان ۱۱۹

۱۲- پناه بر خدا ۱۲۰

۱۳- پیمان شکنی کوفیان ۱۲۳

فرجام پیمان شکنان با امام حسین علیه السلام ۱۲۵

۱۴- تفاوت تکبر با عزّت ۱۲۷

امام حسین علیه السلام عزتمند است نه متکبر ۱۲۸

ص: ۹

فصل دوم: قرآن و امام حسین علیه السلام (آیات الحسین علیه السلام)

درآمد ۱۳۳

مفهوم شناسی ۱۳۳

تفسیر آیات الحسین علیه السلام به ترتیب مصحف ۱۳۵

اول: سوره بقره ۱۳۵

۱- آموزش نام های پیامبران و اهل بیت: و امام حسین علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام ۱۳۵

امام حسین علیه السلام از مصادیق «أسماء» ۱۳۸

۲- توسل به اهل بیت: و امام حسین علیه السلام زمینه ساز پذیرش توبه آدم علیه السلام ۱۳۹

امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی ۱۴۰

۳- توسل به اهل بیت: و امام حسین علیه السلام زمینه ساز پذیرش توبه و دفع بلا ۱۴۲

توسل به امام حسین علیه السلام عامل پذیرش توبه و رفع بلا ۱۴۴

۴- توسل به اهل بیت: و امام حسین علیه السلام زمینه ساز برکات الهی ۱۴۵

توسل به امام حسین علیه السلام زمینه ساز نزول برکات الهی ۱۴۶

۵- شهادت امام حسین علیه السلام به دست یهودیان امت اسلام ۱۴۷

تشبیه قاتلین امام حسین علیه السلام به خونریزان یهود ۱۴۹

شباهت های قاتلین امام حسین علیه السلام با یهود ۱۵۱

۶- اهل بیت: و امام حسین علیه السلام از کلمات الهی ۱۵۱

امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی ۱۵۳

۷- ایمان به اهل بیت ۹ و امام حسین علیه السلام از دستورات الهی ۱۵۴

ایمان به امام حسین علیه السلام از مصادیق ایمان به آیات قرآن ۱۵۶

۸- امام حسین علیه السلام گواه و الگوی امت امام ۱۵۷

امام حسین علیه السلام مصداق «شهید» (گواه و الگو) ۱۵۹

۹- انتقام از دشمنان امام حسین علیه السلام ۱۶۰

دشمنان امام حسین علیه السلام مصداق ستمکاران ۱۶۱

۱۰- خویشاوندان راستین پیامبر در قرآن ۱۶۲

امام حسین علیه السلام از مصداق اولوالارحام ۱۶۳

ص: ۱۰

۱۱- لزوم محافظت اهل بیت: و امام حسین علیه السلام ۱۶۵

امام حسین علیه السلام باطن نماز در قرآن ۱۶۶

۱۲- امام حسین علیه السلام و فرزندان معصومش دستگیره محکم الهی ۱۶۶

امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر ۱۶۹

۱۳- امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر: ۱۷۰

امام حسین علیه السلام و فرزندانش باطن خوشه های پربار در قرآن ۱۷۲

دوم: سوره آل عمران ۱۷۲

۱۴- اهل بیت: از جمله امام حسین علیه السلام آگاه به تأویل قرآن ۱۷۳

امام حسین علیه السلام از مصادیق اکمل راسخان در علم و آگاهان به تأویل قرآن ۱۷۶

۱۵- امام حسین علیه السلام از برگزیدگان نسل ابراهیم علیه السلام ۱۷۶

امام حسین علیه السلام مصداق آل ابراهیم و برگزیده الهی ۱۷۸

۱۶- امام حسین علیه السلام در جریان مباحله ۱۷۹

امام حسن و حسین ۸ مصداق انحصاری «أبنائنا» ۱۸۱

۱۷- قاتلان امام حسین علیه السلام در نسل های بعدی ۱۸۲

۱۸- اهل بیت: و امام حسین علیه السلام بهشتی و کامیابند ۱۸۵

امام حسین علیه السلام مصداق اکمل رستگاران و شیعیانش بهشتی اند ۱۸۶

۱۹- امام حسین علیه السلام پایدار و نگهبان دین ۱۸۷

امام حسین علیه السلام مصداق کامل صبر و مربه ۱۹۰

سوم: سوره نساء ۱۹۰

۲۰- کشتن امام حسین علیه السلام از گناهان کبیره ۱۹۰

قتل امام حسین علیه السلام از مصادیق کبائر ۱۹۲

۲۱- ضرورت احسان به امام حسین علیه السلام ۱۹۳

امام حسین علیه السلام از مصادیق «ذی القربی» ۱۹۶

۲۲- دشمنان امام حسین علیه السلام در عذاب سخت دوزخ ۱۹۸

جایگاه دشمنان امام حسین علیه السلام در دوزخ ۱۹۹

۲۳- اطاعت امام حسین علیه السلام همچون اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۰۰

امام حسین علیه السلام از مصادیق اولوالامر ۲۰۲

۲۴- امام حسین علیه السلام رفیق نیکویی از نعمت دادشدگان شهید ۲۰۳

ص: ۱۱

۲۵- لزوم جهاد در عصر امام حسین علیه السلام ۲۰۶

زمان امام حسین علیه السلام از مصادیق آیه در وجوب جنگ ۲۰۸

چهارم: سوره مائده ۲۰۹

۲۶- ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه: ۲۰۹

ولایت امام حسین علیه السلام از موارد اکمال دین و اتمام نعمت ۲۱۶

۲۷- توسل به امام حسین علیه السلام وسیله الهی ۲۱۷

امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او وسیله الهی ۲۱۹

۲۸- امام حسین علیه السلام و پیروان او حزب الله اند ۲۱۹

امام حسین علیه السلام مصداق حزب الله ۲۲۰

پنجم: سوره اعراف ۲۲۰

۲۹- امام حسین علیه السلام در اعراف ۲۲۰

امام حسین علیه السلام از رجال اعراف ۲۲۲

۳۰- نام حسین علیه السلام در کتاب های آسمانی ۲۲۳

نام امام حسین علیه السلام در تورات و انجیل تحریف نشده ۲۲۷

ششم: انفال ۲۲۸

۳۱- امام حسین علیه السلام اولی به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۲۸

امام حسین علیه السلام مصداق کامل اولوالارحام صلی الله علیه و آله و سلم ۲۲۹

هفتم: توبه ۲۲۹

۳۲- امام حسین علیه السلام ماه آسمان امامت ۲۲۹

امام حسین علیه السلام یکی از ماه های دوازده گانه در باطن آیه ۲۳۱

۳۳- معامله شهداء با خدا ۲۳۲

امام حسین علیه السلام با بذل جان و مال با خدا معامله کرد ۲۳۴

۳۴- همراه صادقین باشید ۲۳۵

هشتم: سوره یونس ۲۳۷

۳۵- مژده باد مؤمنان در هنگام مرگ و در آخرت ۲۳۷

دیدار امام حسین علیه السلام مژده باد مؤمنان در هنگام مرگ ۲۳۸

نهم: سوره ابراهیم ۲۳۹

۳۶- امام حسین علیه السلام میوه درخت پاک ۲۳۹

امام حسین علیه السلام از شجره طیبه نبوت ۲۴۰

ص: ۱۲

دهم: سوره حجر ۲۴۱

۳۷- امام حسين عليه السلام از هوشياران امت ۲۴۱

امام حسين عليه السلام از مصاديق كامل «متوسمين» ۲۴۲

يازدهم: سوره نحل ۲۴۳

۳۸- امام حسين عليه السلام از آگاهان امت ۲۴۳

امام حسين عليه السلام از مصاديق كامل «اهل ذكر» ۲۴۵

۳۹- لزوم اداى حق امام حسين عليه السلام ۲۴۵

امام حسين عليه السلام مصداق كامل «ذی القربى» ۲۴۷

دوازدهم: سوره اسراء ۲۴۸

۴۰- سرکشى بزرگ در کشتن امام حسين عليه السلام ۲۴۸

قتل امام حسين عليه السلام و رجعت ايشان و ظهور مهدى عليه السلام باطن آيات ۲۵۰

۴۱- امام حسين عليه السلام مظلوم منصور ۲۵۱

امام حسين عليه السلام مصداق کشته شده مظلوم ۲۵۲

۴۲- امام حسين عليه السلام پيشواى دنيا و آخرت ۲۵۳

۴۳- امام حسين عليه السلام از بشارت داده شدگان به بهشت ۲۵۵

سیزدهم: سوره مريم ۲۵۷

۴۴- نهضت کربلا در اسرار حروف مقطعه قرآن ۲۵۷

توجه زکریای پیامبر به نام و سرگذشت امام حسين عليه السلام ۲۵۷

۴۵- تشابه سرگذشت یحیی پیامبر و امام حسين عليه السلام ۲۵۸

۴۶- امام حسين عليه السلام الگوی شهادت ۲۶۰

امام حسین علیه السلام الگوی اسماعیل الوعد ۲۶۲

چهاردهم: سوره طه ۲۶۲

۴۷- نام حسین مشتق از نام های نیکوی الهی ۲۶۲

۴۸- دوری از ولایت امام حسین علیه السلام زمینه ساز خشم الهی ۲۶۴

۴۹- نام امام حسین علیه السلام در عهد الهی ۲۶۶

۵۰- امام حسین علیه السلام تحت تربیت دینی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۶۸

پانزدهم: سوره انبیاء ۲۶۹

۵۱- امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام بر اساس اراده الهی ۲۶۹

ص: ۱۳

۵۲ - شهادت بدون درد و شیرین ۲۷۱

۵۳ - رجعت و وراثت صالحان ۲۷۳

شانزدهم: سوره حج ۲۷۵

۵۴ - مبارزه توحیدی امام حسین علیه السلام در جبهه حق باطل ۲۷۵

۵۵ - انتقام خون حسین علیه السلام ۲۷۷

۵۶ - اخراج غیر عادلانه مظلومان ۲۷۹

هفدهم: سوره مؤمنون ۲۸۱

۵۷ - صفات مؤمنان حقیقی ۲۸۱

۵۸ - مؤمنان موحد و ترسان ۲۸۶

۵۹ - رستگاری نتیجه صبر و استقامت ۲۸۸

۶۰ - امام حسین علیه السلام چراغ هدایت (مصباح الهدی) ۲۸۹

۶۱ - خانه های نورانی ۲۹۳

هیجدهم: سوره فرقان ۲۹۶

۶۲ - آزمایش اهل بیت: و صبر آنان ۲۹۶

۶۳ - امام حسین علیه السلام از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۹۸

۶۴ - امام حسین علیه السلام نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۰۰

نوزدهم: سوره شعراء ۳۰۱

۶۵ - سجده کنندگان حقیقی در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۰۱

بیستم: سوره نمل ۳۰۵

۶۷ - علم کتاب الهی نزد امام حسین علیه السلام ۳۰۵

بیست و یکم: سوره قصص ۳۰۹

۶۸ - مستضعفان پیروز ۳۰۹

بیست و دوم: سوره روم ۳۱۱

۶۹ - ویژگی های امامان ۳۱۱

بیست و سوم: سوره احزاب ۳۱۵

۷۰ - امامت در نسل امام حسین علیه السلام ۳۱۵

۷۱ - امام حسین از پاکان و اصحاب کساء ۳۱۸

بیست و چهارم: سوره فاطر ۳۲۲

۷۲ - پیشگامان نیکوکاری ۳۲۲

ص: ۱۴

بیست و پنجم: سوره صافات ۳۲۴

۷۳- ناراحتی ابراهیم علیه السلام برای امام حسین علیه السلام ۳۲۴

۷۴- امام حسین علیه السلام قربانی عظیم الهی ۳۲۷

بیست و ششم: سوره غافر ۳۳۲

۷۵- حاملان عرش الهی ۳۳۲

بیست و هفتم: سوره شوری ۳۳۴

۷۶- دوستی امام حسین علیه السلام پاداش رسالت ۳۳۴

بیست و هشتم: سوره زحرف ۳۳۷

۷۷- امامت در نسل امام حسین علیه السلام ۳۳۷

۷۸- قیام عاشورا در علم الهی و در جلسات منافقان توطئه گرا ۳۳۹

بیست و نهم: سوره دخان ۳۴۱

۷۹- آسمان گریان بر شهادت خوبان ۳۴۱

سی ام: سوره احقاف ۳۴۳

۸۰- تولد کودکی با ناگواری ۳۴۳

سی و یکم: سوره طور ۳۴۷

۸۱- ملحق شوندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۴۷

برخی پیامدها و پاداش های شهادت امام حسین علیه السلام ۳۴۸

سی و دوم: سوره الرحمن ۳۴۹

۸۲- مشرق ها و مغرب های امت اسلام ۳۴۹

۸۳- تلاقی دو دریای علم و گوهرهای آن ها ۳۵۰

سی و سوم: سوره واقعه ۳۵۲

۸۴ - پیشگامان مقرب در گاه الهی ۳۵۳

سی و چهارم: سوره حدید ۳۵۵

۸۵ - دست به دامان نور امت ۳۵۵

۸۶ - بهره ای از رحمت الهی ۳۵۷

سی و پنجم: سوره مجادله ۳۵۹

۸۷ - ماجرای کربلا حاصل توطئه سرّی منافقان ۳۶۰

ص: ۱۵

سی و ششم: سوره حشر ۳۶۲

۸۸- اینارگران رستگار ۳۶۲

سی و هفتم: سوره حاقه ۳۶۶

۸۹- حاملان عرش الهی ۳۶۶

سی و هشتم: سوره جن ۳۶۷

۹۰- آزمایش افراد با شهادت امام حسین علیه السلام ۳۶۷

سی و نهم: سوره انسان (دهر) ۳۶۹

۹۱- اینار خانوادگی و پاداش های آن ۳۷۰

چهلیم: سوره نازعات ۳۷۷

۹۲- صحنه لرزاننده در رجعت ۳۷۷

چهل و یکم: سوره تکویر ۳۸۰

۹۳- به کدامین گناه کشته شد؟ ۳۸۰

چهل و دوم: سوره مطففین ۳۸۱

۹۴- نیکان غرق در نعمت ۳۸۱

چهل و سوم: سوره فجر ۳۸۵

۹۵- امام حسین علیه السلام نفس آرام راضی و مرضی ۳۸۵

چهل و چهارم: سوره بلد ۳۸۹

۹۶- پدر و فرزندان با عظمت ۳۸۹

۹۷- زبان گویای اسلام و لبان زیبای او ۳۹۱

چهل و پنجم: سوره شمس ۳۹۴

۹۸- روزهای روشنی بخش امت اسلام ۳۹۴

چهل و هشتم: سوره تین ۳۹۹

۹۹- میوه های علمی معنوی اسلام ۳۹۹

چهل و هفتم: سوره قدر ۴۰۲

۱۰۰- نزول ملائکه در شب قدر بر اهل بیت: ۴۰۲

چهل و هشتم: سوره کوثر ۴۰۹

۱۰۱- خیر کثیر و عطای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۴۰۹

فهرست منابع .. ۴۴۰

ص: ۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)

(احزاب / ۳۳)

مقدمه

(۱)

اهل بیت علیهم السلام به صورت عام و امام حسین علیه السلام به صورت خاص با قرآن قرین بودند و بر اساس حدیث ثقلین از قرآن جداناشدنی هستند. از این رو سخن گفتن از قرآن و امام حسین علیه السلام، سخن گفتن از کتاب لفظی و عملی الهی است، قرآن جلوه لفظی کلام الهی است و امام حسین علیه السلام قرآن عملی و مجسم است.

از این روست که بر اساس احادیث، بیش از صد آیه قرآن به امام حسین علیه السلام و قیام او اشاره دارد و امام حسین علیه السلام در طی قیام بارها به آیات قرآن استشهاد کرد بلکه هدف قیام را هدفی قرآنی (امر به معروف و نهی از منکر) معرفی کرد.

اصولاً قیام امام حسین علیه السلام قیامی قرآنی و برای اجرای تعالیم قرآن در جامعه اسلامی بود. امام حسین علیه السلام تعالیم قرآن را احیاء و بیمه کرد تا بشریت بتواند از این نور الهی استفاده کند و احیاء گردد.

آری کسی که حقیقتاً در راستای تعالیم قرآن حرکت کند مسیرش با امام حسین علیه السلام یکی خواهد شد و هر کس واقعاً پیرو امام حسین علیه السلام شود زندگی قرآنی خواهد داشت که قرآن و اهل بیت صلی الله علیه و آله تا قیامت از هم جدا نمی شود.

والحمد لله رب العالمین

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۳۹۰ شمسی

ص: ۱۷

۱- (۱). این مقدمه در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۷ در مسجد الحرام و در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۴ در مسجد النبی صلی الله علیه و سلم نگاشته شد و بخش اعظم کتاب در مکه و مدینه سامان یافت. امید آنکه با برکت گردد.

در مورد «قرآن و امام حسین علیه السلام» دو دسته نوشتار وجود دارد:

اول: ذکر مباحث مربوط به قرآن و امام حسین علیه السلام در ضمن کتاب های تفسیر قرآن (مثل تفسیر عیاشی، نورالثقلین، البرهان و ...) و کتب حدیثی (مثل بحارالانوار، موسوعه کلمات الحسین علیه السلام و ...) که روایات تفسیری امام حسین علیه السلام را نقل کرده اند یا آیات مربوط به امام حسین علیه السلام را با ذکر روایات مربوطه تفسیر کرده اند.

دوم: کتاب های مستقل در مورد قرآن و امام حسین علیه السلام از جمله:

۱- الحسین فی القرآن، السید محمد الواحدی، مشهد، انتشارات اللاهیجی، ۱۴۱۸هـ - ق.

در این کتاب ۱۲۷ آیه و روایت مربوط به ذیل آنها در مورد امام حسین علیه السلام ذکر شده است که برخی از روایات از نظر سند یا دلالت مشکل دارد ولی اکثر موارد قابل استفاده است که ما در این کتاب از آنها بسیار بهره بردیم.

۲- تجلی قرآن در راه امام حسین علیه السلام، سید محمد بنی هاشمی، اصفهان، انتشارات بنی هاشم، ۱۳۸۸ ش.

۳- کتاب الحسین والقرآن، محمد جواد مغنیه، در این کتاب با استفاده از احادیث شیعه و سنی پیوند امام حسین علیه السلام و قرآن بررسی شده است.

۴- الحسین فی القرآن العظیم، محمد صادق محمد الکرباسی،

۵- الامام الحسین فی القرآن (آیات و مصادیق)، حسین عبدالله آل دهنیم، دارالجزیره.

۶- موسوعه الکلمات الحسین علیه السلام،

در این کتاب اکثر آیات تفسیر شده توسط امام حسین علیه السلام ذکر شده است.

بنابراین به نظر می رسد هنوز جای پژوهش های جدید در مورد قرآن و امام حسین علیه السلام خالیست.

ما در این کتاب به بررسی آیات مربوط به امام حسین علیه السلام می پردازیم و تفسیر مختصر هر کدام را بیان می کنیم البته در مواردی که از نظر سند یا دلالت در مورد روایت ذیل آیه مشکلی وجود داشته آن را ذکر نکردیم. و نیز آیاتی که توسط امام حسین علیه السلام تفسیر شده و یا مورد استناد و استشهاد واقع شده اضافه کردیم علاوه بر آن که مبانی قرآنی نهضت عاشورا و نقش قرآن در زندگی امام حسین علیه السلام را بیان می کنیم.

ص: ۲۰

فصل اول: امام حسين عليه السلام و قرآن

اشاره

ص: ۲۱

در این فصل به رویکرد امام حسین علیه السلام نسبت به قرآن می پردازیم. یعنی جایگاه قرآن را در نظر حضرت توضیح می دهیم، سپس نقش قرآن در زندگی ایشان بررسی می گردد و مبانی قرآنی نهضت عاشورا تبیین می گردد، آنگاه خدمات امام حسین علیه السلام نسبت به قرآن بیان می شود که مهمترین آنها تفسیر حداقل هفده آیه قرآن است.

اول: جایگاه قرآن از منظر امام حسین علیه السلام

اشاره

از نظر امام حسین علیه السلام قرآن جایگاه بلندی داشت، شواهد این مطلب در گفتار و کردار امام علیه السلام هویدا است که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم.

الف) ثواب قرائت قرآن

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

« من قرأ آیه من کتاب الله فی صلاته قائماً یکتب له بكل حرف مأه حسنه فان قرأها فی غیر صلاه کتب الله له بكل حرف عشرأ فان استمع القرآن کان له بكل حرف حسنه ». (۱)

«هر کس آیه ای از قرآن را ایستاده در نمازش بخواند برای هر حرفی که خوانده صد حسنه نوشته می شود، و اگر در غیر نماز بخواند خدا برای هر حرف ده حسنه می نویسد و اگر قرآن را با دقت بشنود هر حرفی یک حسنه دارد».

ب) بزرگداشت معلم قرآن

عبدالرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره ای از قرآن آموزش داد و امام علیه السلام هزار دینار برای آن معلم هدیه فرستاد. (۲)

این رفتار امام حسین علیه السلام نشان دهنده اهمیت قرآن و آموزش آن در نظر امام است.

ص: ۲۳

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰، ح ۱۸.

۲- (۲). همان، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

ج) نکوداشت قاری قرآن

اسلم بن عمرو غلام امام حسین علیه السلام و قاری قرآن بود او در واقعه عاشورا شهید شد، امام حسین علیه السلام بالای سر او آمد و گریه کرد و صورتش به صورتش نهاد، وقتی اسلم چشم باز کرد و امام علیه السلام را بالای سر خود دید اشکش جاری شد و لبخندی زد و به سوی پروردگارش پر کشید. (۱)

اصحاب امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا دارای مراتب بودند و امام برخی آنان را بسیار گرامی می داشت به طوری که بالای سر آنان حاضر می شد و صورت به صورت آن ها می گذاشت. چنان که با علی اکبر علیه السلام انجام داد و این که با اسلم بن عمرو قاری قرآن این عمل را انجام داد، نشان دهنده جایگاه قاری قرآن در نظر امام حسین است.

دوم: نقش قرآن در زندگی امام حسین علیه السلام

اشاره

امام حسین علیه السلام به قرآن اهمیت می داد و آن را در تمام ابعاد زندگی خویش جاری ساخته بود. در گفتار، رفتار، اخلاق و قیام آن حضرت نقش قرآن به خوبی قابل مشاهده است.

الف) قرائت قرآن را دوست داشت

وقتی شب عاشورا یک شب دیگر از دشمنان مهلت خواست فرمود: «فهو يعلم انّی کنت احبّ الصلوه له وتلاوه کتابه و کثره الدعاء والاستغفار»؛ (۲) «خدا می داند که من نماز، و خواندن قرآن، دعا و استغفار را دوست دارم».

نکته جالب این است که اگر کسی یک شب از عمرش باقی باشد سعی می کند در آن شب بهترین کارها را انجام دهد و آرزوهای خود را برآورده کند و امام حسین علیه السلام قرائت قرآن و نماز و دعا را انتخاب می کند.

ص: ۲۴

۱- (۱). «فجاءه الحسين فبکی ووضع خدّه علی خدّه ففتح عینه و رآه و فتبسّم ثم صار إلى ربّه»، (موسوعه کلمات الامام الحسين علیه السلام ، ص ۴۵۷)

۲- (۲). موسوعه کلمات الامام الحسين علیه السلام ، ص ۳۹۲.

ب) خواندن قرآن با حالت گریان

شخصی در منزل ثعلبیه خدمت امام حسین علیه السلام رسید او می گوید: نزد مردی کهنسال (امام حسین علیه السلام) رسیدم که قرآن می خواند و اشک از گونه ها و محاسنش جاری بود. (۱)

ج) اخلاق قرآنی

۱. انس نقل می کند: کنیزی برای امام حسین علیه السلام دسته گلی هدیه آورد. امام حسین علیه السلام او را در راه خدا آزاد کرد. انس گوید: به حضرت عرض کردم با دسته گل ناچیزی او را آزاد کردی؟

امام علیه السلام فرمود: این گونه خدا ما را ادب فرموده است که فرمود: (وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها) ؛ (۲)
«و هر گاه با زنده بادی به شما زنده باد گفته شود (و به شما سلام یا اظهار محبت نمایند) پس بهتر از آن، زنده باد گوید (و پاسخ بهتری به محبت ها دهید) و یا (همانند) آن را پاسخ دهید». سپس امام اضافه کرد: آزاد کردن آن کنیز از دسته گل بهتر بود (۳).

۲. یکی از غلامان امام حسین علیه السلام تخلفی مرتکب شد که سزاوار کیفر بود و حضرت دستور داد او را تأدیب کنند. آن غلام گفت: «یا مولای (وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ) ؛ ای مولای من (خدا در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران می فرماید: کسانی که از خشم شدید خود را فرو می برند».

امام علیه السلام فرمود: «او را رها کنید».

غلام گفت: «یا مولای (وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ) ؛ ای مولای من (خدا در ادامه آیه فوق می فرماید: کسانی که از مردم در می گذرند».

امام علیه السلام فرمود: «تو را عفو کردم».

غلام گفت: «یا مولای وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ ای مولای من (خدا در ادامه آیه فوق می فرماید: خدا نیکوکاران را دوست دارد».

ص: ۲۵

۱- (۱). «فأتيته فاذا شيخ يقرأ القرآن و الدموع تسيل على خديه ولحيته»؛ موسوعه كلمات الامام الحسين عليه السلام ، ص ۳۴۷.

۲- (۲). نساء / ۸۶ .

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

حضرت فرمود: «تو در راه خدا آزادی و دو برابر آن چه به تو می بخشیدم برای توست».^(۱)

آری اخلاق امام حسین علیه السلام اخلاق قرآنی بود و آیات قرآن را در زندگی خویش جاری و ساری می ساخت و بر اساس آن ها عمل می کرد.

(د) نقش قرآن در نهضت عاشورا

این موضوع در مباحث بعدی تحت عنوان مبانی قرآنی نهضت عاشورا بیان می شود.

ه - نقش قرآن در کلام امام حسین علیه السلام

این موضوع در مباحث بعدی تحت عنوان تفسیر آیات قرآن توسط امام حسین علیه السلام بیان می شود.

سوم: خدمات امام حسین علیه السلام نسبت به قرآن

اشاره

خدمات امام حسین علیه السلام در مورد قرآن کریم فراوان است و این موارد با بررسی سیره آن حضرت و احادیث و تاریخ روشن می شود. برخی از مهم ترین این نقش ها و خدمات عبارت اند از:

الف) بیان مراتب فهم قرآن

- از امام حسین علیه السلام نقل شده که در مورد مراتب و مراحل فهم قرآن فرموده اند:

« کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء علی العبارة والاشارة واللطائف والحقائق، فالعبارة للعوام، والاشارة للخواص، واللطائف للاولیاء، والحقایق للانبیاء »؛ ^(۲) «کتاب خدا بر چهار چیز است: عبارت، اشارات، لطایف و حقایق؛ پس عبارت برای عموم مردم است و اشارات برای خواص است و لطایف برای اولیاء است و حقایق برای انبیاء است».

- و نیز از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمودند: «القرآن ظاهره انیق وباطنه عمیق» قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی عمیق است ^(۳).

از کنار هم قرار دادن دو روایت فوق معانی و مطالب بلندی به دست می آید که برای توضیح آن می توان مقاله ای مفصل نوشت. ولی در این جا به صورت مختصر به چند نکته اشاره می کنیم.

ص: ۲۶

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۲- (۲). همان، ج ۹۲، ص ۲۰، ح ۱۸ و جامع الاخبار، ص ۴۸.

۱. این دو روایت به چهار مرتبه قرآن اشاره می کند که ظاهر قرآن برای عموم مردم و مراتب بالاتر برای خواص و اولیاء و انبیاء است.

۲. این دو روایت به باطن قرآن یا حقایق آن اشاره می کند که در علم الهی است و فقط برخی افراد به مراتب عالی آن دسترسی پیدا می کنند.

۳. این دو روایت بیان می کند که مخاطبان قرآن دارای مراتبی هستند و هر کدام بر اساس استعداد و تلاش خویش از آن بهره می برند. عوام مردم فقط از ظاهر قرآن (نگاه به آیات و قرائت آن) بهره می برند، اما خواص با دقت در آیات به اشارات دقیق قرآن پی می برند که با نگاه سطحی قابل فهم نیست. ولی اولیاء الهی که به تزکیه نفس پرداخته و علاوه بر علم با عمل و معنویت همراه شده اند، برخی لطایف آیات را درک می کنند که با علوم معمولی قابل فهم نیست. و انبیاء الهی که به علم الهی (لوح محفوظ) متصل هستند، حقایقی را از قرآن درک می کنند که در دسترس دیگران نیست.

۴. انسان اگر بخواهد به فهم مراتب عالی قرآن دست یابد لازم است تلاش علمی کند که از عوام به مرحله خواص برسد و نیز تلاش کند تا به مرتبه اولیاء الهی برسد و تا آن جا برود که پرده ها کنار رود و از لطایف و حقایق باطنی قرآن بهره مند شود.

۵. هیچ کس از قرآن بی بهره نمی ماند، این دریای عظیم معرفت و معنویت هم چون آبشاری بر بشریت می بارد و هر کس در ساحل آن قرار گیرد به اندازه ظرف خویش از آن سیراب می شود. مگر آن که ستمکار باشد و در حق آن جفا کند.

(و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا) ۱؛ «و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می فرستیم؛ و [لی] ستمکاران را، جز زیان نمی افزاید».

باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار نخس

۶. در این حدیث از تعبیر «انبیاء» استفاده شد این تعبیر اگر به معنای اصطلاحی «نبی» باشد، بدین معنا اشاره می کند که قرآن نه تنها برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بلکه برای همه پیامبران

قابل استفاده است. و اگر «انبیاء» به معنای لغوی «نبی» (کسی که از غیب آگاه است و به مردم خبر می دهد) باشد می تواند شامل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام باشد و به این معنا اشاره کند که حقایق و باطن قرآن در دسترس همه آن هاست.

۷. «عبارت قرآن» شامل الفاظ و مخطوطات قرآن است که نگاه به آن و قرائت تلاوت و ترتیل آن ها ثواب دارد.

۸. «اشارات قرآن» نکات دقیق آیات است که فهم آن ها نیازمند آموزش علوم قرآن است و این با تدبیر و تفکر و تعقل در آیات به دست می آید و نتایج آن به عنوان تفسیر خوانده می شود.

۹. «لطایف قرآن» نکات ظریف قرآنی است که علاوه بر علوم رسمی نیازمند ارتباط خاص با خداست تا که انسان به مرتبه اولیای الهی برسد و دوست خدا شود تا بتواند به مراتبی از باطن قرآن دست یابد درک لطایف قرآن نیازمند صفای روح و باطن است.

۱۰. «حقیقت قرآن» در لوح محفوظ یعنی علم الهی بوده است.

(بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ)؛ (۱) «بلکه آن (قرآن) خواندنی [و] باعظمت است که در صفحه ی نگه داری شده ی (علم الهی) موجود است».

(لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)؛ (۲) «که جز پاکان با آن تماس نمی گیرند».

قرآن از مرتبه علم الهی نازل شد و توسط جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ایشان آیات را در قالب الفاظ و معانی به مردم ابلاغ کرد. یعنی سیر نزول را طی کرد و اگر کسی بخواهد آن حقیقت ر باز یابد باید سیر صعود را طی کند و به لوح محفوظ دست یابد که این عالی ترین مرتبه باطنی قرآن است که جز پاکان معصوم به آن دست نیابند.

ب) بیان روش های تفسیر قرآن

امام حسین علیه السلام در برخی تفاسیر قرآن که از ایشان نقل شده است روش صحیح تفسیر قرآن به قرآن را آموزش داده اند و از روش غیر صحیح تفسیر به رأی نهی کرده اند.

ص: ۲۸

۱- (۱). بروج / ۲۱-۲۲.

۲- (۲). واقعه / ۷۹.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که اهل بصره نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشتند و در مورد «الصمد» از ایشان پرسش کردند و حضرت در پاسخ نوشتند:

« لَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَقَدْ سَمِعْتُ خِدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ وَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ لَمْ يَلِدْ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ كَالْوَلَدِ وَسَائِرِ الْأَشْيَاءِ » (۱)؛ «در مورد قرآن بدون علم سخن نگویند که از جدم رسول خدا شنیدم که می فرمود: هر کس در مورد قرآن بدون علم سخنی بگوید جایگاهی از آتش برایش فراهم است؛ و در حقیقت خدای سبحان «صمد» را تفسیر کرده است پس فرموده: خدا یکی است. خدا صمد است سپس آن را تفسیر کرده و فرموده است: نه می زاید نه زاییده شده است و هیچ کس مانند او نیست. خدا نمی زاید یعنی اجسامی مثل فرزند و بقیه چیزها از او خارج نمی شود».

تحلیل: در بخش اول این روایت از روش تفسیر به رأی نهی شده است که یکی از معانی تفسیر به رأی سخن گفتن بدون علم است. یعنی برای تفسیر قرآن لازم است قرائنی در دست باشد که مفسر بر اساس قرائن علمی به توضیح آیه بپردازد و گرنه گرفتار تفسیر به رأی می شود که از گناهان کبیره است. (۲) و در بخش دوم روایت روش صحیح تفسیر قرآن به قرآن را عمل کرده است و آیه (اللَّهُ الصَّمَدُ) را با کمک آیات بعد (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) تفسیر فرمود یعنی به نوعی روش صحیح تفسیر را آموزش داده است. آری یکی از خدمات اهل بیت علیهم السلام به صورت عام و امام حسین علیه السلام به صورت خاص آموزش روش صحیح تفسیر و نهی از روش های انحرافی است.

ج) تفسیر آیات قرآن

(در این مورد حدود ۲۰ مورد از تفاسیر قرآن از آن حضرت حکایت شده که در مباحث بعدی خواهد آمد)

ص: ۲۹

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۴، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۱.

۲- (۲). ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲)، روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، مبحث تفسیر به رأی، از نگارنده.

زندگی عملی و اخلاقی امام حسین علیه السلام تجلی عمل به آیات قرآن بود (که در مباحث قبل به نمونه هایی از آن اشاره شد) و نیز قیام عاشورا بر اساس مبانی قرآنی شکل گرفت و نوعی عمل به دستورات قرآن بود (که در مباحث بعدی توضیح خواهیم داد)

اینک به برخی موارد از کردار امام حسین علیه السلام که عمل به قرآن است اشاره می کنیم:

۱- انجام کمال نیکوکاری:

حکایت شده که روزی امام حسین علیه السلام شکر صدقه می داد، کسی از آن حضرت علت این کار را پرسید. حضرت فرمودند: من شکر را دوست دارم و خداوند می فرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ)؛ (آل عمران / ۹۲) «به نیکی نمی رسید تا از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) مصرف کنید».

۲- عفو و گذشت نسبت به دیگران:

عصمام به مصطلق می گوید: وارد مدینه شدم و در آنجا حسین بن علی علیه السلام را دیدم، سیمای خوش و قیافه جذاب او مرا به اعجاب واداشت و کینه ای که در سینه خود از پدر او پنهان نموده بودم، حسد مرا برانگیخت. به همین خاطر (و به قصد توهین) به او گفتم: آیا تو پسر اوتراب هستی؟ (ابوتراب لقبی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام داد، ولی برخی از معاندان از آن به قصد توهین استفاده می کردند). امام فرمود: بله. در این هنگام من بسیار به او و پدرش ناسزا گفتم. پس از اینکه ناسزاگویی من تمام شد، حضرت نگاهی دلسوزانه و با مهربانی به من کرد و فرمود: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْعَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ) ۱؛ عفو و مدارا پیش گیر و به کار پسندیده فرمان بده و از نادانان، روی گردان، و اگر وسوسه ای از شیطان تو را تحریک کرد، پس به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنونده و داناست. به راستی پارسایان و خود نگه داران، هنگامی که وسوسه ای از شیطان با آنها تماس گیرد، متذکر

می شوند و به یاد خدا می افتند، و در پرتو یاد خدا، راه درست را می بینند و بینا می شوند. ولی برادرانشان (ناپرهیز گاران) آنها را پیوسته به گمراهی می کشند، سپس کوتاه نمی آیند.

حضرت پس از خواندن این آیه به من فرمود: بر خودت آسان گیر، من برای خودم و برای تو از خداوند آمرزش می طلبم، اگر از ما کمکی می خواهی، تو را کمک خواهیم کرد، و اگر از ما بخششی خواهی، به تو می بخشیم، و اگر از ما راهنمایی می خواهی، تو را راهنمایی می کنیم.

عصام می گوید: به خاطر آن بد رفتاری، اثار پشیمانی مرا فرا گرفت. (ولی) حضرت به من فرمود: (لا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْفُرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ) ۱؛ امروز سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است. (سپس حضرت سؤال کرد) آیا تو از اهل شام هستی؟ گفتم: بله. فرمود: این عادت است که از قبیله اخزم سراغ دارم، خدا ما و شما را نگه دارد! حال هر نیازی داری و هر مسئله ای هست به ما بگو! ان شاء الله مرا در بهترین گمان خود خواهی یافت. عصام گوید: از این رفتار بزرگوارانه، آنچنان شرمنده شدم که زمین برایم با تمام گستردگی تنگ آمد و دوست داشتم که مرا در خود فرو ببرد. سپس آهسته و پنهانی از او دور شدم، در حالی که هیچ کس بر روی زمین از او و پدرش در نزد من محبوب تر نبود (۱).

ه - (مهوریت زدایی از قرآن)

پیامبر اسلام از مهوریت قرآن به خدای متعال شکایت می کند:

(وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا) ۳؛ «و فرستاده (ی خدا) گفت: «ای پروردگار [من]! درحقیقت، قوم من از این قرآن دوری گزیده اند».

در عصر امام حسین علیه السلام با حاکمیت دستگاه بنی امیه به ویژه یزید مهوریت قرآن به اوج رسید و به احکام قرآن عمل نمی شد و اصولاً اسلام از مسیر خود منحرف گشت و

ص: ۳۱

۱- (۲). عباس بن محمد رضا القمی، نفته المصدور، ص ۳-۴ و معهد تحقیقات باقرالعلوم، موسوعه، ص ۶۱۸-۶۱۷.

حکومتی سلطنتی و جاهلی بر مسلمانان حاکم شد. از این رو امام حسین علیه السلام بر اساس مبانی و دستورات قرآنی قیام کرد (در این مورد در مباحث مبانی قرآنی نهضت عاشورا مطالب مبسوطی بیان می کنیم) تا قرآن را از مهجوریت خارج سازد.

در این مورد در زیارت ناحیه مقدسه می خوانیم که امام حسین علیه السلام پشتوانه (عمل و تفسیر) قرآن بود و بعد از شهادت آن حضرت باز قرآن مهجور شد (و از صحنه سیاسی و اجتماعی و... مسلمانان کنار گذاشته شد). کنت للرسول صلی الله علیه و آله ولداً وللقرآن سنداً (و بعد از شهادت آن حضرت) عاد کتاب الله عزوجل مهجوراً. (۱)

چهارم: مبانی قرآنی نهضت عاشورا

اشاره

(۲)

با بررسی سخنان و رفتار امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا و تحلیل آموزه های آن ها روشن می شود که نهضت امام حسین علیه السلام در عاشورا بر اساس دستورات اساسی قرآن استوار است، باز شناخت این مبانی موجب می شود که این نهضت الگویی برای تمام ارادتمندان به قرآن قرار گیرد چرا که وظیفه قرآنی همه مسلمانان را در طول تاریخ مشخص می سازد یعنی هرگاه شرایطی مثل شرایط زمان امام حسین علیه السلام برای هر یک از مسلمانان پیدا شد، براساس آن مبانی قرآنی وظیفه دارند راه حسین علیه السلام را پیمایند.

به عبارت دیگر با استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا، حرکت امام حسین علیه السلام تبدیل به حرکت قرآنی می شود و الگوی همه مسلمانان می گردد.

مفهوم شناسی

مقصود از مبانی قرآنی، پیش فرض های پذیرفته شده از آموزه های قرآنی است که زیربنای قیام امام حسین علیه السلام گردید به عبارت دیگر مستندات قرآنی نهضت عاشورا.

این مبانی شامل دستورات اجتماعی و سیاسی مستقیم الهی در قرآن به همه مسلمانان و نیز آموزه های قرآنی غیر مستقیم است که با استفاده از قاعده جری و تطبیق و بطون قرآن قابل استنباط از سخنان و سیره امام حسین علیه السلام است.

ص: ۳۲

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.

۲- (۲). این قسمت نوشتار در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۵ (تاسوعای ۱۴۳۰ق) در قم نگارش یافت.

پس استنباط مبانی قرآنی از نهضت عاشورا با استفاده از قواعد و روش های تفسیری قرآن مثل قاعده جری و حجیت ظواهر قرآن و روش تفسیر روایی و اشاری (باطنی) در تفسیر است. اما منابع استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا عبارتند از:

الف) سخنان امام حسین علیه السلام

ب) نامه های امام حسین علیه السلام

ج) رفتار امام حسین علیه السلام (سیره)

یعنی منابع از درون نهضت و مستند به رهبر قیام هستند.

مهم ترین مبانی قیام

اول: بلند کردن نام خدا (اعتلای کلمه الله)

حکایت شده که امام حسین علیه السلام در راه کربلا در منزل صفاح با فرزدق سخن گفت و هدف نهایی خود را بلند کردن نام خدا معرفی کرد و فرمود:

« وانا اولی من قام بنصره دین » و من (حسین) با کفایت ترین فرد برای یاری دین خدا هستم؛

« واعزاز شرعه » و اینکه شریعت او را عزیز کنم؛

« والجهاد فی سبيله » و در راه خدا جهاد کنم؛

« لتكون کلمه الله هی العلیا » ؛ (۱) تا نام خدا بلند (و پرآوازه) باشد.

این مطلب امام حسین علیه السلام که اساسی ترین مبنای قیام عاشورا را بیان می کند مبتنی بر آیه قرآن است که می فرماید:

(وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا) ۲؛ «و تنها گفتار (و برنامه ی) خدا والاست».

مقصود از «کلمه» در آیه می تواند برنامه، مکتب، هدف، گفتار و سنت و اراده الهی باشد (۲) که از برنامه و مکتب کافران برتر است.

ص: ۳۳

۱- (۱). موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲- (۳). تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۶، ص ۳۸.

دوم: یاری دین و عزت شریعت الهی

همان طور که گذشت از امام حسین علیه السلام حکایت شده که در سرزمین «صفاح» به فرزدق فرمود:

«وانا اولی من قام بنصره دین» و من (حسین) با کفایت ترین فرد برای یاری دین خدا هستم؛

«واعزاز شرعه» و اینکه شریعت او را عزیز کنم؛

«والجهاد فی سبيله» و در راه خدا جهاد کنم؛

«لتكون کلمه الله هی العليا» (۱) تا نام خدا بلند (و پرآوازه) باشد.

این سخن امام حسین علیه السلام که یکی از مبانی اساسی نهضت عاشورا را بیان می کند که مبتنی بر آیات متعدد قرآن است و اصولاً روح کلی قرآن به یاری دین الهی یعنی اسلام است.

(حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصِيرُ)؛ (۲) «تا این که هجرت کنند؛ و اگر در مورد دین (خود) از شما یاری طلبیدند، پس بر شما یاری (آنان واجب) است».

حتی قرآن کریم از مردم می خواهد که برای دفع فتنه و حاکمیت دین بجنگند: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ)؛ (۳) «و با آنها پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند و دین فقط برای خدا باشد».

آری، حسین علیه السلام دین خدا را یاری کرد و خدای متعال نیز نهضت او را یاری کرد و خون حسین علیه السلام بر شمشیر ستمکاران پیروز شد و هدف او که عزت دین اسلام بود تحقق یافت و بعد از چهارده قرن هنوز نهضت عاشورا زنده و الگوی جهانیان است اما دشمنان او سرنگون و نابود شدند.

سوم: جهاد برای حفظ اسلام

از امام حسین علیه السلام نقل شده که در هنگامی که با فرزدق در مسیر کربلاء روبه رو شد فرمود:

«یا فرزدق انّ هولاء القوم لزموا طاعة الشيطان» ای فرزدق این مردم ملزم به اطاعت شیطان شده اند؛

ص: ۳۴

۱- (۱). موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲- (۲). انفال / ۷۲.

۳- (۳). بقره / ۱۹۳.

« و ترکوا طاعه الرحمان » و اطاعت خدا را ترک کرده اند؛

« و اظهروا الفساد فی الارض » و فساد را در زمین ظاهر کرده اند؛

« و ابطالوا الحدود » و حدود الهی را باطل کرده اند؛

« و شربوا الخمر » و شراب می نوشند؛

« و استأثروا فی اموال الفقراء و المساکین » (۱) به اموال فقرا و بینوایان (مستبدانه و انحصارگرانه) دست می یازند؛

« و انا اولی من قام بنصره دین » و من (حسین) با کفایت ترین فرد برای یاری دین خدا هستم؛

« و اعزاز شرعه » و اینکه شریعت او را عزیز کنم؛

« و الجهاد فی سبيله » و در راه خدا جهاد کنم؛

« لتکون کلمه الله هی العلیا » ؛ (۲) تا نام خدا بلند (و پرآوازه) باشد.

و نیز نقل شده در هنگامی که مروان در مدینه امام حسین علیه السلام را به بیعت با یزید فراخواند.

حضرت امام حسین علیه السلام فرمود: « و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامه براع مثل یزید ». (۳) اگر امت اسلامی رهبری مثل یزید پیدا کند آنگاه پایان کار اسلام است.

این سخنان امام حسین علیه السلام به فساد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراگیر در جامعه اشاره دارد. در این شرایط بود که اصل اسلام به خطر افتاد و در نتیجه جهاد برای حفظ اسلام واجب شد چرا که حفظ اسلام مهم ترین واجب الهی است. این سخنان امام حسین علیه السلام به یکی از مبانی مهم قیام عاشورا اشاره دارد که همان «جهاد در راه خدا» است و جهاد یکی از آموزه های قرآنی است که در آیات متعدد مطرح شده است و پاداش مجاهدان را بهشت معرفی کرده است. اهداف اساسی جهاد اسلامی عبارت است از: ۱. دفاع در برابر هجوم دشمنان برای حفظ دین، جان، مال و ناموس مسلمانان ۲. نجات مستضعفان در بند کفر و شرک و ظلم و گسترش اسلام.

ص: ۳۵

۱- (۱) . موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۳۳۶ تذکره الخواص ، ص ۲۱۷ و نیز در نامه امام حسین به اشراف کوفه همین مضامین آمده است (ر.ک: موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۳۷۷.

۲- (۲) . موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام ، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۳- (۳) . الفتوح ۱۷/۵ - مقتل الحسین خوارزمی ۱۸۴/۱ به نقل از موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام ، ص ۲۸۴.

امام حسین علیه السلام برای هدف اول جهاد کرد و در این راه شهید شد. پس او بر مبنای آیات قرآن عمل کرده است.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۱؛ «و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، تنها آنان مؤمنان حقیقی اند».

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ ۲؛ «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر؛ و مقصدشان جهنم است؛ و بد فرجامی است».

چهارم: اصلاح طلبی

حکایت شده که امام حسین علیه السلام وصیت نامه ای نوشت و در مدینه به برادر خویش محمد حنفیه سپرد. در این وصیت نامه اهداف قیام آن حضرت این گونه بیان شده است:

« انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً »؛ من برای طغیان، فساد و ظلم قیام نکردم؛

« و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی »؛ و فقط برای اصلاح امت جدم قیام کردم؛

« ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر »؛ می خواهم امر به معروف و نهی از منکر بنمایم؛

« واسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب »؛ (۱) و به روش پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام عمل کنم.

یکی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام اصلاح امت بود. اصلاح مردم در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...

اصلاح طلبی یکی از اهداف پیامبران الهی بوده که در قرآن بیان شده است. قرآن از قول حضرت شعیب علیه السلام می فرماید: (إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ)؛ (۲) «با شما مخالفت کنم (و آن را مرتکب شوم؛ زیرا) تا آن جا که می توانم، جز اصلاح نمی خواهم».

ص: ۳۶

۱- (۳). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۹۱ به نقل از بحار الانوار، ۴۴ / ۳۲۹.

۲- (۴). هود / ۸۸.

شعيب پیامبر صلی الله علیه و آله در این سخنان می خواهد بیان کند که انگیزه ی او معنوی، انسانی، تربیتی و اصلاح طلبی است و خدا برای او حقایقی را بیان کرده که دیگران نمی دانند.

«اصلاح» در اصل به معنای «سلامت از فساد و تباهی» است. این واژه شامل اصلاح در جسم، عقیده و عمل می شود؛ (۱) از این رو می توان گفت که «اصلاح» در این آیه شامل تمام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری، اخلاقی، فرهنگی و اعمال فردی می شود.

یکی از اهداف پیامبران و رهبران دینی «اصلاح» است. اصلاح همه جانبه عقیده، اخلاق، کردار مردم و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان، همگی از اهداف رهبران دینی است.

اصلاح طلبی چند شرط دارد:

الف) رعایت توانایی اصلاح گر و قدرت تغییر شرایط؛

ب) توکل بر خدا و درخواست توفیق از او؛

ج) عمل کردن اصلاح طلبان بر طبق اصلاحاتشان. (۲)

پنجم: امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در وصیت نامه مشهورش که نزد برادرش محمد بن حنفیه در مدینه گذاشت یکی از اهداف نهضت خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند و می فرماید:

« انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً » من برای طغیان، فساد و ظلم قیام نکردم؛

« وائما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی » و فقط برای اصلاح امت جدّم قیام کردم؛

« ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر » می خواهم امر به معروف و نهی از منکر بنمایم؛

« واسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب »؛ (۳) و به روش پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام عمل کنم.

امر به معروف پاسداشت نیکی های جامعه و نهی از منکر وسیله پالایش مستمر جامعه از پلیدی هاست. از این رو امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین به شمار می آید، در قرآن کریم بارها بر آنها تأکید شده است و آن را واجب می شمارد:

ص: ۳۷

۲- (۲). تفسیر قرآن مهر، ج ۹، ص ۲۹۲.

۳- (۳). همان، ص ۲۹۱ به نقل از بحارالانوار ج ۴۴، ص ۳۲۹.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ (۱) «و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند و به [کار] پسندیده فرمان دهند و از [کار] ناپسند منع کنند. و تنها آنان رستگارند».

آری امام حسین علیه السلام در نهضت خویش به دنبال اجرای دستور قرآنی امر به معروف و نهی از منکر بود.

در فقه اسلامی برای انجام امر به معروف و نهی از منکر مراحل بر شمرده اند که عبارتند از:

۱. انکار قلبی: یعنی کسی که کار ناپسندی را شناخت و ملاحظه کرد که کسی آن را انجام می دهد در قلب خویش از آن مطلب ناراحت شود البته در این صورت به طور معمول آثار آن در چهره فرد آشکار می شود.

۲. انکار با زبان: یعنی مؤمن هنگامی که کار ناپسندی را مشاهده کرد با زبان و کلام بر سر افراد فاسد می گوید البته اول با زبان نرم و استدلالی و مخفیانه به فساد گران نصیحت کند و اگر تأثیر نکرد فریاد کشد.

۳. اقدام عملی: یعنی جلوگیری عملی از منکرات به وسیله مانع تراشی و جلوگیری از اقدام فساد گران مرحله بعدی نهی از منکر است.

۴. اقدام به زدن یا کشتن (جنگ): این آخرین مرحله امر به معروف است و وقتی اجرا می شود که مراحل قبلی تأثیری نکند. البته این مرحله در حوزه اختیارات امام علیه السلام و ولایت امر مسلمین است و هر کس بخواهد آن را انجام دهد لازم است از حاکم شرع اجازه بگیرد. (۲)

قیام امام حسین علیه السلام نیز بر همین پایه و اساس بود یعنی در حقیقت امام حسین علیه السلام یک برنامه سیاسی و عملی مبارزه با طاغوت را در چهارچوب نهی از منکر ارائه کرد و همانطور که در مراحل مبارزه بیان کردیم نخست کارگزاران حکومت را نصیحت کرد سپس اقدام به مبارزه مسلحانه کرد و همه این ها در چهارچوب نهی از منکر بود.

ص: ۳۸

۱- (۱). آل عمران/ ۱۰۴.

۲- (۲). ر.ک: تحریر الوسیله، تألیف حضرت امام خمینی رحمه الله - رساله های عملیه مراجع تقلید، باب امر به معروف و نهی از منکر.

ششم: پاسداشت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

امام حسین علیه السلام در وصیت نامه خویش و سخنان دیگری که از ایشان نقل شده مردم را به سوی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله فرا می خواند و آن را یکی از اهداف قیام کربلاء می شمارد:

« انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً » من برای طغیان، فساد و ظلم قیام نکردم؛

« وائما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی » و فقط برای اصلاح امت جدم قیام کردم؛

« ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر » می خواهم امر به معروف و نهی از منکر بنمایم؛

« واسیر بسیره جدی وابی علی بن ابی طالب » (۱) و به روش پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام عمل کنم.

« انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه » من شما را به قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم؛

« فان السنه قد امیت » که در حقیقت روش پیامبر صلی الله علیه و آله مرده است؛

« وان البدعه قد احیت » (۲) و بدعت ها زنده شده است.

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قرآن کریم راهنمای مسلمانان است و همان طور که کلیات دین از قرآن اخذ می شود جزئیات اسلام نیز از سنت به دست می آید و سخنان و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن است. (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)؛ (۳) «و نوشته های متین (فرستادیم). و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند».

و بر همه مسلمانان لازم است که از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند و دیگران را به آن فراخوانند و از آن دفاع کنند چرا که دفاع از سنت دفاع از دین است و عمل نکردن به آن ترک قسمتی از دین است و اصولاً مسلمانان حق مخالفت با دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله را ندارند.

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ)؛ (۴) «خدا و فرستاده اش را اطاعت کنید».

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ)؛ (۵) «خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] را اطاعت کنید».

ص: ۳۹

۱- (۱). موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۲۹۱ به نقل از بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲- (۲). موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۳۳۷ از تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۶؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۲؛

احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۹ نقل می کند.

٣- (٣) . نحل / ٤٤.

٤- (٤) . انفال / ٢٠.

٥- (٥) . تغابن / ١٢.

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا)؛ (۱) «و هیچ (حقی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند؛ و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری گمراه شده است».

آری امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا در پی احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از آن و جاری ساختن آن در زندگی مسلمانان بود. چرا که دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله کنار زده شده بود و بدعت ها هویدا گشته بود.

هفتم: هجرت

هنگامی که حاکم مدینه بر طبق دستور یزید تصمیم می گیرد که امام حسین علیه السلام را شهید کند (۲) حضرت شبانه از مدینه خارج می شود و نیز هنگامی که در مکه نقشه ترور امام را می کشند ایشان از آن شهر خارج می شود و به طرف عراق می رود (۳) و در جواب مردی که از او سؤال می کند چرا از مدینه خارج شدی می فرماید: «به آبرویم توهین کردند پس صبر کردم و مالم را خواستند پس صبر کردم و (هنگامی که) خونم را خواستند فرار کردم.» (۴)

از این کلام امام استفاده می شود که وقتی جان مؤمن در خطر افتاد، دیگر جایز نیست در مقابل ستمگر صبر کند و کمترین واکنش این است که هجرت کند.

این حرکت امام حسین علیه السلام بر اساس آیات قرآن بود چرا که بر کسانی که در سرزمین خود با مشکل روبه رو می شوند و نمی توانند وظایف دینی خود را انجام دهند، و یا مثل پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه با خطر جانی روبه رو می شوند لازم است که هجرت کنند. قرآن در این زمینه می فرماید:

ص: ۴۰

۱- (۱). احزاب / ۳۶.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲ از امالی صدوق رحمه الله نقل می کند.

۳- (۳). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۱۹ و ۳۲۱.

۴- (۴). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۵۷ از منابع متعدد نقل می کند (وطلبوا دمی فهربت).

«قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأَوْلَيْكَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»؛ (۱) «(فرشتگان) گفتند: «آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟!» پس آنان مقصدشان جهنم است، و بد فرجامی است».

سپس قرآن یادآوری می کند که این افراد اگر در راه هجرت خویش کشته شوند پاداش آن ها بر عهده خداست و مهاجران پاداش بزرگی دارند.

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسِينًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ (۲) «و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، قطعاً، خدا به آنان رزق نیکویی روزی می دهد؛ و مسلماً، تنها خدا بهترین روزی دهندگان است».

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ (۳) «و هر کس [به عنوان] مهاجرت به سوی خدا و فرستاده او، از خانه اش به در آید، سپس مرگ او را فرا گیرد، پس به یقین پاداشش بر خداست؛ و خدا، بسیار آمرزنده مهرورز است».

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَوْلَيْكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ (۴) «کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با اموالشان و جان هایشان جهاد نمودند، نزد خدا رتبه ای والاتر دارند؛ و تنها آنان کامیابانند».

هشتم: مبارزه با ستمکاری

حضرت امام حسین علیه السلام در نامه ای به بزرگان کوفه و نیز در سخنرانی برای اصحاب خود و لشکر حرّ، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت می فرماید و به آن استدلال می کند سپس آن را بر بنی امیه تطبیق می کند:

« من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل

ص: ۴۱

۱- (۱). نساء / ۹۷.

۲- (۲). حج / ۵۸.

۳- (۳). نساء / ۱۰۰.

۴- (۴). توبه / ۲۰.

فی عباد الله بالاثم والعدوان ثم لم یغیر بقول ولا فعل، کان حقیقاً علی الله ان یدخله مدخله»؛ «هر کس که حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و عهد الهی را نقض نموده و با روش پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت می کند و در بین مردم به ظلم و گناه عمل می کند و علیه او با سخن و عمل شورش نکند بر خدا لازم است که او را در محل خود (یعنی جهنم) داخل کند.» (۱)

این آموزه پیامبر صلی الله علیه و آله که امام حسین علیه السلام بر اساس آن قیام کربلاء را سامان دهی کرد، برگرفته از آیات قرآن است که در آیات زیادی «ظلم» را سرزنش می کند و علت عذاب برخی اقوام را ظلم آنان معرفی می کند (۲) و میل و تکیه بر ستمکاران را موجب عذاب معرفی می کند.

(وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ)؛ (۳) «و به سوی کسانی که ستم کردند، متمایل نشوید، که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید، در حالی که جز خدا هیچ سرپرستی برای شما نیست؛ سپس یاری نخواهید شد».

سپس خدای متعال به کسانی که مورد ستم واقع شدند اجازه جهاد می دهد و می فرماید: (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)؛ (۴) «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده اند؛ و قطعاً، خدا بر یاری آنان تواناست».

آری دین الهی و امام حسین علیه السلام و امت اسلامی مورد ستم یزید و بنی امیه قرار گرفته بودند. در سخنانی که از امام حسین علیه السلام حکایت شده این ستمکاری را این گونه توضیح می دهند:

«ویزید رجل فاسق»؛ «یزید مردی فاسق است»؛

«معلن الفسق»؛ «آشکارا اعمال زشت مرتکب می شود»؛

«یشرب الخمر»؛ «شراب می نوشد»؛

ص: ۴۲

۱- (۱). همان، ص ۳۷۷ از تاریخ طبری ۳ / ۳۰۶ - الکامل فی التاریخ ۲ / ۵۵۲ - احقاق الحق ۱۱ / ۶۰۹ نقل می کند.

۲- (۲). ر.ک: انعام / ۴۵ و هود / ۴۷ و

۳- (۳). هود / ۱۳.

۴- (۴). حج / ۳۹.

« ويلعب بالكلاب والفهود » ؛ « با سگان و شیران بازی می کند »؛

« ويغض بقيه آل الرسول » ؛ (۱) « با اهل بیت دشمن است »؛

« قاتل نفس المحرمه » ؛ (۲) « قاتل افراد بی گناه است »؛

« ومثلى لايباع مثله » ؛ (۳) « روا نیست که (شخصیتی) همچون حسین علیه السلام با مثل یزید بیعت کند »؛

« يا فرزدق انّ هولاء القوم لزموا طاعه الشيطان » ؛ « ای فرزددق این مردم ملزم به اطاعت شیطان شده اند ».

« وترکوا طاعه الرحمان » ؛ « و اطاعت خدا را ترک کرده اند »؛

« واظهروا الفساد فى الارض » ؛ « و فساد را در زمین ظاهر کرده اند »؛

« وابطلوا الحدود » ؛ « و حدود الهی را باطل کرده اند »؛

« وشربوا الخمر » ؛ « و شراب می نوشند »؛

« واستأثروا فى اموال الفقراء والمساكين » ؛ (۴) « به اموال فقرا و بینوایان (مستبدانه و انحصار گرانه) دست می یازند »؛

« واحلوا حرام الله وحرّموا حلاله » ؛ « و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام کرده اند »؛

« واستأثرو بالفى » ؛ (۵) « بیت المال را منحصر به خود کرده اند ».

در چنین شرایطی وظیفه قرآنی هر مسلمانی است که به پا خیزد و با ظلم و فساد مبارزه کند و حسین علیه السلام چنین کرد.

نهم: آزادسازی و آزادی

واژه آزادی از محبوب ترین کلماتی است که در تاریخ بشر به وجود آمده است، اما این واژه دارای معانی متفاوت است. از جمله به معنای استقلال (آزادی فلسفی)، اختیار، آزادی

ص: ۴۳

۱- (۱) . موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۲۷۸.

۲- (۲) . همان، ص ۲۸۳.

۳- (۳) . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

۴- (۴) . موسوعه کلمات الامام حسین علیه السلام ، ص ۳۳۶ (نقل از تذکره الخواص، ص ۲۱۷) و نیز در نامه امام حسین به اشراف کوفه همین مضامین آمده است ر.ک: موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۳۷۷.

۵- (۵). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۱۳۷ در نامه به اشراف کوفه و نیز در ص ۳۶۰ در سخنرانی برای لشکر
حزّو نیز الفتوح ۵ / ۹۱، مقتل الحسین، الخوارزمی ۱ / ۲۳۴ و بحار ۴۴ / ۳۸۱.

در حوزه تربیت، آزادی حقوقی (در حوزه فلسفه حقوق)، آزادی در برابر بردگی (در حقوق مدنی و بین المللی) و آزادی به معنای وارستگی اخلاقی می آید.

بحث آزادی و حرّیت در نهضت عاشورا به معنای وارستگی اخلاقی است که شامل «آزادگی» (به معنای تن به ذلت ندادن) و نیز «کرامت نفس و بزرگ منشی» (جوانمردی) می شود. [\(۱\)](#) همان طور که شامل آزادگی و آزاد سازی مردم می شود.

در این مورد فقط به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

الف) از امام حسین علیه السلام نقل شده که به دشمنان خویش می فرماید: اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید پس (حداقل) در دنیا آزاده باشید و اگر عرب هستید به رسم و عادت نیاکان خود عمل کنید. (یعنی صفات خوب پدران خود را به یاد آورید)

« ان لم یکن لکم دین وکنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم هذه وارجعوا الی احسابکم ان کنتم عرباً کما ترعمون » [\(۲\)](#).

یعنی دین داشتن و ترس از معاد موجب تقوا می شود و به انسان اجازه نمی دهد که به دیگران ستم کند، ولی راه فطری دیگری هم برای جلوگیری از ظلم هست و آن آزاده بودن است که هر انسانی آزاد آفریده شده و آزادی و آزادگی و احترام به حقوق دیگران را دوست دارد.

ب) برداشتن بیعت از یاران (آزاد گذاشتن یاران در تصمیم به جنگ)

مجبور کردن دیگران بر خلاف اراده آنها، در مکتب آزادگان جهان پذیرفته نیست و این چنین بود که حسین علیه السلام در راه مکه به کوفه، چندین بار بیعت خود را از اصحاب و یاران برداشت و آنان را آزاد گذارد و حتی به آنها اعلام کرد که هر کس با ما بماند شهید می شود. [\(۳\)](#)

آری امام می خواست هر کس همراه حسین علیه السلام است آگاهانه و از روی رضایت و احساس وظیفه و عشق بماند.

ص: ۴۴

۱- (۱). برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مقاله قرآن و آزادی از نگارنده، مجله قرآن و علم، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸ ش.

۲- (۲). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۰۴.

۳- (۳). همان، ص ۳۹۵ به بعد و ص ۳۴۸ و بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۶.

ج) امام حسین علیه السلام قیام کرد تا مردم را از اسارت و ظلم بنی امیه آزاد سازد، تا گرفتار انحراف فکری و اخلاقی نشوند.

این شیوه امام حسین علیه السلام در آزادی و آزادسازی مردم نوعی پیروی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله است چون رسم آزاد سازی مردم یکی از رسالت های پیامبر صلی الله علیه و آله است که قرآن از آن یاد کرده و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را برداشتن غل و زنجیرها از دست و پای مردم و آزاد کردن آنها از عقاید باطل، اعمال خرافی و ستم و... معرفی می کند:

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ۱؛ «همان) کسانی که از فرستاده ی (خدا)، پیامبر درس نخوانده، پیروی می کنند؛ آن (پیامبری) که (صفات) او را نزدشان در تورات و انجیل نوشته می یابند؛ در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می دهد، و آنان را از [کار] ناپسند منع می کند و برایشان [خوارکی های] پاکیزه را حلال می شمرد و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند و تکلیف سنگینشان و غل هایی را که بر آنان بوده، از (دوش) آنها برمی دارد؛ و کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی اش داشتند (و دشمنانش را از او بازداشتند) و یاری اش کردند و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارند».

و نیز رسالت موسی علیه السلام را هنگام مقابله با فرعون، آزاد سازی مردم از بندگی و نجات آنان معرفی می کند (طه / ۴۷ و ۸۰ و شعراء / ۱۷ و ۲۲).

دهم: ذلت ناپذیری (عزت مداری)

یکی از آموزه های سیاسی قیام امام حسین علیه السلام زیر بار ذلت نرفتن است و این از شعارها و پیام های مهم عاشورا است که سرمشق و الگوی هر شیعه در طول تاریخ بوده است. آری رهروان حسین علیه السلام مرگ با عزت را بر زندگی ذلیلانه ترجیح می دهند.

« موت فی عزّ خیر من حیات فی ذلّ » . (۱)

و حسینان سعادت را در شهادت و خسارت را در زندگی با ظالم می دانند. (۲) آری این شعار پرچم هر رهرو حسین علیه السلام است که ذلت از ما دور است.

« هیئات منا الذلّه » . (۳)

در مکتب حسین علیه السلام معیار سعادت، پول، زندگی و مرگ نیست بلکه معیار عزّت و ذلالت است و این دیدگاهی است که حسین علیه السلام به بشریت هدیه داد یعنی دیدگاه انسان های آزاده را نسبت به مرگ تغییر داد. چراکه مرگ هر چه هست برای همه هست امّا مهم آن است که دیدگاه هر کس نسبت به مرگ چیست و حسین علیه السلام تعریف تازه ای از مرگ و زندگی ارائه کرد و این دیدگاه را تغییر داد و روشن ساخت که مرگ در زندگی با ستمگران است و حیات در شهادت نهفته است.

وقتی امام حسین علیه السلام می بیند که نصایح او تأثیری در کارگزاران حکومت بنی امیه نداشت و یزید هم مردی فاسد است و جایز نیست که با او بیعت کند و فرار او هم فایده ندارد چرا که در مکه و کربلا- همه جا به دنبال او هستند که یا بیعت بگیرند یا او را بکشند در برابر دشمن مردانه می ایستد و تا آخرین نفس می جنگد و می گوید:

« لا والله لا اعطیکم [ب-] یدی اعطاء الذلیل ولا افرّ فرار العبید » ؛ (۴) «نه به خدا قسم مثل افراد ذلیل دست بیعت با شما نمی دهم و مثل بردگان فرار نمی کنم».

این شیوه رفتاری امام حسین علیه السلام در عزّت مداری و ذلت ناپذیری، خاستگاهی قرآنی دارد و با مبانی قرآن سازگار است که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان را عزت دار معرفی می کند و لازمه این سخن آن است که ذلت و خواری از مؤمنان به دور است.

«وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ لٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» ؛ (۵) «در حالی که عزّت فقط برای خدا و برای فرستاده اش و برای مؤمنان است، و لیکن منافقان نمی دانند».

ص: ۴۶

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۲- (۲) . همان، ص ۱۹۲.

۳- (۳) . ر.ک: موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، ص ۴۲۳ - ۴۲۵ (پاورقی).

۴- (۴) . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۵- (۵) . منافقون / ۸.

اگر امام حسین علیه السلام در مکه یا مدینه می ماند کشته می شد ولی اگر خارج می شد و به طرف عراق می رفت یکی از دو چیز (احدی الحسینین) در انتظار حضرت می بود و از این رو فرمود: «ان بینی و بین القوم موعداً اگره ان اخلفهم فان یدفع الله عنّا فقدیماً ما انعم علینا و کفی و ان یکن ما لابد منه ففوز و شهاده ان شاء الله». (۱)

حاصل این مطلب که نوعی دلیل عقلی آن است که: اگر مردم از امام حمایت می کردند و حکومت یزید ساقط می شد، به نفع اسلام تمام می شد و پیروزی حاصل می گشت، این یک نعمت الهی بود. و اگر مردم امام را یاری نمی کردند حضرت شهید می شد و حکومت یزید رسوا می گشت و با خون او اسلام زنده می شد. پس در هر صورت، خروج از مکه و مدینه بهتر از بیعت یا کشته شدن بدون سر و صدا بود.

یعنی شهادت امام به طور مظلومانه در صحرای کربلا و با لشکرکشی عظیم موجب شد که تبلیغات عظیمی به نفع اسلام و در جهت رسوایی ظلم بنی امیه به راه افتد و حیات اسلام در طول تاریخ تضمین شود.

این شیوه منطقی و عقلانی امام حسین علیه السلام مطابق آیات قرآن است، چرا که قرآن در برابر کسانی که در هنگام جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله بدرفتاری می کردند و سخنان ناپسند می گفتند می فرماید: (قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ)؛ (۲) «بگو: «جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند.» بگو: «آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید».

یعنی در هر دو صورت راه ما حق و فرجام آن نیک است چه به فوز شهادت برسیم و راهی بهشت شویم و چه در دنیا پیروز شویم.

ولی سرنوشت مخالفان در هر صورت به هلاکت و زیانکاری منتهی می شود چون یا به شکست در دنیا و ذلت می انجامد یا به کشته شدن و جهنم منتهی می شود. پس عقل و منطق حکم می کند که ما راه خود را ادامه دهیم و امام حسین علیه السلام چنین کرد.

ص: ۴۷

۱- (۱). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۴.

۲- (۲). توبه / ۵۱ - ۵۲.

دوازدهم: وجوب پاسخ مثبت امام حق به اتمام حجت مردم

نامه های متعدّد و قاصدان مکرّر از طرف اهل کوفه رسید که ما امام نداریم و می خواهیم با تو بیعت کنیم و امام حسین علیه السلام نیز مسلم بن عقیل را فرستاد تا آنها را امتحان کند و اوضاع را گزارش دهد و هنگامی که مردم کوفه با مسلم بیعت کردند حجت شرعی بر امام تمام شد و بر او واجب بود که به عراق برود و از این رو فرمود: «هذه كتب اهل الكوفة ورسلمهم وقد وجب عليّ اجابتهم وقام لهم العذر عليّ عند الله سبحانه» (۱)؛ «این نامه های مردم کوفه و قاصدان آنهاست و اجابت آنها بر من واجب شد و آنها نزد خدای سبحان علیه من عذر (و دلیل) دارند».

از طرفی امام حسین علیه السلام در سخنرانی های خویش خصوصیات امام عادل و لایق و حق را بر می شمارد و می فرماید: «العامل بالكتاب والاحذ بالقسط والدائن بالحق والحابس نفسه على ذات الله» (۲).

و از طرف دیگر در علل آمدن خویش به کربلا بیان می کند که: «مردم نوشتند که ما امام نداریم و من به این خواست آنان پاسخ مثبت دادم» (۳).

قرآن کریم حجت و دلیل را به رسمیت شناخته و بارها از آن سخن گفته است (بقره/ ۱۵۰ و انعام/ ۱۴۹ و ۸۳ و شوری/ ۱۵) و حتی فرستادن پیامبران الهی را برای اتمام حجت بر مردم معرفی می کند.

(لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ)؛ (۴) «تا بعد از این فرستادگان، برای مردم حجتی بر خدا نباشد».

آری، هنگامی که حجت تمام شد لازم است که طبق آن عمل شود و امام حسین علیه السلام بر همین اساس به دعوت مردم کوفه پاسخ مثبت داد و نهضت عاشورا را شروع کرد.

ص: ۴۸

۱- (۱). معالی السبطين ۱/ ۲۴۶ - ناسخ التواريخ ۲/ ۱۲۲ اسرار الشهاده، ۲۴۷ به نقل از موسوعه كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۲۱.

۲- (۲). طبری ۷/ ۲۳۵، کامل ابن اثیر ۳/ ۲۶۷، ارشاد، ص ۲۰۴ و مقتل خوارزمی ۶/ ۱۹۵.

۳- (۳). موسوعه كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۴- (۴). نساء/ ۱۶۵.

در عصر امام حسین علیه السلام فرصت برای کارهای علمی (مثل عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام) وجود نداشت چرا که در آن عصر فشارهای نظامی بنی امیه و جنگ های داخلی و مشکلات جامعه اسلامی، سپس جریان کربلاء به وجود آمد و کم تر مجالی برای جلسات علمی عمیق وجود داشت.

البته در این بین فرصت های کوتاهی به وجود می آمد که امام حسین علیه السلام مطالب علمی و دینی به ویژه مطالب تفسیری را بیان می کردند ولی به خاطر خفقانی که بنی امیه بعد از شهادت امام علی علیه السلام و قیام کربلا به وجود آوردند بسیاری از این احادیث نقل نشدی به بوته فراموشی سپرده شد یا نوشته های آن ها از بین رفت. اما با این حال در میان احادیثی که از امام حسین علیه السلام نقل شد تعدادی از آیات قرآن تفسیر شده است که در این جا آن ها را ذکر می کنیم.

لازم به یادآوری است که علاوه بر تفسیرهای امام حسین علیه السلام برخی آیات به عنوان شاهد و دلیل و گاهی آیاتی در جواب مخالفان در کلمات و خطبه های حضرت نقل شده است که جای بررسی مستقل دارد.

۱- سه گروه مردم (ناس - اشباه ناس - نسناس) در قرآن

شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد سه تعبیر «الناس»، «اشباه الناس» و «النسناس» پرسید و حضرت به امام حسین علیه السلام دستور داد که جواب او را بدهد و امام حسین علیه السلام فرمود: اما مقصود از «الناس» (مردم، در برخی آیات قرآن) ما هستیم از این رو خدای تبارک و تعالی در قرآن فرمود: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ)، (۱) از جایی که مردم سرازیر می شوند (شما حاجیان در هنگام انجام اعمال حج) سرازیر شوید.

و اما مقصود از «اشباه الناس» (افرادی که شبیه مردم هستند) شیعیان ما هستند، آنان دوستان ما و از ما به شمار می آیند از این رو ابراهیم علیه السلام (در قرآن) فرمود: (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي) ۲، هر کس مرا پیروی کند در حقیقت از من است.

ص: ۴۹

اما مقصود از «النسناس» عوام مردم هستند. سپس امام حسین با دست به گروهی از مردم اشاره کردند و این آیه را قرائت کردند: (إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا). (۱) - (۲)

روی الكلینی باسناده عن سهل و علی بن ابراهیم، عن أبيه، جميعاً عن ابن محبوب، عن عبد الله بن غالب، عن أبيه، عن سعيد بن المسيب، قال: سمعت علی بن الحسين عليهما السلام يقول: «إِنَّ رجلاً جاء امير المؤمنين عليه السلام فقال: أخبرني إن كنت عالماً عن الناس، وعن أشباه الناس، وعن النسناس، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: يا حسين أجب الرجل، فقال الحسين عليه السلام: «أما قولك: أخبرني عن الناس، فنحن الناس، ولذلك قال الله تبارك وتعالى ذكره في كتابه: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ) ۳ فرسول الله صلى الله عليه و آله الذي أفاض بالناس.

و أما قولك: أشباه الناس، فهم شيعتنا، وهم موالينا، وهم منا، ولذلك قال ابراهیم صلى الله عليه: (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي). ۴

و اما قولك: النسناس، فهم السواد الأعظم، و أشار بيده إلى جماعه الناس، ثم قال: (إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا). ۵ - ۶

تحليل

در این حدیث در مورد آیه اول به مصداق اکبر «الناس» اشاره کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله است و در مورد آیه دوم با ذکر یک قاعده کلی از قرآن، شیعیان را مصداق این قاعده برشمرده که پیرو ائمه علیهم السلام هستند، پس از آنان به شمار می آیند. و در مورد آیه سوم مصداق آیه را برشمرده است که بسیاری از مردم مثل چهارپایانی هستند که فقط به امور مادی خود اهمیت می دهند و در غفلت به سر می برند به مرحله تفکر و بصیرت و شکوفایی ایمانی و انسانی نمی رسند.

یادآوری: آیه ۱۹۹ بقره به همراه تفسیر کامل آن ذیل مبحث آیات الحسین خواهد آمد.

ص: ۵۰

۱- (۱). فرقان / ۴۴

۲- (۲). کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۳۳۹ و تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۲ و بحارلأنوار، ج ۲۴، ص ۹۵، ح ۲.

۲- امام حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام اولوالارحام در قرآن

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که حضرت در مورد آیه (وَ اُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ)؛ (۱) «و خویشاوندان، برخی از آنان نسبت به برخی [دیگر]، در کتاب خدا، سزاوارترند» و... فرمودند: از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تأویل آیه پرسیدم و ایشان فرمودند: به خدا سوگند غیر از شما (اهل بیت علیهم السلام) قصد نشده است. شما خویشاوندان هستید هنگامی که من از دنیا رفتم پدرت علی اولی به من و جایگاه من است. و هنگامی که پدرت از دنیا رفت برادرت حسن اولی به آن است و هنگامی که حسن از دنیا رفت تو اولی به آن هستی.

عرض کردم یا رسول الله بعد از من چه کسی اولی به من است؟

حضرت فرمود: فرزندان علی سپس فرزندان محمد سپس فرزندان جعفر سپس فرزندان موسی، سپس فرزندان علی سپس فرزندان محمد سپس فرزندان علی، سپس فرزندان حسن سپس فرزندان نهم از فرزندان که غایب می شود. اینان اولی به این جایگاه هستند و خدا به آنان علم من و فهم من را عطا کرده و طینت آنان از طینت من است چقدر مردمی که مرا در مورد آنان اذیت می کنند خدا شفاعت مرا به آنان نرساند. (۲)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابْنُ أَبِي بَكْرٍ بْنِ هَارُونَ الدِّينَوْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمِصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْغَفَّارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَدَّاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى هَذِهِ الْآيَةَ: (وَ اُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) ۳ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ تَأْوِيلِهَا فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عَنَى بِهَا غَيْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ، فَإِذَا مِتُّ فَأَبُوكَ عَلِيٌّ أَوْلَىٰ بِي وَبِمَكَانِي، فَإِذَا مَضَىٰ أَبُوكَ فَأَخُوكَ الْحَسَنُ أَوْلَىٰ بِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ الْحَسَنُ فَأَنْتَ أَوْلَىٰ بِهِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ بَعْدِي أَوْلَىٰ بِي؟

ص: ۵۱

۱- (۱). انفال / ۷۵.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۳، ح ۲۰۹ و تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۵ و ...

فَقَالَ ابْنُكَ عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِذَا مَضَىٰ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ أَوْلَىٰ بِهِ بِمَكَانِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَىٰ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ مُحَمَّدٌ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ؛ فَإِذَا مَضَىٰ مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ الْحَسَنُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَىٰ الْحَسَنُ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ فِي النَّاسِ مِنْ وُلْدِكَ، فَهَذِهِ الْمَائِمَةُ التَّشْبِيهُ مِنْ صِلْبِكَ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي، طِينَتُهُمْ مِنْ طِينَتِي، مَا لَقِئْتُمْ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي». (١)

تحليل

این حدیث مصادیق کامل «اولوالارحام» خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را بر می شمارد یعنی در این حدیث امام حسین علیه السلام توضیح و تفسیر آیه را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند و جالب این است که نام دوازده امام علیهم السلام را می برد.

یادآوری: تفسیر این آیه در آیات مربوط به امام حسین علیه السلام نیز ذکر شده که در آن قسمت به صورت کامل مورد بررسی قرار می دهیم.

۳- زمین بی گناه

در حدیثی از امام حسین علیه السلام حکایت شده که مقصود از اینکه زمین به غیر زمین تبدیل می شود آن است که زمینی می گردد که گناه بر آن انجام نمی شود، زمین صاف که کوه و گیاه ندارد مثل بار اول که زمین بود و غلطانده شد.

عَنْ ثَوْبَانَ بْنِ أَبِي فَاخِخَةَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: (تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ) ٢ يَعْنِي بِأَرْضٍ لَعَمْرُكَ تَكْتَسِبُ عَلَيْهَا الدُّنُوبَ، بَارِزَةً لَيْسَتْ عَلَيْهَا جِبَالٌ وَلَا نَبَاتٌ كَمَا دَحَاهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ. (٢)

تحليل

این حدیث در حقیقت تفسیری از آیه ۴۸ سوره ابراهیم است که معنای تبدیل زمین به زمین دیگر را توضیح می دهد.

اینک به تفسیر آیه فوق توجه می کنیم:

ص: ۵۲

۱- (۱). کفایه الأثر، ص ۱۷۵؛ اثباه الهداه، ج ۲، ص ۵۴۵، ح ۵۵۲.

۲- (۳). تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۵۲.

(يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ)؛ (ابراهیم / ۴۸)، «در روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان ها (به آسمان های دیگری) تبدیل می شوند، و (مردم) در برابر خدای یگانه چیره، ظاهر شوند».

نکته ها و اشاره ها

۱. در مورد «تبدیل زمین و آسمان به زمین و آسمان دیگر»، که در این آیه به آن اشاره شده است، مفسران قرآن چند دیدگاه دارند:

برخی بر آن اند که منظور تبدیل ذات است؛ یعنی به کلی این زمین نابود و زمین دیگری آفریده می شود و قیامت برپا می گردد.

برخی بر آن اند که مقصود تبدل صفات زمین و آسمان است؛ یعنی پس از ویرانی این زمین و آسمان در آستانه قیامت، زمین و آسمانی نو و تکامل یافته تر برپا می شوند. اما از ظاهر برخی دیگر از آیات قرآن استفاده می شود که خورشید، خاموش و آسمان ها شکافته و زلزله های سخت هویدا می شود و نظام کنونی جهان درهم می ریزد، اما جهان به کلی نابود نمی شود (۱) بلکه مردم به زمینی تازه و عالی تر گام می نهند.

البته درک کامل آن جهان تازه برای ما مشکل است؛ هم چون کودکی که بخواهد از درون شکم مادر همه چیز جهان بیرون را درک کند. (۲)

۲. مفسران، «بُروز» انسان ها در برابر خدا در رستاخیز را چند گونه تفسیر نموده اند:

الف) بیرون آمدن انسان ها از قبرها در قیامت.

ب) ظهور تمام وجود انسان با تمام محتوای درونی و بیرونی اش در صحنه رستاخیز؛ یعنی در آن جا انسان ظاهر و باطن ندارد و همه چیز انسان (حتی در دید علم محدود او) آشکار می شود. (۳)

۳. «قَهَّار» بودن خدا، به معنای تسلط و سیطره او بر همه چیز است.

ص: ۵۳

۱- (۱). ر.ک: سوره های تکویر، انفطار و زلزال.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۹۰ - ۳۹۲.

۳- (۳). «بُروز» از ماده «براز» (فضا و محل وسیع) به معنای قرار گرفتن در فضای وسیع است که لازمه اش آشکار شدن است (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۸۵).

۱. در رستاخیز نظام نوین جهانی برقرار می شود.

۲. در رستاخیز، همگان، با تمام وجود، در پیشگاه الهی ظاهر می شوید (برای آن روز آماده شوید).

۴- پرسش از ولایت در رستاخیز

در حدیثی آمده است که امام حسین علیه السلام فرمودند: (روزی) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ابوبکر نسبت به من به منزله گوش است و عمر به منزله چشم و عثمان به منزله دل، امام حسین علیه السلام فرمود: فردای آن روز خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و امیرالمؤمنین و آن سه نفر حاضر بودند. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: پدر جان در مورد این اصحابت چیزی شنیدم مقصود چه بود؟

پیامبر فرمود: بله سپس به آن سه نفر اشاره کرد و فرمود: آنان گوش و چشم و دل من هستند که به زودی از وصی من این (اشاره به علی علیه السلام کرد) مورد سؤال واقع می شوند.

خداوند می فرماید: (إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصِيرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) ؛ (اسراء / ۳۶)، «[چرا] که شنوائی و دیده و دل (سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می شوند».

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به عزت پروردگارم تمام امت من روز رستاخیز متوقف می شوند و از ولایت او (علی) پرسیده می شوند. و این است سخن خداوند عزوجل: (وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) ؛ (صافات / ۲۴)، «و آنان را نگاه دارید، [چرا] که آنان مورد بازپرسی قرار می گیرند».

عن أبي القاسم علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق، قال: حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي، قال: حدثنا سهل بن زياد الآدمي، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنی، قال: حدثني سیدی علی بن محمد ابن علی الرضا، عن أبيه محمد بن علی، عن أبيه الرضا، عن آبائه، عن الحسين بن علي عليهما السلام، قال: «قال رسول الله صلى الله عليه و آله إن أبا بكر مني بمنزلة السمع، وإن عمر مني بمنزلة البصير، وإن عثمان مني بمنزلة الفؤاد». قال: فلما كان من العمد دخلت إليه وعنده أمير المؤمنين وأبو بكر وعمر وعثمان، فقلت له: يا أبت سمعتك تقول في أصحابك هؤلاء قولاً فما هو؟».

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ، ثُمَّ أَشَارَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: هُمْ السَّمْعُ وَالْبَصِيرُ وَالْفؤَادُ، وَسَيَسْأَلُونَ عَنِّ وَصِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا - وَأَشَارَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَالْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) ۱ ثُمَّ قَالَ: وَعِزَّةُ رَبِّي إِنَّ جَمِيعَ أُمَّتِي لَمُوقَفُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَسْئُولُونَ عَنِّ وَوَلَايَتِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ). ۲- ۳

تحليل

ظاهر آیه اول (اسراء/ ۳۶) در مورد گوش و چشم و دل معمولی است ولی در حدیث فوق تطبیق بر سه نفر شده است. که از نوع بیان بطن آیه است یعنی با الغاء خصوصیت توسعه معنایی در مورد چشم و گوش و دل داده شده است به طوری که شامل هر کس شود که مثل چشم و گوش و دل انسان اطراف اوست و از آموزش آگاه است.

برخی محدثان در توجیه روایت فوق فرموده اند: مقصود باطن آیه است که آن سه نفر به خاطر مخالفت شدید با پیامبر صلی الله علیه و آله در ظواهر امور و اطلاع آن ها از ولایت امام علی علیه السلام به منزله گوش و چشم و دل شدند پس حجت بر آن ها تمام تر شد. (۱)

اما آیه دوم (صافات/ ۲۴) یک اصل کلی در مورد رستخیز بیان می کند که در یکی از ایستگاه های رستخیز از همه افراد پرسش می شود. ولی روایت یکی از مهم ترین مصادیق پرسش را بیان می کند که ولایت امام علی علیه السلام است چرا که ولایت از بزرگ ترین نعمت های الهی است و پرسیده می شود که با آن چه کردید آیا اطاعت کردید یا عصیان؟

اینک به تفسیر آیات ۳۶ سوره اسراء و ۲۴ سوره صافات و آیات مرتبط توجه می کنیم:

- (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَالْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) ؛ (اسراء/ ۳۶)، و از آنچه که هیچ علمی بدان نداری، پیروی مکن؛ [چرا] که گوش و چشم و دل (سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می شوند.

ص: ۵۵

۱. در زندگی فردی و اجتماعی (اعتقادات، سخن گفتن، گواهی دادن، داوری کردن و...) فقط از یقین و علم تبعیت کنید نه حدس ها و شایعات و توهمات و شک و گمان خود.

۲. در این آیه از میان حواس انسان به گوش و چشم اشاره شد؛ چرا که اکثر معلومات بشری از این دو راه به دست می آید و بخش عمده ای از معلومات هم از طریق دل، روح و عقل به دست می آید که واژه «فؤاد» به این بعد وجودی انسان اشاره دارد.

۳. در رستاخیز از چشم و گوش و عقل و دل انسان پرسش می شود؛ (۱) یعنی انسان در برابر آنچه از دیگران یا از افراد غیر موثق شنیده و طبق آن سخن گفته و آنچه با دلایل محکم درک نکرده و بدان معتقد شده و یا در مورد آنچه ندیده گواهی داده است، مسئول است.

۴. اگر جامعه بشری به مضمون این آیه عمل کنند، بسیاری از نابسامانی های اجتماعی برطرف می شود و از شایعه سازی، جو سازی و قضاوت های عجولانه و پایمال شدن حقوق و آبروی افراد جلوگیری می شود و انسان به سوی تحقیق و استقلال فکری سوق می یابد و از ساده اندیشی فاصله می گیرد؛ از این رو در آیات قرآن از پیروی از گمان منع شده است. (۲)

۵. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که در مورد این آیه فرمودند:

از گوش در مورد آنچه شنیده و از چشم در مورد آنچه دیده و از دل و عقل در مورد آنچه معتقد شده است، پرسش می کنند. (۳)

در حدیث دیگری با اشاره به این آیه بیان شده که هر کس به موسیقی غیر مجاز گوش دهد از او پرسش خواهد شد. (۴)

و در حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام روایت شده که حضرت با استناد به این آیه فرمود:

تو نمی توانی هر چه می خواهی بگویی. (۵)

ص: ۵۶

۱- (۱). همان طور که در آیه ۲۱ سوره فصلت به سخن گویی اعضای انسان اشاره شده است.

۲- (۲). ر.ک: سوره یونس، آیه ۳۶ و سوره نجم، آیه ۲۳.

۳- (۳). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۲؛ کافی، ج ۲، ص ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۷؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۹۳ و بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۷.

۴- (۴). من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۶؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰ و بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۴۶.

٥- (٥) . علل الشرايع، ج ٢، ص ٦٠٥؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ١٧١ و ج ٢٧، ص ٣٠ و بحار الانوار، ج ٢، ص ١١٦ و ج ٧١، ص ١٩٣.

۱. اصل، پیروی از علم و عدم تبعیت از وهم و شک و گمان است.

۲. کارهای غیرعالمانه نکنید.

۳. اعضا و جوارح انسان در برابر گفتار، کردار و پندار انسان مسئول اند (پس مراقب باشید).

– (وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرِفُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُشْتَرِكُونَ)؛ (صافات / ۲۴-۲۶)، «و آنان را نگاه دارید، [چرا] که آنان مورد بازپرسی قرار می گیرند. شما را چه شده که یک دیگر را یاری نمی کنید؟! بلکه امروز آنان در پی تسلیم اند».

نکته ها و اشاره ها

۱. هنگامی که مشرکان ستمکار به سوی دوزخ حرکت داده می شوند، در بین راه آنها را متوقف می کنند تا از آنان بازپرسی کنند، در حالی که جای پرسش، قبل از داوری و محکومیت برای دوزخ است؛ پس این پرسشگری برای چیست؟

مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده اند:

الف) این پرسش برای داوری نیست، بلکه نوعی سرزنش و مجازات روانی برای مشرکان است.

ب) دوزخی بودن مشرکان واضح است، اما بازپرسی برای تعیین مقدار جرم آنهاست.

ج) پرسش از آنها در مورد عدم یاری طلبیدن است که در آیه بعد آمده و این یکی از موارد پرسش است. (۱)

۲. در مورد پرسش هایی که از مشرکان می شود چند احتمال داده شده است:

الف) از بدعت ها و اعمال زشت آنان پرسش می شود؛

ب) از توحید پرسش می شود؛

ج) از نعمت هایی هم چون جوانی، عمر و اموال پرسش می شود؛

د) از ولایت امام علی علیه السلام پرسش می شود؛ همان طور که در احادیث شیعه و سنی آمده است (۲) و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: در رستاخیز که صراط بر جهنم قرار می گیرد هیچ

ص: ۵۷

۲- (۲). ر.ک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۰۴ و المراجعات، ص ۸۲، که از دانشمندان اهل سنت و شیعه نقل کرده اند.

کس نمی تواند عبور کند، مگر آن که جواز ولایت علی علیه السلام با او باشد و این مقصود آیه فوق است (۱)؛ البته ممکن است همه این موارد از ستمکاران پرسش شود که ولایت امام علی علیه السلام از مصادیق مهم آن است.

آموزه ها و پیام ها

۱. رستاخیز روز بازپرسی است (پس برای آن روز آماده باشید).

۲. رستاخیز روز بی یآوری و تسلیم در برابر حق است.

۳. به فکر بازپرسی رستاخیز و تنهایی در آن روز باشید.

۵- اهمیت تفسیر کهیص

در حدیثی آمده است فردی از امام حسین علیه السلام در مورد معنای آیه (کهیص) ، (مریم / ۱) پرسش نمود و حضرت فرمود: اگر بر فرض آن را برای تو تفسیر کنم (آنقدر آگاه می شوی و قدرت می یابی که) می توانی بر آب راه روی.

عن الامام الحسين بن علي عليهما السلام أنه سأله رجل عن معنى (كهيص) ۲ فقال له: «لو فسرتها لك لَمْ شَيْتَ عَلَى الْمَاءِ». (۲)

تحلیل

آیه فوق از حروف مقطعه قرآن است که دیدگاه های متعددی در تفسیر این گونه حروف وجود دارد. و در برخی احادیث آیه فوق اشاراتی به کربلا و جریان شهادت امام حسین علیه السلام معرفی شده است.

بنابراین آیه فوق اشاره به تأویل آیه دارد.

فی الجملة این روایت نشان می دهد که اولاً امام حسین علیه السلام از اسرار و تأویل آیات اطلاع داشت. ثانیاً می توانست آن ها را تفسیر کند ولی ظرفیت مخاطب را در نظر می گرفت. ثالثاً برخی حروف مقطعه قرآن دارای اسراری است که به انسان قدرت های فوق العاده می دهد. (۳)

تذکر: ما ذیل مبحث آیات الحسین علیه السلام با روایات و تفسیر این آیه مفصل می پردازیم.

ص: ۵۸

۱- (۱) . امالی طوسی، ص ۲۹۰؛ بشاره المصطفی، ص ۱۴۴؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۵۶ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۰۱ و در منابع

عامه: میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۴؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۷۵ و تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۸۰.

۲- (۳) . ینابیع الموده، ص ۴۸۴ و احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۲.

۳- (۴) . برای مثال در مورد آیه فوق نقل مجزّب است که اگر به صورت خاصی خوانده شود مستکبران را در برابر خواننده

خاضع می کند.

۶- آیه تطهیر و مصادیق آن از اهل بیت علیهم السلام

در حدیثی از امام حسین علیه السلام حکایت شده که نه ماه بعد از نزول آیه ۱۳۲ سوره طه، پیامبر صلی الله علیه و آله در هر روز هنگام نماز صبح در خانه فاطمه علیها السلام می آمد و می فرمود: ای اهل بیت نبوت، نماز! «خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد».

وفی مودّه القربی عن أنس بن مالک، و عن زید بن علی بن الحسین، عن أبيه، عن جده عليهم السلام قال: «كان النبي صلى الله عليه وآله يأتي كل يوم باب فاطمه عند صلاة الفجر فيقول: الصلاة يا أهل بيت النبوة (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) ۱ تسعه اشهر بعد ما نزلت (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا). ۲-۳

تحلیل

این روایت نشان می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله مخاطب آیه تطهیر را اهل بیت (علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام) می دانسته و بر آنان تطبیق می کرده است.

تذکر: ما در مبحث آیات الحسین تفسیر و روایات آیه ۳۳ سوره احزاب را به صورت مفصل مورد بررسی قرار می دهیم.

۷- هموردی اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه در مورد خدانشناسی

در برخی احادیث حکایت شده که شخصی از امام حسین علیه السلام پرسید: در مورد آیه (هَذَا خِطْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) ؛ (حج / ۱۹)، «این دو (گروه) دشمنان یکدیگرند که درباره ی پروردگارشان کشمکش می کنند». سخن بفرماید. و حضرت فرمود: ما و بنی امیه در مورد خدای عزوجل مبارزه می کنیم. ما می گوئیم خدا راست فرمود و بنی امیه می گویند: خدا دروغ گفت؛ پس ما و آنان دو خصم هم دیگر در رستاخیز هستیم.

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ (۱) الْأُسْرُوشِيّ نِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصْمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الطَّبْرِيِّ بِمَكَّةَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنُ أَبِي شُجَاعٍ الْبَجَلِيُّ،

ص: ۵۹

۱- (۴). فی تفسیر البرهان: الحسن الأطروش.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ هِاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبْرٍ، عَنْ صِدْقَةَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَدِّثْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) (١) قَالَ: «نَحْنُ وَبَنُو أُمِّيهِ اخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا كَذَبَ اللَّهُ، فَخُنُّوا وَإِيَّاهُمْ الْخَصْمَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (٢).

تحلیل

این آیه یک مطب کلی را در مورد مبارزه مؤمنان با مشرکان و کافران بیان می کند ولی روایت فوق یکی از مصادیق مهم آن یعنی مبارزه اهل بیت علیهم السلام با بنی امیه در مورد خداشناسی را مشخص کرده است.

تذکر: ما در مبحث آیات الحسین تفسیر این آیه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۸- اهل بیت علیهم السلام بر پادارندگان نماز در زمین

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که در مورد آیه (الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ)؛ (٣) «همان» کسانی که اگر در زمین به آنان امکانات دهیم، نماز را برپا می دارند».

فرمودند: این آیه در مورد ما اهل بیت علیهم السلام است.

موسی بن جعفر و الحسین بن علی علیهما السلام فی قوله تعالی: (الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ) ٤ قال [علیه السلام] «هذه فينا أهل البيت» (٤).

تحلیل

آیه فوق در مورد مؤمنان مظلوم است که یاور الهی هستند اما در روایت فوق بر خصوص اهل بیت علیهم السلام تطبیق شده است چرا که مصداق کامل مؤمنان مظلوم که یاور الهی اند (که در آیات قبل ٤١ سوره حج بدان ها اشاره شده) اهل بیت علیهم السلام هستند.

ص: ٦٠

١- (١). حج / ١٩

٢- (٢). خصال، ج ١، ص ٤٢، ح ٣٥ و تفسیر البرهان، ج ٣، ص ٨٠، ح ٢.

٣- (٣). حج / ٤١.

٤- (٥). مناقب ابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٤٧؛ بحار الانوار، ج ٢٤، ص ١٦٦، ح ١١ و کنز الدقائق، ج ٦، ص ٥٢٨.

اینک به تفسیر آیه فوق توجه می کنیم:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (۱) «همان) کسانی که اگر در زمین به آنان امکانات دهیم، نماز را برپا می دارند، و [مالیات] زکات را می پردازند، و به [کار] پسندیده فرمان می دهند، و از [کار] ناپسند منع می کنند، و فرجام همه ی کارها تنها برای خداست».

نکته ها و اشاره ها

۱. در آیات قبل خدا به مؤمنان مظلوم که یاوران الهی هستند وعده نصرت و یاری داد و اینک در این آیه یادآور شده که یاوران الهی کسانی نیستند که بعد از پیروزی سرکشی کنند و به استکبار و ستمکاری روی آورند، بلکه آنان پیروزی و یاری الهی را مقدمه ای برای ساختن خویش و جامعه قرار می دهند.

۲. در این آیه چهار ویژگی برای مؤمنان مظلوم یاور خدا بیان شده است:

الف) پس از پیروزی ارتباط خود را با خدا از طریق نماز حفظ می کنند.

ب) پس از تسلط بر امکانات زمین، ارتباطشان را با مردم حفظ می کنند و از طریق پرداخت زکات به آنان کمک مادی می کنند.

ج) پس از پیروزی، به سالم سازی جامعه می پردازند و جامعه ای بر اساس کارهای پسندیده بنا می کنند.

۳. خدا امکانات مختلف زمین، هم چون ابزار و وسایل کار و یا علم و نیروی فکری و جسمی در اختیار یاوران خود قرار می دهد و آنها نیز از این توان در راه نیک بهره می برند.

۴. در برخی احادیث، آیه فوق به امام مهدی علیه السلام و یاران او یا آل محمد صلی الله علیه و آله تفسیر شده است که بر مشرق و مغرب زمین مسلط می شوند و دین خدا را آشکار و بدعت و باطل را نابود می کنند، به طوری که اثری از ظلم دیده نمی شود و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. (۲)

ص: ۶۱

۱- (۱). حج / ۴۱.

۲- (۲). ر. ک: بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵؛ ج ۵۱، ص ۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۲ و تفسیر

برهان، ج ۳، ص ۸۹۲.

البته این گونه احادیث مصداق کامل آیه را بیان می کند، و این مطلب مانع عمومیت مفهوم آیه نیست و آیه شامل همه کسانی می شود که خدا را یاری می رسانند و این صفات را دارند.

آموزه ها و پیام ها

۱. نشانه های یاوران خدا، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر است.

۲. اگر می خواهید خدا را یاری رسانید به خودسازی و جامعه سازی بپردازید.

۳. در ساختن جامعه الهی، به سالم سازی و نوسازی ارزش ها توجه کنید.

۴. در ساختن جامعه الهی، به تقویت معنویت و تنظیم روابط مالیاتی (زکات) توجه کنید.

۹- پاداش رسالت، دوستی اهل بیت علیهم السلام

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که در مورد آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)؛ (شوری / ۲۳)، «بگو: از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی طلبم، جز دوستی در (مورد) نزدیکان».

فرمودند: خویشاوندی که خداوند دستور داد در مورد آن صله رحم شود، حق آن بزرگ داشته شود و نیکی ها در آن قرار داده شد، خویشاوندی ما اهل بیت علیهم السلام است. کسانی که حقشان بر هر مسلمانی واجب شده است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَشَمِيِّ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ عَدِي، عَنْ سَعِيدِ بْنِ صَفْوَانَ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ۱ قَالَ «إِنَّ الْقَرَابَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِصَلَتِهَا وَعَظَّمَ حَقَّهَا وَجَعَلَ الْخَيْرَ فِيهَا قَرَابَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». (۱)

تحلیل

حدیث فوق توضیح و تفسیر آیه است که مصادیق خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را مشخص می کند که همان اهل بیت علیهم السلام هستند.

ص: ۶۲

نکات جالب این حدیث آن است که فرمود:

اولاً- نیکی و خیر در بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام است چون سعادت دنیوی و اخروی را در پی دارد پس همه نیکی ها در آن نهفته است.

ثانیاً حق دوستی اهل بیت علیهم السلام بر همه مسلمانان واجب است و هر کس این حق را ادا کند وظیفه خود را انجام داده و در نهایت به نفع خود اوست چون موجب سعادت و هدایت خویش را فراهم کرده است.

ثالثاً دوستی اهل بیت علیهم السلام مزد رسالت است و این مطلب در صله رحم با اهل بیت علیهم السلام متبلور می شود.

تذکر: ما در مبحث آیات الحسین، تفسیر آیه ۲۳ سوره شوری را به صورت مفصل می آوریم.

۱۰- ویژگی های اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که در مورد آیه ۲۹ سوره فتح (تَرَاهُمْ رُكْعًا سَاجِدًا)؛ «آنان را رکوع کنان [و] سجده کنان می بینی» و فرمود: این آیه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است.

الحسین بن علی فی قوله: (تَرَاهُمْ رُكْعًا سَاجِدًا)؛ ۱ «نُزِلَتْ فِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۱)

تحلیل

آیه ۲۹ سوره فتح ویژگی های اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می کند که مصداق کامل آن امام علی علیه السلام است و یکی از ویژگی های آنان عبادت (رکوع و سجود) آنان است. اما در روایت فوق امام حسین علیه السلام آیه ۲۹ فتح را بر امام علی علیه السلام تطبیق کرده است یعنی مصداق کامل آیه را نشان داده اند.

البته در این روایت تعبیر «نزلت» به کار رفته است که می تواند به معنای آن باشد که شأن نزول آیه در مورد امام علی علیه السلام است یا به معنای تطبیق بر امام علی علیه السلام باشد.

به هر حال آیه فوق در مورد اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که مهم ترین مصداق آن که آینه تمام نمای پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه ایشان بود، امام علی علیه السلام است.

ص: ۶۳

اینک به تفسیر کامل آیه فوق توجه می کنیم.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَاطُهُ فَأَزْرَهُ فَاسِيَتْغَلَطَ فَاسِيَتْوَى عَلَى سِيِّوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)؛ (فتح / ۲۹)، «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده ی خداست؛ و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و) در میان خود مهرورزند؛ آنان را رکوع کنان [و] سجده کنان می بینی، درحالی که بخشش و خشنودی ای از خدا می جویند؛ نشانه ی آنان در چهره هایشان از اثر سجده [نمایان] است؛ این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است: همانند زراعتی که جوانه اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه های خود راست قرار گیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند؛ تا کافران را به خاطر آنان به خشم آورد! خدا به کسانی از آنان که ایمان آوردند و [کارهای] شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است.

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیه نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله صریحاً برده شده و او به عنوان رسول خدا معرفی شده است؛ او رسول خداست و خدا به این امر گواهی می دهد چه مشرکان و مخالفان اسلام بیسندند و چه نپسندند.

۲. در این آیه بیان شده که همراهان و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله ، یعنی مسلمانان، در برابر دشمنان اسلام، هم چون سدی فولادین ایستاده اند، اما با برادران مسلمان خود مهربان هستند و سخت گیری نمی کنند.

بر سر اغیار چون شمشیر باش هین! مکن روباه بازی، شیر باش

آتش اندر زن به گرگان چو سپند ز آن که آن گرگان عدو یوسف اند

(مولوی)

۳. یکی از ویژگی های مسلمانان عبادت آنهاست که دو رکن اصلی آن رکوع و سجود است که این دو رمز تسلیم در برابر خدا و نفی کننده غرور و خودخواهی است. آری؛ مسلمان در برابر خدا کرنش و سجده می کند تا در برابر غیر او کرنش نکند.

ص: ۶۴

۴. یکی دیگر از صفات مسلمانان آن است که به دنبال خشنودی خدا هستند و پاداش و رزق خود را از او می خواهند؛ نه برای ریاکاری قدم بر می دارند و نه انتظار پاداش از مردم دارند، بلکه چشمشان به سوی خداست.

۵. تعبیر «فضل» نشان می دهد که مؤمنان واقعی اعمال صالح خود را کم تر از آن می دانند که مستحق پاداش الهی باشد؛ از این رو از فضل و بخشش الهی پاداش می خواهند.

۶. در این آیه یکی از نشانه های پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله را چهره عبادی آنها معرفی می کند که اثر سجده در آن است. مقصود از اثر سجده یا همان اثر ظاهری سجده در پیشانی است و یا مفهوم گسترده تری دارد؛ یعنی آنان چهره ای الهی دارند که به خوبی نشان می دهد در برابر خدا، حق، قانون و عدالت تسلیم هستند و این علامت در تمام وجود و زندگی آنان منعکس است. (۱)

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از آیه، بیداری شب برای نماز است (۲) (که نورانیت آن در روز در چهره نمایان می شود).

البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود آیه باشد.

۷. مثال و وصف پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل آمده است و همین اوصافی که در این آیه بیان شده، قبلاً به موسی و عیسی علیهما السلام گفته شده بود.

البته ممکن است این اوصاف در تورات و انجیل کنونی یافت نشود؛ چرا که این دو کتاب دست خوش تغییر و تحریف شده اند.

۸. در مثال انجیل پنج وصف برای مسلمانان بیان شده است:

الف) آنان جوانه می زنند و رشد می کنند و زیاد می شوند؛

ب) تقویت می شوند و به رشد آنان کمک می شود؛

ج) محکم می شوند و از حالت ضعف خارج می شوند؛

د) آنان برپای خود می ایستند و بردیگران تکیه نمی کنند و استقلال خود را حفظ می کنند.

ص: ۶۵

۱- (۱). برخی مفسران نیز گفته اند که مقصود آن است که سجده گاه یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم در رستاخیز، هم چون ماه بدر می درخشد (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۵)، ولی آیه فوق در مقام بیان وضع ظاهری مسلمانان در دنیا است.

٢- (٢) . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٧٣؛ مفتاح الفلاح، ص ٢٩١ و بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٤٧.

ه-) رشد چشم گیر و تعجب آوری خواهند کرد که دوستان را به شگفت و دشمنان را به خشم می آورند.

۹. اوصافی که از تورات حکایت شده بود، بیش تر به جنبه های ظاهری و عاطفی مسلمانان اشاره داشت و اوصافی که از انجیل حکایت شده، بیش تر به جنبه حرکت و رشد سریع مسلمانان اشاره دارد.

۱۰. در این آیه اشاره شده است که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان به دو گروه مؤمنان شایسته کردار و غیر آنها تقسیم می شوند؛ (۱) یعنی برخی مسلمانان بر ایمان و عمل صالح برجا نمی مانند اما گروهی از آنان پابرجا می مانند که در این صورت آموزش و پاداش بزرگی در انتظار آنان است.

۱۱. تعبیر «کسانی که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند» اشاره به کسانی دارد که در فکر، اخلاق و عمل همراه با پیامبر بودند که شامل اصحاب هم عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان زمان های بعد می شود که از خط فکری و عملی و اخلاقی آن حضرت پیروی می کنند، ولی شامل منافق صفتان نمی شود که هم زمان و همراه ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، ولی خط فکری و عملی آنها با آن حضرت متفاوت بود.

آری؛ قرآن بارها اشاره کرده که گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله منافق بودند (۲) و تاریخ بعد از پیامبر هم نشان می دهد که همه اصحاب یکسان و در یک راه نبودند و حتی برخی در جنگ جمل، صفین و نهروان با صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی علی علیه السلام جنگیدند؛ پس نمی توان همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را عادل و معصوم دانست.

آموزه ها و پیام ها

۱. با کافران سخت گیر و با مسلمانان مهربان باشید.

۲. عبادت، خداخواهی، سیمای صالحان داشتن و رشد زیاد از نشانه های مسلمانان است.

۳. مسلمان باید تقویت شود تا مستقل گردد.

ص: ۶۶

۱- (۱). در این صورت در «منهم» واژه «مِن» برای تبعیض است و «مِن» بیانیه نیست، همان طور که ظاهر آیه نیز با این مطلب سازگارتر است (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۸).

۲- (۲). ر.ک: سوره منافقین و بسیاری از سوره های مدنی که به پدیده نفاق اشاره کرده اند.

۴. رشدی اعجاب آور داشته باشید تا دوستان را شاد و دشمنان را خشمگین سازید.

۵. مؤمنان شایسته کردار در انتظار آمرزش و پاداش بزرگ الهی باشند.

۶. همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله، مهر و قهر می طلبد.

۱۱- دشمنان فاسق و کینه توز اهل بیت علیهم السلام

در حدیثی از امام حسین علیه السلام حکایت شده که به «ولید» فرمودند: «ای ولید به خدا سوگند من تو را سرزنش نمی کنم که با علی علیه السلام دشمنی می ورزی، در حالی که او تو را در مورد شراب خواری هشتاد ضربه تازیانه زد (و حدّ الهی را بر تو جاری ساخت) و پدرت را در روز جنگ بدر کشت، اما چگونه امام علی علیه السلام دشنام می دهی در حالی که در ده آیه او را مؤمن نامیده و تو را فاسق نامیده است. آن جا که می فرماید: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)؛ (حجرات / ۶)، «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر نافرمانی، برای شما خبر بزرگی آورد، پس (در باره ی آن) تحقیق کنید؛ (مبادا) نادانسته با گروهی برخورد کنید و از آنچه انجام داده اید، پشیمان گردید».

فی کتاب الاحتجاج للطبرسی رحمه الله: عن الحسين بن علي عليهما السلام في حديث طويل يقول فيه: «وَأَنْتَ يَا وَلِيدُ بَنُ عُقْبَةَ فَوَ اللَّهُ مَا أَلْوَمَنَّكَ أَنْ تُبْغِضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ جَلَدَكَ فِي الْخَمْرِ ثَمَانِينَ جَلْدَةً، وَقَتَلَ أَبَاكَ صَبْرًا بِيَدِهِ يَوْمَ بَدْرٍ، أَمْ كَيْفَ تَسُبُّهُ فَقَدْ سَيَّمَهُ اللَّهُ مُؤْمِنًا فِي عَشْرِ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَسَيَّمَاكَ فَاسِقًا، وَهُوَ قَوْلُهُ: (إِنْ جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ) (۱). ۲

تحلیل

آیه فوق یک اصل کلی را بیان می کند که «اگر افراد فاسق خبری به شما دادند در مورد آن تحقیق کنید تا مبادا خلاف واقع باشد و پشیمان شوید».

لیکن امام حسین علیه السلام بر اساس این روایت اشاره ای به شأن نزول آیه در مورد «ولید بن عقبه» نمودند.

ص: ۶۷

اینک به تفسیر و شأن نزول آیه به صورت کامل توجه کنیم.

(حجرات/ ۶)، (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر نافرمانی، برای شما خبر بزرگی آورد، پس (در باره ی آن) تحقیق کنید؛ (مبادا) نادانسته با گروهی برخورد کنید و از آنچه انجام داده اید، پشیمان گردید».

شأن نزول

در مورد این آیه چند شأن نزول حکایت شده است که مناسب ترین آن ها این است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای جمع آوری زکات قبیله «بنی المصطلق» شخصی به نام «ولید بن عقبه» را به سوی آنان فرستاد و مردم از او استقبال کردند. اما ولید که با آن قبیله از زمان جاهلیت دشمنی داشت، تصور کرد که مردم برای کشتن او می آیند. او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و (بدون تحقیق) گفت: آنان از پرداخت زکات خودداری کردند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به «خالد» دستور داد که به سراغ آن قبیله برود، ولی شتاب زده کاری انجام ندهد. خالد شبانه نزدیک قبیله آمد و تحقیق کرد و روشن شد که آن قبیله به اسلام وفادارند و صدای اذان و نماز از آن جا بلند است.

خالد این خبر را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و در این هنگام آیه فوق نازل شد. (۲)

نکته ها و اشاره ها

۱. از این آیه و آیه بعد استفاده می شود که گروهی از مسلمانان اصرار داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله طبق خبر ولید فاسق عمل کند و با قبیله بنی المصطلق بجنگد که در آن صورت مصیبت دردناکی به بار می آمد، که سرانجام آن پشیمانی بود.

۲. برخی از دانشمندان اسلامی بر آن اند که این آیه دلیلی بر حجیت خبر واحد است.

ص: ۶۸

۱- (۱). حجرات / ۶.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۸ و تفسیر قرطبی، ج ۹، ذیل آیه فوق. البته برخی حکایت کرده اند که پیامبر پس از خیر ولید ناراحت شد و تصمیم جنگ با بنی المصطلق گرفت که آیه نازل شد. اسباب النزول، ص ۴۰۷؛ نمونه بینات، ص ۷۴۱ و شأن نزول آیات، ص ۴۹۷. (ولی این مطلب از شأن پیامبر صلی الله علیه و سلم بسیار دور است و با خطاب آیه به مؤمنان نیز ناسازگار است.) برخی نیز گفته اند این آیه در مورد ماریه قبطیه، همسر پیامبر صلی الله علیه و سلم است (ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۸).

یعنی اگر فاسقی خبری آورد نپذیرید و جست و جو کنید تا حقیقت برای شما روشن شود و مفهوم این سخن آن است که اگر شخص عادل‌ی برای شما خبر آورد آن را بپذیرید (۱) و این یک امر عقلایی است؛ چراکه بسیاری از مسائل زندگی بشر مبتنی بر خبرهای واحد است که افراد اطمینان حکایت می‌کنند و عمل به آنها جاهلانه و سفیهانه شمرده نمی‌شود.

۳. معیار در پذیرش خبر، اعتماد و اطمینان است که گاهی این اطمینان از گوینده عادل یا مورد وثوق حاصل می‌شود و گاهی از قراین دیگر.

۴. این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که خبرهای غیر موثق را نپذیرند و اگر آورنده خبر مورد اطمینان نبود و فاسق بود، جست و جو کنند. آری؛ تکیه بر اخبار دروغ و شایعات یکی از حرب‌های قدیمی طاغوت‌ها و استعمارگران امروزی است که به وسیله جنگ‌های تبلیغاتی دروغین، مردم ناآگاه را می‌فریبند و سرمایه‌های ملی آنان را به تاراج می‌برند.

۵. «نبأ» به معنای خبر بزرگ است (۲) و شامل اخبار مهم اجتماعی، سیاسی و دینی می‌شود.

۶. «جهالت» گاهی در برابر علم به کار می‌رود که در این صورت به معنای ناآگاهی است و گاهی در برابر عقل به کار می‌رود که در این صورت به معنای کار سفیهانه و نابخردانه است و در این آیه معنای اول مورد نظر است.

۷. هر کسی که از قلمرو فرمان و احکام الهی خارج شود فاسق است. (۳)

۸. روشن است که طبق شأن نزول آیه، فاسق بودن و لید اثبات می‌شود، اما این به معنای انحصار مفهوم آیه در او نیست، بلکه این آیه شامل خبر هر انسان فاسقی می‌شود.

۹. «تبین» به معنای جدا کردن و روشن نمودن و تحقیق در مورد خبر است. این کار در مورد خبر فاسق به چند صورت ممکن است:

الف) قبول نکردن خبر افراد غیر موثق و توقف نمودن تا روشن شدن نتیجه تحقیقات؛

ب) تسلیم شایعات نشدن و جست و جو کردن از منبع آن؛

ج) گرفتن خبرها از منابع موثق و معتبر.

این مطلب در مورد اخبار سیاسی و امنیتی اهمیت بیش تری پیدا می‌کند.

ص: ۶۹

۱- (۱). در این مورد دلایل و اشکالات و پاسخ‌های فراوانی وجود دارد ر.ک: اصول الفقه؛ کفایه الاصول و رسائل.

۲- (۲). تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۱.

۳- (۳) . فاسِق» در اصل به معنای بیرون آمدن هسته میوه از پوسته آن است (المفردات فی غریب القرآن، ماده «فسق»).

۱۰. در این آیه، دو نتیجه برای عجله در پذیرش خیر فاسق و تحقیق نکردن در مورد آن، ذکر شده است:

الف) برخورد جاهلانه با مردم؛

ب) پشیمانی.

۱۱. آمده است که پس از آن که معلوم شد قبیله «بنی المصطلق» خطاکار نبودند و نتیجه تحقیق و صبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روشن شد، حضرت فرمودند: «درنگ و تحقیق کردن از سوی خدا، و عجله از شیطان است.» (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. لازمه ایمان، تحقیق در مورد اخبار و عجله نکردن در برخورد است.

۲. خبرهای افراد فاسق را قبل از تحقیق نپذیرید و احتیاط کنید.

۳. پذیرش خبرهای غیرمعتبر سبب برخوردهای جاهلانه و پشیمانی می گردد.

۱۲- عبادت شبانه

در حدیثی نقل شده که امام حسین علیه السلام بین نماز مغرب و عشاء نماز دیگری می خواند، کسی در این موارد چیزی به حضرت عرض کرد (و در مورد آن نماز پرسش نمود) ایشان فرمود: «این دو (نماز) از عبادت شبانه است.»

وأخرج ابن المنذر عن الحسين بن علي عليه السلام انه رأى يصلي فيما بين المغرب والعشاء، فقل له في ذلك فقال: «أنهما من النَّاشِئَةِ». (۲)

تحلیل

آیه (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيَالًا) ؛ (مزمل / ۶)، «در حقیقت، تنها پدیده ی (عبادت) شب، گامی سخت تر و گفتاری پایدارتر است». بیان می کند که عبارت شبانه استوارتر است و آن را تشویق می کند. و امام حسین علیه السلام با اشاره به آیه فوق یکی از

ص: ۷۰

۱- (۱). «التأني من الله، والعجلة من الشيطان» (كشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۹۵) اما در منابع شیعه عبارت بدین صورت نقل شده

است: «الاناه من الله العجله من الشيطان» (محاسن، ج ۱، ص ۲۱۵؛ مشکاه الانوار، ص ۳۳۴ و بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۰).

۲- (۲). الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۶؛ الميزان، ج ۲۰، ص ۷۳ و فی البحار، ج ۸۷، ص ۱۳۲ عن علی بن الحسین علیه السلام، و بعد قوله «یصلی بین المغرب والعشاء» و يقول: اما سمعتم قول الله تعالی «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ» هذه ناشئة الليل.

مصادیق عبادت شبانه را نماز بین مغرب و عشاء بیان می کند. چرا که علاوه بر نافله شب (۱۱ رکعت نماز) دو نماز ۲ رکعتی به عنوان نافله مغرب و ۲ رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشاء نیز به عنوان نمازهای مستحبی شبانه وارد شده است که امام حسین علیه السلام به دو نماز نافله مغرب اشاره کرده که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود. این مطلب تفسیر آیه ۶ مزمل و تعیین برخی مصادیق آن است. اینک به تفسیر کامل آیه و آیات مرتبط قبل و بعد آن توجیه می کنیم.

مزمل / ۱-۷ - (يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَضِيفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا) ؛ (مزمل / ۱-۷)، «ای جامه [به خود] پیچیده! شب را، جز اندکی به پاخیز. نیمی از آن (شب) را، یا اندکی از آن را کم نما، یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را کاملاً مرتب و آرام بخوان؛ که ما به زودی گفتاری گرانبار بر تو القا می کنیم. در حقیقت، تنها پدیده ی (عبادت) شب، گامی سخت تر و گفتاری پایدارتر است. [چرا] که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است».

نکته ها و اشاره ها

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وظیفه ای سنگین در هدایت و رهبری مردم به عهده گرفت و حامل قرآن عظیم شد؛ از این رو لازم است با برنامه های سنگین عبادی ظرفیت های وجودی خود را بالا ببرد تا بتواند این مسئولیت و بار سنگین را به دوش بکشد.

پس به ایشان دستور داده شد که پاسی از شب را به بیداری، تلاوت قرآن و نماز بگذرانند.

ای به خود پیچیده از خشیت گلیم بهر طاعت خیز از شب شد چو نیم

(مجد)

۲. در این آیات سفارش شده که در شب قرآن بخوانید؛ چراکه قرآن برنامه سازندگی و تربیت بشر است و قرائت آن موجب تقویت ایمان و استقامت می گردد.

البته برخی مفسران قرائت قرآن را به نماز در شب تفسیر کرده اند، شاید به خاطر آن که بخش مهمی از نماز، همان قرائت قرآن است.

ص: ۷۱

۳. مقصود از «ترتیل» چیست؟

«ترتیل» در اصل به معنای «تنظیم و ترتیب موزون» است که مقصود، خواندن آیات با تأنی و نظم و ادای صحیح حروف و تبیین و دقت و تأمل در مفاهیم آیات و اندیشه در نتایج آن است. (۱)

۴. امام صادق صلی الله علیه و آله در مورد ترتیل فرمودند:

ترتیل آن است که در آیات قرآن مکث (و تأمل) کنی و با صدای خوب آن را بخوانی. (۲)

و نیز روایت شده:

هنگامی که از کنار آیه ای می گذری که در آن نام بهشت است، توقف کن و از خدا بهشت را بطلب و هنگامی که از کنار آیه ای می گذری که نام دوزخ در آن است، از آن به خدا پناه ببر. (۳)

و در روایات دیگر از سریع خواندن قرآن منع شده، همان طور که از پراکنده کردن آیات منع شده و سفارش شده است که آن را به صورت روشن و واضح بخوانید و قصد شما رسیدن به آخر سوره نباشد. (۴)

در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که، آیات را از یک دیگر جدا می کرد و صدای خود را (در هنگام خواندن قرآن) می کشید. (۵)

با تأنی خوان تو قرآن را چنان که شود روشن حروفش در بیان

می خوان قرآن به تعجیل و شتاب کن لطایف را درنگ اندر خطاب

۵. این آیات با خطاب «ای شخص جامه به خود پیچیده» شروع می شود، نه با خطاب «ای پیامبر»؛ این می تواند اشاره به دو چیز باشد:

ص: ۷۲

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۶۷.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹ و بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۸ و ج ۸۹، ص ۱۹۱.

۳- (۳). عوالی اللالی، ج ۲، ص ۵۰؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹ و بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۶.

۴- (۴). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۶ و ۴۴۷ و بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۷.

۵- (۵). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۴۸ و سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳۰.

الف) امروز دوره گوشه نشینی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه نیست، بلکه دوران قیام و خود سازی و آمادگی برای انجام رسالت شروع شده است؛

ب) برنامه عبادی شبانه مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله نیست بلکه شامل مؤمنان خوابیده نیز می شود؛ همان طور که در آیه بیستم این سوره بدین اشاره شده است که گروهی از مؤمنان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به شب زنده داری می پرداختند.

۶. انتخاب شب برای خودسازی و عبادت برای آن است که: اولاً، در شب چشم و گوش دیگران در خواب است و خطر ریا کاری برطرف شده و زمینه ی اخلاص بیش تری به وجود می آید.

ثانیاً، در شب کارها تعطیل می شود و انسان آمادگی بیش تری برای تفکر و تربیت خویش و خودسازی و عبادت دارد.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر جا که دری بود به شب در بندند الا در دوست را که شب باز کنند

۷. شب زنده داری و قرائت قرآن و نماز در آن مستحب است و در این آیات نیز بدان سفارش شده است، هر چند طبق آیات دیگر، نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است، اما این آیات می تواند شامل نماز شب و غیر آن و شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان به صورت مستحب باشد. (۱)

۸. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله اختیار می دهد که نیمی از شب یا زیادتر یا کم تر از آن را به شب زنده داری و عبادت پردازد.

آری؛ شب زنده داری و نماز و تلاوت قرآن در آن، موجب صفای روح و تربیت معنوی و بیداری دل و تقویت ایمان می شود.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: سه چیز، از عنایات مخصوص الهی است: عبادت شبانه، افطار دادن به روزه داران و ملاقات برادران مسلمان. (۲)

ص: ۷۳

۱- (۱). برخی مفسران معتقدند که شب زنده داری طبق این آیات واجب بوده و این حکم قبل از تشریح نمازهای پنج گانه بوده و به مدت یک سال ادامه داشته، سپس نسخ شده است. ولی طبق گفته مرحوم طبرسی در ظاهر آیات چیزی که دلالت بر نسخ باشد به چشم نمی خورد.

۲- (۲). امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۲ و بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۳ و ج ۸۷، ص ۱۴۳.

و نیز روایت شده: نماز شب گناهان روز را از بین می برد. (۱)

۹. منظور از «قیام» در شب، بر روی پا ایستادن نیست، بلکه به پاخاستن از خواب است، هر چند نماز و تلاوت قرآن به صورت نشسته انجام شود.

۱۰. «ناشئه» به معنای «حادثه»، و مقصود از آن ساعات شب (به ویژه در سحرگاه) یا قیام برای نماز و عبادت شبانه و یا حالات معنوی و جذبۀ ملکوتی آن است. (۲)

البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد که لازم و ملزوم یکدیگرند.

هر چند در احادیث، به معنای دوم، یعنی نماز شب اشاره شده است. (۳)

۱۱. در این آیات بیان شده که عبادت شبانه دو ویژگی دارد:

الف) عبادت شبانه تأثیرات ثابت و راسخی در روح و جان انسان دارد؛ چون توافق بیش تری بین اعضا و جوارح انسان پیدا می شود و همه در راه عبادت بسیج می شوند، هر چند زحمت بیش تری نیز دارد. (۴)

ب) عبادت شبانه در بردارنده ذکر خدا و تلاوت قرآن به صورت استوارتر است و به خاطر آمادگی روحی انسان تأثیرات بیش تری در روح انسان دارد.

۱۲. انسان در روز مشغول امور زندگی و حل مشکلات مردم است؛ بنابراین فرصت کم تری برای عبادت پیدا می شود و لازم است که عبادت شبانه را جانشین آن سازد و روح خود را تقویت کند تا از عهده وظایف سنگین روزانه برآید. (۵)

۱۳. در این آیات «قرآن» را «سخن سنگین» معرفی کرده است که باید پیامبر صلی الله علیه و آله برای دریافت آن آماده شود. مقصود از سنگین بودن قرآن آن است که

الف) محتوا و مفهوم آیات آن سنگین و عظیم است؛

ص: ۷۴

۱- (۱). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۲ و امالی شیخ طوسی، ص ۲۹۴.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۷۵.

۳- (۳). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۰؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۵ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۸.

۴- (۴). در مورد «اشد وطأ» سه تفسیر فوق شده که قابل جمع است.

۵- (۵). «سیح» در اصل به معنای رفت و آمد و شنا آمده است گویی در روز، جامعه انسانی هم چون دریایی است که انسان ها در آن شنا می کنند.

ب) وعده ها و هشدارهای آن سنگین و مسئولیت آور است؛

ج) تبلیغ آن سنگین و مشکل است؛

د) در روز رستاخیز در ترازوی اعمال سنگین است؛

ه-) برنامه ریزی در جهت اجرای آن سنگین است.

آری؛ قرآن کریم از نظر الفاظ، زیبا، دل نشین و آسان است؛ اما مسئولیت ها، محتوای مطالب و اجرای آن سخت و سنگین است، به طوری که اگر بر کوهی فرود آید متلاشی می شود؛ (۱) پس باید با عبادت شبانه ظرفیت و آمادگی آن را پیدا کنیم.

آموزه ها و پیام ها

۱. همه شب را نخوابید و پاسی از آن را شب زنده داری کنید.

۲. در مورد مقدار شب زنده داری و عبادت شبانه آزادید.

۳. در دل شب قرآن بخوانید.

۴. قرآن را با تأمل و دقت بخوانید.

۵. قرآن سخن سنگینی است و برای درک و عمل بدان آمادگی لازم است.

۶. عبادت شبانه، سخت تر، استوارتر و تأثیرگذارتر است، (پس از آن غافل نشوید).

۷. روز وقت تلاش و شب وقت عبادت است.

۸. شناگر دریای روز و نیایشگر ساحل شب باشید.

۱۳- شاهد و مشهود در قرآن

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که در مورد آیه ۳ سوره بروج (وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ)؛ «سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده!». فرمود: شاهد جدم رسول الله صلی الله علیه و آله و مشهود روز رستاخیز است سپس آیه ۴۵ سوره احزاب را قرائت فرمود: (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا)؛ «در حقیقت، ما تو را گواه و مژده آور و هشدارگر فرستادیم». و نیز آیه ۱۰۳ سوره هود را تلاوت فرمود: (ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ)؛ «آن روزی است که مردم برای آن گردآوری می شوند، و آن روزی است که مشاهده می گردد».

۱- (۱). ر.ک: سوره ی حشر، آیه ی ۲۱.

عن الحسين بن علي عليهما السلام في قوله تعالى (وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ). ١

قال: «الشَّاهِدُ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْمَشْهُودُ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا) ٢ وَ تَلَا (ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ). ٣-٤

تحليل

در این روایت تفسیری از آیه ٣ سوره بروج بیان شده است (در ادامه خواهد آمد که مفسران در مورد این آیه تفسیرهای متعدد ارائه کرده اند) و مصادیق کامل آیه را معین ساخت، و برای این تفسیر دو قرینه قرآنی آوردند: یکی آیه ٤٥ سوره احزاب که از پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان «شاهد» یاد شده است و دیگری آیه ١٠٣ سوره هود که در آن جا از روز رستاخیز با عنوان «مشهود» یاد شده است. یعنی امام حسین علیه السلام با روش تفسیر قرآن به قرآن آیه ٣ سوره بروج را تفسیر کردند و این نوع آموزش روش تفسیر به ماست.

اینک به تفسیر کامل آیه ٣ سوره بروج و آیات مرتبط توجه کنیم:

(وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ وَ هُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ)؛ «سوگند به آسمان که دارای برج هاست! سوگند به روز (رستاخیز) وعده داده شده! سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده! کشته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره های آدم سوزی)! (همان) آتشی که دارای سوخت (فراوان) بود، آن گاه که آنان بر (گرد) آن نشسته بودند؛ و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می دادند گواه بودند. و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز این که به خدای شکست ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛ (همان) کسی که فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط از آن اوست؛ و خدا بر هر چیز گواه است».

۱. این آیات به ماجرای اصحاب اخدود، یعنی شکنجه‌گران و آدم‌سوزانی اشاره می‌کند که مؤمنان را در گودال‌های آتش می‌انداختند و با خون سردی صحنه را تماشا می‌کردند.

مفسران قرآن در مورد این قوم شکنجه‌گر و مؤمنان آزاردیده و مکان مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوتی دارند (۱). ولی مشهور آن است که این ماجرا در زمان «ذونواس»، آخرین پادشان حمیر، در سرزمین یمن اتفاق افتاده است. ذونواس یهودی، به سرزمین نجران در شمال یمن آمد که مردم آن جا مسیحی بودند، ذونواس تلاش کرد که آنان را به پذیرش آیین یهود وادارد، ولی آنان حاضر نشدند و از این رو دستور داد گودال بزرگی از آتش فراهم کردند و گروهی را زنده در آتش افکندند. یکی از مسیحیان فرار کرد و به روم رفت و کمک خواست. قیصر روم از طریق پادشاه حبشه به یمن لشکرکشی کرد و ذونواس کشته شد و سرزمین یمن تحت سیطره حبشه درآمد. (۲)

طبق این نقل، آیات فوق به این ماجرا اشاره دارد.

۲. خدای متعال در این آیات به «بروج» آسمان، سوگند یاد کرده است. «بروج» در اصل به معنای چیز آشکار است و از این رو به قصرها و باروی شهر و ستارگان آسمان که آشکار هستند بروج می‌گویند؛ در این جا همین معنای ستارگان یا صورت‌های فلکی آسمان مقصود است که سوگند به آنها نشانه عظمت آنها و آفریدگارشان است. (۳)

۳. در این آیات به روز موعود رستاخیز سوگند یاد شده است؛ روزی که پیامبران الهی آن را وعده داده و صدها آیه قرآن از آن خبر می‌دهند و وعده‌گاه همه مردم است.

۴. مقصود از «شاهد و مشهود» که در این آیات بدانها سوگند یاد شده است چیست؟

مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که:

ص: ۷۷

۱- (۱). ماجرای اصحاب اخدود را، حدود ده صورت بیان کرده‌اند، از جمله این که در مورد مردم حبشه، یا مردم فارس و مجوس و یا مردم شام و یا مربوط به دانیال پیامبر باشد (اعلام قرآن، ص ۱۳۷-۱۳۸).

۲- (۲). ر.ک: تفسیر مجمع البیان؛ تفسیر ابوالفتوح رازی؛ تفسیر کبیر؛ روح المعانی؛ تفسیر قرطبی؛ تفسیر نمونه، (ج ۲۶، ص ۹-۳۳۷)؛ سیره ابن هشام و قصص قرآن بلاغی، ص ۲۸۸.

۳- (۳). در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده: «منظور (از بروج) کواکب و ستارگان است.» (الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۳۱).

شاهد، پیامبر صلی الله علیه و آله یا گواهانِ اعمالِ انسان ها یا روز جمعه و عید قربان، و مشهود، روز قیامت و اعمال انسان ها و یا روز عرفه است.

البته مانعی ندارد که مقصود از «شاهد»، هر گونه گواه و مقصود از «مشهود»، همه ی چیزهایی باشند که مورد گواهی واقع می شوند و موارد فوق که در آیات و روایات به آنها اشاره شده، (۱) یا مفسران دیگر گفته اند، (۲) همگی مصادیق این ها باشد.

۵. در این آیات بیان شد که شکنجه گران بر گودال پر از هیزم و آتش، با خون سردی می نشستند و سوختن مؤمنان را در کوره های آدم سوزی تماشا می کردند. (۳) این احتمال نیز هست که آیه اشاره به دو گروه شکنجه گر و تماشاچی راضی به کار آنان باشد. (۴)

۶. تنها ایراد مؤمنان آن بود که به خدا ایمان داشتند و به همین جرم شکنجه شدند و سوختند و از آنان انتقام گرفته شد. (۵)

ایمان به خدای شکست ناپذیر توانا و ستوده صفات، جرم محسوب می شد، اما پیروی از ادیان نسخ شده و راه غلط پدران و خرافات، جرم نبود.

آری؛ اگر نظام ارزشی جامعه دگرگون شود، کارها و عقاید نیکو، جرم و گناه شمرده می شود.

۷. در این آیات، به صفات «عزیز و حمید و فرمان روایی و گواه بودن خدا» اشاره شد، که نوعی پاسخ به شکنجه گران است؛ یعنی ایمان به چنین خدایی چگونه جرم محسوب می شود؟ و در ضمن هشدار است به آنان که شما بر خدای شکست ناپذیر و توانا پیروز نخواهید شد؛ چرا که او فرمان روا و مالک هستی و گواه بر اعمال شماست و روزی به حساب شما رسیدگی خواهد کرد.

ص: ۷۸

۱- (۱). ر.ک: احزاب / ۴۵؛ هود / ۱۰۳؛ نور / ۲۴؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۶ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۴۳.

۲- (۲). برخی شاهد را ملائکه، حجر الاسود، خلق، امت اسلامی، و مشهود را قرآن، حق و امت های دیگر دانسته اند (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۳۱).

۳- (۳). «أُخْدود» در اصل به معنای گودال و «وقود» در اصل به معنای ماده ای است که با آن آتش می افروزند.

۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۵- (۵). «نقموا» در اصل به معنای انکار و عیب گرفتن است و «انتقام» نیز از همین ریشه است.

۸. سرگذشت اصحاب اخدود و کوره های آدم سوزی آنان و مقاومت مؤمنان، از طرفی درس استقامت و نوعی دل داری برای همه ی مؤمنان در طول تاریخ است.

آری؛ این پروانه های با ایمان، شجاعانه در آتش خشم دشمنان سوختند و دست از حق برنداشتند.

در احادیث روایت شده که در این ماجرا، گاهی مادر به همراه کودک در آتش سوختند و گفتند: این در راه خدا چیز کوچکی است (۱) و از طرف دیگر، این ماجرا، درس عبرتی برای شکنجه گران و ستمکاران، به ویژه صهیونیست هاست.

آری؛ کسانی که کوره های آدم سوزی برای مؤمنان ایجاد کردند، قرن ها بعد، خود گرفتار شدند و در عصر ما نیز ظلم آنان به ملت فلسطین دوام نخواهد داشت و خود را گرفتار عذاب الهی خواهند کرد.

ای زبردست ز بازوی مکافات بترس زبردستان جهان را دگر آزار مکن

میل داری شبِ تارِ تو شود روز سپید روز سپید کسی را تو شب تار مکن

آموزه ها و پیام ها

۱. در مورد ستارگان آسمان و رستاخیز و گواهی دهندگان و موارد گواهی، دقت و تأمل کنید.

۲. مرگ بر شکنجه گران مؤمن ستیز.

۳. دشمنان خدا، کوره های آدم سوزی به پا کرده و مؤمنان را به جرم عقیده می سوزاندند.

۴. دشمنان راه خدا، بسیار سخت دل، شکنجه گر، عقیده ستیز و آدم سوزند.

۵. گاهی آن قدر ارزش ها دگرگون می شود که ایمان به خدا هم جرم می شود.

۶. به صفات ستوده خدا توجه کنید و با فرمان روای شکست ناپذیر و آگاه جهان دشمنی نکنید و افراد با ایمان را آزار ندهید.

۷. از مقاومت مؤمنان در برابر کوره های آدم سوزی درس استقامت بگیرید. (۲)

ص: ۷۹

۱- (۱). محاسن، ج ۱، ص ۲۴۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۴۰ و تفسیر المیزان ج ۲۰، ص ۲۵۷.

۲- (۲). تفسیر قرآن مهر، ج ۲۲، ص ۱۴۳-۱۴۷.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که در حارث به امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول الله، جانم به فدای شما باد: در مورد آیه (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا)؛ (۱) «سوگند به خورشید و (تابش) نیم روزش!» به من خبر بده؛

حضرت فرمود: وای بر تو ای حارث، مقصود این آیه محمد رسول الله است. حارث گفت عرض کردم: (وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا)؛ «سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن در آید!». حضرت فرمود: این امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است که بعد از محمد می آید. حارث گفت، عرض کردم: (وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا)؛ «سوگند به روز، هنگامی که آن را آشکار سازد!». حضرت فرمود: این قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را پر از عدل و داد می کند.

فرات بن ابراهیم قال: حدّثنی علی بن محمّد بن عمر الزّهری معنعناً: عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال الحارث بن عبد الله الأعمور للحسین بن علی علیهما السلام: یا ابن رسول الله جعلت فداک أخبرنی عن قول الله فی کتابه المبین: (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا) قال: «ویحکک یا حارث محمد رسول الله».

قال: قلت: (وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا).

قال: «ذاک أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب یتلو محمداً صلی الله علیه و آله».

قال: قلت قوله: (وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا). ۲

قال: «ذلک القائم علیه السلام من آل محمد صلی الله علیه و آله یملأ الأرض عدلاً و قسطاً». (۲)

تحلیل

ظاهر آیات آغازین سوره شمس در مورد ماه و خورشید و روز معمولی است که خدا به آن ها سوگند یاد می کند. ولی در حدیث فوق به باطن این آیات اشاره شده است که با الغاء خصوصیت از آیات و توسعه معنایی به ماه و خورشید و روز نورانی اسلام اشاره شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند که همچون ماه و خورشید در تاریخ اسلام می درخشند و امام مهدی علیه السلام که جهان را هم چون روز نورانی می کند و حق و باطل را مشخص می سازد.

ص: ۸۰

۱- (۱). شمس / ۱.

۲- (۳). تفسیر فرات، ص ۵۶۳، ح ۷۲۱ و بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۹، ح ۲۰.

تذکر: در مورد تفسیر آیات فوق و روایات دیگر آن ذیل مبحث آیات الحسین مطالبی بیان خواهد شد.

۱۵- یادآوری نعمت های الهی

در روایتی نقل شده که مردی گفت امام حسین علیه السلام را دیدم که در کنار فرزند عمر (عبدالله بن عمر) طواف کعبه می کردند؛ از ابن عمر در مورد آیه ۱۱ سوره ضحی (وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)؛ «و اما نعمت پروردگارت را، پس خبر بده»، پرسیدم.

او گفت: «خدا به پیامبر دستور داده که نعمت های الهی بر او را بازگو کند».

سپس از امام حسین علیه السلام (در مورد آیه فوق) پرسیدم، حضرت فرمود: «به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده که نعمت های دینی بر او را بازگو کند».

احمد بن ابی عبدالله البرقی المکنتی بابی جعفر، عن الوشاء، عن عاصم بن حمید، عن عمرو بن ابی نضیر، قال: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ قَالَ: رَأَيْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَعِنْدَهُ ابْنُ عُمَرَ يُطَوِّفَانِ بِالْبَيْتِ. فَسَأَلْتُ ابْنَ عُمَرَ فَقُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ: (وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) (۱) قَالَ: «أَمْرُهُ أَنْ يَحْدُثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ» ثُمَّ إِنِّي قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ: «أَمْرُهُ أَنْ يَحْدُثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ دِينِهِ». (۲)

تحلیل

آیه ۱۱ سوره ضحی یک قاعده کلی در مورد یادآوری نعمت های الهی را بیان می کند ولی بر اساس روایت فوق امام حسین علیه السلام مهم ترین مصداق نعمت را در آیه بیان کرده است که همان نعمت های دینی است، که البته از نعمت های مادی مهم تر است. پس روایت فوق از باب جری و تطبیق بر مصداق کامل آیه است. اینک به تفسیر آیه فوق و آیات مرتبط توجه می کنیم:

(ضحی / ۹-۱۱)، (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)؛ «و اما یتیم را، پس، (خوارش مساز و بر او) چیرگی موزر؛ و اما گدا را، پس، با پرخاش مران؛ و اما نعمت پروردگارت را، پس خبر بده».

ص: ۸۱

۱- (۱). ضحی / ۱۱.

۲- (۲). المحاسن، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۱، تحف العقول، ص ۱۷۶، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۲، ح ۴۴؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۷۴، حدیث ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۳، ح ۹.

۱. در این آیات در مورد برخوردها و ملاقات های اجتماعی سه دستور اساسی به پیامبر صلی الله علیه و آله می دهد که در حقیقت سرمشق و الگوی همه مردم است. به او دستور می دهد که با یتیمان و بینوایان مهربان باشد و به آنها کمک کند و نعمت های الهی را به یاد آورد (و سپاس گزاری کند) تا ما نیز از آن پیامبر رحمت آموزش ببینیم و او را الگوی خویش قرار دهیم.

۲. قرآن و پیشوایان اسلام نسبت به یتیمان مکرر سفارش کرده اند؛ زیرا آنها قشر آسیب پذیر جامعه اند و به خاطر از دست دادن پدر یا مادر نیازمند محبت بیش تری هستند؛ از این رو در این آیه سفارش شده که با قهر و غلبه و تحقیر با یتیمان برخورد مکن (بلکه با محبت و نوازش با آنان رفتار کن) تا کمبودهای عاطفی شان جبران شود.

به عبارت دیگر، وظیفه شما محبت و کمک به یتیمان است اما اگر این کار را نمی کنید، حداقل به آنها ضربه روحی و عاطفی نزنید و آنها را آزرده خاطر نسازید.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: هر کس دست نوازشگر بر سر یتیمی بکشد، به تعداد هر مویی که دست او از آنها می گذرد، در روز رستاخیز نوری خواهد داشت. (۱)

و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که: من و سرپرست یتیم، مثل این دو انگشت دست در بهشت در کنار هم دیگر هستیم، به شرط آن که خودنگه دار و باتقوا باشد. (۲)

اگر سایه ای خود برفت از سرش تو در سایه ی خویشتن پرورش

۳. در این آیات سفارش شده که بینوایانی را که از شدت فقر به گدایی و درخواست از مردم می پردازند از خود نرانید و بر آنان پرخاش نکنید یعنی وظیفه شما کمک به فقراست ولی اگر به آنها کمک نمی کنید، حداقل به آنها ضربه روحی و عاطفی نزنید و بدرفتاری نکنید.

چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش

یتیم ار بگرید که نازش خرد؟ و گر خشم گیرد که بارش برد؟

ص: ۸۲

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۶۷ ولی از امام علی و امام صادق علیهما السلام نیز شبیه آن نقل شده است: ثواب الاعمال، ص ۱۹۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۱؛ فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۷۱ و بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۰ و ج ۷۹، ص ۷۹.

۲- (۲). صراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۳۶؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷ و ۱۵۷ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۹۷.

۴. برخی مفسران گفته اند مقصود از «سائل» در این آیه کسی است که در مورد مسائل علمی و اعتقادی پرسش می کند، (۱)

که باید رهبران الهی و افراد دانشمند به سؤالات آنها پاسخ دهند.

البته بعید نیست که «سائل» در این جا شامل فقیر مادی و علمی هر دو بشود.

۵. در این آیات سفارش شده که نعمت های الهی را بازگو کنید؛ و بازگو کردن نعمت های الهی به دو صورت ممکن است:

الف) آنها را با زبان بگوئیم؛ البته گفتاری که به دور از غرور و برتری طلبی و حاکی از نهایت سپاس گزاری به درگاه الهی باشد.

ب) با عمل از نعمت های الهی یاد کنیم؛ یعنی در راه خدا از اموال و نعمت هایی که خدا به ما داده است ببخشیم، بخششی که نشان دهنده نعمت فراوان الهی برای ما باشد.

۶. بیان کردن نعمت و سپاس گزاری، روش افراد کریم و سخاوتمنداست ولی افراد بخیل، ثروت و نعمت ها را می پوشانند و چهره ای فقیرانه به خود می گیرند تا مبدا دیگران از آنان درخواست کمک کنند.

بیا تا خوریم آنچه داریم شاد درم بر درم چند باید نهاد

جهان آن کسی راست کو در جهان خورد توشه راه با همرهان

۷. نعمت در این آیه می تواند شامل نعمت های مادی و نیز نعمت های معنوی هم چون نبوت و قرآن بشود که همه را باید آشکار و بازگو کرد.

۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: خدا، دوست دارد که آثار نعمت های خود را بر بندگانش ببیند. (۲)

و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که: هر کس نیکی به او برسد و آثارش بر او دیده نشود، دشمن خدا و مخالف نعمت های او شمرده می شود. (۳)

و از امام علی علیه السلام روایت شده که: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و (نیز) دوست دارد که آثار نعمت را بر بنده خود ببیند. (۴)

ص: ۸۳

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۷ و تفسیر عم جزء، ص ۱۱۳.

۲- (۲). نهج الفصاحه، ح ۵۰۷ و تحف العقول، ص ۵۶.

۳- (۳). کافی، ج ۶، ص ۴۳۸، ح ۲ و وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸.

٤- (٤) . فروع كافي، ج ٦، ص ٤٣٨؛ خصال، ج ٢، ص ٦١٢؛ مكارم الاخلاق، ص ١٠٣؛ بحار الانوار، ج ١٠، ص ٩٢ و ج ٧٦، ص ٢٩٩
و وسائل الشيعه، ج ٥، ص ٥ و ٣٥.

۱. کودکان بی سرپرست و بینویان را آزرده نسازید و به عواطف آنان ضربه نزنید.

۲. اگر به یتیمان و بینویان کمک نمی کنید دست کم با آنان بدرفتاری نکنید.

۳. به یاد نعمت های الهی باشید (و سپاس آنها را به جا آورید).

۴. آشکار کردن و اظهار نمودن نعمت های الهی نیکوست.

۱۶- تفسیر «صمد»

چند حدیث از امام حسین علیه السلام در مورد تفسیر سوره «توحید» نقل شده است. در حدیثی آمده است که اهل بصره نامه ای به آن حضرت نوشتند و در مورد معنای «صمد» پرسیدند. و آن حضرت جواب مفصلی دادند که در آن جا روش های صحیح و باطل (تفسیر به رأی) تفسیر قرآن را بیان کردند. سپس به تفسیر قرآن به قرآن پرداختند. و صمد را چیزی دانستند که نه می زاید و نه زاده شده است، صمد چیزی است که از چیزی به وجود نیامده و در چیزی حلول نمی کند و بر چیزی قرار نمی گیرد. ایجاد کننده چیزها و خالق آن هاست. (۱)

ص: ۸۴

۱- (۱). توضیح و تحلیل این حدیث در مبحث آیات الحسین خواهد آمد، متن این حدیث این گونه است: «قَالَ وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ الْقُرَشِيُّ وَحَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ الْحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ، فَكَتَبْتُ إِلَيْهِمْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَلَا تُخْضَوْنَ فِي الْقُرْآنِ، وَلَا تُجَادِلُوا فِيهِ وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَيَّوْأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، وَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ: (اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ) ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ). لَمْ يَلِدْ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ كَالْوَلَدِ وَسَائِرِ الْأَشْيَاءِ الْكَثِيفَةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، وَلَا شَيْءٌ لَطِيفٌ كَالنَّفْسِ وَلَا يَتَشَعَّبُ مِنْهُ الْبِدَاوَاتُ كَالسَّنَةِ وَالنُّومِ، وَالْخَطَرَةُ وَالْهَمُّ وَالْحُزْنُ وَالْبُهْجَةُ، وَالضَّحْكُ وَالرَّجَاءُ وَالرَّغْبَةُ وَالشَّامَةُ، وَالْحُجُوعُ وَالشَّبَعُ، تَعَالَى أَنْ يَخْرُجَ مِنْهُ شَيْءٌ وَأَنْ يَتَوَلَّدَ مِنْهُ شَيْءٌ كَالشَّيْءِ مِنْ شَيْءٍ وَكَمَا تَخْرُجُ الْأَشْيَاءُ الْكَثِيفَةُ مِنْ عَنَاصِرِهَا، كَالشَّيْءِ مِنَ الشَّيْءِ وَالِدَابَّةُ مِنَ الدَّابَّةِ، وَالنَّبَاتُ مِنَ الْأَرْضِ، وَالْمَاءُ مِنَ الْيَنْبِيعِ، وَالْأَثْمَارُ مِنَ الْأَشْجَارِ، وَلَا كَمَا تَخْرُجُ الْأَشْيَاءُ اللَّطِيفَةُ مِنْ مَرَكَزِهَا كَالْبَصْرِ مِنَ الْعَيْنِ، وَالسَّمْعُ مِنَ الْأُذُنِ، وَالسَّمُّ مِنَ الْأَنْفِ، وَالذَّوْقُ مِنَ الْفَمِ، وَالْكَلَامُ مِنَ اللِّسَانِ، وَالْمَعْرِفَةُ وَالْتَّمِيزُ مِنَ الْقَلْبِ، وَكَالنَّارِ مِنَ الْحَجَرِ، لَا بَلْ هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ، وَلَا عَلَى شَيْءٍ، مُبْدِعُ الْأَشْيَاءِ وَخَالِقُهَا، وَمُنْشِئُ الْأَشْيَاءِ بِقُدْرَتِهِ، يَتَلَاشَى مَا خَلَقَ لِلْفَنَاءِ بِمَشِيئَتِهِ، وَيَبْقَى مَا خَلَقَ لِلْبَقَاءِ بِعِلْمِهِ، فَذَلِكُمُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمَتَعَالِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید، ص ۹۰، ح ۵، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۱، ح ۷۰ و ج ۵، ص ۷۱۳، ح ۷۶؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۵۲۵، حدیث ۹؛ بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۴ و كتر الدقائق، ج ۱۱، ص ۶۱۱)

و نیز در حدیث دیگری از طریق امام باقر علیه السلام و امام سجاد علیه السلام از امام حسین نقل شده که حضرت در مورد تفسیر «صمد» فرمودند: «چیزی است که تو خالی نیست. در کمال تیرگی است. نه می خورد نه می آشامد نه می خوابد، بلکه دائمی است که زوال ندارد».

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَدَّثَنِي أَبِي زَيْنُ الْعَابِدِينَ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «الصَّمَدُ: الَّذِي لَا جَوْفَ لَهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي قَدِ انْتَهَى سُودُّهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَنَامُ، وَالصَّمَدُ: الدَّائِمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ» (۱).

اینک به تفسیر کامل سوره توحید (همراه نکات روایی امام حسین علیه السلام) توجه می کنیم.

(توحید / ۱-۴)، (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)؛ «بگو: خدا یکتاست، خدای همواره مقصود، نه زائیده و نه زاده شده است؛ و هیچ کس برای او همتا نبوده است».

شأن نزول

حکایت شده که گروهی از کافران (۲) از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند که خدا را برای آنان وصف کند و پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز سکوت کرد تا سوره اخلاص فرود آمد و خدا و صفات او را معرفی کرد. (۳)

نکته ها و اشاره ها

۱. سوره توحید را شناسنامه خدا دانسته اند؛ یعنی در این سوره خدا را با نام معرفی می کند و نسب او را مشخص می سازد که پدر و مادر و فرزندی ندارد و در جملاتی کوتاه، خدا را نسبتاً به صورت کامل معرفی می کند.

ص: ۸۵

۱- (۱). التوحید، ص ۹۰، ح ۳، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۱، ح ۶۸؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۵۲۵؛ بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۳، ضمن ح ۲؛ معادن الحکمه، ج ۲، ص ۵۱ و کنز الدقائق، ج ۱، ص ۶۱۰.

۲- (۲). در برخی روایات پرسشگر را از یهودیان و در برخی از مسیحیان و در برخی دیگر از مشرکان معرفی کرده اند و نام او را عبدالله بن صوری یا عبدالله بن سلام گفته اند. اما با توجه به مکی بودن سوره، احتمال سوم (مشرکان) قوی تر است، ولی مانعی ندارد که برخی یهودیان یا مسیحیان در سفر مکه از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسش کرده باشند یا هر سه گروه یک مطلب را پرسیده باشند.

۳- (۳). اسباب النزول، ص ۵۰۰؛ نمونه بینات، ص ۸۸۹؛ شأن نزول آیات، ص ۵۸۹؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۹ و بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲. در جهان بینی اسلامی خدا یکی است (توحید ذاتی) و تنها او سرچشمه ی همه ی قدرت ها و خوبی هاست و فقط او شایسته ی پرستش است؛ یعنی روح توحیدی در تمام عقاید و اعمال مسلمانان جاری است و محور اصلی دین اسلام توحید است که هم چون روحی در کالبد دین دمیده شده است.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی

همه در گاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

(سنایی غزنوی)

۳. توحید دارای تقسیمات متعددی است:

الف) براساس یک تقسیم، توحید به چهارشاخه تقسیم می شود:

۱. توحید ذاتی: یعنی خدا یکی است و هیچ شریک و همتایی ندارد.

۲. توحید صفاتی: صفات خدا از ذاتش جدا نیست - همان طور که این صفات از هم دیگر جدا نیستند - بلکه همگی عین ذات اند.

۳. توحید افعالی: یعنی او سبب و علت اصلی هر وجود و حرکتی در جهان است.

۴. توحید عبادی: یعنی مردم باید تنها او را پرستند و غیر او شایسته ی پرستش نیست. البته در قرآن کریم به همه این شاخه ها و مراتب توحید اشاره شده (۱) اما در سوره فوق توحید ذاتی و صفاتی یادآوری شده است.

ب) در تقسیم دیگری توحید به چند شاخه توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در قانون گذاری، توحید در مالکیت، توحید در حاکمیت و توحید در اطاعت تقسیم می شود و در قرآن کریم به این شاخه ها و مراتب اشاره شده است. (۲)

۴. فلاسفه و متکلمان و مفسران قرآن برای توحید دلایل متعددی ارائه کرده اند که در این جا فقط آنها را یادآوری می کنیم:

ص: ۸۶

۱- (۱). ر.ک: حمد/ ۵ و انفال/ ۱۷.

۲- (۲). ر.ک: رعد/ ۶؛ انعام/ ۱۶۴؛ مائده/ ۴۴؛ آل عمران/ ۱۸۹؛ انعام/ ۵۷ و نساء/ ۵۹.

الف) برهان صّرف الوجود: یعنی خدا وجود مطلق است که هیچ قید و شرط و حدّی ندارد و اگر محدودیتی پیدا کند، عدم در او راه می یابد و چیزی غیر از او نیست که محدودیت و عدم را بر او تحمیل کند.

و دو هستی نامحدود هم تصور نمی شود؛ چون حتماً یکی فاقد کمالات دیگری می شود و محدود می گردد، پس فقط یک خدای نامحدود وجود دارد.

ب) برهان وحدت نظام و انسجام جهان: یعنی وحدت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن و انسجام اجزای آن، نشان می دهد که «یک خالق» و «یک اراده» بر آن حاکم است، پس جز خدای یکتا وجود ندارد. این برهان با پیشرفت علوم بشری هر روز روشن تر می شود.

همه آفریننده ات بالا و پست تویی آفریننده ی هر چه هست

جهان را بدین خوبی آراستی برون زان که یاریگری خواستی

(نظامی گنجوی)

ج) برهان تمنّاع: که ذیل آیه ۲۲ سوره انبیاء بیان شد که اگر بیش از یک خدا باشد، جهان به فساد و تباهی کشیده می شود.

د) دلیل دیگر، دعوت عمومی پیامبران الهی به سوی یک خداست؛ یعنی اگر خدای دیگری بود، پیامبری می فرستاد و ما را از وجود خویش آگاه می ساخت.

۵. سوره توحید با واژه «قُل» (بگو) شروع می شود. این مطلب از طرفی به وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد که اظهار مطالب توحیدی و بیان مطالب مخفی برای مردم است و از طرف دیگر به حفظ وحی و دقت در بیان آن؛ زیرا پیامبر حتی واژه ی «بگو» را برای ما نقل کرده است؛ یعنی هیچ گونه تغییر و تصرفی در وحی ننموده است.

۶. «هُوَ»، ضمیر مفرد غایب است که اشاره به ذات مقدس الهی دارد که در نهایت خفا است، و او از دست رس افکار محدود و از دید چشم ها و حواس بشر بیرون است، هر چند آثار او در جهان آشکار است. (۱)

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم و ز هر چه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما هم چنان در اول وصف تو مانده ایم

(سعدی)

ص: ۸۷

۷. «اللّه» اسم خاص خداست که به ذات دارای تمام کمالات اشاره می کند و معنای اصلی آن معبود، معشوق یا کسی است که عقل ها در مورد او حیران است. (۱)

نام «اللّه» بیش از همه نام های خدا و بیش از هزار بار در قرآن تکرار شده است.

۸. «أَحَدٌ» در اصل به معنای وحدت و یکتا بودن است و اشاره به ذاتی دارد که از هر جهت بی نظیر و منفرد است؛ ذات، علم و قدرت او یگانه است و ماندنی ندارد؛ ذات یکتایی که در ذهن و در خارج از ذهن قبول کثرت نمی کند. (۲)

۹. در حدیثی آمده است که در روز جنگ جَمَل، مردی از امام علی علیه السلام پرسید: آیا می گویی خدا واحد است؟ واحد به چه معناست؟

برخی از یاران به آن مرد حمله کردند که چرا در هنگامه جنگ چنین پرسشی می کند، اما امام علی علیه السلام فرمود: او را به حال خود بگذارید؛ آنچه را او می خواهد، همان چیزی است که ما از این گروه دشمن می خواهیم! (و ما برای توحید می جنگیم).

سپس توضیح دادند که دو معنای «واحد»، در مورد خدا صحیح نیست: یکی این که وحدت عددی باشد (یعنی خدا یکی باشد که دو داشته باشد) و دوم آن که وحدت نوعی باشد (چون خدا نوع ندارد).

و دو معنای واحد در مورد خدا صحیح است:

اول به معنای این که خدا در جهان شبیه ندارد و دوم آن که ذات خدا در خارج و عقل تقسیم پذیر نیست. (۳)

۱۰. «صَيِّمٌ» در اصل به معنای قصد است و خدا را صَيِّمٌ می گویند، از آن رو که مردم قصد در گاه او می کنند. البته برای «صمد» معانی دیگری نیز نقل شده است مانند صلابت و نیز به معنای آقا و بزرگی که دیگران برای انجام کارهای خود به سوی او می روند و یا به

ص: ۸۸

۱- (۱). در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» توضیح دادیم که «اللّه» از ریشه «وله» یا «أله» یا... است.

۲- (۲). برخی مفسران بین «أحد» و «واحد» فرق گذاشته اند و گفته اند که «أحد» به ذاتی گفته می شود که قبول کثرت نمی کند و داخل اعداد نیست اما «واحد» دوم و سوم برای آن تصور می شود (تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۷) اما برخی مفسرین این تفاوت را با موارد استعمال آن دو عدد در قرآن و احادیث سازگار نمی دانند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۵۳).

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۰۶ (با تلخیص).

معنای چیزی که توخالی نیست. (۱) از این رو در کلمات مفسران و احادیث معانی متعددی برای صمد بیان شده است، که معمولاً با معانی لغوی همخوان است.

۱۱. صَمَد در لغت به «چیزی که توخالی نباشد» نیز معنا شده و در حدیثی از امام حسین علیه السلام نیز همین معنا روایت شده است. در علم فیزیک نیز بیان شده که همه موجودات از اتم ساخته شده اند که توخالی است؛ یعنی فضای خالی بسیاری بین الکترون ها و هسته مرکزی اتم وجود دارد، به طوری که اگر این فاصله ها برداشته شود حجم اجسام بسیار کوچک می شود.

از این رو برخی افراد نوشته اند که این آیه اشاره به نفی جسمانیت از خداست؛ یعنی همه موجودات از اتم های توخالی تشکیل شده اند اما خدا هم چون اتم، جسم توخالی نیست. (۲)

۱۲. برخی یهودیان معتقد بودند که عَزْریر پسر خداست و غالب مسیحیان نیز معتقدند که عیسی پسر خداست و مشرکان عرب نیز فرشتگان را دختران خدا می دانستند، ولی قرآن کریم در این سوره، همه این عقاید خرافی را نفی می کند و اعلام می کند که خدا نه زاییده شده و نه می زاید و فرزندی ندارد.

۱۳. از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

مقصود از «لم یلد ولم یولد» آن است که خدا برتر از آن است که چیز لطیف، مانند نفس و عوارض گوناگون آن، مانند خواب، خیال، اندوه، خوشحالی، خنده، گریه، گرسنگی و سیری، از او خارج شود و نیز برتر از آن است که از چیز مادی و لطیف متولد گردد. (۳)

البته این حدیث اشاره به بطن آیه دارد؛ یعنی معنای «تولد» را گسترش داده، تا هر گونه خروج و نتیجه گیری چیزی از چیز دیگر را شامل شود.

۱۴. «كُفُوًا» به معنای هم طراز در مقام و منزلت است و به هر گونه چیز شبیه و همانندی گفته می شود؛ یعنی خدا همانندی ندارد تا با او همتا گردد و شبیهی ندارد تا با او مساوی باشد.

ص: ۸۹

۱- (۱). ر.ك: مقایس اللغه و المفردات فی غریب القرآن.

۲- (۲). و این آیه می تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰)؛ البته پذیرش اعجاز علمی در این مورد مشکل و بعید است، چون آیه بر این مطلب دلالت روشنی ندارد.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۴

این آیه تمام عوارض و صفات مخلوقات و هرگونه نقص و محدودیت را از او نفی می کند و این همان توحید ذاتی و صفاتی است.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

(سنایی غزنوی)

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام توحیدی اسلام را اعلام کنید.

۲. هستی، آهنگ خدا کرده است.

۳. دنبال حسب و نسب خدا نگردید که او تنهاست.

۴. خدا را به یکتایی و بی همانندی بشناسید.

۱۷- امامان هدایت و گمراهی

در برخی روایات نقل شده که امام حسین علیه السلام هنگامی که در مسیر کربلاء به منزل «ذات عرق» رسید شخصی از بنی اسد به نام «بشر بن غالب» با حضرت ملاقات کرد. امام علیه السلام از اوضاع عراق از وی پرسید، سپس «بشر» از حضرت پرسید: ای پسر رسول خدا از آیه ۷۱ سوره اسراء (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ) ؛ «(یاد کن) روزی را که هر (گروهی از) مردم را با پیشوایشان فرا می خوانیم»، خبر بده؟

پس امام حسین علیه السلام فرمود: «بلی از برادر اسدی! آنان دو نوع امام هستند: امام هدایت که به سوی هدایت فرا می خواند و هر کس او را اجابت کند به سوی بهشت هدایت می شود و امام گمراهی که به سوی گمراهی فرا می خواند و هر کس او را به سوی گمراهی اجابت کند داخل دوزخ می شود».

و در روایت دیگری آمده است که امام حسین علیه السلام اضافه فرمود: «این همان کلام خدای عزوجل در آیه ۷ سوره شوری است (فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ) ؛ «دسته ای در بهشت اند و دسته ای در شعله فروزان (آتش) اند!».

فقال له الأسدی: یا ابن بنت رسول الله! اخبرنی عن قول الله تعالی: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ)؟ ۱

فقال الحسين عليه السلام: «نعم يا أبا بني أسد! هم إمامان: إمام هدى دعا الى هدى، وإمام ضلاله دعا الى ضلاله، فهدى من أجابه الى الجنة، ومن أجابه الى الضلاله دخل النار» (١).

وروى الصدوق رحمه الله باسناده إلى أبي عبدالله عليه السلام قال: سأل رجل يقال له بشر بن غالب أبا عبدالله الحسين عليه السلام فقال: يا بن رسول الله أخبرني عن قول الله عزوجل: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ).

قال: «إمامٌ دعى الى هدى فاجابوه اليه، وإمامٌ دعى الى ضلاله فأجابوه اليها، هؤلاء في الجنة، وهؤلاء في النار، وهو قوله عزوجل (فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ) ٣.٢

تحليل

در مورد آیه ٧١ سوره اسراء مفسران تفسیرهای متعدد ارائه کرده اند (که در مبحث آیات الحسین علیه السلام خواهد آمد) لیکن بر اساس روایت فوق امام حسین علیه السلام به نکته جلیبی در مورد رابطه امامت دنیوی و اخروی اشاره فرموده اند. که دو گونه امام در دنیا وجود دارد امامان هدایت (مثل ائمه اهل بیت علیهم السلام) و امامان گمراهی که هر کس در دنیا پیرو هر گروه باشد در آخرت نتیجه آن را خواهید دید، پیروان امامان هدایت به سوی بهشت می روند و پیروان امامان باطل و گمراهی به سوی دوزخ می روند.

تذکر: درمورد تفسیر این آیه (اسراء / ٧١) و روایات دیگر آن در مبحث آیات الحسین مطالب مفصلی خواهد آمد.

ششم: استشهدای قرآنی امام حسین علیه السلام

درآمد

امام حسین علیه السلام در موارد متعددی در سخنان و رفتار فردی و اجتماعی خویش به آیات قرآن استناد یا استشهاد کرده است. یعنی برخی اعمال خود را مستند و مستدل به آیه ای از قرآن کرده یا به مناسبت گفتار یا عمل خود یا دیگران آیه ای از قرآن را به عنوان شاهد ذکر کرده است.

ص: ٩١

١- (١). الفتوح، ج ٥، ص ٧٧، مقتل الحسین علیه السلام للخوارزمی، ج ١، ص ٢٢١ و فیه: فهذا و من اجابه الى الهدى في الجنة وهذا و من اجابه الى الضلاله في النار، مشير الأبحان: ٤٢، اللهوف، ص ٣٠؛ بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٣٦٧؛ العوالم، ج ١٧، ص ٢١٧ و في المصادر الاربعه الاخيره الى قوله: يحكم ما يريد.

برخی از این موارد ذیل مباحث قبلی (همچون رفتار قرآنی عمل به قرآن توسط امام حسین علیه السلام ذکر شد و نیز برخی موارد در ضمن آیاتی که امام حسین علیه السلام تفسیر کرده بیان شد و بعضی موارد نیز در ضمن روایاتی که آیات مربوط به امام حسین علیه السلام را توضیح می دهد اشاره می شود. اما برخی موارد ذیل عناوین فوق جای نمی گرفت که در اینجا آنها را بیان می کنیم.

۱- نپذیرفتن حق، ستمکاری به خویشان

(وَ ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ) (بقره/ ۵۷)؛ «و ابرها را بر شما سایه گستر کردیم؛ و خوراکی [عسل مانند] و مرغان [بلدچین گونه] را بر شما فرو فرستادیم؛ (و گفتیم:) از [خوراکی های] پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده ایم، بخورید؛ و [لی آنان با ناسپاسی خود] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خودشان ستم می نمودند.»

تذکر: مشابه این آیه در سوره اعراف، آیه ۱۶۰ آمده است.

نکته ها و اشاره ها

۱. بنی اسرائیل در مسیر حرکت از مصر به فلسطین، چهل سال در سرزمین سینا ماندند (۱). در این مدت گروهی به درگاه الهی روی آوردند و خدا بنی اسرائیل را مشمول نعمت خویش ساخت و به آنان غذاهای نیکو داد، تا شاید سپاس گزار باشند، ولی آنان با ناسپاسی باز هم به خود ستم کردند.

۲. در این آیه به چند نعمت الهی نسبت به بنی اسرائیل اشاره شده است.

الف) ابرهای سپید (۲) که به صورت غیرمنتظره در بیابان ها هویدا می شد و بر سر بنی اسرائیل سایه می افکند، تا در سایه آن بیاسایند و خستگی مسافرت های طولانی را از تن به در کنند.

ص: ۹۲

۱- (۱). این ماجرا در سوره مائده، آیات ۲۰-۲۲ آمده است.

۲- (۲). واژه «غمام» در اصل از ریشه «غم» به معنای «پوشان» است و از آن جا که ابرها آفتاب را می پوشانند به آن ها غمام گفته می شود. البته واژه «غمام» و «سحاب» هر دو به معنای ابر است، اما برخی گفته اند «غمام» به ابرهای سفید و سرد و نازک گفته می شود که صفحه آسمان را می پوشانند (المفردات فی غریب القرآن، تفسیر نمونه و روح المعانی، ذیل آیه).

ب) غذایی به نام «مَنْ». «مَنْ» در اصل به معنای قطرات کوچک، هم چون قطرات شبنم است که بر درختان می نشیند و طعم شیرینی دارد و برخی مفسران احتمال داده اند نوعی عسل طبیعی بوده که بنی اسرائیل در کوهستان های حواشی بیابان منابعی از آن می یافتند و از این غذای لذیذ می خوردند. (۱)

ج) غذایی به نام «سِلْمُو». «سِلْمُو» در اصل به معنای آرامش و تسلی است و بسیاری از مفسران آن را نوعی پرنده (بلدرچین گونه) دانسته اند که در مسیر مهاجرت خود به صحرای سینا می آمدند و به راحتی در دسترس بودند و بنی اسرائیل از گوشت آنها استفاده می کردند. (۲)

۳. در این آیه به شروط استفاده از نعمت های غذایی اشاره شده است و آن پاک، حلال و پاکیزه بودن آن است؛ البته این شروط به سود انسان است و سلامتی او را تأمین می کند.

۴. بنی اسرائیل هنگامی که ناسپاسی کردند و راه سرکشی و کفر و گوساله پرستی و مانند آن را در پیش گرفتند به خدا ستم نکردند، چون خدا نیازی به فرمان برداری و پرستش مردم ندارد، بلکه به خود ستم روا داشتند که از نعمت های الهی در راه کمال خویش استفاده نکردند و آنها را هدر دادند.

مخالفان امام حسین علیه السلام به خود ستم کردند

هنگامی که امّ کلثوم به امام حسین علیه السلام عرض کرد: منزلت و جایگاه جدت، پدرت، مادرت و برادرت را به این قوم (سپاهیان ابن زیاد) یادآوری کن (تا بفهمند تو کیستی و دست از تو بردارند)، امام فرمود: ذَكَرْتُهُمْ فَلَمْ يَدَّكُرُوا وَوَعَّظْتُهُمْ فَلَمْ يَتَّعِظُوا وَلَمْ يَسْمَعُوا قَوْلِي؛ فَمَا لَهُمْ غَيْرَ قَتْلِي سَبِيلًا وَلَا بُدَّ أَنْ تَرَوْنِي عَلَى الثَّرَى جَدِيًّا، لَكِنْ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّ الْبَرِيَّةِ وَالصَّبْرِ عَلَى الْبَلِيَّةِ وَكَظْمِ نَزْوَلِ الرَّزِيَّةِ وَبَهْزَادَا وَعَيْدِ حَيْدِكُمْ وَلَا خُلْفَ لِمَا وَعَدَ، وَدَعْتُكُمْ إِلَهِي الْفَرْدَ الصَّمَدَ (۳). به آنان یادآوری نمودم (که کیستم)، ولی نپذیرفتند و آنان را

ص: ۹۳

۱- (۱). در احادیث حکایت شده که «مَنْ» نوعی قارچ است و برخی نیز احتمال داده اند که مقصود تمام نعمت هایی است که خدا بر بنی اسرائیل منت گذاشته و یا صمغ درختان بوده است و در تورات آمده که چیزی شبیه تخم گشنیز بوده که شب ها می ریخته و با آن نان درست می کردند (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۶۳).

۲- (۲). برخی نیز آن را به معنای عسل دانسته اند (همان، ص ۲۶۳-۲۶۴).

۳- (۳). محمد باقر بن عبدالکریم البهبهانی، الدمعه الساکبه، ج ۴، ص ۲۷۲ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۴۰۰.

اندرز دادم، ولی اندرز من در آنان مؤثر واقع نشد و سختم را نشنیدند و آنها تصمیم جز کشتن من ندارند و چاره ای نیست که شما مرا بر این خاک پایدار ببینید، ولی شما (بانوان) را به تقوای الهی که پروردگار خلاق است و شکیبایی بر بلاها و پنهان نمودن فرود مصیبت ها توصیه می کنم که این وعده جدّ شماست و خلافی در وعده او نیست. من شما را به خدای یگانه بی نیاز سپردم.

سکینه می گوید: پس ساعتی گریستیم؛ در حالی که حضرت علیه السلام می فرمود: (وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ)؛ (۱) آنان به ما ستم نکردند، بلکه بر خویش ستم روا داشتند.

تحلیل

مواظظ امام حسین علیه السلام رحمت و نعمت سرشار الهی بود که بر سپاه پیمان شکن کوفه نازل می شد لیکن آنان گوش عقل و دل خود را بسته بودند و به نصیحت ها و تذکرات امام توجه نکردند و راه گمراهی و ستمکاری نسبت به اهل بیت علیهم السلام را ادامه دادند. اما این ستمکاری در حقیقت ستم به خودشان بود چرا که خود را از هدایت محروم ساختند و سرمایه های وجودی خویش را نابود کردند و در دنیا و آخرت گرفتار عذاب شدند. در حالی که امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان به فوز شهادت و رستگاری ابدی رسیدند پس زیانکار نشدند.

پیام

۱- هر کس در برابر نعمت های الهی (به ویژه نعمت امامت) ناسپاسی کند به خویش ستم کرده است.

۲- با ناسپاسی و کفر (و نافرمانبرداری در برابر امامت) به خویش ستم نکنید.

۲- یاد مبدأ و معاد در هنگام مصائب (استرجاع)

(وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ التَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)؛ (بقره/ ۱۵۶) «همان» کسانی که هر گاه مصیبتی به آنان برسد، می گویند: «در حقیقت ما از آن خداییم و در واقع ما فقط به سوی او بازمی گردیم.» آنان، درودها و رحمتی از پروردگارشان بر ایشان باد، و تنها آنان ره یافتگان اند.»

ص: ۹۴

۱- (۱). محمد باقر بن عبدالکریم البهبهانی، همان و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، همان.

۱. توجه به این واقعیت که «همه از او هستیم» به ما می آموزد که هرگز از زوال نعمت ها ناراحت نشویم و جزع نکنیم؛ زیرا همه این مواهب و حتی خود ما، به خدا تعلق داریم و اگر روزی می بخشد و روز دیگر بازمی گیرد، هر دو به صلاح ماست.

۲. توجه به این واقعیت که «همه ما به سوی او باز می گردیم»، به ما اعلام می کند که این جا سرای جاویدان نیست و کمبود یا کثرت نعمت ها همه زودگذر است.

۳. مقصود از گفتن «أنا لله و أنا اليه راجعون» تنها ذکر زبانی آن نیست، بلکه توجه به حقیقت و روح آن است که همان توجه به مبدأ و معاد است.

این جمله که به «کلمه استرجاع» مشهور است، عصاره ای از عالی ترین درس های توحید و تکیه بر ذات پاک خدا در همه چیز و در هر زمان است و از این روست که می بینیم بزرگان اسلام به هنگام بروز مصیبت های سخت این جمله را تکرار می کردند. در حدیثی می خوانیم که هر گاه با مصیبتی مواجه شدید جمله «أنا لله و أنا اليه راجعون» را بگویید (۱).

۴. مردم در برابر مشکلات سه گروه هستند:

برخی کم صبرند و جزع می کنند (۲)، برخی بردبار و شکیب هستند و گروه دیگری علاوه بر صبر، شکرگزاری نیز می کنند (۳).

پس بهتر است که ما از صابران سپاس گزار باشیم.

استرجاع امام حسین علیه السلام

هنگامی که ولید بن عتبه، خبر مرگ معاویه را به حضرت داد، حضرت آیه شریفه استرجاع را تلاوت نمود (۴).

گاه دیگر که حضرت، آیه استرجاع را تلاوت نمود، هنگامی بود که مروان بن حکم به حضرت توصیه کرد که با یزید بیعت کند. مروان به حضرت گفت: دستور می دهم با

ص: ۹۵

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۳۱؛ تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۵۴.

۲- (۲). «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» (معارف / ۲۰).

۳- (۳). «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مَصَابِهِمْ» (زیارت عاشورا)

۴- (۴). احمد بن اعثم الكوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۷؛ ابوالفداء الحافظ بن كثير، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۴۰ (با قدری اختلاف)؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۷.

یزید بیعت کنی که خیر دین و دنیای تو در آن است. حضرت فرمودند: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) وعلی الإسلام ألسلام إذ قد بُليت الأمة مثل یزید (۱).

بار دیگر حضرت پس از شنیدن خبر شهادت مسلم و هانی این آیه را تلاوت نمودند (۲). مرتبه دیگر در جایی بود که هنگام کوچ از قصر بنی مقاتل بر روی اسب، حضرت را خواب ربود. هنگامی که بیدار شد، دو یا سه بار فرمود: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). فرزندش علی بن الحسین علیه السلام که بر روی اسب بود، از حضرت پرسید، فدایت شوم پدرجان! چرا خدا را سپاس گفתי و استرجاع کردی؟ حضرت فرمود: فرزندم! مرا خواب ربود و سواری را دیدم که می گوید: اینان می روند و مرگ هم به دنبال ایشان همی رود. دانستم که خبر مرگ ما را می دهد (۳).

استشهاد به آیه شریفه استرجاع، در برخی مواضع دیگر، نقل شده است (۴).

تحلیل:

امام حسین علیه السلام از صابران امت بود که در برابر همه مشکلات جنگ صبر پیشه می کرد و بر اساس رهنمود قرآن کریم در هنگام مصائب (مثل شهادت مسلم، هانی و...) استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) می گفت. و همین فعل امام معصوم علیه السلام بر مطلوب بودن این مطلب دلالت دارد.

ص: ۹۶

۱- (۱). علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، اللهوف، ص ۲۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۸ و معهد تحقیقات باقر العلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۲۸۵.

۲- (۲). محمد بن محمد بن نعمان المفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۲؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۲۹؛ علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، اللهوف، ص ۴۷ و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۲.

۳- (۳). محمد بن محمد بن نعمان مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۸۲؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۸۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۰ و موسوعه، ص ۳۶۸.

۴- (۴). به هنگام تشییع بدن مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام، صدای شیون و فغان از کوفه برخاست. زنان در حالی که سیلی بر صورت خود می زدند، افسوس کنان به دنبال تابوت بیرون آمدند و امام حسن علیه السلام آنان را از این کار بازداشت و آن ها را از گریه نهی نمود و به خانه هایشان فرستاد. در آن حال امام حسین علیه السلام عرض کرد: «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم». (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). یا ابا و انقطاع ظهره، من اجلک تعلمت البکاء، الی الله المشتکی. پدر جان! وای کمرم شکست! گریه را به خاطر (داغ فراق) تو آموختم و شکوه به خدا می برم. (بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۵ - ۲۹۴ و موسوعه، ص ۱۵۱ - ۱۵۰).

نکته جالب این است که امام حسین علیه السلام بعد از هنگام خواب دیدن که حاوی خبر شهادت ایشان بود، بعد از کلمه استرجاع، «الحمد لله» فرمود، یعنی صبر خویش را با شکر الهی همراه کرد تا صبر جمیل باشد.

اما در هنگام مرگ معاویه و تقاضای بیعت با یزید نیز کلمه استرجاع را فرمود، در حالی که مرگ معاویه مصیبت نبود، شاید در این دو مورد کنایه ای بود به مصیبت بزرگتر یعنی حکومت یزید که در راه بود. از این رو به دنبال کلمه استرجاع در برابر مروان بن حکم فرمود: «علی الاسلام السلام اذ بلیت الامه براع مثل یزید» «بر اسلام سلام (فاتحه اسلام را باید خواند) هنگامی که امت به رهبری مثل یزید گرفتار شود.»

پیام ها

۱- در هنگام بروز مشکلات و مصائب (همچون امام حسین علیه السلام) استرجاع گویند.

۲- به یاد مبدأ و معاد باشید تا (همچون امام حسین علیه السلام) تحمل مشکلات بر شما آسان شود.

۳- مهلت به دشمنان امام حسین علیه السلام برای گناه بیشتر و عذاب دردناک تر

اشاره

(وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ) ؛ (آل عمران / ۱۷۸)؛ «و کسانی که کفر ورزیدند، هرگز نپندارند، که آنچه به آنان مهلت می دهیم، برای خودشان نیکوست؛ به آنان مهلت می دهیم، فقط برای اینکه [عاقبت] بر گناه بیفزایند؛ و برای آنان عذابی خوار کننده است.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. خدا گناهکاران را با زنگ های بیدارباش، هم چون مجازات های متناسب با اعمالشان، بیدار می سازد و به راه حق باز می گرداند (۱) که در این صورت مجازات های آن ها نعمتی برای آنان به شمار می آید.

البته این ها کسانی هستند که کاملاً به گناه آلوده نشده اند و هنوز شایستگی هدایت را دارند، اما کسانی که در گناه غرق شده یا کفر می ورزند، خدا آنان را به حال خود وامی گذارد تا بار گناهشان سنگین شود و استحقاق حداکثر مجازات را پیدا کنند؛ و این همان قانون «املاء» یا مهلت دادن است.

ص: ۹۷

۱- (۱). (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (روم / ۴۱).

۲. گاهی خداوند، برخی از کافران و گناهکاران و ستمگران را، غرق در نعمت های خود می سازد. این به خاطر آن است که خدا آن ها را «املاء» کرده و مهلت داده است و براساس این سنت و قانون و اصل آزادی اراده، به حال خود واگذارده است تا به آخرین مرحله سقوط برسند و در جهان دیگر مجازات شوند.

همان گونه که در دنیا هم گاهی ناگهان همه چیز را از آنان می گیرد (۱) تا حداکثر شکنجه را داشته باشند؛ چرا که جدا شدن از زندگی مرفهی که دارند برایشان بسیار ناراحت کننده است.

پس در مورد کافران زود داوری نکنید که مهم عاقبت کار آنان است. (۲)

۳. عمر طولانی هنگامی سودمند است که در راه حق و رشد و خیر باشد؛ و عمری که در گناه مصرف شود، خیری در آن نیست.

از امام باقر علیه السلام حکایت شده که: مرگ برای کافران یک نعمت است؛ زیرا هر چه بیش تر بمانند زیادتر گناه می کنند. (۳)

و از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که در دعای «مکارم الاخلاق» از خدا می خواهد: خدایا اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگرداند. (۴)

آری، نوع بهره برداری از عمر مهم است، نه طول عمر؛ به عبارت دیگر، کیفیت عمر از کمیت آن مهم تر است.

دشمنان امام حسین علیه السلام از مصادیق قانون «املاء»

قال الضحاک بن عبدالله: ومّر بنا خیل لابن سعدٍ یحرسنا وإنّ حسیناً علیه السلام لیقرأ: (وَلَا یُحَسِّبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُنْفِی لَهُمْ خَیْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُنْفِی لَهُمْ لَیْزًا دَاوُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ مَا كَانَ لِلَّهِ لَیْذَرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی مَا أَنْتُمْ عَلَیهِ). (۵)

ص: ۹۸

۱- (۱). (فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ) (انعام/ ۴۴).

۲- (۲). برخی از مفسران نوشته اند که «لام» در تعبیر «لَیْزًا دَاوُوا إِثْمًا» برای بیان غایت نیست که معنای آیه این گونه شود: «ما می خواهیم گناهان کافران زیاد گردد.» پس «لام» در آیه فوق برای بیان عاقبت است که معنای آیه چنین می شود: «ما به کافران مهلت می دهیم و سرانجام و عاقبت آنان این است که بار گناه آنان سنگین می گردد.» بر این اساس، آیه فوق دلالت بر جبرگرایی ندارد، بلکه دلیلی بر آزادی اراده و عمل کافران است (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۶).

۳- (۳). صحیفه سجادیه، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۶۱ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۴۳.

۴- (۴). تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۳۹.

۵- (۵) . الارشاد، ج ۲، ص ۹۵؛ البحار، ج ۴۵، ص ۳؛ روضه الواعظین، ص ۱۸۴ و مشابه این حدیث در کامل الزیارات، ص ۳۳۷ و البحار، ج ۴۵، ص ۱۷۳، ح ۲۱.

در این آیه به یکی از سنت های الهی در مورد مهلت دادن به کافران است تا بر کفر و عذاب خود بیفزایند، و در احادیث مصادیق این مهلت دادن به افراد بیان شده است یعنی دلالت آیه بر دشمنان امام حسین علیه السلام از باب جری و تطبیق است. البته روشن است که دشمنان امام حسین علیه السلام چون به امام بر حق شمشیر کشیدند از دین خارج شده و مصداق «کافر» گردیدند.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می شود که

اولاً دشمنی با امام بر حق مثل امام حسین علیه السلام موجب کفر می شود.

ثانیاً مخالفان امامت و دشمنان راه امام حسین علیه السلام گمان نکنند که خدا آنان را رها کرده است تا هر کاری می خواهند بکنند بلکه آنان گرفتار قانون «املا» (مهلت دادن برای گناه بیشتر و عذاب دردناک تر) شده اند. پس بیدار شوند و توبه کنند.

۴- راضی به قضای الهی

اشاره

(قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَتَيْتَوُكُلِ الْمُؤْمِنُونَ) (توبه/ ۵۱)؛ «بگو: جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند».

نکات و اشارات

۱. آیه فوق اشاره دارد که مؤمنان، تحت ولایت و سرپرستی خدا هستند و آنچه او مقرر کرده، به آن ها می رسد. آری، مولای حکیم و مهربان جز خیر و نیکی برای بندگانش نمی خواهد.

۲. آیه فوق بر جبر دلالت نمی کند و با اصل آزادی اراده و اختیار انسان منافات ندارد؛ زیرا سرنوشت انسان تا آن جا که به کوشش ما مربوط است، به دست خود ماست و آیات قرآن نیز بدین مطلب اشاره دارند (۱)؛ اما برخی مطالب خارج از دایره تلاش ما، تحت قدرت تقدیر الهی است که بر اساس قانون علیت، به علم، حکمت و اراده خدا منتهی می شود؛ البته این مقدرات بر اساس نظام احسن و مصلحت بندگان و بر طبق شایستگی هایی که افراد کسب می کنند، به صورت متناسب تقدیر شده است.

۳. آیه فوق در صدد بیان این مطلب است که اگر منافقان، خودشان با عقل ناقص برای خویشتن برنامه ریزی می کنند، برای مؤمنان خدای آن ها که مولا و سرپرستی حکیم و مهربان است، برنامه ریزی و تقدیر می نماید.

امام حسین علیه السلام راضی به قضای الهی

هنگامی که امام حسین علیه السلام از «بطن الرّمه» به راه افتاد، عبدالله بن مطیع که از عراق می آمد، او را ملاقات کرد و به حضرت سلام نمود و به ایشان عرض کرد: پدرم فدایت باد ای فرزند رسول خدا! چه چیزی باعث شده که از حرم خدا و حرم جدت خارج شوی؟ حضرت فرمود: کوفیان نامه نوشته اند و از من خواسته اند که به سوی آنها بروم؛ چون آنها امیدوارند که نشانه های حق زنده و بدعت ها نابود شود. ابن مطیع عرض کرد: تو را به خدا به کوفه نیا! سوگند به خدا که اگر به آنجا آیی، تو را حتما خواهند کشت. حضرت تلاوت نمود: (قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا) (۱) سپس خداحافظی کرده و رفت (۲).

تحلیل

آیات قبل (توبه / ۴۹ - ۵۰) به سخنان منافقان اشاره دارد که با بهانه جویی از حضور در جنگ تبوک سرباز می زدند (۳). و خدای متعال در آیه ۵۱ توبه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان پاسخ می دهد که همه چیز به خواست خداست و هر حادثه ای برای ما اتفاق افتد همان چیزی است که خدا مقرر کرده است، امام حسین علیه السلام نیز همان سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را که در آیه ۵۱ توبه آمده بود در جواب عبدالله بن مطیع فرمود، تا اشاره به آن باشد که:

اولاً امام حسین علیه السلام از مرگ ترسی ندارد و خود را برای هرگونه حادثه ای آماده کرده است و راضی به قضای الهی است.

ثانیاً همه امور، خوب و بد بندگان به دست خداست پس اوضاع کوفه و پایان درگیری با یزیدیان نیز با خواست خدا رقم می خورد اگر خدا پیروزی را مقرر کرد به فلاح دنیوی می رسیم و اگر خدا شهادت را مقرر فرمود به فلاح اخروی می رسیم.

ص: ۱۰۰

۱- توبه ۵۱

۲- ابوحنیفه بن داود الدینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۸۵ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۳۴۱.

۳- مجمع البیان، طبرسی، ج ۵، ص ۲۳۲.

ثالثاً امام حسین علیه السلام وظیفه مدار است، و نتایج و عواقب امور را به خدا وامی گذارد و بر او توکل می کند که همه کارها به دست اوست. آری، بعد از الغای خصوصیت از آیه ۵۱ توبه، قیام و افعال امام حسین علیه السلام مصداق آنها بود.

پیام ها

۱- همچون امام حسین علیه السلام وظیفه مدار باشید (نه نتیجه مدار) و بر خدا توکل کنید.

۲- همچون امام حسین علیه السلام راضی به قضای الهی باشید و برای هر حادثه تلخ و شیرین آماده باشید.

۵- تقابل شجاعانه صالحان با مخالفان

اشاره

اَنْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّ كَانَ كَبْرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمَعُوا اَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوا اِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُوْنَ)؛ (یونس/۷۱)؛ «خبر بزرگ نوح را بر آنان بخوان (و پیروی کن)، آن گاه که به مردمش گفت: «ای قوم [من]! اگر جایگاه من و تذکرات من نسبت به آیات خدا بر شما گران است؛ پس (من) تنها بر خدا توکل می کنم. و کار (و فکر)تان و شریک های (معبود)تان را جمع کنید؛ سپس کارتتان بر شما هیچ پوشیده نماند، آن گاه به (حیات) من پایان دهید و [مرا] مهلت مدهید.».

نکته ها و اشاره ها

۱. این آیه نشان می دهد که نوح علیه السلام پیامبر بزرگ الهی، چگونه با یاران اندک خویش، در برابر دشمنان نیرومند، با شجاعت و شهامت می ایستد و با بی اعتنایی به قدرت و بت های مشرکان، ضربه ای روانی به آنان وارد می سازد.

۲. برخی از مفسران قرآن، تعبیرات نوح علیه السلام را نوعی اعجاز دانسته اند که بدون هیچ گونه امکاناتی، دشمن را تهدید می کند و پیروزی خود را نوید می دهد (۱).

۳. نکته جالب آن است که با آن که مخالفان نوح وجود او و آیات الهی را تحمّل نمی کردند، ولی نوح با مهربانی و عاطفه و تعبیر «ای قوم من» با آنان سخن می گوید.

ص: ۱۰۱

(إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ) ؛ (اعراف / ۱۹۶)؛ «به راستی که سرپرست من، خدایی است که کتاب قرآن را فرو فرستاده؛ و او شایستگان را سرپرستی می کند».

نکته ها و اشاره ها

۱. واژه «ولی» در اصل یعنی دو یا چند چیز به طوری به هم نزدیک باشند که بین آنها چیزی فاصله نباشد. این نزدیکی و ولایت ممکن است در خویشاوندی، دین داری، دوستی، یاری کردن و یا سرپرستی و حکومت باشد (۱) که در این جا معنای سرپرست و یاری مناسب تر است.

۲. معبود واقعی کسی است که برنامه ی زندگی و کتابی هم چون قرآن می فرستد و بندگان خویش را سرپرستی و راهبری می کند. آری؛ شایسته کرداری و استفاده از رهنمودهای قرآن، زمینه ساز بهره مندی از ولایت الهی است.

۳. ولایت و حمایت الهی نسبت به شایستگان ادامه خواهد داشت؛ چون «یتولی» فعل مضارع است که دلالت بر استمرار دارد.

تقابل صالحان با مخالفان در کربلا

در روز عاشورا، هنگامی که سپاه ابن سعد حرکت کرد و به لشکر امام حسین علیه السلام نزدیک شد، امام مرکب خویش را خواست و بر آن سوار شد و با صدای بلندی که همه مردم می شنیدند فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِسْمَعُوا قَوْلِي وَلَا تَجْعَلُونِي حَتَّىٰ أَعْظَمَكُم بِمَا لَحِقَ لَكُمْ عَلَيَّ وَحَتَّىٰ أَعْتَذِرَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَقْدَمِي عَلَيْكُمْ، فَإِنْ قَبِلْتُمْ عُذْرِي وَصَدَقْتُمْ قَوْلِي وَأَعْطَيْتُمُونِي النِّصْفَ، كُنْتُمْ بِذَلِكَ أَسْعَدَ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيَّ سَبِيلٌ، وَإِنْ لَمْ تَقْبَلُوا مِنِّي الْعُذْرَ وَلَمْ تَعْطُوا النِّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ (فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ) ۲، (إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ) ۳؛ ای مردم به سخن من گوش فرا دهید و برای پیکار با من، شتاب مکنید، تا اینکه حق اندرز شما را ادا کنم و دلیل این را که به سوی شما آمده ام، بیان کنم؛ اگر عذر و دلیل را پذیرفتید و سخن مرا درست

ص: ۱۰۲

دیدید و با من با انصاف، به سعادت خواهید رسید و دیگر بر من راهی ندارید، (و نباید در مقابل من موضع گیرید) و اگر عذر مرا نپذیرفتید و با من از در انصاف نیامدید، پس کار (فکرتان) و شریک های (معبود) تان را جمع کنید و (آن چنان که) هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (بلکه با نهایت روشنی درباره من تصمیم بگیرید). آنگاه به حیات من پایان داده و مرا مهلت ندهید. به راستی که سرپرست من خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همو شایستگان را سرپرستی می کند.

حضرت همچنین در این محاجه، به معرفی خویش و نسبت خود با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، جعفر علیه السلام و حمزه علیه السلام و توصیه های پیامبر درباره امام حسن علیه السلام و خودش و مطالبی دیگر پرداخت (۱).

تحلیل

امام حسین علیه السلام همچون نوح علیه السلام با شجاعت در مقابل مخالفان ایستاد. ولی در همان حال آنان را به انصاف فراخواند که سخنان او را بشنوند سپس تصمیم بگیرند. از این رو آیه ۷۱، سوره یونس را تلاوت کرد. امام حسین علیه السلام سپاه دشمن را در جایگاه کافران و خود را در جایگاه نوح علیه السلام قرار داد؛ چرا که راه امام حسین علیه السلام ادامه راه انبیاء الهی است و مخالفت در برابر امام موجب خروج از دین و کفر است.

و نیز امام حسین علیه السلام با تلاوت آیه ۱۹۶/ اعراف تقابل با اهل بیت علیهم السلام با دشمنان را تقابل صالحان با کافران معرفی کرد. و یادآور شد که همانطور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این آیه فرموده، خدا سرپرست و ولی شایستگان است و کارهای آنها را سامان می دهد و آن حضرت نگرانی ندارند.

ص: ۱۰۳

۱- (۱). محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۲۴؛ علی بن ابی الکریم ابن اثیر جریزی، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۱۹ - ۴۱۸؛ محمد بن محمد بن نعمان المفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۷؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۴۱؛ لوط بن یحیی الازدی (ابومخنف)، وقعه الطف، ص ۲۰۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶ - ۷؛ (در این سه منبع با اختلاف جزئی)؛ عبدالله البحرانی الاصفهانی، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۵۰؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۶۰۲ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۴۲۰ - ۴۱۸.

۱- رهبران الهی (همچون نوح علیه السلام و حسین علیه السلام) در مقابل دشمن شجاعانه ایستادند.

۲- همچون امام حسین علیه السلام و سپاهش صالح باشید که خدا سرپرست شایستگان است.

۳- اگر در مقابل کسی صف آرای کردید سخن او را بشنوید و با انصاف داوری کنید (که پشیمان نشوید).

۶- ماجرای امام حسین علیه السلام از آیات عجیب الهی

کَهْف / ۹-۱۳. (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِتْرِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمِيدًا نَحْنُ نَفُصُّ عَلَيْكَ بَتَأْتُهُم بِالْحَقِّ إِنْهُمْ فَتِيَّةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاَهُمْ هُدًى) ؛ «آیا پنداشتی که «اصحاب کَهف و رقیم» (یاران غار و صاحبان نوشته)، از نشانه‌های (معجزه آسای) شگفت آور ما بودند؟! هنگامی که جوانمردان به سوی غار پناه بردند و گفتند: «ای] پروردگار ما! از نزد خود رحمتی به ما عطا کن و از کار ما برای ما راهبردی فراهم ساز» پس در غار، سالیانی چند بر گوش هایشان (پرده خواب) زدیم. سپس آنان را (از خواب) برانگیختیم تا معلوم داریم که کدام یک از آن دو گروه، فاصله [زمانی] درنگشان را حساب کرده اند ما خبر بزرگ آنان را به درستی برای تو حکایت می کنیم؛ در واقع، آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و (ما) بر هدایتشان افزودیم».

شأن نزول

روایت شده که قریش دو نفر را برای تحقیق درباره ادعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه نزد احبار (دانشمندان) یهود فرستادند تا ببینند در کتاب های آسمانی در مورد نبوت او چیزی نوشته شده است یا نه؟

دانشمندان یهود مدینه به فرستادگان قریش آموختند که چند پرسش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بکنند. آن ها گفتند: نخست از او در مورد داستان جوانانی پرسید که در گذشته دور از قوم خود جدا شدند؛ دوم در مورد داستان مردی پرسید که زمین را دور زد و به شرق و غرب جهان رسید و سوم از زمان وقوع رستاخیز پرسید. (۱)

ص: ۱۰۴

۱- (۱). در مورد اصحاب کَهف، ذوالقرنین و روح سه پرسش روایت شده است (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۵۳؛ نمونه بینات، ص ۵۱۷ و بحارالانوار، ج ۷، ص ۶۲ و ج ۱۴، ص ۴۲۲).

سپس اضافه کردند که اگر او پرسش های نخست را پاسخ داد و به پرسش آخر پاسخ نداد پیامبر است و گرنه دروغ گوست.

مشرکان به مکه بازگشتند و پرسش ها را با پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کردند و پس از مدتی این آیات سوره کهف فرود آمد و سرگذشت اصحاب کهف، ذُو القرنین را بیان کرد. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات سرگذشت اصحاب کهف بیان شده که جوان مردانی مؤمن و باهوش، در جامعه ای فاسد و شرک آلود بودند و پادشاهی به نام دقیانوس داشتند. آن ها به خاطر حفظ پاکی و روح توحیدی خویش علیه طاغوت زمان قیام کردند و از شهر خارج شدند و به غاری پناه بردند و مدت زیادی در خواب ماندند و سپس بیدار شدند و یکی از نشانه های (اعجاز آمیز) الهی برای جهانیان به نمایش گذاشته شد.

۲. «اصحاب کَهْف» به معنای یاران غار است، و آن جوان مردان را بدان سبب با این نام نامیدند که برای نجات جان و عقاید خود به غاری پناه بردند. (۲)

۳. «رَقِیم» در اصل از ماده «رَقَم» به معنای نوشتن، نام دیگر اصحاب کهف است (۳) و از آن جهت بدین نام نامیده شدند که نام آن جوان مردان را بر لوحی نوشتند و بر در غار نصب کردند (۴).

۴. واژه «رَقِیم» جمع فتمی، در اصل به معنای «نوجوان شاداب» است، ولی گاهی به افراد کهن سالی که روح جوان و شاداب دارند، نیز گفته می شود. این واژه در فارسی معادل «جوان مرد» است که با نوعی مدح به خاطر صفات شهامت، جوان مردی و تسلیم در برابر حق، همراه است. (۵)

ص: ۱۰۵

۱- (۱). تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۲- (۲). روایت شده که این غار نزدیک شهر افسوس (در نزدیکی شهر ازمیر ترکیه) و یا در نزدیکی عمان پایتخت اردن بوده است (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۰۰).

۳- (۳). برخی احتمال داده اند که «رقیم» گروه دیگری غیر از اصحاب کهف بوده اند؛ ولی این با ظاهر آیه سازگار نیست (تفسیر نمونه، همان).

۴- (۴). برخی مفسران نیز «رقیم» را نام کوه یا سرزمینی می دانند که غار در آن جا واقع شده است و یا نام شهری که اصحاب کهف از آن جا بیرون آمدند (همان، ص ۳۵۵).

۵- (۵). همان، ص ۳۵۷.

و در احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که اصحاب کهف مردان کهن سال یا میان سال بودند ولی جوانمرد نامیده شدند. (سپس اضافه کردند) هر کس به خدا ایمان بیاورد و خودنگه داری و پارسایی نماید، جوان مرد است (۱).

۵. تعبیرات این آیات نشان می دهد که اصحاب کهف، جوان مردانی بودند که دست خود را از همه جا کوتاه می دیدند و تنها به رحمت خدا امیدوار بودند. آنان به غار پناه بردند و آن جا را محیط امن و آرامی یافتند که از مفساد محیط دور بود.

۶. روش قصه گویی قرآن این گونه است که نخست مطلب را به صورت سربسته و کوتاه بیان می کند، سپس آن را شرح می دهد. این روش در اشتیاق آفرینی و تربیت مخاطب مؤثرتر است.

۷. قصه های قرآن، بر حق است؛ یعنی مطالبی درست، دور از خرافات، و مطابق واقع و حقیقت است.

۸. اصحاب کهف، در عصر و محیطی زندگی می کردند که کفر و بت پرستی و حکومت طاغوت حاکم بود؛ حکومتی که حافظ جهل، شرک و جنایت بود؛ اما جوانمردان اصحاب کهف به فساد آیین مردم پی بردند و تصمیم به قیام گرفتند و در میان مردم و در برابر پادشاه جبار یعنی دقیانوس ایستادند و ندای توحید سر دادند.

۹. بین ایمان و امدادهای الهی و هدایت او رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی اگر گروهی با اخلاص ایمان آورند، خدا بر ایمان و هدایت آن ها می افزاید و دل های آن ها را محکم می سازد و نیرو می بخشد و به راه های هدایت خویش هدایت می کند. ۲ این نهایت لطف خدا به بندگان خویش است.

۱۰. در این آیه به خواب طولانی اصحاب کهف اشاره شده و در آیه ی بیست و پنجم بیان شده که جوان مردان اصحاب کهف، سیصد و نه سال در آن غار ماندند و پس از خوابی طولانی به فرمان الهی بیدار شدند و به زندگی بازگشتند.

ص: ۱۰۶

۱- (۱). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ کافی، ج ۸، ص ۳۹۵؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۲۸ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۴۴ -

۱۱. خواب اصحاب کهف آن قدر طولانی شد که برای بیداری آنان تعبیر «برانگیختن» به کار رفت. گویی خواب آنان هم چون مرگ و بیداری آنان هم چون رستاخیز بود.

۱۲. جمله ی «پرده بر گوش آنان زدیم.» در لغت عرب، کنایه ی لطیفی از «خواباندن» است؛ یعنی گویی پرده ی خواب بر گوش شخص افکنده می شود تا سخنی را نشنود. (۱)

۱۳. مقصود از «لَنَعْلَمَ» آن نیست که خدا می خواسته دانش تازه ای کسب کند، بلکه آن است که تا معلوم شود و محقق گردد که کدام یک از آن دو گروه خوابشان را بهتر حساب می کنند. (۲)

۱۴. در این آیه به دو گروه اصحاب کهف اشاره شده که پس از بیداری با هم دیگر در مورد مدت خوابشان اختلاف نظر داشتند. برخی آن را یک روز و برخی نیم روز می دانستند، در حالی که سالیان درازی خوابیده بودند. (۳)

۱۵. در این آیه اشاره شده که در نشانه ها و آیات خدا عجیب تر از سرگذشت اصحاب کهف نیز وجود دارد. مثل سرگذشت امام حسین علیه السلام که در احادیث نقل شده: سر مقدس امام حسین علیه السلام آیه فوق را قرائت کرد و یا فرمود: عجیب تر از اصحاب کهف ماجرای کشتن من و حمل سر من است. آری افرادی مثل زید بن ارقم که این مطالب را از سر مقدس امام حسین علیه السلام شنیدند تعجب کردند.

«عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: أَنَا وَاللَّهِ رَأَيْتُ رَأْسَ الْحُسَيْنِ حِينَ حُمِلَ وَ أَنَا بَعْدَ مَشَقِّ وَبَيْنَ يَدَيْهِ رَجُلٌ يَقْرَأُ الْكُهْفَ حَتَّى بَلَغَ قَوْلَهُ: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ أَصْحَابَ الْكُهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا) ۴ فَأَنْطَقَ اللَّهُ الرَّأْسَ بِلِسَانٍ ذَرَبٍ ذَلِقٍ فَقَالَ: أَعْجَبٌ مِنْ أَصْحَابِ الْكُهْفِ قَتْلِي وَ حُمْلِي. (۴)

قَالَ الْمُفِيدُ: وَلَمَّا أَصْبَحَ عَبِيدُ اللَّهِ بَنُ زِيَادٍ، بَعَثَ بِرَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَدِيرَ بِهِ فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ وَقَبَائِلَهَا فَرَوَى عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ أَنَّهُ مَرَّ بِهِ عَلَى وَهُوَ عَلَى رُمْحٍ وَأَنَا فِي غُرْفِهِ لِي فَلَمَّا

ص: ۱۰۷

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

۲- (۲). همان، ص ۳۵۸.

۳- (۳). همان.

۴- (۵). الخرائج، ج ۱، ص ۵۵۷؛ البحار، ج ۴۵، ص ۱۸۸، ح ۳۲؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۱۵ و کنزالدقائق، ج ۸، ص ۳۴.

حَادَانِي سَمِعْتُهُ يَقْرَأُ (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا) فَقَفَّ وَاللَّهِ شِعْرِي عَلَيَّ وَ نَادَيْتُ رَأْسَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَعْجَبٌ وَ أَعْجَبُ! (١)

وَرَوَى أَبُو مَخْنَفٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ أَنَّهُ صُلبَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالصَّيَارِفِ فِي الْكُوفَةِ فَتَنَحَّحَ الرَّأْسُ وَقَرَأَ سُورَةَ الْكَهْفِ إِلَى قَوْلِهِ: (إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى) ٢ فَلَمْ يَزِدْهُمْ ذَلِكَ إِلَّا ضَلَالًا. (٢)

تحليل

در این احادیث ماجرای امام حسین علیه السلام را یکی از مصادیق آیات عجیب الهی می شمارد. آری امام حسین علیه السلام و اصحاب کهف از چند جهت شباهت داشت و عجیب بود:

۱- هر دو گروه افرادی مؤمن و پاک بودند.

۲- هر دو گروه علیه طاغوت زمان قیام کردند.

۳- هر دو گروه هجرت کردند. لیکن ماجرای امام حسین علیه السلام عجیب تر بود چرا که اصحاب کهف به غاری پناه بردند و از شر طاغوت نجات یافتند اما امام حسین علیه السلام به مصاف طاغوتیان رفت و تا پای جان ایستاد و شهید شد.

نکته دیگر در مورد احادیث فوق آن است که این احادیث قرآن خواندن اعجاز آمیز سر مقدس امام حسین علیه السلام را بیان می کند که خود چیزی اعجاب آور است.

پیام ها

۱- ماجرای نهضت عاشورا از آیات عجیب الهی است. (با دقت بدان توجه کنید)

۲- ماجرای امام حسین علیه السلام و اصحاب کهف را مقایسه کنید. (و درس های عبرت آموز بگیرید)

۷- بی نیازی از یاری گمراهان

اشاره

(ما أَشْهَدُتَهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَ مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا) ؛ (کهف / ۵۱)؛ «و (یاد کن) روزی را که (خدا) می گوید: «کسانی را که شریکان من می پنداشتید، ندا دهید.» پس آنها را می خوانند، و (لی آنان دعوت) آنها را نمی پذیرند و میانشان هلاکت گاهی قرار دادیم».

- ١- (١) . الإرشاد، ج ٢، ص ١١٧؛ كشف الغمّه، ج ٢، ص ٦٧؛ البحار، ج ٤٥، ص ١٢١، ح ١ و كنزالدقائق، ج ٨، ص ٣٤.
- ٢- (٣) . المناقب، ج ٤، ص ٦١؛ البحار، ج ٤٥، ص ٣٠٤، ح ٣ و نورالثقلين، ج ٣، ص ٢٤٣، ح ١٦.

۱. این آیه دلیل دیگری بر بی لیاقتی ابلیس و فرزندانش است؛ یعنی اگر شما می خواهید کسی را به عنوان دوست و سرپرست خویش برگزینید، به سراغ کسانی بروید که از اسرار آفرینش خود و جهان آگاه باشند و گمراه کننده نباشند؛ در حالی که ابلیس و فرزندانش ناآگاه اند و از اسرار آفرینش جهان و خود بی خبرند، پس گمراه کننده اند و نمی توانند سرپرست و رهبر و دوست خوبی برای شما باشند.

۲. در این آیه بیان شده که خدا دستیاران گمراه کننده انتخاب نمی کند، ولی اصولاً خدا نیاز به یار کمک کننده ندارد.

پس این آیه آموزه ای برای رهبران الهی و همه ماست که در کارها از افراد پاک، نیک و هدایتگر کمک بخواهیم و به سراغ افراد گمراه کننده نرویم که نه تنها کمکی به ما نمی کنند، بلکه عامل انواع انحرافات و مشکلات و ناکامی ها می شوند و برنامه ها را تباہ می کنند.

بی نیازی امام حسین علیه السلام از یاری افراد گمراه گر

۳. در روایات تاریخی کربلا روایت شده که هنگامی که امام حسین علیه السلام «عُبیداللَّه بن حُرَّ» را به یاری فرا خواند، او پذیرفت و شمشیر و اسبش را تقدیم امام علیه السلام کرد، اما حضرت پذیرفت و آیه فوق را تلاوت کرد که «ما گمراهان را به عنوان دستیار نمی گیریم.» (۱)

تحلیل

استشهاد امام حسین علیه السلام به این آیه در جریان فوق نشان می دهد که در حمایت از جریان حق نباید از امکانات افراد گمراه گر استفاده کرد. همان طور که خداوند متعال افراد گمراه گر را به یآوری خویش انتخاب نمی کند.

در ماجرای کربلا می بینیم که یاران امام حسین علیه السلام از بهترین، هدایت یافته ترین، با فضیلت ترین و با بصیرت ترین افراد روزگار خویش بودند.

در ضمن این جریان نشان می دهد که کسانی که اموال خود را می دهند ولی از بذل جان در راه خدا دریغ می کنند گمراهند، چرا که آنان بصیرت ندارند که رستگاری شهادت

ص: ۱۰۹

در راه خدا را درک کنند؛ بلکه با دادن اموال خویش می خواهند خود را تبرئه کنند و دیگران را گمراه سازند.

پیام ها

۱- افراد گمراه گر (بدون بصیرت) لیاقت یاری حسین زمان را ندارند.

۲- گمراه کنندگان را یاور و دستیار خویش نگیرید (و حتی از امکانات آنها در راه حق استفاده نکنید).

۸- روز انتقام از ستمکاران

شعراء / ۲۲۴ - ۲۲۷. (وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَأَهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)؛ «و (پیامبر شاعر نیست؛ زیرا) شاعران، گمراهان از آنان پیروی می کنند. آیا نظر نکرده ای که آنان در هر سرزمینی سرگردان اند؟ و این که آنان آنچه را که انجام نمی دهند، می گویند؟! مگر کسانی که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده و خدا را بسیار یاد کردند و بعد از ستم دیدگی، (از شعرخود) یاری جستند (و دفاع کردند)؛ و کسانی که ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مشرکان مخالف اسلام، بارها پیامبر صلی الله علیه و آله را شاعر خواندند (۱) (و قرآن را کتاب شعر دانستند)؛ چون قرآن آهنگی دل نشین داشت و تأثیر فوق العاده ای در دل های مردم برجای می گذاشت.

ولی به هر حال قرآن شباهتی به شعر نداشت (۲) و پیامبر صلی الله علیه و آله هم شاعر نبود.

۲. شاعران غیر متعهدی که در محیط جاهلی جزیره العرب زندگی می کردند، افرادی پندارگرا، بی بند و بار و اهل می خوارگی و عیش و نوش بودند؛ از این رو قرآن آنان را

ص: ۱۱۰

۱- (۱). ر.ک: انبیاء / ۵ و صافات / ۳۶.

۲- (۲). (وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَتَّبِعِي لَهُ) (یس / ۶۹).

سرزنش کرده و آنان را افراد بی هدفی معرفی می کند که به سخنان خود عمل نمی کنند و گمراهان از آنان پیروی می کنند.

۳. سه تفاوت اساسی بین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با شاعران غیر متعهد وجود داشت:

الف) شاعران غیر متعهد بی هدف و سرگردان بودند، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله اهدافی عالی هم چون توحید و عدالت داشت.

ب) شاعران غیر متعهد به آنچه می سرودند عمل نمی کردند و اگر در مورد فضایل انسانی و اخلاقی سخن می گفتند اهل عمل به آن ها نبودند، در حالی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اهل عمل به سخنان خود بود.

ج) از آن جا که شاعران غیر متعهد گمراه و گمراه کننده بودند، پیروان آنان نیز ره گم گردگان بودند اما پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ره یافتگان بودند، چون خود پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت یافته و هدایتگر بود.

۴. قرآن کریم در این آیات شاعران جهان را به دو گروه متعهد و غیر متعهد تقسیم کرده و صفات شاعران متعهد را این گونه برشمرده است:

الف) خدا را باور دارند؛

ب) شایسته کردارند؛

ج) با اشعارشان خود و مردم را به یاد خدا می اندازند؛

د) با شمشیر زبان به جنگ ستمکاران می روند و با اشعار خود حامی مظلومان هستند.

۵. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

برخی از اشعار حکمت اند و پاره ای از سخنان، سحرآمیزند. (۱)

و نیز روایت شده هنگامی که یکی از شاعران مدافع اسلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شعر پرسید، حضرت فرمودند:

مؤمن با جان و شمشیر و زبانش در راه خدا جهاد می کند. (۲)

ص: ۱۱۱

۱- (۱). «انّ من الشعر لحکمه وان من البیان لسحراً» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۶۱۹؛ تحف العقول، ص ۵۵ و الغدیر، ج ۲، ص ۹).

۲- (۲). تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۵۳ و تفسیر مراغی، ج ۱۹، ص ۱۱۶.

و از امام علی علیه السلام روایت شده که در مورد معیار کار شاعران فرمودند:

بدانید که معیار کار شما دین است و تقوا شما را حفظ می کند و زینت شما ادب است و دژهای محکم آبروی شما، بردباری است. (۱)

و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

هر کس در مورد ما بیت شعری بگوید، خدا برای او در بهشت خانه ای بنا می کند. (۲)

و در حدیث دیگری فرمودند:

هیچ شاعری در مورد ما شعری نمی گوید تا این که به وسیله روح القدس (روح پاک) تأیید شود. (۳)

۶. در این آیات اشاره شد که شاعران متعهد بسیار به یاد خدا هستند، آنان خود اهل ذکرند و با شعرهای خود مردم را به یاد خدا می اندازند؛ یعنی اشعار آنان هدف دار است و مردم را از یاد حق غافل نمی سازد.

۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از «ذکر کثیر» تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است (۴) (که مشتمل بر ۳۴ الله اکبر و ۳۳ الحمد لله و ۳۳ سبحان الله است).

البته این حدیث یکی از بهترین مصادیق ذکر کثیر را بیان می کند، و گرنه یاد خدا و ذکر او منحصر در همین مورد نیست.

از این رو همان امام علیه السلام در حدیث دیگری فرمودند:

مقصود (از ذکر کثیر) یاد کردن خداست به هنگامی که انسان با حلال و حرام مواجه می شود، تا آن را اگر اطاعت خداست انجام دهد و اگر گناه است ترک گوید. (۵)

۸. آیه اخیر به ستمکاران هشدار داده که به زودی نتیجه اعمال ستمکارانه خود را می بینند و راهی دوزخ می شوند.

ص: ۱۱۲

۱- (۱). شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۱۵۳ و بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۴۶.

۲- (۲). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷؛ بشاره المصطفی، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۱ و تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۶.

۳- (۳). عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان جا؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۷ و بحار الانوار، همان جا.

۴- (۴). کافی، ج ۲، ص ۵۰۰؛ معانی الاخبار، ص ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۳۱ و تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۷.

۵- (۵). کافی، ج ۲، ص ۸۰؛ امالی شیخ طوسی، ص ۶۶۵؛ عده الداعی، ص ۳۰۲ و بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۰۴.

آری؛ ستم کار رها نمی شود و خدا دادستان مظلومان خواهد بود.

ستاننده دادِ آن کس خداست که نتواند از پادشه دادخواست

(سعدی)

۹. در تاریخ نقل شده که در یکی از منزل گاه ها سر مقدس امام حسین علیه السلام بخش اخیر آیه «کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت» را قرائت کرد.

« وَ فِي أَثَرِ أَنَّهُمْ لَمَّا صَلَبُوا رَأْسَهُ عَلَى الشَّجَرِ سَمِعَ مِنْهُ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ » . (۱)

البته در برخی احادیث نیز با ذکر آیه فوق به ظهور امام مهدی علیه السلام و انتقام از مخالفان اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است. (۲)

تحلیل

قرائت این آیه توسط سر مقدس امام حسین علیه السلام اشاره به آن است که ستمکاران یزیدی به زودی سزای اعمالشان را خواهند دید. و بعد از واقعه کربلا همین گونه شد یعنی با قیام توابین، مختار و ... حکومت بنی امیه در هم پیچیده شد.

پس این روایت تاریخی و قرائت آیه توسط سر مقدس امام حسین علیه السلام به یکی از مصادیق بارز آیه اشاره دارد. هر چند که آیه یک اصل کلی را در مورد ستمکاران بیان می کند.

پیام ها

۱- ستمکاران به امام حسین علیه السلام در انتظار روز انتقام باشند.

۲- امام حسین علیه السلام مظلومی است که باید از او دفاع کرد.

۹- هجرت موسی وار از مدینه به مکه:

قصص / ۲۰-۲۲. (وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَشْعِي قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَا تُمْرُونَ بِكَ لَيَقْتُلُونَكَ فَأَخْرِجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ)؛ «و مردی با کوشش از

ص: ۱۱۳

دورترین (نقطه) شهر آمد [و] گفت: «ای موسی! در واقع، اشراف درمورد تو نظرخواهی می کنند تا تو را بکشند؛ پس، (از شهر) خارج شو؛ [چرا] که من از خیرخواهان توام.» و (موسی) از آن (شهر) خارج شد، در حالی که ترسان [و] منتظر (حادثه) بود، گفت: «پروردگارا! مرا از گروه ستمکاران نجات بخش.» و هنگامی که به سوی مِیْدین روی نهاد، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه درست راه نمایی کند».

اشارات و نکات:

۱. خبر درگیری های سبطیان با قبطیان و دخالت موسی و کشته شدن فرد قبطی به کاخ فرعون رسید و اشراف و بزرگان به مشورت پرداختند و تصمیم گرفتند که موسی را ترور کنند و باکشتن او برای همیشه از دستش خلاص شوند و درس عبرتی نیز به بنی اسرائیل بدهند.

۲. مردی از نقطه دوردست با عجله و تلاش آمد و خبر توطئه ترور موسی را به او داد.

نام این مرد در این آیه مشخص نشده، اما مفسران نوشته اند که او یکی از خویشاوندان فرعون به نام «حزقیل» بوده که از اسرار فرعونیان اطلاع داشت اما طرف دار موسی بود و با خبر او موسی نجات یافت. این مرد، دیده بان حق در بین فرعونیان شد و در مراحل مختلف یاور موسی در انقلاب گردید. (۱)

۳. در آیات هیجدهم و بیست و یکم سوره قصص دو بار بیان شده که موسی ترسان و منتظر بود. این آیات حالات طبیعی انسان را در موقع خطر نشان می دهد و از آن استفاده می شود که ترس طبیعی نکوهیده نیست؛ چرا که این ترس در اختیار انسان نیست، و لی در همان حال لازم است که انسان منتظر حوادث و اخبار باشد و هوشیاری خود را حفظ کند.

۴. موسی در هنگام خطر به خدا پناه برد و از او خواست که وی را از چنگ ستمکاران فرعون نجات دهد. آری؛ همان خدایی که او را در کودکی حمایت کرده و نجات داده بود اکنون نیز که جان موسی به خاطر حمایت از مظلومان به خطر افتاده بود، می توانست او را نجات دهد.

ص: ۱۱۴

۵. موسی براساس گزارش های رسیده و جوّ عمومی که در درگیری دوّم دید، برجان خود ترسید و فهمید اگر در شهر بماند، بدون نتیجه کشته می شود؛ بنابراین، تصمیم گرفت از شهر خارج شود و به سوی مَدین برود، تا پس از تجدید قوا و در شرایط مناسبی با فرعونیان ستمکار مبارزه کند.

۶. موسی برای حفظ جان خود تلاش کرد و از شهر خارج شد و نیز از خدا کمک و نجات خواست و به او امید داشت؛ یعنی به همه جنبه های کار توجه داشت.

۷. «مَدین» نام شهری در شرق خلیج عقبه (درشمال حجاز و جنوب شامات) بود و مردم آن سرزمین از فرزندان ابراهیم علیه السلام بودند (۱) و با مصر و لبنان و فلسطین تجارت می کردند. این شهر در عصر ما «مَعان» خوانده می شود.

خواندن آیات هنگام خروج از مدینه و ورود به مکه

امام حسین علیه السلام شب یکشنبه ۲۸ رجب سال ۶۰ قمری از مدینه خارج شد و در سوم شعبان همان سال به مکه رسید.

در برخی روایات تاریخی آمده است که امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مدینه به سوی مکه آیه ۲۱ سوره قصص و در هنگام ورود به مکه آیه ۲۲ سوره قصص را قرائت می کردند. ولی در هنگام هجرت از مدینه به مکه ترسان نبودند چرا که به امام حسین علیه السلام توصیه شد مثل ابن زبیر از راه های فرعی به مکه برود تا از دسترس مأموران حکومت یزید در امان باشد. حضرت قبول نکرد و از راه اصلی رفت و قسم خورد که من از راه اصلی جدا نمی شوم تا مقدرات الهی فرا رسد.

«فَسَارَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَكَّةَ وَهُوَ يَقْرَأُ: (فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) وَلَزِمَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ فَقَالَ لَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ: لَوْ تَنَكَّبْتَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْظَمِ كَمَا فَعَلَ ابْنُ الزُّبَيْرِ لَنَلَّا يَلْحَقَكَ الطَّلَبُ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُهُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ مَا هُوَ قَاضٍ. وَلَمَّا دَخَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكَّةَ كَانَ دُخُولُهُ إِيَّاهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثِ مَضِينَ مِنْ شَعْبَانَ دَخَلَهَا وَهُوَ يَقْرَأُ: (وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدِينٍ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ)». (۲)

ص: ۱۱۵

۱- (۱). برخی آنان را فرزند اسماعیل و برخی فرزند مدین از نسل ابراهیم می دانند. البته برخی مفسران نیز اسم «مدین» را نام مردمی می دانند که بین خلیج عقبه تا کوه سینا زندگی می کرده اند (اعلام قرآن، ص ۵۷۳ و روح المعانی، ج ۲۰، ص ۵۱).

۲- (۲). الارشاد، ج ۲، ص ۳۵، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۲۰، و نحوه فی المناقب، ج ۴، ص ۸۹ و اعلام الوری، ص ۲۲۳.

خواندن آیه اول هنگام خروج از مدینه می تواند این اشاره را داشته باشد که حکومت یزید همچون حکومت فرعون است که جان رهبران الهی را به خطر می اندازد و امام حسین علیه السلام برای نجات جان خویش و جلوگیری از کشته شدن بدون فایده، لازم است هجرت کند، هجرتی موسی وار تا موقتاً از دست ستمکاران نجات یابد. در ضمن خواندن آیه اشاره به آن است که من به خواست خودم هجرت نمی کنم بلکه تحت فشار حکومت هستم و خواندن آیه دوم در هنگام ورود به مکه می تواند این اشاره را داشته باشد که پناه بردن به کعبه و مکه زمینه ساز هدایت به راه صحیح و آمادگی مجدد برای مبارزه با فرعون زمان است.

آری، هجرت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه بعد از الغاء خصوصیت، مصداق آیه ۲۱ و ۲۲ سوره قصص بود.

پیام ها

۱- در هنگام مواجهه با حکومت های فرعون، اگر قادر به مقابله فوری و مفید نیستید (همچون امام حسین علیه السلام) هجرت موسی وار کنید.

۲- هجرت امام حسین علیه السلام هم چون هجرت موسی علیه السلام بود که تحت فشار حکومت و برای مبارزه با آن بود.

۳- از سرنوشت پیامبران پیشین و امام حسین علیه السلام درس مبارزه بگیرید.

۱۰- شهیدان وفادار و مردان منتظر

احزاب/ ۲۳- (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)؛ «از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر (اساس) آن پیمان بسته اند، صادقانه (وفا) کرده اند؛ و از آنان کسی است که پیمانش را به پایان رسانده (و به شهادت رسیده)؛ و از آنان کسی است که منتظر است و هیچ تغییری (در پیمان خود) نداده است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه واکنش مؤمنان در برابر جنگ سخت احزاب به تصویر کشیده شده است؛ مردانی که با دیدن سپاه بزرگ دشمن ایمانشان افزوده می گردد و در برابر خدا و

پیامبر تسلیم اند و به فرمان آنان به میدان می روند و یکی پس از دیگری جان فدای دوست می کنند و برخی نیز منتظرند و زبان حالشان آن است که:

رفیقان می روند نوبت به نوبت خوش آن روزی که نوبت بر من آید

۲. در این آیه از دو گروه مؤمنان سخن گفته شده است؛ یعنی شهیدان که به وعده خود وفا کردند و مؤمنان استوار و منتظر که بر سر عهد خود هستند.

تا عهد تو در بستیم عهد همه بشکستیم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان ها

هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله قربان ها

هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو باید که سپر باشد پیش همه پیکان ها

(سعدی)

۳- در احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

این آیه در باره ما نازل شده است، (و قبلاً مردانی هم چون حمزه از ما شهید شدند) و به خدا سوگند من انتظار (شهادت) می کشم. (۱)

و از ابن عباس روایت شده که مقصود آیه، «حمزه سید الشهداء» و شهیدان احد و انس بن نضر و یاران اوست (۲) (که انس به جنگ بدر نرسید و پیمان بست که در جنگ بعدی شرکت کند و در جنگ احد فرار نکرد و مجروح و در نهایت شهید شد).

روشن است که این آیه معنای وسیعی دارد و تمام مؤمنان مجاهد و شهیدان راه اسلام را در برمی گیرد که افرادی هم چون حمزه و امام علی علیه السلام در رأس آنان هستند.

خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی

(حافظ)

ص: ۱۱۷

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۰ و شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵.

۲- (۲). شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۶؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۱۵۹؛ نمونه بینات، ص ۶۲۸ و شأن نزول آیات، ص ۴۴۶.

۴- و در روایات عاشورا آمده است که امام حسین علیه السلام در هنگام خداحافظی با یارانش می فرمود: ما نیز پشت سر شما می آییم و آیه فوق را تلاوت می کرد و نیز بر سر جنازه برخی شهیدان این آیه را قرائت کرد.

الف: فجعل الحسين عليه السلام زهير بن القين على اليمينه وحبيب بن مظاهر في اليسره واعطى رايته العباس بن علي عليه السلام . و كان كل من أراد الخروج و دَع الحسين و قال:السلام عليك يا ابن رسول الله فيجيبه و عليك السلام و نحن خلفك و يقرأ: (فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ) . (۱) - (۲)

ب: ثم حمل عمرو بن الحجاج في أصحابه على الحسين عليه السلام من نحو الفرات فاضطربوا ساعة فصرع مسلم بن عوسجه الأسدي رحمه الله وانصرف عمور و اصحابه وانقطعت الغبره فوجدوا مسلماً صريعاً فمشى إليه الحسين عليه السلام فإذا به رمق فقال: رحمك الله يا مسلم (فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلاً) . (۳) - (۴)

تحليل

آیه فوق در مورد جنگ احزاب است ولی یک اصل کلی را در مورد مؤمنان مجاهد بیان می کند که برخی به عهد خود وفا کرده و شهید می شوند و برخی منتظر هستند.

بر اساس احادیث فوق امام حسین علیه السلام این اصل کلی آیه را بر یاران خویش تطبیق می کرد و مصادیق جدید آیه را معرفی می کرد که برخی شهید شده و برخی منتظر میدان بودند.

پیام ها

۱- پیروان امام حسین علیه السلام گروهی شهید شدند و گروهی منتظر و استوارند (شما نیز اینگونه باشید).

۲- حسینی بودن توأم با شهادت یا انتظار شهادت است.

ص: ۱۱۸

۱- (۱) . احزاب / ۲۳ .

۲- (۲) . المناقب، ج ۴، ص ۱۰۰ و نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۵۷ .

۳- (۳) . احزاب / ۲۳ .

۴- (۴) . الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰۳، الاقبال، ص ۵۷۵، نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۵۹، ح ۵۵ .

غافر / ۷۰-۷۱. (الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ) ؛ «همان) کسانی که کتاب (الهی) و آنچه فرستادگانمان را بدان فرستاده ایم دروغ انگاشتند؛ پس در آینده خواهند دانست؛ هنگامی که غل ها و زنجیرها در گردن های آنان قرار گرفته، در حالی که آنان در آب سوزان کشیده می شوند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات به گفت و گوهای باطل و بدون دلیل کافران اشاره شده است؛ همان کسانی که با لجاجت و تعصب به بحث و ستیز در مورد نشانه های خدا و کتاب های آسمانی و معجزات پیامبران می پردازند و به دنبال حق جویی نیستند، بلکه در پی تکذیب آن ها هستند و از حق باز می مانند.

۲. کافران مجادله گر و تکذیب گر، گرفتار انواع عذاب های دوزخ می شوند، که متناسب با اعمال آن ها در دنیاست.

- با غل و زنجیر بسته می شوند، همان طور که در دنیا در زنجیرهای تقلید و تعصب بودند.

- به جانب آب سوزان کشیده می شوند، همان طور که آیات الهی را انکار می کردند.

۳- در برخی روایات تاریخی نقل شده که سرمقدس امام حسین علیه السلام بخشی از آیه ۷۰ و کل آیه ۷۱ سوره غافر را خطاب به کسی خواند که می خواست سر حضرت را از دست یزیدیان بر باید و نجات دهد، و فرمود: تو چنین کاری نکن، اینان خون مرا بر زمین می ریختند که گناه آن نزد خدا بزرگ تر بود از این که سر مرا در (شهرها) بگردانند.

« وأخبرني أبو الحسن محمد بن هارون، عن أبيه، عن أبي علي محمد بن همام، قال: أخبرنا جعفر بن محمد بن مالك، قال: حدثنا أحمد بن الحسين الهاشمي - قدم علينا من مصر - قال حدثني القاسم بن منصور الهمداني بدمشق عن عبد الله بن محمد التميمي، عن سعد بن أبي خيران، عن الحرث بن وكيدة، قال: كنت فمّن حمل رأس الحسين عليه السلام فسمعتة يقرأ: (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا) إلى قوله (إِنَّهُمْ فَتِيَّةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى) ۱ فلم يزد هم ذلك إلا ضلالاً، وقرأ (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يُنْقَلِبُونَ). (۱) فجعلت أشك في نفسي و أنا أسمع نغمه أبي عبدالله عليه السلام فقال لي: «يا ابن وكيدة أما علمت أنا معشر الأئمة أحياء عند ربنا؟» فقلت في نفسي: أسرق رأسه، فنأى: «يا ابن وكيدة! ليس لك إلى ذلك سبيل، سفكهم دمي أعظم عند الله تعالى من تسيرهم إياي، (أرسلنا به رسلنا فسوف يعلمون إذ الأغلال في أعناقهم و السلاسل يُسحبون) ۲». (۲)

تحليل

این آیات یک اصل کلی در مورد سرنوشت عذاب آلود تکذیب گران آیات الهی بیان می کند که در طول تاریخ مصادیق زیادی دارد. لیکن بر اساس روایت فوق این مطلب بر ستمکاران کربلا- تطبیق شده که با کشتن امام حسین علیه السلام در حقیقت در برابر امامت الهی ایستادند و دستورات و آیات الهی را تکذیب کردند. از این رو سرنوشتی جز آتش دوزخ ندارند.

پس این روایت به مصادیق جدید تکذیب گران و عذاب آن ها اشاره می کند.

پیام

ستمکاران کربلا سرنوشتی عذاب آلود دارند.

۱۲- پناه بر خدا

(وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ وَ أَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ وَ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَزْجُمُونِ وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ) (دخان/ ۱۷ - ۲۱)؛ «و به یقین، پیش از آنان قوم فرعون را آزمودیم، در حالی که فرستاده ای ارجمند به سراغشان آمد؛ (و گفت:) که بندگان خدا را به من بازگردانید، [چرا] که من فرستاده ای درستکار برای شما هستم؛ و این که بر خدا برتری نجوید، که من برای شما دلیلی آشکار آوردم. و در حقیقت، من به پروردگارم و پروردگار شما پناه برم (از این) که (مرا متهم و) سنگسار کنید. و اگر به من ایمان نمی آورید، پس، (از من) کناره گیری کنید».

ص: ۱۲۰

۱- (۱). فرقان/ ۲۲۷.

۲- (۳). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۲۲، ح ۳۱۶.

۱. سرگذشت موسی و فرعونیان در آیات و سوره های متعدد قرآن آمده (۱) و در هرسوره از جنبه ای خاص مورد بررسی قرار گرفته است. این مطلب نشان دهنده اهمیت این ماجرا و آموزنده بودن آن است.

۲. «فَتَنَّا» در اصل به معنای قراردادن طلا در کوره برای تصفیه ناخالصی هاست سپس به هرگونه آزمایش که برای آزمون میزان خلوص انسان هاست گفته می شود.

آری؛ خدا فرعونیان و مشرکان مکه، بلکه تمام انسان ها را می آزماید.

۳. در این آیات به سرنوشت قوم فرعون اشاره شده است، فرعونیان دارای حکومتی نیرومند و ثروتی عظیم بودند و این امکانات آنها را مغرور کرد و در برابر خدا سرکشی کرده، بنی اسرائیل را به بردگی و استثمار کشیدند.

۴. خدا فرستاده ای بزرگوار به نام موسی برای نجات بنی اسرائیل و راه نمایی فرعونیان فرستاد. او به سراغ آنان رفت و گفت: بنی اسرائیل را به من بسپارید (۲)، تا آنها را هدایت کنم و نجات دهم.

۵. موسی برای اثبات ادعای نبوت خویش معجزاتی روشن هم چون دست سفید و عصای معجزه آسا را آورد، تا فرعونیان قانع شوند و بنی اسرائیل را به او بسپارند.

۶. موسی برای پیش گیری از واکنش های احتمالی فرعونیان سه مطلب بیان کرد:

الف) به آنان پند داد که در برابر خدا تکبر نورزند و در برابر دلایل روشنگر او ایستادگی نکنند.

ب) به خدا پناه برد از این که او را متهم سازند یا سنگسار کنند (۳).

چرا که اقوام سرکش پیشین نیز به پیامبران الهی تهمت سحر می زدند و آنها را سنگسار می کردند (۴).

ص: ۱۲۱

۱- (۱). ر. ک: سوره بقره، آیه ۵۱؛ سوره اعراف، آیه ۱۰۳؛ سوره طه، آیه ۹ به بعد و ...

۲- (۲). برخی مفسران «ان ادّوا الی عبادالله» را به معنای این گرفته اند که موسی به فرعونیان گفت: ای بندگان خدا! در برابر من تسلیم شوید و آنچه را به شما دستور داده است ادا کنید (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۶۸).

۳- (۳). «ترجمون» ممکن است به معنای رجم (سنگسار کردن) یا به معنای تهمت زدن باشد.

۴- (۴). ر. ک: شعراء/ ۱۱۶؛ مریم/ ۴۶ و هود/ ۹۱.

ج) به فرعونیان پیشنهاد کرد که اگر به من ایمان نمی آورید، حداقل کناره گیری کنید و مانع ایمان مردم نشوید.

پناه بردن امام حسین علیه السلام به خدا از دست یزید و یزیدیان

هنگامی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا با کوفیان احتجاج کرد و موقعیت خویش را برای آنان یادآوری نمود و این سخنان را در آنها مؤثر ندید، دعوت آنان را از حضرت، به آنان یادآوری نمود و برخی را که از او دعوت نموده بودند، نام برد. سپس فرمود: اگر نمی خواهید، به جای دیگری پناه می گیرم. قیس بن اشعث به حضرت گفت: چرا به حکم پسر عموهایت گردن نمی نهی که از آنها به توبدی نرسد؟ امام او را انکار کرده و فرمود: نه به خدا! من نه دست ذلت در دست ایشان می نهیم و نه چون بندگان تسلیم آنان می شوم. ای بندگان خدا! (وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ) ۱؛ و در حقیقت من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا متهم کنید. أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِ بِالْحِسَابِ (۱)؛ من از هر کسی که متکبر است و به روز حساب ایمان ندارد، به خدای خود و خدای شما پناه می برم. سپس حضرت از مرکب پیاده شد و به عقبه بن سمعان فرمود که زانوی شتر را ببندد و دشمن آهنگ حمله کرد (۲).

تحلیل:

امام حسین علیه السلام به سخن موسی علیه السلام استشهاد کرده است این مطلب اشاره دارد که تقابل او و یزید مثل تقابل موسی و فرعون است. یزید می خواهد مردم را به بندگی خویش فرا خواند و امام حسین علیه السلام می خواهد آنها را آزاد کند. و از اینکه او را به تسلیم در مقابل یزید متکبر فرا می خوانند و تهمت سرکشی به او می زنند به خدا پناه می برد.

ص: ۱۲۲

۱- (۲). برگرفته از غافر / ۲۷.

۲- (۳). محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۲۶ - ۴۲۵؛ علی بن ابی الکریم ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۲۰ - ۴۱۸؛ محمد بن محمد بن نعمان المفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۸؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۴۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۷؛ لوط بن یحیی الازدی (ابومخنف)، وقعه الطف، ص ۲۰۹ - ۲۰۶؛ عبدالله البحرانی الاصفهانی، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۵۱ - ۲۵۰ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۴۲۱ - ۴۲۰.

۱- (همچون حضرت موسی علیه السلام و حسین علیه السلام) از توطئه ها و تهمت های مخالفان به خدا پناه ببرید.

۲- در مقابل متکبران فرعونى و یزیدی، جامه ذلت نبوشید و مردانه بایستید.

۱۳- پیمان شکنی کوفیان

اشاره

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (فتح/۱۰)؛ «در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می کنند، فقط با خدا بیعت می کنند، که دست (قدرت) خدا بر فراز دستان آنان است؛ و هر کس پیمان شکنی کند، پس فقط بر زیان خودش پیمان می شکند؛ و هر که بدانچه بر آن با خدا پیمان بسته است وفا کند، پس به زودی پاداشی بزرگ به او خواهد داد».

شان نزول

پیامبر صلی الله علیه و آله با هزار و چهار صد نفر برای انجام اعمال عمره و با لباس احرام در دهکده حدیبیه، در نزدیک مکه فرود آمد و قاصدی را به طرف مشرکان مکه روانه کرد، تا به آنان بگوید که مسلمانان به قصد جنگ نیامده اند، ولی مشرکان نماینده پیامبر صلی الله علیه و آله را موقتاً بازداشت کردند و از این رو خبر قتل او شایع شد که نوعی اعلام جنگ به مسلمانان بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد که ما از این جا حرکت نمی کنیم و در صورت لزوم پیکار می کنیم و مسلمانان را به تجدید بیعت با خود فراخواند و مسلمانان زیر درختی جمع شدند و با او بیعت کردند که هرگز پشت به میدان جنگ نکنند و در سرکوبی دشمن تا پای جان بکوشند. این خبر که به گوش مشرکان مکه رسید، وحشت کردند و تن به صلح با مسلمانان دادند.

آیه فوق به این بیعت (که بیعت رضوان نامیده شد) [\(۱\)](#) اشاره دارد [\(۲\)](#).

نکته ها و اشاره ها

۱. «بیعت» به معنای پیمان بستن برای فرمان برداری از کسی است و از آن جا که در هنگام معامله و پیمان بستن دست در دست هم دیگر می گذاشتند، این واژه به پیمان بستن

۱- (۱). آیه ۱۸ سوره فتح نیز به این بیعت اشاره دارد.

۲- (۲). نمونه بیانات، ص ۷۲۹.

گفته شده است. گویی در هنگام بیعت جان خویش را در معرض معامله با دیگری قرار می دهند و به او اعلام وفاداری می کنند (۱).

۲. اگر خدا جسم نیست و دست ندارد، پس جمله «دست خدا بالای دست آنان است.» به چه معناست؟

مفسران این آیه را چند گونه تفسیر کرده اند:

الف) «دست خدا» به معنای قدرت خداست که بر بیعت کنندگان سایه افکنده است؛ زیرا دلیل عقلی داریم که خدا جسم نیست، و گرنه محدود و مخلوق می شد و نیز در قرآن آمده است که هیچ چیز مثل خدا نیست (۲).

ب) تعبیر «دست خدا» کنایه از آن است که بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت الهی است؛ گویا دست خدا بالای دست آنها قرار گرفته است و نه تنها با پیامبرش بلکه با خدا بیعت می کنند و این گونه کنایه ها در زبان عرب معمولی است (۳).

ج) مقصود آن است که یاری خدا برتر از یاری مردم است.

د) مقصود آن است که دست پیامبر صلی الله علیه و آله که در بیعت بالای دست مردم قرار می گرفت در حقیقت دست خدا بود (۴)، البته مانعی ندارد که هر چهار احتمال صحیح باشد، اما احتمال اول و دوم متناسب تر است؛ به ویژه این که در ادامه آیه سخن از عهد خداست و دست کنایه از قدرت واقع می شود.

۳. «نَكَتٌ» در اصل به معنای بازگشودن است و در مورد پیمان شکنی نیز به کاررفته است. آیه ی فوق هشدار می دهد که پیمان شکنان تصور نکنند که به خدا زیان می رسانند، بلکه به خودشان زیان می رسانند؛ چون خدا نیازی به بیعت و عهد آنان ندارد و فواید این پیمان ها به خود مردم می رسد.

ص: ۱۲۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۳-۴۴.

۲- (۲). (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) (شوری / ۱۱).

۳- (۳). صاحب تفسیر نمونه احتمال دوم را می پذیرد (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۴-۴۵) و احتمالات دیگر را نفی می کند، در حالی که مانعی ندارد که همه احتمالات در تفسیر آیه باشد.

۴- (۴). تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۹.

۴. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام روایت شده که: سه (گناه) است که انسان را هلاک می کند (و به عذاب شدید الهی می افکند)، شکستن بیعت، ترک سنت (و روش پیامبر صلی الله علیه و آله) و جدایی از جماعت مردم (۱).

فرجام پیمان شکنان با امام حسین علیه السلام

حزّ با یارانش و امام علیه السلام، هر یک از سویی در حرکت بودند تا به «بیضه» رسیدند. ابومخنف از «عقبه بن ابی العیزار» نقل کرده است: حسین علیه السلام در بیضه برای یاران خود و یاران حزّ سخن گفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که سلطان ستمگری را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمارد و پیمان خدا را می شکند و با سنت پیامبر خدا مخالفت می کند و عملکرد او در میان بندگان خدا، گناه آلود و تجاوزکارانه است، و با عمل و گفتار خویش به مخالفت با او برنخیزد، به جاست که خداوند، او را در جایگاه همان فرمانروا قرار دهد. بدانید که این گروه مطیع شیطان شده اند و از فرمانبری خداوند سرپیچی نموده اند و آشکارا فساد می کنند و حدود الهی را تعطیل کرده اند و بیت المال را به خود اختصاص داده اند، حرام خدا را حلال کرده و حلال خدا را حرام کرده اند و من از دیگران، در مخالفت با ایشان سزاوارترم.

نامه های شما به من رسید و فرستادگان شما پیش من آمده اند که شما با بیعت خود با من، مرا تسلیم دشمن نکرده و مرا خوار نمی کنید. حال اگر بیعت خویش را کامل کرده (و بر آن وفادار بمانید)، به رشد و کمال می رسید. *فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ*، بنت رسول الله صلی الله علیه و آله نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلیکم، *فَلَكُمْ فِي اسْوَةٍ*؛ من حسین فرزند علی و فرزند فاطمه، دختر پیامبر خدایم. خودم با شما هستم و خاندانم با خاندانم شماسم، من برای شما الگو هستم و اگر چنین نکردید و پیمان خویش را شکستید و دست از بیعت برداشتید، به جانم سوگند! این رفتار از شما بعید نیست. شما چنین کاری را با پدرم و برادرم و پسر عمویم مُسَلِّم کردید. گول خورده کسی است که فریب شما را بخورد. شما سعادت

ص: ۱۲۵

۱- (۱). محاسن، ج ۱، ص ۲۲۰ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۶ و ج ۴، ص ۱۸۵.

خویش را نشناختید و نصیب ایمانی خود را تباه کردید. (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ) ۱ و سیغنی الله عنکم، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته (۱).

همچنین هنگامی که امام علیه السلام در کربلا- فرود آمد و حر بن یزید، با هزار اسب سوار در مقابلش موضع گرفت، امام حسین علیه السلام قلم و کاغذ خواست و به بزرگان کوفه مانند «سلیمان بن سرد» و «مسیب بن نجبه» و «رفاعه بن شداد» و «عبدالله بن وال» و گروهی از مؤمنان (که گمان می کرد با امام هستند) نامه ای نوشت و مانند همان سخنان را که برای یاران خود و حُرّ بیان فرموده بود، نوشت و در پایان نوشت: (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ) و سیغنی الله عنکم والسلام (۲).

تحلیل

کوفیان با نامه های متعدد امام حسین علیه السلام را دعوت کردند و توسط مسلم بن عقیل با او بیعت کردند. سپس در کربلا بیعت شکستند و در برابر امام علیه السلام جنگیدند، این شیوه پیمان شکنی بر ضرر خودشان بود چرا که اولاً گرفتار گناه پیمان شکنی شدند که به کیفر آن گرفتار می شوند ثانیاً از حمایت امام و وفای به عهد، بازماندند و خود را از پاداش عظیم الهی محروم ساختند. آری کوفیان مصداق عهد شکنی در آیه ۱۰ فتح بودند.

امام حسین علیه السلام با قرائت آیه فوق در برابر حُرّ و سپاهش و کتابت آیه فوق برای شیعیان کوفه، این مطلب را به آنها یادآوری کرد.

پیام ها

- ۱- بیعت با رهبران الهی (همچون امام حسین علیه السلام) بیعت با خداست.
- ۲- پیمان شکنی با رهبران الهی (همچون امام حسین علیه السلام)، موجب زیان به خویشان است.
- ۳- وفاداری با رهبران الهی (همچون امام حسین علیه السلام)، به نفع خود ماست و موجب پاداش بزرگ الهی است.

ص: ۱۲۶

۱- (۲). لوط بن یحیی الازدی (ابومخنف)، وقعه الطف، ص ۱۷۲ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۳۶۱-۳۶۰.

۲- (۳). محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳-۳۸۲ و معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه، ص ۳۷۷.

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (منافقون/ ۷ - ۸)؛ «آنان کسانی هستند که می گویند: «برای کسانی که نزد فرستاده ی خدا هستند (اموالتان را) هزینه نکنید تا این که پراکنده شوند.» در حالی که منابع آسمان ها و زمین، فقط از آن خداست، و لیکن منافقان فهم عمیق نمی کنند. می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً، عزیزترین (افراد)، ذلیل ترین (افراد) را از آن (شهر) بیرون می رانند!» در حالی که عزت فقط برای خدا و برای فرستاده اش و برای مؤمنان است، و لیکن منافقان نمی دانند.»

نکته ها و اشاره ها

۱. منافقان بر ثروت و امکانات خود تکیه می کردند و قصد محاصره اقتصادی مسلمانان را داشتند و به دوستان خود سفارش می کردند که امکانات در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله نگذارند تا نتواند مخارج جنگ ها و یاران خود را پردازد و مؤمنان از اطراف او پراکنده شوند.

البته روشن است که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با محاصره اقتصادی از او جدا نمی شدند، همان طور که در مکه در شعب ابوطالب مدت ها مقاومت کردند.

۲. این آیات به منافقان پاسخ می دهد که منابع اصلی آسمان و زمین مخصوص خداست و خدا هرگونه مصلحت بداند آن منابع را بین مردم تقسیم می کند و اگر به برخی افراد کم یا زیاد می دهد برای آزمایش آنهاست و اگر کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان کمک مالی کرد، توفیق الهی نصیب او شده است؛ چون آن اموال از آن خداست که در اختیار او قرار داده، پس باید سپاس گزار خدا باشد، نه این که منت بگذارد.

۳. در شأن نزول آیه پنجم و ششم همین سوره آمده است که عبدالله بن ابی سرکرده منافقان گفت: اگر به مدینه آییم، افراد با عزت، افراد ذلیل (مهاجران) را اخراج می کنند. این آیه به سخنان او اشاره کرده و به آنها پاسخ داده است.

ولی از آنجا که سخن عبدالله سخن همه منافقان بود، آن را به همه ی منافقان نسبت داد.

۴. عزت مخصوص خدا، پیامبر و مؤمنان است و منافقان به غلط می پندارند که عزیز هستند.

وقتی عبدالله بن ابی خواست داخل مدینه شود پسر مؤمن او مانع ورودش شد و گفت: تا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ندهد نمی توانی داخل شهر شوی و پیامبر صلی الله علیه و آله پیام فرستاد که به او اجازه ورود بده.

برخی از مفسران حکایت کرده اند که عبدالله بن ابی چند روز بعد مرد، و شاید در اثر این ذلت دق کرده باشد (۱) و این نمونه ای از ذلت منافقین است.

۵. روش منافقان متکبر مدینه جدید نبود؛ قبل از آنان مشرکان نیز فکر می کردند با محاصره اقتصادی و تبعید پیامبر صلی الله علیه و آله کار اسلام تمام می شود و هنوز هم مستکبران و استعمارگران جهان می پندارند که با محاصره اقتصادی مسلمانان انقلابی می توانند اسلام و ایمان را مهار و مسلمانان را ذلیل کنند، در حالی که در نهایت مسلمانان با عزت پیروز می شوند و کفر و شرک و نفاق با ذلت شکست می خورد.

۶. از آن جا که درک مالکیت خدا بر منابع جهان دقیق و پیچیده است، در مورد آن تعبیر «منافقان درک عمیق ندارند» را آورد، ولی از آن جا که عزت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آشکار بود و تفکر زیادی نمی خواست در مورد آن جمله «منافقان نمی دانند» را آورد (۲).

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که: خدا همه امور مؤمنان را به خودشان واگذار کرده ولی به آنان اجازه نداده است که خودشان را ذلیل کنند (۳). و در حدیث دیگری می خوانیم که: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چگونه مؤمن خودش را ذلیل می کند؟ حضرت پاسخ داد که «به سراغ کاری می رود که از او ساخته نیست» (۴).

امام حسین علیه السلام عزتمند است نه متکبر

نقل شده که شخصی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: در تو کبر وجود دارد؟ امام علیه السلام فرمود: «کل الکبر لله وحده ولا یكون فی غیره، قال الله تعالی: لله العزه و لرسوله و للمؤمنین»

ص: ۱۲۸

۱- (۱). اسباب النزول، ص ۴۵۳.

۲- (۲). البته برخی نیز احتمال داده اند که باید برای پرهیز از تکرار، دو جمله ی متفاوت آورد (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۶۴)، ولی این احتمال بعید است چون جمله های تکراری برای تأکید و ... در قرآن وجود دارد.

۳- (۳). کافی، ج ۵، ص ۶۳ و ۶۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۹؛ مشکاه الانوار، ص ۵۰ و بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۷۲ و ج ۹۷، ص ۹۲.

۴- (۴). کافی، ج ۵، ص ۶۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۳۶.

همه کبریایی مخصوص خداست و برای غیر او نیست که تکبر ورزند، خدای متعال فرمود: عزّت فقط از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است (۱).

تحلیل

تفاوت بین عزّت و تکبر، باریک و دقیق است، عزّت مخصوص خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و انسان های مؤمن است. عزّت در برابر ذلّت است یعنی انسان در برابر دیگران خود را برای امور دنیوی خوار نسازد. اما تکبر به معنای آن است که شخصی خود را برتر از دیگران ببیند، از آنجا که خدای متعال دارای بزرگی و صفات و اعمال نیک است متکبر در مورد او صحیح است اما این صفت در مورد انسان هایی که همه چیزشان از خداست صفتی مذموم است چون فردی کوچک چیزی را که ندارد به خود نسبت می دهد؛ پس لازم است انسان ها متواضع باشند. از این رو در آیات قرآن هم «متکبر» به عنوان صفت الهی آمده است (۲).

امام حسین علیه السلام هم که الگوی مسلمانان است، صفت تکبر را از خود نفی کرد اما یادآور شد که ما عزیز هستیم.

پیام

همچون امام حسین علیه السلام عزتمند باشید اما متکبر نباشید.

ص: ۱۲۹

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۸.

۲- (۲) . حشر / ۲۳.

فصل دوم: قرآن و امام حسين عليه السلام (آيات الحسين عليه السلام)

اشاره

ص: ۱۳۱

در این فصل بیش از ۱۰۰ آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم که ذیل آنها روایاتی در مورد ارتباطشان با امام حسین علیه السلام مطرح شده است. این روایات دلالت‌ها مختلفی دارد، همچون تفسیر، تأویل، جری و ... که نخست به توضیح این مطالب می‌پردازیم تا روش بحث روشن شود. سپس ذیل هر آیه ضمن تحلیل آن به گونه خاص آن روایت اشاره می‌کنیم.

مفهوم شناسی

در این نوشتار چند واژه اساسی وجود دارد که لازم است توضیح داده شود:

۱. قرآن: مقصود کتاب آسمانی مسلمانان است که شامل ۶۲۰۰ آیه دارد و به صورت متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله به دست ما رسیده و تحریف نشده است و غالباً در عصر کنونی با قرائت حفص از عاصم منتشر می‌شود.
۲. تفسیر: دراصل به معنای کشف و پرده برداری است و در اینجا به کشف معانی کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست، به عبارت دیگر تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره است. (۱)

ص: ۱۳۳

۱- (۱). در مورد تفسیر معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغویین و برخی ارباب تفسیر و صاحب‌نظران بیان شد. نک: راغب اصفهانی، مفردات - طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۴ - سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۱۹۲ - طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳ - نگارنده منطق تفسیر قرآن، ص ۲۳ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۵-۳۹ و روش شناسی تفسیر قرآن بابایی و دیگران.

۳. تأویل: در اصل به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابهات، و معنای خلاف ظاهر لفظ است که به وسیله قرینه حاصل می شود. (۱) همانطور که گاهی به معنای باطن نیز می آید. (۲)

۴. بطن: در اصل به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و در اینجا مقصود معنایی از قرآن است که از ظاهر کلام بدست نمی آید. و گاهی در احادیث بیان شده است. (۳) و برخی صاحب نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می دانند که به وسیله الغای خصوصیت بدست می آید. (۴)(۵)

۵. تطبیق (جری): در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مثل وقتی که «انسان» را بر «علی» اطلاق و تطبیق می کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده (ادامه همین مقاله) و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است (۶) و گاهی از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می شود. (۷)

۶. واژه «نزلت»: در اصل به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و اغلب در مورد شأن نزول های قرآن به کار می رود. هر چند که گاهی در مورد قصه های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می آید. (۸)

ص: ۱۳۴

۱- (۱). برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعمالی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست بیان شد. نک: مفردات، راغب اصفهانی، ماده اول، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳، الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۲، التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۱۳، التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۳، ص ۲۸.

۲- (۲). التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۳، ص ۲۸ و التفسیر والمفسرون، همو، ج ۱، ص ۲۱.

۳- (۳). بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۲، ص ۹۷.

۴- (۴). معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۳۰ و التفسیر والمفسرون، همو، ج ۱، ص ۲۱.

۵- (۵). البته برای واژه «بطن» معانی دیگر نیز بیان شده است ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست. نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۴-۶۵، و شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، مبحث بطن و منطق تفسیر قرآن (۱) مبحث بطن، از نگارنده.

۶- (۶). عن الباقر علیه السلام: «ظهره تنزیه و بطنه تاویل منه ما قد مضی ومنه ما لم یکن یجری کما یجری الشمس و القمر» (بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۲، ص ۹۷).

۷- (۷). طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۴۱.

۸- (۸). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴ و البرهان، ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲.

اما در احادیث تفسیری آیات الحسین در چند معنا به کار می رود: الف: گاهی به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن به کار می رود، یعنی در حدیث، آیه ای را بر یکی از مسائل مربوط به امام حسین علیه السلام تطبیق می کند و از تعبیر «نزلت» استفاده می کند.

ب: گاهی تعبیر نزلت به معنای تأویل و بطن آیه به کار می رود.

ج: واژه «نزلت» گاهی هم به معنای تفسیر آیه می آید.

مثال های این موارد در ضمن توضیح آیات الحسین خواهد آمد.

تفسیر آیات الحسین علیه السلام به ترتیب مصحف

اول: سوره بقره

۱- آموزش نام های پیامبران و اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام

اشاره

بقره / ۳۱. (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) ؛ و [خدا] همه نام ها را به آدم آموخت؛ سپس آن ها را بر فرشتگان عرضه نمود و گفت: «اگر راست گوید، نام های ایشان را به من خبر دهید.»

بقره / ۳۲. (قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ) ؛ «(فرشتگان) گفتند: «منزهی تو! ما هیچ دانشی جز آنچه به ما آموخته ای نداریم، [چرا] که تنها تو دانا [و] فرزانه ای.»

بقره / ۳۳. (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ) ؛ [خدا] فرمود: «ای آدم! آنان را به نام هایشان خبر ده.» و هنگامی که [آدم] آنان را به نام هایشان خبر داد، (خدا) گفت: «آیا به شما نگفته ام که من نهان آسمان ها و زمین را می دانم؟! و (نیز) آنچه را آشکار می کنید و آنچه را همواره پنهان می داشتید، می دانم.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات صحنه ای از امتحان آدم علیه السلام و فرشتگان به تصویر کشیده شده که آدم علیه السلام در آن پیروز شد، ولی فرشتگان موفق نشدند و بار دیگر برتری انسان بر فرشتگان روشن شد.

۲. آزمایش فرشتگان و آدم، یک ارزیابی علمی بود؛ یعنی آنان را در برابر نام‌ها (و حقایق و اسرار و علوم هستی) قرار دادند و انسان به خاطر ظرف وجودی وسیع خود آن‌ها را آموخت و بیان کرد، ولی فرشتگان به خاطر ظرف وجودی محدود خود نتوانستند پاسخ پرسش‌های علمی را تهیه کنند و در امتحان شکست خوردند.

۳. مقصود از «نام‌ها» در این آیات چیست؟

در این مورد چند احتمال داده اند:

الف) در حدیثی آمده است که مقصود از این نام‌ها همان نام‌های رهبران الهی و حجت‌های اوست. (۱) (این احادیث را در ادامه ذکر می‌کنیم)

ب) در احادیث دیگری آمده که مقصود از نام‌ها، زمین‌ها، کوه‌ها، دره‌ها و همه موجودات است. (۲)

ج) منظور از این نام‌ها، همان استعداد نام‌گذاری چیزهاست که خدا به انسان عطا فرموده است و براساس همین نام‌گذاری است که علوم بشر شکل می‌گیرد و نسل به نسل منتقل می‌شود. (۳)

د) منظور اعطای معانی و مفاهیم و مسمای این نام‌ها به آدم علیه السلام بوده است که همان علوم و اسرار مربوط به آفرینش و موجودات است؛ پس مقصود، منابع و خزاین چیزهاست، نه صرف لغات. (۴)

هـ) آموزش نام‌ها، کنایه از قدرت شناخت حقایق و آثار چیزهاست که خدا در نهاد انسان قرار داده و تنها انسان چنین توانی دارد و با استفاده از این توانایی در اسرار جهان می‌اندیشد و تمام اکتشافات و اختراعات علمی بشر نیز نتیجه همین مطلب است. (۵)

ص: ۱۳۶

۱- (۱). تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۷۳.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه و تفسیر المیزان، ج ۱، ۱۲۰.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۷۶.

۴- (۴). همان و المیزان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵- (۵). این مطلب از حضرت آیت الله معرفت رحمه الله شنیده شد.

و) مقصود همان حقایق غیبی عالم است که نشانه خدا هستند؛ حقایقی که باشعور و عاقل و خزاین چیزهای جهان هستند و نزد خدا ذخیره اند. (۱)

البته این معانی با هم دیگر منافاتی ندارند و جمع آن ها مشکل نیست و همه این معانی می تواند مقصود آیه باشد.

۴. برخی مفسران بر آن اند که خدای متعال این علوم را به صورت تکوینی به انسان آموخت؛ یعنی در نهاد و وجود او قرار داد و در مدت کوتاهی بارور ساخت؛ (۲) همان طور که بیان را به صورت تکوینی به انسان تعلیم داد؛ (۳) یعنی استعداد فهم این نام ها و اسرار و علوم را در فطرت و سرشت انسان قرار داد.

۵. آیا اگر خدا آن علوم و نام ها را به فرشتگان یاد می داد آن ها نیز نمی توانستند مثل آدم بیاموزند و در آزمایش موفق شوند؟

تفاوت فرشتگان با انسان در این بود که انسان ها ظرفیت وجودی بیش تری داشتند؛ از این رو این نام ها و علوم در ظرف وجودی آنان قرار گرفت و بارور شد، ولی فرشتگان چون برای اهداف دیگری آفریده شده بودند، ظرفیت خاصی داشتند که آماده پذیرش این همه علوم و اسرار نبود؛ به عبارت دیگر علوم انسان ها با تفکر و خلاقیت افزایش می یابد، اما علوم فرشتگان مثل رایانه با حافظه محدودی است که هر چه به او می دهند باز می گوید و هنگامی که در این آزمایش معلوم شد که آنان ظرفیت علوم و اسرار نام ها را ندارند و از انسان برتر و شایسته تر به خلافت نیستند، به خوبی این حقیقت را پذیرفتند و تسلیم شدند.

۶. در این آیات برای آموزش انسان تعبیر «تعلیم» به کار رفته، اما برای فرشتگان تعبیر «عرضه» به کار رفته است که بالاتر از آموزش است، همان طور که نوار آموزشی با فیلم آموزشی تفاوت دارد؛ پس ممکن است گفته شود که فرشتگان نتوانستند چیزی را که به صورت صدا و تصویر به آنان عرضه شد دریابند، در حالی که انسان با آموزش نازل تری آن ها را دریافت و این برتری انسان را نشان می داد.

ص: ۱۳۷

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر تسنیم، ج ۳، ص ۱۶۹.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳- (۳) . (عَلَّمَ الْبَيَانَ) (الرحمن / ۴).

۷. برخی مفسران بر آن اند که مقصود از «چیزی که فرشتگان مخفی می کردند» آن است که فرشتگان، در دل، خود را شایسته تر از انسان برای جانیشینی خدا در زمین می دانستند و این مطلبی بود که در آیه قبل بدان اشاره شد، اما تصریح نکردند.

برخی دیگر بر آن اند که آیه به ابلیس اشاره دارد که در صف فرشتگان قرار داشت و تصمیم داشت در برابر انسان سجده نکند، ولی این مطلب را در دل پنهان می کرد. (۱)

این احتمال نیز هست که این آیه به علم وسیع الهی و قلمرو بی کران آن در امور آشکار و پنهان اشاره داشته باشد، همان طور که به مخاطب خود می گوئیم «ما همه چیز پنهان و آشکار شما را می دانیم» و لازمه این سخن آن نیست که حتماً چیز مخفی وجود داشته باشد؛ البته مانعی ندارد که هر سه مطلب مقصود آیه باشد. (۲)

امام حسین علیه السلام از مصادیق «أسماء»

«عن التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام : ثم قال: (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) أسماء أنبياء الله، و أسماء محمد صلى الله عليه و آله ، و علی و فاطمه و الحسن و الحسين، و الطيبين من آلهم، و أسماء رجال من شيعتهم، و عتاه أعدائهم.

ثُمَّ عَرَضَهُمْ (۳) عرض محمدا و عليا و الأئمة عَلَى الْمَلَائِكَةِ، أَى عرض أشباحهم و هم أنوار فى الأظل (فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) ۴ أن جميعكم تسبحون و تقدسون، و أن تركم ها هنا أصلح من إيراد من بعدكم، أَى فكما لم تعرفوا غيب من فى خلالكم، فالحرى أن لا تعرفوا الغيب إذا لم يكن، كما لا تعرفون أسماء أشخاص ترونها.

قالت الملائكة: (قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ) ۵. ۶

ص: ۱۳۸

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ذیل آیات ۳۱-۳۳ سوره بقره.

۳- (۳) . همان.

بر اساس این روایت امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق «اسماء» شمرده شده است یعنی نام «حسین» یکی از نام‌هایی بود که به آدم علیه السلام آموزش داده شد. سپس نورهای اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام را به فرشتگان عرضه کردند. ولی فرشتگان نتوانستند نام آنان را بگویند. چون علمی در این زمینه نداشتند.

پیام

این آیات با توجه به روایات جایگاه بلند اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد که آگاهی نسبت به مرتبه نورانی آن‌ها امتیاز انسان بر فرشتگان است.

۲- توسل به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام زمینه ساز پذیرش توبه آدم علیه السلام

اشاره

بقره/ ۳۷. (فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)؛ «و آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود؛ و [خدا] توبه او را پذیرفت، [چرا] که تنها او بسیار توبه پذیر [و] مهرورز است».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. «توبه» در اصل به معنای «بازگشت» است و در قرآن کریم در دو معنا به کار رفته است:

الف) «توبه مردم» که در این صورت به معنای بازگشت گناهکار و ترک گناه و طلب پوزش از خداست.

ب) «توبه خدا» که در این صورت به معنای بازگشت رحمت خدا به فرد گناهکار و پذیرش توبه اوست. (۱)

۲. آدم علیه السلام در اثر فریبکاری شیطان گرفتار لغزش و ترک اولی و مخالفت در برابر امر ارشادی شد. هر چند گناه آدم علیه السلام گناه مطلق نبود، اما از فردی هم چون او چنین لغزش کوچکی، بزرگ شمرده می‌شود؛ چرا که او از مقرّبان درگاه الهی بود و مشمول نعمت حق شده بود؛ از این رو، از گناه نسبی و لغزش خود پوزش خواست و توبه کرد.

ص: ۱۳۹

۱- (۱). ر.ک: تفسیر کبیر؛ صافی و تفسیر نمونه ذیل آیه.

۳. خوردن از درخت ممنوع اولین لغزش بشر بود و به همین سبب تجربه ای در زمینه توبه و بازگشت و کیفیت عذرخواهی نداشت؛ بنابراین پروردگار کلماتی را به او آموزش داد و راه توبه را به او آموخت و وی به سوی خدا بازگشت.

به عبارت دیگر، توبه آدم با دو توبه خدا همراه بود: نخست خدا با رحمت به سوی آدم بازگشت و توفیق توبه به او داد و روش توبه را به او آموخت، سپس آدم توبه کرد و در پایان، خدا توبه او را پذیرفت. آری هر توبه انسان با دو توبه و بازگشت رحمت الهی همراه است. (۱)

۴. مفسران در مورد کلماتی که به آدم آموزش داده شد احتمالاتی داده اند و در احادیث نیز مطالبی آمده است که مهم ترین آن ها عبارت است از:

الف) این کلمات همان سخنانی است که در جای دیگر از آدم و حوا نقل شده که گفتند:

ای پروردگار ما، ما به خودمان ستم کردیم، واگر ما را نیامرزی و بر ما ترحم نمایی حتماً از زیانکاران خواهیم بود. (۲)

ب) این کلمات، نام های بهترین انسان ها، یعنی محمد صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بود که با توسل آدم علیه السلام به آن بزرگواران توبه اش پذیرفته شد. (در ادامه روایات مربوطه را ذکر می کنیم)

ج) این کلمات یک سلسله ادعیه و مناجات با خدا بود.

البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود آیه باشد. (۳)

۵. این آیه خدا را با دو صفت «تَوَّاب» (بسیار توبه پذیر) و «رَحِيم» (مهرورز و مهربان) یاد کرده است. خدا نسبت به بندگانش از مادر نسبت به فرزند مهربان تر است و اگر لغزشی از آنان سرزند ضمن بخشودن آن ها به آنان لطف می کند و مهر می ورزد.

امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی

در این مورد روایات متعددی وجود دارد که برخی از آن ها را ذکر می کنیم.

ص: ۱۴۰

۱- (۱). تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲- (۲). (رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (اعراف / ۲۳).

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۹۹.

سئل النبي صلى الله عليه و آله عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب على، قال: سأله بحق محمدٍ عليٍّ و فاطمه و الحسن و الحسين إلا ما تبت علي فتاب عليه. (۱)

عن ابن عباس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله لما نزلت الخطيئة بآدم و أخرج من الجنة أتاه جبرئيل عليه السلام فقال يا آدم ادع ربك قال [يا] حبيبي جبرئيل ما أدعو قال قل رب أسألك بحق الخمسة الذين تخرجهم من صلبى آخر الزمان إلا تبت على ورحمتنى فقال له آدم عليه السلام يا جبرئيل سمهم لى قال قل رب أسألك بحق محمد نبيك و بحق على وصى نبيك و بحق فاطمه بنت نبيك و بحق الحسن و الحسين سببى نبيك إلا تبت على ورحمتنى [فارحمنى] فدعا بهن آدم فتاب الله عليه و ذلك قول الله تعالى [جل ذكره] (فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ) ۲ و ما من عبد مكروب يخلص النيه و يدعو بهن إلا استجاب الله له. (۲)

تحليل

خدای متعال توبه پذیر و مهرورز است از این رو زمینه توبه کردن بندگان را فراهم می کند و وسایل پذیرش توبه را آموزش می دهد، بر اساس آیه فوق خدای متعال کلماتی را به آدم علیه السلام آموزش داد تا وسیله پذیرش توبه او شود، و بر اساس روایات فوق و احادیث متعدد دیگر (۳) یکی از مصادیق این کلمات نام امام حسین علیه السلام بود و در برخی احادیث فوق آمده است که این شیوه برای همه انسان ها با اخلاص نیز، قابل اجراست یعنی می توانند با توسل به اهل بیت علیهم السلام زمینه پذیرش توبه و دعاهای خویش را فراهم کنند.

پیام

آیه با توجه به روایات جایگاه بلند امام حسین علیه السلام را نزد پروردگار نشان می دهد. علاوه بر آنکه دلیلی برای جواز توسل به امام حسین است و نشان می دهد که توسل به آن حضرت عامل قبولی توبه انسان ها است.

ص: ۱۴۱

۱- (۱). العمده، ص ۳۷۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۸۳، ح ۲۰ و فی کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۶۵ سئلت.

۲- (۳). تفسیر الفرات، ص ۵۷ و البحار، ۲۶، ص ۳۳۳، ح ۱۵.

۳- (۴). ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۵ - ۳۳۳ و ج ۴۴، ص ۲۴۵ و البرهان، ج ۱، ص ۸۹، ص ۸۷ - ۸۹.

بقره/ ۵۴. (وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فْتَوَبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَم خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ).

و (یاد کنید) هنگامی را که موسی به مردمش گفت: «ای قوم [من]؛ در حقیقت شما با انتخاب گوساله (پرستی) تان به خویشتن ستم کردید؛ پس به سوی آفریدگارتان باز گردید؛ و (منحرفان) خودتان را بکشید؛ [که] این [کار] در نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است.» پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، [چرا] که فقط او بسیار توبه پذیر [و] مهرورز است.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. برخی از بنی اسرائیل در اثر فریبکاری سامری از توحید منحرف شدند و به شرک و گوساله پرستی روی آوردند. در این آیه بیان شده است که موسی علیه السلام با این انحراف بزرگ برخورد کرد و گوساله پرستان را سرزنش نمود و راه توبه خاص آن را به آنان آموزش داد و بنی اسرائیل توبه کردند و خدا توبه آنان را پذیرفت. (۱)

۲. از این آیه استفاده می شود که رهبران الهی، که با انحرافات عقیدتی و اجتماعی برخورد می کنند، یکی از نعمت های الهی اند که باید قدر آنان و راهنمایی هایشان را دانست و سپاس گذاری کرد.

۳. هر یک از نام های خدا معنای خاصی دارد و در مناسبت ویژه ای به کار می رود. در این آیه به نام «بارئ» اشاره شده که به معنای «آفریدگار جدا کننده» است (۲) و با مطالب آیه کاملاً مناسبت دارد؛ چرا که دستور توبه خاص بنی اسرائیل برای جدا کردن افراد توبه گر واقعی بود.

۴. در این آیه بیان شده که بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند؛ چرا که آنان شرک ورزیدند و شرک ستم به خویش است (۳) و موجب می شود که نیروها و

ص: ۱۴۲

۱- (۱). ر.ک: بقره/ ۵۱-۵۲.

۲- (۲). واژه «بارئ» در اصل به معنای جدا کردن چیزی است که آن را ناخوش می دارند و از آن جا که خدا آفریدگار و جداکننده انسان از خاک و نیز جداکننده مردم از یک دیگر است، به او بارئ گفته می شود. (ر.ک: المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه «برئ»، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۵ و المیزان، ج ۱، ص ۱۸۹).

۳- (۳). (إِنَّ الشُّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ)؛ (لقمان/ ۱۳).

استعدادهای انسان از مسیر سعادت و کمالش خارج شود و او را به سقوط و عذاب رهنمون گردد؛ پس انسان مشرک به خود و استعدادهایش جفا و ستم روا داشته است.

۵. از آن جا که اصل ادیان الهی توحید است، انحراف از آن و گوساله پرستی بزرگ ترین انحراف محسوب می شد و به همین دلیل توبه اش مشکل و همراه با آزمایش و دستور خاصی بود؛ یعنی به بنی اسرائیل دستور داده شد که صورت های خود را بپوشانند و با اسلحه در صحنه مبارزه حاضر شوند و گوساله پرستان به هم دیگر حمله کنند (و یا خداپرستان به گوساله پرستان حمله کنند و آنان را بکشند). (۱)

این آزمایش سخت انجام شد و بعد از مدتی، به دستور الهی، جنگ متوقف شد و توبه آنان پذیرفته شد. (۲) در برخی احادیث آمده است که در اثر توسل به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام توبه آنان پذیرفته شد. (۳)

۶. این روش توبه در طول تاریخ در مورد اقوام دیگر حکایت نشده است و این آزمایش سخت ویژه گوساله پرستان بنی اسرائیل بود، تا شرک و گوساله پرستی برای همیشه از ذهن آنان ریشه کن شود. آری، برای کسانی که آن همه نعمت الهی و معجزات موسی علیه السلام را دیده بودند، سزاوار نبود بار دیگر به شرک و گوساله پرستی روی آورند و باید مجازات شدید و عبرت آموزی می شدند.

۷. عده ای از بنی اسرائیل گوساله پرست نشدند، پس چرا این آیه ظلم و گناه گوساله پرستی را به همه بنی اسرائیل نسبت داده است و توبه و جنگ و کشتار را وظیفه همگان معرفی کرده است؟

درست است که عده ای از مردم مرتکب این گناه نشدند، ولی این عده از کار گوساله پرستان راضی بودند، از این رو این گناه را به همه آن ها نسبت داد؛ اما وظیفه کشتن و توبه کردن برای افرادی بود که گوساله پرست شده بودند. (۴)

ص: ۱۴۳

۱- (۱). در احادیث، این داستان به گونه های مختلف و با اندک تفاوتی حکایت شده است (ر.ک: تفسیر صافی، تفسیر برهان، تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل آیه فوق).

۲- (۲). در برخی احادیث آمده است که هنوز همه مجرمان کشته نشده بودند که توبه آنان پذیرفته شد؛ از این جا معلوم می شود که این دستور آزمایش بوده است (تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۸۹).

۳- (۳). تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴- (۴). همان.

۸. در این آیه تأکید شده است که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است، به طوری که راه توبه را توسط پیامبرانش به مردم می آموزد و خود توبه آنان را می پذیرد و اگر در جایی سخت می گیرد، به خیر و صلاح مردم است. (۱)

توسل به امام حسین علیه السلام عامل پذیرش توبه و رفع بلا

عن الإمام الحسن العسكري عليه السلام : ... فلما استحر القتل فيهم - وهم ستمائة ألف - إلا اثني عشر ألفا الذين لم يعبدوا العجل، وفق الله بعضهم، فقال لبعضهم - والقتل لم يفض بعد إليهم، فقال - : أو ليس قد جعل الله التوسل بمحمد وآله الطيبين أمرا لا تخيب معه طلبه، ولا ترد به مسأله؟ و هكذا توسلت الأنبياء و الرسل، فما لنا لا نتوسل؟!».

قال: «فاجتمعوا و ضجوا: يا ربنا، بجاه محمد الأكرم، و بجاه علي الأفضل الأعظم، و بحق فاطمه الفضلى، و بجاه الحسن والحسين سبطي سيد المرسلين، و سيدى شباب أهل الجنة أجمعين، و بجاه الذريه الطيبه الطاهره من آل طه و يس لما غفرت لنا ذنوبنا، و غفرت لنا عقوبتنا، و أزلت هذا القتل عنا فذاك حين نودى موسى عليه السلام : أن كف القتل، فقد سألتى بعضهم شيئا، و أقسم على شيئا، لو أقسم به هؤلاء العابدون للعجل، و سألتى العصمه لعصمتهم حتى لا يعبدوه، ولو أقسم على بها إبليس لهديته، ولو أقسم بها على نمرود أو فرعون لنجيته.

فرغ عنهم القتل، فجعلوا يقولون: يا حسرتنا، أين كنا عن هذا الدعاء بمحمد و آله الطيبين حتى كان الله يقينا شر الفتنه، و يعصمنا بأفضل العصم؟!» (۲)

تحليل

بر اساس این روایت امام حسین علیه السلام یکی از وسایلی است که توسل به ایشان زمینه ساز پذیرش توبه انسان است. این روایت یکی از مصادیق وسایل توبه را بیان کرده که در متن آیه ذکر نشده است. پس این روایت توضیح و تبیین تاریخی جدیدی از آیه ۵۴ سوره بقره ارائه کرده که نوعی اخبار غیبی تاریخی است (۳) از جزئیات آن واقعه و منافاتی با دلالت آیه ندارد.

ص: ۱۴۴

۱- (۱). تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ذیل آیه ۵۴ سوره بقره.

۲- (۲). تفسیر الإمام، ص ۲۵۵؛ تأیل الآیات، ج ۱، ص ۵۹، ح ۳۶؛ البحار، ج ۱۳، ص ۲۳۵، ح ۴۳ و ج ۹۱، ص ۸، ح ۹ و البرهان، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۱.

۳- (۳). البته با توجه به منبع این روایت (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام) که مشکل سندی دارد لازم است دقت و احتیاط بیشتری شود.

این آیه با توجه به روایت فوق به عظمت مقام امام حسین علیه السلام در نزد پروردگار اشاره دارد علاوه بر آنکه از آن جواز توّسل به آن حضرت استفاده می شود که ایشان یکی از عوامل پذیرش توبه انسان های خطاکار است.

۴- توّسل به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام زمینه ساز برکات الهی

اشاره

بقره / ۶۰. (وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّٰهِ وَ لَا تَعْثُوا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ)؛ و (یاد کنید) هنگامی را که موسی برای قومش آب طلبید؛ و [به او] گفتیم: «با عصایت بر سنگ بزن!» و دوازده چشمه از آن بشکافت، که هر (گروهی از) مردم، آبشخور خود را می شناختند.

(و گفتیم:) از روزی خدا بخورید و بیاشامید؛ و در زمی علیه السلام تبهکارانه فساد مکنید.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. قوم بنی اسرائیل در بیابان ها حرکت می کردند که تشنه و بی آب شدند و از رهبر خود، موسی علیه السلام آب خواستند. موسی علیه السلام از خدا طلب آب کرد. (۱) خداوند به او دستور داد که عصای خود را بر سنگ بزن و به صورت معجزه آسایی دوازده چشمه از آن جوشید و بنی اسرائیل، که دوازده طایفه بودند، هر کدام از آبشخوری آب برمی داشتند، تا اختلافی بین آنان ایجاد نشود. (۲)

۲. در سوره اعراف بیان شده که پس از آن که موسی علیه السلام عصای خود را به سنگ زد، کم کم آب بیرون آمد (۳) و در آیه فوق اشاره شده که سنگ شکافت و دوازده چشمه جوشید. این دو تعبیر ممکن است اشاره به آن باشد که ابتدا آب چشمه کم کم جوشید، سپس زیاد شد و به صورت دوازده چشمه فوران کرد.

چون عصای عشق او بر دل زنی صد هزاران چشم بینی از خار ای

ص: ۱۴۵

۱- (۱). در سوره اعراف، آیه ۱۶۰ به این مطلب اشاره شده و نیز در همان سوره ماجرای چشمه های آب را قبل از ورود به بیت المقدس بیان کرده است که به طور طبیعی باید همین گونه باشد. ولی در این سوره که نعمت های الهی را برمی شمارد ترتیب طبیعی ماجراها رعایت نشده است.

۲- (۲). این ماجرا در تورات نیز آمده است (سفر خروج، فصل ۱۷، ش ۵ و ۶).

۳- (۳). (فَأَنْبَجَسَتْ) (اعراف / ۱۶۰).

۳. جوشیدن چشمه های دوزاده گانه آب از سنگ، یکی از معجزات موسی علیه السلام بود؛ البته معجزه به معنای انجام کاری بر خلاف جریان عادی طبیعت است، نه به معنای انجام محال عقلی؛ یعنی به طور طبیعی از هر سنگی چشمه آب خارج نمی شود، ولی این کار محال عقلی و نقض قانون علیت نیست که به دستور الهی با ضربه عصایی از دل سنگی چشمه ای بیرون جهد.

۴. در این آیه به بنی اسرائیل گفته شده که از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید و سپاس گزاری کنید و اگر سپاس نمی گزارید، دست کم ناسپاسی و فسادگری نکنید. یادآوری این ماجرا نیز به همین مطلب اشاره دارد که نعمت های الهی خدا را در طول تاریخ به یاد داشته باشید و ناسپاسی و فسادگری نکنید.

۵. در این آیه اشاره شده که فسادگری نکنید و این فسادگری را ادامه ندهید. (۱) آری، فساد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فساد اقتصادی، مثل ظلم و اسراف، موجب انحطاط جامعه می شود و نوعی ناسپاسی در برابر نعمت های الهی است؛ چرا که خدا این نیروها و سرمایه ها را به ما عطا کرده تا در راه کمال از آن ها استفاده کنیم نه در راه انحطاط و سقوط.

۶. نکته جالب در این آیه آن است که خدا سهم هر گروه از بنی اسرائیل را جدا کرد و به تعداد طوایف بنی اسرائیل چشمه ها را جاری ساخت و مردم نیز آگاه شدند تا به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و نظم اجتماعی برقرار شود و از اختلافات جلوگیری گردد.

توسل به امام حسین علیه السلام زمینه ساز نزول برکات الهی

عن الإمام الحسن العسكري قال الله عز وجل: (وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ) ۲ قال عليه السلام: «واذكروا، يا بني إسرائيل» إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ» طلب لهم السقيا، لما لحقهم من العطش في التيه، وضجوا بالبكاء، وقالوا: هلكننا بالعطش.

فقال موسى: إلهي بحق محمد سيد الأنبياء، و بحق علي سيد الأوصياء، و بحق فاطمه سيدة النساء، و بحق الحسن سيد الأولياء، و بحق الحسين أفضل الشهداء، و بحق عترتهم و خلفائهم ساده الأذكيا لما سقيت عبادك هؤلاء.

ص: ۱۴۶

۱- (۱). واژه «مفسدین» اشاره به آغاز فساد و «لاتعتوا» اشاره به ادامه آن است (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۳).

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا مُوسَى (اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ) فَضْرِبْ بِهَا (فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ) ۱
كل قبيله من أولاد يعقوب مشربهم، فلا يزاحمهم الآخرون في مشربهم. (۱)

تحليل

این روایت به نوعی اخبار غیبی در مورد واقعه تاریخی آیه فوق بیان می کند که حضرت موسی علیه السلام با توسل به اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام موجب نجات مردم در بیابان سخت و جاری شدن آب گوارا شد. پس روایت توضیح تاریخی از آیه بیان کرده که در متن آن نیامده اما منافاتی نیز با آن ندارد. (۲)

پیام

این آیه با توجه به روایت فوق، جایگاه رفیع امام حسین علیه السلام را روشن می کند که پیامبری مثل موسی علیه السلام به او توسل پیدا می کند و برکات الهی بر بنی اسرائیل جاری می شود.

۵- شهادت امام حسین علیه السلام به دست یهودیان امت اسلام

اشاره

بقره / ۸۴. (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ)؛ «و (یاد کنید) هنگامی را که از شما پیمان محکم گرفتیم که: «خون همدیگر را مرزید؛ و خودتان [یکدیگر] را از خانه هایتان بیرون نکنید.» سپس (به این پیمان) اقرار کردید؛ در حالی که شما گواهد.»

بقره / ۸۵. (ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَ هِيَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ)؛ «سپس شما آنهایی هستید که خودتان [یکدیگر] را

ص: ۱۴۷

۱- (۲). تفسیر الامام، ج ۱، ص ۲۶۱؛ تأویل الآيات، ج ۱، ص ۶۴؛ البحار، ج ۱۳، ص ۱۸۴، ح ۱۹ و ج ۹۱، ص ۸، ح ۱۰؛ البرهان، ج ۱، ص ۱۰۳، ح ۱؛ شریف اللاهیجی، ج ۱، ص ۵۶ و کنز الدقائق، ج ۲، ص ۲۱.

۲- (۳). با توجه به اینکه منبع این روایت (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام) مشکل سندی دارد لازم است در مورد آن دقت و احتیاط شود.

می کشید، و دسته ای از [خود]تان را از خانه هایشان بیرون می رانید؛ در حالی که با گناه و تجاوز بر ضد آنان، به یکدیگر کمک می نمایید؛ و اگر (آنان) به اسارت نزد شما آیند، تاوانشان را می دهید (و آنان را باز خرید می کنید)، در حالی که بیرون کردن آنان بر شما حرام شده بود. و آیا به برخی [از دستورات] کتاب [تورات] ایمان می آورید، و به بعضی [دیگر] کفر می ورزید؟! و کیفر کسی از شما که این [عمل] را انجام دهد، جز رسوایی در زندگی پست (دنیا) نیست، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب بازگردانده می شوند. و خدا از آنچه انجام می دهید غافل نیست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. بر اساس آیات فوق خدای متعال از یهودیان پیمان محکم گرفته بود که همدیگر را نکشند و تبعید نکنند ولی دو طایفه از یهودیان در مدینه ساکن بودند که با هم دیگر اختلاف پیدا کردند و هر کدام از آنان به یک قبیله از مشرکان مدینه پیوستند (۱) و (برخلاف دستورهای تورات) در جنگ ها بر ضد یکدیگر شرکت می کردند، اما بعد از جنگ، دست به دست هم می دادند و تاوان اسیران یهودی را می پرداختند تا آزاد شوند، (۲) که این کار اخیر را طبق دستورات تورات انجام می دادند. آری، یهودیان به برخی آیات و دستورات الهی عمل می کردند و به برخی دیگر کفر می ورزیدند و عمل نمی کردند.

۲. آیه فوق به یهودیان فرمود که چرا به برخی دستورات کتاب الهی عمل می کنید و به برخی عمل نمی کنید، بلکه فرمود: چرا به برخی از آن ها ایمان می آورید و به برخی ایمان نمی آورید!

مقصود از ایمان و کفر در این آیه، ایمان و کفر عملی است نه اعتقادی؛ و نشانه ایمان واقعی آن است که انسان به دستورات الهی عمل کند.

۳. مؤمن و منافق هر دو به احکامی که به سود آنهاست عمل می کنند، اما تفاوت آن ها در این است که منافقان به احکامی که خلاف میل آن ها یا به زیانشان است عمل نمی کنند، اما مؤمنان راستین همیشه تسلیم دستورات الهی هستند، و گرنه اطاعت از دستوراتی که به سود انسان است، نشانه اطاعت از فرمان الهی نیست.

ص: ۱۴۸

۱- (۱). نام آن دو طایفه یهود را بنی قریظه و بنی نضیر و نام دو قبیله مشرک را اوس و خزرج گفته اند.

۲- (۲). مجمع البیان؛ المنار و تفسیر نمونه ذیل آیه.

در این آیات کیفر کسی که با آیات الهی گزینشی برخورد می کند، رسوایی و عذاب معرفی شده است؛ یعنی کسی که به برخی آیات عمل نمی کند، هم چون کسی است که به تمام آیات عمل نمی کند.

۴. این آیات به یک قانون و سنت الهی اشاره کرده که در مورد یهودیان و همه ملت ها اجرا می شود؛ یعنی هر ملتی که فقط به فکر منافع خویش باشد و قانون گریزی نماید و نسبت به هم کیشان خود گناه و تجاوز روا دارد، پس از مدتی در چنگ ملتی قوی تر اسیر می شود و در دنیا از قله های عزت به درّه های خواری و رسوایی سقوط می کند و در رستاخیز نیز گرفتار عذاب الهی می شود.

۵. از منظر آیات فوق، آسیب های جامعه شناختی ملت ها عبارت اند از:

الف) پیمان شکنی؛

ب) تجاوزگری نسبت به هم کیشان و قتل و تبعید آنان؛

ج) قانون گریزی و عمل نکردن به برخی قوانین الهی.

۶. نکته جالب آن است که در این آیات از تعبیر «خودتان را نکشید!» و «خودتان را تبعید نکنید!» استفاده شده است؛ یعنی برادران دینی شما هم چون خودتان هستند و کشتن برادران دینی، نوعی خودکشی است.

تشبیه قاتلین امام حسین علیه السلام به خونریزان یهود

عن التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله - لما نزلت هذه الآية في اليهود، هؤلاء اليهود [الذين] نقضوا عهد الله، و كذبوا رسل الله، و قتلوا أولياء الله - : أ فلا أنبئكم بمن يضاھئهم من يهود هذه الأمة؟ قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: قوم من أمتي ينتحلون بأنهم من أهل ملتي، يقتلون أفاضل ذريتي، و أطايب أرومتي، و يبدلون شريعتي و سنتي، و يقتلون ولدي الحسن و الحسين، كما قتل أسلاف هؤلاء اليهود زكريا و يحيى.

ألا و إن الله يلعنهم كما لعنهم، و يبعث على بقايا ذراريهم قبل يوم القيامة هاديا مهديا من ولد الحسين المظلوم، يحرفهم بسيوف أوليائه إلى نار جهنم.

ألا و لعن الله قتله الحسين و محبيهم و ناصرهم، و الساكتين عن لعنهم من غير تقيه تسكتهم.

ألا و صلى الله على الباكين على الحسين بن على رحمه و شفقه، و اللاعنين لأعدائهم و الممتمئين عليهم غيظا و حنقا.

ألا و إن الراضين بقتل الحسين شركاء قتله.

ألا و إن قتله و أعوانهم و أشياعهم و المقتدين بهم برآء من دين الله.

ألا- و إن الله ليأمر الملائكة المقربين أن ينقلوا دموعهم المصبوبه لقتل الحسين إلى الخزان في الجنان، فيمزجونها بماء الحيوان، فتزيد في عذوبتها و طيبها ألف ضعفها و إن الملائكة ليتلقون دموع الفرحين الضاحكين لقتل الحسين فيلقونها في الهاويه، و يمزجونها بحميمها و صديدها و غساقها و غسلينها، فتزيد في شده حرارتها و عظيم عذابها ألف ضعفها، يشدد بها على المنقولين إليها من أعداء آل محمد عذابهم». (1)

تحليل

آيه فوق در مورد پيمان شکنی و خون ریزی يهوديان است اما در روايت فوق بر قاتلين امام حسن و امام حسين عليهما السلام تطبيق شده و صريحا آن ها را به همدیگر تشبيه کرده و قاتلين امام حسين عليه السلام را يهوديان امت اسلام خوانده است. شايد بتوان گفت روايت فوق با الغای خصوصیت از آيه و جریان تاریخی يهود، مطلب آيه بر مسلمان نمایان يهودی صفت تطبيق کرده است.

آری قاتلين امام حسين عليه السلام نیز (همچون يهوديان) پيمان الهی و اسلامی خود را در مورد حفظ خون مسلمانان نقض کردند و اقدام به کشتن بهترین مسلمانان بلکه امام مسلمانان یعنی امام حسين عليه السلام کردند و خانواده ایشان را اسير و تبعید کردند.

پیام ها

این آيه با توجه به روايت فوق عظمت مقام امام حسين عليه السلام را نشان می دهد. تا آنجا که امام حسين عليه السلام تشبيه به زکریا عليه السلام و يحيی عليه السلام شده است. و نیز انحراف دشمنان امام حسين عليه السلام را نشان می دهد. تا آنجا که آنان را يهوديان امت خواندند.

ص: ۱۵۰

شبهات های قاتلین امام حسین علیه السلام با یهود

- ۱- پیمان شکنی، همان طور که یهود پیمان الهی را شکستند و خون برادران خود ریختند، دشمنان امام حسین علیه السلام نیز پیمان اسلامی حفظ خون مسلمانان را شکستند.
 - ۲- تکذیب گری، همان طور که یهودیان بخری پیامبران مثل زکریا و یحیی را تکذیب کردند، دشمنان امام حسین علیه السلام نیز امامت ایشان را منکر شدند.
 - ۳- برادر کشی، همان طور که یهودیان پیامبران الهی، زکریا و یحیی را کشتند مسلمان نماها نیز در کربلا امام حسین علیه السلام را کشتند.
 - ۴- دوری از رحمت الهی، همان طور که یهودیان مورد لعنت واقع شدند قاتلین امام حسین علیه السلام نیز مورد لعنت هستند.
 - ۵ - گناه، همان طور که یهودیان گرفتار گناه شدند دشمنان امام حسین علیه السلام نیز گناه کار بودند چون کاری را انجام دادند که بر آن ها حرام بود.
 - ۶- پیروی از بعضی دستورات دینی و ترک برخی دیگر، یهودیان به بخشی از دستورات الهی عمل کردند و برخی را ترک کردند.
- یهودیان امت اسلام نیز به بهانه عمل به دستورات دینی و حمایت از خلیفه (یزید) دستورات دیگر دین را نادیده انگاشتند و بر خلاف خواسته خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام را کشتند و اسیر کردند.

۶- اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام از کلمات الهی

اشاره

بقره/ ۱۲۴. (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ).
و (یاد کنید) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد، و (او به خوبی کار) آزمایش ها را تمام کرد، [خدا به او] فرمود: «در واقع من تو را امام [و پیشوای] مردم قرار دادم.» [ابراهیم] گفت: «و از نسل من (نیز امامانی قرار بده.)» [خدا] فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام از بزرگ ترین پیامبران الهی است و نام ایشان ۶۹ مرتبه و در ۲۵ سوره قرآن آمده است. در این آیه به مهم ترین دوره زندگی قهرمان توحید، یعنی امامت

ایشان، اشاره شده است. حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آزمایش های گوناگون، هم چون انداختن ایشان در آتش، و موفقیت در آنها، از جانب خدا به مقام امامت و پیشوایی مردم برگزیده شد و از خدا خواست که مقام پیشوایی و رهبری، برای فرزندان او موروثی شود.

ولی این درخواست فقط در مورد فرزندان معصوم او پذیرفته شد، نه در مورد همه فرزندان، چرا که همه افراد نسل ابراهیم علیه السلام معصوم نبودند و امامت به افراد ستمگر و گناهکار نخواهد رسید.

۲. مقصود از «کلمات» (۱) که ابراهیم علیه السلام به وسیله آن ها آزموده شد، یک سلسله وظایف سنگین و مشکل بود که خدا بر دوش او گذاشت. همچون: بردن فرزندش اسماعیل به قربانگاه و آمادگی جدی برای قربانی کردن او، گذاشتن زن و فرزند در سرزمین خشک و بی آب مکه، قیام در برابر بت پرستان بابل و شکستن بت های آن ها و دفاع شجاعانه در محاکمه تاریخی آنان و قرار گرفتن در دل آتش و مهاجرت از سرزمین بت پرستان و پشت پا زدن به زندگی عادی خود.

۳. مقام امامت بالاتر از مقام نبوت و رسالت است؛ زیرا مقام امامت پس از نبوت ابراهیم علیه السلام و موفقیت وی در آزمون های مختلف به او بخشیده شد.

آری مقام امامت آخرین سیر تکاملی ابراهیم علیه السلام بود و رسیدن به این مقام نیازمند شایستگی فراوان در همه جهات است که ابراهیم علیه السلام پس از نبوت و اثبات شایستگی به این مقام نایل شد.

منصب امامت چنان مقام بلندی است که خود خدا افراد را به این مقام نصب می کند و رسیدن به این منصب الهی بستگی به شایستگی افراد دارد و منشأ آن وراثت نیست؛ همان طور که لازم نیست هر امامی پیامبر نیز باشد.

۴. به طوری که از آیات و احادیث به دست می آید، نبوت، رسالت و امامت هر سه مأموریت ها و مقاماتی هستند که از طرف خدا به برخی افراد داده می شوند و تفاوت هایی با هم دارند:

ص: ۱۵۲

۱- (۱). واژه «کلمات» جمع «کلمه» و اصل آن «کلم» است که به معنای «تأثیری است که با چشم یا گوش درک می شود». سخن انسان را از آن جهت کلمه گویند که با دلالت بر معانی، در گوش و ذهن انسان تأثیر می گذارد.

الف) مقام نبوت، یعنی دریافت وحی از جانب خدا، بنابراین «نبی» کسی است که وحی بر او نازل می شود.

ب) مقام رسالت، یعنی ابلاغ وحی و تبلیغ و نشر احکام خدا و تربیت مردم از طریق آموزش و آگاهی بخشی؛ بنابراین «رسول» وظیفه دارد در حوزه مأموریت خود انقلابی فرهنگی، فکری و عقیدتی به وجود آورد.

ج) مقام امامت، یعنی رهبری و پیشوایی خلق؛ بنابراین «امام» کسی است که با تشکیل یک حکومت الهی می کوشد تا احکام خدا و عدالت را اجرا کند؛ به عبارت دیگر، وظیفه امام اجرای دستورهای الهی است.

البته امامت معنای بالاتری هم دارد که عبارت است از تربیت و پرورش افراد در ظاهر و باطن و تحقق بخشیدن به اهداف دین و رساندن دیگران به هدف مطلوب، که اعم از هدایت تکوینی و تشریحی است. امام هم چون خورشیدی است که نورش موجودات را پرورش می دهد. (۱)

۵. از مهم ترین شرایط رهبری، «عدالت و حسن سابقه» است؛ از این رو «عهد خدا»، یعنی امامت، به «ظالم» نمی رسد. بر این اساس، آیه فوق یکی از پشتوانه های فکری شیعه در امامت است و در احادیث متعددی برای اثبات امامت و برتری امام علی علیه السلام بدان استناد شده است. (۲) چون او سابقه بت پرستی و شرک - که نوعی ستم به خویش است - (۳) نداشت.

امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی

عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام ، قال: سألته عن قول الله عزّوجلّ: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ) ۴ ما هذه الكلمات؟ قال: «هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه، و هو أنه قال: يا ربّ، أسألك بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين إلا تبت علي فتاب الله عليه إنه هو التّواب الرّحيم».

ص: ۱۵۳

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۸ - ۴۴۰.

۲- (۲). ر.ک: کافی، ج ۱، باب طبقات الانبیاء و الرسل، ح ۱.

۳- (۳). (إِنَّ الشُّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) (لقمان/ ۱۳).

فقلت له: يا بن رسول الله، فما يعني عزّ و جَلّ بقوله: (فَأَتَمَّهُنَّ)؟

قال: «يعني فأتَمهنَّ إلى القائم عليه السلام اثني عشر إماما، تسعه من ولد الحسين عليه السلام»، والخبر. (١)

تحليل

بر اساس روایت فوق پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از مصادیق کلمات الهی هستند که موجب آزمایش حضرت ابراهیم علیه السلام گردیدند و بعد از این آزمایش بود که حضرت ابراهیم علیه السلام علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت نائل شد.

در مورد مقصود این روایت چند احتمال را می توان بیان کرد:

الف) بعد از اینکه در نسل ابراهیم علیه السلام ، پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان از جمله امام حسین علیه السلام را قرار دادند و این مطلب تا دوازده امام از نسل ایشان کامل شد، ابراهیم علیه السلام شایستگی امامت و رهبری جامعه بشری را پیدا کرد.

ب) حضرت ابراهیم علیه السلام از مصیبت هایی که به نسل شایسته او یعنی اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام می رسد آگاه شد و بدین وسیله صبر او را آزمایش کردند، و از آن به بعد حضرت ابراهیم علیه السلام شایسته مقام امامت گردید.

ج) حضرت ابراهیم علیه السلام به وسیله توسّل به اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از آزمایشی سخت نجات یافت و شایسته مقام امامت شد. این مطلب به نوعی در متن روایت فوق اشاره شده است چرا که فرمود مقصود از کلمات در این آیه همان کلماتی است که به حضرت آدم علیه السلام داده شد که ذیل آیه ۳۱ بقره بیان کردیم. در آنجا مقصود توبه آدم و توسّل به اهل بیت علیهم السلام بود.

پیام

از این آیه با توجه به روایت فوق، بار دیگر جایگاه رفیع امام حسین علیه السلام در بارگاه الهی روشن می شود و نیز در روایت فوق به جواز توسّل به امام حسین علیه السلام اشاره گردید.

۷- ایمان به اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام از دستورات الهی

اشاره

بقره / ۱۳۶. (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

١- (١). بحار الانوار، ج ١١، ص ١٧٧.

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ)؛ «بگویند: «به خدا و آنچه بر ما فرود آمده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) فرود آمده، و (نیز) آنچه به موسی و عیسی داده شده، و آنچه به پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم؛ میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم؛ و ما تنها تسلیم او هستیم.»»

بقره/ ۱۳۷. (فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)؛ «و اگر آنان ایمان آورند همانند آنچه (شما) بدان ایمان آورده اید، پس بیقین رهنمون می شوند؛ و اگر روی بر تافتند، پس آنان فقط در جدایی (و ستیز) هستند. و بزودی خدا [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد، و او شنوا [و] داناست.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیه به مسلمانان دستور می دهد که به مخالفان خود بگویند: ما به آیات و حیانی قرآن که بر پیامبر اسلام فرود آمده و به همه پیامبران قبلی و کتاب های آن ها ایمان داریم و فرقی بین آن ها نمی گذاریم؛ زیرا هدف همه آن ها یکی، و آن هدایت بشر در پرتو توحید خالص و حق و عدالت است.

۲. مسلمان واقعی کسی است که به مفاد دعوت همه پیامبران الهی ایمان داشته باشد و این ایمان لازمه تسلیم در برابر خداست؛ زیرا همه آن ها را خدا فرستاده است.

۳. ما فرقی بین پیامبران نمی گذاریم؛ چرا که همه آن ها دارای اصول مشترک اند، هر چند هر یک از آنان در مقطع زمانی خاص خود، وظایف و ویژگی هایی داشته اند؛ یعنی ادیان الهی کلاس های بشر در طول تاریخ، و پیامبران، معلمان این کلاس ها بودند و کامل ترین دین و بالاترین کلاس، اسلام است.

هر «ولی» را نوح و کشتیان شناس صحبت این خلق را طوفان شناس

(مولوی)

۴. ابراهیم علیه السلام دو فرزند به نام اسماعیل و اسحاق علیهما السلام داشت و یعقوب علیه السلام فرزند اسحاق علیه السلام بود که دوازده فرزند داشت که منشأ پیدایش دوازده قبیله بنی اسرائیل بودند. در میان این قبایل پیامبرانی بودند که آیات الهی بر آنان فرود می آمد؛ بنابراین مقصود از «اسباط» (۱) در آیه فوق پیامبران این قبایل هستند که از نسل یعقوب علیه السلام بودند.

ص: ۱۵۵

۱- (۱). واژه «اسباط» در اصل از «سبط» به معنای گسترش آسان چیزی است و به فرزندان و شاخه های فامیل، سبط گویند؛ زیرا نسل را گسترش می دهند.

۵. این آیه به معیار هدایت اشاره می کند که ایمان به خدا و همه پیامبران و کتاب های آسمانی آنان است. آری، اگر کسی هم چون مسلمانان به این امور ایمان داشته باشد، اهل نجات و هدایت است، و گرنه گمراه شده است.

۶. یهودیان و مسیحیان خودشان عقیده واحدی ندارند و اختلافاتی در مورد نبوت عیسی علیه السلام و نیز اختلافات درون گروهی دارند؛ بنابراین مسلمانان از آنان نهراستند که به زودی خدا شَرّ آنان را از مسلمانان دفع می کند.

۳. این آیه نوعی دل داری به مسلمانان است که از بی ایمانی و رویگردانی اهل کتاب نهراستند و از توطئه آنان زیاد نگران نباشند که خدای شنوا و دانا کارهای آنان را تحت نظر دارد و شَرّ آنان را دفع خواهد کرد.

ایمان به امام حسین علیه السلام از مصادیق ایمان به آیات قرآن

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن محمد ابن النعمان، عن سلام، عن أبي جعفر عليه السلام، في قوله تعالى: (آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا). (۱) قال: «إنما عنى بذلك عليا و فاطمه و الحسن و الحسين، و جرت بعدهم في الأئمة عليهم السلام، [ثم] يرجع القول من الله في الناس، فقال: (فَإِنْ آمَنُوا) يعنى (الناس بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ) ۲ يعنى عليا و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمة عليهم السلام: (فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ) ۳. (۲)

تحليل

آیه فوق بر اساس این روایت یکی از مصادیق «ما انزل» بیان شده است چرا که قرآن بر پیامبر اسلام نازل شد، و در این قرآن آیات متعددی به اهل بیت علیهم السلام و جایگاه رفیع آن ها اشاره دارد. (۲) بنابراین هر کس بخواهد به آیات قرآن ایمان کامل داشته باشد ضروری است

ص: ۱۵۶

۱- (۱). بقره/ ۱۳۶.

۲- (۴). الکافی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ العیاشی، ج ۱، ص ۶۲؛ ح ۱۰۷؛ البحار، ج ۲۳، ص ۳۵۵؛ ح ۶ و ج ۲۴، ص ۱۵۲؛ ح ۴۰؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۷۵ و البرهان، ج ۱، ص ۱۵۷، ح ۳.

۳- (۵). مثل آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) آیه اکمال (مائده/ ۳) آیه اولوالامر (نساء/ ۵۹) سوره انسان، کوثر و آیات زیادی که در این نوشتار خواهد آمد.

که به امام حسین علیه السلام و بقیه اهل بیت علیهم السلام ایمان داشته باشد و در این صورت است که شخص هدایت کامل شده است.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که ایمان به امام حسین علیه السلام جزئی از ایمان به قرآن است و هر کس می خواهد هدایت شود به حسین علیه السلام ایمان آورد.

۸- امام حسین علیه السلام گواه و الگوی امت امام

اشاره

بقره/ ۱۴۳. (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسِيًّا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ)؛ «و بدین گونه شما را گروهی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید؛ و فرستاده [خدا] بر شما گواه باشد. و قبله [بیت المقدس] را که (چندی) بر آن بودی، قرار ندادیم جز برای آنکه کسی که از فرستاده [خدا] پیروی می کند، از کسی که [از عقیده خود] بر می گردد، معلوم داریم. و مسلماً این [حکم] دشوار بود، جز بر کسانی که خدا [آنها را] راهنمایی کرده است. و خدا هرگز ایمان شما را تباه نمی گرداند؛ [چرا] که قطعاً خدا، [نسبت] به مردم، مهربانی مهرورز است.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. واژه «وَسِيًّا» در لغت به معنای «حد متوسط میان دو چیز» و نیز به معنای «زیبا، جالب، عالی و شریف» آمده است؛ و ظاهراً هر دو به یک حقیقت باز می گردد؛ زیرا معمولاً شرافت و زیبایی در آن است که چیزی از افراط و تفریط به دور باشد و در حد اعتدال قرار گیرد.

۲. واژه «شُهَدَاءَ» به معنای گواه بودن امت اسلامی بر مردم جهان است، همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله گواه بر مسلمانان است. این تعبیر ممکن است به معنای اسوه و الگو به کار رفته باشد؛ چرا که گواهان و شاهدان همیشه از بین افراد نمونه انتخاب می شوند. (۱)

ص: ۱۵۷

۱- (۱). واژه «شُهَدَاءَ» جمع مکسر «شهید» و در اصل از شهادت به معنای گواهی دادن است. گاهی انسان با سخن گفتن بر چیزی گواهی می دهد و گاهی با عمل و کشته شدن. «شُهَدَاءَ» در قرآن غالباً به معنای گواهان بر اعمال اند و گاهی به شهیدان

در راه خدا اطلاق می شود.

۳. برای الگو بودن دو شرط «عدالت و آگاهی» لازم است و این دو شرط در همه انسان ها وجود ندارد؛ بنابراین همه شاهد نیستند. در روایات آمده است که مقصود از گواهان، امامان معصوم علیهم السلام هستند. (۱) البته این گونه احادیث به مصداق های کامل گواهان اشاره دارند.

۴. مسلمانان از هر نظر ملتی معتدل و میانه هستند. آنان در عقیده خود معتدل اند، نه راه غلو می پویند و نه راه تقصیر و شرک، نه طرف دار جبر هستند نه آزادی مطلق؛ از نظر اخلاقی، نه دنیا زده اند و نه تارک دنیا؛ از نظر اجتماعی، نه مردمی بسته و جدای از ملت های دیگرند و نه اصالت و استقلال خود را از دست می دهند؛ از نظر علمی نیز، نه راه دانش دیگران را به سوی خود بسته اند و نه خودباخته هر ندایی می شوند.

البته این اعتدال، براساس مقتضای اسلام است و ممکن است برخی از مسلمانان از آموزه های اسلامی پیروی نکنند و این گونه نباشند.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

۵. دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون نسخه های پزشکی است که هر کدام در جای خود نیکو و ضامن سعادت و تکامل انسان است؛ بنابراین، تغییر قبله موجب ضایع شدن ایمان نمی شود و مشکلی در عبادات گذشته و آینده ایجاد نمی کند.

۶. در ابتدای پیدایش اسلام، خانه کعبه کانون بت های مشرکان بود؛ از این رو دستور داده شد که مسلمانان موقتاً به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و بدین ترتیب صفوف خود را از مشرکان جدا کنند اما هنگامی که مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند و تشکیل حکومت و ملت دادند، دیگر صفوف آن ها کاملاً از دیگران جدا شد و ضرورتی نداشت اقامه نماز به طرف بیت المقدس ادامه یابد و دستور داده شد که به سوی کعبه که قدیمی ترین مرکز توحید بود باز گردند. (۲)

۷. با تغییر قبله که آزمایشی بزرگ برای مسلمانان بود، روشن شد که چه کسانی تسلیم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و چه کسانی متزلزل اند و با اندک بهانه ای به کفر بازمی گردند.

ص: ۱۵۸

۱- (۱). ر.ک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۳ - ۴۸۷.

۸. توجه خاص مسلمانان به تعیین قبله و سمت کعبه سبب شد که علم هیئت و جغرافیا در بین مسلمانان به سرعت رشد کند؛ چرا که محاسبه سمت قبله در نقاط مختلف زمین بدون آشنایی با این علوم امکان نداشت و این یکی از برکات تعیین قبله برای مسلمانان بود.

۹. در این جا این پرسش مطرح می شود که اگر خدای متعال از گذشته و آینده همه چیز باخبر است، پس جمله «تا بدانیم» در مورد او چه معنایی دارد؟

پاسخ آن است که خدا عالم است اما علم او دو گونه است: «آگاهی از امور» و «تحقق یافتن عینی آن» که در این جا مقصود گونه دوم علم است؛ یعنی می خواهد آنچه را می داند معلوم دارد و در خارج محقق سازد.

همان طور که مهندس ساختمان پس از طرح نقشه آن را اجرا می کند، تا نتیجه کار خود را ببیند و بداند. (۱)

۱۰. از این آیه استفاده می شود که افراد سست ایمان که هدایت کامل نیافته اند تعبد کم تری دارند و پذیرش تغییرات برای آنان مشکل است.

امام حسین علیه السلام مصداق «شهید» (کواه و الكوا)

عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسِيًّا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) ۲ قال: أبو جعفر عليه السلام: منا شهيد على كل زمان على بن أبي طالب في زمانه و الحسن في زمانه و الحسين في زمانه و كل من يدعو منا إلى أمر الله. (۲)

تحلیل

روایت فوق مصادیق کامل «شهداء» در آیه را بیان می کند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ، امامان اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هستند. یعنی دلالت آیه بر امام حسین علیه السلام از باب جری و تطبیق است که در روایت بیان شده است.

ص: ۱۵۹

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۹.

۲- (۳). الفرات، ج ۱، ص ۶۲، ح ۲۷ و البحار، ج ۲۳، ص ۳۳۷، ح ۷.

امام حسین علیه السلام گواه و الگوی امت اسلام است که هرگاه شرایطی مثل شرایط زمان آن حضرت فراهم شود که دین اسلام در خطر قرار گیرد بر هر کس لازم است که همانند امام حسین علیه السلام قیام و فداکاری کند.

۹- انتقام از دشمنان امام حسین علیه السلام :

اشاره

بقره/ ۱۹۳. (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ) ؛ «و با آن ها پیکار کنید؛ تا اینکه آشوبگری باقی نماند، و دین، فقط برای خدا باشد و اگر خودداری کردند، پس هیچ تجاوزی جز بر ستمکاران [روا] نیست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. هدف اسلام از جنگ، کشور گشایی، فرمانروایی، به دست آوردن غنایم جنگی، تهیه بازارهای تجارتي، به دست آوردن مواد خام و یا برتری بخشیدن به یک نژاد خاص نیست.

هدف از جهاد اسلامی پیروزی دین خدا، یعنی اجرای دستورات او و جلب خشنودی پروردگار و برقرار کردن عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با فتنه گری، ستمکاری، گمراهی، شرک و بت پرستی است.

۲. جهاد در اسلام به دو نوع اساسی تقسیم می شود:

الف) جهاد دفاعی در برابر دشمنان: گاهی جنگ بر فرد یا گروهی تحمیل می شود و آنان مورد تجاوز و هجوم قرار می گیرند. در این مورد تمام قوانین آسمانی و بشری به انسان حق می دهند که برای دفاع از خویش به پاخیزد و پیکار کند و این حق طبیعی انسان است. این نوع جنگ ها را جهاد دفاعی می نامند. جنگ «أحزاب»، «أحد»، «موتة»، «تبوک»، «حنین» و برخی دیگر از جنگ های صدر اسلام از این قسم بودند و جنبه دفاعی داشتند.

ب) جهاد ابتدایی آزادی بخش: خدای متعال برنامه های سعادت و آزادی و تکامل انسان را توسط پیامبران خود به مردم ابلاغ می کند. حال اگر فرد یا گروهی مانع راه پیامبران شوند و مردم را از شنیدن ندای حق محروم سازند، حق طلبان اجازه دارند که نخست از راه های مسالمت آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به زور و جهاد این موانع را برطرف سازند و برای فراهم ساختن مقدمات آزادی فکری بشر از هر وسیله ای استفاده کنند؛ و در این جاست که ضرورت جهاد ابتدایی روشن می گردد.

برای مثال، چنانچه در جامعه ای شرک و بت پرستی حاکم گردد، اسلام - هر چند عقاید مخالفان خود از یهودیت و مسیحیت را تحمل می کند و حتی به طرف داران آن ها اجازه می دهد که طبق قراردادی در جامعه اسلامی زندگی کنند - بت پرستی را تحمل نمی کند چرا که ریشه صحیحی ندارد و در واقع نوعی خرافه و انحراف، بلکه نوعی بیماری فکری و اخلاقی است؛ از این رو اسلام با مسالمت و از طریق استدلال با آن مبارزه می کند و اگر میسر نشد، با دستور جهاد ابتدایی ریشه این نوع بیماری ها و خرافات را برمی اندازد. (۱)

۳. در این آیه بار دیگر یادآور می شود که اسلام جنگ طلب نیست و اگر دشمنان دست از مبارزه برداشتند، مسلمانان نیز به جنگ پایان دهند و به آن ها تجاوز نکنند؛ البته حساب ستمکارانی که مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند جداست و باید به کیفر اعمال خود برسند.

دشمنان امام حسین علیه السلام مصادیق ستمکاران

عن أحدهما عليهما السلام ، قال: قلت: (فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ) ۲ قال: «لا يعتدى الله سبحانه على أحد، إلا على نسل قتله الحسين عليه السلام». (۲)

عن الهروي، قال: قلت لأبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله، ما تقول في حديث روى عن الصادق عليه السلام، أنه قال: «إذا قام القائم عليه السلام قتل ذراري قتله الحسين عليه السلام بفعل آبائهم؟» فقال عليه السلام: «هو كذلك».

قلت: فقول الله عز وجل: (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) ۴ ما معناه؟ فقال: «صدق الله في جميع أقواله، لكن ذراري قتله الحسين عليه السلام يرضون أفعال آبائهم، و يفتخرون بها، و من رضى شيئا كان كمن أتاه، و لو أن رجلا قتل في المشرق فرضى بقتله رجل في المغرب، لكان الراضى عند الله عز و جل شريك القاتل، و إنما يقتلهم بالقائم عليه السلام إذا خرج لرضاهم بفعل آبائهم».

ص: ۱۶۱

۱- (۱). ر.ك: تفسير نمونه، ج ۲، ص ۱۵ - ۱۶.

۲- (۳). العياشي، ج ۱، ص ۸۷، ح ۲۱۶؛ البحار، ج ۴۵، ص ۲۹۸، ح ۹؛ تفسير الصافي، ج ۱، ص ۲۱۰ و البرهان، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۴.

قال: فقلت له: بأى شىء يبدأ القائم عليه السلام فيهم إذا قام عليه السلام؟ قال: «يبدأ ببني شيبه و يقطع أيديهم، لأنهم سراق بيت الله عز وجل». (١)

تحليل

این روایت یکی از مصادیق مهم «ظالمین را برشمرده است که همان دشمنان امام حسین علیه السلام هستند که گروهی در کربلا حاضر شدند و گروهی تا آخرالزمان به کارهای قاتلین آن حضرت راضی هستند از این رو در کار آنان شریک هستند. بنابراین هنگامی که فتنه ها از جهان کاملاً برطرف شود و حکومت جهانی مهدی برپا شود باز هم افراد ستمکار رها نمی شوند و به مجازات می رسند و دشمنان امام حسین علیه السلام از مصادیق این ستمکاران هستند که در آیه آمده است.

پیام

این آیه با توجه به روایات فوق نشان می دهد که خط یزیدیان و حسینیان تا آخرالزمان ادامه دارد و نیز نشان می دهد که دشمنان امام حسین علیه السلام ستمکارانی هستند که لازم است مجازات شوند تا عبرت دیگران گردند.

۱۰- خویشاوندان راستین پیامبر در قرآن

اشاره

(وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (انفال / ۷۵)؛ «و کسانی که بعد از [آن] ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد نموده اند، پس آنان از شما هستند؛ و خویشاوندان، برخی آنان، نسبت به برخی [دیگر] در کتاب خدا، سزاوارترند. برآستی که خدا به هر چیزی داناست».

نکته ها و اشاره ها

۱. جامعه اسلامی، یک جامعه مداربسته و انحصاری نیست، بلکه درهای آن به سوی همه مؤمنان و مهاجران و مجاهدان آینده نیز گشوده است و همگی جزء جامعه اسلامی به شمار می آیند.

ص: ۱۶۲

۱- (۱). علل الشرایع، ص ۲۲۹، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳؛ البحار، ج ۴۵، ص ۲۹۵، ح ۱ و ج ۵۲، ص ۳۱۳، ح ۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۱۰ و البرهان، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۵.

۲. قانون ارث در زمان جاهلیت عرب از سه راه «فرزند پسر بودن»، «پسرخواندگی» و «پیمان» بود. در آغاز اسلام نیز به همین روش عمل می شد تا این که قانون «برادری اسلامی» جای آن را گرفت و تنها مهاجران و انصار، که با یک دیگر پیمان برادری بسته بودند، از یک دیگر ارث می بردند و بعد از مدتی ارث اسلامی به خویشاوندان نسبی و سببی تعمیم یافت و قانون نهایی ارث فرود آمد. (۱)

۳. این آیه به معنایی گسترده از ولایت و اولویت خویشاوندان نسبت به یک دیگر اشاره می کند که شامل مصادیقی هم چون ارث بردن خویشاوندان از هم، اولویت افراد در احکامی مثل غسل دادن میت و حتی جانشینی امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله می شود؛ از این رو در برخی احادیث در مورد امامت فرزندان امام حسین علیه السلام نیز به این آیه استدلال شده است. (۲)

امام حسین علیه السلام از مصادیق اولوالارحام

در حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل شده که حضرت در مورد آیه (وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ)؛ (۳) «و خویشاوندان، برخی از آنان نسبت به برخی [دیگر]، در کتاب خدا، سزاوارترند» و... فرمودند: از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تأویل آیه پرسیدم و ایشان فرمودند: به خدا سوگند غیر از شما (اهل بیت علیهم السلام) قصد نشده است. شما خویشاوندان هستید هنگامی که من از دنیا رفتم پدرت علی اولی به من و جایگاه من است. و هنگامی که پدرت از دنیا رفت برادرت حسن اولی به آن است و هنگامی که حسن از دنیا رفت تو اولی به آن هستی.

عرض کردم یا رسول الله بعد از من چه کسی اولی به من است؟

حضرت فرمود: فرزندان علی سپس فرزندان محمد سپس فرزندان جعفر سپس فرزندان موسی، سپس فرزندان علی سپس فرزندان محمد سپس فرزندان علی، سپس

ص: ۱۶۳

۱- (۱). در آیه فوق و آیه ۶ سوره ی احزاب بدین قانون اشاره شده است (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۶۶).

۲- (۲). تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳- (۳). انفال / ۷۵.

فرزندش حسن سپس فرزندش نهم از فرزندان که غایب می شود. اینان اولی به این جایگاه هستند و خدا به آنان علم من و فهم من را عطا کرده و طینت آنان از طینت من است چقدر مردمی که مرا در مورد آنان اذیت می کنند خدا شفاعت مرا به آنان نرساند. (۱)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابُو بَكْرٍ بْنُ هَارُونَ الدِّينَوْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمِصْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبرَاهِيمَ الْغِفَارِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَدَّاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى هَذِهِ آيَةَ: (وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) ٢ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَنْ تَأْوِيلِهَا فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عَنَى بِهَا غَيْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ أَوْلُو الْأَرْحَامِ، فَإِذَا مِتُّ فَأَبُوكَ عَلَيَّ أَوْلَى بِي وَبِمَكَانِي، فَإِذَا مَضَى أَبُوكَ فَأُخُوكَ الْحَسَنُ أَوْلَى بِهِ، فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَأَنْتَ أَوْلَى بِهِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ بَعْدِي أَوْلَى بِي؟

قَالَ ابْنُكَ عَلَيَّ أَوْلَى بِكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِذَا مَضَى فَأَبْنُكَ مُحَمَّدٌ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَأَبْنُكَ جَعْفَرٌ أَوْلَى بِهِ بِمَكَانِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَأَبْنُكَ مُوسَى أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَأَبْنُكَ عَلِيُّ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَأَبْنُكَ مُحَمَّدٌ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ؛ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَأَبْنُكَ عَلِيُّ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَأَبْنُكَ الْحَسَنُ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِكَ، فَهَذِهِ الْأَيْمَةُ الشَّيْخَةُ مِنْ صُلْبِكَ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي، طَيَّبْتُهُمْ مِنْ طِينَتِي، مَا لِقَوْمٍ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي». (۲)

تحليل

این حدیث مصداق کامل «اولوالارحام» خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را بر می شمارد یعنی در این حدیث امام حسین علیه السلام توضیح و تفسیر آیه را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند و جالب این است که نام دوازده امام علیهم السلام را می برد.

ص: ۱۶۴

- ۱- (۱). بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۳، ح ۲۰۹ و تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۵ و ...
- ۲- (۳). کفایه الأثر، ص ۱۷۵؛ اثباه الهداه، ج ۲، ص ۵۴۵، ح ۵۵۲؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۵ و بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۴۳۴، ح ۲۰۹.

یادآوری: تفسیر این آیه در آیات مربوط به امام حسین علیه السلام نیز ذکر شده که در آن قسمت به صورت کامل مورد بررسی قرار می دهیم.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او از خویشاوندان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

۲- امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او اولی به مقام و خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

۱۱- لزوم محافظت اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام

اشاره

بقره/ ۲۳۸. (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ)؛ بر [انجام] نمازها و [بخصوص] نماز میانه [ظهر] مواظبت کنید؛ و برای خدا (فروتانه و) فرمانبردارانه به پا خیزید.

شان نزول

حکایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گرمای نیم روز نماز (ظهر) را با جماعت برپا می کرد و این کار برای (برخی) یاران او سنگین بود. آیه فوق فرو فرستاده شد و اهمیت نماز را به طور کلی و به ویژه نماز ظهر را گوشزد کرد. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در مورد «صلاة وسطی» (نماز میانه) مفسران احتمالات مختلفی داده اند. با توجه به ظاهر آیه و شان نزول و روایاتی که در این زمینه حکایت شد، (۲) روشن می شود که مقصود همان نماز ظهر است که اهمیت ویژه ای دارد. البته در برخی احادیث به باطن آیه اشاره شده که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند (۳) (در ادامه این روایت خواهد آمد)

۲. واژه «قانتین» به معنای «پیروی و اطاعت کردن» و نیز به معنای «خضوع و خشوع» در نماز می آید و روایاتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که این واژه در این آیه را به هر دو معنا تفسیر کرده اند؛ پس آیه فوق دستور می دهد که نماز را از روی اطاعت و با فروتنی به جا آورید (و با کسالت و اجبار به سوی نماز نروید). فروتنی با انگیزه اطاعت، عامل روانی

ص: ۱۶۵

۱- (۱). مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- (۲). تفسیر نورالثقلین و البرهان و مجمع البیان ذیل آیه فوق.

۳- (۳). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸.

مهمی در زمینه محافظت بر نماز و اهمیت دادن به آن است. (۱)

۳. واژه «حفاظت» در مورد چیزهای ارزشمند به کار می رود که ترک حفاظت آن موجب زیان و خسارت باشد. نماز نیز احتیاج به حفاظت دارد؛ چرا که فراموشی و سهل انگاری در به جا آوردن نماز موجب خسارت است.

امام حسین علیه السلام باطن نماز در قرآن

عن أبي عبد الله عليه السلام ، في قوله: (حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ). ۲

قال: «الصلوات: رسول الله صلى الله عليه وآله وأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام والوسطى: أمير المؤمنين (و قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) طائعين للأئمة». (۲)

تحلیل

قرآن دارای ظاهر و باطن است در ظاهر این آیه به نمازهای روزانه از جمله نماز ظهر اشاره دارد اما باطن آیه براساس روایت فوق به اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام اشاره دارد. شاید در این روایت با الغاء خصوصیت از نماز به حالت پیوند بین خالق و مخلوق توجه شده است که همان طور که نماز عامل این پیوند است، اهل بیت علیهم السلام نیز عامل این پیوند هستند. بنابراین امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق باطنی آیه است که لازم است در مورد اهل بیت علیهم السلام و ایشان حفاظت لازم به عمل آید و از دستورات آن ها اطاعت کنند.

پیام

از این آیه با توجه به روایت فوق استفاده می شود که امام حسین علیه السلام همچون نماز عامل پیوند مردم با خداست که لازم است مردم در مورد ایشان محافظت لازم را به عمل آورند و از حسین علیه السلام غافل نشوند و از دستورات ایشان اطاعت کنند.

۱۲- امام حسین علیه السلام و فرزندان معصومش دستگیره محکم الهی

اشاره

بقره/ ۲۵۶. (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ

ص: ۱۶۶

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ «هیچ اکراهی در (پذیرش) دین نیست، (چرا که) یقین (راه) هدایت از گمراهی، روشن شده است. بنا بر این کسی که به (معبود) طغیانگر کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، پس یقین به دستاویزی استوار تمسک جسته است، که هیچ گسستنی برایش نیست. و خدا شنوای داناست».

شأن نزول

حکایت شده که یکی از اهالی مدینه به نام «حَصَّيْن» دو پسر داشت که تحت تأثیر بازرگانان منطقه شام قرار گرفتند و مسیحی شدند و حتی تصمیم گرفتند که به همراه بازرگانان به طرف شام (سوریه فعلی) رهسپار گردند.

حصین که از این جریان سخت ناراحت شده بود، ماجرا را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اطلاع داد و از حضرت خواست که آنان را به اسلام باز گرداند و سؤال کرد که آیا می توانم آنان را به اجبار به مذهب خویش باز گردانم؟ (۱)

به دنبال این ماجرا آیه فوق فرو فرستاده شد و بیان کرد که: در گرایش به مذهب، اجبار و اکراهی نیست. (۲)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. پس از بیان آن همه دلایل روشن و استدلال های منطقی و معجزات آشکاری که پیامبران آورده اند، نیازی به تحمیل دین نیست؛ چرا که راه رشد و هدایت از راه انحراف جدا شده و آشکار گشته است (۳) و هر کس می تواند راه خود را انتخاب کند و اصولاً رشد و کمال انسان در سایه آزادی او تحقق می یابد.

۲. دین و مذهب نمی تواند تحمیلی و اجباری باشد؛ (۴) چرا که دین از یک سلسله

ص: ۱۶۷

۱- (۱). برخی مفسران نقل کرده اند که دو فرزند حصین به عنوان شکایت از پدر نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمدند و حصین گفت: من چگونه به خود اجازه دهم که فرزندانم وارد آتش گردند (تفسیر المنار، ذیل آیه).

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰۴ و مجمع البیان، ذیل آیه.

۳- (۳). واژه «رُشد» از نظر لغت به معنای «راه یابی و رسیدن به واقع» (هدایت) است و واژه «عَيَّ» به معنای «انحراف پیدا کردن از حقیقت» و «دور شدن از واقع» (گمراهی) است.

۴- (۴). واژه «اکراه» در اصل از ماده «کره» است که اگر در مقابل واژه «حُب» یا هم معناهای آن استعمال شود به معنای ناخشنودی و ناخوشایندی است و اگر در برابر «اختیار» استعمال شود به معنای «اجبار» است.

اعتقادات قلبی ریشه می گیرد و زور و شمشیر و قدرت نظامی می تواند در اعمال و حرکات جسمانی انسان اثر کند، اما در افکار و اعتقادات بشر اثری ندارد.

۳. اکراه و اجبار در اصل پذیرش دین نیست، ولی هرگاه کسی دینی را پذیرفت، لوازم و احکام آن را نیز پذیرفته است و باید ملتزم به آن ها باشد.

پس اگر کسی اسلام را پذیرفت، باید احکام شخصی و اجتماعی آن را رعایت کند و به اعمال علنی خلاف قانون مثل شراب خواری و سرقت اقدام نکند؛ چرا که در اسلام ممنوع است.

۴. اسلام که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد؛ و آیه فوق پاسخی است به کسانی که تصور می کنند اسلام در برخی از موارد جنبه تحمیلی و اجباری داشته است. (۱)

۵. اسلام دین آزادی است و اکراهی در آن نیست، ولی در برخی موارد جنگ و توسل به زور را پذیرفته است که عبارت اند از:

الف) جهاد دفاعی در مقابل کسانی که به مسلمانان حمله می کنند.

ب) جهاد برای کسب آزادی تبلیغ تا مردم بتوانند با شنیدن حق، آزادانه راه و عقیده خود را انتخاب کنند.

ج) جهاد برای محو آثار شرک و بت پرستی، چرا که از نظر اسلام بت پرستی یک دین نیست بلکه یک انحراف و بیماری و خرافه است که باید سرکوب شود تا زنجیرهای اسارت از فکر انسان ها زدوده شوند. (۲)

۶. واژه «طاغوت» به معنای تعدی و تجاوز از حدّ است؛ از این رو به هر چیزی که وسیله ای برای تجاوز از حدّ شود، طاغوت می گویند؛ مثل شیطان، بت، تجاوزگران، ستمگران متکبر و هر معبودی غیر از خدا که موجب انحراف گردد. و مقصود از طاغوت در آیه فوق همین معنای عام است. (۳)

ص: ۱۶۸

۱- (۱). ر.ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰۶ - ۲۰۸.

۳- (۳). «طاغوت» صیغه مبالغه از «طغیان» به معنای «تجاوز از حدّ» است.

۷. تا زمانی که طاغوت ها نفی نشوند، توحید جلوه گر نمی شود؛ اول کفر و انکار طاغوت لازم است و بعد ایمان به خدا؛ همان گونه که در کلمه «لا إله إلا الله» نیز اول نفی معبودهای دروغین و سپس اعتراف به معبود حقیقی آمده است و این شرط ورود به اسلام است.

۸. واژه «عروه الوثقی» یعنی دستگیره محکم، کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، از نظر روانی و روحی نیرویی در وجود او پدید می آید که از نمودهای دستگیره محکم الهی است. در روایات آمده است که از مصادیق «عروه الوثقی» اتصال به اولیای خدا و امامان اهل بیت علیهم السلام است و از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شد که به علی علیه السلام فرمود: تو دستگیره محکم هستی. (۱)

البته دستگیره ای که انسان به آن دست می یازد، باید محکم باشد ولی محکم گرفتن آن نیز شرط است.

امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الأئمة من ولد الحسين، من أطاعهم فقد أطاع الله، ومن عصاهم فقد عصى الله، هم العروه الوثقى، وهم الوسيله إلى الله عز وجل». (۲)

عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أراد أن يتمسك بعروه الله الوثقى ألتى قال الله عز وجل في كتابه فليتوال على بن أبي طالب والحسن والحسين فإن الله تبارك وتعالى يحبهما من فوق عرشه. (۳)

تحلیل

در آیه فوق ایمان به خدا را دستگیره محکم الهی معرفی کرده است و در روایات فوق الذکر مصادیق این دستگیره را ذکر کرده است که از جمله آن ها امام حسین علیه السلام و امامان بعد از ایشان هستند که ایمان عملی به آنان یعنی پیروی از آن ها موجب می شود که انسان در مسیر ایمان الهی قرار گیرد. هر کس نافرمانی آنان کند خدا را نافرمانی کرده است چرا

ص: ۱۶۹

۱- (۱). «انت العروه الوثقى» تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲- (۲). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۱۶؛ البحار، ج ۳۶، ص ۲۴۴، ح ۵۴؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۶ و نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۰۵۷.

۳- (۳). کامل الزیارات، ج ۵۱، ص ۶ و البحار، ج ۴۳، ص ۲۷۰، ح ۳۱.

که آنان دستورات الهی را ابلاغ می کنند. آری آنان وسیله نزدیکی مردم به خدا هستند.

پیام

از این آیه با توجه به روایات فوق استفاده می شود که امام حسین علیه السلام و پدرش و فرزندان معصومش دستگیره های محکم الهی هستند. هر کس می خواهد به دستگیره الهی چنگ زند و نجات یابد به حسین علیه السلام تمسک جوید و از او پیروی کند.

۱۳- امام حسین علیه السلام و فرزندانش خوشه های درخت کوثر:

اشاره

بقره / ۲۶۱. (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سِنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)؛ «مثال کسانی که اموالشان را در راه خدا مصرف می کنند، همانند مثال دانه ای است که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه ای، صد دانه باشد؛ و خدا [آن را] برای هر کس بخواهد دو [یا چند] برابر می کند؛ و خدا گشایشگری داناست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. یکی از راه های آموزش و تربیت انسان ها، استفاده از تشبیه و تمثیل است و قرآن کریم بارها از این شیوه آموزشی برای بیان بهتر مطالب استفاده کرده است و در آیه فوق نیز برای بیان عظمت انفاق و پاداش آن و تأثیر آن در رشد انفاق کننده، آن را به دانه ای تشبیه می کند که در زمین کشت می کنند و هفت خوشه می رویاند که بر هر خوشه صد دانه است. آری، هر چه در راه خدا بخشیده شود، هفتصد برابر می شود.

۲. منظور از انفاق در این آیه، مصرف اموال در راه جهاد یا بخشش به مردم و انجام کارهای نیک است و شامل هر مصرف نیکی می شود و در روایات نیز به عمومیت معنای آیه اشاره شده است. (۱)

۳. افراد انفاق کننده به دانه تشبیه شده اند، در حالی که باید انفاق آن ها به دانه تشبیه شود، نه خود آنان.

این مطلب اشاره به آن است که عمل هر انسان پرتوی از وجود اوست و هر قدر عمل

ص: ۱۷۰

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳۴ و مجمع البیان، ذیل آیه (البته برخی مفسران، انفاق در این آیه را مخصوص جهاد می دانند، ولی عبارت آیه مطلق است و احادیث مذکور شاهدی برای عدم اختصاص است).

توسعه پیدا کند، در حقیقت وجود انسان توسعه یافته است؛ یعنی انفاق کنندگان و نیکوکاران هم چون بذره‌های پرثمری هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خویش می‌گیرند.

۴. تشبیه به هفتصد دانه یک تشبیه واقعی است نه فرضی؛ چرا که در برخی مناطق، گندم‌هایی رشد می‌کند که از هر بوته اش بیش از هزار دانه گندم می‌روید؛ (۱) و پاداش انفاق در راه خدا نیز واقعی است؛ یعنی خدا به اموالی که در راه او بخشش می‌شود هفتصد برابر برکت و پاداش می‌دهد.

۵. آیه فوق اشاره می‌کند که انفاق زمانی ارزشمند است که در راه خدا و مستمر باشد؛ (۲) بنابراین، بخششی که برای ریاکاری و بدون نیت خالص باشد ارزش ندارد و بخشش مقطعی نیز ارزش کم‌تری دارد.

۶. امروزه برخی مردم در کمال فقر و تهی دستی به سر می‌برند و عده‌ای دیگر که ثروتمندند باز هم به انباشت اموال مشغول‌اند. این فاصله طبقاتی روز به روز بیش‌تر می‌شود و با این که دانشمندان و مکتب‌های اقتصادی جهان همواره به فکر چاره‌اند اما هنوز این مشکل حل نشده است.

یکی از اهداف اسلام، رفع اختلافات غیر عادلانه اجتماعی است و وجوب مالیات‌های اسلامی، مثل زکات و خمس و تشویق به انفاق، وقف و قرض الحسنه در همین راستاست؛ بنابراین آیه فوق دستوری نجات‌بخش برای بشریت امروز است.

۷. در جمله آخر آیه اشاره به وسعت علم و قدرت پروردگار و آگاهی او از همه چیز شده است، تا انفاق کنندگان بدانند که او، هم از عمل و نیت آن‌ها آگاه است و هم قادر است همه‌گونه برکت به آن‌ها بدهد.

ص: ۱۷۱

۱- (۱). در برخی مطبوعات گزارش شد که در یک سال پرباران در بوشهر ایران، بوته‌های گندمی روید که در هر بوته حدود چهار هزار دانه گندم بود. و نیز به گزارش تفسیر مراغی، در مصر هم وجود این خوشه‌ها تأیید شده است (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳۵).

۲- (۲). واژه «ینفقون» مضارع است و دلالت بر استمرار دارد.

امام حسین علیه السلام و فرزندانش باطن خوشه های پربار در قرآن

عن المفضل بن محمد الجعفی، قال: سألت أبا عبد الله عن قول الله: (كَمْثَلِ حَبِّهِ أَنْبَتُ سَبْعِ سِنَابِلٍ). ١ قال: «الحبه: فاطمه عليها السلام، و السبع سنابل: سبعة من ولدها، سابعهم قائمهم».

قلت: الحسن عليه السلام؟ قال: «الحسن إمام من الله مفترض طاعته، و لكن ليس من السنابل السبعة، أولهم الحسين عليه السلام، و آخرهم القائم».

فقلت: قوله: (فِي كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ). ٢ قال: يولد الرجل منهم في الكوفة مائة من صلبه، و ليس ذلك إلا هؤلاء السبع». (١)

تحلیل

قرآن دارای ظاهر و باطنی است، ظاهر آیه فوق بخشش اموال است اما بر اساس روایت فوق باطن آیه شامل افراد نیز می شود، حضرت فاطمه علیها السلام دانه کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در راه خدا کشت شد و خوشه ای پربار همچون حسین علیه السلام از او متولد شد که امامان معصوم از نسل ایشان پدید آمد. شاید در روایت فوق از ظاهر مالی آیه الغاء خصوصیت شده که شامل هر موجود پربرکت گردد که در این صورت فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام و فرزندان از مصادیق مهم باطن آیه است. چرا که تاکنون علاوه بر امامان معصوم علیهم السلام ده ها میلیون نفر سادات از نسل فاطمه علیها السلام پدید آمده اند. لازم به ذکر است که کلمه «هفت» و «ضد» در این آیه برای مبالغه است. از این رو اگر در روایت بر فرزندان امام حسین علیه السلام تا امام عصر علیه السلام تطبیق شده است عدد حقیقی مراد نبوده است.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که امام حسین علیه السلام شجره پربرکتی است از نسل کوثر فاطمه علیها السلام که شاخه ها و فروع زیادی داشته و خواهد داشت.

دوم: سوره آل عمران

اشاره

ص: ۱۷۲

۱- (۳). العیاشی، ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۴۸۰؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۱۱۰۶ و کنزالدقائق، ج ۲، ص ۴۳۵.

آل عمران / ۷. (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ)؛ «او کسی است که بر تو، [این] کتاب را فرو فرستاد؛ که قسمتی از آن آیات «محکم» است، که آن ها اساس این کتابند. و قسمتی دیگر متشابهاتند. و امّا کسانی که در دل هایشان کژی است پس برای فتنه جویی و طلب باز گرداندنش (به دلخواه خود) به دنبال متشابهات آن می روند. و حال بازگشتگاه (مقاصد)ش را جز خدا و استواران در دانش نمی دانند. (آنان که) می گویند: «به آن [قرآن] ایمان آوردیم، همه (آیات محکم و متشابه) از جانب پروردگار ماست،» و جز خردمندان یاد آور نمی شوند».

شان نزول

داستان نزول این آیه به دو صورت حکایت شده است:

نخست این که برخی از یهودیان با استفاده از حساب ابجد و حروف مقطعه «الم» خبر می دادند که دوران بقای امت اسلام هفتاد و یک سال است و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اعتراض کردند و آیه فوق نازل شد. (۱)

دوم آن که برخی مسیحیان با دست آویز قراردادن برخی از تعبیرات قرآن (مثل کلمه الله) در مورد حضرت مسیح علیه السلام، می خواستند برای مسأله تثلیث و خدا بودن عیسی علیه السلام سوء استفاده کنند و آیات صریح قرآن را نادیده انگارند. آیه فوق نازل شد (۲) و به آنان پاسخ داد.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از آیات محکم، آیاتی است که دارای مفهوم روشن است، به قدری که جای گفت و گو و بحث در معنای آن نیست؛ (۳) مثل آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ «بگو او خدای یگانه است».

ص: ۱۷۳

۱- (۱). ر. ک: معانی الاخبار، ج ۲۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲- (۲). ر. ک: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳- (۳). واژه «محکم» در اصل از «احکام» به معنای «ممنوع ساختن» گرفته شده است؛ از این رو به موضوعات پایدار و استوار «محکم» می گویند، چرا که عوامل نابودی را از خود می رانند و نیز به سخنان روشن و قاطع که هرگونه احتمال خلافی را از خود دور می سازند، «محکم» گویند. محکّمات قرآن اعم از نصوص و ظواهر است.

البته بیش تر آیات قرآن محکم هستند و معنای روشنی دارند.

۲. مقصود از تشابهات قرآن، آیاتی است که در ابتدای نظر معنای پیچیده ای دارند و احتمالات متعددی در آن ها وجود دارد و با توجه به آیات محکم، تفسیر آن ها روشن می شود. (۱) مثل آیه (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) ۲ که در ظاهر یعنی «دست خدا بالای دست های آنهاست.»، در حالی که خدا دست ندارد و مقصود از «دست» در این جا «قدرت» است.

البته آیات متشابه قرآن، اندک و معمولاً درباره صفات خدا هستند (۲) و معنای آن ها نیز با مراجعه به محکّمات قرآن روشن می شود.

۳. به آیات محکم قرآن «أُمُّ الْكِتَابِ» می گویند؛ چون اساس و ریشه و مادر آیات دیگرند؛ (۳) و آیات متشابه را استواران در علم و دانشمندان الهی، به آیات محکم برمی گردانند تا معنای آن ها روشن شود؛ و این یکی از گونه های تفسیر قرآن به قرآن است. آری قرآن نظام معنایی به هم پیوسته دارد و با ردّ تشابهات به محکّمات تفسیر می شود و این، روشمند بودن فهم و منطق تفسیر قرآن را نشان می دهد.

در روایتی از امام رضا علیه السلام حکایت شده است که: هر کس آیات متشابه را به آیات محکم بازگرداند، به راه راست هدایت شده است. (۴)

۴. در این جا ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر قرآن کتاب نور و حق است و برای هدایت عموم مردم آمده است چرا آیات متشابه دارد؟

اولاً، الفاظ و عبارت های معمولی انسان ها برای جهان مادی و نیازمندی های آن به وجود آمده است و گویای مفاهیم خارج از این جهان نیست، پس نارساست و از این

ص: ۱۷۴

۱- (۱). واژه «متشابه» در اصل به معنای چیزی است که قسمت های مختلف آن، شبیه به یکدیگر است، به همین جهت به جمله ها و کلماتی که معنای پیچیده دارند و گاهی احتمالات مختلف در باره آن ها داده می شود، متشابه گویند.

۲- (۳). برخی قرآن پژوهان بزرگ معاصر، تعداد آیات متشابه قرآن را حدود دویست عدد ذکر کرده اند (ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۱۴).

۳- (۴). واژه «أُمُّ» به معنای اصل و اساس هر چیزی است و به مادر خانواده «أُمُّ» گویند؛ زیرا ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان است و فرزند به او رجوع می کند.

۴- (۵). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۱۹.

روست که تعبيرات متشابهی هم چون «شنوا» و «بينا» را برای خدا به کار می بریم، در حالی که خدا چشم و گوش ندارد.

ثانیاً، حقایق ماورای طبیعی بسیاری وجود دارد که ما به سبب محصور بودن در زمان و مکان، قادر به درک آن نیستیم و از این روست که تعبيرات در مورد بهشت و دوزخ متشابه می شود.

ثالثاً، یکی از اسرار وجود متشابهات در قرآن، به کار انداختن قوه تفکر بشر است.

رابعاً، در برخی احادیث آمده است که وجود آیات متشابه، این فایده را دارد که مردم را به سوی استواران (راسخان) در علم رهنمون می شود تا از علوم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و دست پروردگان آنها، به عنوان رهبران و دانشمندان الهی و معلمان بشریت، استفاده کنند.

پیر را بگزين که بی پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر

۵. واژه «تأویل» در لغت به معنای «بازگشت دادن چیزی» است؛ و به هدف رساندن هر کار یا سخنی را تأویل می نامند. هم چنین به هدف نهایی کاری که روشن نبوده، (۱) واقعیت خارجی خوابی که دیده شده (۲) و به اسرار و مفاهیم خاص سخن انسان که هدف نهایی آن سخن است، تأویل گویند.

و تأویل در آیه فوق به این معناست که کسی برای گمراه کردن دیگران از پیش خود تفسیر و توجیه نادرستی برای آیات متشابه بسازد.

پس مقصود آیه فوق این است که افراد منحرف، با اغراض فاسد، می خواهند آیات متشابه را به شکلی غیر از آنچه هست تفسیر و توجیه کنند. (۳)

۶. مقصود از «استواران در علم» ثابت قدمان و صاحب نظران در علم و دانش اند.

البته مفهوم این کلمه وسیع است و همه دانشمندان و متفکران را در بر می گیرد؛ امّا همان طور که در روایات آمده است، کامل ترین مصداق استواران در علم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

ص: ۱۷۵

۱- (۱). (ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا) (کهف / ۸).

۲- (۲). (هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ) (یوسف / ۱۰۰).

۳- (۳). در مورد تأویل معانی متعددی ذکر شده است؛ ر. ک: منطق تفسیر قرآن (۱)، از نگارنده.

ائمه اطهار عليهم السلام هستند (۱) که از همه اسرار قرآن آگاه اند و دیگران، هر یک به اندازه دانش خود از قرآن بهره می برند. (۲)

امام حسین علیه السلام از مصادیق اکمل راسخان در علم و آگاهان به تأویل قرآن

وعنه: عن عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن أيوب بن الحر و عمران بن علی، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «نحن الراسخون في العلم، و نحن نعلم تأويله». (۳)

تحلیل

آیه فوق از راسخان و استواران در علم سخن می گوید و در احادیث مصادیق کامل این راسخان را پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عليهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام معرفی می کند که به تأویل قرآن و تمام مراتب بطون آگاه اند. آری در طول تاریخ اسلام همه مفسران قرآن از سفر علمی اهل بیت عليهم السلام بهره برده اند و می برند.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می شود که عالمان واقعی به تمام مراتب ظاهر و باطن قرآن، اهل بیت عليهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هستند و بهره برداری کامل از بطون قرآن و فهم تأویل های آن در پرتو نور آنان ممکن است.

۱۵- امام حسین علیه السلام از برگزیدگان نسل ابراهیم علیه السلام

اشاره

آل عمران / ۳۳ و ۳۴. (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)؛ «در واقع خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (برتری داد، و) برگزید. در حالی که [آنان] نسلی بودند که برخی آن ها از برخی [دیگر]ند. و خدا شنوای داناست».

ص: ۱۷۶

۱- (۱). ر. ک: نور الثقلین؛ و برهان، ذیل آیه.

۲- (۲). برخی مفسران مثل علامه طباطبایی در المیزان، جمله «والراسخون فی العلم» را عطف به ما قبل نمی دانند و نتیجه آن می شود که تأویل آیات را فقط خدا می داند. برخی مفسران مثل صاحب تفسیر نمونه، جمله فوق را عطف به واژه «اللّه» می دانند و نتیجه آن می شود که خدا و راسخان در علم هر دو تأویل آیات را می دانند؛ و هر دو گروه دلایلی دارند. البته دیدگاه دوّم، بهتر به نظر می رسد. هر چند که در نتیجه بحث تفاوتی ندارد چون علامه طباطبایی نیز علم راسخان در علم مثل پیامبر

صلی الله علیه و سلم و ائمه علیهم السلام را به تأویل آیات قبول دارد لیکن آن را از طریق احادیث می پذیرد نه عطف آیه.
۳- (۳). البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۹۷.

۱. خدای متعال پیامبران را هم از نظر تکوینی (وجودی) و هم از نظر تشریحی (قانونی و قراردادی) از جهانیان برگزید؛ یعنی از آغاز، آفرینش آنان را آفرینش ممتازی قرار داد، تا زمینه مساعدی برای هدایت نوع بشر به وجود آید - هر چند در پیمودن راه حق مجبور نبودند - سپس به خاطر اطاعت فرمان خدا و تقوا و تلاش آن ها در راه هدایت انسان ها، یک نوع امتیاز اکتسابی و قانونی به دست آوردند که با امتیاز ذاتی آن ها آمیخته شد و به صورت «انسان های برگزید» (۱) درآمدند.

۲. در این جا این پرسش مطرح می شود که آیا قرار دادن امتیاز ذاتی برای پیامبران یک نوع تبعیض به شمار نمی آید؟

پاسخ آن است که آفرینش نظام مند، چنین تفاوتی را ایجاد می کند.

همان گونه که در بدن انسان هم سلول های ظریف چشم مورد نیاز است و هم سلول های سخت استخوان، و یکسان بودن آن ها نظام ساختمان بدن را در هم فرو می ریزد، در بین انسان ها نیز لازم است تفاوت هایی باشد.

البته این امتیاز پیامبران همراه با مسئولیتی عظیم است؛ یعنی به همان نسبت که رهبران بشر امتیاز دارند، مسئولیت نیز دارند.

از این گذشته، دارا بودن امتیازات ذاتی برای نزدیکی انسان به خدا کافی نیست و باید با امتیازات اکتسابی همراه باشد.

۳. قرآن کریم در این آیه در صدد شمارش تمام برگزیدگان و پیامبران خدا نیست، بلکه به جمعی از آن ها اشاره دارد و برگزیدگان خاندان ابراهیم علیه السلام، شامل موسی و عیسی علیهما السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز می شود، (۲) هر چند این تعبیرات شامل تمام فرزندان ابراهیم و عمران علیهما السلام نمی شود، چرا که همه آن ها برگزیده نیستند و حتی ممکن است در بین آن ها کافر نیز وجود داشته باشد. اشاره مجدد به مریم و عیسی علیهما السلام در تعبیر «آل عمران» بدان جهت است که این آیه مقدمه ای برای شرح حال آنان در آیات بعد است.

ص: ۱۷۷

۱- (۱). واژه «إِصْطَفَى» از ریشه «صَفُو» (خالص چیزی) و به معنای انتخاب کردن قسمت خالص چیزی است.

۲- (۲). واژه «آل» از واژه «اهل» گرفته شده است، امّا آل معمولاً به نزدیکان افراد بزرگ و شریف گفته می شود ولی اهل، معنای وسیع تری دارد و بر همه اطلاق می شود و، در ضمن، واژه آل به افراد انسان اضافه می شود (مثل آل محمد) ولی اهل به زمان و مکان نیز اضافه می شود (مثل اهل شهر).

۴. در تاریخ، سه تن با نام عمران مشهور بودند: پدر مریم و پدر موسی و پدر علی علیهم السلام که در این جا مقصود پدر مریم علیها السلام است که در آیات بعد شرح حال او می آید.

۵. در برخی تفاسیر قرآن به آیه فوق برای معصوم بودن پیامبران و اهل بیت علیهم السلام استدلال شده است. (۱) چرا که خدای متعال هرگز افراد گناهکار و آلوده به شرک، کفر و فسق را انتخاب نمی کند و اهل بیت علیهم السلام نیز از برگزیدگان نسل آل ابراهیم هستند.

۶. مقصود از واژه «العالمین» در این جا مجموعه جامعه انسانیت در طول تاریخ است؛ یعنی پیامبران فوق از تمام ملت ها برگزیده شدند و بر تمام مردم جهان در طول تاریخ برتری دارند. آری، همه انسان ها در یک سطح نیستند و خدای حکیم بعضی از آن ها را به رهبری و پیامبری مردم برگزیده است.

۷. پیامبران برگزیده الهی از نظر تسلیم بودن، پاکی، تقوا و تلاش برای راه نمایی بشر، همانند یکدیگر و هم چون نسخه های متعدد یک کتاب بودند که هر یک از دیگری اقتباس شده باشند. (۲)

۸. خدا مراقب کوشش ها و فعالیت های پیامبران است و سخنان آنان را می شنود و از اعمال آنان آگاه است. این جمله به مسئولیت های سنگین برگزیدگان، در برابر خدا و خلق اشاره دارد.

امام حسین علیه السلام مصداق آل ابراهیم و برگزیده الهی

فقال النبی صلی الله علیه و آله یا عائشه! أو ما علمت (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ) ۳ وعلیا و الحسن و الحسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه علی العالمین. (۳)

أقبل رجلٌ آخر من عسکر عمر بن سعدٍ یقال له: محمّد ابن أشعث بن قیس الکندی للحسین علیه السلام: یا حسین بن فاطمه ایه حرمه لک من رسول - الله لیست لغيرک؟ فتلا الحسین علیه السلام هذه الایه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ) ۵ الایه: ثم قال: والله ان محمدا لمن آل ابراهیم والعترة الهادیه لمن آل محمد.

ص: ۱۷۸

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه فوق و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲- (۲). واژه «ذریه» از ریشه «ذر» به معنای آفرینش، و در اصل به معنای فرزندان کوچک است، ولی گاهی به فرزندان بدون واسطه و با واسطه نیز گفته می شود.

۳- (۴). آل عمران / ۳۳-۳۴.

در این آیه به برگزیدگان الهی اشاره شده است که یک قسم از آن‌ها آل ابراهیم علیه السلام هستند و روایات فوق به مصادیق آیه اشاره کرده است چون اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از برگزیدگان نسل ابراهیم علیه السلام هستند و نیز از «ذریه» ایشان به شمار می‌روند. پس این روایات تفسیر آیه را از باب جری و تطبیق بیان می‌کند.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می‌شود که خدا امام حسین علیه السلام را بر تمام جهانیان برگزیده و برتری بخشیده است. پس لازم است که همه بشریت ارزش این گوهر را بدانند.

۱۶- امام حسین علیه السلام در جریان مباحله

اشاره

آل عمران / ۶۱. (فَمَنْ حَرَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)؛ «و هر گاه بعد از دانشی که تو را [حاصل] آمده، (باز) کسانی در (مورد) آن با تو به بحث (و ستیز) برخیزند، پس بگو: «بیاید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان، را دعوت کنیم، سپس مباحله می‌کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم».

شأن نزول

در روایات اسلامی آمده است که وقتی سخن از مباحله بین پیامبر صلی الله علیه و آله و مسیحیان شد، نمایندگان مسیحیان نجران از پیامبر مهلت خواستند تا در این باره بیندیشند و مشورت کنند؛ و نتیجه مشاوره آن‌ها این شد که اگر مشاهده کردید محمد با جمعیت زیاد و جار و جنجال به مباحله آمد، نترسید و با او مباحله کنید، زیرا حقیقتی در کار او نیست و از این رو متوسل به غوغاسازی شده است؛ و اگر مشاهده کردید که محمد با افراد محدود و فرزندان خردسالش به میعادگاه آمد، از مباحله با او پرهیزید که خطرناک است و بدانید که او پیامبر خداست.

هنگامی که همگان در روز موعود به میعادگاه آمدند، دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندش حسین را به آغوش دارد و دست حسن را گرفته و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام همراه او هستند و به آن‌ها سفارش می‌کند که هرگاه من دعا کردم شما «آمین» بگویید.

مسیحیان با دیدن این صحنه سخت به وحشت افتادند و از مباحله صرف نظر کردند. و حاضر به مصالحه شدند و با پذیرش شرایط مسلمانان تسلیم شدند. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در اصطلاح قرآن مباحله به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است؛ (۲) یعنی چند نفر که درباره یک مسأله مهم مذهبی اختلاف دارند، در یک محل جمع شوند و به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغ گو را لعنت نماید و مجازات کند.

۲. جریان مباحله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، نشانه ایمان و راستی دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود. اگر کسی به کار و دعوت خود و نتیجه مباحله ایمان نداشته باشد، اقدام به این کار نمی کند؛ چرا که اگر دعای او به اجابت نرسد و مخالفان در همان صحنه به مجازات الهی گرفتار نشوند، نتیجه ای جز رسوایی نخواهد داشت. از این روست که گفته اند جریان مباحله یکی از نشانه های صدق دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۳. آخرین برگ برنده مؤمنان واقعی دعاست. چنانچه کسی در برابر منطق و استدلال و معجزه تسلیم حق نشد، می توان از غیب کمک گرفت و با او به مبارزه ای معنوی برخاست. اما رتبه دعا و نفرین در مبارزه با دشمن، بعد از منطق و استدلال قرار دارد. (۳)

۴. آیه فوق فقط به مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله و مسیحیان نجران اشاره می کند، اما مباحله در برابر مخالفان یک حکم عمومی است؛ یعنی چنانچه استدلال های افراد باایمان و پارسا بر دشمن تأثیرگذار نشد، می توانند مخالفان را به مباحله دعوت کنند. در این مورد روایاتی نیز در منابع اسلامی حکایت شده است. (۴)

ص: ۱۸۰

۱- (۱). ر.ک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۲ و تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷ (در منابع و تفاسیر متعدد شیعه و اهل سنت جریان مباحله نقل شده است که آدرس های آن ها خواهد آمد).

۲- (۲). واژه «مباحله» در لغت از ریشه «بَهَل» به معنای رها کردن است و ابتهال در دعا به معنای تضرع و واگذاری کار به خداست و اگر گاهی آن را به معنای «هلاکت و لعن و دوری از خدا» گرفته اند، به خاطر آن است که واگذار کردن بنده به حال خود، این نتایج را به دنبال می آورد.

۳- (۳). تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۶.

۴- (۴). ر.ک: نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۱ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۷. از علامه طباطبایی رحمه الله نیز حکایت شده که می فرمودند اگر مخالفان اسلام بخواهند، مسلمانان در این عصر نیز حاضر به مباحله هستند (ر.ک: اعجاز قرآن، ص ۱۲۸).

۵. مباحله در روز بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی الحجه، در محلی بیرون از شهر مدینه واقع شد که اکنون داخل شهر مدینه قرار دارد و مسجدی به نام «مسجد الاجابه» به جای آن ساخته شده که تقریباً در یک کیلومتری مسجد النبی صلی الله علیه و آله است.

۶. در آیه فوق، فاطمه علیها السلام در کنار مردان مطرح است. این نشان می دهد که زنان در مواقع حساس تاریخ اسلام حضور داشته و به سهم خود در پیش برد اهداف اسلامی کمک کرده اند.

۷. آیه فوق و شأن نزول آن نشان می دهد که در مباحله، که نوعی دعاست، شخصیت افراد مهم تر از تعداد آنهاست؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله تعدادی اندک اما بسیار بزرگوار و با شخصیت و عزیز را برای مباحله به همراه برد.

۸. واژه لعنت به معنای دوری از رحمت الهی است، و از این آیه استفاده می شود که دروغ گویان مستحق لعنت الهی اند، یعنی از رحمت الهی دور می شوند.

امام حسن و حسین علیهما السلام مصداق انحصاری «ابنائنا»

مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت تصریح کرده اند که آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ یعنی مقصود از واژه «فرزندان ما» همان حسن و حسین علیهما السلام و مقصود از واژه «زنان ما» همان فاطمه علیها السلام و مقصود از «جان های ما» همان علی علیه السلام است (۱) و در این مورد روایات فراوانی حکایت شده است. (۲)

و برخی مفسران این آیه را قوی ترین دلیل فضیلت اهل بیت علیهم السلام می دانند. (۳) این مزیتی است که هیچ کس بر اهل بیت علیهم السلام در آن پیشی نگرفته و هیچ انسانی به این فضیلت نرسیده است. (۴)

ص: ۱۸۱

۱- (۱). واژه های «ابنائنا و نساننا و انفسنا» در آیه فوق جمع است، ولی مقصود همان علی علیه السلام، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند؛ چرا که اولاً شأن نزول قطعی در این مورد وجود دارد؛ و ثانیاً، در قرآن و کلام عرب گاهی کلمات جمع برای مفرد و تثنیه به کار می رود (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۴ - ۴۴۵).

۲- (۲). ر.ک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵؛ تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۹۲ ذیل آیه؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۸۵؛ کشف، ج ۱، ص ۱۹۳ و... که از منابع مهم اهل سنت هستند. علامه طباطبایی در المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷ می نویسد: «ماجرای مباحله را ۵۱ نفر از صحابه به اتفاق نظر نقل کرده اند». قاضی نور الله شوشتری نیز، در کتاب احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۶ - ۷۶ نام شصت نفر از بزرگان اهل سنت را می برد که این جریان را نقل کرده اند.

۳- (۳). این سخن زمخشری که از مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیر کشف است.

۴- (۴). این سخن از امام رضا علیه السلام حکایت شده که در مجلس مأمون گفتند (ر.ک: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱).

آیه فوق با تعبیر «أبناءنا» که «حسن و حسین علیهماالسلام را فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله خواند» در حقیقت بر یک تفکر جاهلی عرب خط بطلان کشید؛ چرا که آنان فرزندان دختر را فرزند حقیقی انسان نمی دانستند و تنها فرزندان پسر (نوه پسر) را فرزند خود می دانستند.

تحلیل

دلالت آیه بر این مصادیق از جمله امام خمینی رحمه الله بر اساس روایات می تواند از باب جری و تطبیق باشد. اما از آنجا که مصداق آیه در این موارد منحصر است می توانیم بگوییم تفسر آیه با توجه به شأن نزول همین مصادیق است.

پیام

از این آیه با توجه به احادیث شأن نزول استفاده می شود که اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه ای نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله داشته اند که با حضور آن ها می توان مباحثه برگزار کرد و به برکت آن ها دعا علیه مخالفان اسلام مستجاب است و نیز استفاده می شود که امام حسین علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رود. پس هر کس امام حسین علیه السلام را بزرگ دارد و دوست بدارد فرزند به پیامبر صلی الله علیه و آله احترام گذاشته است و هر کس به او آزار رساند به فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله آزار رسانده است.

۱۷- قاتلان امام حسین علیه السلام در نسل های بعدی

اشاره

آل عمران / ۱۸۳. (الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِیْنَا اَلَا نُوْمِنُ لِرَسُوْلِ حَتّٰی یَاْتِنَا بِقُرْبَانٍ تَاْكُلُهٗ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِی بِالْبَیِّنَاتِ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِیْنَ) ؛ «کسانی که گفتند: «در حقیقت خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ فرستاده ای ایمان نیاوریم، تا برای ما قربانی ای بیاورد، که آتش آن را بخورد.» بگو: «بییقین پیش از من، فرستادگانی با دلیل های روشن، و با آنچه گفتید، به سراغ شما آمدند، پس اگر راستگو هستید، چرا آنان را کشتید؟!».

شأن نزول

حکایت شده که برخی از بزرگان یهود به حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: خدا در تورات از ما پیمان گرفته است به کسی که ادعای نبوت کند ایمان نیاوریم، مگر این که برای ما حیوانی قربانی کند و آتشی (از آسمان) آید و آن را بسوزاند. اگر تو نیز چنین کنی، ما به تو ایمان می آوریم.

آیه فوق و آیه بعد از آن به همین مناسبت فرو فرستاده شد و به آنان پاسخ داد که این نوعی بهانه جویی است. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مفسران نوشته اند: یهودیان ادعا می کردند پیامبران الهی برای اثبات حَقانیت خود حتماً باید معجزه ای مخصوص داشته باشند و حیوانی را قربانی کنند که به وسیله آتش آسمانی در برابر مردم بسوزد. (۲)

اما یهودیان با طرح این مطلب بهانه جویی و لجاجت می کردند و در واقع، معجزه نمی خواستند.

تاریخ گذشته یهود نیز به خوبی ثابت می کرد که آنان هرگز قصد تحقیق نداشتند، بلکه برای فرار از پذیرش اسلام، هر روز بهانه می گرفتند و پیشنهاد جدیدی ارائه می کردند و اگر پیشنهاد آنان انجام می شد، باز ایمان نمی آوردند و حتی در کتاب های خود، نشانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را خوانده بودند، اما از قبول حق سرباز می زدند.

۲. مفسران در مورد کشتن پیامبران توسط یهودیان دو احتمال داده اند:

الف) مقصود کشتن پیامبران الهی، مثل حضرت زکریا و یحیی، به دست آنان باشد. (۳)

ب) مقصود افشای اسرار پیامبران الهی باشد که زمینه کشتن آن ها را به دست ستمگران آماده می کرد. که مطلب دوم از امام صادق علیه السلام حکایت شده است. (۴)

ص: ۱۸۳

۱- (۱). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۵ و تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹۷. برخی از مفسران مثل صاحب تفسیر المنار بر آن اند که مقصود آن نبود که آتشی اعجاز آمیز از آسمان فرود آید و قربانی را بسوزاند، بلکه منظور آن بود که در دستورات مذهبی یهود، یک نوع قربانی به نام قربانی سوختنی بود، که حیوانی را سر می بریدند و با مراسم مخصوصی آتش می زدند که شرح آن در فصل اول سفر لاویان تورات آمده است. آن ها می گفتند: خدا با ما عهد کرده که این دستور قربانی در هر آیین آسمانی خواهد بود و چون در اسلام نیست، ما به تو ایمان نمی آوریم (و شاهد این تفسیر آن است که این یک عمل خرافی بود و اسلام آن را نپذیرفته بود؛ و در آیه سخن از آسمانی بودن آتش نیست). اما صاحب تفسیر نمونه (ج ۳، ص ۱۹۸) این مطلب را نمی پذیرد؛ چون این جمله در آیه، عطف بر «بیتات» شده است که معجزه است.

۲- (۲). در تورات، کتاب اول پادشاهان، باب ۱۸، ش ۴ - ۵ به کشتن پیامبران اشاره شده است.

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۴- (۴). همان، ص ۴۰۵؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۹ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۳، ص ۲۰۸.

۳. در روایتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که بین یهود عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ، که سخنان فوق را می گفتند، و کسانی که پیامبران را کشتند، صدها سال فاصله بود، اما از آن جا که یهودیان عصر پیامبر به کشتن پیامبران راضی بودند، این کار به اینان نیز نسبت داده شده است. (۱)

راضی به قتل امام حسین علیه السلام شریک در گناه قاتلان ایشان

محمد بن الأرقط، عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال لي: «تنزل الكوفه»؟ قلت: نعم. قال: «فترون قتله الحسين بين أظهركم؟». قال: قلت: جعلت فداك ما رأيت منهم أحدا! قال: «فإذن أنت لا ترى القاتل إلا من قتل، أو من ولي القتل، ألم تسمع إلى قول الله: (قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالذِّكْرِ فَلَمَّ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ) ۲ فأى رسول قتل الذين كان محمد صلی الله علیه و آله بین أظهرهم، ولم يكن بينه وبين عيسى عليهما السلام رسول؟! إنما رضوا قتل أولئك فسموا قاتلي». (۲)

تحلیل

در آیه فوق اشاره شده که یهودیانی که قرن ها بعد از بنی اسرائیل زندگی می کردند ولی به پیامبرکشی آنان راضی بودند در گناه بنی اسرائیل شریک هستند و در حدیث فوق بیان شده که این یک قاعده کلی است که در مورد قاتلان امام حسین علیه السلام نیز صادق است یعنی هر کس در اعصار بعدی راضی به کردار قاتلان امام حسین علیه السلام باشد در گناه آنان شریک و در حکم قاتل است. بنابراین آیه فوق در مورد قاتل توسعه معنایی را اشاره کرده که روایت آن را توضیح می دهد و مصداق جدید آن را در مورد قاتلان امام حسین علیه السلام مشخص می کند.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که هر کس راضی به کار قاتلان امام حسین علیه السلام باشد شریک در گناه آنان است اگرچه صدها سال بعد زندگی کند.

ص: ۱۸۴

۱- (۱). تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲- (۳). عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۱۶۵؛ بحار، ۹۷، ج ۹۵، ح ۴؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۱ و کنزالدقائق، ۳، ج ۲۷۸، ح ۱۴.

آل عمران / ۱۸۵. (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ)؛ «هر شخصی چشمنده مرگ است؛ و فقط در رستاخیز، پاداش هایتان بطور کامل به شما داده خواهد شد؛ و هر کس از آتش، بتدریج دور شده، و به بهشت در آورده شود، پس بیقین کامیاب شده است و زندگی پست (دنیا)، جز کالای فریبنده، نیست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. تعبیر «هر نفسی (۱) چشمنده مرگ است»، اشاره به احساس کردن کامل مرگ دارد؛ زیرا ممکن است انسان غذایی را با چشم ببیند و یا با دست لمس کند، ولی زمانی احساس کامل می شود که آن را بچشد. گویا در نظام خلقت، مرگ نیز یک نوع غذای آدمی است. (۲)

در ضمن، از این تعبیر استفاده می شود که مرگ وجودی است نه عدمی و نیستی.

۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد عمومیت قانون مرگ حکایت شده که

در نهایت همه جان داران می میرند و برخی فرشتگان الهی، مثل جبرئیل و میکائیل و عزرائیل باقی می مانند و سپس فرمان مرگ فرشتگان نیز توسط عزرائیل صادر می شود و در آخرین مرحله فرشته مرگ نیز می میرد. و ندایی می رسد که کجایند کسانی که برای من شریک قرار می دادند. (۳)

۳. گویا دوزخ با تمام قدرتش انسان را به سوی خود جذب می کند و مؤمنان با زحمت و به تدریج از آن دور می شوند. (۴)

آری، هوس ها و لذات نامشروع و ثروت های غیرمجاز برای هر انسانی جاذبه دارد (۵) و او را به سوی آتش می کشاند.

ص: ۱۸۵

۱- (۱). مقصود از نفس در این آیه، مجموعه جسم و جان است (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۰۰)؛ هر چند گاهی در قرآن به روح (فجر / ۲۷) و یا بدن (مائده / ۳۲) اطلاق شده است.

۲- (۲). همان، ص ۲۰۱.

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۵ - ۴۰۶ (با تلخیص).

۴- (۴). واژه «زُحْزِحَ» به معنای آن است که انسان تدریجاً خود را از تحت تأثیر جاذبه و کشش چیزی خارج و دور سازد.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۰۱.

۴. دنیا کالایی فریبنده است و فریبندگی دنیا از جهات مختلف است:

- از دور بسیار جالب است، اما هنگامی که انسان بدان می رسد، توخالی به نظر می آید.

- لذت های مادی، از دور، خالص به نظر می رسند، اما هنگامی که انسان به آن ها نزدیک می شود، آلوده شان می یابد.

- دنیا خود را با ثبات جلوه می دهد، در حالی که فناپذیر است.

۵. هدف قرآن از تعبیر «غرورآمیز و فریبنده» در مورد دنیا، آن است که انسان، جهان مادی را هدف نهایی خود قرار ندهد، که نتیجه اش غرق شدن در انواع جنایات و دور شدن از حقیقت و تکامل انسانی است.

اما استفاده صحیح از جهان مادی برای نیل به تکامل انسانی، نه تنها نکوهیده نیست، که لازم و ضروری است. (۱)

۶. تعبیرات این آیه نشان می دهد که پاداش کامل انسان در رستخیز پرداخت می شود. (۲) و پاداش های خدا در این دنیا و برزخ، پرتوی از آن یا قسمتی از نتایج اعمال است.

امام حسین علیه السلام مصداق اکمل رستگاران و شیعیانش بهشتی اند

عن أبي عبد الله قال إذا كان يوم القيامة يدعى محمد صلى الله عليه وآله فيكسى حله ورديه ثم يقام على يمين العرش ثم يدعى بإبراهيم عليه السلام فيكسى حله بيضاء فيقام عن يسار العرش، ثم يدعى بعلی أمير المؤمنين عليه السلام فيكسى حله ورديه فيقام على يمين النبي صلى الله عليه وآله ثم يدعى بإسماعيل فيكسى حله بيضاء فيقام على يسار إبراهيم، ثم يدعى بالحسن عليه السلام فيكسى حله ورديه فيقام على يمين أمير المؤمنين عليه السلام ثم يدعى بالحسين عليه السلام فيكسى حله ورديه فيقام على يمين الحسن عليه السلام ثم يدعى بالأئمه فيكسون حلالا ورديه و يقام كل واحد على يمين صاحبه، ثم يدعى بالشيعة فيقومون أمامهم ثم يدعى بفاطمه و نساءها من ذريتها و شيعتها فيدخلون الجنة بغير حساب، ثم يتنادى مناد من بطنان العرش من قبل رب العزه والأفق الأعلى نعم الأب أبوك يا محمد و هو إبراهيم و نعم الأخ أخوك و هو علي بن أبي طالب عليه السلام و نعم السبطان سبطاك و هما الحسن والحسين و نعم الجنين جنينك و هو محسن

ص: ۱۸۶

۱- (۱). همان، ص ۲۰۲.

۲- (۲). واژه «تَوْفُون» به معنای پرداخت کامل است.

ونعم الأئمة الراشدون من ذريتك وهم فلان و فلان، ونعم الشيعة شيعتك ألا إن محمدا ووصيه وسبطيه والأئمة من ذريته هم الفائزون ثم يؤمر بهم إلى الجنة وذلك قوله: (فَمَنْ زُخِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ) ۱. ۲

تحلیل

در آیه سخن از «فائزین» یعنی افراد کامیاب و رستگار شده که در رستاخیز وارد بهشت می شوند که بر اساس روایت فوق اهل بیت علیهم السلام از مصادیق کامل آن هستند. شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیز از دوزخ نجات یافته (و با شفاعت فاطمه علیها السلام) وارد بهشت می شوند. در حقیقت این روایت مصادیق کامل رستگاران بهشتی را بیان کرده که امام حسین علیه السلام از جمله آن هاست.

پیام

بر اساس آیه و روایت فوق، امام حسین علیه السلام در رستاخیز جایگاه ویژه ای نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دارد و از مصادیق کامل رستگاران بهشتی است و شیعیان ایشان نیز اهل بهشت می شوند، پس هر کس می خواهد رستگار و بهشتی شود واز آتش نجات یابد رهرو حسین علیه السلام گردد.

۱۹- امام حسین علیه السلام بایدار و نگهبان دین

اشاره

آل عمران / ۲۰۰. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! شکیبا باشید؛ و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید، و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. قرآن کریم در آخرین آیه سوره آل عمران، یک برنامه جامع چهار ماده ای برای عموم مسلمانان ارائه می کند، که عبارت اند از:

الف) صبر و استقامت در برابر حوادث و مشکلات شخصی؛

ب) پایداری در برابر استقامت دشمنان؛

ج) مراقبت از مرزها؛

د) حفظ خود از عذاب الهی، یعنی رعایت پارسایی و تقوا.

در پایان آیه فوق اشاره شده است شما در سایه به کار بستن این چهار دستور، می توانید رستگار شوید؛ یعنی این امور زمینه کام یابی شما را فراهم می سازد، (۱) ولی با تخلف از آن ها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت.

۲. صبر و استقامت در برابر خواهش های نامشروع و مشکلات و حوادث زندگی، ریشه اصلی هر گونه پیروزی مادی و معنوی است.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که صبر نسبت به ایمان، مثل سر نسبت به بدن است. (۲)

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام، صبر در آیه، به معنای صبر بر دین و استقامت در مصیبت ها و صبر در مقابل گناهان آمده است؛ (۳) که البته این روایات مصادیق و موارد صبر را بیان می کنند.

۴. واژه «صابر» به معنای صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است؛ (۴) پس هر چه دشمن بر استقامت خود افزود، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم تا پیروز شویم.

۵. قرآن نخست به مؤمنان دستور می دهد که در برابر مشکلات زندگی خود استقامت کنند و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می دهد؛ بنابراین، تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی خود موفق نشود، نمی تواند بر دشمن پیروز شود. (۵)

ص: ۱۸۸

۱- (۱). واژه «لعل» در قرآن کریم هنگامی به کار می رود که شرایطی در انجام کار و به دست آوردن نتیجه وجود دارد؛ یعنی انجام این برنامه چهار ماده ای زمینه ساز رستگاری شماست به شرط آن که از شرایط دیگر و برنامه های سازنده اسلامی غفلت نشود (همان، ص ۲۳۶).

۲- (۲). «الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد» (کافی، ج ۲، ص ۸۷ و بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۲) همین روایت در کافی، ج ۲، ص ۸۹ از امام زین العابدین علیه السلام، نیز حکایت شده است.

۳- (۳). الارشاد، ج ۱، ص ۳۰۲؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۲ و ج ۷۹، ص ۱۳۶ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۲.

۴- (۴). صابروا» از باب مفاعله و صبر دو طرفی است.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۳.

۶. مراقبت از مرزها معنای وسیعی دارد و شامل هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه می شود؛ (۱) یعنی مراقبت از مرزهای جغرافیایی در مقابل هجوم احتمالی دشمن و مراقبت و آماده باش در برابر حملات شیطان و هوس های سرکش و نیز محافظت از مرزهای فرهنگی و عقیدتی خود و مردم.

۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام «رابطوا» به معنای «همبستگی و مراقبت (در ارتباط) با امام» (۲) و در احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به معنای «انتظار نمازها یکی پس از دیگری» آمده است. (۳)

این گونه احادیث به برخی موارد و مصادیق بارز نگهبانان و محافظان مرزهای فرهنگی و عقیدتی اشاره می کند که ارتباط با آنان سبب حفظ اسلام و فرهنگ و عقاید مسلمانان می شود.

۸. در برخی از روایات به عالمان دین و دانشمندان نیز «مُرابط» گفته شده است. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده اند و از حمله کردن آنان به افرادی که قدرت دفاع ندارند، جلوگیری می کنند. (۴) این احادیث نیز به مصادیق مرزبانان عقاید اسلامی اشاره می کند و وظیفه عالمان دینی را مشخص می سازد.

۹. اگر برنامه های چهارگانه ای که در آیه فوق آمده است، در زندگی فعلی مسلمانان پیاده شود، بسیاری از مشکلات آنان حل خواهد شد، و از ضربات دردناکی که بر پیکر اسلام و مسلمین وارد می شود جلوگیری خواهد شد؛ چون یک حالت آماده باش عمومی برای محافظت از همه مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و عقیدتی، در مسلمانان ایجاد می کند.

ص: ۱۸۹

۱- (۱). واژه «رابطوا» از ماده «رباط»، در اصل به معنای بستن چیزی در مکانی است و به همین مناسبت به کاروان سراهم «رباط» گویند (چون اسب ها را داخل آن می بستند) و «مُرابطه» به معنای مراقبت از مرزهاست، زیرا سربازان و مرکب ها و وسایل جنگی را در مرزها نگه می دارند.

۲- (۲). کافی، ج ۲، ص ۸۱، ح ۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۲ و شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- (۳). تفسیر صافی، همان؛ کافی، همان و تفسیر عیاشی، همان.

۴- (۴). احتجاج، ج ۱، ص ۱۷ و ج ۲، ص ۳۸۵ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۵.

عن أبي جعفر محمد ابن علي، عن أبيه علي بن الحسين عليهم السلام: «أن ابن عباس بعث إليه من يسأله عن هذه الآية: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا) ۱ فغضب علي بن الحسين عليهما السلام وقال للسائل: وددت أن الذي أمرك بهذا واجهني به - ثم قال - : نزلت في أبي وفينا، ولم يكن الرباط الذي أمرنا به بعد، وسيكون ذلك ذريه من نسلنا المرابط».

ثم قال: «أما إن في صلبه - يعني ابن عباس - وديعه ذرئت لنار جهنم، سيخرجون أقواما من دين الله أفواجا، وستصيح الأرض بدماء فراخ من فراخ آل محمد عليهم السلام، تنهض تلك الفراخ في غير وقت، وتطلب غير مدرک، و يربط الذين آمنوا، ويصبرون ويصابرون حتى يحكم الله و هو خير الحاكمين».

تحليل

در آیه فوق از صبر و استقامت در برابر دشمن و نگهبانی (از اسلام و کشور اسلامی) سخن گفته شده بود و در حدیث فوق این مطلب بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام تطبیق شده بود. آری امام حسین علیه السلام بزرگ ترین نگهبان اسلام بعد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و هست او با خون خود اسلام ناب را زنده و بیمه کرد. و در این راه قربانی ها داد و صبر کرد. پس یکی از مصادیق کامل آیه فوق امام حسین علیه السلام است و روایت فوق که تعبیر «نزلت» به کار برده است از باب جری و تطبیق است.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که در برابر دشمنان دین صبر و نگهبانی کنید و در این راه الگوی شما امام حسین علیه السلام باشد که بزرگ ترین نگهبان و پایدارترین شخص در راه اسلام بود.

سوم: سوره نساء

۲۰- کشتن امام حسین علیه السلام از گناهان کبیره

اشاره

نساء / ۳۱. (إِنْ تَجْتَبِيُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا)؛ «اگر از گناهان بزرگی که از آن‌ها منع می‌شوید، دوری کنید، بدی‌هایتان را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می‌سازیم».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. همه گناهان، نافرمانی در برابر خدا و گناه بزرگ است؛ پس گناه بزرگ و کوچک نسبی است. گناه «کبیره» به معنی هر گناهی است که از نظر اسلام بزرگ و پراهمیت است (۱) و در قرآن کریم در مورد آن وعده آتش داده شده است؛ مثل: قتل، رباخواری و عمل منافی عفت. در حدیثی از امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام نیز به همین مطلب اشاره شده است. (۲)

۲. در برخی از روایات، گناهان کبیره شامل کفر، قتل، عاق والدین، رباخواری، خوردن مال یتیم، فرار از جنگ و بازگشت به حالت قبل از هجرت، شده است. (۳)

و در برخی دیگر از روایات تعداد گناهان کبیره بیست و یا هفتاد عدد ذکر شده است. این مطالب در حقیقت اشاره به درجات گناهان کبیره و مصادیق آنهاست. (۴)

۳. قرآن کریم در مورد «گناهان صغیره» تعبیرات متفاوتی دارد؛ هم چون: «سیئه» (کار بد)، و «لَمَم» (۵) (کارهای کوچک و کم‌اهمیت و گناهی که ناخواسته از انسان سر می‌زند) و «صغیره» (۶) (کوچک)، البته هرگونه نافرمانی در برابر خدا گناه بزرگ است، اما این که برخی را کوچک و برخی را بزرگ می‌نامیم به خاطر آن است که آن‌ها را نسبت به هم دیگر می‌سنجیم.

ص: ۱۹۱

۱- (۱). طبرسی بیان کرده: ما معتقدیم که همه گناهان بزرگ است و بزرگ بودن و کوچک بودن برخی نسبی است. (مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۱، ذیل آیه).

۲- (۲). الکبائر، التي اوجب الله عزوجل عليها النار (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۵؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۴۴؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳ و تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۹).

۳- (۳). تفسیر صافی، همان.

۴- (۴). برای اطلاعات بیش‌تر در مورد گناهان کبیره به ذیل آیه ۳۲ سوره نجم در تفسیر قرآن مهر مراجعه فرمایید.

۵- (۵). نجم / ۳۲.

۶- (۶). کهف / ۴۹.

۴. پرهیز از گناهان بزرگ موجب پوشیدگی و بخشودگی گناهان کوچک می شود؛ یعنی پرهیز از گناهان بزرگ، یک نوع حالت «تقوای روحانی» در انسان ایجاد می کند که می تواند، آثار گناهان کوچک را از وجود او بشوید؛ مثل هنگامی که می گوئیم: اگر انسان از مواد سمی خطرناک پرهیز کند، مزاج سالم او می تواند آثار نامطلوب برخی غذاها را از بین ببرد.

۵. این که خدا پاداش ترک گناهان بزرگ را، بخشش گناهان کوچک قرار داده است، نوعی تشویق به ترک گناهان بزرگ است.

۶. در چند صورت گناهان صغیره تبدیل به گناهان کبیره می شوند:

الف) تکرار گناهان صغیره؛ (۱)

ب) کوچک و حقیر شمردن گناه صغیره؛ (۲)

ج) ارتکاب گناه صغیره از روی تکبر و گردنکشی در برابر فرمان خدا؛ (۳)

د) انجام گناه صغیره توسط افراد برجسته اجتماع، که موجب الگو شدن آن برای دیگران شود؛ (۴)

هـ - خوشحالی به خاطر انجام گناه کوچ؛ (۵)

و) عدم مجازات سریع خدا در برابر گناه را، دلیل بر رضایت خدا به شمار آوردن. (۶)

قتل امام حسین علیه السلام از مصادیق کبائر

فرائت قال: حدّثنی جعفر بن محمّد الفزّاری معنعناً عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال: «أكبر الكبائر سبع: الشرك بالله العظيم، وقتل النفس التي حرم الله عزّوجلّ إلاّ بالحق، و أكل مال الیتیم، و عقوق الوالدين، و قذف المحصنات، و الفرار من الزحف، و إنكار ما أنزل الله.

ص: ۱۹۲

۱- (۱). عن الصادق عليه السلام : «لا صغیره مع الإصرار» (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸).

۲- (۲). عن علی علیه السلام : «أشد الذنوب ما استهان به صاحبه» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۴۸).

۳- (۳). نازعات / ۳۷.

۴- (۴). سورة احزاب، آیه ۳۰. عن النبی صلی الله علیه و سلم : «من سنّ سنه سیئه فعلیه وزرها و وزر من عمل بها لا ینقص من اوزارهم شیئاً» (محجّه البیضاء، ج ۷، ص ۶۱).

۵- (۵). عن النبی صلی الله علیه و سلم : «من اذنب ذنباً وهو ضاحک دخل النار وهو باک» تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۱؛ ثواب

الاعمال، ص ٢٢٣ و ارشاد القلوب، ج ١، ص ١٨٥.

٦- (٦) . مجادلہ / ٨ .

فأما الشرك بالله العظيم فقد بلغكم ما أنزل الله فينا، و ما قال رسول الله صلى الله عليه و آله ، فردوه على الله و على رسوله. و أما قتل النفس الحرام فقتل الحسين عليه السلام و أصحابه. و أما أكل أموال اليتامى فقد ظلمنا فينا و ذهبوا به. و أما عقوق الوالدين فإن عزوجل قال في كتابه: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)، ١ و هو أب لهم، فعقوه في ذريته و في قرابته. و أما قذف المحصنات فقد قذفوا فاطمه عليها السلام على منابره. و أما الفرار من الزحف فقد أعطوا أمير المؤمنين عليه السلام البيعه طائعين غير مكرهين، ثم فروا عنه و خذلوه. و أما إنكار ما أنزل الله عزوجل، فقد أنكروا حقنا و جحدوه، و هذا مما لا يتعاجم فيه أحد، و الله يقول: (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا). ٢

تحليل

آیه فوق به گناهان کبیره اشاره کلی دارد و روایت فوق یکی از مصادیق مهم گناهان کبیره را قتل امام حسین علیه السلام معرفی می کند. پس این دلالت از باب جری و تطبیق است. آری بر اساس آیات و احادیث پیش گفته «قتل» یکی از گناهان کبیره است (۱) که وعده آتش جاویدان بر آن داده شده است و این برای کشتن یک انسان عادی است ولی کشتن امام مسلمین، گناهش اعظم است و اصولاً جنگ با امام موجب ارتداد و کفر می شود.

پیام

از این آیه با توجه به روایت به دست می آید که قاتلان امام حسین علیه السلام مرتکب گناه کبیره شده اند و این گناه به قدری بزرگ است که موجب کفر و عذاب جاویدان می شود.

۲۱- ضرورت احسان به امام حسین علیه السلام :

اشاره

نساء / ۳۶. (وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا) ؛ «و خدا را پرستید؛ و هیچ چیز را با او شریک مگردانید؛ و نیکی کنید به پدر و مادر، و به نزدیکان و یتیمان و بینوایان، و همسایه نزدیک،

ص: ۱۹۳

۱- (۳). (وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا). (نساء / ۹۳)

و همسایه دور، و دوست [و همنشین]، و در راه مانده و آنچه (از بردگان) که شما مالک هستید؛ که خدا کسی را که متکبر خیال پرداز [و] فخر فروش است، دوست نمی دارد».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه ده دستور مهم اسلامی بیان شده که عبارت اند از:

اول: عبادت خدا؛ هدف اصلی تمام برنامه های اسلامی، دعوت مردم به عبادت و بندگی خدا و ترک شرک است. توجه به پرستش خدا، به عنوان یک حق الهی، روح را پاک و نیت را خالص و اراده را قوی می کند تا بتواند بقیه حقوق اسلامی را ادا کند.

در ضمن، از تعبیر آیه استفاده می شود که عبادت خدا باید همراه با دوری از شرک باشد؛ یعنی طرف اثبات و نفی با هم دیگر باشد، همان طور که در شعار توحید (لا اله الا الله) تبلور یافته است.

دوم: نیکی به پدر و مادر؛ در چهار مورد از آیات قرآن، این موضوع بعد از سفارش به توحید واقع شده است. (۱) از این ترتیب مطالب استفاده می شود که میان آن دو موضوع ارتباط و پیوند است، چرا که نعمت بزرگ هستی و حیات در مرحله اول از ناحیه خدا و در مرحله بعدی به پدر و مادر ارتباط دارد.

از این روست که ترک احسان به پدر و مادر، هم دوش شرک به خدا آورده شده است.

سوم: نیکی به همه خویشاوندان (صیله رحم)؛ نیکی به خویشان، که در قرآن بر آن تأکید شده، سبب محکم شدن پیوند خانوادگی شده و واحدهای متشکلی به نام فامیل و خانواده به وجود می آورد تا در برابر مشکلات و حوادث یک دیگر را یاری دهند و از حقوق هم دیگر دفاع کنند.

چهارم: نیکی به کودکان بی سرپرست؛ فراموش کردن یتیمان، از طرفی سرنوشت این کودکان را به خطر می اندازد، و از طرف دیگر، سرنوشت اجتماع را با خطر روبه رو می سازد؛ چون اگر این کودکان رها شوند و به آنان محبت نشود، ممکن است منحرف گردند و افرادی خطرناک پرورش یابند؛ پس نیکی به یتیمان هم نیکی به فرد است و هم نیکی به اجتماع.

ص: ۱۹۴

پنجم: نیکی به بینوایان؛ افراد معلول و از کار افتاده و یا فقرایی که نمی توانند زندگی خود را اداره کنند، باید مورد توجه قرار گیرند و فراموش کردن آنان بر خلاف اصول انسانی و اسلامی است.

ششم: نیکی به همسایگان نزدیک؛ (۱)

هفتم: نیکی به همسایگان دور؛ (۲) در روایات اسلامی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که: تا چهل خانه از چهار طرف همسایه انسان به شمار می آیند. (۳)

از علی علیه السلام در وصیت ایشان حکایت شده که: آن قدر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره همسایگان سفارش می کرد که ما فکر می کردیم شاید دستور دهد همسایگان از یک دیگر ارث ببرند. (۴)

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که: نیکی کردن همسایگان به یک دیگر رزق را زیاد، خانه ها را آباد و عُمرها را طولانی می کند. (۵)

هشتم: نیکی به دوستان؛ تعبیر «دوست هم نشین» معنای وسیعی دارد، و شامل دوستان دایمی و موقت، هم کاران، هم سفران، مراجعه کنندگان، شاگردان، مشاوران و خدمت گزاران می شود؛ یعنی آیه فوق یک دستور کلی برای حُسن معاشرت است و اگر در برخی روایات به «همسر» تفسیر شده است، (۶) از باب بیان یکی از مصادیق آیه است.

ص: ۱۹۵

۱- (۱). البته تعبیر «همسایگان نزدیک» را برخی مفسران به معنای همسایگان خویشاوند و همسایگان هم کیش دانسته اند؛ یعنی همسایگانی که از نظر خویشاوندی یا دین و مذهب به انسان نزدیک اند، اما با توجه به قبل و بعد (سیاق) آیه، همان معنای همسایگان نزدیک از نظر مکان، مناسب تر است (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۰). هر چند اطلاق آیه شامل همه همسایگان نزدیک، اعم از مسلمان و کافر و خویشاوند و غیرخویشاوند می شود.

۲- (۲). تذکر: برخی از مفسران احتمال داده اند که مقصود آیه، همسایگان غیرمسلمان باشد؛ یعنی همسایگانی که از نظر دین با مسلمانان فاصله دارند، که البته معنای اول مناسب تر است، هر چند اطلاق آیه شامل همسایگان مسلمان و غیر مسلمان می شود (ر.ک: همان، ص ۳۸۱).

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵۱. طبق یک محاسبه، این حدیث مساحت حدود ۵۰۰۰ خانه و یا یک شهر کوچک را شامل می شود.

۴- (۴). ر.ک: اصول کافی، ج ۷، ص ۵۱؛ نهج البلاغه، وصیت علی علیه السلام، نامه ۴۷؛ نیز: تفسیر المنار؛ تفسیر قرطبی و صحیح بخاری از اهل سنت.

۵- (۵). اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۷؛ تفسیر صافی، همان، ص ۴۴۹.

۶- (۶). ر.ک: المنار؛ روح المعانی و تفسیر قرطبی که از علی علیه السلام حکایت می کنند.

نهم: نیکی به در راه ماندگان؛ تعبیر «فرزند راه» (در راه مانده) اشاره دارد که شما نسبت به این افراد هیچ گونه شناختی ندارید و ممکن است آنان در وطن خود ثروتمند باشند، ولی اکنون مسافرانی در راه مانده و محتاج اند، که باید حمایتشان کرد.

دهم: نیکی به بردگان؛ در آیات متعددی از قرآن در مورد بردگان سفارش شده و حمایت های اسلام از این قشر و برنامه آزادی تدریجی آنان در اسلام سبب شد که پس از مدتی، برده داری در جامعه اسلامی ریشه کن شود.

۲. افرادی که خداپرست نیستند و در برابر حق کرنش نمی کنند و به دیگران امداد نمی رسانند، افرادی متکبر و فخر فروش اند که گرفتار اعمال و تخیلات کبرآلود خود هستند. (۱)

۳. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذیل این آیه حکایت شده که: تکبر آن است که انسان در مقابل حق فروتن نباشد و خود را بالاتر از مردم بداند و آن ها را تحقیر کند. (۲)

۴. احسان به دیگران مفهوم وسیعی است و شامل هر گونه رفتار نیک می شود؛ مانند: معاشرت نیکو، نیکوکاری، امدادسانی مادی، کمک های فکری و مشورتی، هم کاری و راه نمایی و... آری، انسان نسبت به خویشاوندان، محرومان، همسایگان و هم نشینان خود وظایف سنگینی دارد.

امام حسین علیه السلام از مصادیق «ذی القربی»

در برخی روایات از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که درباره این آیه فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران این امت هستند (۳) (که باید به آنان نیکی شود).

فراث قال: حدّثنی جعفر بن محمّد الفزاری معنعناً عن أبی عبدالله علیه السلام ، قال: «أكبر الكبائر سبع: الشرك بالله العظيم، وقتل النفس التي حرم الله عزّوجلّ إلاّ بالحق، وأكل مال الیتیم، وعقوق الوالدین، وقذف المحصنات، والفرار من الزحف، وإنكار ما أنزل الله.

ص: ۱۹۶

۱- (۱). واژه «مُختال» از ماده «خیال» به معنای کسی است که با یک سلسله تخیلات، خود را بزرگ می پندارد؛ و واژه «فَخور» به معنای کسی است که فخر فروشی می کند؛ و تفاوت آن دو در این است که یکی اشاره به تخیلات کبرآلود ذهنی و دیگری اشاره به اعمال تکبرآمیز خارجی دارد (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۴).

۲- (۲). الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۶۲ و الفرقان، ج ۷، ص ۶۹.

۳- (۳). ر.ک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۴۹؛ بشاره المصطفی، ص ۵۵، ص ۱۶۰ و امالی، ص ۶۵۷.

فأما الشرك بالله العظيم فقد بلغكم ما أنزل الله فينا، وما قال رسول الله صلى الله عليه وآله، فردوه على الله وعلى رسوله. وأما قتل النفس الحرام فقتل الحسين عليه السلام وأصحابه. وأما أكل أموال اليتامى فقد ظلمنا فينا وذهبوا به. وأما عقوق الوالدين فإن عزوجل قال في كتابه: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)، ١ وهو أب لهم، فعقوه في ذريته وفي قرابته. وأما قذف المحصنات فقد قذفوا فاطمه عليها السلام على منابرههم. وأما الفرار من الزحف فقد أعطوا أمير المؤمنين عليه السلام البيعه طائعين غير مكرهين، ثم فروا عنه وخذلوه. وأما إنكار ما أنزل الله عز وجل، فقد أنكروا حقنا و جحدوه، وهذا مما لا يتعاجم فيه أحد، والله يقول: (إِنْ تَجِدْتُمْ كِبَاءً مَّا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا). ٢

جعفر بن محمد بن سعيد الأحمسى معننا عن جعفر [الصادق] عليه السلام فى قوله [تعالى] (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) ٣ قال إن رسول الله صلى الله عليه وآله و على بن أبى طالب عليه السلام هما الوالدان [الوالدين] (وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ) ٤ قال الحسن و الحسين عليهما السلام. (١)

تحليل

این گونه روایات بیان بطن قرآن و یا تعیین مصادیق معنوی پدر و مادر است؛ نقش پیامبر و امام هم چون نقش پدری است که جامعه اسلامی را سرپرستی، کمک و هدایت می کنند، پس آنان پدران معنوی مردم هستند و حق پدران بر ما دارند.

اما امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام خویشاوندان امت هستند چرا که طبق آیه مباحله آنان پسران پیامبر به شمار می آیند و نیز وقتی امام علی علیه السلام پدر امت است فرزندان او در حکم برادر بزرگ تر همه مردم هستند.

علاوه بر آنکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، دو امام بودند و امام، پدر امت است که والاترین خویشاوندی به شمار می رود.

ص: ۱۹۷

آری، این گونه روایات توسعه در معنای «پدر» و «خویشاوند» می دهد آن گاه شامل پدر و خویشاوند معنوی می گردد. از این رو نیکی کردن به آن ها نیز لازم است. البته روشن است که نیکی ما به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام زمینه ساز هدایت و کمال بیش تر خودمان می شود پس در حقیقت نیکی به خود ماست.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایات به دست می آید که امام حسین علیه السلام پدر و خویشاوند امت اسلام است که احسان به او ضروری است. و قطع رابطه با او قطع رحم به شمار می آید. و هر کس طالب کمال و هدایت بیشتر است در راه امام حسین علیه السلام احسان کند.

۲۲- دشمنان امام حسین علیه السلام در عذاب سخت دوزخ

اشاره

نساء / ۵۶. (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا)؛ «براستی کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان را در آینده به آتشی وارد می کنیم (و می سوزانیم) که هر گاه پوست هایشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست هایی غیر از آن ها بر جایش نهیم، تا عذاب (الهی) را بچشند؛ بدرستی که خدا، شکست ناپذیری فرزانه است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. کافران وارد آتش دوزخ می شوند و هنگامی که پوست آنان سوخت و بریان شد، (۱) ممکن است درد کم تری احساس کنند؛ پس برای آن که مجازات آنان تخفیف نیابد، پوست تازه ای بر بدن آنان می روید و عذاب مستمر کافران عادی نمی شود.

۲. در حدیثی آمده که: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: گناه آن پوست های دیگر چیست؟ (یعنی آیا سوختن پوست های تازه با عدالت خدا سازگار است).

حضرت فرمود: «این پوست های نو همان پوست های سابق و در عین حال، غیر آن است؛ همانند خشتی است که بشکنند و خرد کنند و دو مرتبه آن را در قالب بریزند و به صورت خشت تازه ای در آورند».

ص: ۱۹۸

۱- (۱). نَضِجَتْ در اصل به معنای بریان شدن است.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۲۸ - ۴۲۹؛ امالی، ص ۵۸۱؛ و احتجاج، ج ۲، ص ۳۵۴. (حکایت شده که پرسش کننده ابن ابی

العوجا، ماترياليست مشهور زمان امام صادق عليه السلام بود).

۳. پاداش و کیفر در حقیقت با روح و قوای ادراکی انسان ارتباط دارد و جسم همواره وسیله ای برای انتقال پاداش و کیفر به روح انسان است. (۱)

پس، اگر پوست یا جسم کسی عوض شود و یا نو گردد، باز هم کیفر مناسب و عادلانه به او خواهد رسید.

۴. معاد هم روحانی است و هم جسمانی و این آیه دلیلی دیگر بر وقوع معاد جسمانی است.

جایگاه دشمنان امام حسین علیه السلام در دوزخ

در برخی تفاسیر آمده است که مقصود از «آیات» در این آیه، امام علی و دیگر امامان معصوم علیهم السلام هستند، (۲) که هر کس به آن ها کفر ورزد و انکارشان کند، به کیفر سختی دچار خواهد شد.

قال صلى الله عليه و آله ولدى الحسين يقتل ظلماً وعدواناً ألا ومن قتله يدخل فى تابوت من نارٍ ويعذب بعذاب نصف أهل النار وقد غلت يدها ورجلاه وله رائحة يتعوذ أهل النار منها، هو من شايع وباع أو رضى بذلك (كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُوداً غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ) ۳ لايفتر عنهم ساعةً ويسقون من حميم جهنم، فالويل لهم من عذاب جهنم. (۳)

تحليل

آیه فوق در مورد کافران و عذاب دردناک آن هاست ولی احادیث فوق برخی از مصادیق بارز «آیات الهی» را بیان می کند که همان ائمه علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هستند و نیز یکی از مصادیق «کفار را بیان می کند که همان دشمنان امام حسین علیه السلام هستند که در برابر امام حق ایستادند و کفر ورزیدند و گرفتار عذاب سخت مذکور در این آیه شدند.

ص: ۱۹۹

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، همان.

۲- (۲). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳- (۴). بحار، ج ۴۵، ص ۳۲۱، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۳۱۷ (قریب منه) و مشابه این حدیث در معانی الاخبار، ص ۱۰۹؛ قصص الأنبياء، ص ۴۱؛ بحار، ج ۱۱، ص ۱۷۳، ح ۱۹ و ج ۲۶، ص ۳۲۱، ح ۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۷۸؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۷۶۸، ح ۱۴، بحار، ج ۴۴، ص ۳۰۰، کشف الیقین، ص ۳۰۶ و صحیفه الرضا، ص ۵۸.

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می شود که امام حسین علیه السلام یکی از آیات بزرگ الهی است و دشمنان امام حسین علیه السلام کافرانی هستند که گرفتار عذابی دردناک هستند که نو به نو می شود.

۲۳- اطاعت امام حسین علیه السلام همچون اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

نساء / ۵۹. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا) ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید؛ و فرستاده [خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید. و اگر در چیزی با همدیگر اختلاف کردید، پس آن را به خدا و فرستاده (اش) ارجاع دهید (و از آن ها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، این (کار) بهتر و فرجام (ش) نیکوتر است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. تعبیر «اطاعت کنید.» در آیه تکرار شده است؛ یک بار برای اطاعت از خدا و یک بار برای اطاعت از پیامبر و رهبران. شاید این تکرار برای آن است که اطاعت خدا اصلی است، ولی اطاعت پیامبر به خاطر فرمان خداست. (۱)

یعنی اطاعت آن ها در ظاهر یک سان، اما در واقع دو نوع است. (۲)

۲. تعبیر «اطاعت کنید.» در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله که معصوم و نماینده خداست، و رهبران الهی، یک بار به کار رفته است؛ یعنی اطاعت بی قید و شرطی که از پیامبر صلی الله علیه و آله لازم است، از رهبران الهی نیز لازم است، پس روشن می شود که رهبران الهی که در آیه بدانها اشاره شده، باید مثل پیامبر صلی الله علیه و آله دارای مقام عصمت باشند و خطا نکنند و اطاعت از آنان به صورت بی قید و شرط مطلوب باشد.

۳. در مورد واژه «صاحبان امر»، مفسران شیعه و اهل سنت نظرهای متفاوتی ارائه کرده اند. برخی از مفسران اهل سنت گفته اند که مقصود از صاحبان امر این افرادند: زمام داران و

ص: ۲۰۰

۱- (۱). به عبارت دیگر، اطاعت خدا بالذات و اطاعت پیامبر صلی الله علیه و سلم بالغیر است.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۵.

حاکمان، چه ستمگر و چه عادل، زمام داران و صاحب منصبانی که دستوری خلاف احکام اسلامی ندهند، دانشمندان عادل که از محتوای کتاب و سنت آگاهی دارند، خلفای چهارگانه، صحابه و یاران پیامبر، فرماندهان لشکر (۱) و اجماع امت. مفسران شیعه بر آن اند که مقصود از «صاحبان امر» در آیه فوق افراد معصوم هستند؛ چرا که، همان طور که گذشت، اطاعت آنها، مثل اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله، بی قید و شرط واجب است؛ پس آیه فوق فقط شامل امامان معصوم علیهم السلام می شود. این مطلب در بسیاری از روایات نیز آمده است که برخی از آن ها را عالمان اهل سنت نیز حکایت کرده اند. (۲) علاوه بر این که افراد و گروه هایی که مفسران اهل سنت نام بردند، اولاً، معصوم نیستند، پس آیه شامل آن ها نمی شود.

و ثانیاً، آیه صاحبان امر را به صورت مطلق و بی قید و شرط آورده است و این تفسیرها با اطلاق آیه ناسازگار است.

۴. «صاحبان امر» فقط رهبران معصوم جامعه اسلامی، یعنی امامان علیهم السلام هستند، اما اگر کسانی از طرف امامان معصوم علیهم السلام به مقامی منصوب شوند، با شرایطی اطاعت از آن ها لازم است و دستورات آنها، با واسطه، به دستور معصوم و به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا منتهی می شود.

البته این تعیین و نصب می تواند به صورت مستقیم انجام شده باشد، مثل نایبان خاص امام عصر علیه السلام؛ و یا از طریق نصب عام باشد، که فقها و ولایت فقیه با شرایطی خاص، نایب حجه بن الحسن علیه السلام هستند و در زمان غیبت، مردم را رهبری می کنند، که نمونه کامل آن در عصر ما، امام خمینی رحمه الله بود.

۵. مقصود از واژه «امر» در «صاحبان امر» چیزهایی است که مربوط به دین یا دنیای مؤمنان است.

۶. صدر آیه فوق دستور به اطاعت مطلق از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحبان امر می دهد و ذیل آن دستور می دهد که مسلمانان اختلافات را نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ببرند. از این تفاوت تعبیر روشن می شود که اولاً، اختلافات مربوط به احکام کلی نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله برده

ص: ۲۰۱

۱- (۱). همان.

۲- (۲). ر.ک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۲۵.

می شود که تشریح آن با خدا و پیامبر است، و گرنه در مسائل مربوط به جزئیات حکومت و جامعه، همه مسلمانان موظف به اطاعت از خدا و پیامبر و رهبران الهی هستند. (۱)

و ثانیاً، مرجع اختلافات «کتاب و سنت» یعنی سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و امامان نیز مُجری و مبین کتاب و سنت هستند؛ همان گونه که بارها بیان کرده اند؛ از این رو لازم نبود که عبارت اولی الأمر در ذیل آیه تکرار شود. (۲)

۷. آیه فوق فصل الخطابی برای جامعه مسلمانان تعیین می کند که در هنگام اختلافات، حکم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ، یعنی قانون الهی، سخن آخر است و همه باید از آن اطاعت کنند و در عصر حاضر نیز اگر مسلمانان، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را مرجع حل اختلافات خود بدانند، به اهل بیت علیهم السلام رو می آورند و مشکلات آنان زودتر حل می شود و این برای آنان بهتر و خوش فرجام تر و نشانه ایمان آنهاست.

۸. اگر نظام مدیریتی جامعه اسلامی رعایت شود و مردم سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله (قرآن و سنت) را داور نهایی خود بدانند، اختلافات جامعه کم تر و به زودی برطرف می شود؛ و جامعه اسلامی سعادت مند می گردد.

امام حسین علیه السلام از مصادیق اولوالامر

برخی از مفسران اهل سنت گفته اند (۳) و روایاتی نیز حکایت کرده اند که آیه فوق در مورد امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. (۴)

و در روایات متعدد شیعه نیز حکایت شده که مقصود از «أولو الامر»، همان امامان شیعه هستند و نام تک تک آن ها برده شده است. (۵)

ص: ۲۰۲

۱- (۱). واژه «شیء» در آیه فوق مطلق است و شامل همه اختلافات می شود، یعنی هرگونه اختلافی را نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و سلم ببرید و طبق کتاب و سنت حل و فصل کنید، ولی با قرینه فوق، شامل اختلافات کلی می شود.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۱.

۳- (۳). صاحب تفسیر بحر المحيط و ینایع الموده از اهل سنت تصریح کرده اند.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۳ و ینایع الموده، ص ۱۱۶ و ۱۱۴.

۵- (۵). ر.ک: کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳؛ مناقب ج ۱، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۳، ذیل آیه و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۶۲.

جابر بن یزید الجعفی قال: سمعت جابر بن عبد الله يقول: لما انزل الله عز وجل على نبيه محمد صلى الله عليه وآله (يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم) ١ قلت: يا رسول الله عرفنا الله ورسوله فمن أولوا الأمر الذين قرن الله طاعتهم بطاعتك؟ فقال عليه السلام هم خلفائي يا جابر وأئمة المسلمين من بعدى، أو لهم على بن ابى طالب ثم الحسن، ثم الحسين، ثم على بن الحسين ثم محمد بن على المعروف فى التوراه بالباقر و ستدرکه یا جابر فاذا لقیته فاقرأه منى السلام، ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر، ثم على بن موسى، ثم محمد بن على، ثم الحسن بن على، ثم سمى و كنى حجه الله فى أرضه و بقیته فى عبادہ ابن الحسن بن على، ذاك الذى يفتح الله تعالى ذكره على يديه مشارق الأرض و مغاربها، ذاك الذى يغيب عن شيعته و أوليائه غيبه لا يثبت فيها على القول بإمامته الا من امتحن الله قلبه للإيمان. (١)

تحليل

آیه فوق مؤمنان را به اطاعت «اولوالامر» فرا مى خواند و روایات فوق مصادیق کامل این کلمه را بیان مى کند که امامان معصوم از جمله امام حسین علیه السلام هستند.

پیام

بر اساس آیه با توجه به روایات فوق اطاعت امام حسین علیه السلام مثل اطاعت پیامبر صلى الله عليه وآله واجب است و مخالفت با دستورات آن حضرت جایز نیست.

۲۴- امام حسین علیه السلام رفیق نیکوی از نعمت دادندگان شهید

نساء / ۶۹. (وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسْبُكَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا) .

و کسانی که خدا و فرستاده[اش] را اطاعت کنند، پس ایشان با کسانی، که خدا به آنان نعمت داده، از پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان (همنشین) خواهند بود؛ و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.

ص: ۲۰۳

۱- (۲) . بحار، ج ۳۶، ص ۲۴۹، ح ۱۷؛ کمال الدین، ص ۲۵۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۹، ح ۳۳۱ و فى تأویل الآيات، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۱۳ و بحار، ج ۲۳، ص ۲۸۹، ح ۱۶ (مع نقيصه) مشابه آن در عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۱ و البرهان، ج ۱، ص ۳۸۵.

حکایت شده که یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «ثوبان» که محبت شدیدی به حضرت داشت، روزی پریشان و ناراحت خدمت ایشان رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله از سبب ناراحتی اش پرسیدند. وی گفت: زمانی که از شما دور می شوم و شما را نمی بینم، ناراحت می شوم و امروز در این فکر بودم که در رستخیز، اگر من اهل بهشت باشم، در جایگاه شما نیستم و شما را نخواهم دید و اگر اهل بهشت نباشم که تکلیف کار من روشن است؛ بنابراین در هر دو صورت از دیدار شما محروم خواهم شد؛ پس چرا افسرده نباشم!؟

آیات فوق فرو فرستاده شد و به این گونه افراد بشارت داد که پیروان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، در بهشت نیز هم نشین پیامبران و برگزیدگان خدا خواهند بود. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. خداوند نعمت خود را بر چهار گروه تمام کرده است: پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان، که رفیقان خوبی هستند. افراد وظیفه شناس که به دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کنند نیز با آنان هم نشین خواهند بود و این ها همان کسانی هستند که هر روز در نمازها از خدا می خواهیم که ما را به راه آنان هدایت کند (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ). (۲)

۲. «صدیقین» یعنی «راست گویانی» که سراسر وجودشان راستی و درستی است (۳)؛ کسانی که با عمل و کردار، راست گویی خویش را به اثبات می رسانند.

از تعبیر این آیه استفاده می شود که بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از صدق و راستی نیست.

۳. در برخی روایات آمده است که مقصود از «صدیق» امام علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام هستند (۴)؛ البته این روایات، مصادیق روشن و عالی آیه را بیان می کنند و به معنای انحصار نیست.

ص: ۲۰۴

۱- (۱). اسباب النزول، ص ۱۶۸ و بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۸۷ و ج ۶۵، ص ۲.

۲- (۲). حمد / ۶-۷.

۳- (۳). واژه «صدیق» صیغه مبالغه است.

۴- (۴). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

۴. واژه «شهادت» در اصل به معنای «گواه» است. انسان گاهی با سخن خویش و گاهی با عمل و کشته شدن در راه اهداف پاک، گواهی بر حق می دهد.

مقصود از «شهادت» در آیه فوق، یا کشته شدن در راه هدف و یا افراد برجسته ای هستند که در روز رستاخیز شاهد و گواه اعمال انسان ها هستند. (۱)

۵. «صالحان» افراد شایسته ای هستند که با انجام کارهای مثبت و سازنده و پیروی از دستورات پیامبران به مقامات برجسته ای نایل شده اند.

۶. در برخی روایات آمده است که مقصود از صالحان، یاران برگزیده امامان معصوم علیهم السلام هستند؛ (۲) البته این روایات نیز مصادیق بارز آیه را بیان می کنند.

۷. مراحل چهارگانه ای که در آیه آمده است، شاید اشاره به این باشد که برای ساختن یک جامعه شایسته، نخست رهبران الهی، یعنی پیامبران، و به دنبال آنان، تبلیغ کنندگان صدیق که قول و عملشان با هم هماهنگ است وارد عمل می شوند و در مرحله سوم برخی از آنان در راه مبارزه با آلودگی ها قربانی و شهید می شوند و محصول همه این مراحل، به وجود آمدن افرادی صالح است که مشعل حق را روشن نگاه می دارند و نسبت به نسل آینده وظیفه رهبری، تبلیغ و شهادت را به عهده دارند. (۳)

۸. معاشران خوب آن قدر با ارزش اند که در جهان دیگر نیز، برای تکمیل نعمت های بهشتیان، هم نشینان خوب به آنان عطا می شوند.

۹. رفیقان خوب بهشتی از مسیر اطاعت از فرمان خدا و رسول صلی الله علیه و آله به دست می آیند؛ یعنی در این راه است که پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان وجود دارند.

آری، انسان باید در دنیا به دنبال رفیقانی باشد که این خصلت ها را دارند، تا بتواند در آخرت با آنان هم نشین شود.

۱۰. هم نشینی افراد فرمان بردار با پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، به معنای برابری مقام آنان با هم نیست، بلکه هر کدام، طبق مقام خود، سهمی خاص از مواهب و الطاف الهی دارند.

ص: ۲۰۵

۱- (۱). همان و تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶۰ - ۴۶۱.

۲- (۲). تفسیر صافی، همان.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۳، همان.

امام حسین علیه السلام از مصادیق کامل شهداء در آیه فوق:

عن أم سلمه، قالت: سألت رسول الله صلى الله عليه و آله عن قول الله سبحانه: (فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا).

قال: «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ» أنا «وَالصَّادِقِينَ» علي بن أبي طالب «وَالشُّهَدَاءِ» الحسن و الحسين «وَالصَّالِحِينَ» حمزه «وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» الأئمة الاثنا عشر بعدى». (۱)

تحلیل

در این آیه به جایگاه بلند شهداء اشاره شده است و در این روایت به مصادیق شهداء اشاره شده که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام از مصادیق کامل آن ها هستند. که جان خود را در راه خدا فدا کردند و همچون شمع شهادت محفل بشریت و چراغ راه مسلمانان شدند. پس هر چند که شهداء منحصر در این دو امام علیه السلام نیست اما روایت از باب جری و تطبیق مصادیق کامل شهداء را بیان می کند.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که امام حسین علیه السلام شهید بزرگی و رفیق نیکویی است که به او نعمت الهی داده شده و در هر نماز از خدا می خواهیم که ما را به راه نعمت داده شدگانی همچون امام حسین علیه السلام هدایت کند. آری هر کس رفیق نیکو طلبد در راه حسین علیه السلام گام نهد و با او دوست شود. که رفیق نیکویی در دنیا و آخرت است.

۲۵- لزوم جهاد در عصر امام حسین علیه السلام

اشاره

نساء / ۷۷. (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ فَتِيلًا)؛ «آیا نظر نمی کنی به سوی کسانی که (در مکه) به آنان گفته شد: «(فعلاً) از جهاد) دست نگهدارید؛ و نماز را به پا دارید؛ و [مالیات] زکات بپردازید.» و [لی] هنگامی که (در مدینه) جنگ (و جهاد) بر آنان مقرر شد، بناگاه دسته ای از آنان، از مردم می هراسیدند،

ص: ۲۰۶

همانند هراسیدن از خدا، یا هراسیدن شدیدتر. و گفتند: «[ای] پروردگار ما! چرا جنگ (و جهاد) را بر ما مقرر داشتی؟! چرا (این فرمان را از) ما تا سرآمد نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» (به آنها) بگو: «کالای دنیا، اندک است؛ و برای کسی که خودنگهدار باشد (نعمت های) آخرت، بهتر است؛ و کمترین ستمی، به شما نخواهد شد.»

شأن نزول

حکایت شده که گروهی از مسلمانان که در مکه تحت فشار و آزار شدید مشرکان قرار داشتند، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: ما قبل از اسلام، عزیز و محترم بودیم، اما پس از اسلام وضع ما دگرگون شد و همواره مورد آزار دشمنان قرار داریم؛ اگر اجازه دهید، با دشمن می جنگیم تا عزت خود را بازیابیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در آن موقعیت مکه گفتند: من فعلاً مأمور به مبارزه نیستم.

اما وقتی مسلمانان به مدینه آمدند و زمینه برای مبارزه مسلحانه آماده شد و دستور جهاد صادر گردید، برخی از آن افراد برای شرکت در جنگ، کوتاهی و مسامحه کردند. آیه فوق در مورد این افراد فرود آمد (۱) و آنان را سرزنش کرد.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. آیه توجه پیامبر صلی الله علیه و آله را به سوابق افراد جلب می کند و توجه می دهد که چگونه آنان که زود احساساتی و داغ می شوند، زود هم سرد می شوند و از میدان بدر می روند. این یادآوری سازنده و هشدار دهنده است. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است؛ در مرحله اول انقلاب باید احساسات زودرس را کنترل کرد و مشکلات را تحمل نمود.

۲. در این آیه از میان دستورات اسلامی فقط به نماز و زکات اشاره شد؛ زیرا نماز رمز پیوند انسان با خدا؛ و زکات رمز پیوند انسان با خلق خداست.

یعنی به وسیله پیوند با خدا و خلق، جسم و روح خود را بسازید و اجتماع را آماده جهاد کنید؛ جهاد و جنگ بدون آمادگی روحی و جسمی و پیوندهای محکم اجتماعی، محکوم به شکست است.

ص: ۲۰۷

۳. قانون زکات و پرداخت مالیات واجب شرعی در مدینه وضع شد، اما آیه فوق مربوط به مسلمانان مکه است؛ پس مقصود از زکات در این آیه، زکات مستحب، یعنی بخشش های غیر واجب و کمک های مالی به مستمندان مسلمان است که در مکه نیز وجود داشته است. (۱)

۴. برنامه مسلمانان در مکه و مدینه، طبق مقتضیات زمانی و مکانی آنها، متفاوت بوده؛ یعنی دوران سیزده ساله مکه، دوران سازندگی مسلمانان بود، در این دوره حدود نود سوره قرآن فرود آمد که بیش تر جنبه عقیدتی داشت، اما در مدینه دوران تشکیل حکومت و پایه ریزی اجتماع سالم مسلمانان بود و جهاد و زکات که از شئون حکومت اسلامی بود، واجب شد.

۵. عامل مهم ترک جهاد و جبهه، دل بستگی دنیوی است؛ پس اگر چشم انداز انسان وسیع تر شود و بعد از این جهان مادی را هم ببیند، به این کالای اندک دنیا دل بسته نمی شود. (۲)

۶. جهان دیگر برای افراد باتقوا بهتر است؛ چون به پاداش ها و نعمت های خویش می رسند و کم ترین ستمی به کسی نخواهد شد، (۳) اما افراد بی تقوا به کالاهای اندک این دنیا چشم می دوزند؛ چون از پاداش های نیکوی آخرت بهره ای ندارند.

زمان امام حسین علیه السلام از مصادیق آیه در وجوب جنگ

در احادیث متعدد، آیه فوق با عصر امام حسن علیه السلام (که زمان صلح و صبر بود) و عصر امام حسین علیه السلام (که زمان جنگ بود) و عصر قیام حجه بن الحسن علیه السلام تطبیق شده است. (۴) از جمله:

عن إدريس مولى لعبد الله بن جعفر، عن أبي عبد الله عليه السلام، فى تفسير هذه الآية:

ص: ۲۰۸

۱- (۱). تفسیر تبیان، ذیل آیه.

۲- (۲). تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۸۱.

۳- (۳). واژه «فتیل» به معنای رشته باریکی است که در شکاف وسط هسته خرما قرار دارد (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۵) و کنایه از چیز اندک است.

۴- (۴). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۷۲؛ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۷ و ج ۶۸، ص ۳۰۰.

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ): مع الحسن (وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ) مع الحسين (قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ) إلى خروج القائم عليه السلام ، فإن معه النصر والظفر، قال الله: (قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى الْآيَةَ).

تحليل

ظاهر این آیه در مورد شرایط صلح مکه و شرایط جنگ در مدینه است. اما روایات فوق آن را بر شرایط صلح امام حسن علیه السلام و شرایط جنگ امام حسین علیه السلام تطبیق کرده است. یعنی با الغاء خصوصیت از آیه یک قاعده کلی اخذ کرده و مصادیق جدید آن را در اعصار بعد مشخص نموده است. یعنی بطن آیه را بیان کرده است. آری در عصر امام حسن علیه السلام صلح ایشان اسلام ناب محمدی را حفظ کرد و در عصر امام حسین علیه السلام جانفشانی حضرت و یارانش اسلام را از انحراف نجات داد.

پیام

براساس آیه فوق با توجه به روایات استفاده می شود که هر گاه شرایط جهان اسلام مثل شرایط عصر امام حسین علیه السلام بود باید کار حسنی کرد. و اگر شرایط مثل مکه و عصر امام حسن علیه السلام بود باید کار حسنی کرد تا اسلام ناب محمدی زنده بماند و از انحراف حفظ شود.

چهارم: سوره مائده

۲۶- ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام

اشاره

مائده/ ۳. (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَشْتَقِسُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسَقُ الْيَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ أَحْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصِهِ غَيْرَ مُتْجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ؛ «بر شما حرام شده است: (خوردن) مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام] غیر خدا بر آن بانگ زده شده، و (حیوانات) خفه شده، و بر اثر زدن، (یا بیماری) مرده، و از بلندی افتاده و جان سپرده و به ضرب شاخ

کشته شده، و آنچه در زنده (از آن) خورده - مگر آنچه را (زنده در یابید و) سر بپزید - و آنچه بر (آستان) بت های سنگی سر بریده شده است، و (نیز) تقسیم کردن (گوشت حیوان) بوسیله چوب های شرط بندی؛ این (کارها همگی) نافرمانی است. - امروز، کسانی که کفر ورزیدند، از (زوال) دین شما ناامید شدند؛ پس، از آن ها نهراسید؛ و (از مخالفت من) بهراسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را برای شما [بعنوان] دین پذیرفتم. - و هر کس به اضطراب افتد، در حالی که گرسنه، [و] غیر متمایل به گناه باشد، پس (مانعی ندارد که از آن ها بخورد، چرا) که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهربور است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه به ممنوعیت خوردن یازده چیز اشاره شده که عبارت اند از:

اول: مردار؛ دوم: خون؛ سوم: گوشت خوک؛ چهارم: گوشت حیواناتی که طبق سنت جاهلیت به نام بت ها و یا اصولاً به نام غیر خدا سر بریده می شوند؛ پنجم: گوشت حیواناتی که به هر صورتی خفه شده باشند؛ (۱) ششم: گوشت حیواناتی که با شکنجه و یا در اثر بیماری جان بسپارند؛ (۲) هفتم: گوشت حیواناتی که بر اثر «پرت شدن از بلندی» بمیرند؛ هشتم: گوشت حیواناتی که بر اثر ضربه شاخ بمیرند؛ نهم: گوشت حیواناتی که توسط درندگان کشته شوند؛ دهم: گوشت حیواناتی که در مقابل سنگ نَصَب قربانی شوند (۳)؛

ص: ۲۱۰

- ۱- (۱). در میان اعراب جاهلی و گروهی از یهودیان مرسوم بود که حیوان را با فشار دادن خفه و سپس از گوشت آن استفاده می کردند. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۱۷ و تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۸.
- ۲- (۲). «موقوذه»، از ماده «وقذ» به معنای زدن شدید یا بیماری شدید است که منتهی به مرگ شود، و گاهی به زدن شدید یا بیماری شدید، که منتهی به مرگ نشود نیز گفته می شود، اما در این جا معنای اول مراد است. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۹). برخی حکایت کرده اند که در میان عرب ها معمول بود، برخی از حیوانات را به خاطر بت ها آن قدر می زدند تا بمیرند و این عمل را نوعی عبادت می دانستند (ر.ک: تفسیر قرطبی، ذیل آیه).
- ۳- (۳). در زمان جاهلیت سنگ هایی در اطراف کعبه نصب کرده بودند و در مقابل آن ها قربانی می کردند و خون قربانی را به آن ها می مالیدند و به آن ها نَصَب می گفتند و تفاوت این نَصَب با بت ها آن بود که بت ها همواره دارای شکل خاصی بودند، اما این سنگ ها شکل خاصی نداشتند.

یازدهم: گوشت حیواناتی که با چوبه های شرطبندی (و قمار) تقسیم شود. (۱)

۲. در یک مورد خوردن گوشت های حرام جایز است، و آن هنگامی است که انسان شدیداً گرسنه شود (۲) و از باب اضطرار ناچار شود که از غذای ممنوع تغذیه کند؛ البته به شرطی که برای حفظ جان باشد و در این هنگام هم در خوردن گوشت حرام زیاده روی نکند و آن را حلال نشمرد و یا مقدمات اضطرار را خودش فراهم نکند و یا در سفری که برای انجام کار حرامی در پیش گرفته دچار این ضرورت نشود. (۳)

۳. حکمت و فلسفه ممنوعیت گوشت ها و مواد غذایی فوق چیست؟

پاسخ آن است که ممکن است فلسفه این ممنوعیت یکی از موارد زیر باشد:

الف) جنبه بهداشتی این امور مهم است؛ برای مثال وقتی حیوانی به صورت صحیح سر بریده نشود و بر اثر عوامل فوق بمیرد، خون های زیادی در بدن او باقی می ماند و مرکز رشد میکرب ها می شود و اگر کسی از گوشت این حیوان استفاده کند، معمولاً در معرض بیماری و مسمومیت قرار می گیرد، ولی اگر حیوانی با آداب اسلامی سر بریده شود و خون زیادی از بدن او خارج شود، حلال خواهد بود؛ از این روست که در دنباله آیه می فرماید: «مگر آن که آن را سر ببرید.»

ب) جنبه اخلاقی و معنوی این امور مورد توجه بوده و از این رو ذکر نام خدا و رو به قبله بودن در موقع سر بریدن حیوان شرط شده و یا گوشت حیوانی که در شرطبندی «ازلام» کشته شده، حرام گردیده است، چرا که تمام زیان های قمار و برنامه های خرافی را

ص: ۲۱۱

۱- (۱). در جاهلیت مرسوم بود که ده نفر با هم شرطبندی می کردند و حیوانی را می خریدند و سپس سر می بریدند؛ آن گاه ده چوبه تیر انتخاب می کردند و بر هفت عدد آن ها عنوان «برنده» و بر سه عدد عنوان «بازنده» می نوشتند و در کیسه مخصوصی می ریختند و به صورت قرعه کشی، به نام هر کدام از ده نفر بیرون می آوردند و هفت نفر برنده، هر کدام سهمی از گوشت برمی داشتند و سه نفر بازنده، هر کدام یک سوم قیمت حیوان را می پرداختند، بدون این که سهمی از گوشت داشته باشند. این چوبه های شرطبندی را «ازلام» می نامیدند و کار آنان نوعی قمار به شمار می رفت (ر.ک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۸).

۲- (۲). واژه «مخمصه» به معنای «فرورفتگی» و در این جا به معنای فرورفتگی شکم در اثر گرسنگی شدید در هنگام قحطی یا گرفتاری است و تعبیر «مُتجانف» به معنای تمایل به گناه است.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۲.

در بر دارد و به همین دلیل در ادامه تحریم این امور اشاره شده که «تمام این اعمال فسق و خروج از اطاعت پروردگار است.»
(۱)

۴. مفسران در مورد جمله «مگر آن که حیوان را شما سر ببرید.» دو احتمال داده اند:

یکی آن که این استثنا مخصوص حیواناتی باشد که درندگان به آن ها حمله کرده باشند و قبل از مردن سر آنان را ببرند و حلال شوند، ولی اکثر مفسران معتقدند که این استثنا به تمام اقسام ذکر شده قبل از استثنا برمی گردد. (۲)

ولی به نظر می رسد که این استثنا برای برخی موارد مناسب است، مثل حیوانی که در معرض خفگی قرار گرفته، از بلندی پرت شده، شاخ زده شده و مورد حمله درندگان قرار گرفته، اما برای برخی موارد، مثل گوشت خوک، مناسب نیست.

۵. قرآن کریم در استفاده انسان از گوشت، روشی اعتدالی در پیش گرفته است؛ نه مانند برخی هندوها خوردن گوشت را مطلقاً حرام کرده و نه مانند برخی مردم دوران جاهلیت، گوشت مردار (۳) و سوسمار و خون آن ها را حلال کرده است.

اسلام گوشت حیواناتی را که از تغذیه پاک استفاده می کنند با شرایط زیر حلال کرده است:

الف) حیواناتی که علف خوار باشند (حیوانات گوشت خوار با استفاده از گوشت های آلوده، سبب بیماری می شوند).

ب) حیواناتی که مورد تنفر انسان نباشند.

ج) حیواناتی که ضرری برای جسم و روح انسان نداشته باشند.

د) حیواناتی که در مسیر شرک و بت پرستی قربانی نشده باشند.

ه- طبق دستورات اسلامی سر بریده شده باشند، تا از نظر بهداشتی و معنوی پاک باشند. (۴)

ص: ۲۱۲

۱- (۱). «ذَلِكُمْ فَسَقٌ»، اشاره مفرد است که به جمع بازمی گردد.

۲- (۲). تفسیر نمونه این نظر را به حقیقت نزدیک تر می داند (ر.ک: ج ۴، ص ۲۶۰).

۳- (۳). واژه «میتة» در لغت معمولاً به حیوانی گفته می شود که خود به خود بمیرد؛ و در اصطلاح شرعی مفهوم وسیعی دارد و هر حیوانی را که به طریق شرعی سر بریده نشده، شامل می شود. پس موارد مذکور در آیه، همگی داخل مفهوم میتة شرعی هستند اما داخل مفهوم میتة لغوی نیستند و یا حداقل این احتمال وجود دارد؛ از این رو میتة بودن جداگانه ذکر شده است.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۶۲.

۶. غذا در سلامت جسم و روح انسان تأثیر زیادی دارد و از این رو قرآن بارها بر حرام بودن برخی غذاها یا فشاری کرده است؛ آری، اسلام دینی جامع است و به همه نیازهای جسمی و روحی انسان توجه کرده است.

۷. در آیه فوق سخن از روز «اکمال دین و اتمام نعمت» شده که روز ناامیدی کفار است. در مورد مقصود از این روز مهم و سرنوشت ساز اسلام، چند احتمال وجود دارد:

الف) همان روزی است که این گوشت ها حرام شده است.

این احتمال صحیح نیست؛ چون اولاً، مطالب آیه فوق در آیه ۱۷۳ سوره بقره و آیه ۱۱۵ سوره نحل نیز آمده و مطالبی تکراری و تأکیدی است.

ثانیاً، این احکام آخرین احکامی نیست که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است تا دین اسلام را کامل کند بلکه بعد از آن نیز در همین سوره مائده احکام دیگری فرود آمد.

ثالثاً، نزول این احکام آن قدر در روحیه کافران مؤثر نبود که آنان را از اسلام مأیوس سازد.

ب) روز فتح مکه، یا روز نزول آیات سوره براءت و یا روز ظهور اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

ج) روز عرفه است که در آخرین سفر حج پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

این احتمال نیز صحیح نیست؛ چون در روز عرفه اتفاق مهمی نیفتاد که کافران مأیوس شوند؛ و انبوه جمعیت آن روز، در مکه و منی نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، مگر آن که گفته شود: آیه فوق در عرفه نازل گردید ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل هراس از واکنش منافقان نسبت به ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام، آن را در روز غدیر خم به مردم ابلاغ نمود؛ (۱) همان طور که در آیه ۶۷ سوره مائده به این مطلب اشاره شده است.

این احتمالات نیز، از نظر تاریخی، با زمان نزول آیه فوق که حدود هشتاد روز قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بود، سازگار نیست.

ص: ۲۱۳

۱- (۱). در این مورد روایتی نیز حکایت شده است (ر.ک: تفسیر عیاشی، ذیل آیه). علامه طباطبایی رحمه الله نیز همین دیدگاه را می پذیرند (تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰۹). این احتمال هم وجود دارد که محتوای آیه (مسأله ولایت) در عرفه نازل شد و آیه فوق (اکمال) در غدیر نازل و ابلاغ گردید. روایات شأن نزول آیه ۶۷ سوره مائده شاهد این مطلب است.

د) تمام مفسران شیعه گفته اند و روایات زیادی از شیعه (۱) و اهل سنت (۲) تأیید می کنند که مقصود از «الیوم» روز غدیر خم است؛ یعنی هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسماً علی علیه السلام را به جانشینی خود تعیین کردند و پشتوانه محکمی برای آینده اسلام فراهم ساختند، دین خدا کامل شد و کافران و دشمنان اسلام مأیوس شدند؛ زیرا مشاهده کردند که اسلام قائم به شخص نیست و فردی عالم، عادل، پارسا و قدرتمند جای پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت. این گونه بود که با تکمیل خط رهبری، اسلام کامل شد و با موهبت الهی امامت، نعمت های خدا بر بشر تمام شد و در آن روز بود که برنامه کامل شده اسلام مورد رضایت الهی قرار گرفت و به عنوان آیین نهایی بشر پذیرفته شد.

۸. در روایات فراوانی از اهل سنت و شیعه، به ارتباط آیه فوق با غدیر خم و ولایت علی علیه السلام تصریح شده است؛ از جمله دانشمندان و راویان اهل سنت که بدین امر تصریح کرده اند عبارت اند از:

ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایت کرده که آیه فوق در روز غدیر خم و در باره علی علیه السلام نازل شد.

حافظ ابو نعیم اصفهانی نیز از ابو سعید خدری، صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایت کرده که در روز غدیر خم و پس از نصب علی علیه السلام به ولایت، هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه فوق نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله صدا به تکبیر بلند کردند.

و حتی خطیب بغدادی از ابو هریره حکایت کرده که پس از جریان غدیر، عمر به علی علیه السلام تبریک گفت که مولای او و مولای هر مسلمانی شده است. (۳)

ص: ۲۱۴

۱- (۱). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ غیبه نعمانی، ص ۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۷ و ج ۲، ص ۶۷۵ و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ص ۲۹۰.

۲- (۲). شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸، و ۲۵۶.

۳- (۳). عمر گفت: بَخَّ یَا ابن ابی طالب اصبحت مولای و مولا کل مسلم (تفسیر فرات، ص ۵۱۵؛ امالی صدوق، ص ۲؛ اعلام الوری، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۵؛ الهدایه الکبری، ص ۵؛ و از منابع اهل سنت تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۴؛ من حیاة الخلیفه عمر بن الخطاب، ص ۱۹۴ و الغدیر، ج ۱، ص ۲۲۲، ۲۳۰ - ۲۳۳، ۲۷۲، ۲۷۵ و ۳۹۲).

از دانشمندان و راویان شیعه، در کتاب الغدیر، ۱۶ روایت (۱) و در تفسیر صافی، (۲) برهان و نور الثقلین ده روایت از طریق های مختلف حکایت شده که آیه فوق در مورد علی علیه السلام و در روز غدیر بر مردم ابلاغ شده است. (۳)

۹. دو آیه از سوره مائده در مورد ولایت علی علیه السلام در غدیر خم است، یکی آیه ۶۷ و دیگری آیه ۳ این سوره. فاصله زیاد این دو آیه بدان سبب است که قرآن طبق ترتیب نزول آیات جمع آوری و مرتب نشده و گاهی آیات مکی در سوره های مدنی آمده و یا به عکس؛ و حکایت شده که جای آیات به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین می شد. و نیز احتمال دارد که بخش اول سوره مائده یکجا نازل شد، سپس این بخش از آیه سوم در روز غدیر به همراه آیه ۶۷ خوانده شد (۴).

۱۰. در آیه سوم سوره مائده مطلب مربوط به ولایت علی علیه السلام در روز غدیر، در لایه لای احکام تکراری مربوط به غذاهای حلال و حرام قرار گرفته است، تا از دست رس تحریف مخالفان در امان بماند. مخالفانی که از هر گونه تهمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام و مبارزه با ولایت علی علیه السلام کوتاهی نکردند. (۵)

۱۱. از این آیه، با توجه به روایات، استفاده می شود که قوام مکتب اسلام به رهبری صحیح است و با وجود او، دین کامل می شود و مورد رضایت خدا قرار می گیرد و نعمت با او تمام می شود و کافران مأیوس می گردند.

۱۲. همه امید کافران به فقدان رهبر اسلام است، پس با وجود رهبری لایق هم چون علی علیه السلام در جامعه، مسلمانان نباید از کافران ترسی داشته باشند؛ خطر کافران وقتی زیاد می شود که مردم از خط ولایت فاصله بگیرند. (۶)

ص: ۲۱۵

۱- (۱). الغدیر، همان.

۲- (۲). تفسیر صافی، ج ۲، ص ۹ - ۱۰.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۶۶.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰۹ - ۲۱۰.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۰.

۶- (۶). ر.ک: تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۹ - ۲۱.

ثم قال (رسول الله صلى الله عليه و آله في غدیرخم): - أيها الناس، إن الله مولای، و أنا مولی المؤمنین، و أولى بهم من أنفسهم، من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاده [و انصر من نصره، و اخذل من خذله].

فقال إليه سلمان الفارسی، فقال: یا رسول الله و لاه ماذا؟ فقال: و لاه کولایتی، من كنت أولى به من نفسه فعلى أولى به من نفسه. فأنزل الله عز و جل: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا).

فقال سلمان: یا رسول الله، أنزلت هذه الآيات في على خاصة؟ فقال: نعم، فيه و في أوصيائي إلى يوم القيامة.

فقال سلمان: یا رسول الله، سمهم لى، فقال: على أخی و وزیرى [و وصيى و وارثى] و خليفتى فى امتى، و ولى كل مؤمن و مؤمنه بعدى، و أحد عشر إماما [من ولده] ابنى الحسن، و ابنى الحسين، ثم التسعه من ولده واحدا بعد واحد، و القرآن معهم، و هم مع القرآن لا يفارقونه حتى يردوا على الحوض». فقام اثنى عشر [رجلا] من البدرين فقالوا: نشهد أنا سمعنا ذلك من رسول الله صلى الله عليه و آله سواء كما قلت، لم تزد فيه و لم تنقص منه.

وقال بقیه السبعین: قد سمعنا كما قلت و لم نحفظه كله، و هؤلاء الاثنا عشر خيارنا و أفضلنا.

فقال: «صدقتم ليس كل الناس يحفظ، بعضهم أحفظ من بعض». (۱)

تحليل

از این آیه با توجه به روایت فوق استفاده می شود که «اکمال» دین و اتمام نعمت به ولایت امام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام است که امام حسین علیه السلام یکی از آن هاست.

این روایت در حقیقت بیان شأن نزول آیه است که تفسیر آیه را روشن می کند. بنابراین تفسیر این آیه در مورد غدیر و ولایت ائمه اطهار از جمله امام علی علیه السلام امام حسین علیه السلام است. آری همان طور که دین اسلام با امامت امیرالمؤمنین ادامه یافت و کامل شد به وسیله حماسه عاشورا از انحراف حفظ شد و راه خود را با کمال ادامه داد.

ص: ۲۱۶

۱- (۱). بحار، ج ۳۳، ص ۱۴۸، ح ۴۲۱؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۸۷؛ البرهان، ج ۱، ص ۴۴۴، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۴، ح ۲۶۱ و التحصین لابن طاووس، ص ۶۳۳.

دین اسلام با ولایت ائمه علیهم السلام از جمله با امامت امام حسین علیه السلام کامل شد پس هر کس می خواهد دین او تمام و کامل باشد ولایت ائمه علیهم السلام را بپذیرد و راه آنان را ادامه دهد که ولایت و امامت امام حسین علیه السلام راه دین کمال و کمال انسانیت است.

۲۷- توسل به امام حسین علیه السلام وسیله الهی

اشاره

مائده/ ۳۵. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و به او تقرب جوید؛ و در راه او جهاد کنید؛ باشد که شما رستگار شوید».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «وسيله» (۱) معنای وسیعی دارد و هر کار یا چیزی را که سبب نزدیکی به پیشگاه مقدس پروردگار شود، شامل می شود؛ مثل ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جهاد، نماز، زکات، روزه، زیارت خانه خدا، صله رحم، انفاق، و نیز شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح و پیروی از آن ها و حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آنهاست، جزء مفهوم وسیع «وسيله» است؛ چرا که همه این امور باعث تقرب و نزدیکی به خداست. در کلامی از امام علی علیه السلام نیز به بسیاری از این مصادیق و موارد وسیله و توسل اشاره شده است. (۲)

پس اختصاص مفهوم «وسيله» به برخی از این مصادیق، دلیل خاصی ندارد.

۲. مقصود از توسل آن نیست که انسان از شخص پیامبر یا امام، مستقلاً چیزی بخواهد، بلکه منظور آن است که با اعمال شایسته و یا پیروی و شفاعت پیامبر یا امام، از خدا چیزی بخواهد، که این در حقیقت نوعی توجه به خداست؛ نه شرک است و نه بر خلاف آیات قرآن، بلکه از مضمون آیه فوق هم خارج نیست.

ص: ۲۱۷

۱- (۱). واژه «وسيله» در اصل به معنای تقرب و نزدیکی جستن است و یا چیزی که باعث تقرب با میل و رغبت به دیگری می شود.

۲- (۲). نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰ «ان افضل ما توسل به المتوسلون الى الله سبحانه و تعالی، الايمان به و برسوله و الجهاد في سبيله فإنه...» و نیز علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۷ و امالی طوسی، ص ۲۱۶.

۳. توسل به پیامبران یک شیوه پسندیده است؛ از این رو در آیه ۶۴ سوره نساء از استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله برای گروهی از مردم و در آیه ۹۷ سوره یوسف از استغفار یعقوب برای فرزندان و در آیه ۱۱۴ سوره توبه از استغفار ابراهیم در مورد پدرش سخن گفته شده است.

۴. روایات شیعه و اهل سنت در مورد توسل بسیار است و برخی گفته اند به حد تواتر رسیده است. (۱) برخی از اهل سنت از عمر حکایت کرده اند که آدم علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توسل جست تا توبه او پذیرفته شود (۲) و نیز برخی دانشمندان معروف اهل سنت حکایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به مرد نابینایی آموزش داد که چگونه به آن حضرت در دعاها توسل جوید. (۳)

۵. در مورد شفاعت، تفاوتی بین حیات و وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیست؛ چرا که آنان از حیات برزخی برخوردارند و قرآن در مورد شهدا تصریح می کند که آنان را مرده نپندارید که زندگان اند. (۴)

۶. در حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام حکایت شده که وسیله بالاترین مقام در بهشت است. (۵) روشن است که این گونه روایات مصادیق وسیله را بیان می کند و گر نه مفهوم وسیله وسیع است.

۷. پارسایی، شفاعت و جهاد، زمینه ساز سعادت و رستگاری است، اما علت کامل آن نیست؛ یعنی باید موانع نیز برطرف شود تا به سعادت نهایی برسیم. (۶)

۸. برخی از مفسران، جهاد در این آیه را اعم از جهاد با دشمنان خارجی و داخلی می دانند؛ (۷) یعنی در آیه فوق جهاد با نفس نیز توصیه می شود.

ص: ۲۱۸

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۶ - ۳۷۰.

۲- (۲). وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۳۷۱.

۳- (۳). همان، ص ۱۳۷۲ (از ترمذی و نسائی حکایت کرده است).

۴- (۴). آل عمران / ۱۶۹.

۵- (۵). کافی، ج ۸، ص ۲۲ و تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳ از امام علی علیه السلام نقل می کنند و مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۳ و ابن کثیر، ج ۳، ص ۹۴ از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل کرده اند.

۶- (۶). واژه «لعل» برای بیان مقتضی است، نه علت تامه.

۷- (۷). ر.ک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳؛ انوار التنزیل، ج ۲، ص ۱۲۵ و زبده التفاسیر، ج ۲، ص ۲۵۵.

امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او وسیله الهی

در برخی از احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان از نسل امام حسین علیه السلام عروه الوثقی (دستگیره محکم) و وسیله به سوی خدا هستند (۱) و در حدیث دیگری آمده است که حضرت آدم علیه السلام در هنگام توبه به محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام توسل جست. (۲)

تحلیل

در آیه فوق از مؤمنان خواسته شده که به درگاه الهی «وسیله تقرب» بیاورند، و در احادیث فوق مصادیق بارز این «وسیله» بیان شده که یکی از آن‌ها توسل به امام حسین علیه السلام است. پس دلالت این آیه و روایات بر امام حسین علیه السلام از باب جری و تطبیق است.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می‌شود که اگر می‌خواهید به خدا تقرب جویند از طریق توسل به امام حسین علیه السلام حرکت کنید که یکی از راه‌های تقرب است و شاید این همان مطلبی است که در احادیث آمده است که امام حسین علیه السلام کشتی نجات است. (۳)

۲۸- امام حسین علیه السلام و پیروان او حزب الله اند

اشاره

مائده/ ۵۶. (وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)؛ «و هر کس که ولایت خدا و فرستاده او و کسانی را که ایمان آورده اند، بپذیرد، پس (از حزب خداست و) برآستی که تنها، حزب خدا پیروزمند است».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. در این آیه نیز، هم چون آیه قبل، «ولایت» به معنای سرپرستی و رهبری و حق تصرف در امور است؛ چرا که تعبیر «حزب الله» و پیروزی آن به کار رفته است.

در معنای «حزب» یک نوع تشکل، هم بستگی و اجتماع برای تأمین اهداف مشترک وجود دارد؛ از این رو این واژه به حکومت اسلامی مربوط می‌شود.

۲. مقصود از پیروزی «حزب الله» که در آیه فوق بدان اشاره شده، هر گونه پیروزی مادی و معنوی است؛ یعنی اگر افرادی جزء حزب خدا قرار گیرند، بدون تردید، در تمام زمینه‌ها پیروز می‌شوند.

-
- ١- (١) . عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ٥٨؛ بحار الانوار، ج ٣٦، ص ٣٤٤ و تفسير صافى، ج ٢، ص ٣٣.
 - ٢- (٢) . بحار الانوار، ج ١١، ص ١٥٠، ح ٢٥ و تفسير منسوب به امام حسن عسكرى عليه السلام، ص ٢١٩، ح ١٠٢.
 - ٣- (٣) . انّ الحسين مصباح الهدى و سفينه النجاه، بحار الانوار، ج ٣٦، ص ٢٠٥.

۳. حزب الله به کسانی گفته می شود که دارای ایمان محکم، پارسایی و اعمال شایسته، اتحاد و همبستگی، آگاهی و آمادگی کافی باشند (۱) و تنها ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته باشند. اگر مسلمانان همگی چنین صفاتی داشته باشند، پیروزند و اگر برخی از مسلمانان پیروز نمی شوند، به خاطر آن است که شرایط عضویت در حزب الله را پیدا نکرده اند و به جای اتحاد و مقابله با دشمن به تضعیف نیروهای یک دیگر می پردازند.

امام حسین علیه السلام مصداق حزب الله

در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: ما و شیعیان ما حزب الله هستیم، که پیروزند. (۲) و در حدیث دیگری از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود « نحن حزب الله الغالبون و عتره رسول الله الاقربون و... ». (۳)

تحلیل

این گونه احادیث مصادیق کامل حزب الله را مشخص می کند که اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هستند و شیعیان نیز در راه آنان گام برمی دارند. و ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را کاملاً پذیرفته اند. پس دلالت آیه و روایت بر امام حسین علیه السلام از باب جری و تطبیق است.

پیام

از آیه با توجه به روایات فوق استفاده می شود که امام حسین علیه السلام و شیعیان او حزب الله هستند پس هر کس می خواهد به حزب الهی ملحق شود در راه امام حسین علیه السلام گام نهد و شیعه او شود.

پنجم: سوره اعراف

۲۹- امام حسین علیه السلام در اعراف

اشاره

اعراف / ۴۶. (وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيْمَاهُمْ وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ) ؛ «و در میان آن دو [گروه بهشتیان و

ص: ۲۲۰

۱- (۱). در آیه ۲۲ سوره مجادله نیز برخی صفات حزب الله آمده است.

۲- (۲). توحید صدوق، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۵ و ج ۲۴، ص ۲۱۳ و تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۷.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵، ح ۱؛ الاحتجاج، ص ۲۹۸ و المناقب، ج ۴، ص ۶۷.

دوزخیان] مانعی است؛ و بر بلندی‌ها (اعراف) مردانی هستند که هر یک (از آن دو گروه) را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و اهل بهشت را، که (هنوز) داخل آن (بهشت) نشده‌اند، در حالی که آنان (بدان) امیدوارند، ندا می‌دهند که: «سلام بر شما باد!»

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. «اعراف» در لغت به معنای محل مرتفع و بلند است و طبق احادیث، به منطقه‌ای میان بهشت و دوزخ گفته می‌شود که هم چون حجاب و مانعی بین آن دو قرار دارد و مانع مشاهده دوزخیان و بهشتیان می‌شود، اما هر کس بر منطقه اعراف باشد، بر بهشت و دوزخ مشرف است و هر دو را مشاهده می‌کند. این همان گذرگاه بهشتیان است. (۱)

۲. بهشتیان و دوزخیان بینشان موانعی وجود دارد و جز در موارد استثنایی، به راحتی هم دیگر را ملاقات نمی‌کنند. (۲) این مانع همان سرزمین مرتفع اعراف، یا دیواری است که بین آنان کشیده شده است. (۳)

۳. تعبیرات انسان‌ها در مورد جهان آخرت دقیق نیست و گاهی جنبه تمثیل و تشبیه دارد و از آن جا که آن جهان در افق بالاتری قرار دارد، تعبیرات انسانی هم چون شَبَحی، از آن حقایق والاست و مفاهیم و الفاظ ما گویای تمام آن حقایق نیست.

۴. اعراف گذرگاه سخت بهشتیان است و در آن جا سه گروه عبور می‌کنند:

اول پیشوایان و بزرگان هستند که در گذرگاه‌های سخت توقف می‌کنند و به یاری ضعیفان می‌شتابند.

دوم افراد ناتوانی هستند که محتاج کمک هستند و اینان همان مؤمنان گناهکارند.

و سوم مؤمنان صالح هستند که با سرعت از این گذرگاه می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند.

ص: ۲۲۱

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۸۵ - ۱۸۷.

۲- (۲). همان، ص ۱۸۴.

۳- (۳). «حجاب» در اصل به معنای مانع است، و در آیه فوق مقصود همان سرزمین مرتفع (اعراف) است که مانع مشاهده دوزخیان و بهشتیان می‌شود و یا دیواری است که ظاهرش عذاب و درونش رحمت است (فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بُسُورًا لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ) (حدید/۱۳).

در آیه فوق و آیات بعد و احادیث، به گروه اول و دوم (یعنی پیشوایان و مؤمنان گناهکار) اشاره شد که در اعراف توقف دارند. (۱)

۵. از احادیث استفاده می شود که در منطقه «اعراف» دو گروه مختلف توقف دارند؛ چون در برخی احادیث آمده است که آنان گرمی ترین مردم در پیشگاه خدا هستند، و یا این که آنان گواهان بر مردم هستند، که پیامبران گواهان مردم اند، و یا این که آنان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ (۲) و در برخی دیگر از احادیث آمده است که آنان واماندگانی هستند که بدی ها و نیکی هایشان مساوی است یا گناهکارانی که اعمال نیکی هم دارند. (۳) این مطلب در تفاسیر اهل سنت نیز آمده است. (۴)

۶. در مورد آیه فوق مفسران قرآن دو احتمال داده اند: نخست آن که مقصود گروه اول، یعنی پیشوایان هستند که به مؤمنانی که بهشتی شده اند ولی (در اثر گناهانشان) هنوز داخل بهشت نشده اند سلام می دهند. (۵)

و دوم آن که مقصود گروه دوم، یعنی مؤمنان مستضعف هستند که آرزو دارند وارد بهشت شوند ولی موانعی دارند و هنگامی که بهشتیان را می بینند به آنان درود می فرستند. (۶) ظاهر آیه با تفسیر اول سازگارتر به نظر می رسد. (۷)

امام حسین علیه السلام از رجال اعراف

روی الشيخ أبو جعفر الطوسي، عن رجاله، عن أبي عبد الله عليه السلام وقد سئل عن قول الله عز وجل: (وَيَبْنِيهَا حِجَابٌ) فقال: سور بين الجنة والنار، قائم عليه محمد وعلي والحسن

ص: ۲۲۲

-
- ۱- (۱). بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۵؛ التبيان، ج ۴، ص ۴۱۰؛ تفسير طبری، ج ۸، ص ۱۳۷ و الدر المنثور، ج ۳، ص ۸۶.
 - ۲- (۲). تفسير برهان، ج ۲، ص ۵۴۷ - ۵۴۹؛ تفسير نورالثقلين، ج ۲، ص ۳۳ - ۳۴؛ تفسير صافی، ج ۲، ص ۱۹۸ و شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۶۳.
 - ۳- (۳). کافی، ج ۲، ص ۴۰۸؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۳۱ و تفسير البرهان، ج ۲، ص ۵۴۷.
 - ۴- (۴). تفسير طبری، ج ۸، ص ۱۳۶ - ۱۳۸؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۸۹ و الباب التأويل، ج ۲، ص ۲۰۳.
 - ۵- (۵). تفسير صافی، ج ۲، ص ۲۰۰؛ انوار التنزيل و اسرار التأويل (بيضاوی)، ج ۳، ص ۱۴؛ روح البیان، ج ۳، ص ۱۶۷ و زبدة التفاسير، ج ۲، ص ۵۲۶.
 - ۶- (۶). تفسير صافی، همان جا؛ زبدة التفاسير، همان جا و انوار التنزيل (بيضاوی)، همان جا.
 - ۷- (۷). چرا که «و هم يطعمون» با شأن مردان بزرگ اعراف (که در رأس آن ها پیامبران و امامان هستند) سازگار نیست.

والحسين وفاطمه وخديجه عليهم السلام فينادون: أين محبونا! أين شيعتنا! فيقبلون إليهم فيعرفونهم بأسمائهم وأسماء آبائهم وذلك قوله تعالى: (يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ) فيأخذون أيديهم فيجوزون بهم على الصراط ويدخلونهم الجنة. (١)

علی بن الحسن، عن هارون بن موسی، عن الحسين بن أحمد بن شیبان القزوينی، عن أحمد بن علی العبدی، عن علی بن سعد بن مسروق، عن عبدالکريم بن هلال بن أسلم المکی، عن أبي الطفیل، عن أبي ذر قال: سمعت فاطمه علیها السلام تقول: سألت أبي عن قول الله تبارک و تعالی (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ) قال: هم الأئمه بعدی علی و سبطای و تسعه من صلب الحسين، هم رجال الأعراف لا يدخل الجنة إلا من يعرفهم و يعرفونه ولا يدخل النار إلا من أنکرهم و ينکرونه لا يعرف الله تعالی إلا بسبیل معرفتهم. (٢)

تحليل

در آیه سخن از مردانی بزرگ شده که شناخته شده اند و در احادیث فوق مصادیق این انسان های بزرگ را پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام معرفی کرده است. این روایت از باب جری و تطبیق بر امام حسین علیه السلام دلالت دارد.

پیام ها

از آیه فوق با توجه به روایات استفاده می شود:

۱- امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه ای در رستاخیز دارد، و می تواند از شیعیان شفاعت کند و آن ها را به بهشت رهنمون شود همان طور که منکران و مخالفان امام حسین علیه السلام راهی دوزخ می شوند.

۲- هر کس می خواهد در رستاخیز بهشتی باشد دوست دار حسین باشد.

۳۰- نام حسین علیه السلام در کتاب های آسمانی

اشاره

اعراف/ ۱۵۷. (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ

ص: ۲۲۳

۱- (۱). البحار، ج ۲۴، ص ۲۵۵، ح ۱۹ و تأویل الآيات، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۱۲.

۲- (۲). البحار، ج ۳۶، ص ۳۵۱، ح ۲۲۰؛ كفايه الأثر، ص ۱۹۴؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۹۶ و الصراط المستقيم، ج ۲، ص ۱۲۲ بأسناد

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ «همان) کسانی که از فرستاده (خدا)، پیامبر درس نخوانده، پیروی می کنند؛ آن (پیامبری) که (صفات) او را نزدشان در تورات و انجیل نوشته می یابند؛ در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می دهد، و آنان را از [کار] ناپسند منع می کند و برایشان [خوارکی های] پاکیزه را حلال می شمرد و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند و تکلیف سنگینشان و غل هایی را که بر آنان بوده، از (دوش) آن ها برمی دارد؛ و کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی اش داشتند (و دشمنانش را از او بازداشتند) و یاری اش کردند و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «نبی» کسی است که بر او وحی نازل می شود و پیام خدا را بیان می کند، هر چند مأمور به تبلیغ نباشد، اما «رسول» کسی است که علاوه بر مقام نبوت، مأمور به تبلیغ آیین الهی و ایستادگی در این مسیر باشد؛ پس رسالت، مقامی بالاتر از نبوت است، و در این آیه، «نبی» به عنوان توضیح «رسول» آورده شده است. (۱)

۲. در مورد واژه «امی» سه احتمال وجود دارد:

نخست آن که، از ماده «أم» به معنای مادر باشد؛ یعنی کسی که به همان حالتی که از مادر متولد شده باقی است و مکتب و استاد ندیده و درس نخوانده است؛ دوم آن که، از ماده «أُمَّت» باشد، یعنی کسی که از میان توده مردم برخاسته است و از اشراف و ستمگران نیست؛ و سوم آن که، امی منسوب به «أُمُّ الْقُرَى» (مکه) است؛ یعنی کسی که اهل مکه است.

در احادیث اسلامی نیز واژه امی به درس نخوانده و مکی معنا شده است (۲) و مانعی هم ندارد که یک لفظ به چند معنا آمده باشد.

۳. قرآن کریم در موارد متعددی تصریح کرده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خط نوشت و درس خوانده نبود. (۳) در محیط حجاز تعداد افراد باسواد کم بود، به طوری که در شهر مکه

ص: ۲۲۴

۱- (۱). همان، ص ۳۹۶.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۸ - ۷۹؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۷۰ و تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳- (۳). ر.ک: سوره عنکبوت، آیه ۴۸؛ سوره جمعه، آیه ۲ و

مردان و زنان با سواد را ۱۷ نفر برشمرده اند (۱) و چنان چه پیامبر اسلام نیز به مکتب رفته و با سواد بود، همگان می دانستند. وقتی چنین فرد درس نخوانده و استاد ندیده ای بتواند کتاب عظیم قرآن را بیاورد، تردیدی باقی نمی ماند که این عادی نیست و از طریق وحی و ارتباط با غیب است.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد (حافظ)

۴. پیامبر اسلام «درس نخوانده» بود نه «بی سواد». واژه «بی سواد» علاوه بر آن که در زبان فارسی بار منفی و ضد ارزشی دارد و لایق مقام پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، با احادیث اسلامی هم سازگار نیست؛ چون طبق احادیث اهل بیت علیهم السلام پیامبر می توانست بخواند و یا توانایی خواندن و نوشتن را داشت، (۲) اما از این قدرت استفاده نمی کرد. پس معنای امی، «مکتب ندیده و درس نخوانده» است، نه بی سواد. (۳)

۵. مقصود از «معروف و منکر» در آیه فوق که در مکه نازل شده است، چیزهایی است که نزد خرد انسان شناخته شده و معروف و یا نزد عقل زشت و ناشناخته است. این تعبیرات می تواند اشاره به آن باشد که محتوای دعوت پیامبر اسلام، کاملاً با عقل سازگار است. (۴)

۶. از جمله «چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای تنفرآمیز را حرام می سازد»، استفاده می شود که محتوای دعوت پیامبر اسلام، با فطرت سلیم انسان هماهنگ است و چیزهای ناسالم و تنفرآمیز و مضر را ممنوع می کند و چیزهای نیکو را حلال می شمرد.

۷. پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام غل و زنجیرهای (۵) مردم را می شکند. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنجیر جهل و نادانی را با دعوت به علم و دانش؛ زنجیر بت پرستی و خرافات را با فراخواندن به توحید و زنجیر تبعیض ها و زندگانی طبقاتی را از طریق دعوت به برادری اسلامی و مساوات در برابر قانون، شکست. (۶)

ص: ۲۲۵

-
- ۱- (۱). فتوح البلدان، ص ۴۵۳.
 - ۲- (۲). تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۷۲ و ۳۷۴.
 - ۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۰۰ - ۴۰۱ (با تلخیص).
 - ۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۶، ذیل آیه.
 - ۵- (۵). «اِصْر» در اصل به معنای نگه داری و حبس کردن است و به هر چیز سنگینی که انسان را از فعالیت بازمی دارد گفته می شود؛ و «اغلال» جمع غل و به معنای زنجیر است. (اعراف / ۱۵۷).
 - ۶- (۶). تفسیر نمونه، همان.

۸. در این آیه چهار شرط برای سعادت و کامرانی و رستگاری افراد مشخص شده است: ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گرامی داشتن او و دفع دشمنانش، (۱) حمایت و یاری ایشان، و پیروی از نور او.

۹. در مورد نوری که با پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است، دو احتمال وجود دارد: ممکن است مقصود قرآن کریم باشد که همراه نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر شخص آن حضرت نازل گشت و یا مقصود امام علی علیه السلام باشد که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت بشریت فرستاده شد.

در برخی احادیث نیز از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که مقصود از نور، امام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام هستند. (۲) البته در این گونه موارد می توان گفت که نور معنوی مفهومی وسیع دارد که قرآن و علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام از مصادیق آن هستند؛ پس آیه می تواند شامل همه این موارد باشد.

۱۰. در آیه فوق به پنج گواه برای نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره شده است:

نخست آن که، درس ناخوانده بود (و با این حال این قرآن و تعلیمات عظیم را برای بشر به ارمغان آورد).

دوم آن که، دلایل نبوت او در کتاب های تورات و انجیل آمده است.

سوم آن که، محتوای دعوت او با عقل سازگار است.

چهارم آن که، محتوای دعوت او با طبع سلیم و فطرت انسان سازگار است.

پنجم آن که، نه تنها زنجیرهای تازه ای به دست و پای بشر نیست، بلکه زنجیرهای بشریت را شکست و او را رها کرد؛ چرا که دعوت به سوی خدا می کرد، نه خود.

۱۱. بزرگ داشت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری او جایگاه ویژه ای در رستگاری انسان دارد و این بزرگ داشت و یاری مخصوص زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، هم اکنون نیز با بزرگ داشت نام و راه و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری کردن دین او ممکن است.

ص: ۲۲۶

۱- (۱). تعبیر «عَزْرُوهُ» در اصل به معنای حمایت و یاری کردن همراه با احترام و بزرگ داشت است و یا اصل آن به معنای منع و جلوگیری است، که مفهوم جلوگیری کردن از دشمن، همان یاری کردن است (همان).

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۱۰؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۵۹۳ و ...

در تورات و انجیل بشارت هایی در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و صفات او آمده و حتی برخی از این بشارت ها در تورات و انجیل تحریف شده کنونی نیز موجود است. در سفر پیدایش تورات آمده است:

و ابراهیم به خدا گفت که ای کاش اسماعیل در حضور تو زندگی نماید... و در حق اسماعیل (دعای) تو را شنیدم، اینک به او برکت دادم و او را بارور گردانیده، به غایت، زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود. (۱)

جاء نفرٌ من اليهود إلى رسول الله صلى الله عليه و آله إلى أن قال فأخبرني عن السادس، عن خمسة أشياء مكتوبات في التوراه أمر الله بنى إسرائيل أن يقتلوا بموسى فيها من بعده، قال النبي صلى الله عليه و آله : فأنتدتك بالله إن أنا أخبرتك تقرُّ لى. قال اليهود: نعم يا محمد! قال: فقال النبي صلى الله عليه و آله : أول ما فى التوراه مكتوبٌ: محمدٌ رسول الله صلى الله عليه و آله وهى بالعبرانية طاب ثم تلا رسول الله صلى الله عليه و آله هذه الآية (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ)، (و مَبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) وفى السطر الثانى، اسم وصيى على بن أبى طالب و الثالث والرابع، سبطى الحسن والحسين وفى السطر الخامس، أمهما فاطمه سيدة نساء العالمين صلوات الله عليها وفى التوراه اسم وصيى إلیا واسم السبطين شبر وشبير هما نورا فاطمه عليها السلام . قال اليهودى: صدق يا محمد! (۲)

تحلیل

در این آیه از نوشته شدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل سخن گفته شده است و روایت فوق نیز توضیح تکمیلی در این مورد دارد که نام امام علی علیه السلام ، حسن و حسین فاطمه علیهم السلام نیز در تورات تحریف وجود داشته است و این مطلب با جمله ای که از تورات کنونی نقل کردیم موافق است چرا که در آن سخن از دوازده سرور از نسل اسماعیل است که می تواند با دوازده جانشین پیامبر اسلام یعنی ائمه اطهار علیهم السلام تطبیق داشته باشد. البته بعید نیست که نام های محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین از تورات کنونی حذف شده باشد. چرا که این کتاب بارها دستخوش حوادث و تحریف شده است به هر حال این روایت توضیح تکمیلی تاریخی در مورد آیه است، که نوعی تفسیر به شمار می آید.

ص: ۲۲۷

-
- ۱- (۱). کتاب مقدس، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، ش ۱۷ - ۲۰ و باب ۴۹ ش ۱۰ و نیز انجیل یوحنا، باب ۱۴، ش ۱۵ - ۱۶؛ باب ۱۵، ش ۲۶ و باب ۱۶ ش ۷.
- ۲- (۲). الأمالی للصدوق، ص ۱۹۲ والبحار، ج ۹، ص ۲۹۸، ح ۵.

از آیه و روایت فوق استفاده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه ای در کتاب های آسمانی گذشته داشته اند و بشارت هایی به وجود آن ها داده شده بود. ولی در طول اعصار دشمنان تلاش کردند تا آن ها را حذف کنند ولی هر چه می گذرد این نام های بلند آوازه تر می شود. (وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ) چرا که نور اهل بیت و امام حسین نور الهی بود.

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

ششم: انفال

۳۱- امام حسین علیه السلام اولی به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

انفال / ۷۵. (وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهِدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)؛ «و کسانی که از [آن] پس ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد نمودند، پس آنان از شما هستند؛ و خویشاوندان، برخی از آنان نسبت به برخی [دیگر]، در کتاب خدا، سزاوارترند. به راستی که خدا به هر چیزی داناست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. جامعه اسلامی، یک جامعه مداربسته و انحصاری نیست، بلکه درهای آن به سوی همه مؤمنان و مهاجران و مجاهدان آینده نیز گشوده است و همگی جزء جامعه اسلامی به شمار می آیند.

۲. قانون ارث در زمان جاهلیت عرب از سه راه «فرزند پسر بودن»، «پسرخواندگی» و «پیمان» بود.

در آغاز اسلام نیز به همین روش عمل می شد تا این که قانون «برادری اسلامی» جای آن را گرفت و تنها مهاجران و انصار، که با یک دیگر پیمان برادری بسته بودند، از یک دیگر ارث می بردند و بعد از مدتی ارث اسلامی به خویشاوندان نسبی و سببی تعمیم یافت و قانون نهایی ارث فرود آمد. (۱)

ص: ۲۲۸

۳. این آیه به معنایی گسترده از ولایت و اولویت خویشاوندان نسبت به یک دیگر اشاره می کند که شامل مصادیقی هم چون ارث بردن خویشاوندان از هم، اولویت افراد در احکامی مثل غسل دادن میت و حتی جانشینی امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله می شود؛ از این رو در برخی احادیث در مورد امامت فرزندان امام حسین علیه السلام نیز به این آیه استدلال شده است. (۱)

امام حسین علیه السلام مصداق کامل اولوالارحام پیامبر صلی الله علیه و آله

عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) فيمن أنزلت؟ قال: أنزلت في الإمرة إن هذه الآية جرت في الحسين بن علي عليه السلام وفي ولد الحسين من بعده فنحن أولى بالأمر و برسول الله من المومنين والمهاجرين. فقلت: لولد جعفر فيها نصيب؟ قال: لا. قال: فعددت عليه بطون بني عبدالمطلب، كل ذلك يقول: لا ونسيت ولد الحسن فدخلت عليه بعد ذلك فقلت: هل لولد الحسن فيها نصيب؟ فقال: يا أبا عبد الرحمن ما لمحمدى فيها نصيب غيرنا. (۲)

تحليل

در آیه فوق سخن از اولویت خویشاوندان نسبت به همدیگر است و در احادیث فوق مصادیق این اولویت مشخص شده که همان حکومت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است و نیز مصادیق اولوالارحام مشخص شده که در اینجا امام حسین علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان است.

پیام

از این آیه با توجه به روایت استفاده می شود که امام حسین علیه السلام اولی ترین افراد نسبت به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و این به خاطر خویشاوندی تنها نیست بلکه لیاقت شخصیتی و الهی امام حسین علیه السلام اصل است که در خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله تبلور پیدا کرده است.

هفتم: توبه

۳۲- امام حسین علیه السلام ماه آسمان امامت

اشاره

توبه / ۳۶. (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا

١- (١) . تفسير صافى، ج ٢، ص ٣١٧.

٢- (٢) . علل الشرايع، ص ٢٠٦؛ البحار، ج ٢٥، ص ٢٥٦، ح ١٦ والكافى، ج ١، ص ٢٨٨.

يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ)؛ «در حقیقت، تعداد ماه‌ها نزد خدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است، که از آن‌ها چهار [ماه] حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه]‌ها به خودتان ستم نکنید و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان‌گونه که [آنان] همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با خود نگه‌داران است».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. مقصود از «کتاب الله» در این آیه ممکن است قرآن، یا سایر کتاب‌های الهی، یا لوح محفوظ و علم خدا و یا کتاب آفرینش و صحنه هستی باشد که معنای اخیر با توجه به اشاره آیه به خلقت آسمان‌ها و زمین، مناسب‌تر است.

۲. پس از خلقت منظومه شمسی، حرکت زمین به دور خورشید و حرکت ماه به دور زمین آغاز شد. هر بار گردش زمین به دور خورشید یک سال به شمار می‌رود که در طی آن، کره ماه تقریباً دوازده بار به دور زمین می‌چرخد که هر بار حدوداً سی روز است و به آن «ماه» می‌گویند. این گردش‌ها تقویمی طبیعی و ارزشمند به دست می‌دهد که هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند.

۳. از این آیه استفاده می‌شود که خدا ماه‌های دوازده‌گانه را هنگام آفرینش جهان مقرر کرده است و این یک زمان بندی ثابت و طبیعی و همگانی است.

۴. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب که در این ماه‌ها جنگ حرام است و یک آتش بس طبیعی در میان مسلمانان برقرار می‌شود؛ البته اگر دشمن در این چند ماه حمله کند، مسلمانان حق دفاع دارند که در این صورت آتش بس از سوی دشمن نقض شده است (۱).

۵. برخی مفسران بر این باورند که ماه‌های حرام از زمان ابراهیم علیه السلام به یادگار مانده است و در عصر جاهلیت عرب هم به صورت یک سنت رعایت می‌شده است، (۲) و از برخی احادیث استفاده می‌شود که ماه‌های حرام در آیین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نیز وجود داشته است (۳).

ص: ۲۳۰

۱- (۱). ر.ک: ذیل آیه ۱۹۴ سوره بقره در تفسیر قرآن مهر.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۰۶.

۳- (۳). تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۲.

۶. یکی از فلسفه های ممنوعیت جنگ در ماه های حرام آن است که در جنگ های طولانی، صلح موقت برقرار شود و هنگامی که جنگ جویان در این چهار ماه، اسلحه را کنار گذاشتند و فرصت تفکر و گفت و گو پیدا کردند، زمینه صلح دایمی و پایان جنگ بسیار زیاد می شود. آری، ممنوعیت جنگ در ماه های حرام، نشانه صلح طلبی اسلام است.

۷. از این آیه استفاده می شود که زیان بی توجهی به ماه های حرام به خود انسان باز می گردد؛ زیرا باعث طولانی شدن جنگ ها و از دست رفتن فرصت صلح و عبادت و کار می شود.

۸. در این آیه اشاره شده که مشرکان بت پرست با همه پراکندگی که دارند، در یک صف با شما می جنگند؛ پس شما که اهل توحید و یگانگی هستید، سزاوارتر است با وحدت کلمه در برابر آن ها بجنگید.

۹. از این که آیه به وحدت در برابر دشمن دستور می دهد، استفاده می شود که لازم است مسلمانان در مبارزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خود در برابر دشمنان هماهنگ شوند آری، به فراموشی سپردن این فرمان وحدت آفرین سبب شکست مسلمانان و انحطاط آن ها در چند قرن اخیر شده است.

امام حسین علیه السلام یکی از ماه های دوازده گانه در باطن آیه

[فقال أبو عبد الله: يا سماعه بن مهران! ائتنى بتلك الصحيفة فأتاه بصحيفه بيضاء فدفعها إليّ وقال لي: اقرأ هذه] بما أخرج إلينا أهل البيت، يرثه كابر عن كابر من لدن رسول الله صلى الله عليه و آله [فقرأتها فإذا فيها سطران، السطر الأول، لا إله إلا الله، محمد رسول الله والسطر الثاني، (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ)، علي بن أبي طالب والحسن بن علي والحسين بن علي] وعلی بن محمد بن علی وعلی بن محمد ولاحسن بن علی [والخلف منهم الحجة لله، ثم قال لي: يا داود! أتدرى أين كان ومتن كان مكتوباً؟ قلت: يا ابن رسول الله! الله أعلم ورسوله وأنتم. قال: قبل أن يخلق آدم بألفى عام] فأين يتاه بزید ويزهد به إن أشد الناس لنا عدواً وحسداً، الأقرب إلينا فالأقرب. (۱)

ص: ۲۳۱

۱- (۱). البحار، ج ۴۶، ص ۱۷۳، ح ۲۶ (وما بين المعقوفتين في المناقب، ج ۱، ص ۳۰۷)، و نظيره البحار، ج ۳۸، ص ۴۶، ح ۴؛ البحار، ج ۲۴، ص ۲۴۳، ح ۱۰ و ج ۳۶، ص ۴۰۰، ح ۱۰ و ج ۴۷، ص ۱۴۱، ح ۱۹۳؛ البرهان، ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۲ و تأويل الآيات، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۱۲.

در ظاهر این آیه از ماه های دوازده گانه یاد شده است و در حدیث فوق به باطن آیه اشاره شده است که دوازده امام معصوم علیهم السلام هستند که از جمله آن ها امام حسین علیه السلام است. همان طور که ماه های سال موجب تنظیم امور مردم می شود ائمه اطهار علیهم السلام نیز موجب قوام زندگی مردم اند و هر کس بی حرمتی به آن ها روا دارد ستمکاری به خویش کرده است.

پیام

از آیه و روایت فوق استفاده می شود که ائمه اطهار علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه ای در نظام عالم دارند که هر گونه تخطئی از این نظام به خلافکاران زیان می رساند.

۳۳- معامله شهداء با خدا

اشاره

توبه/ ۱۱۱. (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِندَ اللَّهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان جان هایشان و اموالشان را خریداری کرده، به (بهای) این که بهشت برای آنان باشد؛ (چراکه) در راه خدا پیکار می کنند و می کشند و کشته می شوند؛ [این] وعده حقیقی است که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده او (خدا) است؛ و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟! پس به خاطر معامله تان، که با او معامله کردید، شادمان باشید؛ و تنها این کام یابی بزرگ است!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیه یک تشبیه زیباست و حال مجاهدان و پاداش آنان را با یک مثال تجارت بیان کرده (۱) است؛ به این بیان که در هر معامله یا تجارتي پنج رکن اساسی وجود دارد که عبارت اند از:

- خریدار، که خدا خریدار جان و مال مؤمنان معرفی شده است.

- فروشنده، که مؤمنان مجاهد هستند.

- کالای مورد معامله، جان ها و اموال مؤمنان است.

۱- (۱) . مشابه این آیه در سوره صف، آیات ۱۰ - ۱۱ آمده است.

- بهای کالا، بهشتی است که خدا آن را می پردازد.

- سند معامله که در این جا تورات، انجیل و قرآن به عنوان سه سند محکم این معامله معرفی شده اند.

۲. در این معامله، افزون بر ارائه سندهای محکم، اشاره شده که خود خریدار، یعنی خدا، وفادارترین شخص نسبت به عهد خویش می باشد که از ارائه هر سندی مهم تر است.

۳. خدا وفادارترین شخص در وعده های خود است؛ زیرا هم قدرت پرداخت دارد و هم نیازی ندارد تا بهای دیگران را پردازد، و هم کاری بر خلاف حکمت انجام نمی دهد؛ بنابراین، هر چند بهای این معامله بهشت است، خطرهای تجارت نسیه را ندارد.

۴. در پایان معامله، به خریدار تبریک و مژده می دهند که معامله پر سودی کرده و به کامیابی و رستگاری رسیده است.

۵. آیه فوق نشان دهنده اوج لطف الهی به انسان است؛ زیرا خدا با آن که مالک همه جهان است و کسی بر او حقی ندارد، مواهبی را که خود به بندگان بخشیده، از آنان می خرد و بهایی صد چندان در برابر آن ها بر عهده می گیرد و می پردازد و جهادی را که موجب سربلندی و پیروزی ملت هاست، به عنوان کالای معامله از انسان می خرد.

۶. در حدیثی آمده است: هنگام نزول آیه فوق پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بود و حضرت آیه را با صدای بلند خواند و مردم تکبیر گفتند.

مردی از انصار پرسید: آیا این آیه بود که فرود آمد؟ حضرت پاسخ داد: آری، و آن مرد گفت: چه معامله پر سودی! نه این معامله را پس می دهیم و نه اگر از ما پس خواستند، می پذیریم! (۱)

۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

برای بدن های شما بهایی جز بهشت نیست، پس خود را به کم تر از آن نفروشید. (۲) آری اگر بهشت بهای بدن ماست، بهار روح ما بیش از آن است که به محاسبه در آید.

ص: ۲۳۳

۱- (۱). ر.ک: الدر المنثور و تفسیر المیزان، ذیل آیه.

۲- (۲). مجمع البیان، ذیل آیه.

جعفر بن محمد الفزارى معنعنا عن أبى عبد الله ع قال كان الحسين عليه السلام مع أمه تحمله فأخذه النبى صلى الله عليه وآله و قال لعن الله قاتلك ولعن الله سالكك و أهلك الله المتوازين عليك و حكم الله بينى و بين من أعان عليك قالت فاطمه [الزهرى عليها السلام] يا أبه أى شىء تقول قال يا بنتاه ذكرت [ذكرته] ما يصيب بعدى و بعدك من الأذى و الظلم [و الغدر] و البغى و هو يومئذ فى عصبه كأنهم نجوم السماء يتهادون إلى القتل و كأنى أنظر إلى معسكرهم و إلى موضع رحالهم و تربتهم قالت يا أبه و أنى [و أى و أين] هذا الموضع الذى تصف قال موضع يقال له كربلاء و هى دار كرب و بلاء علينا و على الأمة يخرج [عليهم] شرار أمتى و إن أحدهم لو [و لو أن أحدهم لو أن] يشفع [شفع] له من فى السماوات و الأرضيين ما شفعا فيه و هم المخلدون فى النار قالت يا أبه فيقتل قال نعم يا بنتاه و ما قتل قتله أحد كان قبله و تبكيه السماوات و الأرضون و الملائكة [و الوحش] و النباتات و البحار و الجبال و لو يؤذن لها [ما بقى] على الأرض متنفس و يأتيه قوم من محبينا ليس فى الأرض أعلم بالله و لا أقوم بحقنا [لحقنا] منهم و ليس على ظهر الأرض أحد يلتفت إليه غيرهم أولئك مصابيح فى ظلمات الجور و هم الشفعا و هم واردون حوضى غدا أعرفهم إذا وردوا على بسيماهم و كل أهل دين [يطلبون أئمتهم و هم] يطلبونا [و] لا يطلبون غيرنا و هم قوام الأرض و بهم ينزل الغيث فقالت فاطمه [الزهرى عليها السلام] يا أبه إِنَّا لِلَّهِ وَ بكت فقال لها يا بنتاه إن أهل الجنان هم الشهداء فى الدنيا بذلوا (أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًّا) [الحق] فما عند الله خير من الدنيا و ما فيها [و ما فيها] قتله أهون من ميته من كتب عليه القتل خرج إلى مضجعه و من لم يقتل فسوف يموت يا فاطمه بنت محمد أما تحبين أن تأمرين غدا [بأمر] فتطاعين فى هذا الخلق عند الحساب أما ترضين أن يكون ابنك من حملة العرش أما ترضين [أن يكون] أبوك يأتونه [يأتيه] يسألونه الشفاعة أما ترضين أن يكون بعلك يزود الخلق يوم العطش عن الحوض فيسقى منه أولياءه و يزود عنه أعداءه أما ترضين أن يكون بعلك قسيم النار [الجنة و] يأمر النار فتطيعه يخرج منها من يشاء و يترك من يشاء أما ترضين أن تنظرين إلى الملائكة على أرجاء السماء ينظرون إليك و إلى ما تأمرين به و ينظرون إلى بعلك [و] قد حضر الخلائق و هو يخاصمهم عند الله فما

ترین الله صانع بقاتل ولدك و قاتليک إذا أفلحت [فلجت] حجته على الخلائق و أمرت النار أن تطيعه أما ترضين أن تكون الملائكة تبكى لابنك و يأسف عليه كل شيء أما ترضين أن يكون من أتاه زائرا في ضمان الله و يكون من أتاه بمنزله من حج إلى بيت [الله الحرام] و اعتمر و لم يخلو من الرحمه طرفه عين و إذا مات مات شهيدا و إن بقي لم تزل الحفظه تدعو له ما بقي و لم يزل في حفظ الله و أمنه حتى يفارق الدنيا قالت يا أبا سلمت و رضيت و توكلت على الله فمسح على قلبها و مسح [على] عينيها [جنها] فقال إني [أنا] و بعلك و أنت و ابناك في مكان تقرر عيناك و يفرح قلبك. (۱)

تحليل

آیه فوق با بیان یک مطلب کلی به معامله پر سود شهداء با خدا اشاره می کند که اموال و جان آن ها را خدا به بهای بهشت می خرد و روایت فوق اشاره دارد که یکی از مصادیق کامل آیه امام حسین علیه السلام است.

پیام

از این آیه با توجه به روایت فوق استفاده می شود که امام حسین علیه السلام با ایثار جان و مال خود نه تنها بهشت را برای خود و یارانش به ارمغان آورد که مایه سرافرازی اهل بیت علیهم السلام شد و هر کس پیرو این شهید بزرگ باشد و به زیارت او برود ثواب حج دارد.

۳۴- همراه صادقین باشید

توبه/ ۱۱۹. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و با راست گویان باشید».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی های «صادقان» بیان شده است. آنان افرادی راست گو و راست کردار هستند که تعهدات خود در برابر ایمان به خدا را به انجام می رسانند و تردیدی به خود راه نمی دهند و از انبوه مشکلات نمی هراسند و با ثبات قدم به فداکاری می پردازند. (۲)

ص: ۲۳۵

۱- (۱). البحار، ج ۴۴، ص ۲۶۴، ح ۲۲ و الفرات، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- (۲). ر.ک: بقره/ ۱۷۷؛ حجرات/ ۱۵ و حشر/ ۸.

۲. در این آیه دو شاهد بر خاص بودن آن وجود دارد:

نخست آن که واژه «مَرَع» به جای «مِن» استفاده شده است؛ یعنی اگر مقصود از صادقین همه راست گویان امت بودند، می فرمود: «شما هم از راست گویان باشید.» و نمی فرمود: «شما با راست گویان باشید.»

و دیگر این که چون به صورت مطلق به همراهی با صادقین و پیروی از آنان دستور می دهد، می توان دریافت که صادقین معصوم هستند (۱) و در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد.

۳. واژه «صادقین» جمع است، و مقصود معصومان اهل بیت علیهم السلام در طول اعصار هستند که در هر زمان وجود دارند و مردم باید همراه و پیرو آنان باشند.

۴. مقصود از همراهی با صادقان این نیست که انسان فقط همنشین آنان باشد، بلکه منظور همگامی با آنان و پیروی از آنان است.

۵. از این که تقوا، پارسایی و حفظ خود از عذاب الهی را با همراهی صادقان آورده است، استفاده می شود که این دو در هم دیگر اثر دارند؛ یعنی اگر انسان بخواهد واقعاً خود را حفظ کند، لازم است با معصومان همراه شود و هر کس به واقع با معصوم هم گام شود، با تقوا و محفوظ می ماند.

۶. از برخی احادیث که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، استفاده می شود که هر چند مفهوم آیه عام است و همه صادقان امت را شامل می شود، ولی در این آیه مقصود مصداق کامل راست گویان راست کردار، یعنی امام علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مرادند.

در حدیثی آمده است که پس از نزول آیه، سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا منظور آیه عام است یا خاص؟ حضرت پاسخ داد: «همه مؤمنان به انجام دستور آیه مأمورند، ولی عنوان «صادقین» مخصوص برادران علی علیه السلام و اوصیای بعد از او تا روز رستاخیز است.» (۲)

ص: ۲۳۶

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۲. فخر رازی در تفسیر کبیر (ج ۱۶، ص ۲۲۰) پذیرفته است که صادقین باید معصوم باشند، ولی گفته که مقصود کل امت یعنی اجماع آن هاست، در حالی که اگر چنین باشد، تابع و متبوع در آیه یکی می شوند، در حالی که ظاهر آیه آن است که آن ها دو گروه هستند.

۲- (۲). تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۷۰.

در برخی احادیث نیز آمده که: امام علی علیه السلام به این مطلب استناد می کرد و حتی از طریق اهل سنت نیز روایت شده که مقصود آیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می باشند. (۱)

صادقین همان اولیاء الهی یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام هستند:

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِي قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا حَمْرَةَ! إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَفَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ كَأَنَّمَا يَعْبُدُ غَيْرَهُ هَكَذَا ضَالًّا. قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: يَصِدِّقُ اللَّهَ وَيَصَدِّقُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَوَالَاهُ عَلَيَّ وَالِإِيْتِمَامَ بِهِ وَبِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ بَعْدِهِ وَالْبِرَاءَةَ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَكَذَلِكَ عِزْفَانُ اللَّهِ. قَالَ: قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَي شَيْءٍ إِذَا عَمِلْتَهُ أَنَا اسْتَكْمَلْتُ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ؟ قَالَ: تُوَالِي أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَتُعَادِي أَعْدَاءَ اللَّهِ وَتَكُونُ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ. قَالَ: قُلْتُ: وَمَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ؟ وَمَنْ أَعْدَاءُ اللَّهِ فَقَالَ: أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا ثُمَّ ابْنِي جَعْفَرٌ وَأَوْمِيًّا إِلَى جَعْفَرٍ وَهُوَ حَيِّ السِّسِّ فَمَنْ وَالِي هَؤُلَاءِ فَصَدِّقْ وَالِي اللَّهِ وَكَانَ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ. قُلْتُ: وَمَنْ أَعْدَاءُ اللَّهِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ الْأَوْثَانُ الرَّابِعَةُ. (۲)

تحلیل

آیه فوق یک اصل کلی را بیان می کند که با افراد راست گفتار و راست کردار باشید و حدیث فوق برخی از مصادیق «صادقین» را معرفی می کند که محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و فرزندان معصوم آن ها هستند.

پیام

۱- با امام حسین علیه السلام باشید که از صادقان است.

۲- اگر می خواهید معرفت و صدق شما کامل باشد پیرو پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او از جمله امام حسین علیه السلام باشید و از دشمنان آن ها براءت جوئید.

هشتم: سوره یونس

۳۵- مزده باد مؤمنان در هنگام مرگ و در آخرت

اشاره

یونس / ۶۳ - ۶۴. (الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) ؛ «کسانی که ایمان آوردند و همواره خود

١- (١) . همان.

٢- (٢) . البحار، ج ٢٧، ص ٥٧، ح ١٦ و البرهان، ج ١، ص ١٧٠.

نگه داری می کردند، تنها برای آنان در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، مژده است. هیچ تغییری برای سخنان (سنت گونه و وعده های) خدا نیست؛ تنها این کام یابی بزرگ است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «بُشری» در اصل به معنای «ظاهر پوست بدن» است و چون در هنگام شنیدن مژده آثار آن در چهره انسان نمایان می شود، به آن بشری گفته می شود؛ (۱) و مقصود از «بشارت» در این آیه، یا همان بشارت فرشتگان به بهشت است که در آستانه مرگ به مؤمنان داده می شود (۲)، یا وعده پیروزی بر دشمنان و حکومت شایستگان در زمین است و یا خواب های خوش و رؤیاهای نیکویی است که مؤمنان در دنیا می بینند یا برای آنان دیده می شود که در مورد هر کدام از این احتمالات احادیثی حکایت شده است. (۳)

تعبیر «بُشری» دارای مفهوم وسیعی است و می تواند همه این معانی را شامل شود.

۲. کلمات الهی همان سنت های الهی، و قوانین خداست که بر طبیعت، انسان و تاریخ حاکم است و تغییر نمی کند؛ زیرا براساس نظام علت و معلولی، نظام تکوین و اراده حتمی الهی استوار است.

دیدار امام حسین علیه السلام مژده باد مؤمنان در هنگام مرگ

عبدالرحیم قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إنَّما أحدكم حين يبلغ نفسه هاهنا ينزل عليه ملك الموت فيقول له أمَّا ما كنت ترجو فقد أعطيتَه وأمَّا ما كنت تخافه فقد أمنت منه ويفتح له باب إلى منزله من الجنة و يقال له انظر إلى مسكنك من الجنة وانظر هذا رسول الله وأمير المؤمنين و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم رفقاؤك وهو قول الله: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ) ۴. ۵

ص: ۲۳۸

۱- (۱). المفردات في غريب القرآن، مادة «بشر».

۲- (۲). سجده / ۳۰.

۳- (۳). تفسير صافي، ج ۲، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

در این آیات بشارت به مؤمنان باتقوا در دنیا و آخرت آمده است و در روایت فوق یکی از مصادیق این بشارت ها بیان شده که دیدن اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام در بهشت به صورت مکاشفه در هنگام مرگ است و این کامیابی بزرگی برای مؤمنان باتقواست.

پیام

از این آیات با توجه به روایت فوق استفاده می شود که انسان با دو شرط ایمان و تقوا می تواند به دیدار اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام در بهشت نائل آید و این بشارت و دیدار امام حسین علیه السلام رمز کامیابی بزرگ انسان است.

نهم: سوره ابراهیم

۳۶- امام حسین علیه السلام میوه درخت پاک

اشاره

ابراهیم/ ۲۴ و ۲۵. (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)؛ «آیا اطلاع نیافتی چگونه خدا مثل زده؟! سخنی پاکیزه را که هم چون درخت پاکیزه ای است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؛ هر زمان میوه هایش را به رخصت پروردگارش می دهد؛ خدا برای مردم مثل ها می زند، تا شاید آنان متذکر شوند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مفسران در مورد «کلمه طیبه» چند دیدگاه دارند:

(الف) کلمه توحید و جمله «لا اله الا الله»؛

(ب) دستورات الهی، و برنامه های سازنده؛

(ج) ایمان یا شخص مؤمن؛

(د) وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فرزندان معصومش که در احادیث آمده است. (۱)

اما «کلمه» معنای وسیعی دارد که شامل همه موجودات می شود؛ پس می توان گفت که «کلمه طیبه» شامل همه این معانی می شود؛ یعنی هر گونه دستور و برنامه و روش و عمل پاکیزه هر انسان پاک و هر موجود پربرکتی «کلمه طیبه» است.

١- (١). تفسير فرات كوفى، ص ٢١٩؛ تفسير عياشى، ج ٢، ص ٢٢٤؛ كافى، ج ١، ص ٤٢٨؛ تفسير نور الثقلين، ج ٢، ص ٥٣٥ و المناقب، ج ١، ص ٢٨٠.

۲. «کلمه طیبه» موجود بابرکت و پاک، هم چون درختی پاکیزه است؛ و درخت پاکیزه چند ویژگی اساسی دارد:

- پویا و رشد یابنده است، نه جامد و بی حرکت؛

- میوه، شکوفه، گل، سایه و منظره اش پاک و نیکوست؛

- دارای نظام حساب شده و اصل و فرع آن مشخص است؛

- اصل و ریشه اش ثابت و مستحکم است و تندبادها به آن آسیبی نمی رساند؛

- شاخه های آن سر بر آسمان کشیده و به طرف درجات بالا می رود و از هوا و نور کافی استفاده می کند و از آلودگی به دور است؛

- درختی پربار است؛

- در هر زمان ثمر می دهد و دست به سوی هر شاخه اش دراز کنی محروم بر نمی گردی؛

- میوه دادنش بر اساس قوانین آفرینش و رخصت الهی است. (۱)

این ویژگی های درخت پاکیزه است که در کلمه توحید و انسان موخّید و برنامه های سازنده آن ها نیز وجود دارد. آری؛ رادمردان بزرگ و با ایمان حیاتشان مایه برکت و مرگشان موجب حرکت است و آثار و شاگردانشان سازنده اند.

امام حسین علیه السلام از شجره طیبه نبوت

عن عمر بن سالم بیاع السابری، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن هذه الآية (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ). ۲

قال: «أصلها رسول الله صلى الله عليه وآله، وفرعها أمير المؤمنين عليه السلام، والحسن والحسين ثمرها، وتسعه من ولد الحسين أغصانها، والشيعة ورقها، والله ان الرجل منهم ليموت فتسقط ورقه من تلك الشجرة».

قلت: قوله عز وجل: (تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ)؟ قال: ما يخرج من علم الإمام إليكم في كل حجٍّ وعمره. (۲)

ص: ۲۴۰

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۳۲ - ۳۳۳.

۲- (۴). کمال الدین، ص ۳۴۵؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۳۴، مع نقیصه، البحار، ج ۲۴، ص ۱۴۰، ح ۶ و ص ۱۴۱، ح ۷ و مشابه این حدیث در نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۶۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۳۹۷ و ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۲۸؛ الطرائف،

ص ١١١، ح ١٦٥؛ فى عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٧٣ مع نقيصه و أعلام الورى، ص ١٥٠.

در آیه فوق سخن از مثال درخت پاک است که دارای ریشه و شاخه و میوه است و در حدیث فوق مصادیق کامل این درخت بیان شده که اهل بیت علیهم السلام هستند و در این حدیث امام حسین علیه السلام میوه این درخت شمرده شده است چرا که از درخت نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامت علی علیه السلام هویدا شد که ثمره پیوند نبوت و امامت، فرزندان فاطمه علیها السلام هستند که هم از نظر جسمانی و هم از نظر علمی و معنوی از اصل نبوت برخاسته اند. پس دلالت آیه با توجه به روایت از باب جری و تطبیق است.

پیام

از آیه فوق با توجه به روایت استفاده می شود که امام حسین علیه السلام میوه درخت پاک نبوت است که هر کس می تواند از این میوه بخورد و همچون برگی بر آن شجره طیبه تکیه زند و سر بر آسمان برآورد و از شیعیان گردد. یا از شجره ملعونه بخورد و سقوط کند.

دهم: سوره حجر

۳۷- امام حسین علیه السلام از هوشیاران امت

اشاره

حجر / ۷۵. (إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ)؛ «قطعاً، در این (سرگذشت)، نشانه هایی (عبرت آموز) برای هوشیاران است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

- این آیه در ظاهر مربوط به آثار شهر قوم لوط، است که در راه شام از سوی مسیر مدینه قرار دارد و نگاه به آن ویرانه ها و تفکر در آن ها برای هر بیننده ای عبرت آموز است و هر هوشیاری را به توبه و تطهیر دل و جان از آلودگی ها فرا می خواند.
- در ماجرای قوم لوط برای هوشیاران نشانه های عبرت آموزی است و برای مؤمنان نشانه های امید آفرین؛ زیرا افراد باایمان از عذاب قوم لوط و نجات خاندان او امیدوار می شوند که خدا حامی مؤمنان و خوارکننده کافران است.
- افراد بافراست و باهوش (۱) با بینش مخصوص خود، در ماجرای قوم لوط نشانه هایی آموزنده و عبرت آموز می بینند.

ص: ۲۴۱

۱- (۱). واژه «مُتَوَسِّمِينَ» در اصل به معنای «اثر گذاردن» است. این تعبیر در مورد افراد هوشیاری به کار می رود که از کم ترین اثر، پی به واقعیت ها می برند.

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند نکته ها هست بسی محرم اسرار کجاست

(حافظ)

مفسران از جمله «در ماجرای قوم لوط نشانه هایی برای افراد باهوش و مؤمنان است.» استفاده کرده اند که مؤمنان راستین همان هوشیارانی هستند که با دیده عبرت به تاریخ می نگرند. (۱)

امام حسین علیه السلام از مصادیق کامل «متوسمین»

در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از افراد هوشیار در این آیه امامان علیهم السلام هستند. (۲)

و در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام حکایت شده که مقصود از هوشیاران در این آیه پیامبر بود و بعد از او من و امامان از نسل من هستند. (۳)

حضرت مجلس المأمون یوما و عنده علی بن موسی الرضا علیه السلام و قد اجتمع الفقهاء، و أهل الکلام من الفرق المختلفه، فسأله بعضهم، فقال له: یا ابن رسول الله، بأی شیء تصح الإمامه لمدعیها؟ قال: «بالنص و الدلیل».

قال له: فدلاله الإمام فیما هی؟ قال: «فی العلم، و استجابته الدعوه».

قال: فما وجه إخبارکم بما یکون؟ قال: «ذلک بعهد معهود إلینا من رسول الله صلی الله علیه و آله».

قال: فما وجه إخبارکم بما فی قلوب الناس؟ قال علیه السلام له: «أما بلغک قول رسول الله صلی الله علیه و آله: اتقوا فراسه المؤمن فإنه ینظر بنور الله؟». قال: بلی. قال: «فما من مؤمن إلا و له فراسه، ینظر بنور الله علی قدر إیمانه، و مبلغ استبصاره و علمه، و قد جمع الله للأئمه منا ما فرقه فی جمیع المؤمنین، و قال الله تعالی فی کتابه العزیز: (إِنَّ فِي ذَلِكِ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ) فأول المتوسمین رسول الله صلی الله علیه و آله، ثم أمير المؤمنین علیه السلام من بعده، ثم الحسن و الحسين و الأئمه من ولد الحسين علیهم السلام إلى یوم القیامه». (۴)

ص: ۲۴۲

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۶.

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۳.

۳- (۳). همان ها و شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۰.

۴- (۴). عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱؛ البحار، ج ۲۵، ص ۱۳۴، ح ۶ و ج ۲۴، ص ۱۲۸، ح ۱۳ مع تقطیع، البرهان، ج ۲،

ص ۳۵۰، ح ۸ و نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۴، ح ۸۹.

در این آیه از گروه «متوسمین» یعنی افراد باهوش یاد شده است که نشانه های عبرت آموز را به خوبی می بینند و در احادیث فوق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام را از مصادیق کامل «متوسمین» و هوشیاران خواندند، آری امام حسین علیه السلام فردی با فراست بود که به خوبی بعد از حکومت یزید انحراف در مسیر اسلام را تشخیص داد و هوشیارانه دریافت که احیای اسلام جز با نثار خون او تحقق نمی یابد، از این رو امامت و شیعه را بیمه و جاویدان کرد. و چه هوشیاری و زمان شناسی از این بالاتر.

پیام

از این آیه با توجه به روایات فوق استفاده می شود که اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام افرادی هوشیار و زمان شناسی بودند و هر مؤمنی که پیرو امام حسین علیه السلام است باید هوشیار و زمان شناس باشد و با کوچک ترین نشانه مطلب را درک و وظیفه خود را تشخیص دهد و به موقع موضع گیری کند.

بازدهم: سوره نحل

۳۸- امام حسین علیه السلام از آگاهان امت

اشاره

نحل / ۴۳. (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ «و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می کردیم، نفرستادیم؛ پس اگر نمی دانید، از آگاهان پرسید».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مشرکان می گفتند: چرا خدا فرشته ای به عنوان پیامبر نفرستاده است؟ این آیه به این اشکال آن ها پاسخ می دهد که فرستادگان قبلی نیز افرادی از جنس بشر بودند که فقط به آنان وحی می شد.

۲. پیامبران الهی از جنس بشر بودند تا عواطف و غرایز انسانی داشته باشند و نیازهای بشر را به خوبی درک کنند و به عنوان الگو قابل پیروی باشند.

۳. «ذکر» در اصل به معنای حفظ کردن یا یادآوری است. این یادآوری گاهی به وسیله دل و باطن و گاهی به وسیله زبان و لفظ است؛ از این رو قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از مصادیق ذکر هستند؛ چون حقایق را بازگو کرده، مایه ذکر و توجه انسان و دوری او از غفلت ها هستند.

۴. بسیاری از مفسران قرآن بر آن اند که مقصود از «اهل ذکر» در این آیه، دانشمندان یهود و مسیحیت هستند؛ چراکه آیه از مشرکان می خواهد که اگر در مورد بشر بودن پیامبران قبلی تردید دارید، به دانشمندان اهل کتاب مراجعه کنید. آنان منع خوبی برای مشرکان به شمار می آمدند؛ چون هم در مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مشرکان هم عقیده بودند و هم افراد مطلعی بودند.

البته این تفسیر نوعی بیان مصداق آیه در زمان نزول آن است، و گرنه مفهوم آیه عام است و شامل همه متخصصان و آگاهان در هر عصر می شود.

۵. برخی مفسران بر آن اند که مقصود این آیه مراجعه و پرسش از اهل اطلاع و متخصصان هر رشته است و به این آیه در مورد تقلید جاهل از عالم و پیروی مردم از مراجع تقلید و لزوم مراجعه به مجتهدان، کارشناسان و متخصصان استناد شده است. (۱)

۶. مراجعه افراد غیرمتخصص به متخصصان و صاحب نظران، یک امر عقلایی است که مورد اشاره و تأکید قرآن قرار گرفته است، ولی باید توجه داشت که لازم است انسان به متخصصان درستکار و صادق مراجعه کند و به همین دلیل عدالت و تقوا در مورد مراجع تقلید شرط شده است.

۷. در این آیه اشاره شده که هر جا نمی دانید، پرسش کنید. این یکی از آداب پرسشگری است که انسان در جایی که می داند برای خودنمایی یا زیر سؤال بردن دیگران پرسش نکند و هر جا هم که نمی داند، سکوت نکند و خجالت نکشد و پرسد.

۸. پیامبران فقط از میان مردان برگزیده می شدند و وحی به زنانی هم چون مریم، وحی تشریحی و نبوتی نبود بلکه خبرها یا بیان وظایف شخصی بود که در مورد پیامبران و غیر پیامبران از مردان و زنان الهی وجود داشت. (۲)

ص: ۲۴۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴.

۲- (۲). برخی افراد با استدلال به آیات ۳۳، ۴۲ و ۴۵ سوره آل عمران گفته اند که پیامبران «زن» هم داشته ایم و حتی از قرطبی حکایت شده که مریم پیامبر بود؛ ولی آیات قابل مناقشه است و حصر در آیه ۴۳ سوره نحل این قول را رد می کند (ر.ک: زن در آئینه جمال و جلال، ص ۱۴۱ و «پیامبری زنان»، ماهنامه آیات، مرداد ۱۳۷۶).

در برخی از احادیث شیعه و اهل سنت حکایت شده که مقصود از ذکر، قرآن یا شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است و منظور از اهل ذکر، همان امامان و اهل بیت علیهم السلام هستند که می توانیم از آنان پرسش کنیم و آگاه شویم. (۱)

عن ابن عباس فی قوله تعالی: (فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ) قال: هو مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وفاطمه والحسن والحسين عليهم السلام وهم أهل الذکر والعلم والعقل والبيان وهم أهل بيت النبوة ومعدن الرساله ومختلف الملائكه والله ما سَمِيَ المؤمن مؤمناً إلا كرامهً لأمير المؤمنين عليه السلام. (۲)

تحلیل

آیه فوق از «اهل الذکر»، یعنی آگاهان سخن می گوید و احادیث فوق مصادیق کامل «اهل ذکر» را بیان می کند که ائمه اطهار علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هستند.

پیام

از این آیه با توجه به روایات استفاده می شود که امام حسین علیه السلام از آگاه مردان بزرگ است که همگان می توانند از دانش ایشان بهره ببرند و راه خود را در پرتو نور احادیث ایشان بیابند. آری یکی از اهداف اساسی قیام امام حسین علیه السلام نیز رفع جهل مردم بود «وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله» (۳). امام حسین علیه السلام خون خود را نثار کرد تا مردم از نادانی نجات یابند.

۳۹- لزوم ادای حق امام حسین علیه السلام

اشاره

نحل/ ۹۰. (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)؛ «در واقع، خدا، به عدالت و نیکی و ادای (حق) نزدیکان فرمان می دهد و از [کار] زشت و ناپسند و ستم منع می کند؛ (خدا) شما را پند می دهد، تا شاید شما متذکر شوید».

ص: ۲۴۵

۱- (۱). ر.ک: کافی، ج ۱، ص ۲۱۰؛ تأویل الآیات، ص ۲۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۳؛ برهان، ج ۴، ص ۸۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵ - ۵۶ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲- (۲). نهج الحق، ص ۲۱۰ و البحار، ج ۲۳، ص ۱۸۵، ح ۵۵ و ج ۳۶، ص ۱۶۷، ح ۱۵۲.

۳- (۳). مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

۱. «عَدْل» در واقع به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود است؛ از این رو عدل قانونی است که کلّ نظام هستی بر محور آن می گردد؛ بنابراین هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد و اذیت دیگران، بر خلاف اصل عدل است. (۱)

۲. «احسان» به معنای نیکوکاری و گذشت است که شامل هر گونه کمک مالی، فکری، فرهنگی و عاطفی می شود؛ یعنی در جایی که عدالت به تنهایی کافی نیست و نیاز به فداکاری و گذشت است، اصل احسان جاری می شود و افراد بشر هم چون اعضای بدن به یاری یک دیگر می شتابند.

۳. در احادیث اسلامی از امام علی علیه السلام حکایت شده که: عدل آن است که حق مردم را به آنان برسانی و احسان آن است که زیاده را به آن ها بدهی. (۲)

و یا حکایت شده که عدل همان توحید و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است و احسان، امام علی علیه السلام است که هر کس او را دوست داشته باشد نیکوکار است. (۳)

البته روشن است که این گونه احادیث مصادیق کامل آیه را برمی شمارد.

۴. «ذی القُربی» به معنای خویشاوندان نزدیک یا مطلق نزدیکان است که شامل همسایگان و دوستان نیز می شود. (۴)

۵. بخشش به نزدیکان، بخشی از احسان است که در جامعه کوچک خانواده صورت می گیرد؛ یعنی اسلام جامعه بشری را به واحدهای کوچک تر تقسیم می کند و دردهای آنان را معالجه می نماید.

۶. برخی مفسران بر آن اند که در این آیه «فَحِشًا» اشاره به گناهان پنهانی و «مُنْكَرًا» اشاره به گناهان آشکار، و «بَغْيًا» اشاره به هر گونه تجاوز از حق خویش و ستمکاری و خودبرتر بینی است. (۵)

ص: ۲۴۶

۱- (۱). ر.ک: سوره مائده، ذیل آیه ۸، تفسیر قرآن مهر.

۲- (۲). نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۳۱.

۳- (۳). تفسیر فرات، ص ۲۳۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۵۱؛ تأویل الآیات، ص ۲۶۳ و بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۸۸ و ۱۹۰ و ج ۳۶، ص ۱۸۰.

۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۹.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۷۰.

۷. در این آیه به سه اصل مثبت عدل، نیکی و کمک به نزدیکان و سه اصل منفی کارهای زشت، ناپسند و طغیانگری اشاره شده است. این ها از اصول قانون اساسی اسلام و منشور جهانی آن است که آرزوی هر انسان سالم و باانصافی است و شاید از این روست که آیه به موعظه و یادآوری اشاره می کند؛ یعنی این امور بر اساس فطرت مطلوب انسان است و فقط تذکر لازم دارد.

۸. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که مجموعه تقوا در این آیه است. (۱) و در حدیثی از ابن مسعود، صحابی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که «این آیه جامع ترین آیات خیر و شرّ در قرآن است». (۲)

و حکایت شده که هرگاه امام باقر علیه السلام نماز جمعه می خواند، آخرین سخنش همین آیه بود. (۳)

۹. دادگری و برخی مراتب نیکوکاری و صله رحم واجب است، همان طور که کارهای زشت، ناپسند و ستمگری حرام است.

امام حسین علیه السلام مصداق کامل «ذی القربی»

در احادیث اسلامی حکایت شده که مقصود از «نزدیکان» در این آیه همان نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی امامان علیهم السلام هستند و مقصود آیه، پرداخت خمس به آنان است. (۴)

إرشاد القلوب، بإسناده إلى عطية بن الحارث، عن أبي جعفر عليه السلام، في قوله تعالى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ).

قال: «العدل: شهادة الإخلاص، و أن محمدا رسول الله صلى الله عليه و آله، و الإحسان: ولاية أمير المؤمنين عليهم السلام، و الإيتان بطاعتهما (صلوات الله عليهما). و إيتاء ذی القربی: الحسن و الحسين و الأئمة من ولده عليهم السلام، (و يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ) وهو من ظلمهم و قتلهم و منع حقوقهم. (۵)

ص: ۲۴۷

۱- (۱). مجمع البيان، ج ۱، ص ۱۱۸؛ مشكاة الانوار، ص ۴۵ و تفسير نورالثقلين، ج ۳، ص ۷۸.

۲- (۲). تفسير نمونه، ج ۱۱، ص ۳۷۲.

۳- (۳). کافی، ج ۳، ص ۴۲۲ - ۴۲۴ و تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۷۷.

۴- (۴). تفسير صافي، همان جا و بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۲۴۹.

۵- (۵). البحار، ج ۲۴، ص ۱۸۸، ح ۷؛ تأويل الآيات، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۲۰؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۹ و كنزالدقائق، ج ۷، ص ۲۵۷.

در آیه فوق از مطلق خویشاوندان و لزوم ادای حقوق آنان یاد شده است اما در احادیث فوق آن را بر ائمه اطهار علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام تطبیق کرده اند که مصادیق کامل خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند چون امام حسن و امام حسین علیه السلام هم فرزندان جسمی (از طریق فاطمه علیها السلام بر اساس آیه مباحله) و هم فرزندان روحانی و علمی آن حضرت هستند و از طرف دیگر بر اساس روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پدران اهل اسلام هستند، (۱) امام حسین علیه السلام نیز خویشاوند همه امت است.

پیام

بر اساس آیه فوق و با توجه به روایات، امام حسین علیه السلام خویشاوند پیامبر صلی الله علیه و آله و امت اسلام است که لازم است حقوق ایشان اداء شود. و این دستوری الهی است که بر همه مسلمانان واجب است.

برخی از مهمترین حقوق ائمه اطهار عبارت است از:

۱- وجوب اطاعت از دستورات ایشان (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) ۲ .

۲- لزوم محبت و مودت آنان (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ۳ .

۳- ادای حقوق مالی خمس (وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِإِخْوَتِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) ۴ .

۴- زیارت آن ها در حیات و بعد شهادت.

دوازدهم: سوره اسراء

۴۰- سرکشی بزرگ در کشتن امام حسین علیه السلام

اشاره

اسراء/ ۴، ۵ و ۶. (وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ

ص: ۲۴۸

وَعَدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا) ؛ «و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که قطعاً، دو بار در [روی] زمین فساد خواهید کرد و حتماً، با سرکشی بزرگی برتری خواهید نمود و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسید، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما می شورانیم و میان خانه ها (یتان برای سرکوبی شما) به جست و جو درآیند؛ و [این] وعده ای واقع شده است. سپس دوباره، (پیروزی) بر آنان را به شما باز گردانیم و شما را به وسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیش تر (از دشمن) قرار دهیم».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از «الارض» در این آیه همان سرزمین فلسطین است که قوم یهود در آن زندگی می کردند و شهر قدس و مسجدالاقصی نیز در این سرزمین واقع شده اند (۱).

۲. مفسران قرآن در مورد دو فساد و انحراف اجتماعی بزرگ یهودیان در زمین، چند تفسیر ارائه کرده اند:

الف) یکی حمله «بُخْتُ النَّصْر» پادشاه بابل و دوم هجوم قیصر روم به بیت المقدس که موجب تخریب آن شهر و کشتار و آوارگی یهودیان شد. (۲)

ب) یکی فسادگری یهود در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که منتهی به اخراج آنان از جزیره العرب شد و دوم قیام هیتلر علیه یهود. (۳)

ج) مقصود تشکیل صهیونیسم و دولت اسرائیل در میان یهودیان است، که در مرحله اول دولت اسرائیل طغیان کرد و از مسلمانان شکست خورد و بخشی از فلسطین آزاد شد، اما در مرحله دوم با کمک نیروهای استعماری و جهان خواران به اشغال بیت المقدس پرداخت و اکنون مسلمانان باید در انتظار پیروزی دوم بر آنان باشند (۴).

ص: ۲۴۹

۱- (۱). واژه «قضاء» نیز در این جا به معنای «اعلام» است (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۵).

۲- (۲). در تفسیر طبری، فساد اول را در اثر قتل زکریا و گروهی از پیامبران و انتقام الهی توسط بخت النصر و فساد دوم را شورش یهود پس از نجات آنان توسط سلاطین فارس (کوروش) می داند که مورد هجوم «انطیاخوس» واقع شدند. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۴۶. برخی نیز تاریخ حمله بخت النصر را حدود ۵۸۷ قبل از میلاد و حمله تیتوس، پسر امپراتور روم را ۷۰ سال بعد از میلاد معرفی کرده اند (نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۸۴ - ۸۷).

۳- (۳). تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۸ (اشکال این تفسیر آن است که قوم پیروزمند، داخل فلسطین نشدند).

۴- (۴). مجله مکتب اسلام، ش ۱۲، سال ۱۲، بحث تفسیری آقای ابراهیم انصاری، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰.

البته مانعی ندارد که مقصود آیه دو مرحله فسادگری یهود در گذشته باشد (همان طور که در آیه بعد می آید) ولی مواردی از تبهکاری آنان و انتقام الهی بعد از اسلام و در آینده تحقق یابد، همان طور که در برخی تفاسیر بالا و در آیه هشتم سوره اسراء به آن اشاره شده است.

۳. بیت المقدس توسط داود و سلیمان پیامبر علیهماالسلام ساخته شد و بُخت النصر پادشاه بابل در حدود سال ۵۸۷ قبل از میلاد بر آن هجوم آورد و آن را ویران کرد. این شهر حدود پنجاه سال به همان حال باقی ماند تا زمان کورش پادشاه هخامنشی ایران که یهودیان را از اسارت نجات داد و فلسطین از نو آباد شد. (۱)

۲. از واژه «عباداً لنا» استفاده می شود که مردم (بابل) که به یهودیان حمله کردند، باایمان بودند که خدا به وسیله آن ها از فسادگری یهودیان انتقام گرفت.

۳. خدا پس از شکست سخت بنی اسرائیل در سرکشی اول، باز به لطف خود به آنان قدرت و شوکت و نیروهای کارآمد عنایت فرمود و بر دشمنان پیروشان ساخت و به آنان اموال داد تا اقتصادشان قوی شود و پسرانی عنایت کرد تا نیروی جنگی کارآمد داشته باشند.

قتل امام حسین علیه السلام و رجعت ایشان و ظهور مهدی علیه السلام باطن آیات

عده من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصبم، عن عبد الله بن القاسم البطل، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: (وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ).

قال: «قتل علي بن أبي طالب عليه السلام وطعن الحسن عليه السلام (وَلَتَعْلَنَّ عَلُوًّا كَبِيرًا) - قال - قتل الحسين عليه السلام (فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا) فإذا جاء نصر دم الحسين عليه السلام (بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ) قوم يبعثهم الله قبل خروج القائم عليه السلام، فلا يدعون وترا

ص: ۲۵۰

۱- (۱). سلیمان معبدی بزرگ در بیت المقدس بنا کرد که نام آن به «هیکل سلیمان» (ساختمان بلند) مشهور شد و در سال ۵۸۷ قبل از میلاد توسط بُخت النَصِير ویران شد. او پادشاه آشوری ها در شمال بابل، در عراق و سوریه کنونی، و پایتخت او شهر نینوا بود. از او در عهد عتیق با عنوان «نبوکد نَصیر» یاد شده است. او تعداد زیادی از بنی اسرائیل را به اسارت برد که به «جَلای بابل» مشهور شد. پس از استیلای کورش (یعنی خورشید) بر بابل، یهودیان آزاد شدند و اعلامیه معروف کورش در سال ۵۳۸ قبل از میلاد صادر شد (نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۸۴ - ۸۷).

لآل محمد إلا- قتلوه (وَ كَانَ وَعِيداً مَفْعُولاً) خروج القائم عليه السلام (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ) عليهم خروج الحسين عليه السلام في سبعين من أصحابه. (۱)

تحليل

ظاهر آیات فوق به جریان یهود و دوبار سرکشی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان اشاره دارد. ولی روایت فوق اشاره به باطن آیه دارد. یعنی با الغاء خصوصیت از ظاهر آیه و جریان بنی اسرائیل، یک قاعده کلی از آیه به دست می آید که بر موارد مشابه قابل تطبیق است و یکی از مصادیق آن جریان سرکشی گروهی علیه امام حسین علیه السلام و قتل ایشان است. که در تاریخ روزی خواهد آمد که قبل از قیام امام مهدی علیه السلام گروهی از مسلمانان انتقام خون های کربلا را خواهند گرفت و بعد از قیام مهدی علیه السلام امام حسین علیه السلام با هفتاد نفر از یارانش رجعت خواهند کرد و این مطلب محال عقلی نیست و قرآن به صراحت از زنده شدن مردگان در دنیا به دست مسیح علیه السلام سخن گفته است. (۲)

۴۱- امام حسین علیه السلام مظلوم منصور

اشاره

اسراء/ ۳۳. (وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِئِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا)؛ «و شخصی را که خدا (خونش را) حرام کرده، جز به حق، نکشید؛ و هر کس که مظلومانه کشته شده، پس برای سرپرستش تسلطی (بر قصاص) قرار دادیم؛ و [لی] در قتل زیاده روی نکند؛ [چرا] که او یاری شده (ی خدا) است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. ریختن خون انسان ها و قتل از مسایلی است که همه قوانین بشری و ادیان الهی از آن منع کرده اند و در اسلام یکی از گناهان بزرگ به شمار می آید. حتی در قرآن کشتن یک

ص: ۲۵۱

۱- (۱). الکافی، ج ۸، ص ۲۰۶، ح ۲۵۰؛ تأویل الآیات: ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۷؛ البرهان، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۷۷؛ البحار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۳؛ العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۲۰؛ البحار، ج ۴۵، ص ۲۹۷، ح ۵ مع نقیصه، البحار، ج ۵۱، ص ۵۶، ح ۴۶ و کنزالدقائق، ج ۷، ص ۳۶۲.

۲- (۲). (أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَأْذِنُ اللَّهُ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ) (آل عمران/ ۴۲).

انسان همانند کشتن همه انسان ها شمرده شده است. (۱) البته احترام خون انسان ها در اسلام مخصوص مسلمانان نیست و حتی کافرانی که به صورت صلح آمیز در کشورهای اسلامی زندگی می کنند، جانشان محترم و مورد حمایت است.

۲. اگر کسی مرتکب قتل یا گناهی بزرگ شود، احترام خون او از بین می رود و لازم است که برای جلوگیری از کشتارهای بعدی، قصاص شود. قرآن کشتن قاتل را کشتن به حق می نامد.

۳. در عصر جاهلیت مرسوم بود که اگر یک نفر از قبیله ای کشته می شد، افراد زیادی از قبیله قاتل در برابر او کشته می شدند، هر چند در قتل شرکت نداشتند و گناهی مرتکب نشده بودند. اما در این آیه اشاره شده که سرپرستان شخصی که مظلوم کشته شده، تا زمانی که در مرز اسلام گام برمی دارند و در خون ریزی زیاده روی نکنند، مورد حمایت الهی هستند، تا بتوانند قاتل را قصاص کنند. (۲)

۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دست پرورده قرآن است، پس از ضربه شمشیری که ابن ملجم بر ایشان فرود آورد این گونه وصیت کرد:

ای فرزندان عبدالمطلب، مبادا بعد از شهادت من در خون مسلمانان غوطه ور شوید و بگویید: امیرمؤمنان کشته شد و به بهانه آن خون هایی بریزید؛ آگاه باشید! تنها قاتل من در عوض خون من کشته می شود. درست دقت کنید! هنگامی که من از این ضربه او شهید شوم، تنها یک ضربه بر او بریزید و بعد از کشتن او، بدنش را قطعه قطعه نکنید. (۳)

امام حسین علیه السلام مصداق کشته شده مظلوم

عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: نزلت هذه الآية في الحسين «وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشِيرُ فِي الْقَتْلِ» قاتل الحسين (إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا) قال: الحسين عليه السلام. (۴)

ص: ۲۵۲

-
- ۱- (۱). (فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) (مائده / ۳۲).
 - ۲- (۲). روح المعانی، ذیل آیه و تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۸.
 - ۳- (۳). نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۲۸ و بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۳۹ و ۲۵۶.
 - ۴- (۴). العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۵؛ البرهان، ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۲۰۰ و البحار، ج ۴۴، ص ۲۱۸، ح ۶.

در برخی احادیث نیز منصور (یاری شده) امام مهدی علیه السلام معرفی شده است که صاحب خون و انتقام گیرنده خون امام حسین علیه السلام است. (۱)

تحلیل

آیه فوق یک قاعده کلی را در مورد قتل بیان کرده است اما احادیث این قاعده را بر یکی از مصادیق بارز آن تطبیق کرده اند. پس مقصود از «نزلت» در روایت، شأن نزول اصطلاحی نیست بلکه منظور قاعده جری و تطبیق آیه بر امام حسین علیه السلام است که مظلومانه شهید شد و به صاحب خون یعنی امام مهدی علیه السلام اجازه قصاص داده شده است.

پیام

از این آیه با توجه به روایات استفاده می شود که:

اولاً امام حسین علیه السلام مظلومانه شهید شد.

ثانیاً خون امام حسین علیه السلام صاحب و ولی دارد که همان امام مهدی علیه السلام است.

ثالثاً امام حسین علیه السلام و ولی خون او از طرف خدا یاری می شوند.

۴۲- امام حسین علیه السلام پیشوای دنیا و آخرت

اسراء/ ۷۱ و ۷۲. (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتْيًا)؛ «(یاد کن) روزی را که هر (گروهی از) مردم را با پیشوایشان فرا می خوانیم؛ و هر کس نامه (عمل) او به دست راستش داده شود، پس آنان نامه (اعمال)شان را (با شادی) می خوانند و کم ترین ستمی نخواهند شد».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از «امام» معنای وسیع آن است که شامل پیامبران، امامان، کتاب های آسمانی، دانشمندان و همه پیشوایان حق و باطل می شود. همان طور که در برخی احادیث اشاره شده، مفهوم آیه وسیع است و شامل همه امامان حق و باطل و حتی کتاب های آسمانی و سنت پیامبران می شود. (۲)

ص: ۲۵۳

۱- (۱). تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲- (۲). مجمع البیان، ذیل آیه.

۲. در این آیه به نقش مهم رهبری در دنیا و بازتاب آن در آخرت اشاره شده است؛ یعنی پیوند رهبری و امامت با پیروان آنان چنان محکم است که در جهان دیگر نیز این پیوند منعکس می شود و مردم به نام امامان و رهبران خویش خوانده می شوند و به دنبال رهبر خود راهی بهشت یا دوزخ می گردند.

۳. وجود امام در هر عصری و برای هر مردمی لازم است؛ زیرا اگر در رستاخیز همه مردم با امام خویش فراخوانده می شوند لازم است که هر ملتی در هر عصری امامی داشته باشد که از او پیروی کند.

در احادیث شیعه و سنی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۱)

و نیز از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: آری؛ به خدا سوگند، صفحه زمین هرگز از رهبری قیام کننده خالی نشود، خواه ظاهر و آشکار باشد، یا بیمناک و پنهان، تا نشانه ها و حجت های الهی باطل نشود. (۲)

۴- برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام این آیه را اشاره به رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت حضرت علی و ائمه بعدی دانسته اند. (۳)

أَبِي، عَنِ النَّضْرِ، عَنِ ابْنِ مُسَيْكَانَ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ) فَقَالَ: نَدْعُوا كُلَّ قَوْمٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِإِمَامِهِمْ قُلْتُ فَيَجِيءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْمِهِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْمِهِ وَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْمِهِ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْمِهِ وَ كُلُّ إِمَامٍ فِي قَوْمِهِ الَّذِي هَلَكَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ؟ قَالَ: نَعَمْ. (۴)

ص: ۲۵۴

۱- (۱). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۸ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۹۴ (من مات بغير امام مات ميتة الجاهلية).

۲- (۲). الغارات، ج ۱، ص ۸۹ و نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۴۷.

۳- (۳). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۴؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۵؛ بصائر الدرجات، ص ۳۳؛ کافی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳ و تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۰۶.

۴- (۴). المحاسن، ص ۱۴۴ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱، ح ۸ و ج ۸، ص ۹، ح ۱.

بر اساس آیه و روایات فوق امام حسین علیه السلام یکی از امامان و رهبرانی است که در رستاخیز پیشاپیش پیروان خود قرار می‌گیرد. آری هر کس پیرو راستین امام حسین علیه السلام بود و در دنیا در کنار حسین علیه السلام ایستاد در آخرت هم در ردیف حسینیان قرار می‌گیرد. و بر اساس الغاء خصوصیت هر کس بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نیز راه او را ادامه دهد در امت حسین علیه السلام قرار می‌گیرد. و در رستاخیز با نام حسین علیه السلام فراخوانده می‌شود.

پیام‌ها

۱- هر کس در دنیا حسینی است در آخرت هم حسینی است.

۲- امام حسین علیه السلام از پیشوایان مردم در رستاخیز (و مایه نجات پیروان خویش) است.

۴۳- امام حسین علیه السلام از بشارت داده شدگان به بهشت

کَهِفَ / ۱-۲. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا)؛ «ستایش مخصوص خدایی است که کتاب (قرآن) را بر بنده اش فرو فرستاد و هیچ انحرافی در آن قرار نداد؛ درحالی که استوار است؛ تا از جانب او، سختی (عذاب) شدید را (به کافران) هشدار دهد؛ و به مؤمنانی که (کارهای) شایسته انجام می‌دهند، مژده دهد که برای آنان پاداش نیکویی است».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. پنج سوره در قرآن با حمد و ستایش الهی شروع می‌شود که عبارت‌اند از: سوره‌های انعام، سبأ، فاطر، حمد و کهف. و در چهار سوره پس از ستایش خدا، از کتاب آفرینش و تربیت جهانیان سخن گفته شده ولی در سوره کهف سخن از کتاب قرآن و تربیت مردم با بشارت و هشدار گفته شده است.

۲. «قیم» در اصل از ماده قیام است و در این جا به معنای استوار، برپا دارنده و پاسدار کتاب‌های دیگر است که در همان حال به اعتدال و استقامت و دوری از کژی اشاره دارد.

پس این واژه تأکیدی بر عدم اعوجاج و کژی قرآن و خالی بودن آن از هر گونه ضد و

نقیض و اشاره به جاودانگی قرآن و الگو بودن آن برای حفظ اصالت ها و پاس داری از احکام الهی و فضیلت بشری است.

(۱)

۳. در این آیات به دو هدف نزول قرآن و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که عبارت اند از:

الف) هشدار دادن به خلافکاران، به وسیله عذاب شدید الهی؛

ب) مژده رسانی به مؤمنانی که کردار شایسته دارند.

۴- در برخی احادیث از ابن عباس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هفت نفر را که اعمال صالح انجام می دادند به بهشت مژده داد: علی علیه السلام، جعفر، عقیل، حمزه، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام.

وَالسُّدِّيُّ وَ أَبُو صَالِحٍ وَ ابْنُ شَهَابٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ) قَالَ: يَبَشِّرُ مُحَمَّدًا بِالْجَنَّةِ عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا وَ عَقِيلًا وَ حَمْزَةَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ. (۲)

تحلیل

آیه دوم سوره کهف از بشارت مؤمنان به پاداش نیکو سخن می گوید که بر اساس حدیث فوق پیامبر صلی الله علیه و آله مصادیق مهم این مؤمنان را در صدر اسلام بر شمرده است افرادی هم چون علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که از پیشگامان اسلام بودند و شهدایی مثل حمزه و امام حسین علیه السلام که هر دو لقب سید الشهداء گرفتند.

بنابراین تطبیق آیه بر امام حسین علیه السلام از باب جری است.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام از مؤمنان نیکو کردار بهشتی است.

۲- اگر می خواهید حسینی شوید مومن نیکوکار باشید.

ص: ۲۵۶

۱- (۱). برخی مفسران واژه «قیم» را به این معانی تفسیر کرده اند: کتابی که نسخ نمی شود، حافظ کتاب های پیشین، برپا دارنده امور دین و کتابی که در آن اختلاف و تناقض نیست؛ و یا «عدم اعوجاج» را به معنای فصاحت الفاظ قرآن و «قیم» را به معنای بلاغت و استقامت محتوای آن دانسته اند؛ اما معنایی که در متن بیان شد شامل همه این معانی می شود (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۴۲ - ۳۴۳).

۲- (۲). المناقب، ج ۲، ص ۱۲۲ و البحار، ج ۴۱، ص ۱۷، ص ۱۰.

۴۴- نهضت کربلا در اسرار حروف مقطعه قرآن

اشاره

مریم / ۱. (کهیعص) ؛ «کاف، ها، یا، عین، صاد».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. حروف مقطعه قرآن اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی الفبا ساخته شده است و یا این که این حروف رمزی بین خدا و پیامبرش است.

۲. در برخی از احادیث روایت شده که حروف مقطعه «کهیعص» اشاره به نام های بزرگ خدا (۱) و یا اشاره به ماجرای قیام امام حسین علیه السلام در کربلاست. (۲)

البته ممکن است یک آیه به معانی مختلف ظاهری و باطنی اشاره داشته باشد و جمع آن ها با هم منافاتی ندارد و انحصار آیه در یک معنا، بدون دلیل، ممکن نیست.

توجه زکریای پیامبر به نام و سرگذشت امام حسین علیه السلام

در حدیثی از امام عصر حکایت شده که در مورد تأویل آیه (کهیعص) فرمودند: این حروف از اخبار غیبی است. حضرت زکریا علیه السلام از پروردگار خواست که نام های پنج گانه (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) را به او آموزش دهد و جبرئیل به او آموزش داد. اما زکریا ملاحظه کرد که در هنگام یاد کردن نام چهار نفر خشنود می شود اما در هنگام یاد کردن نام حسین علیه السلام گریان می شود و خداوند داستان کربلا را برایش بیان کرد؛ که «کاف» اشاره به کربلا و «هاء» اشاره به کشته شدن اهل بیت علیهم السلام و «یاء» اشاره به یزید ستمگر و «عین» اشاره به عطش امام حسین علیه السلام و «صاد» اشاره به صبر اوست.

هنگامی که زکریا این ماجرا را شنید تا سه روز از مسجدش خارج نشد و درخواست کرد امتحان مشابهی نسبت به فرزندش یحیی به وجود آید.

ص: ۲۵۷

۱- (۱). «کاف» اشاره به «کافی»، «هاء» اشاره به «هادی»، «یاء» اشاره به «ولی»، «عین» اشاره به «عالم» و «صاد» اشاره به «صادق الوعد» است (معانی الاخبار، ص ۲۲؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۷۳ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۰).

۲- (۲) . «كاف» اشاره به كربلا، «هاء» اشاره به هلاکت خاندان پیامبر، «ياء» اشاره به «يزيد»، «عين» اشاره به «عطش» و «صاد» اشاره به «صبر» آنهاست (كمال الدين، ج ۲، ص ۴۶۱؛ دلائل الامامه، ص ۲۷۸؛ تأويل الآيات، ص ۲۹۲، تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۳۲۰ و تفسير صافي، ج ۳، ص ۲۷۳).

سَأَلَ سَعْدُ بْنُ عَدِيٍّ اللَّهَ أَقْمَىٰ عَنِ الْحَجَّةِ الْقَائِمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَأْوِيلِ (كَهَيْعَص) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدُهُ زَكَرِيَّا ثُمَّ قَصَّهَا عَلَىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذَلِكَ أَنَّ زَكَرِيَّا سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَعْلَمَهُ اسْمَاءَ الْخَمْسَةِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سُرِّي عَنْهُ هُمُّهُ وَانْجَلَىٰ كُرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهِرَةُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ: إِلَهِي مَا بَالِي إِذْ ذَكَرْتُ أَرْبَعَهُ مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَّعَ عَيْنِي وَتَثَوَّرَ زَفَرْتِي؟ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ عَنْ قِصَّتِهِ فَقَالَ (كَهَيْعَص) فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَ الْهَاءُ هَلَاكُ الْعِثْرَةِ وَ الْيَاءُ يَزِيدُ وَ هُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْعَيْنُ عَطَشُهُ وَ الصَّادُ صَبْرُهُ فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، لَمْ يَفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهِنَّ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ أَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ كَذَانَ يَرْثِيهِ «إِلَهِي أَتَفْجِعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلَدِهِ؟! إِلَهِي أَتَنْزِلُ بِلُوى هَذِهِ الرِّزِيهِ بِفِنَائِهِ؟! إِلَهِي أَتَلْسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثِيَابَ هَذِهِ الْمُصَةِ بِيهِ؟! إِلَهِي أَتَحُلُّ كُرْبَهُ هَذِهِ الْمُصَةِ بِيهِ بِسَاحَتِهَا؟!» ثُمَّ كَانَ يَقُولُ: «إِلَهِي ارْزُقْنِي وَلَمَدًا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَأَفْتِنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تَفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلَدِهِ» فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَىٰ وَ فَجَعَهُ بِهِ وَ كَانَ حَمْلُ يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ حَمْلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَلِكَ الْخَبَرِ. (١)

تحليل

اشارات و رموزی که در مورد حروف مقطعه قرآن در احادیث آمده است از باب باطن یا تأویل آیات است. یعنی جریان امام حسین علیه السلام از تأویل ها و بطون آیه (کهیعیص) است. البته در این موارد اعتبارسنجی روایات ضروری است.

پیام ها

۱- سرگذشت امام حسین علیه السلام در تأویل آیات قرآن اشاره شده است.

۲- سرگذشت امام حسین علیه السلام مورد توجه پیامبران الهی بوده است.

۴۵- تشابه سرگذشت یحیی پیامبر و امام حسین علیه السلام

ص: ۲۵۸

۱- (۱). الاحتجاج، ص ۴۶۳؛ البحار، ج ۱۴، ص ۱۷۸، ح ۱۴ و ج ۵۲، ص ۸۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۳، ح ۳؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۱ و تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۳.

مریم / ۷. (یا زَکْرِيَا إِنَّا نَبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا)؛ «ای زکریا! به راستی ما تو را به پسری که نامش «یحیی» است، مژده می دهیم؛ که از پیش، هیچ هم نامی برای او قرار نداده ایم».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات بیان شده که خدا لطف ویژه ای بر زکریا نمود؛ چون

اولاً، دعای او را پذیرفت؛

ثانیاً، پسری به او عنایت کرد؛

ثالثاً، نام این کودک را خودش نهاد؛

رابعاً، نام یحیی (یعنی زنده می ماند) بر او نهاد که قبلاً هم نامی در جهان نداشت.

۲. جمله «قبلاً کسی هم نام او نبوده است» اشاره به آن است که نام «یحیی» تازگی دارد و نام نشانه شخصیت افراد است؛ پس روشن می شود که «یحیی» دارای امتیازاتی بوده که قبلاً در وجود کسی نبوده است.

۳. نام حضرت یحیی علیه السلام پنج بار در قرآن آمده است. (۱) او یکی از پیامبران بزرگ خدا بود که در کودکی به مقام نبوت رسیده و به شهوت های دنیوی پشت پا زده بود.

یحیی پسر خاله عیسی بود و همو بود که «عیسی» را پس از تولد غسل داد. برخی گفته اند که گروهی از صابئین پیروان یحیی هستند. (۲)

۴- یحیی پیامبر بزرگ الهی در احادیث اسلامی به امام حسین علیه السلام تشبیه شده است؛ (۳) چون هر دو شهید شدند و سر مبارکشان نزد سلطان ستمگر عصرشان برده شد، قاتل هر دو زنازاده بود و نام هر دو بی سابقه بود و مدت بارداری مادران هر دو کم تر از نه ماه بود.

قال محمد بن العباس رحمه الله : حَدَّثَنَا حميد بن زياد، عن أحمد بن الحسين بن بكر قال حدثنا الحسن بن علي بن فضال، بإسناده إلى عبد الخالق، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: في قول الله عز وجل: (لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا) قال: ذلك يَحْيَى بن زكريا لم يكن له من

ص: ۲۵۹

۱- (۱). ر.ك: آل عمران / ۳۹؛ انعام / ۸۵؛ انبياء / ۹۰ و مریم / ۷ و ۱۲.

۲- (۲). اعلام قرآن، ص ۶۶۷.

۳- (۳) . تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۷۵ و قصص الانبياء (رواندي)، ص ۲۲۰.

قبل سميا وكذلك الحسين عليه السلام لم يكن له من قبل سميا ولم تبيك السماء إلا عليهما أربعين صباحا. قلت: فما كان بكاؤها؟ قال: تطلع الشمس حمراء. قال: وكان قاتل الحسين عليه السلام ولد زنا وقاتل يحيى بن زكريا ولد زنا. (۱)

نکته: در این حدیث و احادیث متعدد دیگر آمده است که آسمان چهل روز بر یحیی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام گریست و گریه آسمان هم آن بود که خورشید با سرخی طلوع می کرد.

این تعبیرات می تواند کنایه و تمثیل باشد بدین معنا که کنایه از شدت آن مصیبت بر کل جهان است که گویا جهان بر آن ها می گرید یا این که اشاره به آن باشد که ریخته شدن این دو خون موجب شد که تا مدت ها جهان گرفتار جنگ و خون ریزی شود و بارها روزهای خون باری رقم خورد همان طور که در پی واقعه عاشورا می بینیم که قیام های خونین توابین، مختار و ... واقع شد.

تحلیل

تشابه سرگذشت یحیی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام از جهات مختلف است که بیان شد لیکن ذکر این مطالب در احادیث تفسیری از باب تداعی معانی است. نه از باب تفسیر و تأویل آیه.

پیام ها

از آیه فوق با توجه به احادیث مذکور استفاده می شود که:

سرگذشت خون بار امام حسین علیه السلام در انبیاء و امت های پیشین هم سابقه داشته است که باید از آن درس عبرت بیاموزیم تا این وقایع برای مردان الهی تکرار نشود.

۴۶- امام حسین علیه السلام الگوی شهادت

اشاره

مریم / ۵۴. (وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَبِيًّا) ؛ «و در کتاب (قرآن) اسماعیل را یاد کن، که او راست وعده بود و (نیز) فرستاده ای والا [مقام] بود».

ص: ۲۶۰

۱- (۱). تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۳؛ البرهان، ج ۳، ص ۴، ح ۱؛ کنز الدقائق، ج ۸، ص ۱۹۸؛ البحار، ج ۱۴، ص ۱۷۳، ح ۱۳ و مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۴ مع نقیصه.

۱. ابراهیم علیه السلام چند فرزند داشت؛ یکی اسحاق که از نسل او یعقوب و موسی پدید آمدند و دیگری اسماعیل که از نسل او پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به وجود آمد. قرآن کریم در این آیات به هر دو شاخه از دودمان ابراهیم علیه السلام اشاره کرده است.

البته در برخی احادیث آمده است که مقصود از اسماعیل در این جا اسماعیل فرزند ابراهیم نیست؛ چرا که او قبل از پدر فوت کرد؛ پس منظور «اسماعیل بن حزقیل» است که پیامبری بود که خدا به سوی قومش فرستاد و او هم چون امام حسین علیه السلام شهید شد! (۱)

۲. در این آیات بر وعده های صادق اسماعیل و وفای به عهده او تکیه می کند، زیرا تا انسان «صادق» نباشد، محال است به مقام رسالت برسد؛ یعنی صداقت و راستی در وعده ها و خبرها از شرایط اساسی نبوت است. (۲)

۳. در احادیث روایت شده که اسماعیل را «صادق الوعد» خواندند؛ چون کسی با او وعده کرده بود ولی سر وعده اش نیامده بود، اما اسماعیل تا یک سال چشم به راه او بود. (۳)

(یعنی هر چند به برنامه زندگی خود ادامه می داد، اما همواره در انتظار تحقق وعده بود).

۴. در این آیات به پنج ویژگی اسماعیل علیه السلام اشاره شده است:

از جهت اجتماعی، با مردم صداقت در وعده داشت.

از جهت رسالت، فردی عالی مقام بود.

از جهت تربیت خانواده، او به پیوند خانواده اش با خالق و خلق توجه می کرد و به آنان دستور نماز و زکات می داد.

از جهت رابطه اش با خدا او موفق شده بود رضایت و خشنودی خدا را کسب کند؛ یعنی تمام برنامه های او مورد رضایت خدا بود و این از بزرگ ترین نعمت ها و افتخارات یک مؤمن است.

ص: ۲۶۱

۱- (۱). علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۸؛ کامل الزیارات، ص ۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۸۵ و مجمع البیان ج ۶، ص ۸۰۰ (ذیل آیه)، البته بنابر جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا مانعی ندارد که هر دو اسماعیل در این جا مراد باشد.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۹۵.

۳- (۳). اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۷.

عن ابْنِ الْوَلِيدِ، عَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ ابْنِ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَمَّنْ ذَكَرَاهُ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ: (وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا) ۱ لَمْ يَكُنْ إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ بَلْ كَانَ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى قَوْمِهِ فَأَخَذُوهُ فَسَلَّحُوا فَرَوْهُ رَأْسِهِ وَ وَجْهِهِ فَأَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَّالُهُ بَعَثَنِي إِلَيْكَ فَمُرْنِي بِمَا شِئْتَ فَقَالَ: لِي أُسْوَةٌ بِمَا يَصْنَعُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

در روایت فوق بیان شده که اسماعیل صادق الوعد پیامبر مستقلی (غیر اسماعیل بن ابراهیم) بود که او را دستگیر کردند و شهید نمودند، فرشته ای بر او فرود آمد تا به دستور الهی درخواست او را اجرا کند ولی او امام حسین علیه السلام را الگوی خود معرفی کرد.

تحلیل

تشابه امام حسین علیه السلام با اسماعیل صادق الوعد در چند چیز بوده است:

اول اینکه هر دو در وعده های خویش صادق بودند، به ویژه در عهد و پیمان خود با خدا تا مرز شهادت ایستادگی کردند.

دوم اینکه هر دو از دشمن نهراسیدند و ذلت نپذیرفتند بلکه در راه خدا شهید شدند.

پیام

۱- همچون اسماعیل علیه السلام (امام حسین علیه السلام) به پیمان خود وفا کنید و صادق الوعد باشید.

۲- همچون اسماعیل علیه السلام (امام حسین علیه السلام) جان خود را در راه خدا فدا کنید.

چهاردهم: سوره طه

۴۷- نام حسین مشتق از نام های نیکوی الهی

طه / ۸. (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى) ؛ «خداست که هیچ معبودی جز او نیست؛ نام های نیکو فقط از آن اوست».

ص: ۲۶۲

۱- (۲). علل الشرایع، ص ۷۷، ح ۲؛ قصص الأنبياء للجزائری، ص ۳۱۶؛ البحار، ج ۱۳، ص ۳۸۸، ح ۲، ج ۴۴، ص ۲۲۷، ح ۷؛ نحوه المناقب، ج ۴، ص ۸۵، کامل الزیارات، ص ۶۴، ح ۲ و ص ۶۵، ح ۴؛ علل الشرایع، ص ۷۸، ح ۳؛ امالی، ص ۳۹، ح ۷؛ قصص الأنبياء للراوندى، ص ۱۸۹، ح ۲۳۷ و البحار، ج ۱۳، ص ۳۸۹، ح ۱۶ و ج ۲۸، ص ۸۱، ح ۴۱.

۱. همه ی نام های خدا نیک است، اما برخی از آنها اهمیت بیش تری دارند که «اسماء حسنی» خوانده می شوند و در این آیه به این نام های نیک پروردگار اشاره شده است که در برخی احادیث تعداد آنها را نود و نه عدد ذکر کرده اند و ما قبلاً آن ها را بر شمرده ایم. (۱)

۲. در برخی احادیث آمده است که هر کس خدا را با نام های نیکویش شمارش کند، اهل بهشت می گردد و دعایش مستجاب می شود.

البته مقصود از شمارش نام های خدا، پیاده کردن این نام ها در وجود و زندگی خویش است که در آن صورت بهشتی می شود و دعایش مستجاب می گردد. (۲)

۳- در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خداوند پنج تن آل عبا را از نور جلال خویش آفرید و نام های آن ها را از اسمای خویش مشتق کرد: نام محمد از حمید، علی از اعلی، حسن و حسین از حسنی (از نام های نیکوی الهی) و فاطمه از فاطر مشتق شد؛ سپس آن ها را در بخش راست عرش قرار داد.

أَحْمَدُ بْنُ صَالِحِ الْهَمْدَانِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى التُّسْتَرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ قُتَيْبَةَ الْهَمْدَانِي، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَانَ وَلَا شَيْءَ فَخَلَقَ خَمْسَةً مِنْ نُورِ جَلَالِهِ وَاشْتَقَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ الْمُنَزَّلَةِ فَهُوَ الْحَمِيدُ وَيَسْمَى النَّبِيُّ مُحَمَّدًا وَهُوَ الْأَعْلَى وَ سَمِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا وَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَاشْتَقَّ مِنْهَا حَسَنًا وَحُسَيْنًا وَ هُوَ فَاطِرٌ فَاشْتَقَّ لِفَاطِمَةَ مِنْ أَسْمَائِهِ اسْمًا فَلَمَّا خَلَقَهُمْ جَعَلَهُمْ فِي الْمِيثَاقِ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ. (۳)

تحلیل

این گونه احادیث توضیحی برای اشتقاق نام های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از اسمای حسنی الهی است. پس نوعی توضیح این نام های نیکوی الهی به شمار می رود. که می تواند از ملحقات تفسیر مصطلح باشد.

ص: ۲۶۳

۱- (۱). ر.ک: سوره ی اعراف، آیه ی ۱۸۰ و سوره ی اسراء، آیه ی ۱۱۰.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

۳- (۳). البحار، ج ۳۷، ص ۶۲، ح ۳۱ و الفرات، ص ۵۶.

نام گذاری حسین علیه السلام با فرمان الهی و از نام های نیکوی الهی گرفته شده است. (حرمت این نام را پاس دارید و از آن بهره ببرید)

۴۸- دوری از ولایت امام حسین علیه السلام زمینه ساز خشم الهی

طه / ۸۱. (كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلُّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ)؛ «(و گفتیم:) از پاکیزه ها (از) آنچه به شما روزی داده ایم، بخورید و در (مورد) آن طغیان نکنید؛ که خشم من بر شما روا می شود و هر کس خشم من بر او روا شود، پس یقیناً، سقوط می کند. و قطعاً، من بسیار آمرزنده هستم برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، سپس راه یابد».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه فرمان داده شده که از نعمت های پاکیزه الهی بخورید و در مورد آن ها طغیان نکنید. مقصود از طغیان در نعمت ها آن است که انسان آن ها را در راه سعادت خود و اطاعت پروردگار استفاده نکند و وسیله ای برای ناسپاسی و گناه و گردن کشی قرار دهد.

۲. «هوی» در اصل به معنای سقوط از بلندی است که معمولاً نتیجه اش نابودی است و در این جا مقصود آن است که هر کس مورد خشم خدا واقع شود، از مقام قرب الهی و درگاه او رانده می شود که این سقوط مقامی است.

۳. در این آیات دو قانون کلی بیان شده است:

نخست این که، هر کس مورد خشم خدا واقع شود سقوط می کند.

و دوم آن که هر کس بازگردد و هدایت را برگزیند و شایسته کار شود، و ایمان آورد، مشمول آمرزش الهی می شود.

۴. در آیه دوم چهار شرط برای آمرزش کردن گناهکار بیان شده است:

الف) بازگشت به سوی خدا و توبه کردن از گذشته که شست و شوی روح انسان را در پی دارد؛

ب) تابیدن نور ایمان در دل انسان؛

ج) شکوفا شدن ایمان به وسیله کردار شایسته؛

د) پایدار ماندن بر راه هدایت و پذیرش ره نمود رهبران الهی.

۵. هدایتی که در آیه اخیر بیان شده است، مرحله ای پس از ایمان و عمل صالح است. مفسران قرآن در این مورد چند دیدگاه دارند:

برخی بر آن اند که مقصود از این هدایت، همان پایداری بر راه ایمان و کردار شایسته است که انسان توبه کار بار دیگر به قلمرو گناه بازنگردد. و برخی دیگر از مفسران بر آن اند که واژه هدایت در این جا اشاره به پذیرش ولایت رهبران الهی است که در زمانی موسی علیه السلام و در زمانی دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام رهبر جامعه هستند که یکی از ارکان دین است.

البته این دو تفسیر با هم دیگر منافاتی ندارند، بلکه لازم و ملزوم هم دیگرند.

۶. در برخی از احادیث از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود از این هدایت، همان ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ سپس افزودند:

به خدا سوگند! اگر کسی تمام عمر خود را در میان رکن و مقام (نزدیک کعبه) عبادت کند، سپس از دنیا برود، در حالی که ولایت ما را نپذیرفته باشد، خدا او را با صورت در آتش خواهد افکند. (۱)

البته مضمون این حدیث از طریق اهل سنت نیز حکایت شده است (۲) و مقصود همان است که در هر زمانی ولایت پیامبر و امام بر حق، شرط قبولی اعمال مؤمنان و آمرزش آنهاست و پیروی نکردن از ولایت رهبران الهی سبب انحراف مردم می شود، همان طور که بنی اسرائیل به گوساله پرستی افتادند.

۷. در برخی احادیث نیز به جنبه بطنی آیه ۸۱ سوره طه اشاره شده است که به ولایت امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام چنگ زیند تا هدایت شوید و غیر آن ها را انتخاب نکنید که گرفتار خشم الهی و سقوط می شوید.

ص: ۲۶۵

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۴۹؛ تأویل الآیات، ص ۳۰۹ و شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۶۵ به نقل از شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۲.

أبي وابن الوليد معاً، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ ابْنِ عَيْسَى، مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ، عَنْ ابْنِ مُسَيْكَانَ، عَنْ الْحَكَمِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُذُوا بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ، يَعْنِي عَلِيًّا فَإِنَّهُ الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَهُوَ الْفَارُوقُ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، مَنْ أَحَبَّهُ هَدَاهُ اللَّهُ وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ مَحَقَهُ اللَّهُ وَمَنْ سَبَّطَ أُمَّتِي، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا ابْنَايَ وَمِنَ الْحُسَيْنِ أَيْمُهُ هِدَاةٌ، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهَمِي فَتَبَوَّلُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا وَلِيَجَهُ مِنْ دُونِهِمْ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ (مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ) غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِ (فَقَدْ هَوَى)، (وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ). ١

تحليل

ظاهر آیه فوق (طه / ٨١) در مورد غذاهای پاک و پاکیزه ست ولی باطن آیه شامل هر گونه غذای روحی و علمی و ... می شود و یکی از مهم ترین منابع غذاهای معنوی انسان، ولایت است که اگر انسان در مورد آن طغیان و سرکشی کند گرفتار خشم الهی و سقوط و تأویل آیه اشاره دارد.

پیام ها

١- ولایت امام حسین علیه السلام از غذاهای معنوی انسان است (پس از آن بهره مند شوید).

٢- سرکشی در برابر ولایت امام حسین علیه السلام موجب خشم الهی و سقوط است (پس از آن دوری کنید).

٤٩- نام امام حسین علیه السلام در عهد الهی:

طه / ١١٥. (وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسَى وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً)؛ «و به یقین، از پیش با آدم عهد کردیم، و [لی] فراموش کرد و در او تصمیمی (استوار) نیافتیم»

نکته ها و اشاره های تفسیری

١. مقصود از «پیمان خدا با آدم» همان فرمان خدا در مورد نزدیک نشدن به درخت ممنوع (١) و یا اخطار خدا به آدم بود که شیطان دشمن سرسخت اوست و نباید از او پیروی کند.

ص: ٢٦٦

١- (٢). در این مورد احادیثی نیز وجود دارد (تفسیر نمونه، ج ١٣، ص ٣١٨ و نیز تفسیر نورالثقلین ذیل آیه).

۲. مقصود از «فراموشی آدم» کم توجهی او و ترک پیمان بود و اگر فراموشی مطلق بود، سرزنشی برای آدم نبود.

۳. به آدم علیه السلام گفته شد که اگر از درخت ممنوع بخورد از باغ بهشت بیرون می شود و او و همسرش از آن درخت خوردند و بیرون شدند. (۱) این گناه نبود، بلکه ترک اولی بود؛ یعنی فرمان الهی ارشادی بود، پس مخالفت با آن گناه نبود.

به عبارت دیگر، پیامبران الهی معصوم هستند و کوچک ترین گناهی از آنان صادر نمی شود.

۴- در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از عهد الهی کلماتی درباره محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام بعد از آن ها بوده است که بر آدم فرو فرستاده شد ولی فراموش کرد.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْقُمِّيِّ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِتَّانٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: (وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ) كَلِمَاتٍ فِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ (فَنَسِيَ) هَكَذَا وَاللَّهُ أَنْزَلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۲)

تحلیل

این گونه احادیث مصادیق آیه را بیان می کند چرا که عهد الهی مفهوم گسترده ای است که یکی از مصادیق آن می تواند کلماتی در مورد پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام باشد.

پیام ها

۱- در انجام عهد الهی ثابت قدم باشید که عزمی استوار می طلبد.

۲- امام حسین علیه السلام از مصادیق عهد الهی است. پس آن را فراموش نکنید.

ص: ۲۶۷

۱- (۱). ر.ک: بقره / ۳۰-۳۹ و اعراف / ۱۱-۲۷.

۲- (۲). الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ح ۲۳؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ح ۱۷؛ البرهان، ج ۳، ص ۴۵؛ ح ۳؛ البحار، ج ۱۱، ص ۱۹۵، ح ۴۹ و ۲۴، ص ۱۷۶، ح ۷ و ص ۳۵۱؛ ح ۶۶؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۰۰، ح ۱۵۰؛ کنز الدقائق، ج ۸، ص ۳۵۹، فی غیر التأویل والبرهان أنزلت وفيهما نزلت و مثله عن الباقر عليه السلام في المناقب: ج ۳، ص ۳۲۰؛ البحار، ج ۴۳، ص ۳۲، ح ۳۹؛ البرهان، ج ۳، ص ۴۵، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۰۲، ح ۱۵۸ و کنز الدقائق، ج ۸، ص ۳۶۰.

۵۰- امام حسین علیه السلام تحت تربیت دینی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله :

طه / ۱۳۲. (وَ أُمِرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْيَطَبَرِ عَلَيْهَا لَا تَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) ؛ «و خاندانت را به نماز فرمان ده و بر [انجام] آن شکیبایی ورز؛ از تو هیچ روزی ای نمی خواهیم؛ (چرا که) ما به تو روزی می دهیم؛ و فرجام (نیک) برای (اهل) خودنگه داری است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده که به خانواده ات دستور نماز بده. از این مطلب دو نکته به دست می آید:

الف) خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله از میان امت اسلامی دارای ویژگی خاصی است که لازم است جداگانه دستور نماز به آنان داده شود.

ب) این آموزه ای برای همه مسلمانان است که نسبت به نماز خانواده خویش حساس باشند.

۲. از آن جا که نماز موجب پاکی و صفای قلب و تقویت روح و یاد خداست، خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش می کند که نه تنها خانواده ات را به نماز سفارش کن بلکه خودت نیز بر انجام نماز کوشا و شکیبا باش، که فواید و برکات این کار به خود شما می رسد؛ یعنی شما چیزی از عبادت خود را به خدا نمی دهید؛ چرا که او رزق نمی خواهد، بلکه به شما رزق می دهد.

۳. فرجام نیک برای تقوا و پارسایی است؛ یعنی آن که سرانجامش مفید و سازنده و حیات بخش است، همان تقواست و اهل تقوا پیروز و سعادتمند و رستگارند و افراد بی تقوا سرانجامشان شکست و ناکامی است.

۴. از آن جا که سوره «طه» در مکه نازل شده است، پس در آن زمان خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله تعداد کمی هم چون خدیجه و فرزندان او و علی علیه السلام بودند. هر چند بعدها این خانواده گسترش یافت و در مدینه امام علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج کرد و فرزندان متعددی پیدا کردند که همگی خاندان پیامبر به شمار می آمدند.

از این روست که در احادیث و تفاسیر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه تا مدت زیادی در هنگام نمازهای پنج گانه به در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می آمدند و آن ها را به نماز سفارش می کردند و آیه تطهیر را نیز قرائت می کردند. (۱)

ص: ۲۶۸

۱- (۱). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ امالی شیخ صدوق، ج ۵۳۳؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۳۳ و تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۷ - ۳۲۸.

مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَلَامٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِيسَى بْنِ مَضِيَّ قَلَهَ الْقُمِّي، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَ أَمُرُ أَهْلَكُ بِالصَّلَاةِ وَ اضْيَاطِرُّ عَلَيْهَا) قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَأْتِي بَابَ فَاطِمَةَ كُلَّ سُحْرِهِ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، الصَّلَاةُ، يَرْحَمُكُمْ اللَّهُ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا). ١

تحليل

در این گونه احادیث تعبیر «نزلت» به کار رفته است مقصود آن نیست که این آیه در اصل درباره امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نازل شده است چرا که این مطلب با مکی بودن سوره طه سازگار نیست بلکه یا منظور آن است که این آیه دوباره در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و یا این که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مورد مصداق خاصی پیاده کرده است.

آری امام حسین علیه السلام که تحت تربیت دینی خاص الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و صبحگاهان با صدای مهربان پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز بیدار می شد تا آخر عمر پاسدار نماز بود و حتی در صحرای کربلا در ظهر عاشورا نماز عاشقانه به جای آورد.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که تحت تربیت دینی خدای متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت.

۲- هم چون پیامبر صلی الله علیه و آله خانوادیتان را تحت تربیت دینی مستمر قرار دهید تا حسین وار تربیت شوند.

پانزدهم: سوره انبیاء

۵۱- امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام بر اساس اراده الهی:

انبیاء/۲۳: (لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ)؛ «(خدا) از آنچه انجام می دهد بازخواست نمی شود؛ در حالی که آنان بازخواست می شوند».

۱. پرسش دو گونه است: گاهی برای توضیح خواهی در مورد چیزی است که انسان از آن اطلاع کافی ندارد. این گونه پرسش حتی در مورد کارهای الهی نیز، نیکو و بدون اشکال است.

اما گاهی اعتراضی و برای ایراد گرفتن است. مفهوم چنین پرسشی آن است که کار مخاطب غلط است. این نوع پرسش در مورد خدا روا نیست؛ چراکه او حکیم است و در کارهایش اشکال و ایراد نیست، ولی در مورد کارهای انسان اشکالی ندارد، چون انسان گاهی گناه و خطا می کند و مورد بازخواست قرار می گیرد. (۱)

۲. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که در مورد آیه فوق فرمودند: «از خدا پرسش نمی شود؛ چراکه او کاری، جز از روی حکمت و صواب انجام نمی دهد.» (۲)

ابْنُ الْبُرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبَ الْبَلْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ لَهُ: لَأَيِّ عَلَيْهِ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ دُونَ وُلْدِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ لَمْ يَجْعَلَهَا فِي وُلْدِ الْحَسَنِ (و الله لا يسئل عما يفعل). (۳)

تحلیل

امامت و دیعه ای الهی است که بر اساس حکمت الهی و ظرفیت انسان ها به برخی افراد داده می شود و تعیین شخص امام، علم وسیع به ظرفیت همه انسان ها می طلبد که فقط خدا دارد. از این رو تعیین امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام کاری حکیمانه است که خدا مورد بازخواست قرار نمی گیرد و توضیح آن نیز ظرفیت علمی می طلبد که انسان های معمولی ندارند. از این رو مطلب از مصادیق آیه فوق شمرده شده است.

ص: ۲۷۰

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۸۶.

۲- (۲). توحید صدوق، ص ۳۹۷ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳- (۳). علل الشرایع، ص ۲۰۸؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۲؛ البحار، ج ۲۵، ص ۲۵۹، ح ۲۲؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۲۰، ح ۳۵ و کنز الدقائق، ج ۸، ص ۳۹۹.

در مورد کارهای حکیمانه الهی (مثل نصب امامت در نسل امام حسین علیه السلام) از خدا بازخواست نکنید.

۵۲ - شهادت بدون درد و شیرین

انبیاء / ۶۹. (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ)؛ «گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. ابراهیم با منطق قوی و استدلال های خود بر فکر و دل بت پرستان پیروز شد، به طوری که آنان به محکومیت خویش اعتراف کردند. اما به خاطر تعصب، جهل و تحریک سردم داران بت پرستی، متوسل به زور شدند و تصمیم گرفتند ابراهیم را در آتش بسوزانند.

۲. هنگامی که هیزم فراوان فراهم شد، آتشی عظیم افروختند، به طوری که انسان ها و پرندگان نمی توانستند به آن نزدیک شوند؛ از این رو ابراهیم را با منجنیق به سوی آتش پرتاب کردند.

۳. ابراهیم قهرمان توحید بود و از این آتش و سر و صداها خم به ابرو نیاورد و حتی طبق حکایت برخی احادیث، هنگامی که جبرئیل از او خواست که حاجت خود را بگوید، او گفت: به تو نیازی ندارم و پروردگرم هم به حال من آگاه است، پس نیاز به سؤال ندارد. (۱)

و طبق برخی دیگر از احادیث اهل بیت علیهم السلام ابراهیم در این حالت ذکر خدا می گفت. (۲)

چو بخشایش پاک یزدان بود هم آتش و باد یکسان بود

(فردوسی)

۴. خدا به آتش فرمان داد که برای ابراهیم سرد و سلامت شود و بر اساس حکایت برخی احادیث آتش برای ابراهیم گلستان شد. (۳)

گلستان کند آتش بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل

(سعدی)

ص: ۲۷۱

علل الشرايع، ج ١، ص ٣٥ و بحار الانوار، ج ٦٨، ص ١٥٥).

٢- (٢). كافي، ج ٨، ص ٣٦٨.

٣- (٣). مجمع البيان، ج ٧، ص ٨٧ و بحار الانوار، ج ١٢، ص ٢٤.

آری این فرمان تکوینی خدا بود؛ یعنی همان طور که خدا به خورشید و ماه فرمان حرکت و به آتش فرمان سوزاندن می دهد، گاهی نیز به این اسباب دستور توقف می دهد و یا ماهیت آن ها را تغییر می دهد؛ چراکه بر اساس بینش توحیدی همه کارها به فرمان خدا و همه نیروها از ناحیه اوست. (۱)

۵- در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که امام حسین علیه السلام به اصحاب خویش گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرموده که تو به سوی عراق می روی و با یاران خود در آنجا شهید می شوید ولی درد آهن (شمشیر و نیزه و ...) را نمی چشید سپس آیه فوق (انبیاء / ۶۹) را تلاوت کردند و جنگ بر شما و یارانت سرد و سلامت می شود. سپس امام حسین علیه السلام به یاران خویش مژده می دهد که اگر ما کشته شویم به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسیم.

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ، عَنِ ابْنِ مَجْشُوبٍ، عَنِ ابْنِ فَضْلِ، عَنِ سَعِيدِ الْجَلَّابِ، عَنِ حَيَّابِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: يَا بَنِي إِنَّكَ سَتَسَاقُ إِلَى الْعِرَاقِ وَهِيَ أَرْضٌ قَدِ اتَّقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَأَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ وَهِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عَمُورًا وَإِنَّكَ تُسْتَشْهَدُ بِهَا وَيُسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ وَتَلَا (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَيِّئًا مَاءً عَلَى إِبْرَاهِيمَ) يَكُونُ الْحَرْبُ بَرْدًا وَسَيِّئًا مَاءً عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ فَأَبِثْتُمْ رَوْا فَوَ اللَّهُ لَئِنْ قَتَلْنَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَى نَبِيِّنَا الْخَبْرَ. (۲)

تحلیل

حدیث فوق به نوعی بیان شباهت جریان حضرت ابراهیم علیه السلام و امام حسین علیه السلام است که همان طور که آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد شد آتش جنگ هم بر امام حسین علیه السلام و یارانش سرد شد. و استناد به آیه نوعی استشهاد بر این مطلب است که رفع درد و ناراحتی از امور دنیوی در قرآن سابقه دارد. پس این گونه روایات از باب استشهاد همراه با تشبیه دو جریان است نه از باب تفسیر و تأویل.

آری عشق به شهادت و ایمان به هدف، امام حسین علیه السلام و یارانش را در برابر سختی ها مقاوم می کند به صورتی که حتی درد و ناراحتی جنگ برای آنان شیرین می شود.

ص: ۲۷۲

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۴۶ - ۴۴۸ و تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۳.

۲- (۲). الخرائج، ج ۲، ص ۸۴۸، ح ۶۳؛ البحار، ج ۴۵، ص ۸۰، ح ۶ و ج ۸۵، ص ۶۳، ح ۵۲ ذیل الحدیث فی ذیل آیه اعراف / ۹۶.

۱- ایمان مردان الهی هم چون ابراهیم علیه السلام و امام حسین علیه السلام و یارانش، آتش را گلستان می‌کند.

۲- حسینی باشید تا سختی‌ها بر شما آسان شود.

۵۳- رجعت و وراثت صالحان

انبیاء/ ۱۰۵. (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ «و به یقین، در زَبُور بعد از آگاه‌کننده (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث خواهند برد».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. «أَرْض» به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می‌شود؛ (۱) یعنی مؤمنان سرانجام بر سراسر زمین حاکم می‌شوند.

۲. «ارث» به معنای چیزی است که بدون معامله به کسی منتقل می‌شود و در قرآن گاهی به معنای پیروزی بر گروهی و در اختیار گرفتن امکانات آن‌ها به کار رفته است؛ (۲) یعنی مؤمنان شایسته در نهایت بر مشرکان، کافران و افراد ناشایست پیروز می‌شوند و تمام امکانات زمین را به دست می‌آورند.

۳. «زَبُور» در اصل به معنای هر گونه کتاب و نوشته است و در قرآن کریم معمولاً به معنای زبور داود علیه السلام به کار رفته است. این کتاب در عهد قدیم کتاب مقدس، تحت عنوان «مزامیر داود» آمده است که مجموعه‌ای از مناجات‌ها و اندرزهای داود پیامبر است.

۴. همان‌طور که قرآن فرموده است؛ در موارد متعددی از «مزامیر داود» بیان شده که شایستگان بر زمین پیروز خواهند شد؛ از جمله می‌گویید: «زیرا که شیرین منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر آمده است: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر متواضعان را وارث زمین معرفی می‌کند (۳).

ص: ۲۷۳

۱- (۱). برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به وارث شدن زمین در رستاخیز باشد، اما ظاهر آیه آن است که در مورد زمین دنیا سخن می‌گوید (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶).

۲- (۲). ر.ک: اعراف/ ۱۳۷.

۳- (۳). ر.ک: کتاب مقدس، مزامیر داود، باب ۳۷ / ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۷ و ۲۹.

۵. «ذکر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی است که مایه تذکر است، ولی این واژه در قرآن گاهی در معنای قرآن (۱) و گاهی در معنای تورات (۲) به کار رفته است. در این جا نیز ممکن است به معنای هر یک از این دو کتاب الهی باشد و برخی از مفسران ترجیح داده اند که به معنای تورات باشد. (۳)

۶. در این آیه این قانون کلی و سنت الهی بیان شده که بندگان شایسته و صالح خدا بر زمین حاکم خواهند شد. این بندگان صالح کسانی هستند که از نظر عمل، علم، قدرت، تدبیر و درک اجتماعی شایسته باشند و کسانی که این شایستگی ها را در خود ایجاد کنند، خدا نیز به آنان کمک می کند که بر مستکبران پیروز شوند و وراثت زمین گردند.

۷. در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام این آیه به یاران امام مهدی علیه السلام تفسیر و تطبیق شده است.

از جمله از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: (بندگان شایسته ای که در این آیه به عنوان وارث زمین از آن ها یاد شد، همان یاران مهدی در آخر الزمان هستند. (۴)

البته این گونه احادیث مصداق های بارز این آیه را برمی شمارند و به معنای انحصار آیه در این افراد نیستند؛ یعنی در هر زمان و مکان که بندگان شایسته خدا قیام کنند، موفق و پیروز می گردند و وارث حکومت آن سرزمین می شوند.

۸- در برخی احادیث آیه فوق بر رجعت تطبیق شده است که اهل بیت علیهم السلام بعد از شهادت در آخر الزمان به دنیا باز می گردند و رهبران زمین می شوند و دشمنان خویش را از پای در می آورند. سپس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام را به فاطمه علیها السلام خبر داد در حالی که وی باردار بود و با ناراحتی امام حسین علیه السلام از وی متولد شد.

ص: ۲۷۴

۱- (۱). (إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) تکویر / ۲۷.

۲- (۲). (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ) (انبیاء / ۴۸).

۳- (۳). صاحب تفسیر نمونه ترجیح می دهد که «ذکر» به معنای تورات باشد.

۴- (۴). ر.ک: مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶ و بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۲۶؛ ج ۱۴، ص ۳۳ و ج ۱۵، ص ۱۷۶.

قَوْلُهُ (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَ يَرْجِعُونَ إِلَى الدُّنْيَا [إِلَيْهَا] وَ يَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِخَبَرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَتْلِهِ فَحَمَلَتْهُ كُرْهًا. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ رَأَيْتُمْ أَحَدًا يَبْشُرُهُ بِوَلَدٍ ذَكَرَ فِيحْمَلُهُ كُرْهًا أَى إِنَّهَا اغْتَمَّتْ وَ كَرِهَتْ لِمَا أَخْبَرَهَا [ت] بِقَتْلِهِ وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا لِمَا عَلِمَتْ مِنْ ذَلِكَ. (١)

تحليل

این گونه احادیث از باب جری و تطبیق است که حکومت امام مهدی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در رجعت را از مصادیق وراثت صالحان بر زمین بر شمرده اند. مسأله رجعت دلایل و احادیث متعددی دارد (٢) و امام حسین علیه السلام یکی از کسانی است که طبق احادیث رجعت خواهند کرد.

پیام ها

- ۱- منتظر حکومت صالحان از جمله امام مهدی علیه السلام و رجعت امام حسین علیه السلام باشید که روزی فرا خواهد رسید.
- ۲- حکومت صالحان در کتاب های آسمانی پیشین نیز بشارت داده شده بود. (و امری قطعی است)

شانزدهم: سوره حج

۵۴ - مبارزه توحیدی امام حسین علیه السلام در جبهه حق باطل

حج / ۱۹. (هَذَا نِ حَصِيْمَانِ اخْتَصِيْمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ) ؛ «این دو (گروه) دشمنان یک دیگرند که درباره پروردگارشان کشمکش می کنند؛ پس کسانی که کفر ورزیدند، لباس هایی از آتش برای آنان بریده شده است، در حالی که از بالای سرشان آب سوزان ریخته می شود»؛

ص: ۲۷۵

۱- (۱). البحار، ج ۴۳، ص ۲۴۶، ح ۲۱.

۲- (۲). ر.ک: کتاب های متعدد در این زمینه از جمله: رجعت، خادمی شیرازی.

روایت شده که در روز جنگ بدر سه نفر از مسلمانان (یعنی امام علی علیه السلام، حمزه و عبیده) با سه نفر از کافران قریش (یعنی ولید، عتبه و شیبه) درگیر شدند و آنان را از پای درآوردند. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و سرنوشت این دو گروه متخاصم را بیان کرد. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. هر چند حکایت شده این آیات در مورد مبارزان جنگ بدر و عذاب های کافران قریش فرود آمده است، اما شان نزول آیه سبب انحصار مطلب در این افراد نمی شود. این آیه شامل همه مؤمنان و گروه های مختلف کافران می شود.

یعنی در طول تاریخ بشریت درگیری حق و باطل و مخاصمه مؤمنان و کافران در مورد توحید ادامه داشت، ولی فرجام کافران عذاب دوزخ است.

۲. در این آیات اشاره شده که ریشه درگیری های مؤمنان و کافران، مسئله پروردگار و توحید است؛ یعنی اگر همه اختلافات ادیان تحلیل و بررسی شود، به اختلاف در توحید و ربوبیت بازمی گردد و تمامی ادیان تحریف شده گرفتار شرک هستند.

۳. در این آیه برای کافران چند نوع عذاب پیش بینی شده است:

الف) لباس های آتشین دارند؛

ب) آبی سوزان بر سر آنان ریخته می شود؛

۴. مقصود از لباس های آتشین آن است که واقعاً قطعاتی از آتش به صورت لباس برای آنان آماده می شود؛ و یا این تعبیر کنایه از آن است که آتش دوزخ از هر سو هم چون لباس آنان را احاطه کرده است. (۲)

۵. در برخی احادیث از امام حسین علیه السلام حکایت شده که آیه فوق بر مقابله اهل بیت علیهم السلام با بنی امیه تطبیق شده است که اهل بیت علیهم السلام طرفدار توحید خالص بودند و بنی امیه طرفدار شرک بودند و حق را تکذیب می کردند.

ص: ۲۷۶

۱- (۱). ر.ک: اسباب النزول، ص ۳۱۷؛ نمونه بینات، ص ۵۴۱؛ شان نزول آیات، ص ۳۹۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲۳؛ تفسیر

کبیر، ج ۲۳، ص ۲۱۵؛ اسباب النزول سیوطی، ص ۱۳۳ و تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۲۶.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۵.

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَشْرُوشِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصْمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الطَّبْرِيِّ بِمَكَّةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنُ أَبِي شُجَاعِ الْبَجَلِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ صَدَقَةَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَدِّثْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (هَذَانِ خَصِيْمَانِ اخْتَصِمَا فِي رَبِّهِمْ) قَالَ: نَحْنُ وَبَنُو أُمِّيهِ، اخْتَصِمَا مِنَّا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا كَذَبَ اللَّهُ، فَنَحْنُ وَإِيَاهُمْ الْخَصِمَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١)

تحليل

آیه فوق مطلب کلی را در مورد درگیری حق و باطل درباره پروردگار جهان ذکر می کند که این مطلب در مبارزه امام علی علیه السلام در صحنه نبرد بدر نمایش داده شد. اما بعد از آن هم ادامه داشت و به صحنه هایی هم چون کربلاء منتهی شد. بنابراین حدیث فوق مصادیق آیه را بر می شمارد. البته این حدیث از احادیث تفسیری امام حسین علیه السلام نیز شمرده می شود.

پیام ها

۱- مبارزه حق و باطل در مورد توحید تا رستاخیز ادامه دارد که در مقابله اهل بیت علیهم السلام با بنی امیه تبلور یافته است.

۲- امام حسین علیه السلام یکی از مبارزان صحنه توحید در برابر شرک و کفر مخفی اموی بود.

۳- سرنوشت عذاب آلودی در انتظار مخالفان توحید و دشمنان اهل بیت است.

۵۵ - انتقام خون حسین علیه السلام :

حج / ۳۹. (أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصِيْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) ؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده اند؛ و قطعاً، خدا بر یاری آنان تواناست».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان به آنان آزار می رساندند و آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می کردند و اجازه جهاد می خواستند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: شکایا

ص: ۲۷۷

باشید. هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا این که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و خدا با نزول آیه فوق به آنان رخصت جهاد داد. (۱)

۲. برخی از مفسران بر آن اند که این آیه نخستین آیه ای است که در مورد جهاد فرود آمده است و لحن آیه و تعبیر اذن نیز با این مطلب سازگار است. (۲)

۳. خدا به مؤمنان مظلوم اجازه جهاد داد تا آنان توان خویش را به کار گیرند و با دشمن مبارزه کنند و در این صورت است که از طرف خدا یاری می شوند؛ چرا که خدا برای یاری آنان تواناست.

۴- در برخی احادیث آیه فوق بر مظلومیت امام حسین علیه السلام و انتقام خون او در عصر امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است.

(الف) مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْقَيْطِينِي، عَنِ صَيْفَوَانَ، عَنِ حَكِيمِ الْحَنَاطِ، عَنِ ضُرَيْسٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (۳)

(ب) حَيْدَثُنِي أَبِي، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ مُسَيْكَانَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا) الخ. قَالَ: إِنَّ الْعَامَّةَ يَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَخْرَجَتْهُ قُرَيْشٌ مِنْ مَكَّةَ وَإِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بَدَمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَوْلُهُ: نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدَّمِ وَطَلَّابُ الدِّيَةِ. (۴)

تحلیل

این آیه یک قاعده کلی را بیان می کند که خدا به مظلومان اجازه جهاد داده است و اولین مصداق آن مسلمانان صدر اسلام بودند که از مکه خراج شدند و یکی دیگر از مصداق های آیه جریان کربلا- و مظلومیت امام حسین علیه السلام است که خدای متعال با کمک امام مهدی علیه السلام انتقام خون ایشان را خواهد گرفت.

ص: ۲۷۸

-
- ۱- (۱). مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۳۸؛ تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۲۹؛ کشف، ج ۳، ص ۱۶۰ و بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
- ۲- (۲). برخی مفسران نیز آیه ۱۹۰ سوره بقره و آیه ۱۱۱ سوره توبه را اولین آیه جهاد می دانند. (ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳).
- ۳- (۳). تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۱۵؛ البحار، ج ۲۴، ص ۲۲۷، ح ۲۲ و ج ۴۵، ص ۲۹۷، ح ۴ و البرهان، ج ۳، ص ۹۳، ح ۳.
- ۴- (۴). نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۱، ح ۱۵۲ و تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۸۰.

پس این گونه احادیث در صدد بیان مصادیق جدید آیه است. و آیه فوق نه منحصر به مسلمانان صدر اسلام و نه منحصر در امام حسین علیه السلام است. (۱)

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام مظلومی است که خدا یاری گری اوست.

۲- منتقم خون امام حسین علیه السلام در راه است (منتظر ظهور امام مهدی علیه السلام باشید).

۵۶ - اخراج غیر عادلانه مظلومان

حج / ۴۰. (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) ؛ «همان) کسانی که به ناحق از خانه هایشان رانده شدند، (و جرمی نداشتند) جز این که می گفتند: «پروردگار ما، خداست.»؛ و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی [دیگر] دفع نمی کرد، دیرها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، حتماً ویران می شد؛ و قطعاً، خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می رساند؛ که مسلماً، خدا نیرومندی شکست ناپذیر است.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیه نیز به مسلمانان مظلومی اشاره می کند که در مکه مورد آزار مشرکان قرار می گرفتند، سپس از خانه خود به ناحق اخراج شدند و تنها جرم آن ها این بود که «اللَّهُ» را پروردگار خویش می دانستند.

۲. تعبیرات این آیه به صورت لطیفی ناآگاهی و اعمال مشرکان را سرزنش می کند؛ یعنی می گوید: مؤمنان جرم و گناهی نداشتند که بر اساس آن از مکه اخراج شوند و تنها جرمی که شما برای آنان در نظر گرفته بودید، این بود که به توحید اقرار می کردند، در حالی که این افتخار آنان بود و جرمی به شمار نمی آمد.

ص: ۲۷۹

۱- (۱). تعبیر «انما» در حدیث دوم برای تأکید است و حصر آن اضافی و نسبی است یعنی در برابر عامه که آیه را منحصر به مسلمانان صدر اسلام می کنند در حدیث بیان شده که در عصر امام صادق علیه السلام مصداق جدید آن (مظلومیت امام حسین علیه السلام) مطرح است.

۳. اگر مؤمنان غیور در برابر فعالیت های ویرانگر طاغوت ها و ستمگران ساکت باشند و تماشا کنند، تمام مراکز عبادت از بین خواهد رفت؛ چون معبدها و مساجد سنگرهای بیداری و قیام علیه خودکامگان است و مستکبران نمی توانند آن ها را تحمل کنند و اگر روزی قدرت یابند همه را با خاک یکسان می کنند. این یکی از فلسفه های جهاد و اجازه خدا به مؤمنان برای دفاع از حریم الهی است.

۴. «صوامع» جمع صومعه و آن مکان عبادت راهبان مسیحی است که در خارج شهرها ساخته می شود و به آن «دیر» نیز می گویند و واژه «بیع» به معنای معبد مسیحیان است که به آن کلیسا می گویند و واژه «صیلموات» در این جا به معنی معبد یهودیان است. (۱)

۵. در مسجدها نام خدا زیاد برده می شود؛ چون در مسجدهای مسلمانان در هر شبانه روز، پنج بار نماز خوانده می شود، در حالی که در معبدهای ادیان دیگر گاهی هفته ای یک بار یا در روزهای مخصوصی از سال عبادت می شود.

۶. در این آیه این قانون کلی در مورد یاری یاوران الهی بیان شده است که کسانی که در خط توحید قرار می گیرند و تلاش و مبارزه می کنند، و راه خدا را یاری می نمایند، خدا نیز آنان را تنها نمی گذارد و به آن ها یاری و امداد می رساند و بر دشمنانشان پیروز می گرداند.

۷. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که آیه فوق در مورد امام علی علیه السلام و حمزه و جعفر (رض) نازل شده است (که از مکه به سوی مدینه و حبشه هجرت کردند) سپس این آیه در مورد امام حسین علیه السلام جاری گشت.

مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَال: سَأَلْتُ مَوْلَايَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ) ۲ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ جَزَتْ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۲)

ص: ۲۸۰

۱- (۱). برخی اصل این لغت را «صلوئا» گفته اند که در لغت عبرانی به معنای نمازخانه است (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۶).

۲- (۳). الکافی، ج ۸، ص ۳۷۷، ح ۵۳۴؛ البرهان، ج ۳، ص ۹۳، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۱، ح ۱۵۵ و تفسیر صافی، ج ۳،

ص ۳۸۱.

این حدیث به خوبی به فرق نزول و تطبیق (جری) اشاره کرده است که ممکن است یک آیه در موردی نازل شود سپس در اعصار بعدی بر مورد دیگری تطبیق شود. یعنی جریان تهدید امام حسین علیه السلام در مدینه که موجب مهاجرت ایشان به مکه و بعد به کربلا شد، یکی از مصادیق آیه است که فردی به ناحق از دیار خود به جرم یاری دین خدا، اخراج می شود. ولی در نهایت خدا این گونه افراد را یاری می کند.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام به ناحق و به جرم خداپرستی از مدینه تبعید شد.

۲- امام حسین علیه السلام یاری گر دین الهی بود که خدا یاور اوست.

هفدهم: سوره مؤمنون

۵۷ - صفات مؤمنان حقیقی

مؤمنون / ۱-۱۱. (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صِيْلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) ؛ «به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ (همان) کسانی که آنان در نمازشان فروتن اند؛ و کسانی که آنان از (کار و سخن) بیهوده روی گردان اند؛ و کسانی که آنان پرداخت کننده [بخشش] زکات اند و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند؛ مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی شوند؛ و کسانی که فراتر از این جُوبند، پس تنها آنان تجاوزگرند و کسانی که آنان امانت هایشان و پیمان هایشان را رعایت می کنند؛ و کسانی که آنان بر نمازهایشان مواظبت می نمایند. تنها آنان وارثانند. (همان) کسانی که فردوس را به ارث می برند، در حالی که آنان در آن جا ماندگارند».

ص: ۲۸۱

۱. «أَفْلَحَ» در اصل به معنای «شکافتن و بریدن» است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوش بختی گفته شده است.

آری؛ مؤمنان همه موانع خوش بختی را از سر راه بر می دارند و راه خود را به سوی مقصد می شکافند و به سوی پیروزی پیش می روند.

۲. مؤمنان در دنیا و آخرت پیروز و رستگارند و رستگاری مادی و معنوی در انتظار آنان است و اصولاً رستگاری و پیروزی واقعی جز در سایه ایمان تحقق نمی یابد؛ چراکه پیروزی دنیوی در آزادی، سربلندی، عزت و بی نیازی است و سعادت اخروی در جوار رحمت پروردگار و بهشت برین و باعزت و در کنار دوستان شایسته است که این امور جز با ایمان امکان پذیر نیست.

۳. «خَاشِعُونَ» در اصل به معنای حالت فروتنی و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می شود، به طوری که آثار آن در بدن ظاهر می گردد.

۴. این آیه برپا داشتن نماز را نشانه مؤمنان ندانسته، بلکه خشوع و فروتنی در نماز را از ویژگی های مؤمنان بر می شمارد؛ یعنی نماز مؤمنان الفاظ و حرکاتی بی روح نیست بلکه آنان در حال نماز از غیر خدا جدا می شوند و غرق در حال حضور، تفکر و راز و نیاز با خدا می گردند.

۵. در حدیثی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می کند، حضرت فرمود:

اگر قلب او خاشع و فروتن بود، اعضای بدنش نیز فروتن می شد. (۱)

و در حدیث دیگری روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نماز گاهی به آسمان نگاه می کرد اما پس از نزول این آیه همواره به زمین نگاه می کرد. (۲)

ص: ۲۸۲

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۲۸، ۲۶۱ و ۲۶۶ و تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۹۳.

۲- (۲). فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۱۰؛ بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۶؛ تفسیر صافی، همان جا و مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۲۶.

۶. خشوع در برابر خدا و حضور قلب در نماز، همان روح نماز است. برخی از مفسران برای رسیدن به این مرحله از نماز، راه حل هایی را پیشنهاد کرده اند که عبارت اند از:

(الف) شناخت بیش تر خدا و بزرگی او که دنیا را در نظر انسان کوچک می کند؛

(ب) شناخت بیش تر نماز و فلسفه افعال و اذکار آن؛

(ج) توجه نکردن به کارهای پراکنده و مختلف که مانع تمرکز حواس است؛

(د) انتخاب محل و زمان مناسب برای نماز، به طوری که مانع تمرکز و حضور قلب نباشد؛

(هـ) پرهیز از گناه که مانع نزدیکی قلب به خدا می شود؛

(و) انجام مستحبات و آداب مخصوص نماز؛

(ز) مراقبت مستمر و تمرین برای حضور قلب و تمرکز در نماز. (۱)

۷. «لغو» شامل هر گفتار، عمل و فکری می شود که فایده قابل ملاحظه ای نداشته باشد؛ یعنی مؤمنان در تمام اعمال و گفتار و افکار خود هدفی را دنبال می کنند و کارها و سخنان آن ها سازنده و مفید است و از کارها و سخنان غیر مفید و اندیشه های باطل و گناهان دوری می کنند.

۸. مؤمنان نه تنها کارها، سخنان و افکار لغو ندارند بلکه از آن روی گردانند و بدان توجه نمی کنند.

۹. در این آیات پرداخت «زکات» یکی از ویژگی های مؤمنان شمرده شده است، در حالی که سوره مؤمنون در مکه نازل شده است و در مکه زکات واجب نشده بود.

از این رو برخی مفسران بر آن اند که مقصود این آیه پرداخت زکات مستحب است که شامل انفاق مالی می شود. (۲)

۱۰. در این آیات رستگاری مؤمنان با فعل ماضی و «فَعَدُوا» بیان شده است؛ یعنی این پیروزی و رستگاری حتماً تحقق خواهد یافت.

و نیز صفات مؤمنان به صورت اسمی (نه فعلی) بیان شده، تا نشان دهد که این ویژگی های مؤمنان موقتی نیست، بلکه برنامه مستمر آنهاست.

ص: ۲۸۳

۲- (۲) . همان، ص ۱۹۷ (البته برخی نیز احتمال داده اند که اصل وجوب زکات در مکه بوده و در مدینه حدود و ضوابط آن مشخص شده است و یا این که زکات در این جا به معنای انجام هر گونه کار نیک یا تزکیه روح است).

۱۱. «فَرْج» در اصل به معنای شکاف بین دو پای انسان است که در قرآن کنایه از آلت تناسلی مرد و زن است، (۱) ولی در زبان فارسی در مورد زنان به کار می رود.

این تعبیر کنایه ای دور و مؤدبانه است، ولی در اثر مرور زمان از الفاظ صریح شده است و معادل مناسب آن در عصر ما، همان «دامن» در واژه «پاک دامنی» است.

۱۲. این آیه یکی از ویژگی های مؤمنان را محافظت بر پاک دامنی خویش معرفی کرده است؛ یعنی مردان و زنان مؤمن با مراقبت مستمر، خود را از آلودگی ها حفظ می کنند. (۲)

۱۳. در این آیه همسران استثنا شده اند؛ یعنی مانعی نیست که انسان از همسر دایم یا موقت خویش کام جویی کند.

یعنی اسلام نه شهوت رانی را مطلقاً آزاد گذاشته و نه این گزینه انسانی را سرکوب کرده، بلکه راه میانه ای پیموده است؛ یعنی راه های قانونی برای ارضای گزینه جنسی انسان قرار داده و غیر از آن را ممنوع کرده است.

۱۴. در این آیه به حلال بودن کنیزان برای صاحبان آنها اشاره شده است.

البته این مطلب دارای شرایط ویژه است که در بسیاری از موارد، مشابه شرایط همسر انسان است. (۳)

ذکر این نکته در این آیه نشان می دهد که خدای متعال، به غرایز جنسی کنیزان نیز توجه نموده و آنها را محروم و سرکوب نکرده است.

۱۵. از این که در آیات فوق راه غیر از ازدواج و کنیزان ممنوع شده است، می توان استفاده کرد که راه های نامشروع دیگر هم چون زنا و خود ارضایی ممنوع است.

۱۶. امانت داری و پای بندی به تعهدات از مهم ترین پایه های نظام اجتماعی بشر است که بدون رعایت آنها، جامعه بشری گرفتار هرج و مرج می شود.

مقصود از امانت داری و رعایت پیمان در این آیه، معنای گسترده آن است که شامل امانت ها و پیمان های مردم و خدا می شود؛ یعنی نعمت های خدا، آیین حق، کتاب های

ص: ۲۸۴

۱- (۱). المفردات فی غریب القرآن، ماده ی «فرج».

۲- (۲). جمله (وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ) اسمیه است و دلالت بر استمرار دارد.

۳- (۳). برای مطالعه بیش تر در این زمینه به کتاب های فقهی مراجعه کنید.

الهی، دستورات رهبران الهی و نیز فرزندان، اموال و مقام های دنیوی همه امانت های خدا هستند که مؤمنان در حفظ آنان و ادای حق آنها می کوشند، و در هنگام مرگ آنها را به نسل های آینده می سپارند. (۱)

همان طور که در حفظ امانت های مردم و بازپس دادن آنها و نیز در رعایت پیمان ها و تعهدات خود پای بند هستند. (۲)

۱۷. مقصود از رعایت امانت و پیمان آن است که مؤمنان هم مراقب امانت ها و پیمان های خود هستند و در حفظ و ادای آنها تلاش می کنند و هم در اصلاح آنها می کوشند؛ بنابراین در امانت و عهد سه چیز لازم است: ادا، حفظ و اصلاح.

۱۸. این آیات یکی از ویژگی های مؤمنان را محافظت بر نمازها معرفی می کند، یعنی مؤمنان زمان و مکان و تعداد نمازهای واجب (۳) را با دقت زیر نظر دارند و مراقب آداب و شرایط نمازهای خویش هستند، تا مراحل تکامل و سعادت را هر روز در پنج نوبت طی کنند و به مراحل عالی کمال برسند.

۱۹. مقصود از ارث بردن بهشت توسط مؤمنان، یا فرجام نیک آنان است و یا آن که مؤمنان بدون زحمت زیاد به آن دست می یابند؛ یعنی اعمال مؤمنان در برابر پاداش های بهشتی بسیار ناچیز است. و یا آن است که هر مؤمنی در بهشت منزل افرادی را که به جهنم رفته اند به ارث می برند، همان طور که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که: هر یک از شما دارای دو منزل است، منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ، اگر کسی بمیرد و وارد دوزخ شود، اهل بهشت منزلگاه او را به ارث می برند. (۴)

ص: ۲۸۵

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۹ (صاحب تفسیر نمونه اطلاق لفظ امانت و روایات وارده در مورد این که مقصود از امانت، امامان معصوم هستند را دلیل این معنای عام امانت گرفته اند. ولی به نظر می رسد که همان اطلاق کافی است و روایات مربوط به آیه ۵۸ سوره نساء است مگر آن که بگوییم روایات مطلق امانت را در قرآن تفسیر می کند).

۲- (۲). در مورد مسئله امانت داری ر.ک: ذیل آیات ۵۸، سوره نساء؛ ۲۷ سوره انفال؛ ۱ سوره مائده و ۹۱ سوره نحل.

۳- (۳). در برخی احادیث بیان شده که این آیه اشاره به نمازهای واجب است (ر.ک: کافی، ج ۳، ص ۲۶۹ و تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۹۵).

۴- (۴). مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۹۱.

۲۰. واژه «فِرْدَوْس» در اصل لغتی غیر عربی (۱) و به معنای باغ یا بوستان مخصوصی است که تمام نعمت ها در آن گرد آمده است. برخی مفسران بر آن اند که فردوس یکی از نام های بهشت است. (۲)

۲۱. در برخی احادیث از امام کاظم علیه السلام حکایت شده که آیات آغازین سوره مؤمنون در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نازل شده است.

قال محمد بن العباس رحمه الله: حدثنا محمد بن همام، عن محمد بن إسماعيل، عن عيسى بن داود، عن الإمام موسى بن جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صِلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ) - إلى قوله - (الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) قال نزلت في رسول الله وفي أمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين صلوات الله عليهم أجمعين. (۳)

تحلیل

در این روایت تعبیر «نزلت» آمده است که معمولاً برای شأن نزول آیات استفاده می شود اما در اینجا بدین معنا نیست چرا که اولاً سوره مؤمنون مکی است و در مکه هنوز امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به دنیا نیامده بودند.

ثانیاً تعبیر نزلت در موارد متعددی به معنای تعیین مصداق آیه و تطبیق آن بر موارد خاص می آید که در این جا نیز همین معنا مناسب است.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام از مؤمنان حقیقی است که ویژگی های رستگاری، فروتنی و ... را دارند.

۲- پیروان امام حسین علیه السلام صفات ایشان را بشناسند (و از آن ها پیروی کنند).

۵۸ - مؤمنان موحد و ترسان

مؤمنون / ۵۷-۶۱. (إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ) ؛ «مسلماً کسانی که آنان از هراس پروردگارشان

ص: ۲۸۶

۱- (۱). برخی اصل آن را رومی یا فارسی دانسته اند (تفسیر نمونه، همان جا).

۲- (۲). مجمع البیان، همان جا.

۳- (۳). تأویل الآيات، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱؛ البحار، ج ۲۳، ص ۳۸۲، ح ۷۴ و البرهان، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۱.

بیمناکند، و کسانی که آنان به نشانه های پروردگارشان ایمان می آورند، و کسانی که آنان به پروردگارشان شرک نمی ورزند، و کسانی که انجام می دهند آنچه را (باید در راه خدا) انجام می دادند، و با این حال، دل هایشان هراسناک است [چرا که آنان به سوی پروردگارشان باز می گردند، آنان در (انجام) نیکی ها بر همدیگر پیشی می گیرند، و آنان برای آن (نیکی)ها پیشگامند].

نکته ها و اشاره های تفسیری:

۱. «حَشِيت» به معنای ترسی است که همراه با احترام و تعظیم باشد و بیش تر جنبه قلبی دارد، ولی «مُشْفِق» (۱) در اصل به معنای ترسی است که آمیخته با احترام و محبت باشد و بیش تر جنبه عملی دارد.

یعنی کسانی که ترس آمیخته با احترام و عظمت الهی در قلبشان جای گرفته است، ترسی محبت آمیز در کردارشان نمایان می شود که آنها را به انجام مسئولیت های خویش وا می دارد.

۲. اهل خیر مؤمن هستند و شرک نمی ورزند.

آری؛ ایمان به خدا علت نفی شرک است و در حقیقت ایمان از صفات ثبوتی و نفی شرک از صفات سلبی است.

۳. اهل خیر کسانی هستند که اگر تمام مسئولیت های خویش را انجام دهند، بازهم گرفتار خود برتر بینی نمی شوند و علی وار از کمی توشه و طولانی بودن سفر آخرت می نالند. (۲)

آری؛ یاد معاد و هراس از آن، مؤمنان اهل خیر را کنترل می کند و آنها را به طرف اعمال نیک بیش تری می کشاند.

۴. اهل خیر کسانی هستند که در انجام نیکی ها از هم دیگر به سرعت پیشی می گیرند و در این راه مسابقه می گذارند (۳) و رقابت سازنده دارند.

ص: ۲۸۷

۱- (۱). مشفق در اصل از ماده «شفق» به معنای روشنایی آمیخته با تاریکی است (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۶۳).

۲- (۲). «آه من قلّه الزاد و طول الطريق و بُعد السفر» (نهج البلاغه، ص ۴۸۰ و بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۸۴).

۳- (۳). «یسارعون» از باب مفاعله و در اصل به معنای سرعت برای پیشی گرفتن از یک دیگر است.

۵. در این آیات به چهار ویژگی و یک نتیجه در کارهای مؤمنان اهل خیر اشاره می کند که عبارت اند از:

الف) ترس همراه با احترام از مقام خدای متعال؛

ب) حق باوری و ایمان؛

ج) شرک گریزی؛

د) انجام مسئولیت ها همراه با هراس نسبت به معاد؛

هـ) سرعت و مسابقه در انجام نیکی ها (که نتیجه چهار ویژگی پیشین است).

۶- در برخی از احادیث آماده است که: آیات فوق در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش علیهم السلام (از جمله امام حسین علیه السلام) نازل شده است.

«قال مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا الْإِمَامُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدِهِ: (إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)». (۱)

تحلیل:

تعبیر نزلت در این گونه احادیث می تواند به معنای تطبیق بر مصادیق خاص باشد.

پیام:

(با توجه به آیه و روایت فوق پیام آیه آن است که) امام حسین علیه السلام از پیشگامان در نیکی ها و بیمناکان از پروردگار است.

۵۹ - رستگاری نتیجه صبر و استقامت

مؤمنون / ۱۱۱. (إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ) ، به راستی، من امروز آنان را به خاطر شکیبایی شان، پاداش دادم؛ به این که تنها آنان رستگاران اند.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. صبر و استقامت در برابر ریشخند کافران، پاداشی الهی دارد و انسان را به رستگاری و پیروزی ره نمون می کند.

١- (١). تأويل الآيات، ج ١، ص ٣٥٣، ح ٤؛ بحار، ج ٢٣، ح ٧٤، ج ٣٥، ص ٣٣٤، ح ١١ و البرهان، ج ٢، ص ١١٤، ح ١.

۲. خدا خود به شکیبایان پاداش می دهد و این نشان دهنده لطف خاص خدا نسبت به آنان است.

۳. در برخی احادیث از ابن مسعود حکایت شده که آیه فوق را بر صبر امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام در مورد طاعات و مشکلات و بلاها تطبیق کرده است.

سُفِيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا) يَعْنِي: صَبَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا عَلَى الطَّاعَاتِ وَعَلَى الْجُوعِ وَعَلَى الْفَقْرِ وَصَبَرُوا عَلَى الْبَلَاءِ لِلَّهِ فِي الدُّنْيَا (أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ). ۱

تحلیل

این روایت از باب جری و تطبیق است و مصادیق مهم آیه را بیان می کند و گرنه معنای آیه یک قاعده کلی را در مورد پاداش رستگاری صابران بیان می کند.

البته روایت فوق، از بن مسعود است و به معصوم استناد داده نشده است. یعنی روایت تفسیری از صحابه به شمار می آید.

پیام

۱- اگر می خواهید رستگار شوید و به پاداش الهی برسید (هم چون حسین علیه السلام) استقامت کنید.

۲- پاداش صبر (صابرانی هم چون حسین علیه السلام) در رستخیز با خداست.

۶۰ - امام حسین علیه السلام چراغ هدایت (مصباح الهدی)

نور/ ۳۵. (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)؛ «خدا نور آسمان ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن] چراغ در بلوری است - [آن] بلور چنان که گویی سیاره ای درخشان است - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی، که نه شرقی و نه غربی است،

افروخته می شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گرچه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راه نمایی می کند؛ و خدا برای مردم مثل ها می زند و خدا به هر چیزی داناست.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. نور را این گونه تعریف کرده اند: «چیزی که در ذات خود آشکار است و ظاهر کننده دیگر چیزهاست.»

۲. نور دارای ویژگی های خاصی است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

نور زیبا و سرچشمه زیبایی هاست، بالاترین سرعت حرکت از آن نور است، (۱) وسیله مشاهده موجودات است، پرورش دهنده گیاهان و گل هاست، پیدایش رنگ نتیجه تابش نور است، انرژی های موجود در محیط زمین غالباً از نور سرچشمه می گیرند، نابود کننده میکرب هاست، هدایتگر مسافران و گم شدگان است و...

۳. در قرآن کریم به چند چیز نور گفته شده است که عبارت اند از:

الف) خدا نور است همان طور که در آیه فوق آمده است.

ب) ایمان به خدا نور است. (۲)

ج) خود قرآن نوری از جانب خداست (۳).

د) هدایت الهی نور است (۴).

هـ) آیین اسلام نور است (۵).

و) شخص پیامبر صلی الله علیه و آله چراغی نور بخش است (۶).

از احادیث نیز استفاده می شود که امامان معصوم علیهم السلام و علم نور هستند. (۷)

ص: ۲۹۰

۱- (۱). سرعت نور را سیصد هزار کیلومتر در ثانیه گفته اند، یعنی در هر ثانیه می تواند هفت بار کره زمین را دور بزند.

۲- (۲). (يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (بقره/ ۲۵۷).

۳- (۳). (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ) (مائده/ ۱۵).

۴- (۴). (نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ) (انعام/ ۱۲۲).

۵- (۵). (يَتِيمَ نُورَةَ) (توبه/ ۳۲).

٦-٦) . (٦) . (سراجاً مُنيراً) (احزاب / ٢٦).

٧-٧) . ر.ك: زيارت جامعه و ميزان الحكمه، ماده «علم».

۴. مقصود از نور بودن خدا هدایتگری یا روشننگری یا زینت بخشی خدا به جهان است؛ یعنی خدا نور است و هر موجودی به هر اندازه که با او ارتباط دارد از نورانیت برخوردار می شود و از این روست که ایمان، قرآن، اسلام، پیامبر، امامان و علم نور هستند؛ چون همه در ارتباط با او و سبب آشنایی مردم با نور خدا می شوند.

آری؛ این ویژگی نور است که به همه چیز جان تازه و حرکت و پرورش می دهد و به سیر منزل مقصود هدایت می کند و موانع را از سرراشان برمی دارد.

۵. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که

مقصود از نور بودن خدا، هدایتگری او برای اهل آسمان ها و اهل زمین است. (۱)

البته هدایتگری یکی از خواص نور الهی است، اما منحصر در آن نیست و هر کدام از تفسیرهای نور خدا، به یکی از ابعاد این نور اشاره دارد.

۶. «مشکاه» به معنای محفظه ای برای چراغ است که آن را در برابر باد و طوفان حفظ می کند و غالباً در دیوار ایجاد می شده تا نور چراغ را متمرکز ساخته، منعکس نماید.

و «زُجَاجَه» در اصل به معنای سنگ شفاف است و از آن جا که شیشه از سنگ ساخته می شود و شفاف است به آن نیز گفته می شود. در این جا مقصود حبابی است که بر روی چراغ می گذارند تا شعله را محافظت و گردش هوا را تنظیم نماید و بر نور چراغ بیفزاید و «مصباح» به معنای خود چراغ است.

۷. درخت زیتون درختی پربرکت است که روغن آن یکی از بهترین روغن ها برای اشتعال است؛ به ویژه که اگر درخت وسط باغ باشد و در طرف شرق و غرب باغ و کنار دیوارها نباشد و نور آفتاب به همه جای درخت بتابد و برخی قسمت های آن نارس نگردد و روغنش ناصاف نشود.

۸. نور خدا که به صورت شعله های ایمان در مصباح قلب مؤمن آشکار می شود و حباب قلب او ایمان را در درون خود تنظیم می کند و مشکاه سینه او، که همان مجموعه شخصیت مؤمن است، ایمانش را از گزند حوادث حفظ می کند. درخت مبارک وحی الهی

ص: ۲۹۱

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ توحید شیخ صدوق، ص ۱۵۵؛ معانی الاخبار، ص ۱۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۱.

که عصاره آن قرآن است، ایمان مؤمنان را شعله ور و پربار می سازد و وجود مؤمنان را روشن می نماید و هنگامی که با دلایل عقلی همراه می شود نور علی نور می شود. (۱)

البته وقتی این نور الهی در قلب روشن می شود که قلب انسان با خودسازی و اخلاق آماده شود و نور وحی از آلودگی گرایش های انحرافی شرقی و غربی بر کنار بماند.

۹. در احادیث اهل بیت علیهم السلام مشکاه را به نور علم پیامبر صلی الله علیه و آله و زُجَاجَه را به سینه علی و نور علی نور را به امام معصوم که با نور علم تأیید می شود و درخت مبارک را به ابراهیم خلیل که ریشه است و لا شرقیه و لا غربیه را به نفی گرایش های یهود و مسیحیت تفسیر کرده اند. (۲) و در احادیث دیگری امام حسین علیه السلام را مصداق «مصباح» (چراغ) معرفی کرده است که در بلوری قرار دارد.

الف) تظاهرات الروایات عن النبی صلی الله علیه و آله فی قوله: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ) أنه قال: يا علي! النور اسمي و المشكاه أنت يا علي! مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الزُّجَاجَةُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، (كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) محمد بن علی، (يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ) جعفر بن محمد، (مُبَارَكَةٌ) موسی بن جعفر، (زَيْتُونَةٌ) علی بن موسی، (لَا شَرْقِيَّةٍ) محمد بن علی (وَلَا غَرْبِيَّةٍ) علی بن محمد، (يَكَادُ زَيْتُهَا) الحسن بن علی، (يُضِيءُ) القائم المهدي. (۳)

ب) عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فِيهَا مِصْبَاحُ الْحَسَنِ، الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ الْحُسَيْنِ، الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَاطِمَةُ، كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكَةٍ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ، لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصِيرَانِيَّةٍ، يَكَادُ زَيْتُهَا يَضِيءُ، يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارُ نُورِ عَلِيِّ نُورٍ، إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَتَمَّةِ. (۴)

ص: ۲۹۲

۱- (۱). ر.ك: تفسير نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۸ - ۴۷۹.

۲- (۲). توحيد شيخ صدوق، ص ۱۵۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۰ و تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۶۰۴.

۳- (۳). المناقب، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴- (۴). کافی، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۵؛ راجع: الفرات، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۳۸۳؛ تفسير قمی، ج ۲، ص ۱۰۲؛ تأویل الآيات: ج ۱، ص ۳۶۰، ح ۷؛ لبرهان، ج ۳، ص ۱۳۳، ح ۲، و ج ۸، ص ۱۳۵، ح ۸؛ نورالثقلين، ج ۳، ص ۶۰۲، ح ۱۶۹؛ كنز الدقائق، ج ۹، ح ۳۰۰ و الميزان، ج ۱۵، ص ۱۳۲.

اینگونه احادیث از باب جری و تطبیق مصادیق مهم و تجلیات نور الهی را معرفی کرده است که موجب هدایت مردم می شوند. که از مهم ترین آن ها چراغ هدایت حسینی است. ولی این گونه احادیث به معنای انحصار معنای آیه در مورد خاص نیست. این مطلب از تعبیرات متفاوت احادیث فوق نیز قابل استفاده است که در یکی «کوکب درّی» را فاطمه علیها السلام و در دیگری امام باقر علیه السلام معرفی می کند. این گونه تفاوت ها در احادیث می تواند اشاره به مصادیق متعدد آیه در هر عصر باشد.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام مصباح هدایت و تجلی نور الهی است که هم چون چراغی بشریت را به سوی خدا رهنمون می شود.

۲- اگر می خواهید به سوی نور الهی بار یابید به نور اهل بیت علیهم السلام به ویژه نور حسینی چشم بدوزید.

۶۱ - خانه های نورانی

نور/ ۳۶ - ۳۸. (فِی بُیُوتِ اَذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِتْيَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْاَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّٰهُ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) ؛ «(این چراغ) در خانه هایی است که خدا رخصت داده که برافراشته شود و نامش در آن جا یاد شود؛ و او را در آن جا بامدادان و عصرگاهان [و شب هنگام] تسبیح می گویند، مردانی که هیچ داد و ستد و هیچ معامله ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت [مالیات] زکات (غافل و) سرگرم نمی سازد؛ (و) از روزی می ترسند که در آن، دل ها و دیدگان دگرگون می شود. تا خدا آنان را طبق بهترین چیزی که انجام دادند، پاداش دهد و از بخشش خود بر آنان بیفزاید؛ و خدا به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) بی شمار [و بدون محاسبه] روزی می دهد».

۱. در این آیه به خانه های نور اشاره شده است که چراغ نور الهی در آن جا روشن گردیده و مردانی الهی به پاس داری آن مشغول اند و گم شدگان، راه خویش را در پرتو نور این خانه ها می یابند و هدایت می شوند.

۲. مقصود از خانه های نور در این آیات، همان مساجد، خانه های پیامبران، امامان و اولیای الهی است که به فرمان خدا استحکام یافته و مرکز یاد خدا و بیان حقایق دینی است و در آن جا مردانی الهی صبحگاهان و عصرگاهان به یاد خدا هستند.

۳. در این آیات اشاره شده که مردان الهی به تجارت و معامله می پردازند، اما این امور مادی آنان را از معنویت و یاد خدا و انجام وظایف دینی هم چون نماز و زکات باز نمی دارد.

یعنی لازم نیست انسان به کلی از تجارت و مادیات دور شود بلکه نباید مادیات هدف شود و او را از یاد خدا دور سازد.

۴. شاید مقصود از تجارت همان داد و ستدهای مستمر است و مقصود از «بیع» همان معامله های گذرا. (۱)

۵. در احادیث روایت شده که مقصود این آیه تاجرانی هستند که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و هنگامی که وقت نماز می شود، حق آن را ادا می کنند. (۲)

هر که آمد بر خدای قبول نکند هیچش از خدا مشغول

یونس اندر دهان ماهی شد هم چنان مونس الهی شد

(سعدی)

۶. در این آیه با به کار بردن فعل مضارع «يَخَافُونَ» اشاره شده که مردان الهی همواره از روز رستاخیز و دادگاه عدل بیمناک اند و همین سبب می شود که مسئولیت های خویش را در دنیا به خوبی انجام دهند.

۷. خدا اعمال نیک مردان الهی و یا هر کار آنان را بر اساس معیار بهترین عملشان تا ده ها برابر پاداش می دهد. (۳) آری؛ این امور از فضل و بخشش الهی دور نیست. (۴)

ص: ۲۹۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۳.

۲- (۲). کافی، ج ۵، ص ۱۵۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۶ و تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۶۰۹.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۴.

۴- (۴). ممکن است هر سه معنا مقصود آیه باشد.

۸. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام باقر علیه السلام و امام کاظم علیه السلام روایت شده که مقصود از این خانه ها، همان منزل های پیامبران و خانه علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین و... است که در آن جا نمازها به هنگام خوانده می شود و خدا حساب آن ها را از دیگران جدا و دوستی و اطاعت آنان را واجب کرده است. (۱)

(الف) حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الدِّينُورِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُؤَدَّبُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَابُوسِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ نَفِيعِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَ عَنْ بَرِيدِهِ قَالَا: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ: (فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ) فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتٍ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا لَبِيتَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا. (۲)

(ب) مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْإِمَامُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ رِجَالٌ) قَالَ بُيُوتُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَيْتُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمَزَةَ وَ جَعْفَرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. قُلْتُ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي أَوْقَاتِهَا. قَالَ: ثُمَّ وَصَّيْتُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَقَالَ: (رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ) قَالَ: هُمُ الرِّجَالُ لَمْ يَخْلُطِ اللَّهُ مَعَهُمْ غَيْرَهُمْ ثُمَّ قَالَ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ مَا اخْتَصَّصَهُمْ بِهِ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَ الطَّاعَةِ الْمَفْرُوضَةِ وَصَيَّرَ مَا وَاهُمُ الْجَنَّةَ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۳)

ص: ۲۹۵

- ۱- (۱). تفسیر فرات، ص ۲۸۲؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۷ و بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۰ و ج ۲۳، ص ۳۱۲.
- ۲- (۲). شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۵۶۷؛ الفرات، ج ۱، ص ۲۸۶؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۴۲؛ کشف الغمیه، ج ۱، ص ۳۱۹؛ البرهان، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۸؛ البحار، ج ۲۳، ح ۳۳۲، ج ۱۹؛ کنز الفوائد، ج ۹، ص ۳۱۱ و نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۰، ح ۱۹۴.
- ۳- (۳). تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۱۰ و بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲۶، ح ۴.

در این آیات به مکان چراغ نورالهی و مردان الهی که در آن جا هستند اشاره شده است. البته مطلب آیه شامل خانه های الهی و مردان ربّانی مثل پیامبران و اولیای الهی می شود ولی در احادیث فوق مصادیق با فضیلت آن ها مثل خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و مردانی مثل امام حسین علیه السلام اشاره شده است. بنابراین اینگونه احادیث از باب جری و تطبیق است و انحصار را نمی رساند.

پیام ها

۱- مکان نور الهی، خانه حسین علیه السلام است که محل ذکر است (آن را بشناسید و بدان متصل شوید)

۲- مردان الهی همچون حسین علیه السلام دنیا زده نمی شوند و هیچ چیز مانع ذکر الهی آن ها نمی شود. (به آن ها اقتدا کنید)

هیجدهم: سوره فرقان

۶۲ - آزمایش اهل بیت علیهم السلام و صبر آنان

فرقان / ۲۰. (وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا)؛ «و پیش از تو (کسی) از فرستادگان را نفرستادیم، مگر این که قطعاً، آنان غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند؛ و برخی شما را [وسیله] آزمایشی برای برخی [دیگر] قرار دادیم؛ آیا شکیبایی می کنید؟ در حالی که پروردگار تو بیناست».

شأن نزول

حکایت شده که گروهی از سران مشرکان، به پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد می گرفتند که اگر تو فرستاده خدا هستی، پس چرا غذا می خوری و در بازارها توقف می کنی؟ (۱) (یعنی انتظار داشتند که او هم چون فرشتگان باشد).

و نیز می گفتند: او می خواهد فرمانروای ما شود ولی روش او هم چون سیره پادشاهان نیست (یعنی هم چون قیصرها و کسراها، از مردم کناره نمی گیرد و با تکبر رفتار نمی کند) (۲).

ص: ۲۹۶

۱- (۱). این آیه سوره فرقان در حقیقت پاسخ ایراد مشرکان در آیه هفتم سوره فرقان است.

۲- (۲). تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۲.

۱. در این آیه بیان شده که بشر بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و زندگی عادی او و غذا خوردن و راه رفتنش در بازارها، نه تنها عیب نیست، بلکه همه پیامبران الهی این گونه بوده اند.

هر پیامبری، چون الگوی جامعه بشری است، باید از جنس خود مردم باشد تا دردهای آنان را درک و درمان نماید و رفتار و گفتار او سرمشق دیگران باشد.

۲. مقصود از «فتنه و آزمایش» در این آیه ممکن است آزمایش انسان ها به وسیله انتخاب پیامبرانی از جنس بشر باشد که معمولاً از توده های فقیر جامعه بودند و مستکبران زیر بار آن ها نمی رفتند و یا مقصود آزمایش همه انسان ها به وسیله یک دیگر باشد. دردمندان، یتیمان و ناتوانان وسیله آزمایش افراد قوی و ثروتمند هستند که آیا وظیفه انسانی و الهی خود را انجام می دهند؟! و بر عکس، آیا افراد ناتوان راضی به رضای خدا هستند و سپاس گراری می کنند یا نه؟!

البته ممکن است هر دو تفسیر مقصود آیه باشد.

۳. در این آیه از همه انسان ها می پرسد که: آیا (در برابر آزمایش الهی) صبر می کنید؟!

آری؛ صبر، شکیبایی و استقامت، رکن پیروزی در تمام آزمایش های الهی است که شامل صبر در برابر هوس های سرکش و گناهان، شکیبایی در انجام وظایف و واجبات و استقامت در برابر مشکلات و مصیبت ها می شود.

۴- در برخی احادیث این آیه بر آزمایش اهل بیت علیهم السلام به وسیله دشمنان (همچون جریان کربلاء ...) و صبر آنان تطبیق شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را در خانه جمع کرد و از آنان پرسید که خدای متعال بر شما سلام می رساند. و می گوید: من دشمنان شما را مایه آزمایش شما قرار دادم چه می گوئید؟ و آنان گفتند: بر امر و قضاء الهی صبر می کنیم تا به محضر الهی برسیم و پادشمان کامل شود. پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کرد و آیه فوق در این مورد نازل (یا تطبیق) شد.

« مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ، عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَعْلَقَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ الْبَابَ وَقَالَ: يَا أَهْلِي

وَأَهْلَ اللَّهِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ وَهَذَا جَزِيئِلٌ مَعَكُمْ فِي الْبَيْتِ يَقُولُ: إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ عَدُوَّكُمْ لَكُمْ فِتْنَةً فَمَا تَقُولُونَ؟ قَالُوا: نَصْبِرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! لِأَمْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنْ قَضَائِهِ حَتَّى نَقْدَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَنَسْتَكْمِلَ جَزِيلَ ثَوَابِهِ فَقَدْ سَمِعْنَا بِعَدُوِّ الصَّابِرِينَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى سَمِعَ نَحِيئَهُ مِنْ خَارِجِ الْبَيْتِ فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (وَجَعَلْنَا بَعْضَ كُفْرِكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا) ١ أَنَّهُمْ سَيَصْبِرُونَ أَى سَيَصْبِرُونَ كَمَا قَالُوا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ». (١)

تحلیل

این حدیث یکی از مصادیق فتنه و صبر اهل بیت علیهم السلام در برابر آنان را بیان می کند. و تعبیر «نزلت» در این گونه ممکن است برای بیان نزول مجدد آیه در مورد خاص باشد یا به معنای تطبیق آیه بر مورد خاص است.

پیام ها

امام حسین علیه السلام گرفتار فتنه و آزمایش شد و صبر کرد (شما هم این گونه باشید).

۶۳ - امام حسین علیه السلام از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله

فرقان/ ۵۴. (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا) ؛ «او کسی است که از آب، بشری را آفرید و او را (دارای خویشاوندی) نَسَبی و دامادی قرار داد؛ و پروردگار تو توانا است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود این آیه از آفرینش بشر از آب چیست؟

در این جا حد اقل سه احتمال وجود دارد:

الف) منظور آفرینش انسان نخستین از معجون خاک و آب است.

ب) منظور آن است که قسمت عمده بدن انسان را آب تشکیل می دهد؛ پس ماده اصلی خلقت انسان آب است.

ج) مقصود آیه خلقت انسان ها از آب مرد و زن است.

ص: ۲۹۸

یعنی هر انسانی از آب نطفه مرد (یعنی اسپرم) و زن (یعنی اوول) به وجود می آید؛ البته ممکن است که هر سه احتمال مقصود آیه باشد، اما تفسیر سوم با ظاهر آیه سازگارتر است.

۴. مقصود از «نَسَب» در این آیات، پیوند خویشاوندی است که از طریق تولد بین انسان و پدر و مادر، خواهران، برادران و فرزندانشان به وجود می آید.

اما واژه «صِهْر» به معنای داماد است و مقصود پیوند خویشاوندی است که از طریق ازدواج با فامیل دیگران حاصل می شود که به آن پیوند سَبَبی نیز گفته می شود. (۱)

۵. تأثیر علل طبیعی در پیدایش انسان، مانع آن نیست که این امور را به خدا نسبت دهیم و نشانه ای از قدرت خدا بدانیم؛ چراکه همه این عوامل مخلوق او هستند.

۶. در حدیثی روایت شده که این آیه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است؛ چراکه علی علیه السلام هم پسرعموی پیامبر و هم داماد ایشان است؛ بنابراین خویشاوند نسبی و سببی اوست. و در حدیث دیگری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام از مصادیق آیه شمرده شده است چرا که آنان از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

«ابن عَبَّاسٍ وَابْنُ مَسْعُودٍ وَجَابِرُ وَالْبَرَاءُ وَأَنْسُ وَأُمُّ سَلَمَةَ وَالسُّدِّيُّ وَابْنُ سِيرِينَ وَالْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا) قَالُوا: هُوَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا) ؛ (۲) الْقَائِمُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لِأَنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ نَسَبٌ وَ سَبَبٌ فِي الصَّحَابَةِ وَالْقَرَابَةِ إِلَّا لَهُ». (۳)

تحلیل

اینگونه احادیث مصادیق آیه را بیان می کند و گرنه مطلب آیه کلی است و شامل هر گونه پیوند نسبی و سببی می شود.

پیام

امام حسین علیه السلام از سلاله پاکان و خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. (پس حرمت او را پاس دارید).

ص: ۲۹۹

۱- (۱). در مورد خویشاوندان و محارم ر.ک: ذیل آیه ۲۳ سوره نساء، تفسیر قرآن مهر.

۲- (۲). فرقان/ ۵۴.

۳- (۳). المناقب، ج ۲، ص ۱۸۱ و البرهان، ج ۳، ص ۱۷۱، ح ۹ مع اختلاف.

فرقان/ ۷۴. (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) ؛ «و کسانی که می گویند: [ای] پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش و ما را پیشوای خود نگه داران قرار ده.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. بندگان خاص خدا، دارای آرزوهای بلند و همّتی عالی هستند. آنان در مورد خانواده و رهبری جامعه خویش نقشه های عالی مطرح می کنند و نه تنها خود در این راه می کوشند، بلکه در دعاهای خود از خدا می خواهند که آنان را در این موارد یاری رساند.

۲. بدیهی است که مقدمه درخواست همسران و فرزندان نیکویی که نور چشم انسان و مایه افتخار جامعه باشند، آن است که افراد در تربیت خانواده خویش همّت گمارند و آن ها را با معارف عالی اسلام و قرآن آشنا سازند تا زمینه استجاب دعای خود را فراهم آورند.

۳. «قُرَّةِ أَعْيُنٍ» در اصل به معنای سردی و خنکی چشم است و در این جا کنایه از کسی است که مایه سرور انسان شود. معادل فارسی این عبارت نور چشم یا چشم روشنی است. (۱)

۴. بندگان خاص خدا در مورد رهبری جامعه اسلامی طرح های بلند می دارند و از خدا می خواهند که آنان را پیشوای پارسایان قرار دهد.

بدیهی است که مقدمه این درخواست آن است که اسباب و لوازم پیشوایی را در خود فراهم و خود را الگوی جامعه سازند تا بتوانند هم خود هدایت شوند و هم دیگران را راه نمایی کنند.

۵. پیشوایی مردم برای خدمت به آنان مطلوب است، اما این پیشوایی هنگامی نیکوست که منصبی الهی باشد و مردم افرادی باتقوا و خودنگه دار باشند، چراکه رهبری غیر الهی غالباً قدرت طلبی و فساد به دنبال دارد و مردم بی تقوا برای رهبر خود مشکل آفرین و پرزحمت هستند.

۶. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که مقصود از «همسر» در این آیه خدیجه و منظور از «نسل» (ذریه) فاطمه علیها السلام و مقصود از «چشم روشنی یا نور چشم» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از امامت افراد باتقوا، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

ص: ۳۰۰

« مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَلَامٍ، عَنْ عَبْدِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَرْحَمٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ الْخُرَّاسَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَهْبِ الْكُوفِيِّ، عَنْ أَبِي هَيَارُونَ الْعَيْدِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَبِيبِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صِلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: فَاطِمَةُ. قَالَ: (قُرَّةَ أَعْيُنٍ) قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. قَالَ: (وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)، قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صِلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ « (۱).

تحلیل

این گونه احادیث به مصادیق کامل آیه اشاره دارد و گر نه معنای آیه دعایی است که شامل همه همسران و فرزندان می شود. بنابراین معنای این آیه منحصر در اهل بیت علیهم السلام نیست. هر چند که بالاترین مصداق های آیه هستند مثلاً امام حسین علیه السلام نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

پیام

۱- از خدا همسرانی همچون خدیجه، نسلی هم چون فاطمه علیها السلام و نور چشمانی هم چون حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و پیشوایانی هم چون علی علیه السلام بخواهید.

۲- اما حسین علیه السلام نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

نوزدهم: سوره شعراء

۶۵ - سجده کنندگان حقیقی در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله

شعراء / ۲۱۳-۲۲۰. (فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ وَ أَنْذَرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَ تَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)؛ «و (ای پیامبر!) هیچ معبود دیگری را با خدا نخوان (و پرستش نکن)؛ که از عذاب شدگان خواهی شد. و خاندان نزدیکت را هشدار ده. و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می کنند فرو آر. و اگر تو را نافرمانی کنند، پس بگو: «در حقیقت، من نسبت به آنچه انجام می دهید غیر متعهدم.» و بر (خدای) شکست ناپذیر [و] مهرورز توکل نما. (همان)

ص: ۳۰۱

۱- (۱). الشواهد، ج ۱، ص ۵۳۹، ح ۵۷۶؛ البحار، ج ۲۴، ص ۱۳۵، ح ۹؛ البرهان، ج ۳، ص ۱۷۷، ح ۷ و کنز الدقائق، ج ۹، ص ۴۴۵.

کسی که تو را به هنگامی که (برای نماز) می ایستی، می بیند؛ و دگرگونی (حالات) تو را در [میان] سجده کنندگان (می نگرد)؛ [چرا] که تنها او شنوا [و] داناست.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد که شرک نوز و معبود دیگری را با خدای یکتا نپرست.

واضح است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز از راه توحید منحرف نمی شود، ولی این آیه ایشان را مخاطب می سازد و تهدید می نماید، تا دیگران اهمیت توحید را درک کنند و به دنبال معبود دیگری نروند.

۲. بر اساس اسناد تاریخی، در سال سوم بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مأمور شدند که مفاد آیه فوق را اجرا کنند؛ یعنی دعوت مخفی خود را علنی سازد و در گام اول خویشاوندانش را به اسلام دعوت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی آماده ساخت و همه خویشان خود را که حدود چهل نفر بودند، به خانه ابوطالب دعوت کرد، اما ابولهب با سخنان خود زمینه صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله را از بین برد. آن حضرت فردای آن روز دوباره آنان را دعوت کرد و پس از صرف غذا به آنان گفت:

«من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خدا به من دستور داده که شما را به سوی آیین (اسلام) دعوت کنم. کدام یک از شما در این کار مرا یاری می کند تا برادر من و وصی و جانشین من باشد؟» همه خویشاوندان سرباز زدند مگر علی علیه السلام که برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا! من در این راه یار و یاور توام».

پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر گردن علی علیه السلام نهاد و فرمود: «این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست؛ سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید».

مردم برخاستند و با ریشخند به ابوطالب گفتند: محمد دستور می دهد که به فرمان پسر (علی) گوش دهی و از او اطاعت کنی.

این حدیث را که به حدیث «یوم الدار» مشهور است بسیاری از دانشمندان شیعه و اهل سنت حکایت کرده اند. (۱)

ص: ۳۰۲

۱- (۱). ر.ک: کامل ابن اثیر، ج ۲؛ تاریخ ابو الفداء، ج ۱؛ المراجعات، ص ۱۳۰؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۶۲ و مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۳؛ و نیز دانشمندانی هم چون: ابن ابی جریر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابو نعیم، بیهقی، ثعلبی و طبری این حدیث را نقل کرده اند.

۳. دعوت خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله به اسلام دو علت مهم داشت:

الف) محبت خویشاوندی آنان باعث می شد که سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را بهتر گوش دهند (چنان که بعد از لیبیک گفتن علی علیه السلام به سخنان ایشان ابوطالب و حمزه و برخی دیگر مسلمان شدند).

ب) این دعوت نشان داد که دعوت پیامبر استثنا بردار نیست و او همه مشرکان را به سوی توحید دعوت می کند.

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله باید هم چون پرنده ای مهربان بال بگستراند و مؤمنان را زیر چتر حمایت و محبت خویش قرار دهد تا از پراکندگی حفظ شوند و از خطرهای مصون بمانند.

۵. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد که اگر خویشاوندان، هم چون ابو لهب، به مخالفت برخاستند، در برابر آنان موضع گیری کن و از آنان برائت و بیزاری بجوی.

۶. این آیات نوعی دل داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هست که اگر خویشاوندان با تو مخالفت کردند، نگران نباش و برخدا توکل کن، خدایی که در همه حالات تو را می بیند و شکست ناپذیر و مهربان است.

۷. مبلغ دین خدا باید رابطه ای معنوی با خدا داشته باشد و به نماز و عبادت پردازد و در این میان به قیام و سجده اهمیت بیش تری بدهد؛ چرا که مورد توجه ویژه خداست؛ یعنی عاشقانه بدرگاه دوست بایستد و فروتنانه بر بارگاه او سر بساید و بداند که خدا همه حالات او را می بیند و ندای او را می شنود.

۸. مقصود از «قیام» در این آیات، برخاستن از خواب برای عبادت یا قیام برای نماز و یا اشاره به نماز فردی است. (۱)

۹. «تَقَلُّبٌ» به معنای گردش و حرکت و از حالی به حالی دیگر منتقل شدن است. این تعبیر ممکن است اشاره به سجده پیامبر صلی الله علیه و آله در میان سجده کنندگان و یا گردش پیامبر صلی الله علیه و آله در میان یارانش در حال عبادت و یا اشاره به نماز جماعت باشد. (۲)

ص: ۳۰۳

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۷۰.

۲- (۲). همان.

۱۰. در برخی احادیث آمده است که مقصود از حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان سجده کنندگان، احاطه علمی آن حضرت برحالات نماز گزارانی بود که در نماز جماعت با او بودند. (۱)

در احادیث دیگر آمده که مقصود انتقال پیامبر صلی الله علیه و آله از صُلب و پشت پیامبران الهی است، تا این که از عبدالله به دنیا آمد. (۲)

البته این گونه احادیث به «بطون» آیه اشاره دارند؛ یعنی معنای گردش (تقلب) را به گردش علمی و معنوی گسترش داده است، تا مصادیق جدیدی پیدا کند.

۱۱. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از «ساجدین» در آیات فوق علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او هستند.

« مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْخُثَمِيِّ، عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي الْحَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ) قَالَ: فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ». (۳)

تحلیل

افراد متعددی با پیامبر صلی الله علیه و آله سجده کردند ولی در این حدیث به اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است چرا که اینان مصادیق سجده کنندگان حقیقی هستند. و امام علی علیه السلام کسی بود که در ماجرای دعوت خویشانان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، نخستین لبیک را گفت و تا آخر در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله پایداری کرد. و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام کسانی بودند که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان جا پای پدر گذاشتند و اسلام را زنده نگاه داشتند.

پیام

امام حسین علیه السلام از سجده کنندگان حقیقی در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان بوده است. (پس راه ایشان را ادامه دهید).

ص: ۳۰۴

۱- (۱). مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹.

۲- (۲). همان ها.

۳- (۳). بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۷۲، ج ۹۷ و ج ۲۵، ص ۲۱۳، ج ۲؛ البرهان، ج ۳، ص ۱۹۳، ج ۴ و کنزالدقائق، ج ۹، ص ۵۱۶.

۶۷- علم کتاب الهی نزد امام حسین علیه السلام

نمل / ۳۸-۴۰. (قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا تِينِي بَعْرَشْتَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ) ؛ «(سلیمان) گفت: «ای اشراف! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد، پیش از آن که تسلیم شده نزد من آیند؟» زیرکی از جنیان گفت: «من آن را نزد تو می آورم، پیش از آن که از جایگاهت برخیزی، درحالی که قطعاً، من برای این (کار) نیرومندی درستکار هستم.» کسی که علمی از کتاب (الهی) نزدش بود، گفت: «من پیش از آن که چشمت را بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد.» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزدش ثابت دید، گفت: این از بخشش پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا سپاس گزاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم؛ و هر کس سپاس گزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاس گزاری می کند و هر کس ناسپاسی کند، پس (زیانی به خدا نمی رساند؛ چرا) که پروردگار من توانگری ارجمند است.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. حضرت سلیمان علیه السلام ملکه سبأ را به حق دعوت کرد و او هدایایی برای سلیمان علیه السلام فرستاد تا بتواند به آفتاب پرستی خود ادامه دهد، ولی او هدایا را قبول نکرد و آنان را به لشکر کشی تهدید کرد. ملکه سبأ تصمیم گرفت که خود برای تحقیق بیش تر به نزد سلیمان بیاید؛ از این رو به همراه گروهی از سران قوم سبأ از یمن به سوی سلیمان حرکت کرد، تا ببیند سلیمان چه آیینی دارد.

۲. خبر حرکت ملکه سبأ به سلیمان رسید و او تصمیم گرفت که با انجام کاری اعجاز آمیز و قدرت نمایی شگرف، تعجب ملکه سبأ را برانگیزد و او را متوجه سازد که سلیمان به قدرت ما فوق طبیعی خدا متصل است، تا به راحتی، آیین توحید را بپذیرد.

۳. سلیمان از اطرافیان خود خواست که تخت ملکه سبأ را در مدت کوتاهی از یمن به صورت اعجاز آمیزی بیاورند، به طوری که قبل از رسیدن ملکه سبأ، تخت او نزد سلیمان باشد تا او این حرکت اعجاز آمیز را ببیند و به حقانیت نبوت سلیمان پی ببرد.

۴. دو نفر برای آوردن تخت اعلام آمادگی کردند، یکی عفریت جن بود که گفت: من قبل از آن که از جا برخیزد آن را می آورم و دیگری آصف بن برخیا بود که گفت: من آن را در کم تر از یک چشم برهم زدن می آورم. ظاهر آیه آن است که نفر دوم (یعنی آصف بن برخیا) این کار را به عهده گرفت و انجام داد.

۵. «عفریت» به معنای فرد زیرک و قوی یا فرد گردن کش و خبیث است و در این جا معنای اول مناسب تر است، زیرا این عفریت از اطرافیان سلیمان بود. (۱)

۶. در مباحث اعجاز بیان شده که افراد غیر مؤمن نیز می توانند با ریاضت های سخت و مبارزه با نفس، کارهای خارق العاده انجام دهند. هر چند کارهای آنان محدود و مغلوب است. از این رو «عفریت» زمان بیش تری را برای آوردن تخت پیشنهاد کرد؛ چون قدرت او محدودتر بود.

۷. توانایی و امانت داری دو شرط اساسی برای مأموران حکومت است و بدون آن ها کارهای جامعه به سامان نمی رسد.

۸. مفسران نام شخصی را که دانشی از کتاب داشت، «آصف بن برخیا» گفته اند، او فردی با ایمان، دانشمند و از نزدیکان سلیمان علیه السلام بود و او را وزیر و خواهر زاده سلیمان دانسته اند که وصی سلیمان نیز بود. (۲)

۹. مقصود از دانشی که آصف بن برخیا از کتاب داشت، چیست؟

او آگاهی عمیقی از کتاب های آسمانی یا لوح محفوظ (علم الهی) داشت، به طوری که به او قدرت فوق العاده ای بخشیده بود. و به همین خاطر توانست تخت ملکه سبأ را از گوشه کاخ او در یمن، در چشم برهم زدن نزد سلیمان حاضر سازد.

ص: ۳۰۶

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۶۸ و تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۱۵، ص ۴۴.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۶۹.

برخی از مفسران بر آن اند که آصف بن برخیا از «اسم اعظم الهی» با خبر بوده است؛ همان نام بزرگی که همه چیز در برابر آن خاضع می شوند و به انسان قدرت فوق العاده می دهد. البته اسم اعظم الهی از مقوله الفاظ نیست که کلمه ای گفته شود و کاری بزرگ صورت گیرد، بلکه منظور آن است که انسان محتوای نام الهی را در وجود خود پیاده کند و با آن تکامل، یابد و مظهر اسم الهی شود. این تکامل معنوی به او علم و قدرت فوق العاده می بخشد. (۱)

۱۰. سلیمان پیامبر می توانست خودش آن کار اعجاز آمیز را انجام دهد، اما خواست که مقام آصف بن برخیا، که وصی او بود، بر همگان معلوم شود و درضمن، شاگردان او بتوانند توانایی های خود را به نمایش بگذارند که دلیل بر عظمت رهبر و استاد آن ها بود.

۱۱. چرا سلیمان بدون اجازه تخت ملکه سبأ را از کاخ او خارج ساخت؟

پاسخ آن است که اولاً این کار برای هدف بزرگ هدایت او و نشان دادن معجزه بود و ثانیاً، معمولاً پادشاهان از خود چیزی ندارند، بلکه همه از آن مردم است و پیامبران نیز حق تصرف در اموال عمومی را دارند.

۱۲. در آیات فوق بیان شد که آصف، در چشم برهم زدنی، تخت ملکه سبأ را از یمن آورد و نزد سلیمان حاضر کرد. این کار خارق العاده و اعجاز آمیز بود.

خارق العاده به معنای انجام دادن کار محال نیست، بلکه به معنای آن است که شخصی بتواند با نیروی برتر، برخلاف قوانین رایج طبیعی عمل کند، و کاری را بکند که دیگران در آن شرایط نمی توانند بکنند. شاید آصف با دانش برتری که داشت تخت را به صورت امواج نور و با سرعت نور منتقل کرد یا کاری دیگر نمود.

۱۳. سلیمان نعمت ها را از خدا و وسیله ای برای امتحان سپاس گزاری خویش می دانست. این روی کرد سلیمان نسبت به نعمت های الهی، انسان را از ناسپاسی و کفران بازمی دارد و یکی از معیارهای شناخت و جدایی دنیا طلبان مغرور از مردان الهی است.

۱۴. هرکس سپاس گزاری کند به سود خودش است، زیرا شکر نعمت، نعمت افزون کند و هرکس کفران و ناسپاسی نماید به خدا زیانی نمی رساند؛ زیرا خدا توانگر است، ولی در هر حال خدا کریم است و حتی به افراد ناسپاس نعمت می دهد.

ص: ۳۰۷

۱۵. سپاس نعمت گاهی با گفتار است و گاهی با عمل. شکر عملی آن است که انسان اسراف نکند و نعمت های الهی را در مسیر و هدف اصلی مصرف کند نه در راه کفر و گناه.

۱۶. در احادیث روایت شده که برخی اصحاب از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد «کسی که دانشی از کتاب داشت» در آیه فوق پرسیدند؟

و حضرت فرمود: او وصی برادرم، سلیمان بن داود است.

و نیز از آن حضرت در مورد آیه ۴۳ سوره رعد پرسیدند که از شخصی سخن می گوید که «دانش کتاب نزد اوست»؟ حضرت فرمودند: او برادرم علی بن ابی طالب است. (۱) البته جالب آن است که در مورد آصف تعبیر «دانشی از کتاب» می کند که مقصود علم جزئی است و در مورد امام علی علیه السلام تعبیر «دانش کتاب» می کند که علم کلی است.

۱۷. در برخی احادیث حکایت شده که اصبع بن نباته از امام حسین علیه السلام در مورد اسرار پرسید از جمله در زمینه طی الارض (رفتن لحظه ای از شهری به شهر دیگر) و امام حسین علیه السلام ضمن تأیید برخی اسرار در مورد امام علی علیه السلام اصبع را از کوفه به دیدار مسجد قبا به صورت خارق عادت برد و آن را به مسأله سلیمان علیه السلام تشبیه کرد و به آیه فوق (علم الكتاب) اشاره نمود که نزد اهل بیت علیهم السلام است و آنان اهل اسرار الهی و آل الله و وارثان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

«الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ قَالَ: سَأَلْتُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: سِيدِي أَسْأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ أَنَا بِهِ مُوقِنٌ وَإِنَّهُ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَأَنْتَ الْمَسْرُورُ إِلَيْهِ ذَلِكَ السِّرُّ، فَقَالَ: يَا أَصْبَغُ! أَتَرِيدُ أَنْ تَرَى مُخَاطَبَةَ رَسُولِ اللَّهِ لِأَبِي دُونَ يَوْمِ مَسْجِدِ قُبَا؟ قَالَ: هَذَا الَّذِي أَرَدْتُ، قَالَ: قُمْ فَإِذَا أَنَا وَهُوَ بِالْكُوفَةِ فَانظُرْ فَإِذَا الْمَسْجِدُ مِنْ قَبِيلِ أَنْ يَزْتَدَّ إِلَيَّ بَصِيرِي فَتَبَسَّمْ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا أَصْبَغُ! إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ أُعْطِيَ الرِّيحَ عُذُومَهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَنَا قَدْ أُعْطِيتُ أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطِيَ سُلَيْمَانُ فَقُلْتُ صَدَقْتَ وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ (۲) وَبَيَانُ مَا

ص: ۳۰۸

۱- (۱). احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۰ - ۲۸۱ (این حدیث را گروهی از علمای شیعه و اهل سنت حکایت کرده اند).

۲- (۲). «عند آصف بن برخیا علم من الكتاب أي بعض علم الكتاب وعند الأئمة عليهم السلام علم الكتاب أي تمام علم الكتاب؛ نزد آصف برخی کتاب است و نزد ائمه علیهم السلام علم تمام کتاب است».

فِيهِ وَلَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا، لَأَنَا أَهْلُ سِرِّ اللَّهِ فَتَبَسَّمَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ: نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَوَرَثَةُ رَسُولِهِ فَقُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى ذَلِكَ» (۱).

تحلیل

بر اساس نقل فوق، امام حسین علیه السلام برای بیان قدرت خارق العاده اهل بیت علیهم السلام به آیات مربوط به سلیمان و آصف بن برخیا استشهاد نمودند. تا روشن شود که بعید نیست که خدا برخی قدرت های خارق العاده را در اختیار انسان های خاص قرار دهد. البته طی الارض و استفاده از نیروی باد برای جابه جایی در شهرها می تواند از نظریه پردازی های علمی قرآن و احادیث در زمینه انرژی های نوآمد باشد. پس این حدیث تاریخی اصبح، نوعی تعیین مصداق آیات است.

پیام ها

۱- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام حامل اسرار الهی هستند.

۲- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام برخی امور خارق العاده را انجام می دهند چون علم کتاب الهی دارند.

بیست و یکم: سوره قصص

۶۸ - مستضعفان پیروز

قصص / ۵. (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ «و می خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. هر چند این آیات در مورد پیروزی موسی و بنی اسرائیل و نابودی فرعونیان فرود آمده، اما یک قانونی کلی و امیدبخش را در مورد همه مستضعفان و مستکبران جهان بیان می کند (۲) که موسی و فرعون یکی از مصداق آن و پیروزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مصداق دیگر و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام مصداق کامل آن است.

ص: ۳۰۹

۱- (۱). المناقب، ج ۴، ص ۵۲ و البحار، ج ۴۴، ص ۱۸۴، ح ۱۱.

۲- (۲). از این رو به صورت فعل های مضارع (نرید، نم، نجعلهم و نمکن) آمده است و خود واژه «نرید» دلالت بر اراده الهی و قانون و سنت او دارد.

۲. «مَنْت» به معنای بخشیدن نعمت بزرگ و سنگین است. این واژه اگر در مورد مردم استعمال شود به معنای بازگو کردن نعمت است که کار ناپسندی است، اما در مورد خدا به معنای بخشیدن نعمت است. (۱)

۳. «مُسْتَضْعَف» به معنای فرد ضعیف و ناتوان نیست، بلکه به معنای کسی است که به ناتوانی کشیده شده و ضعیف گردیده است؛ یعنی فرد نیرومندی که از طرف ستمکاران تحت فشار قرار گرفته است و نمی تواند استعدادها و نیروهای خود را آشکار سازد.

۴. مستضعفان گاهی از ناحیه فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی ضعیف نگاه داشته شده اند، اما چیزی که قرآن بر آن تأکید بیش تری دارد، استضعاف سیاسی و اخلاقی است. آری؛ استعمارگران و استثمارگران، نخست مردم را گرفتار استضعاف فرهنگی و سیاسی می کنند، سپس منابع اقتصادی آنان را غارت می کنند و به استضعاف اقتصادی می کشانند و قدرت قیام را از آنان می گیرند.

۵. مستکبران برای نابودی مستضعفان برنامه هایی طراحی می کنند. آنان از راه تفرقه افکنی، نابودی نسل جوان و فساد وارد می شوند، همان طور که در جهان کنونی آثار آن را در توسعه فحشا، شراب خواری، مواد مخدر و بی بندوباری فرهنگی و سرگرمی های ناسالم می بینیم، اما پیامبران الهی و به ویژه قرآن کریم در همه جا به حمایت از مستضعفان برخاسته و خطرهای مستکبران فسادگر و برتری طلب را به آنان گوش زد نموده اند.

۶. در برخی از احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که: این آیه در مورد آل محمد صلی الله علیه و آله است که خدا مهدی آنان را بعد از زحمات و فشارهایی که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و آنان را عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل می سازد. (۲)

البته روشن است که حکومت جهانی امام مهدی مصداق کامل آیه است و موجب انحصار معنای آیه نمی شود، چون آیه فوق یک قانون کلی را بیان می کند که در هر زمان مصداقی دارد.

ص: ۳۱۰

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۶.

۲- (۲). الغیبه شیخ طوسی، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰.

۷. در برخی احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نگاه کرد و گریان شد و فرمود: شما مستضعفان بعد از من هستید. سپس توضیح دادند که مقصود آن است که آنان ائمه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و به آیه فوق استشهاد کردند.

و فرمودند: این آیه تا رستاخیز در مورد ما جاری است.

« الْعِجْلِيُّ، عَنِ ابْنِ زَكَرِيَا الْقَطَّانِ، عَنِ ابْنِ حَبِيبٍ، عَنِ ابْنِ بُهْلُولٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيِّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَبَكَى وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي. قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ؟ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ». (۱)

تحلیل

این حدیث از باب جری و تطبیق است که به خوبی ذیل روایت بدان اشاره شده است، یعنی آیه فوق که به صورت قاعده کلی آمده را بر مصادیق خاص یعنی ائمه اهل بیت علیهم السلام تطبیق کرده است. چرا که آنان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مستضعف و مظلوم واقع شدند ولی در نهایت وارثان زمین خواهند بود.

پیام ها

اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از مستضعفانی هستند که امام و وارث زمین خواهد شد.

بیست و دوم: سوره روم

۶۹- ویژگی های امامان

روم/ ۵۵ و ۵۶. (و يَوْمَ نَقُومُ السَّاعَةَ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ. وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ

ص: ۳۱۱

۱- (۱). معانی الاخبار، ص ۷۹؛ البرهان، ج ۳، ص ۲۱۷، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱۴؛ کتدر الدقائق، ج ۱۰، ح ۳۰، البحار، ج ۲۴، ص ۱۶۸، ح ۱، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۴.

وَ لِكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ «و روزی که ساعت (قیامت) برپا می شود، خلافکاران سوگند یاد می کنند که غیر از ساعتی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکردند! این چنین (از درک حقیقت) بازگردانده می شدند. و [لی] کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است، می گویند: «به یقین، (بر اساس آنچه) در کتاب (علم) خداست، تا روز رستاخیز درنگ کردید، و این، روز رستاخیز است و لیکن شما هرگز نمی دانستید.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «ساعه» به معنای یک لحظه ناگهانی است و به رستاخیز هم ساعه می گویند؛ چون در یک لحظه برپا می شود و یا اعمال بندگان به سرعت رسیدگی می شود. در این آیه واژه ساعه به هر دو معنا به کار رفته است.

۲. در این آیه محل توقف مجرمان مشخص نشده است، اما مفسران در این مورد دو احتمال داده اند:

الف) مقصود توقف مجرمان در دنیا باشد که هم چون لحظه ای زود گذر است.

ب) مقصود توقف خلافکاران در برزخ باشد که تا رستاخیز ادامه دارد، ولی هنگامی که به رستاخیز می رسند آن را ساعتی می پندارند. (۱)

البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد.

۳. مجرمان سوگند یاد می کنند که در دنیا یا برزخ لحظه ای بیش درنگ نکرده اند، در حالی که این مطلب دروغ است.

البته مجرمان به طور غیر عمد سوگند دروغ می خورند؛ چون واقعاً خیال می کنند که لحظه ای بیش درنگ نکرده اند. آری؛ چهره واقعی مطالب برای آنان دگرگون شده است. (۲)

۴. مقصود از «کتاب الله» در این آیات کتاب علم الهی است؛ (۳) یعنی مدت درنگ مجرمان در دنیا یا برزخ در نزد خدا مشخص و در کتاب علم او ثبت شده است.

ص: ۳۱۲

۱- (۱). صاحب تفسیر نمونه احتمال دوم را می پذیرند (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۸۳).

۲- (۲). «یؤفکون» به معنای دگرگونی چهره واقعی و انصراف از حق است.

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۳۷.

۵. در این آیات علم بر ایمان مقدم شده است. شاید این تعبیر اشاره به آن باشد که علم پایه ایمان است.

۶. مقصود از صاحبان علم و ایمان در این آیه، مؤمنان آگاه یا فرشتگان الهی هستند و در برخی احادیث آمده است که مقصود از صاحبان علم و ایمان، امامان معصوم علیهم السلام از نسل علی علیه السلام هستند. (۱)

۷. در برخی احادیث از امام رضا علیه السلام نقل شده که آیه فوق را بر فرزندان امام علی علیه السلام (حسن علیه السلام و حسین علیه السلام) تطبیق کرده و آنان را وارثان خلافت الهی و خلافت پیامبر و مقام امیرالمؤمنین معرفی کرده است. سپس ویژگی های امامان را به صورت جالب و کامل بیان کرده است:

« الطَّالِقَانِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَارُونِي، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ قَاسِمِ الرَّقَّامِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا فِي أَيَّامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَرْوٍ فَاجْتَمَعْنَا فِي مَسْجِدِ جَامِعِهَا فِي يَوْمٍ جُمُعَةٍ فِي بَدْءِ مَقْدِمِنَا فَأَدَارَ النَّاسُ أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ مَا خَاصَ النَّاسَ فِيهِ فَتَبَسَّمَ. ثُمَّ قَالَ: يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ! جَهْلَ الْقَوْمِ وَ خُدِعُوا عَنْ أَدْيَانِهِمْ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ، فِيهِ تَفْصِيلٌ كُلُّ شَيْءٍ، بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًّا، فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: (مَا فَزَّنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) ۲ وَ أَنْزَلَ فِي حَجِّهِ الْوَدَاعَ وَ هِيَ آخِرُ عُمْرِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) ۳ فَأَمَرَ الْإِمَامَةَ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى بَيَّنَ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سُبُلَهُ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ هَيْلٌ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟! إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرَائِهِمْ أَوْ

ص: ۳۱۳

يَقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ. إِنَّ الْإِمَامَةَ خَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ النَّبِيِّ وَ الْخُلَّةِ مَرْتَبَةً ثَالِثَةً وَ فَضِيلَةً شَرَفَهُ بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذِكْرَهُ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) ١ فَقَالَ الْخَلِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُورًا بِهَا وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي؟ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا- يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) فَأَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِأَنْ جَعَلَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ أَهْلَ الصَّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ) ٢ فَلَمْ تَزَلْ فِي ذُرِّيَّتِهِ يَرِثُهَا بَعْضٌ عَنْ بَعْضٍ قَرْنًا فَقَرْنًا حَتَّى وَرِثَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: (إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ) ٣ فَكَانَتْ لَهُ خَاصَّةً فَقَلَّدَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسْمِ مَا فَرَضَهَا اللَّهُ فَصَارَتْ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْغَرِ فِيَاءِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ) ٤ فَهِيَ فِي وُلْدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِذْ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَالُ؟! إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ، إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَمَّاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي، بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ النَّفْيِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِفْضَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ وَ الْإِمَامُ يَحُلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يَحْرُمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ، الْإِمَامُ، الْبَيْدُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَ الْبَلَدِ الْقَفَارِ وَ لُجْجِ الْبِحَارِ، الْخَبْرُ.

(١)

ص: ٣١٤

١- (٥). امالي، ص ٦٧٤؛ كافي، ج ١، ص ٢٠٠، ح ١؛ كمال الدين، ص ٦٦٧؛ عيون اخبار الرضا، ص ٢١٦؛ احتجاج، ص ٤٣٢؛ تحف العقول، ص ٤٣٦؛ غيبة النعماني، ص ٢١٨؛ معاني الاخبار، ص ٩٦ و بحار الانوار، ج ٢٥، ص ١٢٠، ح ٤.

صاحبان علم و ایمان شامل همه مؤمنان و دانشمندان می تواند باشد.

ولیکن روایت های فوق مصادیق کامل آیه را بیان می کند که امامان اهل بیت علیهم السلام هستند. که احاطه علمی بر دنیا و برزخ و آخرت و نسبت آن ها دارند. که مردم دیگر از این علوم بی بهره اند.

بنابراین این روایات از باب جری و تطبیق بر مصادیق کامل است.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام از صاحبان علم و ایمانی است که احاطه علمی بر دنیا، برزخ و آخرت دارد.

۲- امامت دارای جایگاه برجسته و صفات ویژه ای است.

بیست و سوم: سوره احزاب

۷۰- امامت در نسل امام حسین علیه السلام

احزاب/۶. (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا)؛ «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان، در کتاب خدا، برخی از آنان نسبت به برخی از مومنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آن که (بخواید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. هنگامی که مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان برادری بین مهاجران و انصار بستند و آنان هم چون برادران حقیقی از هم دیگر ارث می بردند.

البته این مطلب نیاز آن روز جامعه اسلامی بود؛ چرا که مهاجران از شهر مکه رانده شده بودند و اموالی نداشتند و لازم بود که با قانون ارث برادری زندگی شان تأمین گردد. سپس این آیه فرود آمد و نظام ارث بردن را بر اساس خویشاوندی قرارداد و آنان را اولی معرفی کرد و به قانون ارث بردن برادران دینی از هم دیگر پایان داد. (۱)

ص: ۳۱۵

۲. البته مقصود از اولویت در این جا، اولویت الزامی است نه استجابی، (۱) و نیز در این جا اولویت خویشاوندان را در برابر بیگانگان بیان می کند و ممکن است به اولویت برخی خویشان که نسبت به هم دیگر طبقات ارث را تشکیل می دهند نیز اشاره کند. (۲)

۳. در این آیه به ارث بردن مهاجران و انصار از یک دیگر پایان داد اما راه نیکی کردن برادران مؤمن به یک دیگر را به کلی مسدود نکرد و به مؤمنان اجازه می دهد که اگر می خواهید به دوستان و برادران خود نیکی کنید و ارثی برای آنان قرار دهید، می توانید در هنگام وصیت یا از طریق بخشش، اموالی را برای آنان قرار دهید، که این کاری پسندیده است. البته در قوانین ارث اسلامی به وصیت کننده اجازه داده شده که تا یک سوم اموال خود را برای هر کس یا هر کاری می خواهد وصیت کند.

۴. در این آیه آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است. مقصود از این جمله آن است که در مورد کلیه اختیاراتی که انسان نسبت به خویش دارد پیامبر صلی الله علیه و آله از خود او سزاوارتر است. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در تدبیر امور اجتماعی، داوری و قضاوت، حکومت، اموال و همه امور اجتماعی و فردی اولویت دارد و اراده او مقدم بر اراده مسلمانان است.

۵. از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است، اولویت و تصرفات او بر اساس مصالح و خیر افراد جامعه است و او تابع هوس خویش نیست و سود شخصی خود را محور قرار نمی دهد؛ از این رو خطری منافع جامعه و افراد را تهدید نمی کند. آری؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم نسبت به خودشان مهربان تر و خیرخواه تر است.

راست می فرمود آن بحر کرم بر شما من، از شما مشفق ترم

(مولوی)

۶. در این آیه از مقام «نبوت» سخن گفته شده نه از شخص محمد صلی الله علیه و آله و این اولویت برای مقام قرارداده شده است؛ بنابراین این اولویت شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و هر کسی که جانشین

ص: ۳۱۶

۱- (۱). صاحب تفسیر نمونه (ج ۱۷، ص ۲۰۷) در این مورد ادعای اجماع می کند.

۲- (۲). صاحب تفسیر نمونه (ج ۱۷، ص ۲۰۷) بر دیدگاه اول اصرار دارد، ولی صاحب المیزان، (ج ۱۶، ص ۲۷۷) هر دو را احتمال می دهد.

مقام او باشد می شود و در حقیقت این اولویت شاخه ای از اولویت اراده خداست زیرا ما هر چه داریم از اوست.

۷. در این آیه تصریح شده که همسران پیامبر در حکم مادران مسلمانان هستند، البته مادر معنوی و روحانی همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله پدر روحانی و معنوی امت بود.

این پیوند معنوی مسلمانان با همسران پیامبر به خاطر احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر از زحمات او بود و تأثیرش در حفظ احترام همسران شایسته و ثابت قدم او و ممنوعیت ازدواج با آن ها بود، و گرنه در مسأله ارث و محرمات سببی و نسبی دیگر تأثیری ندارد؛ از این رو هر مسلمانی می توانست با دختران همسران پیامبر ازدواج کند، در حالی که ازدواج با دختر مادر حقیقی جایز نیست. (۱)

۸. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از اولویت خویشاوندان در این آیه، همان ارث حکومت و خلافت است که در فرزندان امام حسین علیه السلام قرار گرفته است. (۲)

الف) مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضِيرٍ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَيَّلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) قَالَ: نَزَلَتْ فِي وَوَلِدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ نَزَلَتْ فِي الْفَرَائِضِ قَالَ: لَا، فَقُلْتُ: فِي الْمَوَارِيثِ، قَالَ: لَا، ثُمَّ قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْأُمَرَةِ. (۳)

ب) مُحَمَّدُ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَانَ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَعُودُ الْإِمَامَةُ فِي أَحْوَبِينَ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَبَدًا إِنَّهَا جَزَتْ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا قَالَ عَزَّوَجَلَّ: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ) فَلَا تَكُونُ بَعْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا فِي الْأَعْقَابِ وَالْأَعْقَابِ الْأَعْقَابِ. (۴)

ص: ۳۱۷

۱- (۱). برخی معاصران مثل علامه عسگری رحمه الله مادر بودن همسران پیامبر را فقط در مورد احکام، مثل ممنوعیت ازدواج با آنان، می دانست.

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۲۸۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۰۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۳۹ و تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۲.

۳- (۳). تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۴۷، ح ۴؛ البحار، ج ۲۳، ص ۲۵۷، ح ۳ و البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۶.

۴- (۴). الغیبه للطوسی، ص ۲۲۶ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۵۲، ح ۸.

این گونه احادیث بطن آیه را بیان می کنند یعنی مسأله اولویت را بعد از الغای خصوصیت تعمیم می دهد تا شامل ارث اموال و ارث خلافت گردد. از این رو در برخی احادیث مربوط تعبیر «تأویل» آیه آمده است. (۱) البته تعبیر «نزلت» نیز در روایت فوق اشاره به تطبیق بر مصداق خاص دارد که از طریق بطن و تأویل بدان دست می یابیم.

لازم به یادآوری است که ارث خلافت هم چون حکومت های پادشاهی بر اساس تولد افراد نیست بلکه بر اساس شایستگی ها و استعداد افراد است.

۲- امامت، بر اساس خواست الهی، در نسل امام حسین علیه السلام ادامه می یابد.

۷۱- امام حسین از پاکان و اصحاب کساء

احزاب / ۳۳. (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛ «و در خانه هایتان قرار گیرید و همانند خودآرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (با زیورها) خودنمایی نکنید و نماز را برپا دارید و [مالیات] زکات را پردازید و خدا و فرستاده اش را اطاعت کنید؛ خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد».

شأن نزول

داستان نزول این آیه را در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت این گونه حکایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله ، علی، فاطمه، حسن و حسین: را فراخواند و عبایی بر آنان افکند و گفت: خدایا این ها خاندان من هستند؛ آلودگی را از آن ها دور کن و آن ها را پاک گردان. پیامبر سه بار این جمله را تکرار کردند و در این هنگام این آیه فرود آمد و تطهیر و پاکی اهل بیت علیهم السلام را اعلام کرد. (۲)

ص: ۳۱۸

۱- (۱). ر.ک: البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۵ و بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۳، ح ۲۰۹.

۲- (۲). ر.ک: تفاسیر شیعه، ذیل آیه؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱؛ اسباب النزول واحدی، ص ۳۶۸؛ نمونه بینات، ص ۶۳۲ و شأن نزول آیات، ص ۴۴۸.

البته روایات در این مورد بسیار است ولی برای نمونه یک مورد را ذکر می کنیم:

« وبالإسناد قال: فأخبرني الحسن بن محمّد، حدّثنا ابن حبش المقرئ، حدّثنا أبو لُقاسم المقرئ، حدّثنا أبو زرعه، حدّثني عبد الرحمن بن عبد الملك بن شيبه، أخبرني أبو فديك، حدّثني ابن أبي ملكيه، عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر الطيار، عن أبيه قال: لَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الرَّحْمَةِ هَابِطَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ: مَنْ يَدْعُو؟ مَرَّتَيْنِ قَالَتْ زَيْنَبُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: ادْعِي لِي عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ قَالَ: فَجَعَلَ حَسِينًا عَنْ يَمِينِهِ وَحُسَيْنًا عَنْ شِمَالِهِ وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ تُجَاهَهُ ثُمَّ غَشِيَهُمْ كِسَاءً خَيْرِيًّا ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا) فَقَالَتْ: زَيْنَبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَمَّا أَذْخَلْ مَعَكُمْ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَكَانَكَ فَإِنَّكَ إِلي خَيْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (١)

نکته ها و اشاره های تفسیری

١. در این آیات پنج برنامه سازنده برای همسران پیامبر مشخص شده است؛ برنامه ها و دستوراتی که ابعاد مختلف زندگی آنان را در برمی گیرد و جایگاه بلند آنان را به عنوان مادران امت حفظ می کند و کمال می بخشد.

در این پنج برنامه، دو برنامه اجتماعی برای حفظ جایگاه و شخصیت آنان است و یک برنامه عبادی برای ارتباط با خدا و یک برنامه اقتصادی برای کمک به مردم و یک خط اساسی در پیروی از دستورات الهی.

٢. «قَرَنَ» به معنای وقار و سنگینی و متانت و کنایه از قرار گرفتن در خانه است؛

یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نباید هر روز در کوچه و بازار روان شوند و در همه مسائل دخالت کنند تا مبدا بیمار دلان از آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی سوء استفاده کنند. (٢)

٣. «تَبَرُّجٌ» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و مقصود از جاهلیت همان جاهلیت قبل از ظهور اسلام است. زنان در آن هنگام زینت ها و زیورهای خود را آشکار می کردند و حجاب درستی نداشتند. (٣)

ص: ٣١٩

١- (٢). الشواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٩، ح ٦٤٨.

٢- (٣). همان طور که در مورد عایشه در جنگ جمل اتفاق افتاد.

٣- (٤). تفسیر نمونه، ج ١٧، ص ٢٩٠.

یعنی زنان پیامبر نباید آن گونه که در جاهلیت مرسوم بود عمل کنند، بلکه لازم است حجاب خود را کاملاً رعایت کرده، زیورآلات خود را از نامحرمان بپوشانند.

۴. غیر از جاهلیت اول که قبل از اسلام بود، جاهلیت دومی نیز در راه است که در این عصر به ویژه در کشورهای غربی نمایان شده است.

عصری که زنان وسیله تبلیغات کالاهای سرمایه داران شده اند و فرهنگ برهنگی در بشریت ترویج می شود.

۵. در این آیات در میان عبادات بر نماز و زکات تأکید شده است؛ چرا که نماز مهم ترین وسیله پیوند با خداست و زکات پیوندی با مردم است.

۶. این دستورات و برنامه ها خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت برنامه ای برای همه زنان است؛ همان طور که نماز و زکات مخصوص همسران پیامبر نیست اما در مورد آنان تأکید بیش تری شده است.

۷. در میان جملات این دو آیه، آیه تطهیر وجود دارد که به پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است.

آیه تطهیر مربوط به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ چرا که:

اولاً، تمام ضمیرهای قبل و بعد آیه، مؤنث هستند، ولی ضمیرهای آیه تطهیر مذکرند.

ثانیاً، روایات زیادی در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است که بیان می کند آیه تطهیر مخصوص پنج نفر، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. بسیاری از این روایات را زنان پیامبر نیز حکایت کرده اند (۱) و «حدیث کساء» در این مورد مشهور است. بنابراین چنان که گفته شد، واژه «اهل بیت» در این جا افراد مخصوصی از اهل خانه پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

۸. «رجس» در اصل به معنای چیز ناپاک است، خواه ناپاکی از نظر طبع آدمی باشد یا بر اساس حکم شرع یا عقل و خواه پلیدی و آلودگی درونی باشد یا ظاهری و در این جا به

ص: ۳۲۰

۱- (۱). ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱ - ۵۶؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۷۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۷۷؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۸۷ - ۱۸۹ و تفسیر ثعلبی، ذیل آیه.

معنای هر گونه پلیدی و گناه است و تطهیر به معنای پاک ساختن است که در این جا تأکید بر نفی آلودگی و پلیدی است.

(۱)

۹. واژه «یرید» شامل اراده تکوینی و تشریحی خدا می شود.

اراده تشریحی همان قانون گذاری و خواستن از مردم است.

و اراده تکوینی، یعنی اراده وجودی و ایجاد چیزی به صورتی خاص.

اما در این جا اراده تکوینی مقصود است؛ چرا که اراده تشریحی مخصوص اهل بیت علیهم السلام نیست.

پس مقصود آیه آن است که خدا علاوه بر هدایت و ارشادات تشریحی، مقدمات و اسباب پاکی را برای فرهیختگان امت (اهل بیت علیهم السلام) فراهم ساخته است، و می خواهد که آنان پاک گردند.

۱۰. این آیه بر عصمت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد؛ زیرا اراده خدا تخلف ناپذیر است و واژه «انما» نیز برای حصر است و روشن می شود که اراده حتمی خدا فقط آن است که اهل بیت پاک شوند و از هر گونه پلیدی دور باشند.

۱۱. معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام به معنای جبر نیست، چون آنان علاوه بر لیاقت ذاتی و موهبتی از طرف خدا، دارای شایستگی های اکتسابی هستند و با اراده خویش گناه نمی کنند و با این عصمت ارادی می توانند الگوی دیگران قرار گیرند.

۱۲. چرا آیه تطهیر در لایه لای آیات مربوط به زنان پیامبر قرار گرفته است و به وسیله ضمائر و روایات از جملات قبل و بعد متمایز شده است؟

مفسران در پاسخ به این پرسش چند مطلب بیان کرده اند:

الف) این نخستین بار نیست که قرآن یک جمله معترضه در لایه لای آیات می آورد، برای مثال در آیه سوم سوره مائده نیز آیه «اکمال» به صورت معترضه بین آیات مربوط به غذاهای حرام آمده است و این روش ادیبان عرب است که در اشعار آنان نیز نمونه دارد؛ همان طور که در ادبیات فارسی و غیر آن نیز از این شیوه استفاده می شود تا مطلبی برجسته شود یا تذکری در لایه لای مطلب آورده شود.

ص: ۳۲۱

ب) قرآن با بیان «آیه تطهیر» می‌خواهد به زنان پیامبر گوش زد کند که شما در کنار افرادی معصوم قرار دارید؛ پس مراقب اعمال خود باشید؛ به عبارت دیگر عصمت اهل بیت پیامبر را به رخ همسران پیامبر می‌کشد، تا آنان را برای پذیرش دستورات قبل و بعد این آیه بیش‌تر آماده کند، و لازمه این مطلب آن بوده که آیه تطهیر در کنار آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شود.

تحلیل

آیه تطهیر بر اساس روایات شأن نزول در مورد پنج نفر از جمله امام حسین علیه السلام نازل شده است. بنابراین تفسیر این آیه در مورد آن‌هاست.

پیام‌ها

بر اساس اراده الهی امام حسین علیه السلام از پاکان و معصومان است (پس پیروان او هم تلاش کنند پاک باشند تا حسینی گردند).

بیست و چهارم: سوره فاطر

۷۲- پیشگامان نیکوکاری

فاطر / ۳۲. (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ)؛ «سپس کتاب (قرآن) را به کسانی از میان بندگانشان که برگزیدیم به ارث دادیم؛ پس، برخی از آنان به خودشان ستم کردند و برخی از آنان معتدل بودند و برخی از آنان به رخصت الهی به نیکی‌ها پیشی گیرنده‌اند؛ این فقط فضیلت بزرگ است».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. خدا قرآن را به گروهی ارث داد؛ یعنی قرآن بدون زحمت و داد و ستد به دست مسلمانان رسید.

۲. مسلمانان در برابر قرآن سه گروه شدند و سه واکنش متفاوت نشان دادند:

اول، گروهی از مسلمانان در وظیفه پاسداری از قرآن کوتاهی کردند و به احکام آن عمل نکردند و بدین صورت بر خویشتن ستم نمودند.

دوم، گروهی راه میانه را انتخاب کردند و به پاس داری از قرآن پرداختند، اما در این راه نارسایی هایی نیز داشتند.

و سوم، گروه ممتازی که وظایف خود را در پاس داری و عمل به قرآن به خوبی انجام دادند و بر همگان پیشی گرفتند و دارای فضیلت بزرگی شدند.

۳. در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از گروه اول، یعنی ستمکاران به خود، کسانی هستند که امام خویش را نمی شناسند؛ و منظور از گروه دوم، یعنی افراد معتدل، پیروان عارف امامان علیهم السلام هستند و منظور از گروه سوم، یعنی پیشی گیرندگان در نیکی ها، همان امامان معصوم علیهم السلام هستند. (۱)

مانعی ندارد که مقصود از «برگزیدگان الهی» که کتاب قرآن به آنان داده شده است، برخی از مسلمانان باشند و این تعبیرات در قرآن مکرر آمده که مطلبی را که مخصوص برخی مردم است به همه آنان نسبت می دهد.

از این رو در برخی احادیث آمده است که مقصود از برگزیدگان، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از نسل فاطمه علیها السلام هستند. (۲)

یعنی همه مردم شریک در وراثت قرآن هستند، ولی پاس داران حقیقی فقط یک گروه از سه گروه مردم هستند. (۳)

۴. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از ظالمان، نیکوکاران گناهکار هستند و منظور از معتدل، افراد متعبد تلاشگر هستند و مقصود از پیشگامان نیکوکاری امام علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و شهدای آل محمد صلی الله علیه و آله هستند.

«عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مِنَّا فَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا وَ أَمَّا الْمُفْتَصِّدُ فَهُوَ الْمُتَعَبِّدُ الْمُجْتَهِدُ وَ أَمَّا السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ فَعَلِي وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مَنْ قُتِلَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَهِيدًا». (۴)

ص: ۳۲۳

۱- (۱). معانی الاخبار، ص ۱۰۴؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۱۳ - ۲۱۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۶۱ و تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲- (۲). احتجاج، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۱۵ و ج ۴۶، ص ۱۸۰؛ تفسیر نور الثقلین، همان جا و تفسیر صافی، همان جا.

۳- (۳). تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۴۵.

۴- (۴). المناقب، ج ۴، ص ۱۳۰، البحار، ج ۲۳، ص ۲۲۳، ح ۳۴.

این گونه احادیث مصادیق روشن آیه را بیان می کنند و به معنای انحصار معنای آیه در این موارد نیستند.

به عبارت دیگر امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق روشن و کامل پیشگامان نیکوکاری است که با عمل به قرآن و نهی از منکر با اهدای خون خویش قرآن و اسلام را زنده کرد.

پیام ها

امام حسین علیه السلام از پیشگامان نیکی بود (شما هم این گونه باشید).

بیست و پنجم: سوره صافات

۷۳- ناراحتی ابراهیم علیه السلام برای امام حسین علیه السلام

صافات / ۸۸ - ۹۶. (فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَيِّئٌ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ فَرَاغَ إِلَى آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ قَالَ أَعْمِدُونَ مَا تَنْحِتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ) ؛ «پس با نگاهی به ستارگان درنگریست، و گفت: «درحقیقت من بیمارم.» پس (مشرکان) پشت کرده، از او روی برتافتند. پس به سوی معبودانشان روی کرد و گفت: «آیا [غذا] نمی خورید؟! شما را چه شده که سخن نمی گوید؟!» پس با ضربه (ی قدرتمند دست) راست، به سوی آن (معبود)ها روی آورد، و (مشرکان) شتابان به سوی او آمدند. (ابراهیم) گفت: آیا آنچه را می تراشید می پرستید، و حال آن که خدا شما و آنچه را می سازید، آفریده است!؟».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. برخی از مفسران حکایت کرده اند که بت پرستان بابل هر سال مراسم عید مخصوصی داشتند آنان غذاهایی در بت خانه ها آماده می کردند و دسته جمعی به بیرون شهر می رفتند و در پایان روز باز می گشتند تا به نیایش و صرف غذا پردازند.

آنان از ابراهیم علیه السلام نیز دعوت کردند که همراه آنان به بیرون شهر برود، ولی او نپذیرفت و بیماری خویش را بهانه ساخت و در شهر ماند و از فرصت به وجود آمده استفاده کرد و به بت خانه رفت و همه بت ها را شکست.

و هنگامی که مشرکان به شهر بازگشتند و بت خانه را ویران شده یافتند، متوجه شدند که کار ابراهیم علیه السلام است؛ چرا که او با آیین بت پرستی مخالفت می کرد؛ از این رو به سراغ او آمدند و تصمیم گرفتند که وی را در آتش افکنند اما خدا او را نجات داد. (۱)

۲. چرا ابراهیم علیه السلام به ستارگان نگاه کرد و گفت من بیمارم؟

در این جا مفسران سه پاسخ داده اند:

الف) مردم بابل در نجوم و کیهان شناسی مطالعاتی داشتند و حتی ستارگان را در سرنوشت خود مؤثر می دانستند و به وسیله آن ها آینده را پیش گویی می کردند.

ابراهیم به ستارگان نگاه کرد تا مشرکان بپندارند که او از مطالعه ستارگان وضع آینده و خود را پیشگویی می کند و قانع شوند و او را در شهر تنها بگذارند و بروند.

ب) نگاه ابراهیم به ستارگان برای مطالعه در اسرار آفرینش بود، هر چند مردم نگاه او را نگاه یک منجم می پنداشتند.

ج) ابراهیم علیه السلام به یک نوع بیماری (هم چون تب) مبتلا بود که در فواصل زمانی خاصی به سراغ او می آمد و می خواست با نگاه به وضعیت ستارگان و شناخت زمان، زمان بیماری خود را مشخص سازد. (۲) البته مانعی ندارد که هر سه احتمال صحیح باشد؛ چون هر سه قابل جمع است.

۳. آیا واقعاً ابراهیم علیه السلام بیمار بود؟

مفسران در این جا چند پاسخ داده اند:

الف) ابراهیم واقعاً بیماری جسمی داشت، ولی بیماری خود را بهانه کرد تا از شهر بیرون نرود و بتواند بت ها را بشکند.

ب) او جسمش بیمار نبود بلکه روحش در اثر کفر و شرک و ستم مردم ناراحت و بیمارگونه بود.

ج) او واقعاً بیمار نبود ولی «توریه» کرد؛ یعنی سخنی گفت و معنای صحیحی را اراده کرد، ولی مخاطب برداشت دیگری کرد؛ یعنی او می خواست بگوید که من در آینده بیمار می شوم، ولی مخاطب گمان کرد او همان موقع بیمار است. (۳)

ص: ۳۲۵

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۹۰.

۲- (۲). همان، ص ۹۱.

۳- (۳). در مورد توریه گفته اند که اگر لفظ، تحمّل دو معنا را داشته باشد و مفسده ای بر آن مترتب نباشد، حرام نیست و

دروغ به شمار نمی آید.

البته پاسخ و تفسیر اول و دوم با ظاهر آیه سازگارتر است.

۴. ابراهیم علیه السلام می دانست که بت ها سخن نمی گویند و غذا نمی خورند ولی با پرسش از آن ها عقاید مشرکان را به ریشخند گرفت و بطلان آن ها را اثبات کرد.

۵. مقصود از زدن ضربه به بت ها با دست راست آن است که ابراهیم علیه السلام واقعاً با دست راست بت شکنی کرد و یا این که با قدرت اقدام به این کار نمود.

۶. در این آیات بیان شده که ابراهیم علیه السلام دو استدلال برای بطلان بت پرستی بیان کرد:

الف) انسان عاقل چیزی را که خود می سازد نمی پرستد و در برابر آن کرنش نمی کند؛ چون ساخته انسان از خود او ضعیف تر است.

ب) خدا خالق شما و خالق ساخته های شماست، پس باید او را پرستش کنید. (۱)

۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که با اشاره به آیه فوق فرمودند:

ابراهیم علیه السلام بر اساس آنچه از وقایع امام حسین علیه السلام دید گفت من بیمارم.

« محمد بن یعقوب، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ، عَنْ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ) ۲ قَالَ حَسَبَ فَرَأَى مَا يُحِلُّ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنِّي سَقِيمٌ (۲) [لَمَّا يُحِلُّ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]».

تحلیل

این گونه احادیث ممکن است به این مطلب اشاره داشته باشد که مقصود از نگاه حضرت ابراهیم علیه السلام به ستارگان همان نظر به ملکوت است که در آنجا وقایع امام حسین علیه السلام و کربلا را دید و ناراحت شد. پس این گونه احادیث به تأویل و باطن آیه اشاره دارد و گرنه ظاهر آیه همان جوهری است که در تفسیر آیه آوردیم.

ص: ۳۲۶

۱- (۱). «ما» در «ما تعملون»، موصوله است؛ یعنی خدا شما و مصنوعات شما را آفریده است ولی ممکن است «ما» مصدریه باشد، یعنی خدا شما و اعمال شما را آفریده است. ولی معنای اول با ظاهر و سیاق آیه سازگارتر است و معنای دوم نیز مستلزم جبر نیست؛ چون مقدمات و نیروهای لازم برای اعمال ما را خدا آفریده است هرچند انسان مختار و آزاد است (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۰۱).

۲- (۳). الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵؛ البحار، ج ۴۴، ص ۲۲۰؛ ح ۱۲؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۱ و تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۲۷۳.

سرنوشت امام حسین علیه السلام مورد توجه پیامبران بزرگ الهی بوده است و به خاطر آن ناراحت می شدند. (شما هم اینگونه باشید).

۷۴- امام حسین علیه السلام قربانی عظیم الهی

صافات / ۱۰۲ - ۱۰۷. (فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُحِينُ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ)؛ «و هنگامی که (پسر) به حد [کار و] کوشش با او رسید، گفت: «ای پسر کم! در حقیقت، من در خواب می بینم که من تو را سر می برم؛ پس بنگر چه به نظرت می رسد؟» (اسماعیل) گفت: «ای پدرم! آنچه را مأموریت داری انجام بده؛ اگر خدا بخواهد، به زودی مرا از شکیبایان خواهی یافت.» و هنگامی که هر دو تسلیم شدند و او را به پیشانی بر خاک نهاد، و او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! به یقین، آن خواب را تأیید کردی (و تحقق بخشیدی)». در واقع، این گونه، نیکوکاران را پاداش می دهیم. قطعاً، این تنها آزمایشِ روشنگر بود؛ و قربانی بزرگی را تاوان او دادیم».

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

۱. در این آیات ماجرای امتحان بزرگ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بیان شده است. هنگامی که اسماعیل علیه السلام به سن نوجوانی (یعنی حدود ۱۳ سالگی) رسید، ابراهیم علیه السلام در خواب دید که فرزندش را با دست خود قربانی می کند و این خواب سه بار در شب هشتم، نهم و دهم ذی الحجه تکرار شد و ابراهیم علیه السلام دریافت که این خواب وحی الهی و خواست خداست. او این مطلب را با فرزندش اسماعیل علیه السلام در میان گذاشت و وی اعلام کرد که تسلیم فرمان حق است و در این راه شکیاست.

مقدمات کار فراهم شد و حضرت ابراهیم اسماعیل را به بیرون از مکه، به دور از چشم مادر در سرزمین منی برد و صورت او را بر خاک نهاد تا چشم وی به چشم فرزند نیفتد و کارد را بر گلوی فرزند کشید، ولی کارد نبرید.

آری؛ خلیل می گفت بُر و جلیل فرمان می داد که تَبْر و در این هنگام ندا آمد که شما در آزمایش الهی پیروز شدید و هر دو به همراه جبرئیل تکبیر گفتند و سپس به فرمان الهی گوسفندی بزرگ فرستاده شد تا به جای اسماعیل علیه السلام قربانی شود. (۱)

۲. روش ابراهیم علیه السلام در مورد قربانی گوسفند در «مِنی» الگویی برای همه حاجیان در مراسم حج شد و هرساله میلیون ها قربانی در همان مکان به یاد فداکاری ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام انجام می گیرد و خاطره این دو مرد الهی را زنده می سازد.

۳. همان طور که ذیل آیات قبل بیان شد، از ظاهر این آیات، با توجه به آیه ۱۱۲ سوره صافات، استفاده می شود که شخص قربانی شده همان اسماعیل علیه السلام بوده و این مطلب در احادیث نیز آمده است. (۲)

از تورات کنونی استفاده می شود که آن شخص اسحاق علیه السلام بوده (۳) اما این مطلب با ظاهر قرآن و تاریخ ابراهیم علیه السلام ناسازگار است. (۴)

۴. چگونه ابراهیم علیه السلام براساس خواب خویش فرزند خود را به قربانگاه می برد؟

پاسخ آن است که خواب پیامبران هرگز خواب شیطانی و دروغ و اشتباه نبوده، بلکه گاهی در خواب به آنان وحی می شده است؛ بنابراین ابراهیم علیه السلام براساس وحیی که در خواب به او رسیده بود مأمور قربانی کردن فرزند شده بود.

سر تسلیم من و خشت در میکده ها مدعی گر نکند فهم سخن، گو سر و خشت

(حافظ)

۵. آیا واقعاً ابراهیم علیه السلام مأمور قربانی کردن فرزندش بود؟

پاسخ آن است که فرمان قربانی کردن اسماعیل، از اوامر امتحانی بود؛ در بعضی از فرمان ها قصد جدی نسبت به اصل عمل نیست، بلکه هدف آزمایشگر آن است که مقدار

ص: ۳۲۸

۱- (۱). من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۰ و امالی طوسی، ص ۳۳۸ و ۴۶۵.

۲- (۲). خصال، ج ۱، ص ۵۷؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۱۰ - ۷۱۱ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۲۱ - ۴۲۲.

۳- (۳). تورات، سفر تکوین، فصل ۲۲.

۴- (۴). از این جا روشن می شود که روایات غیر معروفی که در منابع اسلامی در مورد قربانی شدن اسحاق آمده است، از اسرائیلیات است.

فرمان پذیری مأمور را روشن کند و این در حالی است که شخص مورد آزمایش از اسرار پشت پرده آگاه نیست از این رو اطاعت فرمان فضیلتی بزرگ برای او به شمار می آید.

پس در اوامر امتحانی نسخ صورت نمی گیرد و فاقد ارزش نیست. (۱)

۶. گفت و گوی ابراهیم و اسماعیل در آستانه قربانی کردن او، نکات جالبی را در بردارد:

الف) ابراهیم با صراحت خواب خود را با فرزند در میان می گذارد و از او نظرخواهی می کند تا آگاهانه به قربانگاه برود و در مبارزه با نفس شرکت جوید.

ب) اسماعیل نمی گوید که مرا قربانی کن، بلکه می گوید: بدانچه فرمان داده شده ای عمل کن؛ و بدین ترتیب، تسلیم بودن محض خود را نشان می دهد.

مترس از جان فشانی گر طریق عشق می پویی چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی

(پروین)

ج) آنان با خطاب «ای پدرم!» و «ای پسرکم!» محبت خود را به یک دیگر ابراز می کنند؛ یعنی انجام این فرمان از عواطف پدر و فرزندى مان نمی کاهد، ولی فرمان خدا حاکم بر همه چیز است.

زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت کآن که شد کشته او نیک سرانجام افتاد

(حافظ)

د) اسماعیل ادب را در برابر خدا نگاه می دارد و به نیروی ایمان و اراده خود تکیه نمی کند، بلکه می گوید: اگر خدا بخواهد، من شکیبیا هستم و بدین ترتیب از خدا توفیق استقامت می طلبد.

۷. قرآن این ماجرا را امتحان بزرگ می نامد؛ پدری که عمری در انتظار فرزند بوده و او را بزرگ کرده است، باید به دست خود او را سر ببرد و از آن مهم تر تسلیم این فرزند در برابر فرمان خداست؛ از این رو پس از پایان این ماجرا جبرئیل صدا زد:

اللّٰه اکبر

ص: ۳۲۹

و اسماعیل صدا زد: لا اله الا الله والله اکبر

و ابراهیم صدا زد: الله اکبر والله الحمد.

و هنوز این کلمات (به صورت مشابه) در روز عید قربان بعد از نمازها گفته می شود. (۱)

۸. مقصود از قربانی بزرگی که جای اسماعیل را گرفت و بلاگردان او شد، همان قوچ بزرگی بود که جبرئیل آورد و به فرمان خدا از دامنه کوه منی سرازیر شد.

البته عظمت این قربانی، یا از جهت بزرگی جسمی اش بود، یا از این جهت که فدای اسماعیل می شد و یا از آن نظر که قربانی از طرف خدا فرستاده شده بود.

آری؛ این قربانی عظیم هرسال بر وسعتش افزوده می شود و در عید قربان میلیون ها قربانی به یاد اسماعیل علیه السلام صورت می گیرد.

۹. در برخی احادیث آمده است که هنگام قربانی کردن اسماعیل، شیطان به سراغ هاجر و اسماعیل آمد تا آن ها را وسوسه کند ولی موفق نشد، سپس به سراغ ابراهیم علیه السلام در مشعر الحرام آمد، ولی ابراهیم محل قربانی را تغییر داد و به منی آمد و سه بار به شیطان سنگ پرتاب کرد، که آن سه مکان «جمرات» خوانده می شود. حاجیان هرساله در همان سه مکان، هر بار هفت سنگ به جمرات سه گانه می زنند تا ابراهیم وار شیطان را بشناسند و سنگسارش کنند و از وسوسه های او دور شوند. (۲)

۱۰- در برخی احادیث از امام رضا علیه السلام حکایت شده که ابراهیم علیه السلام آرزو داشت دستور الهی را در مورد قربانی فرزندش عمل کند تا به ثواب اطاعت الهی برسد ولی خدای متعال به او وحی کرد که در بین فرزندان او از نسل ابراهیم محبوب ترین فرد یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود که فرزند او یعنی حسین علیه السلام به ستم کشته می شود.

و ابراهیم علیه السلام گریه کرد و ثواب کامل به او داده شد. و این آیه (وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ) ۳ و قربانی بزرگی را تاوان او دادیم.) در این مورد است.

ص: ۳۳۰

۱- (۱). همان، ص ۱۱۶؛ الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۲ و کشف الاسرار، ج ۸، ص ۲۹۳.

۲- (۲). کافی، ج ۴، ص ۲۰۷ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۲۷.

۷۵- حاملان عرش الهی

غافر / ۷. (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ)؛ «کسانی که تخت (جهان داری و تدبیر هستی) را بر دوش می کشند و کسانی که اطراف آن هستند، با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان می آورند و برای کسانی که ایمان آورده اند طلب آمرزش می کنند (و می گویند: ای) پروردگار ما! رحمت و علم تو بر همه چیز گسترده است؛ پس کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیروی کردند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیه چند نکته را به مردم گوش زد می کند:

الف) به آنان گوش زد می کند که تنها شما نیستید که خدا را عبادت می کنید، بلکه فرشتگان عرش الهی نیز به تسبیح و حمد او مشغول اند.

ب) به مؤمنان یادآوری می کند که فرشتگان عرش الهی حامی و دعاگوی شما نیستند پس احساس تنهایی نکنید.

ج) به مؤمنان توبه به کار وعده آمرزش و دوری از عذاب می دهد.

۲. فرشتگان در دعای خود نخست آمرزش مؤمنان و پاک شدن آنان را می طلبند؛ در مرحله دوم تقاضای دوری آنان از عذاب می کنند تا مؤمنان آرامش یابند؛ در آیات بعد در مرحله سوم، تقاضای بهشت برای مؤمنان می کنند و در مرحله چهارم تقاضای دور شدن بدی ها را دارند تا در نتیجه مشمول رحمت الهی و رستگاری بزرگ شوند.

۳. «عرش» در اصل به معنای سقف یا تخت پایه بلند است و مقصود از عرش الهی، یا مالکیت و حاکمیت خداست و یا علم بی پایان او و یا صفات کمال و جمال او که در این جا معنای اول مناسب تر است.

و منظور از فرشتگان حامل عرش، همان مأمورانی هستند که دستورات خدا را در جهان اجرا می کنند و به فرمان خدا، پایه های تدبیر جهان به دوش آنهاست. (۱)

ص: ۳۳۲

۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام واژه عرش به معنای علمی که پیامبران را از آن مطلع کرده است، آمده است. (۱)

و نیز در برخی احادیث آمده است که: «قلب مؤمن، عرش رحمان است». (۲)

پس واژه «عرش» در معنای مختلفی در قرآن و احادیث به کار رفته است و کنایه از حکومت و مالکیت و تدبیر جهان هستی یا به معنای عالم بالا- یا مجموعه جهان هستی است و از آن جا که ذات پاک خدا از علم او جدا نیست، به معنای علم خدا نیز استعمال شده و از آن جا که قلب و روح مؤمن جایگاه معرفت خداست، بدان عرش گفته شده است.

۵. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام نقل شده که حاملان یا اطرافیان عرش الهی محمد و علی و حسن و حسین (و نوح) و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی هستند:

« عن جعفر بن محمد بن مالک، عن أحمد بن الحسين العلوي، عن محمد بن حاتم، عن هارون بن الجهم، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: في قوله تعالى: (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ)؛ ۳ قال: يغني محمدًا وعليًا والحسن والحسين [ونوحًا] وإبراهيم وإسماعيل وموسى وعيسى عليهم السلام». (۳)

تحلیل

این گونه احادیث مصادیق مهم حاملان یا اطرافیان عرش الهی را مشخص کرده است و منافاتی ندارد که برخی فرشتگان نیز از حاملان یا اطرافیان عرش الهی باشند. چون این دو مطلب با هم دیگر قابل جمع است.

آری پیامبران و امامان که حامل علم الهی هستند و نوعی حامل عرش الهی و مجری دستورات خدای متعال هستند.

پیام

امام حسین علیه السلام از حاملان یا اطرافیان عرش الهی است.

ص: ۳۳۳

۱- (۱). معانی الاخبار، ص ۲۹ و بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۲۸.

۲- (۲). «ان قلب المؤمن عرش الرحمن» (همان، ص ۳۹).

۳- (۴). الفرات، ج ۱، ص ۳۷۵؛ ح ۵۰۴؛ البحار، ج ۵۵، ص ۳۵؛ ح ۵۶ و ج ۲۴، ص ۹۰؛ ح ۸ و البرهان، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶.

۷۶- دوستی امام حسین علیه السلام پاداش رسالت

شوری / ۲۳. (ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسَيْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ)؛ «این (همان) چیزی است که خدا بندگان را که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده اند، (بدان) مژده می دهد. بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی طلبم، جز دوستی در (مورد) نزدیکان.» و هر کس نیکی را به دست آورد، برای او در آن نیکی می افزایم. به راستی که خدا بسیار آمرزنده [و] بسی سپاس گزار است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در مورد این آیه چهار تفسیر درباره «القربى» ارائه شده است:

الف) مقصود نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی اهل بیت علیهم السلام هستند، که محبت آن ها مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و وسیله ای برای قبول امامت آنهاست که استمرار نبوت است.

ب) مقصود چیزهایی است که انسان را به خدا نزدیک می سازد. (۱)

ج) مقصود آن است که خویشاوندان خودتان را دوست داشته باشید و صله رحم کنید.

د) مقصود حفظ حرمت خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله توسط قبایل عرب است که پیامبر از طریق نسبی یا سببی با آن ها خویشاوند بود.

البته تفسیر سوم و چهارم با مزد رسالت تناسبی ندارد و تفسیر دوم نیز مناسب نیست؛ چرا که مسلمانان همگی نزدیک شدن به خدا را دوست دارند و نیازی نبود که بر آن تأکید شود و مزد رسالت قرار گیرد و دوستی اموری که انسان را به خدا نزدیک می کند کافی نیست، بلکه دستور به اطاعت خدا لازم بود که در آیه نیامده است. بنابراین تفسیر اول مناسب ترین تفسیر است که مورد قبول جمعی از مفسران قدیمی و تمام مفسران شیعه است و روایات زیادی آن را تأیید می کند. (۲)

ص: ۳۳۴

۱- (۱). این تفسیر مورد قبول جمعی از مفسران اهل سنت است.

۲- (۲). حاکم حسکانی (از علمای اهل سنت قرن پنجم هجری) از شش طریق از ابن عباس و دیگران نقل می کند که مقصود از «القربى» علی علیه السلام و فاطمه و فرزندان آن ها هستند (شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸۶ - ۱۹۶)؛ تفسیر روح البیان، ج ۸، ص ۳۱۱؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۷، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۵۹۵ و تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰.

البته در قرآن در پانزده مورد دیگر که واژه «القربی» به کار رفته است، به معنای خویشاوندان نزدیک است.

۲. در آیات متعدد قرآن به پیامبر دستور داده شده که بگوید: من مزدی برای رسالت خود از شما نمی خواهم (۱) و اگر پاداشی از شما بخواهم برای خود شماست؛ (۲) آن هم برای کسانی که بخواهند راهی به سوی خدا برگزینند. (۳)

و در نهایت در آیه فوق، مزد رسالت را دوستی اهل بیت علیهم السلام معرفی کرده است که ادامه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و موجب هدایت مردم به سوی خداست؛ یعنی سود آن به کسانی می رسد که این محبت را داشته باشند.

۳. با توجه به این که سوره شوری، در مکه نازل شده است، نزول این آیه در مورد محبت آل محمد صلی الله علیه و آله اهمیت دو چندان پیدا می کند؛ چرا که روشن می شود دوستی اهل بیت علیهم السلام از اوایل اسلام و در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند مورد عنایت الهی بوده و بر آن تأکید شده و آن را مزد رسالت قرار داده اند و این در حالی است که در مکه شیعه و اهل سنت به معنای امروز وجود نداشت.

۴. از این آیه مقام معنوی اهل بیت و خویشاوندان و آل محمد علیهم السلام به خوبی استفاده می شود و مفسران اهل سنت در این مورد حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت کرده اند که فرمود: هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید، آمرزیده، توبه کار، با ایمان کامل و با مژده به بهشت مرده است.

و هر کس با دشمنی آل محمد از دنیا برود، مأیوس از رحمت الهی و کافر از دنیا رفته که بوی بهشت را نمی شود. (۴)

۵. جالب آن است که در این آیه نفرمود پاداش رسالت پیامبر محبت یا عشق به اهل بیت است، بلکه فرمود: «پاداش رسالت پیامبر مودت اهل بیت علیهم السلام است.» و مودت کم ترین مرحله محبت است (۵).

ص: ۳۳۵

۱- (۱). سوره شعراء، آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰.

۲- (۲). سوره سبأ، آیه ۴۷.

۳- (۳). سوره فرقان، آیه ۵۷.

۴- (۴). تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰ - ۲۲۱ و تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۷، ص ۱۶۵ - ۱۶۶ و تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۵۸۴۳.

۵- (۵). ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «ود» و «حب».

یعنی وظیفه امت اسلام را آسان کرد، و مراحل عالی محبت و عشق به اهل بیت را بر مردم واجب نکرد بلکه اشاره کرد که اگر کسی کوچک ترین دوستی و محبتی به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، پاداش رسالت را به انجام رسانده است، یعنی پایین ترین مرحله محبت اهل بیت علیهم السلام که همان مودت است موجب نجات و سعادت می شود تا چه رسد به مراحل عالی دوستی، محبت و عشق به آنان که انسان را به پیروی از آنان و الگو قرار دادن آن ها و مراحل عالی کمال می رساند.

۶. در این آیه به این قانون کلی در مورد کسب نیکی ها و حسنات اشاره شده است که هر کس نیکی به دست آورد، خدا بر آن می افزاید و بدان برکت می دهد و نیکی کارش را افزون می سازد و پاداش زیادتر به او می دهد.

۷. در برخی احادیث از امام حسن علیه السلام و ابن عباس و دیگران حکایت شده که مقصود از «حسنه» در این آیه دوستی اهل بیت علیهم السلام است. (۱)

البته روشن است که دوستی اهل بیت علیهم السلام یکی از مصادیق کامل قانون کلی آیه فوق است ولی معنای آیه وسیع است و شامل هرگونه کار نیک می شود.

۸. در منابع حدیث شیعه و اهل سنت به طور مکرر حکایت شده که این آیه در مورد خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است؛ از جمله در منابع حدیثی اهل سنت آمده است که:

وقتی این آیه فرود آمد، مردم گفتند: ای رسول خدا! مقصود از خویشاوندان تو کیست که دوستی آنان بر ما واجب شده است؟

پیامبر فرمودند: علی و فاطمه و فرزندان آنها، (و پیامبر این مطلب را سه بار تکرار کرد). (۲)

و در برخی دیگر نام حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام آمده است:

الف) « بطرق مختلفه، عَنِ الْحُسَيْنِ الْأَشَقَرِ، عَنِ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ سَعِيدِ

ص: ۳۳۶

۱- (۱). حاکم حسکانی این مطلب را از پنج طریق نقل می کند (شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۱۵).

۲- (۲). حاکم حسکانی (ق ۵۰ هجری) در کتاب شواهد التنزیل، (ج ۲، ص ۱۸۹ - ۱۹۶) از شش طریق مضمون روایت فوق را نقل می کند. و نیز ر.ک: تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۲؛ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۲.

بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الْآيَةُ: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى) ١ قَالُوا: [قُلْتُ]: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قَرَابَتِكَ الَّذِينَ [افْتَرَضَ اللَّهُ] عَلَيْنَا مَوَدَّتْهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَوُلْدُهُمَا [ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا] . (١)

(ب) « وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى) قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قَرَابَتِكَ الَّذِينَ وَجَبَتْ مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا. رَوَاهُ الثَّعْلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ بِهَذِهِ الْأَلْفَاظِ وَالْمَعَانِي وَرَوَى أَيْضًا فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَالَ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَسَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ . (٢)

تحليل

این گونه احادیث تفسیر آیه به شمار می آید یعنی مفهوم و مصادیق «فی القربی» را توضیح می دهد که امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق مهم آن است. البته مصادیق خویشاوندان پیامبر در هر عصری، افراد جدیدی هستند.

پیام ها

۱- دوستی اهل بیت صلی الله علیه و آله از جمله امام حسین علیه السلام پاداش رسالت پیامبر اسلام است.

۲- اگر می خواهید حق پیامبر را اداء کنید به امام حسین علیه السلام محبت و رزید.

بیست و هشتم سوره زخرف

۷۷- امامت در نسل امام حسین علیه السلام

زخرف / ۲۶- ۲۸. (وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِاَبِيهِ وَقَوْمِهِ اِنِّىۤ اَبْرَءٌۭ بِرَءٍۭ مِّمَّا تَعْبُدُوْنَۙ اِلَّا الَّذِىۤ فَطَرَنِىۤۤ اِنَّهُۥ سَيَّهِّدُنِىۤۤ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةًۭ بَاقِيَةًۭ فِىۤ عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ) ؛ «و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی)ش و قومش گفت: «در حقیقت، من نسبت به آنچه (شما) می پرستید غیر متعهدم. جز کسی که مرا آفریده، و البته او به زودی [مرا] ره نمون شود.» و آن (توحید) را بعد

ص: ۳۳۷

۱- (۲) . شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۲۳ و ما بین المعقوفین فی البحار، ج ۲۳، ص ۲۴۱، ح ۱۲.

۲- (۳) . الطرایف، ص ۱۱۱ و البحار، ج ۳۷، ص ۶۵.

از خود (و فرزندانش) سخنی ماندگار قرار داد؛ باشد که آنان (به سوی خدا) بازگردند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. ابراهیم علیه السلام یکی از بزرگ ترین پیامبران الهی و نیای اعراب است. او می تواند الگوی خوبی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مسلمانان و اعراب باشد؛ چرا که:

اولاً، در برابر او کسانی بودند که بر تقلید از پدرانشان تأکید می کردند.

ثانیاً، او با تقلید از پدران و شرک و بت پرستی مبارزه کرد.

ثالثاً، او می توانست الگویی مناسب برای اعرابی باشد که می خواستند از پدران خود پیروی کنند.

و رابعاً، سرگذشت او نوعی دل داری به پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که چگونه او با شرک و تقلید مبارزه کرد و پیروز شد.

۲. ابراهیم علیه السلام پرستش خدا را پذیرفت؛ (۱) چرا که:

اولاً، او آفریدگار ابراهیم علیه السلام بود.

ثانیاً، او هدایتگر ابراهیم علیه السلام بود و با هدایت تکوینی و تشریحی خود او را حمایت می کرد.

به خلاف بت ها و معبودان دروغین که کاری از آنان ساخته نبود.

۳. مقصود از «پدر ابراهیم» همان پدرِ مادر یا عموی اوست، و گرنه ابراهیم علیه السلام از نسل افراد مشرک نبود. (۲)

۴. مقصود از باقی گذاشتن کلمه در نسل ابراهیم چیست؟

مفسران در مورد این آیه چند تفسیر ارائه کرده اند:

الف) مقصود باقی گذاردن کلمه توحید توسط ابراهیم در نسل خود است.

ب) مقصود باقی گذاردن کلمه توحید توسط خدا در نسل ابراهیم است. همان طور که می بینیم، پیامبران بزرگی هم چون موسی، عیسی و محمد علیهم السلام از نسل او به وجود آمدند.

ولی مانعی ندارد که هر دو معنا مراد آیه باشد؛ چون کار خدا و ابراهیم برای باقی

- ۱- (۱). (إِلَّا الَّذِي فَطَرْنِي) می تواند استثنای منقطع یا متصل باشد؛ چون مشرکان منکر خدا نبودند و بت ها را با خدا شریک می دانستند (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۳).
- ۲- (۲). ر.ک: سوره انعام، ذیل آیه ۷۴؛ سوره توبه، ذیل آیه ۱۱۴ و سوره ممتحنه، ذیل آیه ۴ از تفسیر قرآن مهر.

گذارند کلمه توحید در طول هم است و منافاتی با هم دیگر ندارد.

۵. در برخی احادیث اهل بیت آمده است که مقصود آیه باقی گذاردن امامت در نسل ابراهیم است. و نیز در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که مقصود قرار گرفتن امامت در نسل امام حسین علیه السلام است.

« الْأَعْوَجُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَوْلِهِ: (وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ) ۱ قَالَ: جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ يُخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ تِسْعَةٌ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنْهُمْ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ » (۱).

تحلیل

این مطلب به خاطر آن است که امامت ادامه نبوت است و هر دو شعاعی از هدایت الهی اند که به ابراهیم علیه السلام عطا شده اند و یا به خاطر آن است که امامت در توحید مندرج است؛ چرا که توحید در حاکمیت و ولایت و امامت از شاخه های توحید است.

پس می تواند مقصود از «دنباله»ی ابراهیم، که توحید در آن ها پایدار شد، همان امت یا دودمان وی باشد که آل محمد علیهم السلام از مصادیق بارز آن هستند. البته احادیثی که به باقی بودن امامت در نسل امام حسین اشاره دارد به خاطر آن است که امام حسین علیه السلام از ذریه ابراهیم است که توحید در نسل او توسط امامان بعد ایشان نهادینه شده است.

بنابراین این گونه احادیث می تواند به بطن آیه اشاره داشته باشد. چون ظاهر آیه تداوم توحید بعد از ابراهیم است و با الغاء خصوصیت از آیه بر تداوم امامت در نسل امام حسین علیه السلام تطبیق شده است. که البته امامت الهی و توحید از هم جدا نمی شوند.

پیام

امامان از نسل امام حسین علیه السلام ادامه دهنده راه توحیدی ابراهیم علیه السلام هستند.

۷۸ - قیام عاشورا در علم الهی و در جلسات منافقان توطئه گرا

زخرف/۷۹-۸۰. (أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ) ؛ «بلکه (آنان) محکم کاری کردند؛ پس ما (نیز در مجازاتشان کاری)

ص: ۳۳۹

۱- (۲). المناقب، ج ۴، ص ۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۸۸؛ البحار، ج ۲۵، ص ۲۵۳، ح ۱۰؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۹۷، ح ۲۶.

محکم می کنیم. بلکه می پندارند که ما راز آنان و رازگویی شان را نمی شنویم؟! آری؛ در حالی که فرستادگان ما نزد آنان (اعمالشان را) می نویسند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مجرمان در دنیا تصمیم های محکم و توطئه آمیز می گرفتند، گاهی می خواستند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند یا از هر طریق ضربه ای به مسلمانان وارد کنند، ولی خدا توطئه های آنان را خنثی کرد و تصمیم تغییرناپذیری در مورد عذاب آنان گرفت.

۲. مجرمان خدا را ناظر و آگاه بر اسرار و سخنان در گوشی خود نمی دانستند و همین موجب شد که دست به خلافتی بزنند، در حالی که فرشتگان الهی حاضر بودند و اعمال آنان را ثبت می کردند و در رستاخیز به این امور رسیدگی می شود.

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیات در مورد توطئه گروهی از منافقان نازل شده که هم داستان شدند تا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت را از نسل بنی هاشم منحرف کنند. و این مطلب در علم الهی ثبت شده بود و به پیامبر اطلاع داده شده بود.

«عَلَىٰ بَنِي مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) ۱ قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَأَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عُرْوَةَ وَسَيِّدِ الْمَوْلَى أَبِي حَزِيمَةَ وَالْمُغِيرَةَ بْنَ شُعْبَةَ حَيْثُ كَتَبُوا الْكِتَابَ بَيْنَهُمْ وَتَعَاهَدُوا وَتَوَافَقُوا لِئِنْ مَضَىٰ مُحَمَّدٌ لَمَا يَكُونُ الْخِلَافَةُ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَلَا السُّبُوَّةُ أَبَدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ .

قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (أَمْ أَبْرُمُوا أَمْ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ) ۲ قَالَ: وَهَاتَانِ الْآيَتَانِ نَزَلَتَا فِيهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ. قَالَ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّهُ كَانَ يَوْمٌ يَشْبَهُ يَوْمَ كُتِبَ الْكِتَابُ إِلَّا يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱). وَهَكَذَا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِ
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِي أَعْلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ إِذَا كُتِبَ الْكِتَابُ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۲).

تحلیل

تعبیر «نزلتا» در ذیل این روایات می تواند به معنای تطبیق آیه بر جریان خاص باشد نه نزول اصطلاحی، و این مطلب با توجه به مکی بودن سوره زخرف تقویت می شود. چون جریان نفاق عمدتاً در مدینه رشد کرد. یعنی این توطئه و ثبت آن در علم الهی از مصادیق این آیات است.

پیام ها

۱- سرنوشت قیام کربلا حتمی و معلوم بود.

۲- جریان کربلا زاییده توطئه منافقان و برنامه ریزی شده بود نه امری اتفاقی.

بیست و نهم: سوره دخان

۷۹ - آسمان گریان بر شهادت خوبان

دخان/ ۲۸ - ۲۹. (كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ)؛ «این گونه (فرعونیان را نابود کردیم)؛ و آن (نعمت ها) را به گروهی دیگر ارث دادیم؛ و آسمان و زمین بر آنان گریه نکرد و مهلت داده نشدند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از اقوام دیگری که جانشین فرعونیان شدند چه کسانی است؟

مفسران در پاسخ این پرسش گفته اند که بنی اسرائیل پس از غرق شدن فرعونیان بار دیگر به مصر باز گشتند و وارث اموال آنان شدند، اما پس از مدتی همگی یا بخش عظیم آنان همراه موسی علیه السلام به طرف فلسطین رفتند (۳).

ص: ۳۴۱

۱- (۱). أی هل تری یوما یشبه ذلک الیوم إلا یوم قتل الحسین علیه السلام .

۲- (۲). الکافی، ج ۸، ص ۱۵۳، ح ۲۰۲؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۳؛ البحار، ج ۲۴، ص ۳۶۵، ح ۹۲ و ج ۲۸، ص ۱۲۳، ح ۶ و نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۹۵، ح ۲۵.

۳- (۳). ر.ک: سوره شعراء، ذیل آیه ۵۹، از تفسیر قرآن مهر.

۲. واژه «ارث» در این جابه معنای به دست آوردن مال بدون زحمت است و از آن جا که اموال فرعونیان بدون زحمت به دست بنی اسرائیل رسید، گویا ارثی بود که به آن ها رسیده است.

۳. تعبیر «گریه نکردن آسمان و زمین» کنایه از نداشتن یاور و دل سوز و یا گریه نکردن اهل آسمان ها و زمین است؛ چراکه کسی برای فرعونیان ستمکار گریه نکرد و ناراحت نشد.

۴. در احادیث متعددی از امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام و... حکایت شده که با اشاره به آیه فوق فرموده اند: آسمان بر کسی گریه نکرد مگر بر دو نفر، نخست بعد از شهادت یحیی پیامبر علیه السلام و دوم بعد از شهادت امام حسین علیه السلام.

البته در برخی احادیث اشاره شده که تا چهل روز طلوع و غروب خورشید به رنگ سرخ بود.

الف) «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ) ۱ قَالَ: لَمْ تَبْكِي السَّمَاءُ أَحَدًا مُنْذُ قُتِلَ يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا حَتَّى قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتْ عَلَيْهِ». (۱)

ب) «وَرَوَى زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَكَتِ السَّمَاوَاتُ عَلَى يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا وَعَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَلَمْ تَبْكِي إِلَّا عَلَيْهِمَا قُلْتُ: فَمَا بُكََاؤُهَا؟ قَالَ: كَانَتْ تَطْلُعُ حَمْرَاءَ وَتَغِيَّبُ حَمْرَاءَ». (۲)

ج) «أَبِي، عَنْ حَنَانِ بْنِ سَيْدِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ عَلَيْهِ رَجُلٌ، عَيْدُ اللَّهِ وَلِرَسُولِهِ فَقَالَ: (فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ) ثُمَّ مَرَّ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَكِنْ هَذَا لَتَبْكِيَنَّ عَلَيْهِ

ص: ۳۴۲

۱- (۲). البحار، ج ۴۵، ص ۲۱۰، ح ۲۰، و ج ۱۴، ص ۱۸۳، ح ۲۷.

۲- (۳). البحار، ج ۱۳، ص ۱۰۵؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۱۲؛ مجمع البيان، ج ۹، ص ۶۵ و نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۲۸، ح ۳۰.

السَّمَاءِ وَالْأَرْضُ وَقَالَ وَمَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا عَلَىٰ يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ . (۱)

تحلیل

تعبیر «گریه کردن آسمان و سرخی آن تا چهل روز» می تواند کنایه از آن باشد که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام تا مدت زیادی جهان اسلام ملتهب شد و قیام های خونینی مثل قیام توابین، مختار و... به نام خون خواهی حسین علیه السلام بر پا شد و صحنه اجتماعی مسلمانان سرخ گون و خونین شد. و نیز امام حسین علیه السلام گریه کنندگان و یاوران و دلسوزان فراوان داشت و این مطلب تا دوره های زیاد ادامه داشت. (یعنی واژه «چهل روز» کنایه از دوره های زیاد است).

بنابراین این گونه احادیث بیان نوعی تداعی معانی با توضیح مفهوم مخالف آیه است که در مورد فرعونیان آسمان گریه نکرد اما در مورد حضرت یحیی علیه السلام و امام حسین علیه السلام گریه کرد.

پیام

خون امام حسین علیه السلام چشمه جوشانی است که آسمان تاریخ اسلام را سرخ فام کرد و الهام بخش قیام ها و عزاداران دوره های بعد شد.

سی ام: سوره احقاف

۸۰ - تولد کودکی با ناگواری

احقاف / ۱۵. (وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سِنًا قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) ؛ «و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد، و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا این که به حدّ رشدش برسد و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا! به من الهام کن، که نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتی، سپاس گذاری کنم و

ص: ۳۴۳

۱- (۱). تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۱؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۴۰۷؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۶۱، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۲۷، ح ۲۷؛ البحار، ج ۱۴، ص ۱۶۷، ح ۶ و ج ۴۵، ص ۲۰۱، ح ۱ و کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۱۲۸.

این که [کار] شایسته ای، که آن را می پسندی، انجام دهم؛ و برای من در نسلم شایستگی پدید آور. در واقع، من به سوی تو بازگشتم و در حقیقت، من از تسلیم شدگان هستم».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «وصیت» به معنای سفارش است و شامل سفارش برای بعد از مرگ و سفارش های خدا و افراد در دنیا و هر نوع سفارش دیگر می شود.

۲. در این آیات در مورد نیکی به پدر و مادر، سفارش، اما در مورد مادر تأکید شده است؛ زیرا:

الف) مادر فرزندش را در مدت بارداری با زحمت حمل می کند و از شیر جانی خود به او می دهد و در این راه مشکلات و کمبودها را با محبت تحمل می کند.

ب) مادر با زحمت کودک خود را به دنیا می آورد و گاهی برخی مادران جان خود را بر سر این راه می گذارند.

ج) این مادر است که تا حدود دو سال به فرزندش شیر می دهد و در این مدت به نظافت و پرستاری او می پردازد.

هرچند هر پدری نیز برای کودک خود زحمت می کشد، اما زحمات اساسی و طاقت فرسا را مادر تحمل می کند تا کودک به سن بلوغ و بالاتر برسد و از این رو سپاس گزاری از او بیش تر لازم است.

۳. در حدیثی آمده است که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر تا سه بار فرمودند: به مادرت. و در بار چهارم فرمودند: به پدرت. (۱)

۴. در این آیات نیکی به پدر و مادر، به همه انسان ها سفارش شده است نه فقط به مؤمنان و مسلمانان؛ یعنی نیکی به پدر و مادر از اصول انسانی و حقوق بشر است و مربوط به دین و مذهب خاصی نیست و اگر کسی به این وظیفه عمل نکند، شایسته نام انسان نیست.

۵. واژه «احسان» به صورت نکره آمده است و بر نیکی های بزرگ دلالت می کند؛ یعنی انسان در برابر پدر و مادر وظیفه دارد که:

الف) به آنان محبت کند.

ص: ۳۴۴

ب) غذا و لباس آنان را فراهم کند.

ج) نیکی های بزرگ به آنان بنماید؛ برای مثال، در صورت امکان، آن ها را به سفر حج یا زیارت ببرد.

۶. در این آیات مدت شیرخوارگی و بارداری زنان مجموعاً سی ماه و در برخی آیات مدت شیرخوارگی بیست و چهار ماه معین شده است؛ (۱) پس کم ترین مدت بارداری شش ماه است، همان طور که حکایت شده حضرت عیسی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمدند. (۲) و هر چه از مدت نه ماه بارداری کم می شود، باید بر مدت شیرخوارگی افزوده شود تا حقّ کودک ادا گردد.

۷. مقصود از «رسیدن به مرحله توانایی» همان بلوغ جسمانی (۳) (یعنی سن بلوغ یا هیجده سالگی است و مقصود از چهل سالگی همان مرحله بلوغ عقلانی و فکری بشر است که پیامبران الهی نیز معمولاً در این سن به رسالت برانگیخته می شدند. (۴)

۸. سن چهل سالگی نقطه عطفی در زندگی بشر است و در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و خیر او بر شرّ او غلبه پیدا نکند، برای دوزخ آماده شود.

و نیز در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و توبه نکند، شیطان می گوید: دیگر او رستگار نمی شود. (۵)

۹. این آیات چند دعای افراد چهل ساله را بیان کرده است، این دعاها در حقیقت خطوط اساسی زندگی را پس از چهل سالگی نشان می دهد که عبارت اند از:

الف) سپاس گزاری از نعمت های الهی بر خود و پدر و مادر؛

ب) انجام اعمال شایسته و مورد رضایت خدا؛

ج) اصلاح فرزندان و نسل؛

د) توبه کردن و بازگشت به سوی خدا؛

ه- تسلیم خدا و مسلمان واقعی شدن.

ص: ۳۴۵

۱- (۱). بقره/ ۲۳۳.

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ کامل الزیارات، ص ۵۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۱ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴.

۳-۳) . البته برخی مفسران نیز بلوغ اشد را با مرحله چهل سالگی یکی دانسته اند.

۴-۴) . تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۸.

۵-۵) . مشکاه الانوار، ص ۱۶۹ و تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۷.

۱۰. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام و چند حدیث مشابه نقل شده که وقتی حضرت فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام باردار شد، خیر کشته شدن او را از پیامبر شنید که جبرئیل به او خبر داده بود. از این رو ناراحت بود و با ناگواری این فرزند را به دنیا آورد.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالْحُسَيْنِ جَاءَ جَبْرَائِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَتَلِدُ غُلَامًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِهَتْ حَمْلَهُ وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضَعَهُ [ثُمَّ (۱) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَرِي فِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَلَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيَقْتُلُ. قَالَ: وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا) ۲. (۲)»

تحلیل

آیه فوق یک سفارش الهی را در مورد لزوم محبت به پدر و مادر بیان می کند و یک اصل کلی را در مورد ناگواری دوران بارداری گوشزد می کند.

اما در احادیث فوق این آیه بر یک مصداق خاص تطبیق شده است یعنی بارداری فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام و ناراحتی ایشان از کشته شدن این فرزند.

اما این مطلب به معنای انحصار آیه در این مورد نیست. و تعبیر «نزلت» در این روایت به معنای تطبیق آیه در این مورد است نه نزول اصطلاحی.

از این رو در برخی روایات مربوط به آیه فوق تعبیر «نزلت» نیامده است. (۳)

پس این گونه احادیث از باب جری و تطبیق است.

پیام

خبر شهادت امام حسین علیه السلام قبل از تولد، به اهل بیت رسیده بود و مادر امام حسین علیه السلام

ص: ۳۴۶

۱- (۱). البحار، ج ۴۳، ص ۲۴۶، ح ۲۱ و ج ۵۳، ص ۱۰۲، ح ۱۲۶، ما بین لمعقوفتین فی تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۷.
۲- (۳). الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۳؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۱ و بسند آخر کامل الزیارات، ج ۲، ص ۵۵؛ البرهان، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۶ و البحار، ج ۶۹، ص ۲۶۶، ح ۳۷.
۳- (۴). ر.ک: الحسین فی القرآن، ص ۴-۱۸۳ و البرهان، ج ۴، ص ۱۷۴، ح ۱۰.

از دوران بارداری، نگران ایشان بود.

سی و یکم: سوره طور

۸۱ - ملحق شوندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

طور / ۲۱. (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ)؛ «و کسانی که ایمان آوردند و نسل آنان در ایمان از آنان پیروی کردند، نسلشان را به آنان ملحق سازیم؛ و از (پاداش) کارشان هیچ چیز نمی گاهیم؛ و هر انسانی در گرو دستاورد (خویش) است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از فرزندان که به پدرانشان در بهشت ملحق می شوند چه کسانی هستند؟

مفسران در این مورد دو پاسخ داده اند:

الف) مقصود فرزندان بالغی هستند که ایمان آورده ولی تقصیراتی داشته اند، که به خاطر پدران پارسا از آنان درمی گذرند و وارد بهشت می شوند (۱).

ب) مقصود فرزندان نابالغ و خردسال اند که به پدرانشان در بهشت ملحق می شوند؛ البته ظاهر آیه با تفسیر اول سازگارتر است ولی طبق تفسیر دوم نیز روایاتی وجود دارد (۲).

۲. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که خدا در رستاخیز زمینه ای برای آزمایش فرزندان نابالغ فراهم می سازد و پس از موفقیت در آزمایش آن ها را نیز ملحق به پدرانشان می کند. (۳)

۳. این یکی از الطاف الهی و نعمت های بهشتی است که مؤمنان از نعمت انس با فرزندان بی بهره نمی شوند و عیش آنان کامل می شود.

۴. در این آیه بیان شده که هر کس در گرو اعمال بد خویش و یا در گرو همه اعمال نیک و بد خویش و یا همراه و ملازم اعمال خویش است؛ (۴) از این رو پارسایان در بهشت پاداش همه

ص: ۳۴۷

۲- (۲). کافی، ج ۳، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۹۱ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۳۹.

۳- (۳). همان.

۴- (۴). رهین یا به معنای گروگان و وثیقه است و یا به معنای دوام و ملازمت؛ البته در این جا معنای دوم مناسبت تر است (لسان العرب و مجمع البحرین ماده «رهین»).

اعمال خویش را درمی یابند و ملازم اعمال خود هستند و چیزی از آنان کاسته نمی شود.

۵. در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که این آیه را به مورد الحاق امام حسین علیه السلام به پیامبر تطبیق کرده اند و آن را پاداش شهادت امام حسین علیه السلام معرفی کرده اند.

«روى الشيخ فى أماليه عن رجاله، عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالشَّفَاءَ فِي تَزْيِينِهِ وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَلَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِئًا وَرَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ. قال: محمد بن مسلم: فقلت لأبي عبد الله عليه السلام: هذا الجلال ينال بالحسين عليه السلام فماله فى نفسه، قال: إن الله (تعالى) ألحقه بالنبي صلى الله عليه وآله فكان معه فى درجته ومنزلته، ثم تلا: أبو عبد الله عليه السلام: (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ) الآية». (۱)

برخی پیامدها و پاداش های شهادت امام حسین علیه السلام

در حدیث فوق آمده است که خدای متعال به جای شهادت امام حسین علیه السلام پاداش ها و آثار زیر را قرار داد:

۱- امامت را در نسل امام حسین علیه السلام قرار داد.

۲- تربت امام حسین را مایه شفا قرار داد.

۳- دعا در نزد قبر امام حسین علیه السلام مستجاب است.

۴- رفت و آمد افراد به زیارت امام حسین علیه السلام از عمرشان حساب نمی شود.

۵- امام حسین علیه السلام به درجه پیامبر ملحق می شود.

تحلیل

این روایت یکی از مصادیق آیه فوق را بیان می کند، چرا که محقق شدن فرزندان به والدین در رستخیز، می تواند شامل همه افراد شود ولی در این روایت از ملحق شدن امام

ص: ۳۴۸

۱- (۱). اعلام الوری، ص ۲۲۰، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۱۷، ح ۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۴۲، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۴۰، ح ۲۷؛ کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۵۰.

حسین علیه السلام به پیامبر سخن گفته شده که یکی از مصادیق آیه است.

پیام

امام حسین علیه السلام در رستاخیز به پیامبر ملحق می شود. (چون با ایمان راه ایشان را ادامه داد)

سی و دوم: سوره الرحمن

۸۲ - مشرق ها و مغرب های امت اسلام

الرحمن / ۱۷. رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ؛ «(او) پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در آیات فوق از دو مشرق و دو مغرب سخن به میان آمده است. به نظر می رسد این تعبیر اشاره به ۲۳ درجه میل شمالی و جنوبی خورشید در تابستان و زمستان است. البته خورشید در طول سال هر روز طلوع و غروب تازه ای دارد، چون میل شمالی و جنوبی آن همواره در حال تغییر است و از این رو در برخی آیات تعبیر مشارق و مغارب آمده است (۱). ولی دو طلوع و غروب در آغاز تابستان در ۲۳ درجه میل شمالی و در آغاز زمستان در ۲۳ درجه ی میل جنوبی وجود دارد که همه طلوع ها و غروب های دیگر بین آن دو هستند و منشأ پیدایش فصول سال است.

برخی از مفسران نیز دو طلوع و دو غروب را اشاره به طلوع و غروب خورشید و ماه دانسته اند که در آیات قبل از آنها یاد شده است.

در برخی احادیث اهل بیت به تفسیر اول اشاره شده است. (۲)

۲. وجود مشرق ها و مغرب های متعدد و منظم، یکی از نعمت های الهی است که نشان دهنده حرکت دقیق خورشید و ماه و زمین و عامل ایجاد فصول سال و برکات زیادی است و ممکن است این تعبیرات اشاره به کرویت و حرکت زمین باشد.

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از دو مشرق، پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۳۴۹

۱- (۱). (فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ) (معارج / ۴۰).

۲- (۲). عن علی علیه السلام : «ان مشرق الشتاء علی حده ومشرق الصيف علی حده» (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۱ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۹۰)

و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و منظور از دو مغرب، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند.

« فِي رِوَايَةِ سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (رَبُّ الْمَشْرِقِينَ وَرَبُّ الْمَغْرِبِينَ) قَالَ: الْمَشْرِقِينَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَغْرِبِينَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَأُمَّتُهُمَا تَجْرِي: (فَبَأَى آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) قَالَ: مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. » (۱)

تحلیل

این روایت به بطن آیه فوق اشاره دارد چرا که ظاهر آیه مغرب ها و مشرق های خورشید است ولی در اینجا پیامبر و امیرالمؤمنین به مشرق های جهان تشبیه شده اند چرا که آنان نویدبخش طلوع خورشید حکومت اسلامی شدند و امام حسن و امام حسین علیهما السلام به دنبال آنان آمدند و با شهادت آنان حکومت اصیل اسلام محمدی غروب کرد. (که با ظهور امام مهدی علیه السلام دوباره طلوع خواهد کرد)

بنابراین از طلوع و غروب ظاهری خورشید الغاء خصوصیت شده و به آن ها توسعه معنایی داده شده تا شامل طلوع و غروب حکومت اسلامی گردد.

پیام

شهادت امام حسین علیه السلام غروب حکومت اسلامی اصیل بود.

۸۳ - تلاقی دو دریای علم و گوهرهای آن ها

الرحمن / ۱۹-۲۲. (مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبَأَى آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) «دو دریا را در آمیخت، در حالی که روبه روی همدیگرند، (و) بین آن دو مانعی است تا به یک دیگر تجاوز نکنند؛ پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می انگارید؟!»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. دریاهای در کنار هم و پیدایش مروارید و مرجان و حرکت کشتی های غول پیکر از نعمت های انکارپذیر الهی و هر کدام نشانه ای از قدرت و علم و حکمت الهی هستند.

۲. مقصود از دو دریای کنار هم که مانعی بین آنهاست، چیست؟

ص: ۳۵۰

مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده اند:

از جمله این که مقصود دو دریای شور و شیرین است که در اثر ریزش رودخانه های آب شیرین به دریاها پدید می آید و دریایی از آب شیرین در کنار ساحل تشکیل می دهد و تفاوت درجه غلظت آب آنها مانع آمیخته شدن آن دو دریا می شود (۱).

و یا این که مقصود از دو دریا جریان «گلف استریم» است؛ یعنی در اقیانوس های بزرگ دنیا در اثر اختلاف درجه حرارت مناطق مختلف، رودخانه های عظیمی از طرف مناطق استوایی به طرف مناطق سرد در حرکت اند که یکی از آنها از سواحل آمریکای مرکزی شروع می شود و پس از پیمودن اقیانوس اطلس به اروپای شمالی می رسد. این رودهای عظیم گاهی با عرض ۱۵۰ کیلومتر و سرعت ۱۶۰ کیلومتر در ساعت حرکت می کنند و اختلاف درجه حرارت آنها با آب های مجاور مانع مخلوط شدن آنها با آب دریا می شود (۲).

البته مانعی ندارد که این موارد از مصادیق آیه فوق باشند.

۲. «لؤلؤ» (مروارید) دانه شفاف و با ارزشی است و در درون صدف در اعماق دریاها پرورش می یابد و برخی خواص درمانی برای آن برشمرده اند و به عنوان زینت نیز از آن استفاده می شود.

۳. «مرجان» موجود زنده دریایی کوچکی شبیه شاخه درخت است که در اعماق دریا می روید و گاهی جزایر مرجانی به وجود می آورد و رنگ قرمز آن با ارزش تر است. مرجان خواص درمانی دارد و به عنوان زینت نیز استفاده می شود.

۴. در برخی احادیث از اصحاب پیامبر مثل ابوذر، ابوسعید خدری و ابن عباس و نیز از امام صادق و باقر علیهما السلام نقل شده که در آیات فوق مقصود از دو دریا، دریای علم امام علی و فاطمه علیهما السلام است و منظور از گوهرهای لؤلؤ و مرجان، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند.

الف) «أبي، عَنْ سَعِيدٍ، عَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنِ الْمُنْقَرِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ الْقَطَّانِ قَالَ:

ص: ۳۵۱

۱- (۱). در آیه ۵۳ سوره فرقان نیز بدین مطلب اشاره شده بود.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۲۵ و ۱۳۱.

سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ)؛ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِيَانِ أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُؤُ وَالْمَرْجَانُ) الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (١)

(ب) « عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّهَّانُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَعْمَشِ، عَنْ كَثِيرِ بْنِ هِشَامٍ، عَنْ كَهْمَشِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِي السَّلِيلِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُؤُ وَالْمَرْجَانُ) قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَمَنْ رَأَى مِثْلَ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ؟! عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَا يَجِبُهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِيَهُمْ إِلَّا كَافِرٌ فَكُونُوا مُؤْمِنِينَ بِحُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ وَلَا تَكُونُوا كُفَّارًا بِبُغْضِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَتَلْقُوا فِي النَّارِ ». (٢)

تحليل

اینگونه احادیث باطن آیات را بیان می کند چراکه ظاهر آیات فوق همین دریاهاى معمولی و گوهرهاى آن است اما با الغاء خصوصیت و توسعه معنایی که در مورد دریا و گوهرها داده شده است شامل دریای علم امام علی و فاطمه علیهما السلام و گوهرهای نابى مثل امام حسن و امام حسین علیهما السلام شده است. آرى دریای علم امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و دریای علمى فاطمه علیها السلام در صحیفه و احادیث ایشان نمایان است. که وقتى این دو دریا به هم پیوست، گوهرى چون امام حسین علیه السلام تولید می کند.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام ثمره تلافی دریای علم امام علی و فاطمه علیهما السلام است.

۲- امام حسین علیه السلام گوهرى ناب از دریای علم علوی است (که به بشریت هدیه شد).

۳- از نعمت دریای علم علوی و فاطمی و گوهرهای آن بهره ببرید (و آن ها را تکذیب و ناسپاسی نکنید).

سی و سوم: سوره واقعه

اشاره

ص: ۳۵۲

-
- ۱- (۱). تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۰۹؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۲ و البحار، ج ۲۴، ص ۹۸، ح ۵.
۲- (۲). الفرات، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۶۰۲؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۱۴؛ البحار، ج ۲۴، ص ۹۸، ح ۴ و ج ۳۷، ص ۶۴، ح ۳۵؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶ و البحار، ج ۳۷، ص ۹۶، ح ۶۳ عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

واقعه / ۷-۱۴. (وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ).

«و (شما) گروه های سه گانه می شوید. پس یاران خجسته (دست راست)، کدام اند یاران خجسته (دست راست)! و یاران شوم (دست چپ)، کدام اند یاران شوم (دست چپ)! و پیشگامان پیشگامان! آنان نزدیکان (درگاه الهی) اند؛ در بوستان های پر نعمت (بهشت) اند؛ جمعی از (ملت های) پیشین، و اندکی از (ملت های) پسین».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «اصحاب یمین» یا به معنای کسانی است که نامه اعمالشان در رستخیز به دست راست آنان داده می شود، یعنی آنان نجات می یابند و یا کسانی که خوش بخت و سعادت مندند. (۱)

۲. «اصحاب المشأمة» گروهی هستند که شوم و بدبخت شده اند و نامه اعمالشان به دست چپ آنان داده می شود که این مطلب به سرنوشت عذاب آلود آنان اشاره دارد. (۲)

۳. «سابقون» و «مقربون» کسانی هستند که در ایمان و کارهای نیک و صفات و اخلاق انسانی پیشاهنگ و پیش گام و الگوی دیگران بوده اند و به همین دلیل به درگاه الهی نزدیک شده اند.

۴. در این آیات به سه ویژگی پیشاهنگان در دین اشاره شده است:

الف) آنان از نظر معنوی به خدا نزدیک اند؛

ب) در بهشت های پر نعمت جای دارند؛

ج) در امت های پیشین بیش تر از امت های بعد بودند.

۵. در این جا پرسشی مطرح می شود که با وجود کثرت مسلمانان، چرا تعداد اندکی از پیش گامان و سابقون از ملت اسلام هستند و اکثریت از ملت های پیشین اند؟

پاسخ آن است که پیش گامان و سابقون مسلمان، یعنی اصحاب نخستین پیامبر اسلام

ص: ۳۵۳

۱- (۱). واژه «یمینه» یا از یمین به معنای دست راست، یا یمین به معنای سعادت است.

۲- (۲). در آیه ۴۱ همین سوره (واقعه) از این افراد با عنوان «اصحاب الشمال» یاد شده است.

هم چون علی علیه السلام و خدیجه، تعداد اندکی بوده اند و با توجه به کثرت پیامبران پیشین، بیش تر از این گونه افراد در ملت های قبل بوده اند (۱).

۶. در برخی احادیث از پیامبر روایت شده که ابن عباس از پیامبر در مورد سابقون و پیشگامان پرسش کرد و حضرت فرمود: آنها علی علیه السلام و پیروان او هستند که پیشگام به سوی بهشت اند و به خاطر گرامی داشت خدا نسبت به آنان، مقربان خدا هستند (۲).

و در برخی روایات آمده است که: سابقون چهار نفرند: هابیل، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار و علی علیه السلام که هر کدام در امت خود پیش گام بوده اند (۳).

و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به گروهی از پیروان خود فرمودند: شما سابقون و پیشاهنگان هستید که در دنیا پیش گام به سوی ولایت و در آخرت پیش آهنگ به سوی بهشت هستید (۴).

و یا در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که: ما پیش گامان پیش گام هستیم و ما آخرون هستیم (۵).

« روی الشیخ المفید، عن علی بن الحسین بإسناده إلى داود الرقی، قال قلت: لأبي عبد الله جعلت فداك، أخبرني عن قول الله عز وجل: (السابقون السابقون أولئك المقربون) ۶ فقال: نطق الله بهذا يوم ذرأ الخلق في الميثاق وقيل أن يخلق الخلق بالفي عام فقلت: فسّر لي ذلك، فقال: إن الله عز وجل لما أراد أن يخلق الخلق خلقهم من طين ورفع لهم ناراً فقال ادخلوها فكان أول من دخلها محمد وأمير المؤمنين والحسن والحسين والتسعة الأئمة عليهما السلام إمام بعد إمام ثم أتبعهم بشيعتهم فهم والله السابقون » (۶).

ص: ۳۵۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۰۷.

۲- (۲). امالی شیخ طوسی، ص ۷۲؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۱۰.

۳- (۳). تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۲۵ و بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶.

۴- (۴). امالی شیخ صدوق، ص ۶۲۶ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۲۰.

۵- (۵). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۲۰.

۶- (۷). تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۵ و البحار، ج ۳۵، ص ۳۳۳، ح ۶ و ج ۳۶، ص ۴۰۱، ح ۱۱.

این گونه احادیث مصداق های روشن و کامل پیشاهنگان در ایمان را برمی شمارند ولی مفهوم آیه را منحصر در این موارد نمی کنند. آری امام علی علیه السلام نخستین مسلمان پیشگام امت اسلام بود و اهل بیت پیشگام خدمت و فداکاری در راه اسلام بوده و هستند و بالاترین فداکاری از آن امام حسین علیه السلام است که پیشگام شهادت شد.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام از پیشگامان مقرب در گاه الهی است.

۲- اگر می خواهید به خدا نزدیک شوید و وارد بهشت گردید هم چون حسین علیه السلام در دین پیش گام باشید.

سی و چهارم: سوره حدید

۸۵ - دست به دامان نور امت

حدید / ۱۲. (يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) ؛ «روزی که مردان باایمان و زنان باایمان را می بینی، در حالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می رود (و فرشتگان به آنان می گویند: امروز مژده باد بر شما به بوستان های (بهشتی) که نهرها زیر [درختان]ش روان است! در حالی که در آن جا ماندگارند؛ تنها آن کام یابی بزرگ است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مقصود از نور مؤمنان در رستاخیز چیست؟

این نور همان نور ایمان و هدایت است؛ یعنی در رستاخیز که محل تجسم اعمال و عقاید است، ایمان به صورت روشنائی و نور، و کفر و نفاق به صورت تاریکی و ظلمت ظاهر می شود.

۲. نور مؤمنان درجات متفاوت و شدت و ضعف دارد؛ زیرا ایمان و اعمال آنان در دنیا متفاوت بوده و نور هر کس به قدر ایمان اوست.

۳. از واژه «یسعی» که به معنای حرکت و تلاش سریع است استفاده می شود که نور

مؤمنان و به دنبال آن خودشان به سرعت به سوی بهشت روان می شوند تا به کانون سعادت جاویدان برسند.

۴. در این آیه از نور طرف راست و نور جلو یاد شده است. مفسران احتمال داده اند که نور طرف راست یا اشاره به «اصحاب الیمین» است یا اشاره به نامه اعمال مؤمنان که در دست راست آنان است و نورانی است (۱).

۵. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از نور جلو در آیه فوق، نور پیامبر است. و منظور از نور سمت راست نور آل محمد علیهم السلام است که مردم بدان تمسک می جویند و اهل بیت دست به دامان نور امام حسن و امام حسین علیهما السلام می شوند و آنان به نور علی علیه السلام متمسک می شوند و امام علی علیه السلام به نور پیامبر تمسک می جوید تا وارد بهشت می شوند.

« أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنِ مَعْنَعْنَا، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: هُوَ نُورُ الْمُؤْمِنِينَ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا أَدْنَى اللَّهُ لَهُ أَنْ يَأْتِيَ مَنْزِلَهُ فِي جَنَّتِ عَدْنٍ وَالْمُؤْمِنُونَ يَتَّبِعُونَهُ وَهُوَ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ حَتَّى يَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَهُ حَتَّى يَدْخُلُونَ مَعَهُ وَأَمَّا قَوْلُهُ: (بِأَيْمَانِهِمْ) فَانْتُمْ تَأْخُذُونَ بِحُجَزِ آلِ مُحَمَّدٍ وَيَأْخُذُ آلُهُ بِحُجَزِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ[يَأْخُذَانِ بِحُجَزِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ] (۲) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَأْخُذُ هُوَ بِحُجَزِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَدْخُلُونَ مَعَهُ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: (بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) ». (۳)

تحلیل

این گونه احادیث به مصادیق و مراتب عالی نور در آیه فوق اشاره می کند چرا که نور مؤمنان می تواند شامل نور ایمان، و نور اعمال صالح آنان و نیز نور ولایت پیامبر و اهل بیت باشد، که همه این ها مایه هدایت در دنیا مردم شده و اکنون در رستاخیز آنان را به شهادت

ص: ۳۵۶

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۳۰.

۲- (۲). ما بین المعقوفین لیست فی البحار.

۳- (۳). الفرات، ص ۴۶۷ و البحار، ج ۷، ص ۲۰۵، ح ۹۲ و ج ۲۳، ص ۳۱۶، ح ۲۵.

یعنی این گونه احادیث سلسله مراتب نور و هدایت الهی را بیان می کند که همگی از مصادیق نور است.

پیام ها

۱- نور امام حسین علیه السلام مایه هدایت مؤمنان به سوی بهشت است.

۲- به نور اهل بیت تمسک جوید که شما را به بهشت رهنمون می شود.

۸۶ - بهره ای از رحمت الهی

حدید / ۲۸. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید و به فرستاده اش ایمان آورید تا دو بهره از رحمتش به شما بدهد؛ و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه روید و شما را بپامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است».

شان نزول

حکایت کرده اند که پس از جریان بازگشت جعفر بن ابی طالب از حبشه و ایمان آوردن گروهی از مسیحیان حبشه، برخی افراد اهل کتاب گفتند: هر کس به قرآن و کتاب آسمانی ما ایمان آورد دو پاداش دارد، اما اگر کسی فقط به کتاب آسمانی ما ایمان آورد مثل مسلمانان که به قرآن ایمان دارند یک پاداش دارد. از این رو آیات فوق فرود آمد و بیان کرد که مؤمنان پارسا دو پاداش دارند (۱).

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مفسران در مورد آیه فوق دو احتمال داده اند:

الف) مقصود آیه مؤمنان به اسلام هستند که به آن ها گفته می شود: ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید! ایمان خود را عمیق تر کنید و به پیامبر نیز ایمان آورید و تقوا و پارسایی پیشه سازید تا پاداش های ویژه دریافت کنید.

ب) مقصود آیه مؤمنان اهل کتاب اند، که به آن ها گفته می شود: ای کسانی که به خدا

ص: ۳۵۷

و پیامبران و کتاب های آسمانی پیشین ایمان آورده اید! به پیامبر اسلام نیز ایمان آورید و تقوا پیشه سازید تا پاداش های ویژه دریافت کنید.

البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو گروه، یعنی مؤمنان مسلمان و مؤمنان اهل کتاب باشند، ولی تفسیر اول با شأن نزول آیه سازگارتر است و تفسیر دوم با ظاهر این آیه و آیه بعد.

۲. در این آیه سه پاداش ویژه برای ایمان به پیامبر اسلام و پارسایی بیان شده است:

الف) دو بهره از رحمت الهی، بهره ای در دنیا و بهره ای در آخرت؛ (۱)

ب) آمرزش گناهان؛

ج) نوری که مؤمنان به وسیله آن حرکت می کنند؛ نور ایمان که راه انسان را در رستخیز ۲، و یا نور قرآن که راه مؤمنان را در دنیا روشن می سازد ۳.

آری؛ ایمان و تقوا حجاب ها را از قلب و ذهن مؤمن برمی دارد تا حقایق را بی پرده ببیند و درک کند.

۳. در قرآن و احادیث به طور مکرر به رابطه تقوا و روشن بینی اشاره شده است؛ از جمله می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوا پیشه سازید، خدا برای شما فرقان (وسیله شناخت حق از باطل) قرار می دهد. ۴

و در جای دیگر به رابطه تقوا با دانش اشاره می کند. ۵

و در حدیثی از پیامبر روایت شده که: اگر شیطان ها گرداگرد دل انسان ها را احاطه نمی کردند، حتماً آن ها ملکوت (و باطن جهان) و آسمان ها را می دیدند ۶.

ص: ۳۵۸

۱- (۱). «کِفْل» به معنای بهره ای است که نیاز انسان را برطرف سازد. و در این جا مقصود همان است که در آیه ۲۰۱ سوره بقره بیان شد (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...).

۴. در برخی احادیث روایت شده که مقصود از «نور» در آیه فوق امام معصوم یا امیر المؤمنین است که مردم از ایشان پیروی می کنند. (۱) و نیز در احادیث مکرر از امام باقر علیه السلام حکایت شده که منظور از دو بهره رحمت امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند و منظور از نور امام علی است.

(الف) « حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ، عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: (يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ) قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ) قَالَ: إِمَامٌ عَدْلٌ تَأْتُمُونَ بِهِ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ». (۲)

(ب) «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّهْرِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ) يَعْنِي حَسَيْنًا وَحَسَيْنًا قَالَ: مَا ضَرَّ مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا أَصَابَهُ فِي الدُّنْيَا وَ لَوْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَأْكُلُهُ إِلَّا الْحَشِيشَ ». (۳)

تحلیل

این گونه احادیث مصادیق رحمت و نور را بیان می کنند، ولی معنای آیه را منحصر در آن ها نمی سازد؛ یعنی امام هم چون نوری راه را روشن می سازد. و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام مایه رحمت برای امت اسلام هستند. همان طور که در مورد امام حسین علیه السلام گفته شده که رحمت وسیع الهی است (رحمه الله الواسعه)

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام و رحمت الهی بر امت اسلام است.

۲- شرط استفاده از رحمت حسینی، ایمان و تقواست.

سی و پنجم: سوره مجادله

اشاره

ص: ۳۵۹

-
- ۱- (۱). تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴۰.
- ۲- (۲). شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰۹؛ ح ۹۴۵؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۶۹؛ ح ۲۹؛ البرهان، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۶ و کتر الدقائق، ج ۱۳، ص ۱۱۲.
- ۳- (۳). الفرات، ج ۱، ص ۴۶۸؛ ح ۶۱۳ و بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۱۷، ح ۲۷.

مجادله / ۷. (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)؛ «آیا اطلاع نیافته ای که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند؟ هیچ رازگویی سه (نفری) نیست، مگر آن که او چهارمین آنان است، و هیچ رازگویی پنج (نفری) نیست، مگر آن که او ششمین آنان است؛ و نه کم تر از آن و نه بیش تر (از آن است)، مگر آن که او همراه آنان است، هر کجا که باشند؛ سپس در روز رستاخیز به آنان از آنچه انجام داده اند، خبر می دهد؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست».

شأن نزول

حکایت کرده اند که سه نفر با هم دیگر سخن می گفتند. یکی از آنان گفت: آیا خدا آنچه را ما می گوییم می داند؟

دومی گفت: مقداری می داند و مقداری نمی داند!

سومی گفت: اگر مقداری را می داند پس همه را می داند.

سپس آیه فوق فرود آمد و اعلام کرد که خدا در همه جلسات حضور دارد و از همه چیز آگاه است. (۱)

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیه روی سخن با پیامبر صلی الله علیه و آله است ولی در حقیقت همه مردم مخاطب این آیه هستند، هر چند آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از علم بی کران الهی و حضور او در همه جا، عمیق تر است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله می تواند این حقیقت را شهود کند و ببیند.

۲. «نَجْوَى» به معنای مکان بلندی است که به خاطر ارتفاعش از اطراف جدا شده است و از آن جا که هر گاه انسان بخواهد کسی از سخنانش آگاه نشود، به نقطه جدایی می رود، و در گوشی و پنهانی سخن می گوید، به این نوع سخن نجوا گفته می شود.

۳. در این آیات به حضور خدا در همه جلسات نجوا اشاره شده است؛ البته مقصود آیه از این که می گوید هر سه نفری که باشند، خدا چهارمین آنهاست، آن نیست که خدا جسم

ص: ۳۶۰

و مکان دارد، بلکه منظور بیان حضور خدا و احاطه علمی اوست.

۴. همان طور که خدا در همه جا حضور دارد، فرشتگان و مأموران الهی نیز حضور دارند؛ از این رو از امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق روایت شده که

مقصود آن تسلطی است که خدا با قدرت به افراد امین خود بخشیده و بر تمام مخلوقاتش تسلط دارند و کار آنان کار خداست، از این رو به خدا نسبت داده شده است. (۱)

۵. در این آیه به سخنان مخفی سه نفر و پنج نفر اشاره شده اما به خاطر رعایت فصاحت و بلاغت کلام، یعنی برای جلوگیری از تکرار کلمه «چهار» که در آیه آمده بود، به تعداد چهار نفر نجوا کننده اشاره نشده است.

۶. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که این آیه اشاره به جلسات سری چند نفر از منافقان دارد که نام چهار نفر آنان (ابوعبیده جراح، عبدالرحمن بن عوف، سالم، مغیره) برده شده که توطئه کردند و معاهده ای نوشتند که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت را از بنی هاشم منحرف سازند (و مانع امامت امام علی علیه السلام گردند) و این مطلب در علم الهی معلوم بود و به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع داده شده بود.

« علی بن محمد، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ وَسَالِمِ مَوْلَى أَبِي حَذِيفَةَ وَالْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ حَيْثُ كَتَبُوا الْكِتَابَ بَيْنَهُمْ وَتَعَاهَدُوا وَتَوَافَقُوا لِيُنْ مَضَى مُحَمَّدٌ لَا تَكُونُ الْخِلَافَةُ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَلَا النَّبُوَّةُ أَبَدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ. قَالَ قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ) ۲ قَالَ: وَهَاتَانِ الْآيَتَانِ نَزَلَتَا فِيهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّهُ كَانَ يَوْمٌ يَشْبَهُ يَوْمَ كُتِبَ الْكِتَابُ إِلَّا يَوْمَ قُتِلَ

ص: ۳۶۱

الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱) وَهَكَذَا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِي أَعْلَمَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ إِذَا كُتِبَ الْكِتَابُ قَتَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۲)

تحليل

اینگونه احادیث مصادیق آیه را بیان می کند و گرنه آیه مطلبی عام می فرماید که خدا از همه جلسات سرّی افراد اطلاع دارد ولی در روایت فوق به یکی از جلسات سرّی منافقان اشاره شده که مصداق آیه است.

البته در صدر روایت ذیل آیه فوق تعبیر «انزل» به کار رفته است که می تواند به معنای نزول اصطلاحی باشد و این مطلب با سیاق آیات سوره مجادله سازگارتر است چرا که قبل از آیه ۷ سوره مجادله سخن از دشمنی با راه خداست و در آیات بعد سخن از مخالفت با پیامبر صلی الله علیه و آله است و با قرینه مدنی بودن سوره مجادله و رشد جریان نفاق در مدینه این مطلب تقویت می شود.

اما در ذیل روایت که تعبیر «نزلنا» به کار رفته است می تواند به معنای تطبیق آیه ۷۹ و ۸۰ سوره زخرف با جلسات سرّی منافقان باشد چرا که سوره زخرف در مکه نازل شده است و بر اساس آیه ۷ مجادله و روایت فوق این جلسات در مدینه برقرار شده است. علاوه بر آن که سیاق آیات سوره زخرف هم درباره مسیحیان و قیامت است.

پیام ها

۱- مراقب توطئه های پنهانی منافقان باشید که گاهی به شهادت مردان الهی منتهی می شود.

۲- شهادت امام حسین علیه السلام نتیجه توطئه منافقان بود.

۳- جریان کربلا در علم الهی و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله معلوم بود.

سی و ششم: سوره حشر

۸۸- اینارگران رستگار

حشر / ۹. (وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْزَوْنَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي

ص: ۳۶۲

۱- (۱). أَى هَل تَرَى يَوْمًا يَشْبَهُ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَّا يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۲- (۲). الكافي، ج ۸، ص ۱۵۳، ح ۲۰۲؛ تأويل الآيات، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۳؛ البحار، ج ۲۴، ص ۳۵۶، ح ۹۲ و ج ۲۸، ص ۱۲۳، ح ۶ و نورالثقلين، ج ۵، ص ۲۹۵، ح ۲۵.

صُدُّوهُمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ؛ «و (نیز) کسانی (از انصار) که پیش از آن (مهاجر)ان در سرای (اسلام) و ایمان (مدینه) جای گرفته بودند، هر کس به سوی آنان هجرت کرد، دوست می دارند و در سینه هایشان نسبت به آنچه به آن (مهاجر)ان داده شده، نیازی نمی یابند و (مهاجران) را بر خودشان برمی گزینند (و ترجیح می دهند) و گرچه آنان نیازمند باشند؛ و هر کس از (بی گذشتی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود، پس تنها آنان رستگارند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در آیات پیشین موارد مصرف غنایم غیر جنگی بیان شد و این آیه افراد فقیر و ایثارگران انصار را از مستحقان دریافت آن غنایم برمی شمارد. و در روایات تاریخی نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بخشی از غنایم بنی نضیر را به چند نفر از انصار دادند. (۱)

۲. در این آیه از مدینه با عنوان سرای (اسلام) و ایمان یاد شده است؛ پایگاه اصلی اسلام در آن زمان مدینه بود، که انصار در آن ساکن بودند. همین انصار قبل از هجرت دو بار به مکه آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند و یکی از مسلمانان به نام «مَصْعَب بن عُمیر» را برای تبلیغ به مدینه بردند و افکار عمومی شهر را برای ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجران آماده کردند.

۳. در این آیات چند صفت و ویژگی برای انصار برشمرده شده است:

الف) آنان دوست دار مهاجران هستند؛

ب) انصار نسبت به غنایمی که به مهاجران فقیر داده می شود احساس نیاز نمی کنند و حسد نمی ورزند و با بلند نظری به این مسأله می نگرند؛

ج) افرادی ایثارگرند و در تنگ دستی هم مهاجران را بر خود مقدم می دارند و از اموال خود به آنان می بخشند؛ ترک کام خود بگیرند تا برآید کام دوست.

۴. روشن است که صفاتی که در این آیات برای مهاجران و انصار بر شمرده شده است

ص: ۳۶۳

۱- (۱). بنابراین تفسیر (وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤْا) عطف به «للفقراء» آیه قبل است، ولی تفسیر دیگری نیز هست که «والذین» را مبتدا و «یحبون» را خبر و جمله مستقل می داند؛ ولی تفسیر اول با سیاق آیات مناسب تر است (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۷).

برای یاران راستین و استوار پیامبر صلی الله علیه و آله است، و کسانی که بعداً از راه پیامبر صلی الله علیه و آله جدا شدند و راه نفاق یا جنگ با جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را در پیش گرفتند، از مصادیق این آیات به شمار نمی آیند.

۵. هر کس اهل بخشش باشد و بخل نوزد، رستگار می شود ولی انسان بخیل از ثواب و بهشت و رستگاری دور می شود.

آز بگذار و پادشاهی کن گردن بی طمع بلند بود

(سعد)

۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

شَحیح از بخیل شدیدتر است؛ چون بخیل کسی است که در مورد آنچه دارد بخل می ورزد، اما شَحیح نسبت به آنچه در دست مردم است و آنچه خود دارد بخل می ورزد، تا آن جا که هر چه در دست مردم می بیند آرزو می کند که از راه حلال یا حرام از آن او باشد و به آنچه خدا روزی اش کرده قانع نمی شود. (۱)

حکایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پیروزی بر یهودیان بنی نضیر به انصار فرمود: اگر مایل هستید، اموال و خانه هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در غنایم بنی نضیر شریک شوید و اگر می خواهید اموال و خانه هایتان از آن شما باشد و از این غنایم بهره ای نبرید؟!

انصار گفتند: ما اموال و خانه هایمان را با مهاجران تقسیم می کنیم و چشم داشتی به غنایم هم نداریم و مهاجران را برخورد مقدم می شماریم.

آیه فوق فرود آمد و این روحیه ایثارگرانه انصار را ستود (۲).

در برخی احادیث نیز حکایت شده که فقیری به پیامبر مراجعه کرد و حضرت به همسران خویش مراجعه کرد و غذایی به دست نیامد. سپس امام علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام مراجعه کرد که مقداری غذا برای کودکان داشت آن ها را گرفت و برای فقیر آورد در حالی که خانواده اش بدان نیازمند بودند. و صبحگاهان پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام خبر داد

ص: ۳۶۴

۱- (۱). کافی، ج ۴، ص ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۵ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۹۱.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۰ و بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۶۲. البته شأن نزول های دیگری نیز برای آیه فوق بیان شده که معمولاً از باب تطبیق آیه بر مورد و مصداق است.

که خدای متعال از کار شب گذشته شما خشنود شد و آیه فوق را قرائت کرد و بر علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام، حسن و حسین علیهما السلام تطبیق کرد که مهمان فقیر را بر خود مقدم داشتند و بخل نوزیدند که آنان رستگارانند.

« تفسیر ابی یوسف: یعقوب بن سفیان و علی بن حرب الطائی و مجاهدٌ بأسانیدهم عن ابن عباس و أبی هریره و روی جماعه، عن عیاصم بن کلب، عن أبیه و اللفظ له عن أبی هریره قال جاء رجلٌ إلى رسول الله صلى الله عليه و آله فشكا إليه الجوع فبعث رسول الله صلى الله عليه و آله إلى أزواجه فقلن: ما عندنا إلا الماء. فقال عليه السلام: من لهذا الرجل الليلة؟ فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أنا يا رسول الله! فأتی فاطمه و سألهما ما عندك يا بنت رسول الله؟ فقالت: ما عندنا إلا قوت الصبيبه لکننا نُؤثر ضیفنا به. فقال علی عليه السلام: يا بنت محمد صلى الله عليه و آله تؤمی الصبیبه و أطفئی المصیباح و جعلایم مضغاناً بألستهما فلما فرغ من الأكل أتت فاطمه بسراج فوجد الجفنه مملوءه من فضل الله فلما أصیح صلی مع النبی صلى الله عليه و آله فلما سلم النبی صلى الله عليه و آله من صلاته نظر ألی أمير المؤمنين عليه السلام و بکی بكاءً شديداً! وقال: يا أمير المؤمنين عليه السلام لقد عجب الرب فعلکم البارحه اقرأ: (يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) و أی مجاعه (مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ) یعنی علیاً و فاطمه و الحسن و الحسين علیهم السلام (فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ». (۱)

تحلیل

ظاهراً آیه فوق دارای شأن نزول اول است که در مورد انصار و مهاجران است و در هنگامی که امام علی علیه السلام و خانواده اش ایثار کردند پیامبر آیه را در این جریان قرائت کرد و بر آن تطبیق نمود. بنابراین روایت فوق از باب تطبیق آیه بر مصداق جدید است.

البته ایثار اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام بارها در تاریخ نقل شده است و اصولاً این خانواده از بخل و آزمندی بدور بودند.

پیام ها

۱- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از ایثارگران رستگارانند.

۲- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام اهل آز و بخل نبودند.

ص: ۳۶۵

۱- (۱). تأویل الآيات، ج ۲، ص ۶۷۸؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۱؛ المناقب، ج ۲، ص ۷۴ و البحار، ج ۴۱، ص ۲۸، ح ۱، باب

۸۹- حاملان عرش الهی

حاقه / ۱۳. (وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ) ؛ «و فرشتگان در اطراف آن (آسمان) هستند؛ و در آن روز تخت (جهان داری و تدبیر هستی) پروردگارت را هشت (نفر) بر فرازشان حمل می کنند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. «عرش» به معنای تخت مادی نیست؛ چون خدا جسم نیست تا مکان بخواهد و تخت داشته باشد؛ پس این تعبیر کنایه از مرکز زمام داری و تدبیر هستی است، یعنی در رستاخیز تدبیر جهان، به فرمان خدا، به وسیله هشت نفر یا هشت گروه از فرشتگان یا انسان ها انجام می گیرد (۱).

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده که: مقصود از عرش، علم است و حاملان آن هشت نفرند که چهار نفر از ما و چهار نفر از کسانی هستند که خدا خواسته است. (۲)

و از امام علی علیه السلام روایت شده که: حاملان عرش الهی دانشمندان هستند که خدا علمش را به آنان آموزش داده است. (۳)

و از امام رضا علیه السلام روایت شده که: عرش خدا اسم علم و قدرت است (۴).

از این احادیث استفاده می شود که عرش با علم و قدرت الهی ارتباط دارد و حاملان عرش، همان حاملان علم الهی هستند که در صدر آن ها پیامبران و اولیای الهی اند، هر چند ممکن است گروهی از فرشتگان نیز در این کار شرکت داشته باشند.

۳. مقصود از این که حاملان عرش الهی بر فراز آنان (فرشتگان یا انسان ها) هستند این

ص: ۳۶۶

۱- (۱). در آیه مشخص نشده که حاملان هشت نفر یا هشت گروه، از انسان یا فرشتگان هستند.

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۱۳۲؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۱۹ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۰۶.

۳- (۳). کافی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۰۹؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۶۹ و ج ۵۵، ص ۹ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۰۵.

۴- (۴). کافی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۱۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۰۵.

است (۱) که این حاملان عرش از نظر مقام از آنان برترند.

۴. در برخی احادیث آمده است که: حاملان عرش الهی، چهار نفر از اولین (یعنی نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام) و چهار نفر از آخرین (یعنی محمد صلی الله علیه و آله، علی، حسن و حسین علیهم السلام) هستند (۲) و معنای حامل عرش بودن، حامل علم بودن است. (۳)

« مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْفَزَارِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَاتِمٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ) يَعْنِي مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَمُوسَى وَعِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ » . (۴)

تحلیل

اینگونه احادیث تفسیر آیه فوق به شمار می آید که حاملان عرش الهی را توضیح می دهد و نام آن ها را از پیامبران گذشته و امت اسلام مشخص می کند.

یعنی بعد از پیامبران پیشین، پیامبر اسلام و امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام حاملان علم و قدرت الهی هستند که تخت تدبیر هستی در هر عصری بر دوش آن هاست. آنان هستند که واسطه ابلاغ علوم الهی به مردم بودند.

پیام

اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام حامل عرش الهی (علم الهی) است.

سی و هشتم: سوره جن

۹۰- آزمایش افراد با شهادت امام حسین علیه السلام

جن / ۱۶ و ۱۷. (وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا) ؛ «و این که اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند،

ص: ۳۶۷

۱- (۱) . ظاهر آیه با احتمال اول سازگارتر است چون قبل از آن سخن از فرشتگان آمده است.

۲- (۲) . تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۰ و بحار الانوار، ج ۷، ص ۸۲ و ج ۵۵، ص ۴.

۳- (۳) . بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۲۷ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۱۹.

۴- (۴) . تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۱۶؛ ۷؛ البحار، ج ۲۴، ص ۹۰، ح ۸ و البرهان، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶ و ص ۳۷۷، ح ۴.

حتماً با آب فراوان سیرابشان می کنیم، تا در آن (مورد) آنان را بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده (مشقت بار) وارد می کنیم!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیات ممکن است دنباله سخنان مؤمنان جن با قوم خویش و یا سخنانی از جانب خدا باشد که لابه لای سخنان جنیان بیان شده است؛ احتمال اول با ظاهر و سیاق آیات تناسب بیش تری دارد ولی در نتیجه مطلب تأثیری ندارد؛ چون بیان قانون آزمایش است که در مورد جن و انسان اجرا می گردد.

۲. در این آیات به رابطه امور معنوی با فزونی رزق و نعمت اشاره شده است؛ یعنی استقامت بر راه ایمان، نه تنها موجب برکات معنوی می گردد و انسان را به سعادت و کمال می رساند، بلکه موجب نزول باران رحمت و آب فراوان و در نتیجه فزونی نعمت و آبادانی زمین و رفاه افراد می گردد. (۱)

۳. در این آیات بر «استقامت بر ایمان و راه راست» تأکید شده است؛ یعنی گام نهادن به راه راست ایمان، اگر زود گذر باشد، چنین نعمت هایی را به دنبال ندارد، بلکه استقامت و ایستادگی در راه راست و ایمان است که موجب نزول برکات می شود.

۴. در این آیات به آزمایش افراد به وسیله فراوانی آب و نعمت اشاره شده است. آری؛ آزمایش افراد گاهی با مصیبت ها و از دست دادن نعمت است و گاهی با افزایش نعمت.

۵. برخی افراد در برابر نعمت های الهی سپاس گزارند و در آزمایش خویش موفق می شوند، ولی برخی دیگر در اثر نعمت فراوان گرفتار غرور و سرکشی می شوند و از یاد خدا غافل می گردند، که فرجام آنان عذاب روزافزون مشقت بار خواهد بود.

۶. در این آیات به رابطه دوری افراد از یاد خدا با عذاب مشقت بار روزافزون اشاره شده است. (۲)

آری؛ کسی اگر از یاد خدا روی برتابد و قدر نعمت را نداند، گرفتار عذاب روزافزون

ص: ۳۶۸

۱- (۱). مشابه این آیه در سوره نوح، آیه ۱۲ است.

۲- (۲). آیه ۱۲۴ سوره طه نیز مشابه این آیه است.

۷. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود آیه آزمایش افراد (انسان یا جنیان) به وسیله شهادت امام حسین علیه السلام است.

« حدثنا أبو القاسم العلوی قال: حدثنا فرات، معننا عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام في قول الله عز ذكره: (فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا) ۲ الذين أقرؤا بولایتنا فأولئك تحرّوا رشداً (وَ أَمَّا الْقَاسِمَاتُ فَكَأَنَّهُنَّ حَطَبًا وَ أَنْ لَوْ لَاشِ تَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ) قتل الحسين عليه السلام (وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا) . (۲)

تحلیل

آیه فوق به یک قانون کلی الهی در مورد آزمایش افراد اشاره می کند و در این روایت به یکی از مصادیق آزمایش الهی اشاره شده است که افراد به وسیله شهادت امام حسین علیه السلام آزمایش شدند.

آری، مؤمنان به ولایت در جریان کربلا آزمایش شدند که آیا به یاری امام حسین علیه السلام می روند و تا پای جان می ایستند و با شهادت راهی بهشت می شوند یا کوتاهی و غفلت می کنند و از آن روی بر می گردانند و گرفتار عذاب می شوند. نهضت عاشورا نه تنها در آن عصر مایه آزمایش دوست و دشمن بود که امروز همه مایه آزمایش افراد است. و هنوز هم خط سرخ حسینی افراد را به دو گروه حسینی و یزیدی تقسیم می کند.

پیام

نهضت عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام مایه آزمایش شماسست (پس مراقب باشید که در کدام جبهه ایستاده اید).

سی و نهم: سوره انسان (دهر)

اشاره

ص: ۳۶۹

۱- (۱). «صعد» در اصل به معنای بالا رفتن است و چون بالا رفتن از گردنه ها موجب مشقت است، به عذاب مشقت بار نیز صعد گفته شده و بعید نیست که در این جا اشاره به عذاب روزافزون مشقت بار باشد.

۲- (۳). الفرات، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۶۶۷.

انسان/ ۵ - ۲۲. (إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا يُوفُونَ بِالْآذَانِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيانًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطِرِيرًا فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَصْرَهُ وَ سُورًا وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذَلِيلًا وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآتِيهِ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا وَ يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَيْلَسْبِيلًا وَ يُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ وَ لِدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا وَ إِذَا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا عَلِيَّهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُلُوا أُسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا) ؛ «در حقیقت، نیکوکاران از جامی (از شراب) می نوشند که آن با (عطرخوش) کافور آمیخته است؛ (همان) چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و (از هر کجا بخواهند) آن را کاملاً می شکافند (و روان می کنند). به نذر وفا می کنند و از روزی که بدی آن گسترده است می ترسند، و غذا را، در حالی که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می خوراندند. (در حالی که می گویند: ما) شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می دهیم، [و] هیچ پاداشی و سپاس گزاری ای از شما نمی خواهیم. در حقیقت، ما از (عذاب) پروردگاران می ترسیم، از روزی که بسیار ترش روی [و] سخت است. پس خدا آنان را از بدی آن روز نگاه می دارد و آنان را با شادابی و شادمانی می پذیرد، و به خاطر شکیبایی شان، بهشت و (لباس های) حریر به آنان پاداش می دهد در حالی که در آن (بهشت) بر تخت ها تکیه زده اند، [و] در آن جا هیچ (گرمای سوزان) خورشید و سرمای شدید نمی بینند؛ و سایه های (درختان) آن به آنان نزدیک است و میوه هایش برای چیدن کاملاً فروتن شده است؛ و ظرف هایی از نقره و سبوهایی که بلورین است برگردشان چرخانده می شود؛ بلورهای نقره ای که به طور کامل اندازه آن ها را معین کرده اند؛ و در آن جا از جامی سیراب می شوند که (شراب) آن با زنجبیل آمیخته است؛ (همان)

چشمه ساری که در آن جا سلسیل نامیده می شود؛ و نوجوانانی ماندگار برگرد آنان می چرخند، هنگامی که آنان را می بینی می پنداری آنان مرواریدی پراکنده اند. و هنگامی که آن جا (بهشت) را بینی، نعمت فراوان و فرمان روایی بزرگی می بینی! بر فرازشان لباس های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است و با دست بندهایی از نقره آراسته می شوند و پروردگارشان شراب پاک و پاک کننده به آنان می نوشاند. در حقیقت، این پاداشی برای شماسه و تلاشتان سپاس گزاری خواهد شد».

شأن نزول

حکایت شده که امام حسن و امام حسین علیهماالسلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش کردند که علی علیه السلام نذری برای شفای آنان بنماید و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام و فضّه خادمه آنان (و طبق برخی احادیث حسن و حسین علیهماالسلام) نذر کردند که پس از شفا سه روز روزه بگیرند.

پس از شفای آن دو عزیز، همه خانواده روزه گرفتند و امام علی علیه السلام مقداری جو قرض کردند و نان پختند، ولی در هنگام افطار نیازمندی بر در خانه آمد و غذا خواست و آنان ثلث غذای خود را به او دادند، سپس یتیمی آمد و ثلث دیگر را به او دادند و بعد از آن اسیری آمد و ثلث آخر غذای خود را به او دادند. پیامبر علیه السلام از این جریان مطلع شدند و به خانه فاطمه علیهاالسلام آمدند و در این هنگام سوره انسان (یا هجده آیه آن) نازل شد (۱).

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. واژه «أبرار» جمع «بر» در اصل به معنای گستردگی است و از آن جا که نیکوکاران نتایج اعمالشان گسترده است، به آنان ابرار می گویند (۲).

۲. «کافور» به معنای گیاه خوش بو و بوی خوش و نیز به معنای کافور مشهور است که بوی تنیدی دارد و برای ضد عفونی به کار می رود و در سفیدی و خنکی ضرب المثل است.

آری؛ شراب بهشتی بوی خوشی دارد و یا سفید و خنک است.

ص: ۳۷۱

۱- (۱). ر.ک: اسباب النزول واحدی، ص ۴۷۱؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۷۱ این حدیث را از بیش از سی نفر از علمای اهل سنت حکایت کرده، و در کتاب های تفسیر و حدیث شیعه نیز مکرر آمده است. البته در برخی احادیث آمده است که تمام غذای خود را به فقیر، یتیم و اسیر دادند.

۲- (۲). «بر» به معنای نیکوکاری همراه با توجه است (تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۹).

۳. در این آیات به چند نعمت و پاداش نیکان اشاره شده است:

الف) شراب خوش بوی بهشتی، که از چشمه هایی بیرون می آید؛

ب) امنیت، از شرّ عذاب های رستاخیز؛

ج) استقبال از آنان با شادمانی و سرور؛

د) خود بهشت که پاداش صبرنیکان است؛

هـ) (لباس ها و فرش های) حریر.

۴. در این آیات چند ویژگی نیکان برشمرده شده است:

الف) آنان افرادی متعهدند و به نذر خود عمل می کنند.

ب) از عذاب سخت رستاخیز هراسناک اند.

ج) ایثارگری و امداد رسانی می کنند و به نیازمندان، کودکان بی سرپرست و اسیران غذا می دهند، در حالی که خود نیازمند آن غذا هستند.

د) در کارشان اخلاص دارند و برای خدا امدادرسانی می کنند و انتظار پاداش و تشکر از کسی ندارند.

هـ) شکویا هستند و در راه انجام تعهدات و امدادرسانی صبورند و مشکلات را تحمل می کنند.

۵. ابرار و بندگان خاص خدا در بهشت از چشمه ای استفاده می کنند که در اختیار آنهاست و هر کجا بخواهند آن را می شکافند و جاری می سازند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن چشمه در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله است و از آن جا به خانه سایر پیامبران و مؤمنان جاری می شود (۱)؛ همان طور که در دنیا مردم از چشمه علم و رحمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می کردند، در آخرت نیز این امر تجسم می یابد و شراب بهشتی از خانه آن حضرت به خانه دیگران سرازیر می شود.

۶. وفای به نذر برای همگان واجب و تخلف از آن حرام است و کفاره دارد؛ اما کسانی که از روز رستاخیز و عذاب سخت آن می هراسند، تعهد بیش تری به انجام نذر خود دارند.

ص: ۳۷۲

۷. در این آیات مسأله وفای به نذر و ترس از رستاخیز و غذا دادن به نیازمندان به صورت فعل مضارع آمده است؛ یعنی روش نیکان این گونه است و این اعمال و حالت در آن ها مستمر است و فقط یک بار اتفاق نمی افتد.

۸. نیکان با این که خودشان میل به غذا دارند آن را به دیگران می بخشند (۱). این همان ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خویشان است که مرتبه عالی نیکوکاری است (۲).

۹. مقصود از «اسیر» در آیه فوق مشرکان و کافرانی هستند که در مدینه به دست مسلمانان اسیر شده بودند، یا بردگانی که اسیر مالک خود بودند و یا زندانیان؛ هرچند احتمال اول مناسب تر است. البته در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله محل خاصی برای نگه داری اسیران نبود و آنان را بین مسلمانان تقسیم می کردند تا از آنان مراقب کنند و چنانچه کسی توانایی غذا دادن به اسیران را نداشت اسیران از دیگران غذا می طلبیدند. (۳)

۱۰. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اسیران سفارش می کردند، به طوری که مردم در اثر سفارش های آن حضرت، غذای خود را به اسیر می دادند و او را بر خود مقدم می شمردند (۴).

۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس به سه مسلمان غذا دهد، خدا او را از سر بوستان بهشتی در ملکوت آسمان ها غذا خواهد داد (۵).

هم چنین از آن حضرت روایت شده: بنده ای که شب سیر بخوابد در حالی که برادر - یا همسایه - مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است (۶).

۱۲. در این آیات به اخلاص نیکان در امداد رسانی و غذا دادن به دیگران اشاره شده است، آنان فقط برای ذات خدا غذا می دهند (۷) و هیچ پاداش و تشکری از مردم نمی طلبند.

ص: ۳۷۳

۱- (۱). ضمیر «حَبَّه» به طعام بر می گردد ولی برخی احتمال داده اند به «اللَّهِ» برگردد؛ لکن با توجه به آیه بعد معنای اول صحیح تر است (تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۵۳).

۲- (۲). (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) (آل عمران / ۹۲).

۳- (۳). تفسیر نمونه، همان.

۴- (۴). کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵- (۵). کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۳؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۷؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۷۱ و وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۰۴.

۶- (۶). امالی شیخ طوسی، ص ۵۹۸؛ اعلام الدین، ص ۲۱۶؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹ و وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۲۷.

۷- (۷). مقصود از «وجه الله» ذات خداست و گرنه خدا صورت ندارد.

اعمالی که با انگیزه غیر الهی و برای ریاکاری و طلب تشکر از مردم انجام شود ارزش معنوی ندارد و ارزش عمل به نیت انسان بستگی دارد.

۱۳. در این آیات از روز رستاخیز با عنوان «روز عبوس و شدید» یاد شده است. عبوس از صفات انسان است ولی به خاطر نشان دادن حوادث سخت و عذاب هولناک رستاخیز از آن با عنوان عبوس یاد شده است.

۱۴. نیکان از شر روز رستاخیز و عذاب پروردگار می ترسند ولی خدا نه تنها آنان را از شر آن روز حفظ می کند بلکه در رستاخیز با شادی و خرمی از آنان استقبال می شود و داخل بهشت می شوند و از نعمت های آن استفاده می کنند. این پاداش ها به خاطر آن است که نیکان در برابر مشکلات صبورند و به نذر خود وفا می کنند و به دیگران امداد می رسانند.

۱۵. در این آیات از غذا دادن به سه گروه فقرا، یتیمان و اسیران یاد شده است، ولی ممکن است این موارد از باب مثال باشد؛ چون هر نوع امداد رسانی به نیازمندان جامعه مطلوب است و نزد خدا پاداش دارد، که شامل غذا و لباس و نوشیدنی به همه اقشار نیازمند می شود.

۱۶. در این آیات نعمت های بهشتی متنوعی برای نیکان برشمرده شده است:

الف) لباس های فاخر بهشتی که از جنس حریر و دیبا همراه با دستبندهای زینتی از نقره است.

ب) نوشیدنی های گوارا که با زنجبیل آمیخته شده و از چشمه سلسبیل به دست آمده است و نیز شرابی پاک که خدا به نیکان می نشانند.

ج) ظرف های زیبای بهشتی از جنس نقره و قدح های بلورین که زیبایی خاصی به مجالس بهشتیان می بخشد.

د) خدمت گزاران نوجوان که گرداگرد بهشتیان می چرخند و غذا و نوشیدنی های آنان را تأمین می کنند تا هیچ گونه زحمتی برای نیکان در بهشت نباشد.

ه-) محیطی آرام و لذت بخش که نه آفتاب سوزان دارد و نه سرمای گزنده، بلکه زیر سایه درختان پرمیوه است که میوه هایش در دست رس اند و بهشتیان برتخت هایی تکیه زده و از این نعمت ها استفاده می کنند.

این ها پاداش تلاش ها و نیکوکاری نیکان در دنیا است.

۱۷. اصول و نظام حاکم بر زندگی دنیایی با اصول و نظام حاکم بر آخرت متفاوت است و نعمت هایی که در این آیات از آن ها یاد شده تنها اشاراتی پرمعنا به مواهب بهشتی اند، و گرنه حقایق نعمت های بهشتی بالاتر از چیزهایی است که ما شنیده یا دیده ایم. (۱)

یعنی «نعمت های بهشتی در دنیا همانندی ندارند ولی خدا با نام هایی که برای ما شناخته شده اند از آن ها نام می برد؛ مثلاً از شراب طهوری نام می برد که با زنجبیل ممزوج است. زنجبیل ماده معطری است که مردم به آن علاقه داشتند.» (۲)

۱۸. در این آیات بیان شده که ظرف های بلورین بهشتی از نقره ساخته شده اند، در حالی که در دنیا ظرف های بلورین را از نقره نمی سازند؛ از این تعبیرات استفاده می شود که ظرف ها و جام های بهشتی هم شفافیت بلور را دارند و هم درخشندگی و زیبایی نقره را، به طوری که نوشابه های آن کاملاً نمایان است؛ نقره های بهشت هم چون شیشه و بلور دنیاست. (۳)

۱۹. برخی مفسران بیان کرده اند که مردم عرب دو نوع شراب داشته اند: شرابی که با زنجبیل مخلوط می شد و تندی مخصوصی داشت و نشاط آور بود و شرابی که با کافور آمیخته می شد و سست کننده و آرام بخش بود و قرآن از هر دو قسم یاد کرده است، اما میان شراب مست کننده و زیان آور دنیوی با شراب طهور و بدون ضرر آخرت تفاوت بسیار است.

۲۰. «سَلْسَبِيل» به معنای روان، یا حرکت پی در پی یا گواراست و آن نوشیدنی لذیذی است که به راحتی در گلو جاری می شود و گواراست و نام چشمه ای در بهشت است که شراب بهشتیان از آن تأمین می شود.

۲۱. عبارت «در بهشت نعمت و مُلکی بزرگ است»، اشاره به زوال ناپذیری یا کثرت یا گستردگی قلمرو و تحقق آرزوها و خدمت گذاری فرشتگان در بهشت است.

البته مانعی ندارد که اشاره به همه این معانی باشد.

ص: ۳۷۵

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۶۵.

۲- (۲). مطلب اخیر از ابن عباس حکایت شده است (تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۲۲ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۱).

۳- (۳). جمله اخیر از امام صادق علیه السلام حکایت شده است (تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۲۱ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۱).

۲۲. لباس های بهشتیان از حریر نازک سبز و حریر ضخیم یعنی دیباست. حریر پارچه ای ابریشمی و بسیار نرم و لطیف است. آری؛ مؤمنانی که در دنیا معمولاً از نعمت های مادی محروم بودند، در آخرت از بهترین نعمت ها بهره مند می شوند.

۲۳. انتخاب رنگ سبز برای لباس بهشتیان به خاطر آن است که نشاط آور و به رنگ طبیعت است.

۲۴. یک نعمت بزرگ الهی و لطف خاص خدا به نیکان بهشتی نوشاندن شراب طهور به آنان است؛ در آن جا پروردگار ساقی است و به نیکان شراب می نوشاند شرابی که پاک و پاک کننده است نه تلخ و زیان آور؛ (۱) شرابی که روح و جسم را از آلودگی ها پاک می کند و نورانیت و نشاط می آورد.

۲۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده که (شراب طهور موجب می شود که نیکان بهشتی) «از هر چیزی که غیر از خداست پاک شوند.» (۲)

۲۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که این شراب موجب می شود که حسد از دل های نیکان پاک شود. (۳)

۲۷. یکی دیگر از مواهب بزرگ الهی در مورد نیکان آن است که خدا از آنان تشکر می کند و نعمت های بهشتی را پاداش آنان قرار می هد.

آری؛ این لطف خاص خداست که به خاطر تلاش های نیکان از آنان سپاس گزاری می کند، و گرنه همه نعمت ها و توفیق های بندگان از خداست.

۲۸. این آیات در مورد امام علی علیه السلام و خانواده نیکوکار ایشان فرود آمده است، ولی عمومیت دارد و خانواده امام علی علیه السلام سرآغاز نزول و مصداق کامل این آیات هستند؛ و همان طور که در برخی از احادیث شأن نزول آمده است (۴) که هر مؤمن دیگری که راه آنان را ادامه دهد، مشمول همین پاداش ها خواهد بود.

ص: ۳۷۶

۱- (۱). طهور به معنای پاک و پاک کننده است.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۲۳ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۳.

۳- (۳). کافی، ج ۸، ص ۹۵ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۸۵.

۴- (۴). بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۴۳ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۶۲.

هر چند که در آیات فوق نامی از کسی برده نشده است، لیکن سیاق آیات نشان می دهد که از افراد خاصی صحبت می شود که در موقعیت خاصی به یتیم و مسکین و اسیر کمک کرده و در این مورد سخن گفته اند که ما برای خدا این کار را کردیم و... بنابراین روایت فوق که شأن نزول آیه را بیان کرده نوعی تفسیر آیه به شمار می آید که در توضیح آیه نام افراد را مشخص می سازد.

پیام ها

- ۱- همچون اهل بیت علیهم السلام (از جمله امام حسین علیه السلام) با اخلاص بخشش کنید. و منتظر پاداش و تشکر نباشید.
- ۲- همچون اهل بیت علیهم السلام (از جمله امام حسین علیه السلام) به بینوایان، اسیران و بردگان جامعه رسیدگی کنید.
- ۳- همچون اهل بیت علیهم السلام (از جمله امام حسین علیه السلام) به نذرهای خویش وفا کنید.

چهلیم: سوره نازعات

۹۲- صحنه لرزاننده در رجعت

نازعات / ۹-۱. (وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ)؛ «سوگند به گیرندگان سخت گیر! سوگند به بازستانان نرم گیر! سوگند به شناوران تندرو! و پیشی گیرندگان پشتتاز! و تدبیر کنندگان کار [ها]! روزی که لرزاننده می لرزاند، در حالی که (لرزاننده) دنباله رو در پی آن در آید. در آن روز دل های مضطرب، دیدگان نشان فروتن است».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. مفسران در مورد پنج آیه نخست این سوره سه تفسیر ارائه کرده اند:

الف) منظور این آیات فرشتگان الهی اند که در هنگام گرفتن جان کافران به سختی عمل می کنند؛ ولی روح مؤمنان را با نرمی و نشاط می گیرند و در اجرای فرمان الهی با سرعت عمل می کنند و بر یک دیگر پیشی می گیرند و امور جهان را تدبیر می کنند.

ب) مقصود آیات، ستارگان آسمان اند که از افق ها کنده شده، به نرمی در فضا شناور می شوند و بریک دیگر پیشی می گیرند و (به فرمان خدا با نور و حرارت خود) امور جهان را تدبیر می کنند.

ج) منظور این آیات مجاهدان راه خدا هستند که از خانه های خود کنده می شوند و بانشاط راهی میدان نبرد می شوند و بر یک دیگر سبقت می گیرند و امور جنگ را تدبیر می کنند (۱). البته مانعی ندارد که این آیات اشاره به هر سه تفسیر باشد؛ یعنی آیات مطلبی کلی را بیان می کنند که هر کدام از این ها یک مصداق آن است.

اما تفسیر اول مناسب تر است؛ چون احادیث متعددی آن را تأیید می کنند. (۲)

۲. خدای متعال سخنانش حق است و نیازی به سوگند ندارد ولی گاهی برای تأکید بر مطلب و یا جلب توجه به امری خاص و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می کند؛ و در این جا به فرشتگان و کارهای آنان سوگند یاد می کند تا بر وقوع رستاخیز و حتمی بودن آن تأکید کند. (۳)

۳. در این آیات به دو حادثه بزرگ در آستانه رستاخیز اشاره شده است:

الف) زمین لرزه ای هولناک، که اشاره به نفخ صور اول است. با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، نظام جهان درهم می ریزد و همه موجودات می میرند.

ب) حادثه ای بزرگ که به دنبال آن می آید. در این جا اشاره به نفخ صور دوم است که با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، همه موجودات زنده شده، رستاخیز شروع می شود. (۴)

از خاک برویند در این دور خلاق کین نفخه صورت که کردست صدایی

ص: ۳۷۸

۱- (۱). «غَرْق» در اصل به معنای اغراق و مبالغه در هر چیز، «نازعات» در اصل به معنای از جا برکندن یا کشیدن چیزی، «ناشطات» به معنای گشودن گره های آسان و انجام کارها به راحتی و «سابحات» به معنای حرکت سریع در آب و یا هواست (ر.ک: لسان العرب، تفسیر مجمع البیان، تفسیر کشاف و مجمع البحرین).

۲- (۲). تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۴، ۷، ۸ و ۱۲.

۳- (۳). تقدیر آیه چنین است: (لتبعثن یوم القیامه...).

۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۸۱ - ۸۲ (البته برخی نیز این دو حادثه را زلزله زمینی و زلزله آسمانی دانسته اند). در مورد نفخ صور اول و دوم ر.ک: سوره زمر، ذیل آیه ۶۸.

۴. در رستاخیز دل های خلافاکاران به شدت می لرزد؛ چون نگران حساب و کیفر خود هستند و از این رو چشمان آن ها از شدت ترس به زیر افتاده، فروتن گشته و از حرکت باز ایستاده است.

آری؛ کسانی که در دنیا مردم را به وحشت می انداختند، امروز ترسان و لرزان می شوند و کسانی که سرکشی می کردند، امروز از ترس فروتن می شوند.

۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از لرزاننده در این آیات امام حسین علیه السلام است که در هنگام رجعت سراز خاک بر می دارد و ۷۵۰۰۰ نفر صحابی دارد و امام علی علیه السلام بعد از ایشان خواهد آمد.

« مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ خَالِدِ الْعِاقُولِيِّ، عَنِ عَائِدِ الْكَرِيمِ الْخُثَمِيِّ، عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ) قَالَ: الرَّاجِفَةُ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالرَّادِفَةُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَمْسَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) ۱. (۱)

تحلیل

ظاهر آیات فوق در مورد رستاخیز است اما بر اساس روایت فوق به رجعت در آخر الزمان اشاره دارد. ممکن است این گونه احادیث به باطن آیه اشاره داشته باشد یعنی با الغای خصوصیت از آیات مصادیق لرزاننده را در رجعت بیان می کند. که با رجعت امام حسین علیه السلام لرزه بر اندام ستمگران می افتد.

مسأله رجعت از عقاید شیعه است که دلایلی از قرآن و احادیث دارد. (۲) یعنی قبل از قیام گروهی از مؤمنان خالص و کافران محض دوباره زنده می شوند و در دنیا نیز به پاداش و کیفر می رسند.

ص: ۳۷۹

۱- (۲). تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۶۲، ح ۱؛ البحار، ج ۵۳، ص ۱۰۶، ح ۱۳۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۲۴، ح ۱، و فی الفرات، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۶۸۹ بطریق آخر و فی «خمس و تسعین ألفاً».

۲- (۳). ر.ک: رجعت، خادمی شیرازی، و نیز مبحث رجعت در کتب حدیثی و تفاسیر قرآن.

امام حسین علیه السلام اولین شخصیت رجعت کننده در آخر الزمان است که با رجعت خویش لرزه بر اندام ستمگران می اندازد.

چهل و یکم: سوره تکویر

۹۳- به کدامین گناه کشته شد؟

تکویر / ۸ - ۹. (وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ)؛ «و هنگامی که دریاها برافروخته (و پُر) شوند و هنگامی که اشخاص (گروه) گروه شوند، و هنگامی که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود: به کدامین پیامد (گناه) کشته شد؟!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات زنده به گور کردن دختران یادآوری شده است که یکی از عادات زشت اعراب جاهلی بود. برخی از قبایل عرب (مثل کِنْدَه) وجود دختران را ننگ می دانستند و برای جلوگیری از فقر اقتصادی، آنان را زنده به گور می کردند (۱).

قرآن کریم با این پدیده شوم برخورد کرد، و جایگاه زنان را در جامعه اسلامی تثبیت نمود و حقوق آن ها را مشخص ساخت؛ البته این عادت جاهلی، در عصر ما نیز به صورت دیگری رخ نموده است و در برخی کشورها به زنان اجازه داده می شود که سقط جنین کنند و کودک خویش را بی رحمانه، قبل از تولد بکشند.

۲. در رستاخیز از «دختران (۲) زنده به گور شده» پرسش می شود: «به کدامین گناه کشته شدند؟» جالب آن است که از قاتلان آن ها پرسش نمی شود، گویا قاتلان بی رحم آنها، ارزش ندارند که از آن ها پرسش شود و گواهی کودکان مظلوم به تنهایی کافی است.

۳. در تفسیر آیه فوق از امام باقر علیه السلام روایت شده که: منظور کسانی هستند که در راه دوستی ما کشته می شوند (و از آنان پرسیده می شود به کدامین گناه کشته شدید؟). (۳) البته

ص: ۳۸۰

۱- (۱). البته گاهی نیز به خاطر این که دختران به دست دشمن نیفتند اقدام به زنده به گور کردن آن ها می کردند.
 ۲- (۲). «مؤوده» در اصل به معنای سنگینی است، و چون دختران را در گور دفن می کنند و خاک سنگین بر آنان می ریزند این تعبیر در مورد آن ها به کار رفته است.

۳- (۳). تفسیر فرات کوفی، ص ۵۴۱ و ۵۴۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۴ و تفسیر برهان، ج ۵، ص ۵۹۳.

این گونه احادیث به بطن آیه نظر دارند؛ یعنی از دختران زنده به گور شده الغای خصوصیت می شود تا آیه، شامل هر مظلومی بشود.

۴. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند این آیات در مورد امام حسین علیه السلام نازل شده است.

«أَبِي، عَيْنِ سَعْدٍ، عَيْنِ ابْنِ يَزِيدَ وَابْنِ هِاشِمٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي بصير، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۱)

تحلیل

ظاهر آیات فوق در مورد دختران زنده به گور شده است اما روایت فوق به باطن آیه اشاره دارد. یعنی با الغاء خصوصیت از دختران توسعه معنایی در آیه داده شده تا شامل خون های به ناحق ریخته شود که از مهم ترین آن ها قتل امام حسین علیه السلام است. که در رستاخیز از ایشان پرسیده می شود: به چه گناهی کشته شد؟

البته در روایت فوق تعبیر «نزلت» آمده است که این تعبیر گاهی در مورد تطبیق آیه با مصادیق جدید به کار می رود نه نزول اصطلاحی، و در این جا نیز به همین معنای تطبیق است.

پیام ها

امام حسین علیه السلام مظلوم و بدون گناه کشته شد و این مطلب مورد بازپرسی قرار می گیرد.

چهل و دوم: سوره مطفین

۹۴- نیکان غرق در نعمت

مطفین / ۱۸ - ۲۸. (كَلَّا- إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ كِتَابٌ مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ خِتَامُهُ مِسْكَ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ وَ مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ)؛ «هرگز چنین نیست، قطعاً، نامه (اعمال) نیکان در مراتب عالی است.

ص: ۳۸۱

۱- (۱). کامل الزیارات، ص ۶۳، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۶۷، ح ۱۰؛ البحار، ج ۲۳، ص ۲۵۵، ح ۶ و ج ۴۴، ص ۲۲۰، ح ۱۳ و فی البرهان مع اختلاف، ج ۴، ص ۴۳۲، ح ۱۴.

و چه چیز تو را آگاه کرد که مراتب عالی چیست؟! (آن) نامه ای است که نوشته شده است، [و] مقربان آن را گواهی می دهند. قطعاً، نیکان در نعمتی فراوان اند؛ در حالی که بر تخت ها (تکیه زده و) می نگرند؛ در چهره هایشان شادابی فراوانی نعمت را می شناسی؛ از شراب خالص مُهر نهاده شده نوشانده می شوند. مُهر آن مُشک است؛ و در مورد این (شراب ها)، پس مشتاقان باید (بزرگوارانه بر یک دیگر پیشی گیرند و) اشتیاق ورزند. و آمیزه اش از شراب برتر (چشمه بهشتی) است، چشمه ساری که مقربان از آن می نوشند».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. یکی از روش های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت نیکان و بدان را در برابر هم دیگر به تصویر می کشد تا مخاطبان بتوانند راه خود را آگاهانه انتخاب کنند. در این آیات سرنوشت نیکان و نعمت های بهشتی آنان بیان شده است و در آیات دیگر سرنوشت خلاف کاران تکذیب گر و کیفی های آنان بیان شده بود.

۲. «علیین» به معنای مکان های بالا یا اشخاص بالانشین است و در این جا به برترین مکان های بهشت تفسیر شده است.

در مورد «علیین» و «کتاب رقم زده شده نیکان»، دو تفسیر ارائه شده است:

الف) مقصود نامه اعمال نیکان است که همه کارهای آنان در آن ثبت است و این دیوانی بلندمرتبه است که در بهشت قرار دارد.

ب) منظور سرنوشت نهایی نیکان است که به سوی درجات عالی بهشت رقم زده شده است؛ البته مانعی ندارد که آیه فوق به هر دو تفسیر اشاره داشته باشد (۱) چون نامه اعمال نیکان عامل صعود آنان به درجات عالی بهشت است.

۳. نامه اعمال نیکان را مقربان در گاه الهی مشاهده می کنند و بر آن گواهی می دهند. مقربان، همان فرشتگان ناظر اعمال یا گروهی برگزیده از مؤمنان هستند که مقامی بس والا دارند. در برخی آیات قرآن نیز اشاره شده که هر امتی گواهی دارد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گواه بر آنهاست (۲).

ص: ۳۸۲

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۷۰ - ۲۷۲.

۲- (۲). ر.ک: نحل / ۸۹.

۴. در این آیات، برای نیکان پاداش های متعددی برشمرده شده است:

الف) در نعمت های فراوان بهشتی هستند، نعمت های بزرگ و فراوان مادی و معنوی که نمی توان آن ها را وصف کرد (۱).

ب) بر تخت ها و ارگ های زیبای بهشتی تکیه می زنند (۲) و به مناظر زیبا می نگرند و لذت می برند.

ج) چهره های شاداب دارند و از نعمت های الهی مسرورند.

د) از شراب زلال مهرزده و دست نخورده می نوشند؛ شرابی که پاک و پاک کننده است و هم چون شراب های زیان آور، بدبو و دست خورده دنیا نیست؛ شرابی که در بسته است، ولی در آن را با ماده مُشک خوش بو بسته اند که هرگاه دست بر مُهرش می نهند، بوی عطر مُشک فضا را پر می کند؛ همان شرابی که تسنیم ممزوج است.

آن شراب حق، ختامش مُشک ناب باده، را ختمش بود، گند و عذاب

۵. در این آیات چند ویژگی برای شراب های بهشتی نیکان بیان شده است:

الف) شرابی زلال و خالص است، که آلودگی و ناخالصی در آن نیست.

ب) در ظرف های در بسته و دست نخورده است، که این نشانه احترام به میهمان است.

ج) در ظرف های شراب بهشتی را با ماده ای پوشانده اند که بوی مُشک می دهد و هرگاه در آن را باز کنند، بوی آن فضا را عطر آگین می کند.

د) این شراب با برترین نوع شراب بهشتی، یعنی تسنیم مخلوط شده است و طعم آن را می دهد.

همه این ها برای نیکان است.

ه) در بهشت به نیکان از این شراب می نوشانند؛ یعنی آنان برای نوشیدن شراب زحمت نمی کشند و با کمال احترام از آنان پذیرایی می شود.

ص: ۳۸۳

۱- (۱). «نعیم» به معنای نعمت های فراوان است و نکره بودن آن بر عظمت آن نعمت ها دلالت دارد (تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۷۳).

۲- (۲). «أرائک» در اصل به معنای تخت های زیباست که برخی اصل آن را فارسی، و از کلمه «ارگ» (کاخ سلطنتی) و یا از کلمه «أراک» (تخت سلطنتی یا پایتخت) و برخی اصل آن را عربی و از ریشه اراک (درختی که از چوب آن سایبان درست می کنند) دانسته اند (ر.ک: لغت نامه دهخدا، المفردات فی غریب القرآن، و برهان قاطع).

۶. «تسنیم» به معنای چشمه ای است که از بالا- به پایین فرو می ریزد و طعم خاصی دارد که مخصوص مقربان درگاه الهی است.

در بهشت شراب های مختلفی است: برخی در نهرها جاری است، (۱) برخی در ظرف های در بسته است، و برخی از طبقات بالای بهشت فرو می ریزد، که از همه عالی تر است و نشئه روحانی غیر قابل وصفی دارد؛ البته همه این تعبیرات اشاره به حقایق برتر بهشتی و شبیحی از آنهاست.

۷. مقربان درگاه الهی در بهشت از چشمه ای می نوشند که تسنیم از آن جاری است.

از این آیات استفاده می شود که مقام مقربان از مقام نیکان برتر است؛ نیکان کسانی هستند که روحی بلند و وسیع و همّتی بلند در اعتقاد و عمل دارند؛ ولی مقربان کسانی هستند که در پیشگاه الهی مقامی خاص دارند.

۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: هر کس شراب دنیوی را برای خدا ترک کند، خدا از شراب زلال دست نخورده بهشتی او را سیراب می کند. (۲)

و از امام سجاد علیه السلام روایت شده: هر کس مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خدا او را از شراب زلال دست نخورده بهشتی سیراب می کند. (۳) و نیز در مورد کسی که در روز گرم تابستان روزه بگیرد همین پاداش ذکر شده است. (۴)

۹. نعمت های بهشتی نیکان آن قدر ارزشمند است که باید انسان ها برای رسیدن به این نعمت ها مسابقه دهند و بزرگوارانه و در رقابتی سالم، برای رسیدن به آن مقام تلاش کنند و این جز در سایه نیکوکاری به دست نمی آید. (۵)

ص: ۳۸۴

۱- (۱). ر.ک: محمد/ ۱۵.

۲- (۲). کافی، ج ۶، ص ۴۳۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۶ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۳۴.

۳- (۳). کتاب المؤمن، ص ۶۴؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۸۳؛ امالی شیخ طوسی، ص ۱۸۲؛ کافی، ج ۲، ص ۱۹۹ و تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۹۳.

۴- (۴). کافی، ج ۴، ص ۶۴ و ۶۵؛ فضائل الاشهر، ص ۱۲۰؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۳۴ و تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۹۳.

۵- (۵). «تنافس» در اصل به معنای خواستن چیز ارزشمند، و مسابقه دادن برای به دست آوردن آن است؛ البته مسابقه ای بزرگوارانه، به طوری که موجب زیان رساندن به دیگران نشود (المفردات فی غریب القرآن؛ مجمع البحرین و تفسیر مجمع البیان).

۱۰. از امام حسن علیه السلام روایت شده: به خدا سوگند هر جا در قرآن از نیکان یاد شده است، جز علی و فاطمه و من و حسین علیه السلام اراده نشده است (۱).

«الشِّيرَازِي فِي كِتَابِهِ بِالْإِسْنَادِ: عَنِ الْهَيْدَلِيِّ، عَنِ الْمُقَاتِلِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنْتُ مَرًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (إِنَّ الْأَبْرَارَ) فَوَاللَّهِ مَا أَرَادَ بِهِ إِلَّا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَاطِمَةَ وَأَنَا وَالْحُسَيْنَ لِأَنَّ نَحْنُ أَبْرَارٌ بِأَبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَقُلُوبُنَا عَلَتْ بِالطَّاعَاتِ وَالْبِرِّ وَتَبَرَّأْتُ مِنَ الدُّنْيَا وَحُبَّهَا وَأَطَعْنَا اللَّهَ فِي جَمِيعِ فَرَائِضِهِ وَأَمَّنَّا بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَدَّقْنَا بِرَسُولِهِ». (۲)

تحلیل

این گونه احادیث، مصداق های کامل و روشن ابرار و نیکان را بیان می کنند و این مانع عمومیت و شمول آیات نمی شود. بنابراین دلالت روایت از باب جری و تطبیق است.

پیام ها

۱- اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام از نیکان امت هستند که در رستخیز غرق در نعمت می شوند.

۲- اگر می خواهید حسینی باشید راه نیکان بپوید.

چهل و سوم: سوره فجر

۹۵- امام حسین علیه السلام نفس آرام راضی و مرضی

فجر / ۲۷-۳۰. (يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي)؛ «ای جان آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که (تو از او) خوشنودی [و] مورد رضایت (او) هستی؛ پس در (سلوک) بندگان (ویژه) من در آی، و در بهشت (ویژه) من وارد شو».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. این آیات دارای تعبیرات جالب، دل انگیز و روح پرور و نشان دهنده لطف ویژه خدا نسبت به بندگان خاص خویش است؛ خدا آنان را به طور مستقیم به مهمانی خویش دعوت می کند و رضایت خود را از آنان اعلام می دارد.

ص: ۳۸۵

۱- (۱). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۳۳.

۲- (۲). المناقب، ج ۴، ص ۲.

۲. در این آیات ویژگی های بندگان خاص خدا را برشمرده است که عبارت اند از:

(الف) آنان دارای نفس مطمئن و جان آرامی هستند؛

(ب) به سوی خدا باز می گردند و به ثواب و رحمت الهی می رسند؛

(ج) در سلک بندگان خاص، مورد لطف قرار می گیرند؛

(د) در بهشت الهی وارد می شوند؛

(هـ) از پاداش ها و الطاف الهی راضی اند؛

(و) اعمال و عقاید آنان مورد رضایت و پسند خداست.

۳. نفس انسان همان روح آدمی است که می تواند حالات و مراتب مختلفی داشته باشد که در این آیات به سه حالت آن اشاره شده است:

(الف) نفس «مطمئن»: یعنی روحی که در پرتو ایمان و یاد خدا آرامش یافته و به مرحله اطمینان رسیده است و به وعده های الهی اطمینان دارد و در برابر طوفان حوادث اضطراب ندارد.

(ب) نفس «راضیه»: یعنی از خدا راضی و خشنود است؛ چون می بیند که به تمام وعده هایش عمل کرد و پاداش ها و نعمت های زیادتری به او ارزانی داشت؛ بندگان خاص خدا به مقام تسلیم و رضا رسیده اند و هرچه را دوست بخواهد می پسندند.

(ج) نفس «مرضیه»: یعنی خدا از کردار و عقاید این شخص راضی و خشنود است و او را می پسندد. البته در آیات دیگر قرآن از نفس «اماره»، «لؤامه»، «ملهمه» و «تسویه شده» نیز یاد شده است (۱).

۴. مقصود از بازگشت به سوی خدا، بازگشت در هنگام مرگ یا بازگشت در رستاخیز یا هر دو است که انسان به سوی ثواب و رحمت الهی باز می گردد.

۵. خشنودی انسان از خدا و خشنودی خدا از انسان در حقیقت علت های سعادت مندی انسان و وارد شدن او در سلک بندگان خاص و بهشت الهی اند.

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هنگام مرگ مؤمن، فرشته مرگ او را دل داری می دهد که من نسبت به تو مهربانم، چشمهایت را بگشای! و او پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام،

١- (١) . ر.ك: قيامت / ١؛ شمس / ٧-٨ و يوسف / ٥٣.

فاطمه علیها السلام و امامان دیگر علیهم السلام را می بیند و فرشته می گوید: این ها دوستان تو هستند و ناگهان گوینده ای از سوی پروردگار ندا می دهد: ای جان آرام یافته که به محمد و اهل بیت او اطمینان داشتی، بازگرد به سوی پروردگارت، در حالی که تو به ولایت او راضی هستی و او با ثوابش از تو خوشنود است؛ داخل بندگان من یعنی محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او شو و در بهشتم در آی! (۱)

هر کجا تو با منی من دل خوشم و ربود در قعر گوری منزلم

خوش تر از هر دو جهان آن جا بود که مرا با تو سر و سودا بود

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده: این سوره، سوره حسین علیه السلام است و هر کس آن را بخواند در قیامت در درجه او در بهشت خواهد بود (۲). و نیز روایت شده که مخاطب «ای جان آرام» در این آیات، امام حسین علیه السلام است (۳).

الف) «جَعَفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنِ ابْنِ الْبُطَّائِنِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي) يَعْنِي: الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۴)

ب) «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ صِنْدَلٍ عَنْ دَارِمِ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَتَوَافَلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْغَبُوا فِيهَا رَحِمَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى. فَقَالَ لَهُ أَبُو سَامَةَ وَكَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ: وَكَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ السُّورَةُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً؟ فَقَالَ: أَلَا تَسْمَعُ إِلَىٰ قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ الْوَالِيَةُ إِنَّمَا يَعْنِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ بِالْمَرْضِيَّةِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هُمُ الرَّاضُونَ عَنِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ وَهَذِهِ السُّورَةُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشَيْعَتِهِ وَشَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً مَنْ أَدَمَّنَ قِرَاءَةَ وَالْفَجْرِ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۵)

ص: ۳۸۷

۱- (۱). تفسیر فرات، ص ۵۵۴؛ کافی، ج ۳، ص ۱۲۷ - ۱۲۸، ح ۲ (با تلخیص) و بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۳.

۲- (۲). ثواب الاعمال، ص ۱۲۳؛ اعلام الدین، ص ۳۸۲؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۳۰ و بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۳.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۹.

۴- (۴). البحار، ج ۲۴، ص ۳۵۰، ح ۶۲ و ج ۴۴، ص ۲۱۹، ح ۱۱ و البرهان، ج ۴، ص ۴۶۰، ح ۱.

۵- (۵). البحار، ج ۲۴، ص ۹۳، ح ۶ و ج ۴۴، ص ۲۱۸، ح ۸ و البرهان، ج ۴، ص ۴۶۱، ح ۹.

آیه فوق مطلبی کلی در مورد نفس های مطمئن و آرام به یاد الهی بیان می کند که مورد رضایت الهی هستند و با حالت رضایت از پاداش الهی به سوی او باز می گردند. ولی روایات فوق این آیه را بر مصادیق کامل آن یعنی امام حسین علیه السلام تطبیق کرده است. و از آن جا که سوره فجر مکی است معلوم می شود که بعد نزول سوره و آیه، بر امام حسین علیه السلام تطبیق شده است.

نکته: تشابه های سوره فجر با ماجرای امام حسین علیه السلام

سوره فجر به نام امام حسین علیه السلام نام گذاری شده و همان طور که در حدیث فوق بیان شد اهل بیت علیهم السلام بر قرائت آن تأکید کرده و ثواب قرائت مداوم آن را همراهی با حسین علیه السلام در بهشت دانسته اند.

حکمت و فلسفه این مطلب را می توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱- از آن جا که آیه آخر سوره فجر اوج سوره فجر است و اوج مصادیق آن آیه، امام حسین علیه السلام است کل سوره به نام امام حسین علیه السلام خوانده شد.

۲- در این سوره از اقوام سرکشی مثل عاد و ثمود و فرعونیان یاد شده است که در برابر رهبران الهی مثل حضرت هود، صالح و موسی علیهم السلام ایستادند همچون یزید، ابن زیاد و... همگی گرفتار عذاب الهی در دنیا و آخرت شدند.

۳- در این سوره از امتحان الهی سخن گفته شده است که جریان کربلاء نیز امتحانی برای دوستان و دشمنان بود.

۴- در این سوره از پشیمانی افراد در رستاخیز سخن گفته شده است و باز جریان کربلا نیز ستمکاران پشیمان شدند.

پیام ها

۱- امام حسین علیه السلام نفس مطمئن و راضی و مرضی الهی بود.

۲- اگر می خواهید حسینی شوید تلاش کنید هم چون حسین علیه السلام اعمال و گفتار و عقاید شما مورد رضایت الهی باشد.

۹۶- پدر و فرزندان با عظمت

۴-۱. (لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ)؛ «به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می کنم! در حالی که تو در این سرزمین فرود آمده ای! سوگند به پدر و آنچه زاد! که به یقین، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. خدای متعال سخن راست و درست می گوید، اما گاهی برای تأکید بر مطلبی و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می کند. این سوگندها نشان دهنده عظمت آن چیزهاست و توجه انسان را به آن ها جلب می کند.

۲. در این آیات به سرزمین مکه سوگند یاد شده است؛ زیرا آن جا نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار است و پیامبران بزرگی هم چون ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله در آن جا طواف کرده اند.

۳. شرافت مکه به خاطر وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن جاست و در حالی که آن شهر سوگند یاد می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا باشد. از این رو هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه هجرت می کند، با عنوان «قریه» یعنی روستا و آبادی از آن یاد می شود (۱).

آری؛ ارزش سرزمین ها به ارزش انسان هایی است که در آن ها زندگی می کنند. اگر در سرزمینی عالمان و رهبران الهی زندگی کنند، آن جا شهر و متمدن است و حتی می توان بدان سوگند یاد کرد، و گرنه سزاوار نام شهر نیست.

گفت معشوقی به عاشق کای فتی توبه غربت دیده ای بس شهرها

گو کدامین شهر از آن ها خوش تر است گفت آن شهری که در وی دلبر است

۴. برخی مفسران برای این آیات تفسیر دیگری ذکر کرده اند: خدا می فرماید: به شهر مکه سوگند یاد نمی کنم؛ (۲) زیرا مردم مکه با تو بسیار بد رفتاری می کنند.

ص: ۳۸۹

۱- (۱). (مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكْنَاهُمْ...) (محمد/ ۱۳).

۲- (۲). بنابر تفسیر اول «لا» زایده، و بنابر این تفسیر «لا» نافیه است.

شهری که هر کس داخل آن شود امنیت دارد، چرا برای تو امنیتی ندارد و مشرکان حرمت تو را نگاه نمی‌دارند. این تفسیر که در برخی احادیث نیز آمده است (۱) به نوعی سرزنش مشرکان مکه است.

۵. انسان از آغاز زندگی تا هنگام مرگ گرفتار مشکلات و رنج و مشقت است؛ (۲) گاهی رنج‌های روحی و روانی و گاهی مشقت‌های جسمانی را تحمل می‌کند تا به پیری می‌رسد و حتی پیامبران الهی نیز از این قانون استثناء نبوده‌اند و جوامع به ظاهر آرام و سرخوش نیز در دل خود رنج‌های زیادی دارند که با مطالعه و دقت معلوم می‌گردد.

آری؛ انسان در همین رنج و مشکلات ساخته می‌شود و تکامل می‌یابد، آرامش بی‌رنج در زندگی مادی ممکن نیست؛ تنها سرای آخرت و بهشت جای راحتی و آرامش نهایی است.

۶. در این آیات از «پدر و فرزند» یاد شده است. مقصود از این پدر و فرزند، یا ابراهیم و اسماعیل علیه السلام هستند که کعبه و مکه را بنیاد نهادند یا آدم و فرزندانش یا آدم و پیامبران از نسل او یا امیرالمؤمنین و فرزندان او مثل امام حسن و امام حسین علیهما السلام و یا هر پدر و فرزندی هستند. البته مانعی ندارد که آیه به هر پنج معنا اشاره داشته باشد، و هر کدام مصداقی از آیه باشند.

۷. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام نقل شده که مقصود از «والد» در این آیات امیرالمؤمنین علیه السلام و مقصود از «ما ولد» فرزندان ایشان یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. (که خدا به آن‌ها سوگند یاد کرده است).

«مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ! قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَ وَالِدٍ) هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَ مَا وَلَدَ) الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.» (۳)

تحلیل

این گونه احادیث مصادیق آیه را بیان می‌کند بنابراین دلالت روایت از نوع جری است. چرا که لفظ آیه (وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ) شامل هر پدر و فرزندی می‌شود اما به تناسب شهر مکه و

ص: ۳۹۰

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۷ و بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱.

۲- (۲). «کبد» در اصل به معنای شدت است و برخی آن را به معنای درد کبد انسان گفته‌اند (المفردات فی غریب القرآن).

۳- (۳). تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۹۸، ح ۳؛ البحار، ج ۲۳، ص ۲۶۹، ح ۱۸ و البرهان، ج ۴، ص ۴۶۲، ح ۶.

بنیان گذاران اصلی آن حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش سپس بازسازی کنندگان کعبه یعنی ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام را شامل می شود و در ادامه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام یا شده که موجب اعتلای اسلام شد و جایگاه واقعی کعبه و مکه را بدان باز گرداند و کعبه را از بت ها پاک کرد و فرزندانش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام که با فداکاری و شهادت خویش حیات اسلام را بیمه کردند و در نتیجه مجد و عظمت کعبه و مکه را تضمین نمودند.

آری، پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام پدران معنوی این امت و نسل آنان از جمله امام حسن و امام حسین علیهما السلام ادامه دهنده راه آنان هستند.

پیام

امام حسین علیه السلام چنان عظمتی دارد که می تواند به او سوگند یاد کرد.

۹۷- زبان گویای اسلام و لبان زیبای او

بلد/ ۵ - ۱۰. (أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبِدًا أَيْحَسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ وَ هِدْيَانَهُ النَّجْدَيْنِ)؛ «آیا (انسان) می پندارد که هیچ کس بر او توانایی (دست یابی) ندارد؟! می گوید: «ثروت انبوهی را نابود کردم.» آیا می پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟! آیا برای او دو چشم قرار نداده ایم؟! و زبان و دو لب؟! و او را به دو راه (خیر و شر) ره نمون کردیم.»

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات به ثروتمندان سرکشی اشاره شده که می پنداشتند هیچ کس نمی تواند بر آنان دست یابد و بازخواست و مجازاتشان کند؛ آن ها می پنداشتند که کسی اعمال و خلاف کاری آن ها را ندیده است و از این رو به گناه و سرکشی ادامه می دادند.

در حالی که خدا آن ها را تحت نظر دارد و از درون و برون آنان آگاه است و هرگاه بخواهد آن ها را مجازات می کند و اگر مدتی به آنان مهلت می دهد به خاطر آن است که در گناه غرق شوند و مستحق مجازات سنگین تری گردند.

۲. ثروتمندان سرکش می گفتند: «ما اموال خویش را نابود کردیم.» این مطلب اشاره به افرادی هم چون عمرو بن عبدود است که در راه مبارزه با اسلام اموال زیادی مصرف کرد و هنگامی که علی علیه السلام به او پیش نهاد کرد که اسلام را بپذیرد، گفت: پس آن همه اموالی که

بر ضد شما مصرف کردم چه می شود؟ یا فردی هم چون حارث بن عامر، وقتی مرتکب گناهی شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او دستور کفاره داد، او گفت: از روزی که من مسلمان شده ام، اموال در راه کفاره و انفاق نابود شده است. و یا آیه اشاره به افرادی دارد که اموال خود را ریاکارانه برای اسلام مصرف کرده بودند و این کار را نوعی نابودی اموال خود می دانستند.

البته آیه فوق مفهوم گسترده ای دارد که همه این موارد را شامل می شود (۱).

۳. در این آیات تلاش شده که نعمت های الهی به یاد انسان آورده شود تا حس سپاس گذاری در او زنده گردد و از سرکشی دست بردارد؛ نعمت هایی چون:

الف) نعمت چشم، که مهم ترین وسیله ارتباط انسان با جهان خارج است و هم چون دوربینی بسیار دقیق، عکاسی و فیلم برداری می کند؛

ب) نعمت زبان، که مهم ترین وسیله ارتباط انسان با دیگران، برای مبادله اطلاعات است و نقش به سزایی در پیش رفت علوم بشری دارد؛

ج) نعمت لب های انسان که برای سخن گفتن و غذا خوردن مفید است و زیبایی خاصی به چهره انسان می دهد؛

د) نعمت هدایت، یعنی خدا به وسیله عقل، از درون و به وسیله پیامبران، از بیرون، انسان را به دو راه نیک و بد راه نمایی می کند (۲) تا آزادانه راه صحیح را انتخاب کند.

۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: ای فرزند آدم! اگر زبانت خواست تو را وادار به حرام کند، من دو لب را، برای جلوگیری از آن، در اختیار تو قرار دادم، پس لب فروبند (۳).

۵. از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: شگفتا از این انسان که با یک قطعه پیه می بیند و با قطعه گوشتی سخن می گوید، و با استخوانی می شنود و از شکافی نفس می کشد! (۴) این سخن اعجاز گونه امام علی علیه السلام به عجایب آفرینش در چشم، گوش، زبان و تنفس اشاره دارد.

ص: ۳۹۲

۱- (۱). ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۸؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۸۰ و بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۵۱ و ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۲- (۲). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۸؛ بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۸۴ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۸۱.

۳- (۳). کافی، ج ۸، ص ۲۱۹ و وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۳.

۴- (۴). نهج البلاغه، کلمه قصار ۸؛ غرر الحکم، ص ۸۳ و بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۳۰۷.

۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: ای مردم! منظور از دو راه و سرزمین مرتفع، همان راه خیر و راه شرّ است و راه شرّ در نزد شما محبوب تر از راه خیر قرار داده نشده است (۱).

۷. خدای متعال راه خیر و شرّ را به انسان شناسانده است؛ یعنی از سه راه «عقل و استدلال» و از طریق «فطرت و وجدان» و از طریق «وحی و پیامبران»، مسیر تکامل انسان را باز نموده و آن ها را هم چون سرزمین مرتفعی آشکار کرده است تا هر کس آزادانه به سوی راهی برود که انتخاب کرده است.

دست را مسپار جز در دست پیر حق شده است آن دست او را دست گیر

عقل کامل را قرین کن با خرد تا که باز آید خرد زان خوی بد

۸. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از «دو چشم» در آیات فوق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و منظور از «زبان» امام علی علیه السلام و مقصود از «دو لب» امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند.

« رَوَى الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الدَّيْلَمِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ حَدِيثًا مُسْنَدًا يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي يَعْقُوبَ الْأَسَدِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: (أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ) قَالَ: الْعَيْنَانِ، رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اللَّسَانُ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الشَّفَتَانِ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (وَ هَدْيَانَهُ النَّجْدَيْنِ) [إِلَى وَ لَايْتَهُمَا] إِلَى وَ لَايْتَهُمَا جَمِيعًا وَ إِلَى الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ جَمِيعًا » (۲).

تحلیل

با توجه به این که ظاهر آیات فوق از نعمت های الهی مثل چشم، زبان و لب های معمولی انسان سخن می گوید، حدیث فوق به باطن آیه اشاره دارد. یعنی با الغاء خصوصیت از چشم و زبان و لب معمولی به هدف و فایده این نعمت های الهی توجه کرده سپس توسعه معنایی داده که شامل همه مواردی شود که این فواید را دارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همچون چشم امت عزیز و بیناست و امام علی علیه السلام زبان گویای امت است (که نهج البلاغه پرتو آن است) و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دو زینت امت اسلام و محافظ حدود آن هستند. همان گونه که لب های انسان این گونه است.

پیام

امام حسین علیه السلام هم چون لب های انسان، زینت اسلام و محافظ حدود آن است.

ص: ۳۹۳

٢- (٢). البرهان، ج٤، ص٤٦٤، ح٤؛ نورالثقلين، ج٥، ص٥٨٠، ح١٠؛ البحار، ٩، ص٢٥١، ح١٥٧ و ج٢٤، ص٢٨٠، ح١ و ص٢٨٢، ح٨.

شمس / ۱-۱۰. (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّاهَا وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا)؛ «سوگند به خورشید و تابش (نیم روز) سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن درآید! سوگند به روز، هنگامی که آن را آشکار سازد! سوگند به شب، هنگامی که آن را فراگیرد! سوگند به آسمان و آن که آن را بنا کرد! سوگند به زمین و آن که آن را گستراند! سوگند به نفس و آن که آن را مرتب ساخت، و بد کاری اش و پارسایی اش را به او الهام کرد! که به یقین، کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد، رستگار (و پیروز) شد؛ و به یقین، کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در سوره شمس یازده سوگند یاد شده و این بیشترین تعداد سوگند است که در یک سوره قرآن آمده است و نشان دهنده اهمیت موضوع نفس است که برای آن سوگند یاد شده است. در ضمن، این سوگندها انسان را متوجه صحنه آسمان و زمین و نفس می کند تا در آن ها تأمل و تفکر کند و نشانه های خدا را ببیند.

۲. در این آیات به خورشید و تابش نیم روز آن سوگند یاد شده است؛ زیرا خورشید منبع نور و حرارت و عامل حرکت و رشد موجودات است. آری؛ انسان در پرتو نور خورشید همه چیز را می بیند و از منابع انرژی مستقیم و غیر مستقیم آن، به ویژه در نیم روز استفاده می کند. این مطالب، قابل دقت و تأمل و نشانه ای از لطف الهی است.

۳. در این آیات به «ماه که در پی خورشید، در می آید» سوگند یاد شده است.

مقصود از این جمله تبعیت دایمی ماه از خورشید و کسب نور از آن منبع (۱) و یا بدر کامل و شب چهاردهم ماه است که در هنگام غروب، ماه به دنبال خورشید، سر از مشرق بر می آورد و از هر زمان دیگر پرشکوه تر است (۲).

ص: ۳۹۴

۱- (۱). بنا بر این تفسیر جمله «اذا تلاها» قید توضیحی است.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۰.

۴. در این آیات، به روز، در آن هنگام که خورشید را آشکار می کند و صفحه زمین را روشن می سازد سوگند یاد شده است (۱). این سوگند به اهمیت روز و تأثیر فوق العاده آن در زندگی بشر اشاره دارد که عامل حرکت و جنب و جوش و شروع زندگی روزمره است.

۵. در این آیات به شب سوگند یاد شده که صفحه زمین و خورشید را می پوشاند و مایه استراحت و آرامش انسان است و از شدت حرارت خورشید جلوگیری می کند و از این رو یکی از نعمت های الهی است.

۶. در این آیات به آسمان و بنای آن، یا بنا کننده آن سوگند یاد شده است. (۲) آسمان در قرآن گاهی به معنای جو زمین و گاهی به معنای کرات آسمانی و گاهی به معنای آسمان معنویت، یعنی مراحل عالی وجود آمده است، که بنا کننده همه این ها خداست.

۷. منظور از «گسترش زمین» در این آیات چیست؟

مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده اند:

الف) زمین در آغاز، زیر آب دریاها بود و سپس خشکی ها از آن سر برآورد و گسترش یافت.

ب) زمین در ابتدا دارای پستی و بلندی های غیر قابل سکونت بود، که با بارش باران ها به تدریج مسطح و قابل سکونت شد (۳).

۸. برخی مفسران قرآن بر آن اند که یکی از معانی واژه «طحاها» رانیدن است؛ یعنی سوگند به زمین و کسی که آن را به حرکت درآورد؛ بنابراین، آیه فوق به حرکت انتقالی و وضعی زمین اشاره دارد (۴).

۹. مقصود از «نفس» انسان در آیات فوق، همان «روح» یا «جسم و روح» است؛ یعنی خدا به روح انسان و تعدیل و تنظیم قوای آن و یا به روح و جسم انسان و مرتب کردن

ص: ۳۹۵

۱- (۱). ضمیر «جلاها» یا به زمین بر می گردد که از قرینه مقام روشن می شود و یا به خورشید باز می گردد که در جملات قبل ذکر شده بود.

۲- (۲). «ما» در «مانها» مصدریه یا موصوله است و مانعی ندارد که «ما» موصوله برای افراد عاقل به کار رود.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۳ - ۴۴.

۴- (۴). تفسیر پرتوی از قرآن و تفسیر نمونه، ذیل آیه.

اعضا و جوارح جسمی و تنظیم قوای روحی اش سوگند یاد کرده است تا انسان در این امور تفکر کند و به اهمیت آن ها پی برد و خالق آن ها را بشناسد (۱).

تو مرد صحبت دل نیستی چه می دانی که سر به جیب کشیدن چه عالمی دارد

۱۰. نفس انسان دارای ابعاد مختلفی است که شامل حواس ظاهری (هم چون شنوایی، بینایی و چشایی) و حواس باطنی (هم چون ادراک، تخیل و...) می شود.

نفس انسان قدرت درک خیر و شر را دارد؛ چون خدای متعال کارهای نیک و بد را به او الهام کرده و بایدها و نبایدها را به او آموزش داده است و از این رو نفس انسان دو بعدی است و می تواند به طرف هر یک از کارهای نیک یا بد میل کند و این اراده انسان است که آن را جهت می دهد و به طرف کمال می برد تا از فرشتگان برتر شود یا به طرف شر و گمراهی می برد تا از حیوانات پست تر گردد.

۱۱. «الهام»، در اصل به معنای بلعیدن یا نوشیدن چیزی است؛ سپس به معنای القای مطلب از سوی خدا به روح و جان انسان آمده است.

تفاوت الهام با وحی آن است که انسان در حال الهام متوجه نمی شود که مطلب از کجا به او القا می شود، اما پیامبران در حال وحی شهود می کنند و می دانند که از کجا و به وسیله چه کسی مطالب به آن ها رسیده است.

۱۲. «فجور» در اصل به معنای شکافتن وسیع است و به کسی که خلافکاری کند فاجر می گویند؛ چون با ارتکاب گناه پرده ها را می شکافد؛ و در آیه فوق مقصود آن است که خدا اسباب، عوامل و راه های خلافکاری را به انسان الهام می کند و انسان از این راه ها آگاه است.

۱۳. «تقوی» در اصل به معنای حفظ خود از زیان است (۲) و در این جا به معنای آن است که خدا به انسان آموزش داده که چگونه به راه تقوا برود و خود را از آلودگی ها حفظ کند و این آموزش ها از طریق عقل و وجدان فطرت بوده است.

ص: ۳۹۶

۱- (۱). البته نفس در قرآن به معنای روح (زمر / ۴۲) و جسم (قصص / ۳۳) آمده است؛ اما با توجه به بحث الهام که در آیه بعد می آید، معنای روح در این جا مناسب تر است.

۲- (۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «وقی».

۱۴. «زگی» در اصل به معنای رشد دادن و نیز به معنای پاک کردن آمده است و در این جا هر دو معنا مقصود است؛ یعنی اگر انسان نفس خود را از آلودگی ها پاک کند، زمینه ساز رشد آن می شود و به رستگاری می رسد.

۱۵. لزوم کنترل و تربیت نفس به ویژه در جوانی:

امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرمایند: «... انسان یک موجود است که اگر چنانچه مهار نشود و سرخود بار بیاید و یک علف هرزه ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هر چه بزرگ تر بشود به حسب سال و بلند پایه تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می کند و آن معنویات، تحت سلطه شیطان، شیطان بزرگ که همان شیطان نفس است واقع می شود...» (۱).

هر چه فرصت جوانی از دست برود، ریشه های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می شود و جهاد مشکل تر. جوان زود می تواند در این جهاد پیروز بشود؛ پیر به این زودی نمی تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان از زمان جوانی به زمان پیری بیفتد. (۲)

۱۶. «فلح» به معنای شکافتن زمین و بیرون آمدن دانه است و از این رو به کشاورز فلاح می گویند؛ و در این جا اشاره دارد که کسی که نفس خود را پاک کند و رشد دهد، بالنده می شود و سر از خاک برمی آورد و به سوی ملکوت پر می کشد و رستگار و پیروز می شود.

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

۱۷. واژه «دشاهها» به معنای پوشاندن و داخل کردن چیزی همراه با کراهت است. این تعبیر در این آیه به معنای آلوده کردن و پوشاندن نفس با گناهان است و اشاره ای ظریف به این مطلب دارد که در اصل نفس انسان طالب نیکی و پاکی است و اگر کسی به دنبال گناه برود، آن را با کراهت بر نفس خود تحمیل می کند، ولی در نهایت به مطلوب نمی رسد و محروم و زیانکار می شود. (۳)

ص: ۳۹۷

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۹۸ - ۱۰۳.

۲- (۲). همان، ج ۷، ص ۲۱۱.

۳- (۳). «خاب» به معنای نرسیدن به مطلوب و محروم و زیانکار شدن است (المفردات فی غریب القرآن).

۱۸. یکی از روش های تربیتی قرآن آن است که دو راه نیک و بد و فرجام رهروان آن ها را در برابر هم به تصویر می کشد تا انسان بهتر بتواند راه خویش را انتخاب کند. در این آیات نیز راه پاک کنندگان نفس و فرجام پیروزمندان و راه آلوده کنندگان نفس و فرجام زیانکارانه آنان به تصویر کشیده شد تا هر کس آگاهانه راه خود را انتخاب کند.

۱۹. از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده که در تفسیر این آیات فرمودند:

هر کس (خدا را) اطاعت کرد، رستگار شد و هر کس نافرمانی کرد نومید و محروم گشت. (۱)

۲۰. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از «خورشید» در این سوره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و منظور از «ماه» امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و مقصود از «روز» امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند. و منظور از شب دوران بنی امیه است.

الف) «عَبِيدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عِكْرِمَةَ وَسَيْئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا) قَالَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا، هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا، آلُ مُحَمَّدٍ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا، بَنُو أُمَيَّةَ (۲) وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ هَكَذَا (۳) وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَكَذَا».

ب) «الباقر والصادق عليهما السلام في قوله: (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا) قال: هو رسول الله (وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا) علي بن أبي طالب (وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا) الحسن والحسين وآل محمد قال: (وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا) عتيق وابن صهاك وبنو أمية ومن تولاها « (۴)».

تحليل

ظاهر آیات فوق همان خورشید، ماه، روز و شب معمولی است ولی احادیث فوق به باطن آیات اشاره دارد یعنی با الغای خصوصیت و توسعه معنایی به منبع نور معنوی

ص: ۳۹۸

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۵۵ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۸۶.

۲- (۲). الفرات، ج ۱، ص ۵۶۱، ح ۷۱۷ و ص ۵۶۲، ح ۷۱۸ و البحار، ج ۲۴، ص ۷۹، ح ۲۰.

۳- (۳). الفرات، ج ۱، ص ۵۶۲، ح ۷۱۹ و ۷۲۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵ و تأویل الآیات، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۶.

۴- (۴). المناقب، ج ۱، ص ۲۸۳ و مشابهه فی الفرات، ج ۱، ص ۵۶۲، ح ۷۱۹ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۲۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵؛ البحار، ج ۲۴، ص ۷۹، ح ۲۰؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۶۷، ح ۱۱؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۶.

پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و نیز به تابع محض ایشان امام علی علیه السلام که هم چون ماه منیر همیشه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می درخشید و نیز به دو روشنایی امت یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام که با فداکاری و شهادت خویش راه امت را روشن کردند و نیز به دوران تاریک بنی امیه که هم چون شب سیاهی بر تاریخ اسلام سایه افکند.

پیام

نور امام حسین علیه السلام هم چون روز، راه امت را روشن کرد (تا هر کس بخواهد راه هدایت را بیابد و پیوید).

چهل و ششم: سوره تین

۹۹- میوه های علمی معنوی اسلام

تین / ۱- ۸. (وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ)؛ «سوگند به انجیر و زیتون! سوگند به کوه پربرکت (طور سینا)! سوگند به این سرزمین امن (مکه)! به یقین، انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم؛ سپس او را به فروترین (و خوارترین مرحله) فروتران باز گرداندیم، مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای] شایسته انجام دادند؛ پس برای آنان پاداشی بی پایان است. پس، بعد (از این دلایل)، چه چیزی تو را به تکذیب کردن (روز) جزا واداشت؟! آیا خدا داورترین داوران نیست؟!».

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در این آیات به چهار چیز سوگند یاد شده است تا بر اهمیت مطلب بعدی، یعنی آفرینش استوار و نظام مند انسان تأکید کند و نیز توجه انسان را به اهمیت این چهار چیز (انجیر، زیتون، کوه سینا و شهر مکه) جلب کند.

۲. در این آیات به دو میوه نیکو، یعنی انجیر و زیتون اشاره شده است که خواص غذایی زیادی دارند. انجیر غذایی پرانرژی است که قند طبیعی و ویتامین های لازم بدن را تأمین می کند. زیتون و روغن آن نیز برای سلامتی بدن و رفع برخی عوارض و بیماری ها

ص: ۳۹۹

مفید و سرشار از ویتامین و مواد لازم بدن است؛ از این رو در قرآن از آن به عنوان «درخت مبارک» یاد شده است. (۱)

در احادیث اسلامی نیز به خوردن این دو میوه سفارش شده است (۲) و از نظر کارشناسان تغذیه این دو میوه از اهمیت خاصی برخوردارند. (۳)

۳. «طور سینین» به معنای کوه پربرکت است و منظور همان کوه سیناست که در صحرای سینا بین مصر و فلسطین واقع شده و دارای درختان پر بار زیتون است. این کوه محل مناجات موسی علیه السلام بود و از این رو مکان مقدس به شمار می آید. (۴)

۴. منظور از «سرزمین امن» در این سوره، همان شهر مکه و اطراف آن است که حرم امن الهی شمرده می شود و در آن جا کسی حق تعرض به دیگری را ندارد و حتی افراد قاتل، حیوانات، درختان و پرندگان در آن جا در امنیت هستند.

۵. آفرینش انسان نظام مند و استوار است؛ یعنی خدا انسان را از نظر جسمی، روحی و عقلی موزون و معتدل آفرید، به طوری که شایستگی پیمودن راه صعود و کمال را دارد.

۶. دو راه فرا روی انسان تصویر شده است:

الف) راه سقوط به پایین ترین و خوارترین مراحل زندگی؛

ب) راه صعود به قله کمال و سعادت زندگی.

یعنی انسان هم می تواند با استفاده از استعدادهایش راه ایمان و عمل صالح را در پیش گیرد و از فرشتگان برتر گردد و هم می تواند راه ظلم و کفر و ناسپاسی را در پیش گیرد و از حیوانات، گمراه تر و پست تر گردد و از مقام انسانیت خود سقوط کند.

آری؛ انسان آزاد است و اختیار دارد که از حیوانات پست تر گردد و یا فراتر از فرشتگان پرواز کند.

ص: ۴۰۰

۱- (۱). برخی مفسران «تین و زیتون» را اشاره به دو کوه در شهر دمشق و بیت المقدس دانسته اند و یا «تین» را اشاره به دوران آدم و «زیتون» را اشاره به دوران نوح دانسته اند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۳۹).

۲- (۲). محاسن، ج ۲، ص ۴۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۸؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۷ و بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۱۸۰ - ۱۸۳.

۳- (۳). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۹، ص ۹۰ - ۱۳۰.

۴- (۴). برخی نیز آن را اشاره به کوهی در نزدیکی کوفه و سرزمین نجف دانسته اند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۰).

۷. منظور از «پایین ترین مراحل» که انسان در آن قرار گرفت، چیست؟

انسان وقتی آفریده شد در بهشت برین بود ولی بر اثر فریب شیطان به مرحله پست دنیا سقوط و هبوط کرد. خدا او را بر اثر کردارش پایین آورد ولی او استعداد و زمینه صعود به قله های کمال را دارد.

۸. افراد کمال طلب که راه ایمان را در پیش می گیرند و کردار شایسته انجام می دهند، پاداشی دایمی و غیر منقطع و بدون نقص و منت خواهند داشت. (۱)

۱۰. «دین»، گاهی به معنای آیین و گاهی به معنای «جزا» می آید؛ از این رو به رستاخیز، یوم الدین (روز جزا) گفته شده است. این آیه اشاره دارد که چگونه با این همه نشانه در آفرینش نظام مند و هدفمند انسان که هدف نهایی رستاخیز را ثابت می کنند را انکار می کنید؟! آیا نمی دانید که خدا بهترین داور است و در رستاخیز در مورد کارها و گفتارهای شما داوری می کند؟!

گویا باور نمی دارند روز داوری کاین همه کار دغل در کار داور می کنند

۱۱. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نقل شده که مقصود از «انجیر» در سوره فوق امام حسن علیه السلام و منظور از «زیتون» امام حسین علیه السلام است همان طور که منظور از «کوه سینا» امام علی علیه السلام و «شهر با امنیت» پیامبر صلی الله علیه و آله است.

الف) « مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ، عَنِ ابْنِ شَمُّونٍ، عَنِ الْأَصَمِّ، عَنِ الْبَطَلِ، عَنِ ابْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَوْلَهُ تَعَالَى: (وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ التِّينُ، الْحَسَنُ وَ الزَّيْتُونُ، الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا » . (۲)

ب) « فرات قال: حدثنا سهل بن أحمد الدينوري معننا، عن موسى بن جعفر عليه السلام أنه قال في قول الله تعالى: (وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ) قال: الحسن والحسين عليهما السلام (وَ طُورِ سِينِينَ) قال: علي بن أبي طالب عليه السلام (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) قال: محمد صلي الله عليه و آله (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا

ص: ۴۰۱

۱- (۱). واژه «غیر ممنون» از ماده «من» به معنای قطع و نقص است. برخی نیز احتمال داده اند که به معنای خالی بودن از منت باشد (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۵).

۲- (۲). تأویل الآيات، ج ۲، ص ۸۱۳، ح ۱؛ البحار، ج ۲۴، ص ۱۰۵، ح ۱۳ و البرهان، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۲.

الصّالِحَاتِ) أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب وشیعته (فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ) یا محمد! یعنی ولایه علی بن ابی طالب علیه السلام». (۱)

تحلیل

ظاهر این سوره سوگند به نعمت های الهی مثل انجیر و زیتون و ... است. اما احادیث فوق به باطن آیات سوره اشاره دادند. یعنی با الغاء خصوصیت به اهداف و فواید این میوه ها توجه کرده و با توسعه معنایی آیات به میوه های علمی و معنوی یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره کرده که در سرزمین امن خانواده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رشد کردند و در کنار کوه علم و تقوای امام علی علیه السلام پرورش یافتند. و هم چون میوه های پرفایده در اختیار بشریت قرار گرفتند که هر کس از این میوه ها بهره مند شود به سود خود اوست. چون به هدایت و سعادت نائل می شود.

نکته

در این احادیث امام حسن علیه السلام به «انجیر» تشبیه شده که میوه ای شیرین است و امام حسین علیه السلام به «زیتون» تشبیه شده که میوه ای غیر شیرین اما پرفایده و اصلاح گر بدن است. آری امام حسن علیه السلام با چهره شیرین صلح به میدان آمد اما امام حسین علیه السلام با چهره سرخ شهادت پا به میدان گذاشت تا مسیر امت را اصلاح کند.

پیام

امام حسین علیه السلام میوه پرثمر علمی و معنوی اسلام است. (که هر کس از آن بهره مند شود سعادت مند می گردد).

چهل و هفتم: سوره قدر

۱۰۰- نزول ملائکه در شب قدر بر اهل بیت صلی الله علیه و آله

قدر / ۱-۵. (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ)؛ «در حقیقت، ما آن (قرآن) را در شب قدر (اندازه زدن) فرو فرستادیم. و چه چیز تو را آگاه کرد که

ص: ۴۰۲

شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است! فرشتگان و روح در آن (شب)، به رخصت پروردگارشان، از برای (اندازه زدن) هر کاری فرود می آیند. آن (شب) تا طلوع سپیده دم، سلامت است!.

نکته ها و اشاره های تفسیری

۱. در آیات متعددی از نزول قرآن سخن گفته شده است؛ مثلاً در سوره «بقره» به نزول قرآن در ماه رمضان؛ (۱) در سوره «دخان» به نزول قرآن در شب با برکتی که در آن شب، هر امری طبق حکمت الهی تنظیم و جدا می شود؛ (۲) و در این سوره به نزول قرآن در شب قدر اشاره شده که فرشتگان و روح در آن شب فرود می آیند و امور بندگان را تنظیم می کنند.

از مجموع این آیات استفاده می شود:

الف) قرآن در شب نازل شده است؛

ب) آن شب در ماه رمضان است؛

ج) شب نزول قرآن، شبی با برکت است؛

د) در آن شب، تقدیرات امور مردم تعیین می شود.

۲. چرا به شب نزول قرآن، شب قدر می گویند؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده اند:

الف) واژه «قدر» یا به معنای «اندازه زنی» است و به این شب از آن رو قدر گویند که در آن شب، امور مردم اندازه زده می شود و تعیین می گردد؛

ب) قدر به معنای شرافت و عظمت است و از آن جهت به آن شب قدر گفته می شود که شبی با عظمت و عظیم القدر است؛

ج) آن شب را بدان جهت قدر نامند که قرآن با تمام قدر و منزلتش در آن شب نازل شده، یا مقدر شده که قرآن در آن شب نازل شود؛

د) شب قدر از آن جهت قدر است که هر کس آن شب را بیدار بماند صاحب قدر و منزلت معنوی می شود؛

ص: ۴۰۳

۱- (۱). (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)؛ (بقره / ۱۸۵).

۲- (۲). (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) (دخان / ۳-۴).

ه- (شب قدر شبی است که عرصه زمین به خاطر نزول فرشتگان زیادی بر آن، تنگ می شود. البته مانعی ندارد که آیات فوق به همه این معانی اشاره داشته باشد؛ هر چند تفسیر اول مشهورتر است. (۱)

۳. در این آیات از چند جهت به عظمت شب قدر اشاره شده است:

(الف) شب قدر ظرف نزول قرآن است؛

(ب) به پیامبر می فرماید: چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟!

(ج) شب قدر از هزار ماه برتر است؛

(د) شب قدر شب نزول فرشتگان و روح است؛

ه- (شب قدر شب سلامت، رحمت و برکت است.

۴. آیا به طور دقیق مشخص شده که شب قدر چه شبی از ماه مبارک رمضان است؟

در احادیث اسلامی روایت شده که بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام (۲) در این مورد سؤال شده است؛ اما آنان با این که از زمان آن شب اطلاع داشتند ولی مصلحت ندیدند که آن شب را دقیقاً مشخص سازند، تا مردم در شب های متعدد، به بیداری و دعا و عبادت پردازند. پیامبر اسلام علیه السلام همه شب های دهه آخر ماه مبارک رمضان را بیدار می ماند و عبادت می کرد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که: تقدیر کارها در شب نوزدهم، و استوار شدن آنها در شب بیست و یکم، و امضای آنها در شب بیست و سوم است. (۳)

و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که: شب قدر، شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است. و در برابر اصرار راوی در مورد تعیین آن شب، فرمود: چه آسان است دو شب برای آنچه می خواهی! (۴).

ص: ۴۰۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۸.

۲- (۲). کافی، ج ۲، ص ۱۵۶ و تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳- (۳). کافی، ج ۴، ص ۱۵۹؛ اقبال، ص ۶۴؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۶ و وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۴.

۴- (۴). کافی، ج ۴، ص ۱۵۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۹؛ امالی شیخ طوسی، ص ۶۹۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۵۸؛ بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۲ و تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۵.

از احادیث دیگر نیز استفاده می شود که اهل بیت صلی الله علیه و آله برای شب بیست و سوم اهمیت ویژه ای قایل بودند و حتی با حال بیمار به مسجد می رفتند و کودکان خود را بیدار نگاه می داشتند.

در روایت جُهنی روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردی که نمی توانست به مدینه بیاید شب بیست و سوم را مشخص کردند. (۱)

۵. این آیات یادآور عظمت قرآن نیز هست، بدین صورت که:

اولاً، قرآن در ظرف زمانی بزرگی هم چون شب قدر نازل شده است.

ثانیاً، خدا قرآن را نازل کرده، از این رو با تعبیر «ما»، که دلالت بر عظمت دارد از آن یاد کرده است.

۶. تعبیر «انا انزلناه» که جمع است، ممکن است اشاره به عظمت باشد، همان طور که بزرگان می گویند: «ما این کار را می کنیم». و یا اشاره به آن باشد که به وسیله فرشتگان قرآن را نازل کرده است؛ یعنی خدا همراه با فرشتگان، نازل کننده قرآن است.

۷. در این جا این پرسش مطرح است که مقصود از نزول قرآن در شب قدر چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش دو گونه پاسخ داده اند:

الف) با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده، و در طول عمر پیامبر صلی الله علیه و آله ، این نزول ادامه داشته است. (۲)

ب) قرآن دو نزول، دفعی و تدریجی، داشته است. نزول دفعی در شب قدر به یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله یا جای دیگر نازل شده است و نزول تدریجی در طول ۲۳ سال. (۳)

ص: ۴۰۵

۱- (۱). من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۶؛ مصباح المتهجد شیخ طوسی، ص ۶۲۷؛ مصباح کفعمی، ص ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۸؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳ و تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

۲- (۲). این مطلب مورد قبول آیت الله معرفت است. (ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، مبحث نزول قرآن) و شاهد آن، این است که آیات پایانی سوره قدر نمی تواند قبل از آیه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) نازل شده باشد؛ چون آیه اول، از نزول آنها در گذشته خبر می دهد.

۳- (۳). این مطلب مورد نظر بسیاری از مفسران، از جمله صاحب تفسیر المیزان و تفسیر نمونه است و شاهد آن را تفاوت معنای انزال و تنزیل دانسته اند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۲ و تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۰).

البته مانعی ندارد که سوره «فوق»، اشاره به هر دو مطلب باشد؛ یعنی نزول دفعی و آغاز نزول تدریجی، هر دو در شب قدر باشد، ولی تفسیر اول مناسب تر است. (۱)

۸. نزول قرآن و فرشتگان، به معنای نزول مکانی نیست، بلکه نزول مقامی و وجودی است؛ یعنی آنها از مقام و مراتب عالی وجود، از نزد خدا به مراتب پایین تر می آیند تا به انسان نزدیک شوند و قرآن برای انسان قابل فهم شود.

۹. فرشتگان و روح، در شب قدر فرود می آیند (۲) و مقدرات امور را مشخص می سازند. البته این بدان معنا نیست که بر سرنوشت انسان جبر حاکم است و انسان آزادی اراده ندارد، بلکه از طرفی تقدیر الهی بر اساس شایستگی و لیاقت افراد است، یعنی زمینه سازی این مقدرات، به دست خود انسان است و از طرف دیگر، برخی از این مقدرات، غیر حتمی و قابل تغییر است و انسان می تواند در مقام تحقق امور، با انتخاب خود، سرنوشت دیگری برای خود رقم زند؛ (۳) هر شب، قدر است اگر قدر بدانی.

۱۰. مقصود از «روح» در این سوره کیست؟

مفسران در این مورد اختلاف نظر دارند: برخی روح را همان «جبرئیل» دانسته اند و برخی نیز آن را به «وحی» الهی تفسیر کرده اند؛ و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که: روح، مخلوقی است بزرگ تر از فرشتگان. (۴)

۱۱. شب قدر، شبی آکنده از سلام است و تا طلوع سپیده دم این سلام ادامه دارد. مقصود از «سلام»، همان سلامتی و خیر و برکت است که در شب قدر با نزول فرشتگان بر مردم فرو می بارد و یا سلام فرشتگان به هم دیگر و به مؤمنان و یا سلام فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت است.

ص: ۴۰۶

۱- (۱). به نظر می رسد دو واژه «انزال» و «تنزیل» در قرآن در نزول تدریجی به کار رفته اند، و دلیل قاطعی و معنا و فایده محصلی برای نزول دفعی در دست نیست.

۲- (۲). «تنزل» مضارع است و دلالت بر استمرار دارد، پس نزول فرشتگان در شب قدر مخصوص زمان پیامبر و یک شب نبوده است.

۳- (۳). ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۴- (۴). کافی، ج ۱، ص ۳۸۶؛ بصائر الدرجات، ص ۴۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۱؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۳۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۶۰.

البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود آیه باشد، و اطلاق «سلام» به جای «سالم»، نوعی تأکید است؛ یعنی آن شب عین سلام، سلامتی و برکت است.

۱۲. در داستان ابراهیم علیه السلام آمده است که فرشتگان بر او سلام کردند (هود/ ۶۹) می گویند: از این سلام فرشتگان، لذتی به ابراهیم علیه السلام رسید که از تمام دنیا برتر بود و نیز از سلام فرشتگان بر او، آتش برایش گلستان شد.

حال اگر در شب قدر فرشتگان بر مردم سلام کنند و حقیقت آن درک شود، چه لذت و برکتی خواهد داشت؟! (۱)

شب قدری چنین عزیز و شریف با تو تا روز خفتم هوس است

(حافظ)

۱۳. شب قدر از هزار ماه (حدود هشتاد سال) برتر است؛ یعنی اگر کسی یک شب قدر بیدار بماند و عبادت کند، رحمت الهی و برکاتی بر او نازل می شود که از یک عمر او بلکه از هزاران ماه برتر است. (۲)

آری؛ در آن شب مقدرات انسان مشخص می شود، یعنی هر گونه توبه، خودسازی و دعا در سرنوشت و مقدرات آینده انسان مؤثر است، همان طور که قرآن که تعیین کننده خط سعادت انسان است، باید در شب قدر نازل شود که سرنوشت انسان را تعیین کند و شاید همین راز ارتباط شب قدر با نزول قرآن در آن شب باشد.

به عبارت دیگر، شب قدر به جهت نزول قرآن و اندازه زنی مقدرات در آن شب، فضیلتی مضاعف دارد که برای آن شب واقع شده است، همان طور که شهادت مولی علی علیه السلام به شب بیست و یکم، فضیلتی دیگر بخشیده است.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند

(حافظ)

۱۴. در این جا پرسشی که مطرح است این که با توجه به اختلاف طلوع و غروب خورشید و تفاوت شب و روز در مناطق مختلف کره زمین، شب قدر آن ها چگونه است؟

ص: ۴۰۷

۱- (۱). تفسیر کبیر، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ تفسیر وسیط، ج ۲، ص ۱۰۵۹ و تفسیر منیر، ج ۱۲، ص ۱۰۷.

۲- (۲). ممکن است واژه «الف شهر» عدد کثرت باشد، یعنی از ماه های زیادی بهتر است.

پاسخ آن است که، شبِ کره زمین در حقیقت ۲۴ ساعت است که سایه زمین یک دور می چرخد و نیم کره آن را تاریک می سازد. بنابراین، شب قدر ۲۴ ساعت است (۱) و از این رو حکایت شده که عظمت روز قدر کم تر از شب قدر نیست.

۱۵. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام سوره قدر را خواند در حالی که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نزد ایشان بودند، امام حسین علیه السلام پرسید: «گویا سوره قدر در دهان شما شیرین است».

امام علی علیه السلام فرمود: ای پس رسول و فرزندم، در حقیقت من چیزی را می دانم که تو نمی دانی، هنگامی که این سوره قدر نازل شد جدّ ما پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال من فرستاد و سوره را خواند و دستش را بر شانه راست من زد و فرمود: ای برادر و وصی من ... این سوره بعد از من در مورد توست و فرزند تو بعد از تو که برادرم جبرئیل وقایع امت را در هر سال برایم بیان می کند و آن ها را برای تو بیان می کند مثل وقایع نبوت، و برای آن نوری فروزنده در قلب تو و قلوب اوصیای توست تا هنگام طلوع فجر قائم علیه السلام .

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هُوذَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ يَأْسِدِنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ «قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: قَرَأَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) ۲ وَعِنْدَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «يَا أَبَتِيَا كَأَنَّ بَيْنَا مِنْ فِيكَ حَلَاوَةٌ؟ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِي إِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَمْ تَعْلَمْ، إِنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ بَعَثَ إِلَيَّ حَيْدُكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَرَأَهَا عَلَيَّ ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيَّ كَتِفِي الْأَيْمَنِ وَقَالَ: يَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَالِيَّ أُمَّتِي بَعْدِي وَحَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ، هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي وَلَوْلِدِكَ مِنْ بَعْدِكَ، إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَدَّثَ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سَيِّئَتِهَا، وَإِنَّهُ لَيَحَدِّثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النَّبِيِّ، وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۲)

تحلیل

این حدیث تفسیر آیه است و حقیقتی را بیان می کند که در ظاهر هر آیه وجود دارد. چرا که در آیه آمده است (تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) که فعل

ص: ۴۰۸

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۳.

۲- (۳) . البحار، ج ۲۵، ص ۷۰، ح ۶۰ و موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام ، ص ۸ - ۵۶۷.

«تَنْزَلُ» تنزل بوده، یعنی مضارع است. و فعل مضارع دلالت بر حال و آینده دارد یعنی استمرار را می‌رساند، پس نزول فرشتگان و آوردن اخبار همه امور و اعمال امت در هر شب قدر تکرار می‌شود. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان و بعد از وی نیز لازم است انسان‌های کاملی باشند که فرشتگان بر آن‌ها نازل شوند و گرنه خبر آیه صادق نخواهد بود و این خلاف حکمت الهی است. در این حدیث این حقیقت و مصادیق آن بعد پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است که یکی از آنان امام حسین علیه السلام است.

پیام‌ها

۱- امام حسین علیه السلام از انسان‌های کاملی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره امامتش در هر شب قدر فرشتگان بر او نازل شده و اعمال امت را عرضه می‌کردند.

۲- مفاد سوره قدر، در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تا امام عصر علیه السلام است که اعمال شما در هر شب قدر بر او عرضه می‌شود.

چهل و هشتم: سوره کوثر

۱۰۱- خیر کثیر و عطا پیامبر صلی الله علیه و آله

کوثر / ۱-۳. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَيِّرْ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)؛ «در حقیقت ما به تو (نیکی) فراوان عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. [چرا] که فقط (دشمن) کینه تو بریده نسل است».

شأن نزول

حکایت کرده‌اند: شخصی به نام «عاص بن وائل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و مشرکان از او پرسیدند باچه کسی صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است).

سوره فوق بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. (۱)

ص: ۴۰۹

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ نمونه بینات، ص ۸۸۶ و شأن نزول آیات، ص ۵۸۵.

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو پسر به نام قاسم و طاهر (عبدالله) از خدیجه داشت که هر دو در مکه از دنیا رفتند و ایشان بدون پسر باقی ماند (۱). این موضوع باعث شد تا دشمنان زبان بگشایند و آن حضرت را «أبتر» یعنی «بریده نسل» بخوانند، چراکه آنان می پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه پدر است؛ از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پسر نداشت برنامه هایش تعطیل می شد.

۲. سوره کوثر چند خبر اساسی را اعلام کرده است که برخی، آن ها را پیش گویی های اعجاز آمیز قرآن دانسته اند: (۲)

الف) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خیر فراوانی هم چون پیروزی اسلام بر کفر (۳)، و موهبتی هم چون فاطمه علیها السلام می دهد که برنامه ها و نسل او را تداوم می بخشد.

ب) دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بریده نسل خواهند شد و برنامه ها و عظمت دودمان آن ها باقی نخواهند ماند؛ همان طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمانشان باقی نیست.

۳. در این سوره بیان شده که به شکرانه نعمت کوثر، پیامبر صلی الله علیه و آله باید نماز بگزارد و قربانی کند. البته برخی مفسران معتقدند که مقصود نماز و قربانی روز عید قربان است، ولی معنای آیه گسترده است و شامل هرگونه نماز و قربانی می شود.

این سوره در حقیقت، آموزشی است برای همه رهبران الهی و مسلمانان تا برای ادای شکر نعمت های بزرگ الهی به نماز و قربانی رو آورند و پیوند خود را با خدا و خلق محکم تر و نیاز معنوی خویش و نیاز مادی غذایی بینوایان را برطرف سازند.

۴. «نَحْر» در اصل به معنای گلوگاه و نیز «کشتن شتر» است و از آن جا که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ، شتر اهمیت ویژه ای داشت، به مصداق کامل قربانی، یعنی کشتن شتر اشاره شده است. اما مفسران قرآن معانی دیگری نیز برای آن بیان کرده اند:

ص: ۴۱۰

۱- (۱). البته پیامبر اسلام در مدینه نیز با «ماریه قبطیه» ازدواج کرد و از او پسری به نام ابراهیم داشت که در کودکی وفات کرد (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۸۳).

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶.

۳- (۳). جمله «اعطیناک» ماضی است، اما ممکن است به معنای مضارع متحقق الوقوع باشد که به شکل ماضی بیان شده است.

- مقصود از «نحر» ایستادن رو به قبله در هنگام نماز است، چون یکی از معانی این واژه، روبه رو شدن است.

- مقصود بلند کردن دست‌ها در هنگام تکبیر گفتن در نماز است؛

- و یا این که در هنگام رکوع، کمر انسان کاملاً صاف باشد.

دو مورد اخیر در احادیث اسلامی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. (۱)

البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود و مصداق آیه باشد، ولی معنای اول با ظاهر آیه و معنای سوم با ذکر نماز قبل از نحر سازگارتر است.

۵. «آبتر» به معنای «حیوان دم بریده» است و به انسان‌هایی که نسلشان قطع شده نیز گفته شده است. به کاربرد این تعبیر در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی توهین به ایشان بود؛ از این رو خدا در مورد دشمنان او نیز از همان تعبیر استفاده کرد و آنان را دشمن کینه توزی خواند که دشمنی آن‌ها همراه با قساوت، رذالت و بی ادبی است.

۶. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جز یک دختر باقی نماند و تمام نسل ایشان از فاطمه علیها السلام ادامه یافت و این در حالی است که آمار فرزندان فاطمه علیها السلام در آستانه قرن پانزدهم هجری قمری و قرن بیستم میلادی در جهان، بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. (۲)

اما از نسل دشمنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هیچ نام و رسمی باقی نمانده است.

۷. در این سوره از دادن کوثر با لفظ «عطا» یاد شده که عظمت آن را می‌رساند و نیز از ضمیر جمع (انّا) و از تأکید (انّ) عظمت نعمت کوثر استفاده می‌شود که تاکنون گوشه‌ای از آن برای ما روشن شده است. آری؛ خدا زحمات رهبران الهی را ارج می‌نهد و در عوض به آنان خیر فراوان عطا می‌کند.

۸. «کوثر»، از ریشه «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است، و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می‌شود.

ص: ۴۱۱

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ فقه القرآن راوندی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۳ و وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰.

۲- (۲). در برخی کشورها پیش‌وند «سید» یا «شریف» در شناسنامه سادات اضافه می‌شود، اما در برخی کشورها اینگونه نیست از این رو آمار دقیق سادات در جهان در دست نیست ولی آمار فوق را برخی بزرگان مثل آیت الله جعفر سبحانی در سخنرانی‌ها و همایش‌ها بیان کرده‌اند.

مفسران قرآن در مورد معنای کوثر چند احتمال داده اند؛ از جمله: کثرت فرزندان فاطمه علیهم السلام، نهری در بهشت، (۱) حوض کوثر (۲) (که مؤمنان در هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می شوند). قرآن، نبوت، کثرت اصحاب و یاران، شفاعت (۳)، پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ ها و نیز علمای امت او (۴) که فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام هستند.

البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که شامل همه این مصادیق و موارد بشود؛ هر چند با توجه به قرینه ذیل سوره (یعنی بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن، احتمال اول مناسب تر است.

آری؛ این فاطمه علیها السلام است که خود شفاعت کننده امت است و فرزندان هم چون نهری بهشتی در بین بشریت جاری شده و همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد علیهم السلام سیراب می کنند و تداوم بخش نبوت و پاس داران قرآن اند و با رهبری شان پیروزی های بزرگ علمی و معنوی برای مسلمانان به وجود آورده اند.

۹. همان طور که گذشت در برخی احادیث کوثر به نسل فاطمه علیها السلام و نیز به نهری در بهشت اطلاق شده که مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. (۵) از جمله در روایتی آمده است که درختان زیادی در کنار این نهر می باشد که در بهشت موسیقی طرب انگیزی ایجاد می کنند که همگان را مدهوش می نماید.

«محمد بن العباس، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هُوْدَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَيَّمُوا الْغَدَاةَ ثُمَّ التَّفَّتْ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! مَا هَذَا النُّورُ الَّذِي أَرَاهُ قَدْ غَشَيْكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَصَابَتْنِي جَنَابَةٌ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَأَخَذْتُ بَطْنَ الْوَادِي وَلَمْ أُصِبِ الْمَاءَ فَلَمَّا وَلَّيْتُ نَادَانِي مُنَادٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَالْتَفَتُ فَإِذَا خَلْفِي إِبْرِيْقٌ مَمْلُوءٌ مِنْ مَاءٍ فَأَغْتَسَلْتُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ!

ص: ۴۱۲

۱- (۱). در روایات پیامبر صلی الله علیه و سلم و اهل بیت علیهم السلام به این موارد اشاره شده است (جعفریات، ص ۲۵۱؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶ و ۲۴ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۲).

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۷ و تفسیر صافی، همان جا.

۳- (۳). تفسیر صافی، همان جا.

۴- (۴). تفسیر نمونه و تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل سوره.

۵- (۵). ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶ و ۲۴ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۲.

أَمَّا الْمُنَادِي فَجَبْرِئِيلُ وَالْمَاءُ مِنْ نَهْرٍ يُقَالُ لَهُ: الْكَوْثَرُ، عَلَيْهِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ شَجَرَةٍ، كُلُّ شَجَرَةٍ لَهَا ثَلَاثَةٌ مَائَةٍ وَسِتُّونَ غُضِيَّةً فَإِذَا أَرَادَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الطَّرْبَ، هَبَّتْ رِيحٌ فَمَا مِنْ شَجَرَةٍ وَلَا غُضْنٍ إِلَّا وَهُوَ أَهْلَى صَوْتًا مِنَ الْآخِرِ وَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنْ لَا يَمُوتُوا، لَمَاتُوا فَرِحًا مِنْ شِدَّةِ حَلَاوَةِ تِلْكَ الْأَصْوَاتِ. وَهَذَا النَّهْرُ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَهُوَ لِي وَلِكَ وَلِفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ شَيْءٌ». (١)

تحليل

«کوثر» به معنای خیر کثیر است که بر اساس قرائن درون سوره (مثل ابتر) شامل فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از نسل فاطمه علیها السلام می شود و بر اساس احادیث به نهری بهشتی که مخصوص اهل بیت علیهم السلام اطلاق شده است که در هر دو صورت شامل امام حسین علیه السلام می شود. این گونه احادیث نوعی تفسیر و توضیح آیه است که مصادیق آن را نام می برد و مانعی ندارد که آیه همه موارد را شامل شود چون خیر کثیر می تواند شامل همه آن ها باشد.

پیام

۱- امام حسین علیه السلام از مصادیق خیر کثیر است که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داده شد.

۲- امام حسین علیه السلام یکی از صاحبان حوض کوثر بلکه خود کوثر است. (۲)

ب: بررسی موضوعی آیات الحسین

ص: ۴۱۳

۱- (۱). تأویل الآيات، ج ۲، ص ۸۵۷، ح ۴؛ البحار، ج ۸، ص ۲۶، ح ۲۷ وفي نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۸۲، ح ۱۲ مع اختلاف، البرهان، ج ۴، ص ۵۱۳، ح ۷.

۲- (۲). این بخش از کتاب (تفسیر آیات مربوط به امام حسین علیه السلام) در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۴ ش، مطابق با نهم محرم ۱۴۳۳ق، تاسوعای حسینی در شهر مقدس قم به اتمام رسید. والحمد لله رب العالمین

۱. آیت الله عبدالله جوادی آملی، تسنیم، قم، انتشارات اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۲. آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، به سوی آفریدگار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۳. آیت الله محمد هادی، معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۹ش.
۵. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۶. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱ش.
۸. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، میرزا محمد ملک الکتاب، بمبئی، ۱۳۰۵ق.
۹. ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، عده الداعی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزه،: ۱۴۰۵ق.
۱۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، قم، الأمالی، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ابوالحسن بلاذری، فتوح البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸م.

۱۴. ابوالحسن علی بن احمد واحدی النیشابوری، اسباب النزول، بیروت، المكتبه العصریه، ۱۴۲۵ق.
۱۵. ابوالفتح رازی حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۸ق.
۱۶. ابوالقاسم جعفر ابن قولویه قمی، کامل الزیارات (المزار)، نجف، انتشارات مرتضویه، ۱۳۶۵ق.
۱۷. ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبه الرضویه، ۱۳۳۲ش.
۱۸. ابوالقاسم سید علی بن موسی سید بن طاووس، التحصین لأسرار مازاد من اخبار کتاب الیقین، قم، موسسه دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۹. ابوالقاسم سید علی بن موسی سید بن طاووس، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۰ق.
۲۰. ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۱. ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، التحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الاولى، ۱۴۱۷ق.
۲۲. ابوجعفر محمد بن جریر ابن جریر طبری آملی مازندرانی، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.
۲۳. ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۸ق.
۲۴. ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

٢٥. ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، الغيبة، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ١٤١١ق.
٢٦. ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، علل الشرايع، قم، مكتبه الداوري، ١٣٨٦ق.
٢٧. ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، معانى الاخبار، قم، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزة، ١٣٦١ق.
٢٨. ابو جعفر محمد بن علي ابن ابي جمهور احسايني، عوالي اللآلي، قم، انتشارات سيد الشهداء عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٢٩. ابو حيان محمد بن يوسف اندلسي، البحر المحيط في التفسير، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٠ق.
٣٠. ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخاري، صحيح بخاري، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٠ق.
٣١. ابو علي فضل بن حسن امين الاسلام طبرسي، (صاحب مجمع البيان)، اعلام الوري بأعلم المهدي، قم، انتشارات دارلكتب الاسلاميه، چاپ سوم، بي تا.
٣٢. ابي مؤيد خوارزمي، مقتل الحسين خوارزمي، سيد محمد تيجاني سماوي، انوار الهدى، ١٣٨١ش.
٣٣. احمد ابن حنبل، مسند احمد، بيروت، داراحياء التراث العربي، الطبعة الثالثه، ١٤١٥ق.
٣٤. احمد بن حجر هيثمي، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.
٣٥. احمد بن علي ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ١٣٩٠ق.
٣٦. احمد بن علي طبرسي، الاحتجاج، قم، انتشارات اسوه، ١٤١٦ق.
٣٧. احمد مصطفى مراغي، تفسير مراغي، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٨ق.
٣٨. احمد بن محمد بن خالد برقي، محاسن، قم، دار الكتب الإسلاميه، ١٣٧١ش.
٣٩. اسماعيل بن علي ابوالفداء، تاريخ ابو الفداء «المختصر في اخبار البشر»، بيروت، بي تا.

۴۰. اسماعیل حقی البروسوی، روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۵ق.
۴۱. اسماعیل عجلوئی الجراحی، کشف الخفاء و نریل الالباس، بی جا، دارالکتب العلمیه، الطبعة الثانیه، ۱۴۰۸ق.
۴۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، بی تا.
۴۳. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۴. امام زین العابدین علیه السلام، الصحیفه السجادیه، نشر الهادی، ۱۳۷۶ق.
۴۵. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، تدوین سید رضی، قم، انتشارات دارالهجره، (نسخه صبحی صالح).
۴۶. تاج الدین محمد شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۴۷. تفسیر الامام العسکری علیه السلام منسوب به امام عسکری علیه السلام، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۸. ثعلبی، تفسیر الثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۴۹. جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، الدر المنتشر فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۰. جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۳ق.
۵۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ق.
۵۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق شیخ محمد باقر بهبودی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۵۳. حرانی حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۵۴. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵۵. حسن بن ابی الحسن دیلمی، أعلام الدین فی صفات المومنین، قم، موسسه آل البین، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۵۶. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر علامه حلّی، کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین علیه السلام، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلام، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۵۷. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر علامه حلّی، نهج الحق و کشف الصدق، قم، موسسه دار الجهره، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۵۸. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب حسن مصطفوی، ۱۳۶۰ش.
۵۹. حسین توفیقی، نگاهی به ادیان زنده جهان، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ش.
۶۰. خواجه عبدالله انصاری، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۶۱. دکتر سیدرضا مؤدب، اعجاز قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۶۲. دکتر محمد علی رضائی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۶۳. دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، قرآن و آزادی، مجله قرآن و علم، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸ش.
۶۴. دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)، روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ش.
۶۵. رشیدالدین محمد بن شهر ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.

٦٦. سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى، ينابيع الموده لذوى القربى، التحقيق سيد على جمال اشرف الحسينى، بى جا، دارالاسوه، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٦٧. سيد بن طاووس، اللهوف على قتلى الطفوف، ترجمه احمد فهى زنجانى، تهران، انتشارات جهان، ١٣٤٨ش.
٦٨. سيد قطب، تفسير فى ظلال القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى، الطبعة الخامسة، ١٣٨٦ق.
٦٩. سيد محمد الواحدى، الحسين عليه السلام فى القرآن، مشهد، اللاهيجى، طبعه الأولى، ١٤١٨ق.
٧٠. سيد محمود الأوسى، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع الثانى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
٧١. سيد محمود طالقانى، پرتويى از قرآن، تهران، نشر شركت سهامى، ١٣٨١ش.
٧٢. سيد نعمت الله جزائرى، قصص الانبياء و المرسلين عليهم السلام، قم، انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.
٧٣. سيد هاشم بحراني، البرهان فى تفسيرالقرآن، تهران، بنياد بعثت، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٧٤. سيد هاشم حسيني بحراني، تفسير البرهان فى تفسير القرآن، قم، دارالكتب العلميه، ١٣٣٤ش.
٧٥. شرف الدين على الحسينى الإسترآبادى، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، قم، مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٧ق.
٧٦. شيخ عباس قمى، سفينه البحار، تهران، دارالاسوه للطباعة و النشر، ١٤١٦ق.
٧٧. شيخ عبدالله بحراني، العوالم (الامام الحسين عليه السلام)، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام، بى تا.
٧٨. صدرالدين بلاغى، قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن، تهران، نشر امير كبير، ١٣٤٥-١٣٤٩ق.
٧٩. طبرسى، مكارم الاخلاق، منشورات الشريف الرضى، بى جا، الطبعة السادسة، ١٣٩٢ق.
٨٠. طبرى، تفسير طبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن)، بيروت، دارالمعرفه.

٨١. عبدالحسين امينى، الغدير فى الكتاب و السنّه والادب، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٦.
٨٢. عبدعلى بن جمعه العروسى الحويزى، تفسير نورالثقلين، قم، المطبعه العلميه، ١٣٨٣ق.
٨٣. عبدالله ابن عمر بيضاوى، انوار التنزيل واسرار التأويل، بيروت، نشر دارالفكر، ١٤١٦ق.
٨٤. عبدالواحد بن محمد تيمى آمدى، غرر الحکم ودرر الکلم، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزة، چاپ اول، ١٣٦٦ق.
٨٥. عبدعلى بن جمعه جويزى عروسى، نورالثقلين، قم، المطبعه العلميه، الطبعة الثانيه، ١٣٨٣ق.
٨٦. علاءالدين حجازى، صحيفه الرضا، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام، ١٤٠٨ق.
٨٧. علامه سيد محمد حسين طباطبائى، الميزان فى تفسير القرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ١٣٧٩ش.
٨٨. علامه سيد محمد حسين طباطبائى، تفسير الميزان فى تفسير القرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ١٣٧٩ش.
٨٩. علامه محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، تهران، المكتبه الاسلاميه، ١٣٥٨ق.
٩٠. علم الهدى محمد بن محسن فيض كاشانى، التفسير الصافى، تهران، مكتبه الصدر، چاپ دوم، ١٣٧٤ش.
٩١. علم الهدى محمد بن محسن فيض كاشانى، معادن الحكمة فى مكاتب الائمه عليهم السلام، تهران، مكتبه الصدوق، ١٣٨٨ش.
٩٢. على ابن ابراهيم قمى، تفسير القمى، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، الطبعة الاولى، ١٤٢٠ق.
٩٣. على بن ابى الكرم الشيبانى (ابن اثير)، الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صادر، ١٣٨٥.
٩٤. على بن الحسن الطبرسى، مشكاه الانوار، نجف، المكتبه الحيدريه، ١٣٨٥ق.
٩٥. على بن بابويه قمى، فقه الرضا عليه السلام، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام، ١٤٠٦ق.

۹۶. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۹۷. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیه السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۹۸. علی بن محمد خزار قمی، کفایه الاثر فی نص علی الائمه الاثنی عشر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۹۹. علی بن یونس النباطی البیاضی، الصراط المستقیم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
۱۰۰. عماد الدین الطبری، بشاره المصطفیٰ لشیعه المرتضیٰ، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ق.
۱۰۱. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۰۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۱۰۳. فضل بن حسن الطبرسی (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۵ش.
۱۰۴. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، قم، موسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۰۵. قطب الدین ابوالحسن راوندی کاشانی (ابوالحسین) شعبده، قصص الانبیاء علیهم السلام، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۰۶. قطب الدین ابوالحسن راوندی کاشانی (ابوالحسین) سعید، فقه القرآن، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۰۷. کتاب مقدس، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها)، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲م.
۱۰۸. محدث نوری حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، تحقیق و نشر موسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۰۹. محسن قرائتی، تفسیر نور، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ش.

۱۱۰. محمد بن ابراهيم النعماني، الغيبة، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۱۱۱. محمد بن احمد ذهبي، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، دار الفكر.
۱۱۲. محمد بن احمد قرطبي، الجامع الاحكام للقرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۱۱۳. محمد بن احمد قرطبي، تفسير قرطبي، (الجامع لاحكام القرآن)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۶ق.
۱۱۴. محمد بن الحسن الحر العاملي، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، قم مطبعة العلميه بي تا.
۱۱۵. محمد بن الحسن الفتال، روضه الواعين، قم، دارالرضي.
۱۱۶. محمد بن الحسن بن فروخ الصفار الصفار، بصائر الدرجات، قم، مكتبة آيت الله المرعشي، ۱۴۰۴ق.
۱۱۷. محمد بن الحسن حر عاملي، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، موسسه آل البيت، لاحياء التراث العربي، ۱۴۰۹ق.
۱۱۸. محمد بن جرير طبري، تاريخ الامم و الملوك (تاريخ طبري)، التحقيق نخبه من الماء الاجلاء، بيروت، موسسه الاعلمي، بي تا.
۱۱۹. محمد بن حسن شيخ طوسي، التبيان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ق.
۱۲۰. محمد بن حسن شيخ طوسي، مصباح المتهدج، بيروت، موسسه فقه الشيعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲۱. محمد بن حسين بن عبدالصمد عاملي شيخ بهائي، مفتاح الفلاح من عملا ليوم والليله من الواجبات والمستجاب، بيروت، دار لاضوا، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۲۲. محمد بن علي بن بابويه شيخ صدوق، امالي، تهران، كتابفروشي اسلاميه، ۱۳۸۰ق.
۱۲۳. محمد بن علي بن بابويه شيخ صدوق، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شريف رضي، ۱۳۶۴ش.
۱۲۴. محمد بن علي بن بابويه شيخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثه، قم، انتشارات مكتبه الداوري، كتاب حاضر عكس برداري شده از چاپ دوم مطبعة الآداب نجف، چاپ دوم است.

۱۲۵. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

۱۲۶. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۱۲۷. محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق.

۱۲۸. محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.

۱۲۹. محمد بن عمر فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، مصر، مطبعه البهیة المهریه.

۱۳۰. محمد بن محمدرضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۳۱. محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی سمرقندی المعروف بالعیاشی، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.

۱۳۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۱۳۳. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۱۳۴. محمد تقی بن محمد علی سپهر، ناسخ التواریخ امام حسین علیه السلام، قم، نشر ناصر، ۱۳۸۳ش.

۱۳۵. محمد جواد محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۹ش.

۱۳۶. محمد خزائلی، اعلام القرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.

۱۳۷. محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه الطبعة الثالثة، بی تا.

۱۳۸. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.

۱۳۹. محمد مهدی حائری، معالی السبطين فی احوال الحسن والحسین، قم، بی جا، ۱۳۸۳ش.

١٤٠. محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق)، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تصحيح حسن اعلمى، بيروت، مؤسسه اعلمى، ١٤٠٤ق.

١٤١. محمد رضا مظفر، اصول الفقه، تهران، انتشارات المعارف الاسلاميه، ١٣٦٨ش.

١٤٢. محمود بن عمر الزمخشري، تفسير كشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالكتب، ١٤٠٠ق.

١٤٣. ملافتح الله كاشاني، زبده التفاسير، قم، تحقيق و نشر بنياد معارف اسلامى، چاپ اول، ١٤٢٣ق.

١٤٤. موسوعه كلمات الامام حسين عليه السلام، قم، دارالمعروف للطباعه و النشر، تحت اشراف لجنه الحديث، معهد تحقيقات باقر العلوم، الطبع الاولى، ١٣٧٣ش.

١٤٥. نعمان بن محمد التميمى المغربى، دعائم الإسلام، مصر، دار المعارف، ١٣٨٥ق.

١٤٦. نورالله التستري، احقاق الحق، بي نا، بي جا، بي تا.

١٤٧. نهج الفصاحه، مترجم و گردآورنده ابوالقاسم پاينده، سازمان انتشارات جاويدان، چاپ هفدهم.

١٤٨. وهبه بن مصطفى زحيلي، تفسير الوسيط، دمشق، ناشر دارالفكر، ١٤٢٢ق.

١٤٩. وهبه بن مصطفى زحيلي، تفسير منير، دارالفكر، ١٩٩١م.

١٥٠. يحيى بن حسن اسدى حلى، العمده (عمده عيون صحاح الاخبار فى مناقب امام الابرار)، قم، مؤسسه انتشارات اسلامى، ١٤٠٧ق.

ص: ٤٢٤

زندگی نامه دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

تولد: ۱۳۴۱/۲/۱ ش (۱۹۶۲ میلادی - ۱۳۸۳ قمری)

تحصیلات: الف: دکتری علوم قرآن و حدیث (دانشگاه)

ب: سطح چهارم تفسیر و علوم قرآن (حوزه علمیه قم)

ج: سطح چهارم فقه و اصول (حوزه علمیه قم)

تدریس: ۲۶ سال در دانشگاه های اصفهان - علامه طباطبایی، رضوی، معارف و حوزه های اصفهان و قم و مشهد و جامعه المصطفی العالمیه.

کتاب ها: ۷۰ جلد از جمله تفسیر قرآن مهر (۲۲ جلد) - منطق تفسیر قرآن (۱ - ۴) - ترجمه قرآن - منطق ترجمه قرآن - پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۱ - ۲) - پرسش و پاسخ های قرآنی (۱-۱۲) - تفسیر قرآن مجید (مهر جوان) - ترجمه آموزشی قرآن (ترجمه قرآن مجید)

مقالات: بیش از ۱۲۰ مقاله تخصصی (۱۵ مقاله علمی - پژوهشی و ۳ مقاله برگزیده)

ترجمه آثار: ۳۰ اثر به ۹ زبان زنده دنیا. (انگلیسی - عربی - اردو - آذری - هندی - تایلندی - بنگالی - مالایو - روسی)

نرم افزارها: ۱۰ مورد (از جمله نرم افزارهای آثار مکتوب - تفسیر گویای مهر - سخنرانی ها و...)

مسئولیت ها: عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (استاد)

مدیر مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه - مدیر مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی - سردبیر علمی دو مجله تخصصی قرآن و علم، قرآن پژوهی خاورشناسان.

برگزیدگی: احراز ۲۱ رتبه علمی و جایزه از مراکز، همایش ها و جشنواره ها و دانشگاه ها و حوزه ها.

تخصص ها: مباحث میان رشته ای قرآن و علم - قرآن و مستشرقان.

طراحی و تأسیس: تأسیس انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و موسسه پژوهش های قرآنی المهدی و مرکز پژوهش های قرآن کریم المهدی و دو مجله تخصصی و طراحی ۲۰ رشته قرآنی و حدیثی در سطح کارشناسی، ارشد و دکتری که به تصویب وزارت علوم رسید.

آدرس: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی. تلفکس: ۳۷۷۳۴۰۹۴
- ۰۲۵ ؛ Rezaee@quransc.com

ص: ۴۲۵

۱. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱، قرآن شناسی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۲. پرسش های قرآنی جوانان ج ۲، مبحث اعتقادی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۳. پرسش های قرآنی جوانان ج ۳، قرآن و علوم تجربی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۴. پرسش های قرآنی جوانان ج ۴، روابط دختر و پسر، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۵. پرسش های قرآنی جوانان ج ۵، پیامبر مهر، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۶. پرسش های قرآنی جوانان ج ۶، مهدویت، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۷. پرسش های قرآنی جوانان ج ۷، قرآن و علوم طبیعی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۸. پرسش های قرآنی جوانان ج ۸، قرآن و علوم انسانی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۹. پرسش های قرآنی جوانان ج ۹، فلسفه احکام و تربیت، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۱۰. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱۰، شبهات جدید، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۱۱. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱۱، شبهات معاصر، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.
۱۲. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱۲، شبهات نوین، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و

جمعی از پژوهشگران.

۳۴-۱۳. تفسیر قرآن مهر ۲۲ جلدی، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳۵. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳۶- تفسیر قرآن مهر، سوره توبه، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳۷- تفسیر قرآن مهر - مهر جوان (تفسیر کامل تک جلدی)، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳۸- ترجمه آموزشی قرآن مجید، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳۹- فلسفه احکام ۱، (حکمت ها و اسرار علمی احکام بهداشتی اسلام)، آیت الله اهتمام.

۴۰- فلسفه احکام ۲، (حکمت ها و اسرار نماز)، آیت الله احمد اهتمام و دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۴۱- آموزه های عاشورا، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۴۲- پرتوی از شگفتی ها و اعجازهای علمی و بلاغی قرآن، دکتر لیب بیضون.

۴۳- تعامل قرآن و علوم، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۴۴. مراحل انس با قرآن - دکتر محمد فاکر میدی

۴۵-۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (ج ۱ و ۲)، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

۴۷. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو

۴۸. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری

۴۹. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان

۵۰. اعجازها و شگفتی های علمی قرآن - محمد علی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۵۱. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی

۵۲. پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر و امام صادق علیه السلام، دکتر لاله افتخاری.

۵۳. قرآن و کیهان شناسی، سید عیسی مسترحمی.

۵۴. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، سید حیدر طباطبایی.

۵۵. شگفتی های پزشکی در قرآن، حسن رضا رضایی.

ص: ۴۲۸

۵۶. انس با قرآن (سیر مطالعاتی در دانش های قرآن)، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.
۵۷. مدیریت علوی (حکمت ها و آموزه های مدیریتی عهدنامه مالک اشتر)، حسن علی اکبری.
- ۷۰-۵۸. مجله تخصصی قرآن و علم (۱-۱۳).
- ۸۶-۷۱. مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان (۱-۱۵).
۸۷. شگفتی های پزشکی در نهج البلاغه، حسن رضا رضایی.
۸۸. تعارضات عقاید و هابیت با قرآن، ابوالمصطفی.
۸۹. سیمای سوره های قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.
۹۰. سلامتی و بهداشت در صحیفه سجادیه، حسن رضا رضایی.
۹۱. راهکارهای حضور قلب در نماز، ابراهیم رضایی آدریانی.
۹۲. انس با قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.
۹۳. تفسیر آیات الحسین علیه السلام، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی
۹۴. دانشنامه میان رشته ای قرآن و علوم (ج ۱-۶)، جمعی از پژوهشگران.
۹۵. تفسیر آیات حج، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی
۹۶. تربیت اجتماعی کودک از منظر قرآن، مهدیه رضایی رنایی.
- ب. کتاب های در دست انتشار
۱. فلسفه احکام (۳)، خداشناسی از راه کیهان شناسی - احمد اهتمام.
۲. قرآن و مدیریت، محسن ملاکاظمی.
- ۳-۹. قرآن و علوم تربیتی (ج ۱-۸)، جمعی از پژوهشگران.
۱۱. ترجمه تفسیری قرآن، جمعی از پژوهشگران.
۱۲. قرآن و فرهنگ، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.

۱۳. اعجاز علمی قرآن (در حوزه علوم انسانی)، جمعی از پژوهشگران زیر دکترا محمدعلی رضایی اصفهانی.

۱۴. اعجاز علمی قرآن (در حوزه علوم طبیعی)، جمعی از پژوهشگران زیر دکترا محمدعلی رضایی اصفهانی.

ص: ۴۲۹

الف. خرید حضوری

به مراکز پخش که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. آذربایجان شرقی، تبریز، خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان ساعت، روبه روی خیابان تربیت، کتابفروشی شهید شفیع زاده، ۰۴۱۱-۵۵۶۳۴۶۷۰
۲. آذربایجان شرقی، تبریز، شهرستان مرند، خیابان پروین اعتصامی، روبه روی بانک صادرات، کتابفروشی اهل بیت، پ ۳۴، ۰۴۹۱-۲۲۵۷۴۴۷
۳. آذربایجان غربی، ارومیه، جاده سلماس، پشت کارخانه ماکارونی چی چست، کوچه نانوائی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام صادق، ۰۹۱۴۳۸۸۷۶۶۹
۴. اردبیل، ما بین عالی قاپو و باغیشه، روبروی دبیرستان بهار، نمایشگاه دائمی ولایت، ۰۴۵۱-۲۲۵۳۸۰۰
۵. اصفهان، چهارباغ پایین، روبروی اداره کل تربیت بدنی، جنب بانک صادرات، کتابسرای حکمت اصفهان، ۰۲۲۴۰۶۰۸-۰۳۱۱
۶. اصفهان، خ شهرداری، اول خ ابوذر، روبروی بازار حمام قدیم، کتابفروشی اندیشه اصفهان، ۰۳۱۱-۷۳۹۰۱۴۰
۷. اصفهان، شهرضا، خ شهید بهشتی، مجتمع علی ابن ابیطالب، کتاب شهر ایران، ۰۳۲۱-۲۲۳۹۶۹۳
۸. اصفهان، کاشان، میدان امام خمینی، ابتدای خ ابوذر ۲، جنب بیمه البرز مرکزی، انتشارات قانون مدار، پ ۳۲ - ۴۴۷۱۰۱۴-۰۳۶۱
۹. اصفهان، نجف آباد، خ منتظری شمالی، جنب حوزه امام المنتظر، فروشگاه انتشارات انصار الامام المنتظر، ۰۳۳۱-۲۵۱۲۶۰۰
۱۰. افغانستان، کابل، پل سرخ، قلعه وزیر، مدرسه رسالت، ۰۰۹۳۷۷۷۵۵۶۵۵۷ - ۰۰۹۳۷۹۹۵۵۶۵۵۷
۱۱. ایلام، خ فردوسی، بالاتر از تعاونی ۱۵، مؤسسه فرهنگی غدیر خم، ۰۸۴۱-۳۳۳۲۸۸۸
۱۲. پخش مرکزی: قم، خ سمیه، خ شهید رجایی، ک ۴، پ ۷۷ - ۳۷۷۳۴۰۹۴-۰۲۵

۱۳. تهران، خ انقلاب، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی (به نشر)، ۱۵۴۳-۶۶۴۰۲۱-۰.
۱۴. خراسان جنوبی، بیرجند، میدان شهداء، نبش حکیم نزاری ۱، نمایشگاه دائمی کتاب، ۲۲۲۴۴۹۵-۵۶۱-۰.
۱۵. خراسان رضوی، مشهد، سه راه ادبیات، نرسیده به جهاد دانشگاهی، چهار راه دکترا، بازار کتاب ناشران گلستان، ورودی ش ۲، کتابفروشی دیانت، ۸۴۴۴۵۶۳-۵۱۱-۰.
۱۶. خراسان رضوی، مشهد، میدان بیمارستان امام رضا، ابتدای خ رازی، انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، ۳۷-۰۵۱۱-۸۵۱۱۱۳۶.
۱۷. خوزستان، آبادان، ایستگاه ذوالفقاری، ۴۰ متری، روبه روی جایگاه گاز، مؤسسه قرآنی بصیرت، ۴۴۵۶۰۶۰ و ۴۴۵۱۴۵۰-۰۶۳۱.
۱۸. فارس، شیراز، میدان دانشجو، جنب خوابگاه قدس، کتابسرای قائم، ۶۲۹۴۱۱۱-۷۱۱-۰.
۱۹. قزوین، خ فلسطین، چهارراه عمران، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۳۳۵۷۵۳۴-۲۸۱-۰.
۲۰. قم، بلوار سمیه، میدان معلم، خ شهیدین، انتشارات نسیم حیات، ۳۷۷۴۹۷۵۰-۲۵-۰.
۲۱. قم، خ ۱۹ دی، میدان جهاد، کتابفروشی مجتمع آموزشی عالی امام خمینی (ره)، ۳۷۱۱۰۵۹۹-۲۵-۰.
۲۲. قم، خ حجتیه، روبروی درب مدرسه حجتیه، جنب بنیاد نهج البلاغه، ۳۷۷۳۰۵۱۷-۲۵-۰.
۲۳. قم، میدان دورشهر (جانبازان)، خ شهید فاطمی، نبش ک ۳، انتشارات زمزم هدایت، ۳۷۷۳۰۷۳۵-۲۵-۰.
۲۴. لرستان، خرم آباد، خ آیت الله کمال وند، جنب سینما استقلال، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۲۲۳۲۷۸۰-۶۶۱-۰.
۲۵. مازندران، بابل، جنب مسجد جامع، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز فرهنگی شهید، حاج بصیر، ۲۲۹۸۱۵۵-۱۱۱-۰.
۲۶. مرکزی، اراک، خ پاسداران، بعد از چهارسو، روبروی کامپیوتر مرکزی، کتابفروشی سادات، ۹۱۸۸۶۱۱۵۹۲-۰.
۲۷. همدان، خ شهداء، کوچه آخوند، کتابفروشی منتظران نور، ۲۵۱۷۴۰۵-۸۱۱-۰.
۲۸. یزد، خ امام خمینی، کتابفروشی نیکوروش، ۶۲۶۴۶۹۹-۳۵۱-۰.

ب. خرید غیر حضوری

۱. از طریق فاکس: ۳۷۷۳۴۰۹۴ - ۰۲۵

۲. خرید اینترنتی: www.quransc.com

۳. مسئول پخش (آقای اویسی): ۰۹۱۲۷۴۷۵۸۳۸

ص: ۴۳۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

